تصویر ابو عبد الرحمن الکردي

مجموعه کامل

محشّای قانون تجارت ایران

چاپ سوم با اصلاحات

مولف: دکتر محمود عرفانی

استاد دانشگاه تهران

دکتر دولتی حقوق از دانشگاه پاریس

بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه	:عرفانی، محمود، ۱۳۱۶-
عنوان قراردادی	: ایران، قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه کامل محشای قانون تجارت ایران. مولف دکتر محمود عرفانی.
مشخصات نشر	: تهران: جنگل، جاودانه ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری	: ۶۱۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۰۹۸-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۵۹۳-۵۹۴
یادداشت	: واژه‌نامه.
موضوع	: قانون تجارت - - ایران.
رده‌بندی کنگره	: KMH۹۲۰/ع۴م۳
رده‌بندی دیویی	: ۳۴۶/۵۵۰۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۱۹۶۸۰

عنوان کتاب: مجموعه کامل محشای قانون تجارت ایران

مؤلف: دکتر محمود عرفانی

ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه

ناظرفنی: امین لشکری

نوبت و سال چاپ: سوم، ۱۳۸۹

قطع و تیراژ: رقعی، ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال با جلد نفیس

چاپ: شرکت زیتون چاپ بهاران

صحافی: جنگل

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۰۹۸-۰

تلفن: ۶۶۴۸۲۸۳۰-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹ -۰۲۱ **http:// www.junglepub.org**

۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰-۹ **email:// Info@junglepub.org**

پیشگفتار

تفسیر مختصر مواد قانون تجارت در حقوق فرانسه تحت عنوان «Code annoté» سابقه مدیدی دارد که حقوق‌دانان در ذیل مواد قانون نظرات انتقادی، توصیفی و پیشنهادی خود را به رشته تحریر درآورده‌اند.

محشای قانون تجارت ایران شامل کلیه مواد قانون تجارت و آیین‌نامه‌های مربوط با آخرین اصلاحات می‌باشد. این کتاب به زبان ساده نگارش یافته و حاصل ۳۰ سال تجربیات تدریس و پژوهش در دانشگاه تهران و همچنین کار عملی به‌عنوان وکیل دادگستری در دعاوی داخلی و بین‌المللی می‌باشد.

امید است که این تفسیر مختصر، برای دانشجویان عزیز، قضات محترم و حقوق‌دانان علاقمند مفید واقع شود.

دکتر محمود عرفانی
استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران
تهران ـ مرداد ۱۳۸۶

علائم اختصاری

قانون تجارت ۱۳۱۱	ق.ت
لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷	ل.ا.ق.ت
قانون مدنی	ق.م
آیین‌نامه نحوه تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر ۱۳۶۷	آ.ن.ت.د
قانون مجازات اسلامی	ق.م.ا
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	ق.ا.ج.ا.ا
قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹	ق.م.م
قانون بخش تعاونی	ق.ب.ت
قانون آیین دادرسی مدنی	ق.آ.د.م
قانون اجرای احکام مدنی	ق.ا.ا.م
قانون ثبت	ق.ث
قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی	ق.ا.ت.ا.و
قانون صدور چک	ق.ص.چ
قانون مالیات‌های مستقیم	ق.م.م

فهرست کلیات

علائم اختصاری

قانون تجارت ۱۳۱۱	ق.ت
لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷	ل.ا.ق.ت
قانون مدنی	ق.م
آیین‌نامه نحوه تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر ۱۳۶۷	آ.ن.ت.د
قانون مجازات اسلامی	ق.م.ا
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	ق.ا.ج.ا.ا
قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹	ق.م.م
قانون بخش تعاونی	ق.ب.ت
قانون آیین دادرسی مدنی	ق.آ.د.م
قانون اجرای احکام مدنی	ق.ا.ا.م
قانون ثبت	ق.ث
قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی	ق.ا.ت.ا.و
قانون صدور چک	ق.ص.چ

فهرست مطالب تفصیلی

فهرست	مواد	صفحه

ثبت شرکت‌ها ـ مؤسسات

فهرست

مواد صفحه

فهرست　　　　　　　　مواد　　صفحه

باب اول

تجار و معاملات تجاری

ماده ۱ـ تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتی قرار بدهد.

توضیح:

ماده مذکور از قانون تجارت فرانسه (ماده ۱) اقتباس شده و همان مفهوم موضوعی حقوق تجارت "La théorie objective" می‌باشد که بعد از انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹ براساس اعلان اصل آزادی از جمله اشتغال به تجارت و صنعت، مقنن از آن پیروی نموده است.

کلمه تاجر که در ماده فوق به اطلاق برگزار شده، اعم از شخص حقیقی یا حقوقی است و منظور از معاملات تجاری همان اعمال ده گانه احصاء شده در ماده ۲ (ق.ت)[1] می‌باشد و تکرار عمل با توجه به کلمه «شغل معمولی» ضروری می‌باشد.

ماده ۲ـ معاملات تجارتی از قرار ذیل است:

۱. خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی در آن شده باشد یا نشده باشد.

---

۱. قانون تجارت

خود در مقابل اجرت انجام می‌دهند. مانند دلال، تعمیرکار رایانه و غیره.

توضیح ۴:

بند ۴ ماده ۲ (ق.ت):
بند ۴ راجع به تأسیس و راه‌اندازی هر نوع کارخانه که برای رفع نیاز شخصی نباشد، یعنی محصول یک واحد تولیدی یا صنعتی (کارخانه) به مردم عرضه شود.

توضیح ۵:

بند ۵ ماده ۲ (ق.ت):
عملیات حراجی عبارت از استفاده و بهره‌برداری از سالن‌هایی است که کالاها در آنجا به حراج گذاشته می‌شود. در حقوق فرانسه چنین مؤسساتی به انبارهای عمومی تشبیه شده است، و غرض از آنها حمایت از حقوق مشتریانی است که در حراج شرکت می‌نمایند. عملیات حراجی باید تکراری باشد تا تجارتی شناخته شود. به همین دلیل قانون‌گذار کلمه «تصدی» را در بند مزبور استفاده نموده است.

توضیح ۶:

بند ۶ ماده ۲ (ق.ت):
تصدی به هر قسم نمایشگاههای عمومی برابر بند مزبور اعمال کلیه نمایشگاه‌های عمومی مانند تئاتر، سیرک، سینما تجارتی می‌باشد، و علت آن ارتباط این قبیل مؤسسات با صنعت می‌باشد تا فروشندگان وسایل صنعتی به نمایشگاه‌های عمومی تضمینات کافی با توجه به ضمانت اجرائی شدید قانون تجارت داشته باشند.

توضیح ۷:

بند ۷ ماده ۲ (ق.ت):
هر قسم عملیات صرافی و بانکی در این بند تجارتی شناخته شده است.

عملیات صرافی بر روی پول‌های داخلی یا خارجی صورت می‌گیرد. عملیات بانکها نیز اعم از ملی و خصوصی تجارتی محسوب می‌شود.

توضیح ۸:

بند ۸ ماده ۲ (ق.ت):

معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیرتاجر باشد تجارتی محسوب می‌شود. منظور از بروات عبارت از براته به رؤیت، برات به وعده از تاریخ برات یا از تاریخ رؤیت و بالاخره برات به روز معین (مثلاً ۱۳۸۴/۷/۱) می‌باشد.

به موجب رأی اصراری شماره $\frac{۲۷۸۳}{۱۳۳۹/۹/۱۲}$ هیأت عمومی دیوان‌عالی کشور، صدور برات ذاتاً و به طور مطلق عمل تجارتی محسوب می‌شود.[1] اما چک طبق ماده ۳۱۴ و سفته بنا به رأی مذکور ذاتاً عمل تجارتی نمی‌باشند.

توضیح ۹:

بند ۹ ماده ۲ (ق.ت):

عملیات بیمه بحری و غیر بحری اعم از زمینی و دریایی و هوایی در صورتی که هدف از آن قصد انتفاع باشد تجارتی می‌باشد.

توضیح ۱۰:

بند ۱۰ ماده ۲ (ق.ت):

کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات مربوط به آنها به علت اهمیت صنعت کشتی‌سازی و حمایت از حقوق طلبکاران تحت حاکمیت قانون تجارت که در مورد بدهکار شدت عمل به خرج می‌دهد، می‌باشد.

موضوع بند ۱۰ ماده مذکور با توجه به پیشرفت تکنولوژی و تحول در

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد سوم، نشر میزان، ص ۶۲ و ۶۳ و ۶۴

دریانوردی از مصادیق فعالیت‌های صنعتی می‌باشد و قانون‌گذار این نوع معاملات را ذاتاً عمل تجارتی دانسته و هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی به عملیات مذکور اشتغال ورزد تاجر محسوب می‌شود و مقررات قانون تجارت از نظر مسئولیت مدنی و جزائی، همچنین اعلام ورشکستگی نسبت به او حاکم خواهد بود.

ماده ۳ـ معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتی محسوب می‌شود.

۱. کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانک‌ها؛
۲. کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجارتی خود می‌نماید؛
۳. کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود می‌نماید؛
۴. کلیه معاملات شرکت‌های تجارتی.

توضیح:

ماده ۳ خارج از قلمرو اعمال تجارتی ذاتی و موضوعی می‌باشد و علت تابع بودن به یک فعالیت تجارتی، اعمال تجارتی تبعی محسوب شده‌اند که ارتباط کامل با مفهوم شخصی "La théorie subjective" حقوق تجارت دارد.

توضیح ۱:

بند ۱ ماده ۳ (ق.ت):

که از ماده ۶۳۱ و بند ۷ ماده ۶۳۲ قانون تجارت فرانسه الهام گرفته است، معاملات بین تجار و کسبه و بانک‌داران را تجارتی می‌داند. منظور از کسبه (négociant) در حقوق فرانسه تاجری است که معاملات با اقدام قابل توجه انجام می‌شود و نباید آن را با کسبهٔ جزء در قانون تجارت ایران اشتباه کرد.

توضیح ۲:

بند ۲ ماده ۳ (ق.ت):

شامل کلیه معاملاتی است که تاجر یا غیر تاجر برای رفع حوائج تجارتی خود انجام می‌دهد. مثلاً تاجر آهن‌فروش برای حمل ورقه آهن از کارخانه به تجارت‌خانهٔ خود یک دستگاه کامیون از غیر تاجر خریداری می‌نماید. این عمل تجارتی محسوب می‌شود. اما اگر تاجر مزبور برای خانوادهٔ خود یک جعبه میوه خریداری نماید، چون برای رفع نیاز تجارتی نیست، عمل تجارتی محسوب نمی‌شود.

توضیح ۳:

بند ۳ ماده ۳ (ق.ت):

معاملات خدمه، شاگرد یا اجزاء (مانند کارمند یا بستگان) تاجر را برای امور تجارتی مشارالیه تجارتی می‌داند. به نظر می‌رسد هدف از بند مزبور (ملهم از بند ۱ ماده ۶۳۸ قانون تجارت فرانسه) حمایت از حقوق طرف قرارداد یا اشخاص ثالث جهت جلوگیری از لوث شدن مسئولیت تاجر می‌باشد.

توضیح ۴:

بند ۴ ماده ۳ (ق.ت):

کلیه معاملات شرکت‌های ۸ گانه تجارتی (سهامی عام ـ سهامی خاص ـ با مسئولیت محدود ـ تضامنی ـ نسبی ـ مختلط سهامی ـ مختلط غیر سهامی ـ تعاونی) پس از تأسیس شرکت و به وجود آمدن شخصیت حقوقی تجارتی می‌باشند.

ماده ۴ـ معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتی محسوب نمی‌شوند.

توضیح:

با عنایت به بند ۱ ماده ۲ قانون تجارت که خرید هر نوع مال منقول را تجارتی

دانسته و ماده ۴ فوق الذکر معاملات غیر منقول را به هیچ‌وجه تجارتی قلمداد ننموده است، می‌توان گفت که معامله اموال غیر منقول تحت حاکمیت قانون مدنی قرار دارد. ولی قانون تجارت فرانسه به پیروی از رویه قضایی معاملات اموال غیر منقول را برای شرکت‌های غیر تجارتی مورد پذیرش قرار داده است. (قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۷) به نظر می‌رسد که چنین روشی در شرکت‌های ایرانی نیز مورد قبول قرار گیرد. خوشبختانه فقط در ماده ۲ قانون در شرکت‌های سهامی عام و خاص مصوب ۲۴ اسفند / ۱۳۴۷ که مقرر می‌دارد:

«شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو اینکه عملیات آن امور بازرگانی نباشد».

نتیجه می‌شود که این شرکت‌ها اگر معاملات غیر منقول هم انجام دهند، تجارتی خواهند بود و در واقع ماده ۴ قانون تجارت را تخصیص نموده است، و در مقام تعارض عام و خاص ماده ۴ (ق. ت) ماده ۲ (ل.ا. ق. ت) قانون خاص، اقوی و اولی می‌باشد[1].

ماده ۵ـ کلیه معاملات تجار تجارتی محسوب است، مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتی نیست.

توضیح:

در این ماده قانون‌گذار برای حمایت از حقوق اشخاصی که با شرکت معامله می‌نمایند، کلیه معاملات تاجر را تجارتی محسوب نموده است تا اشخاص ذی‌نفع بتوانند در صورت تخلف تاجر از مقررات حمایت کننده قانون تجارت از قبیل اعلام ورشکستگی یا استفاده از ضمانت اجرائی مدنی و جزائی، علیه تاجر اقدام نمایند. مگر اینکه تاجر ثابت کند معامله برای امور شخصی بوده است. مثلاً تلویزیون را برای استفادهٔ خانوادهٔ خود خریداری کرده ولی در پرداخت ثمن معامله تعلل نموده است. این امر دعوای مدنی بوده و ارتباطی با امور تجارتی تاجر ندارد.

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد اول، نشر میزان، سال ۱۳۸۲، ص ۴۳ و ۴۴ و ۶۲

باب دوم

دفاتر تجارتی و دفتر ثبت تجارتی

فصل اول
دفاتر تجارتی

ماده ۶ـ هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظام‌نامه قائم مقام این دفاتر قرار می‌دهد داشته باشد:

۱. دفتر روزنامه
۲. دفتر کل
۳. دفتر دارائی
۴. دفتر کپیه

توضیح:

منظور از هر تاجر اعم از شخص حقیقی یا حقوقی (شرکت ها یا مؤسسات) می‌باشد، و کسبه جزء از داشتن دفاتر تجارتی مستثنی شده‌اند. کسبهٔ جزء طبق نظام نامه جدید که در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۹ به تصویب رسیده (روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۰۶ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۸)، جایگزین نظام‌نامه شماره ۷۰۴۴ مورخ

۱۳۱۱/۳/۱۵ وزیر عدلیه ماده ۱۹ (ق.ت) گردیده است.
به موجب ماده واحده نظام‌نامه جدید «افراد حقیقی که از مصادیق اشخاص مذکور در ماده ۹۶ (ق.م.م)[1] نباشند، با دارا بودن شرایط زیر کسبهٔ جزء محسوب می‌شوند:

۱. کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نظایر آنان که میزان فروش سالانه آنان از مبلغ یکصد میلیون ریال تجاوز نکند.
۲. ارائه دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای که مبلغ دریافتی آنان در قبال خدمات ارائه شده در سال از مبلغ پنجاه میلیون ریال تجاوز نکند».

ماده ۷ـ دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجارتی و معاملات راجع به اوراق تجارتی (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و بطور کلی جمیع واردات و صادرات تجارتی خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می‌کند در آن ثبت نماید.

توضیح:

هر تاجر باید همه روزه عملیات مربوط به بنگاه تجارتی، تغییرات صندوق، مطالبات، دیون و همچنین معاملات راجع به اسناد تجارتی اعم از اینکه برات‌کش، براتگیر، دارنده برات باشد و خرید، فروش، سفارشات و کالاهایی که تحویل می‌دهد و بالاخره واردات و صادرات و هزینه شخصی خود را در آن ثبت نماید.
دفتر روزنامه در ورشکستگی عادی، به تقصیر یا به تقلب تاجر از اهمیت شایانی برخوردار است. ماده ۵۴۱ـ۵۴۲ و ۵۴۹ (ق.ت) و ماده ۶۷۰ و ۶۷۱ (ق. م. ا)[2].

آیین‌نامه تنظیم دفاتر ماده ۳ (آ. ن. ت. د)[3] دفتر روزنامه را چنین تعریف می‌نماید: «دفتر روزنامه دفتری است که اشخاص حقوقی و حقیقی کلیه

---

۱. قانون مالیات‌های مستقیم
۲. قانون مجازات اسلامی.
۳. آیین‌نامه نحوه تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۸ موضوع ماده ۹۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳.

عملیات مالی و پولی خود را اعم از خرید و فروش و دیون و مطالبات و ظهرنویسی و هرگونه فعالیتی که ایجاد دین یا طلب کند و نیز عملیات محاسباتی را به تاریخ وقوع و سایر عملیات را که طبق اصول حسابداری و عرف متداول دفترداری در پایان دورهٔ مالی برای تنظیم حساب سود و زیان و ترازنامه لازم است بلااستثناء به ترتیب در آن ثبت کند.» ملاحظه می‌شود تعریف دفتر روزنامه در ماده ۷ (ق.ت) با تعریف مندرج در ماده ۳ آیین‌نامه مذکور جهات افتراق دارد. در ماده اخیر تاجر اعم از شخصی، حقیقی یا حقوقی بوده و تنظیم دفاتر بر طبق اصول حسابداری و عرف متداول دفترداری پیش‌بینی شده است و با توجه به ماده ۱۳ (آ.ن.ت.د) کلیه عملیات ثبت شده در دفتر روزنامه هر ماه باید حداکثر تا پانزدهم ماه بعد به دفتر کل نقل شود. و برابر ماده ۱۸ همان آیین‌نامه مؤدیانی که از سیستم‌های مکانیکی یا الکترونیکی استفاده می‌نمایند موظفند حداقل ماهی یکبار خلاصه اسناد داده شده به ماشین‌های مذکور را در دفتر روزنامه وارد کنند. رفع تعارض مواد آیین‌نامه با ماده ۷ (ق.ت) ضروری به نظر می‌رسد. زیرا در ماده ۷ (ق.ت) عملیات تجارتی باید هر روز وارد دفتر شود[1].

ماده ۸ـ دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته‌ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر بطور خلاصه ثبت کند.

توضیح:

دفتر کل، تصویر کلی یا خلاصه‌ای تفکیک شده از دفتر روزنامه می‌باشد که در

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد اول، پیشین، ص ۷۵ و بعد
- دکتر صقری، منصور، حقوق تجارت، تهران، چاپ علمی، سال ۱۳۴۳، ص ۹۳ و بعد
- دکتر آذری، کیوان، پلی کپی، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۵۶ ص ۲۰ و بعد
- دکتر ستوده تهرانی، حسن،حقوق تجارت، جلد اول، انتشارات دهخدا، ۱۳۴۷، ص ۲۹

آن معاملات تاجر اعم از خرید، فروش، مطالبات یا دیون تحت نظم و عنوان حساب‌های مشخص، به ترتیب وقوع به ثبت می‌رسد.

تعریف دیگری از دفتر کل در ماده ۴ (آ.ن.ت.د) آمده است: «دفتر کل دفتری است که کلیه عملیات ثبت شده در دفتر یا دفاتر روزنامه برحسب سرفصل یا کدگذاری حسابها، در صفحات مخصوص آن ثبت می‌شود به ترتیبی که نتیجتاً تنظیم حساب سود و زیان ترازنامه از آن امکان‌پذیر باشد.» ضمناً در ماده ۷ آیین‌نامه دفتر معین به منظور تفکیک هر یک از حساب‌های دفتر کل پیش‌بینی شده و به کارت‌های حساب ارزش دفتری داده است.

ماده ۱۳ (آ.ن.ت.د) مقرر می‌دارد که عملیات ثبت شده در دفتر روزنامه باید حداکثر تا پانزدهم ماه بعد به دفتر کل منتقل گردد و ماده ۱۸ آیین‌نامه مذکور مؤدیانی که از سیستم‌های حساب مکانیکی یا الکترونیکی استفاده می‌کنند ملزم نموده که حداقل ماهی یک مرتبه خلاصه اسناد را تا پایان ماه بعد در دفتر کل وارد نمایند[1].

ماده ۹ـ دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

توضیح:

ارائه دفتر دارایی به حوزهٔ مالیاتی الزام‌آور نمی‌باشد مستفاد از ماده ۲ (آ.ن.ت.د) زیرا تاجر یا شرکت تجارتی در ترازنامه‌ای که در هر سال مالی تنظیم می‌نماید کلیه دارایی‌ها و بدهی‌های خود را در آن قید می‌نماید، ولی معمولاً شرکت‌ها دفتر دارایی برای خود تنظیم می‌نمایند. در حقوق فرانسه به موجب قانون ۱۹۵۳ داشتن دفتر دارایی برای تاجر الزام‌آور نمی‌باشد.

---

۱. سجادی‌نژاد، حسن، اصول دفترداری، حسابداری بازرگانی، انتشارات دانشکده حسابداری، چاپ دوم، ۱۳۴۷، ص ۴ و ۷۰ و بعد

ماده ۱۰ـ دفتر کپیه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌های صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.
تبصره ـ تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌های وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده، و در لفاف مخصوصی ضبط کند.

توضیح:

دفتر کپیه یا (دفتر ثبت و صدور و ارسال مراسلات) با عنایت به ماده ۲ (آ. ن. ت. د) تنظیم و ارائه آن به حوزه مالیاتی الزامی نیست. زیرا امروزه با توسعه انفورماتیک و پیشرفت فن‌آوری اطلاعات (IT)[1] موارد مذکور با این روش انجام می‌شود.

ماده ۱۱ـ دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپیه قبل از آن که در آن چیزی نوشته شده باشد به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپیه امضای مزبور لازم نیست. ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد. حق امضاء از قرار هر صد صفحه یا کسور آن دو ریال و به علاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد است.

توضیح:

ماده ۱ آیین‌نامه شماره ۶۵۶۶ـ ۱۳۱۱/۳/۱۰ راجع به پلمپ دفاتر تجارتی امضاء و پلمپ کردن دفاتر تجارتی در تهران توسط نماینده‌ای که در اداره کل ثبت معین می‌شود در دایره ثبت شرکت‌ها و علائم تجارتی و اختراعات به عمل می‌آید. و به موجب ماده ۲ همان آیین‌نامه در شهرستان‌ها امضاء و پلمپ دفاتر به عهده نماینده‌ای است که اداره ثبت معین می‌کند.

---

1. Information of Technology

حق‌الثبت پلمپ دفاتر به موجب ماده ۱ بند (هـ) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ به شرح زیر دریافت می‌شود:

۱. حق‌الثبت پلمپ به ازای هر یکصد صفحه تجاری بدون احتساب بهای اظهارنامه ۳۵۰۰ ریال.
۲. درآمد صندوق " ب " موضوع ماده ۵۴ (ق. ا. ت. ا. و)[1] به ازای هر یکصد صفحه دفتر تجارتی ۱۵۰۰ ریال و کسر صد صفحه اول، حداقل حق‌الثبت یکصد صفحه محاسبه می‌شود که به صندوق اداره کل تصفیه و امور ورشکستگی واریز می‌شود[2].

ماده ۱۲ـ دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می‌شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شمرده در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سربی که وزارت عدلیه برای این مقصود تهیه می‌نماید منگنه کند. لازم است که کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

توضیح:

متقاضی پلمپ دفاتر در ایران در آخر سال مالی به اداره ثبت شرکت‌ها مراجعه نموده و هزینه پلمپ با توجه به تعداد اوراق دفتر (مثلاً برای دفتر ۵۰ برگی مبلغ ۷۰۰۰ ریال) به حساب شماره ۹۰۵۶۹ سازمان ثبت واریز می‌نماید و سپس اظهارنامه پلمپ دفاتر تجارتی را تنظیم کرده و به متصدی مربوط با دفاتر تقدیم می‌نماید، سپس دفاتر مزبور قیطان‌کشی شده و پلمپ

---

۱. قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴

۲. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت. جلد چهارم. ورشکستگی و تصفیه اموال، نشر میزان، سال ۱۳۸۴، ص ۱۳۵ و بعد.

سربی زده می‌شود و در آخر دفتر شماره سازمان ثبت و تاریخ پلمپ و شماره ثبت شرکت یا مؤسسه الصاق شده و با توجه به شماره مسلسل صفحات امضاء می‌گردد.

۱. برابر رأی اصراری شماره $\frac{۲۰۳}{۱۳۳۰/۲/۲۹}$ چون دفتر تجارتی استنادی پژوهش‌خواه غیر پلمپ بوده و دادگاه استان به دفتر مزبور به علت غیرپلمپ بودن توجه ننموده تا صورتحساب مورد اختلاف روشن گردد، لذا هیأت عمومی دیوان عالی کشور حکم دادگاه مزبور را نقض کرده تا دادگاه استان به حساب‌های موجود در دفتر غیر پلمپ که برای روشن شدن حسابها ضروری می‌باشد رسیدگی و حکم مجدد صادر نماید.

۲. رأی وحدت رویه شماره $\frac{۶۲}{۱۳۵۱/۱۱/۱۱}$ هیأت عمومی دیوان عالی کشور حاکی از این است که: طبق مقررات قانون تجارت هر تاجر مکلف به دارا بودن دفاتر تجارتی می‌باشد که در ماده ۶ (ق.ت.) توصیف شده و آن دفاتر باید پلمپ شده باشد مواد ۱۱ و ۱۲ (ق.ت.) و تخلف از این امر مستلزم پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰ تا ۱۰/۰۰۰ ریال است (ماده ۱۵ ق. ت.) و طبق ماده ۳۰۳ (آ.د.م.)[1] هرگاه یکی از طرفین به دفتر بازرگانی طرف دیگر استناد نماید، آن دفتر جز در موارد استثناء شده باید در دادگاه ابراز شود ولو اینکه دفتر تجارتی تاجر پلمپ نشده باشد که در چنین صورتی ممکن است جزء اماره قضائی محسوب گردد.[2]

۱. ماده ۲۱۱ آ.د.م. (جدید) جانشین ماده ۳۰۳ آ.د.م (قدیم) شده و به شرح زیر می‌باشد «اگر ابراز سند در دادگاه مقدور نباشد یا ابراز تمام یا قسمتی از آن یا اظهار علنی مفاد آن در دادگاه برخلاف نظم یا عفت عمومی یا مصالح عامه یا حیثیت اصحاب دعوا یا دیگران باشد رئیس دادگاه یا دادرس یا مدیر دفتر دادگاه از جانب او در حضور طرفین آنچه را که لازم و راجع به مورد اختلاف است خارج‌نویس می‌نماید».

۲. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت جلد اول، پیشین، ص ۸۶

ماده ۱۳ـ کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود. تراشیدن، حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ۱۰ سال نگاه دارد.

توضیح:

برابر ماده ۱۹ (آ.ن.ت.د.) اعمال زیر در نوشتن دفاتر روزنامه و کل و دفتر مشاغل ممنوع می‌باشد:

ـ قلم زدن، تراشیدن، پاک کردن، محو کردن مندرجات دفتر روزنامه و کل دفتر مشاغل (دفتر درآمد و هزینه) و نوشتن بین سطور و حاشیه آنها.

ـ جای سفید گذاشتن در هر صفحه بیش از حد معمول در دفاتر روزنامه یا کل یا دفتر مشاغل و همچنین سفید ماندن تمام یا یک یا چند صفحه از دفاتر روزنامه در حین عملیات (به استثناء ثبت تراز افتتاحی که لازم باشد).

ـ بستانکار شدن حساب‌های صندوق و نقدی یا بانکی (خواه صندوق یا بانک) در صورتی که ناشی از تقدیم و تأخیر ثبت نباشد جایز نیست.

ماده ۱۴ـ دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجارتی خود بکار می‌برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تجار، در امور تجارتی سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

توضیح:

از نظر اثبات حق به موجب ماده ۱۲۹۷ (ق.م)[1] دفاتر تجارتی در دعوی تاجر علیه تاجر دیگر تحت شرایط زیر دلیل محسوب می‌شود:

ـ دعوی تاجر علیه تاجر دیگر باشد.

---

۱. قانون مدنی.

ـ دعوی از محاسبات و مطالبات تجارتی حاصل شده باشد.
ـ دفاتر تجارتی طبق قانون تجارت تنظیم شده باشد.

برابر ماده ۱۲۹۸ (ق.م) استناد تاجر در مقابل غیر تاجر به مندرجات دفتر خود دلیل محسوب نشده فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود.

ضمناً برابر ماده ۱۲۹۹ (ق.م) دفتر تجارتی در موارد مشروحه زیر دلیل محسوب نمی‌شود.

ـ در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده‌اند یا دفتر تراشیدگی دارد.
ـ وقتی که در دفتر بی‌ترتیبی و اغتشاش کشف شود که به نفع صاحب دفتر باشد.
ـ وقتی که بی‌اعتباری دفتر سابقاً به جهتی از جهات در دادگاه مدلل شده باشد.

بدین ترتیب، اگر دفتر تجارتی به علل مندرج در بالا به نفع تاجر اعتباری نداشت برابر ماده ۱۳۰۰ (ق.م) بر ضرر او سندیت دارد.[1]

ضمناً تخلف از ماده ۲۱ (آ.ن.ت.د.)[2] موجب رَد دفاتر تجارتی و تعلق جریمه خواهد بود. و اداره امور مالیاتی [3] مالیات **علی الرأس** تعیین می‌نماید.

برابر رأی ۵۴۸ مورخ ۱۳۳۸/۲/۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در صورتی که خوانده منکر مدیونیت خود گردد چون عدم اشتغال ذمه و برائت خود را اعلام نموده است؛ لذا طبق اصل معروف عدم، نیازی به اقامه دلیل و برهان ندارد، و در مقام دفاع، نافی را نفی، کافی است و دادگاه مکلف نیست که خواهان را ملزم به ارائه دفاتر مورد استفاده بنماید و براساس ادله ابرازی خواهان رسیدگی و حکم لازم را صادر می‌کند.

اما اگر خوانده منکر دین خود نشده بلکه پس از قبول اشتغال ذمه مدعی پرداخت و تحصیل برائت خود گردد می‌تواند، برای اثبات ادعای خود با

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، قانون تجارت جلد اول، پیشین، ص ۸۹
۲. متن کامل (آ.ن.ت.د) در آخر این باب پیوست می‌باشد. برای مطالعه بیشتر به کتاب حقوق تجارت جلد اول نویسنده مراجعه شود.
۳. بند ۳ ماده ۹۷ قانون اصلاحی مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۷ (روزنامه رسمی ۱۶۶۰۹-۱۳۸۰/۱۲/۱۳)

استفاده از اصل البَیِّنَةُ عَلَی المّدعی و صراحت ماده ۱۲۵۷ (ق.م) و ماده ۱۹۷ (آ.د.م) (۷۹/۱/۲۱) به دفاتر بازرگانی خواهان یا دلیل قانونی دیگر استناد کند و ماده ۲۱۰ (آ.د.م) ناظر به مواردی است که یکی از طرفین برای امر وجودی و اثباتی از قبیل پرداخت یا اقرار به دریافت و غیره استناد کند که دادگاه در این صورت مکلف به صدور قرار ابراز دفاتر استنادی می‌باشد.

ماده ۱۵ـ تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم ۲۰۰ تا ۱۰۰۰۰ ریال جزای نقدی است. این مجازات را محکمه حقوق رأساً و بدون تقاضای مدعی العموم می‌تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

توضیح:

دادگاه حقوقی می‌تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان حکم به پرداخت جزای نقدی مذکور (که در حال حاضر به علت سقوط ارزش پول ـ تورم ـ ناچیز می‌باشد) بدهد و در ورشکستگی نیز تخلف از رعایت مقررات راجع به دفاتر از موارد ورشکستگی به تقصیر محسوب می‌شود.

فصل دوم
دفتر ثبت تجارتی

ماده ۱۶ـ در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجارتی تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسانند والا به جزای نقدی از ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد.

توضیح:

نه تنها تاجر ایرانی، بلکه تاجر خارجی اگر بخواهد در ایران شغل معمولی خود را اعمال تجاری قرار دهد مکلف است نام خود را در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برساند ولی ضمانت اجرای جزایی در این مورد با توجه به سقوط ارزش پول بسیار ناچیز می‌باشد.

ماده ۱۷ـ مقررات مربوط به دفتر ثبت تجارتی را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب نظام‌نامه معین خواهد کرد.

توضیح:

ماده ۱ آیین‌نامه دفتر ثبت تجارتی مصوب فروردین ماه ۱۳۲۵ مقرر می‌دارد: «در هر محلی که اداره یا دایره یا شعبه ثبت تشکیل شده یا می‌شود به منظور ثبت نام بازرگانان و بنگاههای بازرگانی و شرکت‌های تجارتی دفتر مخصوصی بنام دفتر ثبت تجارتی تأسیس خواهد شد». ضمناً ماده ۲ آیین‌نامه فوق الذکر، بازرگانان و بنگاههای بازرگانی و شرکت‌های ایرانی و خارجی که مرکز اصلی آنها یا تجارت‌خانه آنها در ایران بوده و یا در خارجه باشد ولی در ایران شعبه یا شعبی داشته باشند مکلف به ثبت نام در

دفتر ثبت تجاری می‌نماید.

اشخاص مندرج در ماده ۲ مذکور باید اظهارنامه‌ای در ۳ نسخه در نمونه‌های چاپی مخصوص تنظیم و نکات زیر را به ترتیب مندرج در ماده ۶ همان آیین‌نامه قید نمایند و اگر به تجارت خارجی اشتغال دارند باید تصریح نمایند که آیا وارد کننده، صادر کننده یا حق‌العمل کار و یا هر سه می‌باشند و حتی‌الامکان ارقام کالاهای عمده‌ای که اختصاصاً صادر یا وارد می‌کنند معین نمایند.

هر تاجری مکلف است هر نوع تغییراتی را که در مفاد اظهارنامه تنظیمی وی پس از آن به عمل آمده یا شخصاً متوقف گردیده و یا شرکت، بنگاه یا تجارت‌خانه او منحل شده است تغییرات حاصله را در سه نسخه قید و به دفتر ثبت محلی که شرکت، بنگاه یا وزارت‌خانه، در آن به ثبت رسیده تسلیم نماید تا مراتب پس از ثبت، به وزارت بازرگانی اعلام گردد. در خاتمه، به منظور آگاهی مردم، بازرگان اعم از شخص حقیقی یا حقوقی مکلف است در سرلوحه کاغذهای تجارت‌خانه و فاکتورهای فروش و یادداشت اوراق سفارش و سایر اسناد و نشریات ضمن درج عنوان تجارتی، شماره ثبت تجارتی نیز قید نماید (ماده ۱۰ آیین‌نامه).

اجرای آیین‌نامه دفتر ثبت تجارتی به شرح فوق در تهران با اداره ثبت شرکت‌ها می‌باشد که برابر ماده اول طرح اصلاحی آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها مصوب شهریور ماه ۱۳۴۰، اداره ثبت شرکت‌ها و علائم تجارتی و اختراعات اداره کل ثبت در تهران بنام: «اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی» نامیده شده است و در حال حاضر تحت این اسم مشغول انجام وظایف محوله قانونی می‌باشد.

ماده ۱۸ـ شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجارتی هر تاجری که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده والّا علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی از ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال محکوم می‌شود.

ماده ۱۹ـ کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظام‌نامهٔ وزارت عدلیه تشخیص می‌شوند.

توضیح:

بند ۱ از ماده ۳ (ق.ت.) معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانکها را تجارتی محسوب داشته است و از طرف دیگر مادهٔ ۱۶ (ق.ت.) کسبه جزء را از ثبت نام در دفتر ثبت تجارتی مستثنی نموده است. همچنین ماده ۵۱۲ (آ.د.م.) (۷۹/۱/۲۱) که مقرر می‌دارد:

«از تاجر، دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود. تاجری که مدعی اعسار نسبت به هزینه دادرسی می‌باشد باید برابر مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهد. کسبه جزء مشمول این ماده نخواهند بود.»

۱. به موجب ماده واحدهٔ نظام‌نامه جدید ماده ۱۹ (ق.ت) مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ که در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۹ به تصویب رسیده و در روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۶۶۰۶ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۸ منتشر گردیده:

مادهٔ واحده: «افراد حقیقی که از مصادیق اشخاص مذکور در مادهٔ ۹۶ قانون مالیات‌های مستقیم نباشند، با دارا بودن شرایط زیر کسبه جزء محسوب می‌شوند:

۱. کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نظایر آنها که میزان فروش سالانهٔ آنان از مبلغ یکصد میلیون ریال تجاوز نکند.
۲. ارائه دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای که مبلغ دریافتی آنها در قبال خدمات ارائه شده در سال از مبلغ پنجاه میلیون ریال تجاوز نکند.

از تاریخ اجرای این نظام‌نامه، نظام‌نامه شمارهٔ ۷۰۴۴ مورخ ۱۳۱۱/۳/۱۵ وزیر عدلیه لغو می‌شود.»

آیین‌نامه نحوه تنظیم و تحریر نگاهداری دفاتر موضوع تبصره یک ماده ۹۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۶۶/۱۲/۳ که در تاریخ ۶۷/۱۲/۲۸ به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی رسیده است.

کلیات

ماده ۱ـ مقررات این آیین‌نامه شامل مؤدیانی است که در موعد مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۶۶/۱۲/۳ مجلس شورای اسلامی، ترازنامه و حساب سود و زیان و یا حسب مورد حساب درآمد و هزینه و حساب سود و زیان خود را با رعایت مقررات مربوط تسلیم می‌نمایند.

تبصره ۱ـ در صورتی که مؤدیان مالیاتی حسب مورد از اوراق مخصوص موضوع ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم استفاده ننمایند، دفاتر ابرازی برای تشخیص درآمد مشمول مالیات سال مربوط فاقد اعتبار بوده و به نفع آنها قابل استناد نخواهد بود.

تبصره ۲ـ مؤدیان در انتخاب یکی از روش‌های متداول حسابداری آزاد هستند ولی باید در سال‌های بعد نیز همان روش را اعمال نمایند و در صورتی که به جهات مشخصی تغییر روش داده باشند مکلفند اثرات حاصل از تغییر روش بر حساب سود و زیان را ضمن اظهارنامه و سایر صورت‌های مالی تسلیمی به حوزه مالیاتی ذی‌ربط مشخص نمایند.

فصل اول
مشخصات دفاتر قانونی

ماده ۲ـ دفاتر قانونی مشمول این آیین‌نامه عبارت است از کلیه دفاتر روزنامه و کل اعم از مشترک یا جدا از یکدیگر و دفتر مشاغل (دفتر

درآمد و هزینه) که قبل از ثبت هرگونه عملیات حسابداری در آنها، دفاتر روزنامه و کل مطابق مقررات مواد ۱۱ و ۱۲ قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ از طرف نماینده اداره ثبت اسناد و دفتر مشاغل از طرف ادارات امور اقتصادی و دارایی ذی‌ربط امضاء و پلمپ گردیده و به فارسی تحریر شده باشد.

تبصره ۱ـ اشتباه در شماره‌گذاری صفحات و همچنین اشتباهات ناشی از پلمپ دفاتر در مراجع مذکور موجب بی‌اعتباری دفاتر نخواهد بود.

تبصره ۲ـ ادارات امور اقتصادی و دارایی موظفند فهرست دفاتر ثبت و پلمپ شده واصله از اداره ثبت اسناد و همچنین فهرست دفاتر مشاغل ثبت و پلمپ شده از ناحیه خود را به حوزه‌های مالیاتی مربوط ارسال نمایند همچنین مؤدیان موظفند در اظهارنامه مالیاتی خود تعداد و نوع دفاتری که برای سال مالیاتی مورد رسیدگی پلمپ کرده‌اند و نیز کلیه دفاتر نانویس موجود ثبت و پلمپ شده سال‌های قبل را ذکر نمایند و ممیزین مالیاتی مکلفند پس از اطمینان از اینکه دفاتر قانونی مؤدی منحصر به دفاتر ابرازی است اقدام به رسیدگی نمایند.

ماده ۳ـ دفتر روزنامه دفتری است که اشخاص حقوقی یا حقیقی کلیه عملیات مالی و پولی خود را اعم از خرید و فروش و دیون و مطالبات و ظهرنویسی و هرگونه فعالیتی که ایجاد دین یا طلب کند و نیز عملیات محاسباتی را به تاریخ وقوع و سایر عملیات را که طبق اصول حسابداری و عرف متداول دفترداری در پایان دوره مالی برای تنظیم حساب سود و زیان و ترازنامه لازم است بلا استثناء به ترتیب در آن ثبت کنند.

تبصره ـ نگاهداری دفتر روزنامه واحد برای ثبت کلیه عملیات و یا دفاتر روزنامه متعدد برای هر طبقه یا طبقاتی از آنها امکان‌پذیر است از قبیل دفتر روزنامه صندوق، دفتر روزنامه بانک و دفاتر روزنامه غیرنقدی

مانند خرید و فروش نسیه و اقساطی و یا دفتر روزنامه دو یا چند مورد از حسابها.

ماده ۴ـ دفتر کل دفتری است که کلیه عملیات ثبت شده در دفتر یا دفاتر روزنامه برحسب سرفصل یا کدگذاری حسابها در صفحات مخصوص آن ثبت می‌شود به ترتیبی که نتیجتاً تنظیم حساب سود و زیان و ترازنامه از آن امکان‌پذیر باشد.

ماده ۵ـ دفتر مشترک روزنامه و کل دفتری است که برای حساب‌های مورد نیاز مؤسسه برطبق اصول متداول دفترداری متضمن ستونهای سرفصل حساب باشد بطوری که با ثبت و نگاهداری دفتر مذکور بتوان نتایج تمام عملیات را از آن استخراج و حساب سود و زیان و ترازنامه تهیه کرد.

ماده ۶ـ دفتر مشاغل (دفتر درآمد و هزینه) دفتری است که لااقل متضمن ستونهایی برای درج تاریخ، شرح موضوع، درآمد، هزینه و دارائیهای قابل استهلاک باشد و اقلام مذکور به ترتیب تاریخ وقوع در آن ثبت گردد به طوری که در پایان سال تعیین جمع درآمد و هزینه شغلی مؤدی و نتیجتاً تنظیم حساب سود و زیان از آن امکان‌پذیر باشد.

فصل دوم
سایر دفاتر و مدارک حساب

ماده ۷ـ دفتر معین دفتری است که برای تفکیک و مجزا ساختن هر یک از حساب‌های دفتر کل برحسب مقتضیات و شرایط حساب ممکن است نگاهداری شود. کارتهای حساب در حکم دفاتر معین است.

ماده ۸ـ کارتها یا اوراق چاپ شده که با دست تکمیل می‌شوند، سیستم کارتی و اوراق چاپ شده که توسط ماشین‌های حسابگر مکانیکی یا الکترونیکی تهیه می‌شوند برحسب مورد سیستم‌های مکانیکی یا الکترونیکی نامیده می‌شوند.

ماده ۹ـ برگه یا مدرک حساب یا سند حسابداری عبارت از نوشته‌ای است که در آن یک یا چند مورد از عملیات مالی و پولی و محاسباتی انجام شده به حساب‌هایی که حسب مورد بدهکار یا بستانکار گردیده تجزیه می‌شوند و چنین مدرکی پس از امضاء مرجع ذی‌صلاح و صدور آن قابل ثبت در دفاتر معین و روزنامه و کل است.

فصل سوم
نحوه تحریر و نگاهداری دفاتر قانونی

ماده ۱۰ـ مؤدیانی که دفتر روزنامه و کل نگاهداری می‌نمایند باید کلیه عملیات مالی و پولی و محاسباتی و مؤدیان مجاز به نگاهداری دفتر مشاغل (دفتر درآمد و هزینه) باید هرگونه درآمد و هزینه و خرید و فروش دارائیهای قابل استهلاک خود را طبق مقررات این آیین‌نامه حسب مورد در دفاتر مربوط ثبت کنند ولو آنکه برای نگاهداری حساب از ماشین‌های مکانیکی یا الکترونیکی و کارتهای حساب استفاده شود.

تبصره ـ اشتباهات حساب حاصل در ثبت عملیات در صورتی که بعداً در اثناء عملیات سال مزبور مورد توجه واقع و به اصلاح آن در دفتر مبادرت و مستندات آن ارائه شود به اعتبار دفاتر خللی وارد نخواهد کرد.

ماده ۱۱ـ مؤدیان مجاز به نگاهداری دفتر مشاغل می‌توانند تمام یا قسمتی از درآمدهای روزانه را تحت یک شماره ردیف در دفتر ثبت نمایند مشروط بر اینکه در ستون شرح دفتر، نوع و تعداد آنها را قید و اگر درآمدی متکی به اسناد و مدارک باشد مشخصات آن را نیز در ستون مزبور درج نمایند.

در صورتی که اقلام درآمد و هزینه و خرید دارایی‌های قابل استهلاک متکی به اسناد و مدارک باشند مؤدیان مذکور بایستی پس از ثبت موارد در دفتر مشاغل، اسناد و مدارک مربوط را به ترتیب شماره ردیف دفتر و به نحوی که برای رسیدگی مأموران تشخیص مالیات قابل استفاده باشد نگاهداری نمایند.

ماده ۱۲ـ در مواردی که دفتر روزنامه و کل نگاهداری می‌شود کلیه عملیات مالی و پولی مؤسسه و در موارد نگاهداری دفتر مشاغل کلیه درآمدها و هزینه‌ها و خرید و فروش دارائیهای قابل استهلاک باید در همان روز انجام حسب مورد در دفتر روزنامه یا مشاغل ثبت گردد.

تبصره ۱ـ تاریخ مذکور در مدارک یا فاکتور فروش یا خرید و غیره ملاک قطعی تأخیر تحریر شناخته نمی‌شود و هرگاه انجام و ختم این‌گونه اعمال با توجه به سیستم و طرزکار مؤسسه تابع تشریفات و طی مراحلی باشد تا موضوع آماده برای ثبت در دفتر مربوط شود، فاصله بین تاریخ فاکتور یا مدارک و روز آماده شدن آن برای ثبت در دفتر تأخیر ثبت تلقی نخواهد شد.

تبصره ۲ـ تأخیر تحریر عملیات در صورتی که به منظور سوءاستفاده نباشد در موارد استثنایی تا یک هفته به تشخیص مأمورین تشخیص مالیات و بیش از آن به تشخیص هیأت سه نفری موضوع بند سوم ماده ۹۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۶۶/۱۲/۳ به قانونی بودن دفتر خللی وارد نخواهد کرد.

تبصره ۳ـ در مواردی که دفاتر پلمپ شده توسط مقامات قضایی یا سایر

مراجع قانونی از دسترس مؤدی خارج شود و صاحب دفتر از تاریخ وقوع این امر حداکثر ظرف ۳۰ روز دفاتر جدیدی پلمپ و عملیات آن مدت را در دفاتر جدید ثبت کند، تأخیر ثبت عملیات در این مدت موجب غیر قانونی شناختن دفاتر نخواهد بود.

تبصره ۴ـ در مورد مؤسسات جدید التأسیس تأخیر ثبت دفاتر برای اولین سال تأسیس تا سی روز از تاریخ ثبت شخص حقوقی و یا تاریخ شروع بکار سایر اشخاص مجاز خواهد بود.

ماده ۱۳ـ کلیه عملیات ثبت شده در دفاتر روزنامه هر ماه باید حداکثر تا پانزدهم ماه بعد به دفتر کل نقل شود.

ماده ۱۴ـ مؤسساتی که دارای شعبه هستند مکلفند با توجه به روشهای حسابداری خود خلاصه عملیات شعبه یا شعب خود را در صورتی که دارای دفاتر پلمپ شده باشند، لااقل سالی یک بار و در غیر این صورت ماه به ماه در دفاتر مرکز مؤسسه ثبت کنند.

ماده ۱۵ـ پلمپ دفاتر ضمن سال مالی مشروط بر اینکه تا تاریخ پلمپ هیچگونه عمل مالی و پولی صورت نگرفته باشد و همچنین تأخیر پلمپ تا حد مجاز مقرر در تبصره‌های سه و چهار ماده ۱۲ این آیین‌نامه در مورد دفتر روزنامه یا حسب مورد دفتر مشاغل و ماده ۱۳ این آیین‌نامه در مورد دفتر کل، موجب غیرقانونی شناختن دفاتر نخواهد بود.

ماده ۱۶ـ اشخاصی که حساب‌های خود را در دفتر مشترک روزنامه و کل نگاهداری می‌کنند، مکلفند برای ثبت عملیات خود دفتر کل جداگانه نیز نگاهداری کنند.

ماده ۱۷ـ مؤدیان مشمول این آیین‌نامه مکلفند برای هر سال مالیاتی دفتر یا دفاتر جدید ثبت و پلمپ نمایند و در صورت استفاده از دفاتر ثبت و پلمپ شده نانویس سال یا سالهای قبل موظفند ظرف ۳۰ روز از تاریخ شروع سال مالیاتی جدید مراتب را با ذکر مشخصات دفاتر مزبور به حوزه مالیاتی ذی‌ربط اعلام نمایند.

تبصره ـ حکم این ماده در مورد استفاده از دفاتر ثبت و پلمپ شده لغایت سال ۱۳۶۷ در صورت عدم مغایرت نوع آنها با مقررات موضوع قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ نیز جاری است.

ماده ۱۸ـ مؤدیانی که از سیستم‌های مکانیکی یا الکترونیکی استفاده می‌نمایند موظفند حداقل ماهی یک بار خلاصه اسناد داده شده به ماشین‌های مکانیکی یا الکترونیکی را در دفتر روزنامه ثبت و حداکثر ظرف مهلت تعیین شده در ماده ۱۳ این آیین‌نامه به دفتر کل منتقل کنند و علاوه بر این به منظور تسهیل رسیدگی باید آیین‌نامه یا دستورالعمل‌های کار ماشین و برنامه‌های آن را در اختیار مأموران رسیدگی قرار دهند.

ماده ۱۹ـ اعمال زیر در دفترنویسی ممنوع است:

الف) قلم زدن مندرجات دفاتر قانونی و نوشتن بین سطور و حاشیه آنها.

ب) تراشیدن و پاک کردن مندرجات دفاتر قانونی.

ج) محو یا ناپدید کردن مندرجات دفاتر با رنگ یا جوهر و یا هرگونه وسایل شیمیایی و نظایر آنها.

د) جای سفید گذاشتن در هر صفحه بیش از حد معمول در دفاتر قانونی و همچنین سفید ماندن تمام یک یا چند صفحه از دفاتر روزنامه و مشاغل در اثناء عملیات.

ح) بستانکار شدن حساب‌های نقدی و بانکی.

تبصره ـ حکم بند "د" این ماده شامل مواردی که سفید ماندن تمام صفحه دفتر برای ثبت تراز افتتاحی باشد نخواهد بود و همچنین سفید ماندن ذیل صفحات دفتر در آخر هر روز یا هر ماه به شرطی که اسناد دارای شماره ردیف بوده و قسمت سفید مانده با خط بسته شود به اعتبار دفتر خللی وارد نمی‌سازد.

فصل چهارم
موارد ردّ دفاتر و تعلق جرائم

ماده ۲۰ـ تخلف از تکالیف مقرر در آیین‌نامه در موارد زیر موجب رد دفاتر می‌باشد:

الف) در صورتی که دفاتر ارائه شده به نحوی از پلمپ خارج شده و یا فاقد یک یا چند برگ باشد.

ب) عدم ثبت یک یا چند فعالیت مالی و پولی در دفاتر به شرط احراز.

ج) تقدم ثبت یک یا چند معامله نسبت به تاریخ وقوع آنها.

د) ثبت تمام یا قسمتی از یک فعالیت در حاشیه.

ه) ثبت تمام یا قسمتی از یک فعالیت (آرتیکل) بین سطور.

و) تراشیدن و پاک کردن مندرجات دفاتر به منظور سوء استفاده.

ز) جای سفید گذاشتن بیش از حد معمول در صفحات و سفید ماندن تمام صفحه در دفتر روزنامه و دفتر مشاغل به منظور سوء استفاده به استثنای موارد مذکور در تبصره ۱۹ این آیین‌نامه.

ح) محو کردن مندرجات دفاتر با وسایل شیمیایی.

ط) ناپدید کردن مندرجات دفاتر با رنگ یا جوهر و نظایر آنها به منظور سوءاستفاده.

ی) بستانکار شدن حساب‌های بانکی و نقدی، مگر اینکه حساب‌های بانکی با صورت حساب‌های بانک مطابقت نماید و یا بستانکار شدن حساب‌های

بانکی یا نقدی ناشی از تقدم و تأخر ثبت حسابها یا دریافت و پرداخت باشد که در این صورت موجب رد دفتر نیست.

ک) تأخیر تحریر دفتر روزنامه و دفتر مشاغل زاید بر حد مجاز مقرر در تبصره‌های ۲ و ۳ و ۴ ماده ۱۲ و تأخیر تحریر دفتر کل زاید بر حد مقرر در ماده ۱۳ و تأخیر زاید بر حد مقرر در ماده ۱۸ این آیین‌نامه.

ل) عدم ثبت خلاصه عملیات شعب در دفاتر مرکز طبق مقررات ماده ۱۴ این آیین‌نامه.

م) عدم ارائه آیین‌نامه یا دستورالعمل‌های کار ماشین و برنامه‌های آن در مورد اشخاصی که از سیستم‌های مکانیکی یا الکترونیکی استفاده می‌نمایند.

ن) اشتباه حساب حاصل در ثبت عملیات مؤسسه در صورتی که نسبت به اصلاح آن طبق مقررات تبصره ماده ۱۰ این آیین‌نامه اقدام نشده باشد.

س) استفاده از دفاتر نانویس سال یا سال‌های قبل در صورتی که مشخصات آنها در مهلت مقرر در ماده ۱۷ این آیین‌نامه به حوزه مالیاتی ذی‌ربط اعلام نشده باشد.

ع) عدم ارائه یک یا چند جلد از دفاتر ثبت و پلمپ شده (ولو نانویس).

تبصره ۱ـ در صورتی که دفاتر ابرازی مؤدی با توجه به نحوه نگاهداری و تحریر و تنظیم حساب‌های آن بنظر ممیز و تأیید سر ممیز مالیاتی ذی‌ربط غیرقابل رسیدگی تشخیص و یا به علت عدم رعایت موازین قانونی و مقررات این آیین‌نامه مردود اعلام شود ممیز مالیاتی بایستی مراتب را با ذکر دلایل کافی کتباً به مؤدی ابلاغ و پرونده امر را برای رسیدگی هیأت سه نفری حسابرسان منتخب وزیر امور اقتصادی و دارایی موضوع بند ۳ ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم ارسال دارد چنانچه مؤدی ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ به آن هیأت مراجعه و با ادای توضیحات لازم و ارائه دلایل و مدارک کافی رفع اشکال نماید تشخیص درآمد مشمول مالیات براساس رسیدگی به دفاتر و در غیر این صورت براساس رأی هیأت مزبور به طریق علی الرأس صورت خواهد گرفت.

تبصره ۲ـ هیأتهای موضوع بند ۳ ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم مکلفند دلایل غیر قابل رسیدگی یا مردود بودن دفاتر اعلام شده از طرف مأموران تشخیص را با ملاحظه چگونگی تنظیم و نگاهداری دفاتر و توضیحات مؤدی (اعم از حضوری یا ارسالی به صورت کتبی) و رعایت اطراف و جوانب و با توجه به اوضاع و احوال دفاتر و اسناد و مدارک مربوط و عنایت به اصول کلی و متداول حسابداری و نیز درجه اهمیت اشکالات مطروحه از طرف حوزه مالیاتی و واقعیات امر مورد بررسی دقیق قرار داده نظر خود را برابر حکم بند ۳ یاد شده اعلام دارد و در صورت قبول دفاتر مواردی را که طبق ماده ۲۱ این آیین‌نامه سبب تعلق جریمه می‌باشند مشخص نماید.

ماده ۲۱ـ موارد مذکور در زیر در صورتی که دفاتر و اسناد و مدارک مؤدی مورد قبول مأموران تشخیص یا حسب مورد هیأت موضوع بند ۳ ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم و یا هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی قرار گیرد، موجب تعلق جریمه می‌باشد.

الف) قلم زدن مندرجات دفاتر قانونی در هر مورد دویست ریال و حداکثر ده هزار ریال.

ب) ثبت تمام یا قسمتی از یک فعالیت (آرتیکل) بین سطور یا در حاشیه در هر مورد پنج هزار ریال.

ج) تراشیدن و پاک کردن مندرجات دفاتر در هر مورد ده هزار ریال.

د) محو کردن مندرجات دفاتر با وسایل شیمیایی در هر مورد پنجاه هزار ریال.

ه) ناپدید کردن مندرجات دفاتر با رنگ یا جوهر و نظایر آنها در هر مورد بیست هزار ریال.

و) جای سفید گذاشتن در صفحات دفتر روزنامه و دفتر مشاغل بیش از حد مجاز مقرر در این آیین‌نامه در هر مورد پنج هزار ریال.

ز) سفید ماندن تمام صفحه در دفاتر روزنامه و مشاغل، غیر از موارد

مجاز مقرر در این آیین‌نامه به ازاء هر صفحه سی هزار ریال.

ح) بستانکار شدن حساب‌های نقدی و بانکی، غیر از موارد مجاز مقرر در این آیین‌نامه در هر مورد پنج هزار ریال.

ط) تأخیر تحریر دفاتر قانونی بیش از حد مجاز مقرر در این آیین‌نامه برای هر مورد پنج هزار ریال.

ی) اشتباه حساب حاصل در ثبت، عملیات مؤسسه در هر مورد دو هزار ریال و حداکثر بیست هزار ریال.

ک) عدم ارائه دفاتر ثبت، و پلمپ شده مربوط به سال مالیاتی مورد رسیدگی بازاء هر جلد دفتر یکصد ریال.

ل) عدم رعایت مقررات موضوع تبصره ۲ ماده ۱ این آیین‌نامه یکصد هزار ریال.

تبصره ۱ـ حداکثر جریمه مقرر در این آیین‌نامه برای یک یا چند مورد حسب مقررات تبصره یک ماده ۹۵ قانون مالیات‌های مستقیم به شرح زیر خواهد بود:

۱. تا ده درصد مالیات متعلق، در صورتی که ده درصد مذکور از یکصد هزار ریال بیشتر باشد.

۲. تا یکصد هزار ریال، در صورتی که ده درصد مالیات معادل و یا کمتر از یکصد هزار ریال باشد.

۳. تا یکصد هزار ریال، در صورت عدم شمول مالیات.

تبصره ۲ـ تعلق جرائم مذکور در این آیین‌نامه که در اجرای تبصره یک ماده ۹۵ قانون مالیات‌های مستقیم مقرر شده است مانع وصول جرائم مقرر در سایر مواد قانون مزبور نخواهد بود.

تبصره ۳ـ جرائم موضوع این ماده باید به همراه مالیات و در صورت عدم شمول مالیات بطور مجزا در مهلت مقرر برای مطالبه مالیات توسط مأموران تشخیص مربوط مورد مطالبه قرار گیرد و چنانچه دفاتر بعداً مورد قبول هیأت حل اختلاف مالیاتی واقع شود، هیأت مزبور مکلف است موارد تعلق جریمه و میزان آن را در رأی صادره مشخص نماید.

باب سوم

شرکت‌های تجارتی

فصل اول
در اقسام مختلفه شرکت‌ها و قواعد راجعه به آنها

ماده ۲۰ـ شرکت‌های تجارتی بر هفت قسم است:

۱. شرکت سهامی
۲. شرکت با مسئولیت محدود
۳. شرکت تضامنی
۴. شرکت مختلط غیر سهامی
۵. شرکت مختلط سهامی
۶. شرکت نسبی
۷. شرکت تعاونی تولید و مصرف [1]

---

۱. در حال حاضر قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ اصلاحی ۵۲ و ۵۴ و قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ بر فعالیت شرکت‌های تعاونی حاکمیت دارد که متن آنها در این مجموعه درج شده است.

توضیح:

در حقوق ایران همانند حقوق فرانسه و سایر کشورها نظریه شخصیت حقوقی در مقابل نظریه قراردادی (شرکت در حقوق مدنی)[1] پذیرفته شده است. شخص حقوقی ساخته و پرداخته فکر حقوقدانان می‌باشد و شخص فرضی و تخیلی است که قانون حقوق و تکالیفی به آن اعطا نموده است. مزایای پذیرش شخصیت حقوقی برای شرکت‌ها عبارتست از تسهیل در تنظیم قراردادها، طرح دعاوی از جمله اعلام ورشکستگی به دادگاه مرکز اصلی شرکت (اقامتگاه شخص حقوقی) می‌باشد و هدف اصلی تشکیل شرکت این است که دو یا چند نفر برای انجام امور تجارتی با قصد انتفاع با سرمایه ثبت شده فعالیت می‌کنند[2] و شرکت مدنی فاقد شخصیت حقوقی می‌باشد.

مبحث اول
شرکت‌های سهامی عام و خاص[3]

بخش ۱ـ تعریف و تشکیل شرکت سهامی

ماده ۱ـ شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.

توضیح:

در شرکت سهامی، سهام باید به قطعات متساوی القیمه تقسیم شود تا حقوق مساوی به سهامداران اعطا گردد. حقوق وابسته به یک سهم عبارت است از:
حق شرکت در مجامع عمومی ـ حق رأی ـ حق سود بردن ـ حق کسب اطلاع

---

۱. ماده ۵۷۱ ق.م: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه.»
۲. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت جلد دوم، نشر میزان سال ۱۳۸۴، ص ۱۸-۲۲
۳. لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت (ل.ا.ق.ت) مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ در ماده ۳۰۰ ماده حاکم بر شرکت‌های سهامی عام و خاص بوده و مواد ۲۱ تا ۹۴ شرکت سهامی مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ را در این مورد نسخ و جایگزین آن شده است.
- Joint stock public and private companies

از حسابها و دفاتر شرکت و گزارش مدیران و بازرسان ـ حق انتقال سهم ـ حق برداشت مبلغ سهم به هنگام انحلال و تصفیه مسئولیت مدنی صاحب سهم تا میزان آورده خود می‌باشد، اگر شرکت ورشکسته شود سهامدار در مقابل بدهی شرکت بیش از سهم خود مسئولیت ندارد.

اما مدیران به موجب ماده ۱۴۳ (ل.ا.ق.ت) از این قاعده مستثنی می‌باشند.

ماده ۲ـ شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.

توضیح:

ماده مذکور با قید جمله «ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد» بنظر می‌رسد که برای شرکت‌های سهامی عام و خاص معاملات اموال غیر منقول را مجاز دانسته است که استثنایی بر ماده ۴ (ق.ت.) وارد کرده که معاملات اموال غیر منقول را تحت حاکمیت قانون مدنی قرار داده است. قانون تجارت اخیر فرانسه عملیات غیر بازرگانی را برای شرکت‌های تضامنی و مختلط غیر سهامی و شرکت سهیم در شرکت دیگر را بازرگانی شناخته است.

ماده ۳ـ در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از سه نفر کمتر باشد.

توضیح:

ماده مذکور با در نظر گرفتن ماده ۱۰۷ (ل.ا.ق.ت) تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت‌های سهامی عام را حداقل ۵ نفر تعیین نموده است، به نظر می‌رسد در ماده ۳ تعداد سهامداران شرکت سهامی خاص نباید کمتر از ۳ نفر باشد. به کار بردن واژه "شرکاء" در شرکت سهامی، مسامحه نویسنده قانون بوده، زیرا در شرکت‌های سهامی، واژگان «سهم»[1] و «سهامدار»[2] چه در حقوق ایران و

---

1. share
2. shareholder

کشورهای دیگر بکار رفته است. و برای سایر شرکت‌ها مانند با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط واژگان «شریک»[1] و «سهم الشرکه»[2] مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای هیأت رئیسه در شرکت‌های سهامی عام و خاص به استناد ماده ۱۰۱ (ل.ا.ق.ت) باید حداقل ۴ نفر (یک رئیس ـ دو ناظر و یک منشی) باشد. ضمناً منشی ممکن است صاحب سهم نباشد.

ماده ۴ـ شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می‌شود:

نوع اول. شرکت‌هایی که مؤسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌کنند. این‌گونه شرکت‌ها شرکت سهامی عام نامیده می‌شوند.

نوع دوم. شرکت‌هایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصراً توسط مؤسسین تأمین گردیده است. اینگونه شرکت‌ها شرکت سهامی خاص نامیده می‌شوند.

تبصره ـ در شرکت‌های سهامی عام عبارت: «شرکت سهامی عام» و در شرکت‌های سهامی خاص عبارت: «شرکت سهامی خاص» باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق و اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت بطور روشن و خوانا قید شود.

توضیح:

در شرکت سهامی عام مؤسسین مکلفند برای تأمین قسمتی از سرمایه شرکت از طریق پذیره‌نویسی به مردم مراجعه کنند. این امر در اروپا بعد از جنگ جهانی دوم برای جذب سرمایه‌های کوچک مردم در واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی و مشارکت اقشار فقیر جامعه در ثروت‌های حاصل از اقتصاد کشور بود.

اما در شرکت‌های سهامی خاص، سرمایه شرکت باید توسط مؤسسین تأمین گردد و حق دعوت مردم به پذیره‌نویسی را ندارد.

---

1. partner

2.partnership share

ماده ۵ـ در موقع تأسیس، سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود، باید ظرف یکسال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد و گرنه هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند.

هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.

توضیح:

سرمایه شرکت سهامی عام ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و سرمایه شرکت سهامی خاص ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال قید شده است با توجه به اینکه تاریخ تصویب این قانون سال ۱۳۴۷ می‌باشد به علت سقوط ارزش پول (تورم) اصلاح ماده مذکور و افزایش مبلغ به ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ضروری به نظر می‌رسد و مؤسسین مکلف باشند ۵۰٪ سرمایه اولیه را نقداً به حساب شرکت واریز و فیش بانکی آنرا به اداره ثبت شرکت‌ها ارائه نمایند.

ماده ۶ـ برای تأسیس شرکت‌های سهامی عام مؤسسین باید اقلاً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل، سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی به نام: «شرکت در شرف تأسیس» نزد یکی از بانکها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام که به امضاء کلیهٔ مؤسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها به دایره ثبت شرکت‌ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت‌ها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

تبصره ـ هرگاه قسمتی از تعهد مؤسسین بصورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است توديع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمائم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نمایند.

توضیح:

تذکر این نکته ضروری است که در شرکت سهامی عام آورده غیر نقدی مختّص مؤسسین، آن هم برای قسمتی از آورده خود می‌باشد. اما برعکس در شرکت سهامی خاص بنا به بند ۲ ماده ۲۰ (ل.ا.ق.ت.) کل سرمایه شرکت می‌تواند به صورت غیر نقد باشد.

ماده ۷ـ اظهارنامه مذکور در مادهٔ ۶ باید با قید تاریخ به امضاء کلیه مؤسسین رسیده و موضوعات زیر مخصوصاً در آن ذکر شده باشد:

۱. نام شرکت
۲. هویت کامل و اقامتگاه مؤسسین
۳. موضوع شرکت
۴. مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک
۵. تعداد سهام با نام و بی‌نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این‌گونه سهام.
۶. میزان تعهد هریک از مؤسسین و مبلغی که پرداخت کرده‌اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است. در مورد آورده غیرنقد تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن به نحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیرنقد اطلاع حاصل نمود.
۷. مرکز اصلی شرکت
۸. مدت شرکت

توضیح:

اظهارنامه مذکور طبق نمونه اداره ثبت شرکت‌ها در دو نسخه تنظیم و با سایر مدارک به مرجع مذکور با الصاق تمبر قانونی تقدیم می‌گردد.

ماده ۸ـ طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء مؤسسین رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد:

۱. نام شرکت.
۲. موضوع شرکت بطور صریح و منجّز.
۳. مدت شرکت.
۴. مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تأسیس شعبه مورد نظر باشد.
۵. مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک.
۶. تعداد سهام بی‌نام و با نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این‌گونه سهام.
۷. تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که به هر حال از پنج سال متجاوز نخواهد بود.
۸. نحوه انتقال سهام با نام.
۹. طریقه تبدیل سهام با نام به سهام بی‌نام و بالعکس.
۱۰. در صورت پیش‌بینی امکان صدور اوراق قرضه، ذکر شرایط و ترتیب آن.
۱۱. شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایهٔ شرکت.
۱۲. مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی.
۱۳. مقررات راجع به حدنصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها.
۱۴. طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی.

۱۵. تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت مأموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفاء می‌کنند یا محجور یا معزول یا به جهات قانونی ممنوع می‌گردند.
۱۶. تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران.
۱۷. تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند.
۱۸. قید اینکه شرکت، یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت مأموریت بازرس.
۱۹. تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه.
۲۰. نحوهٔ انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن.
۲۱. نحوهٔ تغییر اساسنامه.

توضیح:

اساسنامه در واقع آیین‌نامه داخلی شرکت می‌باشد. ضمناً نباید مندرجات اساسنامه برخلاف قانون باشد که در این صورت طبق ماده ۲۷۰ و بعد (ل.ا.ق.ت) قابل بطلان می‌باشد.

ماده ۹ـ طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در مادهٔ ۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱. نام شرکت.
۲. موضوع شرکت و نوع فعالیتهایی که شرکت به منظور آن تشکیل می‌شود.
۳. مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تأسیس شعبه مورد نظر باشد.
۴. مدت شرکت.
۵. هویت کامل و اقامتگاه و شغل مؤسسین، در صورتی که تمام یا

بعضی از مؤسسین در امور مربوط به موضوع شرکت یا امور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا تجاربی داشته باشند ذکر آن به اختصار.

۶. مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در مورد سرمایه غیر نقد شرکت، تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن به نحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیر نقد اطلاع حاصل نمود.

۷. در صورتی که مؤسسین مزایایی برای خود در نظر گرفته‌اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا به تفصیل.

۸. تعیین مقداری از سرمایه که مؤسسین تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده‌اند.

۹. ذکر هزینه‌هایی که مؤسسین تا آن موقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده‌اند و برآورد هزینه‌های لازم تا شروع فعالیتهای شرکت.

۱۰. در صورتی که انجام موضوع شرکت قانوناً مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه‌نامه یا موافقت اصولی آن مراجع.

۱۱. ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره‌نویسی باید توسط پذیره‌نویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره‌نویسی نقداً پرداخت گردد.

۱۲. ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام مورد تعهد باید به آن حساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که طی آن اشخاص ذی علاقه می‌توانند برای پذیره‌نویسی و پرداخت مبلغ نقدی به بانک مراجعه کنند.

۱۳. تصریح به اینکه اظهارنامه مؤسسین به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه علاقمندان به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شده است.

۱۴. ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی مؤسس منحصراً در آن منتشر خواهد شد.

۱۵. چگونگی تخصیص سهام به پذیره‌نویسان.

توضیح:

رعایت مندرجات ماده مذکور چون از قواعد آمره می‌باشد در تهیه و تنظیم اعلامیه پذیره‌نویسی (در دو نسخه) الزامی می‌باشد.

ماده ۱۰ــ مرجع ثبت شرکت‌ها پس از مطالعه اظهارنامه و ضمائم آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون، اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی را صادر خواهد نمود.

توضیح:

کارشناس اداره ثبت شرکت‌ها مدارک تقدیمی متقاضی را با کلیه ضمائم بررسی و در صورت کامل بودن، اجازه انتشار اعلامیه مذکور را صادر می‌نماید.

ماده۱۱ــ اعلامیه پذیره‌نویسی باید توسط مؤسسین در جراید آگهی گردیده و نیز در بانکی که تعهد سهام نزد آن صورت می‌گیرد در معرض دید علاقمندان قرار داده شود.

ماده۱۲ــ ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره‌نویسی معین شده است علاقمندان به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که نقداً باید پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد.

ماده ۱۳ــ ورقه تعهد سهم باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱. نام و موضوع و مرکز اصلی و مدت شرکت.
۲. سرمایه شرکت.
۳. شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی و مرجع صدور آن.
۴. تعداد سهامی که مورد تعهد واقع می‌شود و مبلغ اسمی آن و همچنین مبلغی که از آن بابت نقداً در موقع پذیره‌نویسی باید

پرداخت شود.

۵ـ نام بانک و شماره حسابی که مبلغ لازم توسط پذیرەنویسان باید به آن حساب پرداخت شود.

۶ـ هویت و نشانی کامل پذیرەنویس

۷ـ قید اینکه پذیره نویس متعهد است مبلغ پرداخت نشدهٔ سهام مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت پرداخت نماید.

توضیح:

رعایت موارد مندرج در ماده ۱۳ برای حفظ حقوق سهامدار در ورقه سهم که از شرایط شکلی می‌باشد الزامی است.

ماده ۱۴ـ ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضاء پذیرەنویس یا قائم مقام قانونی او رسیده نسخه اول نزد بانک نگهداری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضاء بانک به پذیره‌نویس تسلیم می‌شود.

تبصره ـ در صورتی‌که ورقه تعهد سهم را شخصی برای دیگری امضاء کند هویت و نشانی کامل و سمت امضاء کننده قید و مدرک سمت او اخذ و ضمیمه خواهد شد.

ماده ۱۵ـ امضاء ورقه تعهد سهم، بخودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می‌باشد.

مده ۱۶ـ پس از گذشتن مهلتی که برای پذیرەنویسی معین شده است و یا در صورتی که مدت، تمدید شده باشد بعد از انقضای مدت تمدید شده، مؤسسین حداکثر تا یکماه به تعهدات پذیرەنویسان رسیدگی و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد گردیده و اقلاً سی و پنج درصد آن پرداخت شده تعداد سهام هر یک از تعهد

کنندگان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی مؤسس را دعوت خواهند نمود.

توضیح:

در شرکت‌های سهامی عام حداقل آورده‌های نقدی اعم از مؤسس یا پذیره‌نویس باید ۳۵٪ کل سرمایه باشد و پس از انقضای مهلت پذیره‌نویسی، مؤسسین مکلفند تعداد سهام هر یک از سهامداران را تعیین و اعلام نمایند. چنانچه مبلغ سرمایه پذیره‌نویسی شده کمتر از سرمایه اعلام شده باشد و یا تجدید اعلامیه پذیره‌نویسی سرمایه تکمیل نگردد در آن صورت شرکت تأسیس نشده اعلام و پذیره‌نویسان طبق ماده ۱۹ (ل.ا.ق.ت) مبلغ پرداختی خود را از بانک دریافت می‌نمایند اما اگر میزان سرمایه بیش از سرمایه اعلام شده بوسیله پذیره‌نویسان به حساب بانک واریز گردد در این صورت مؤسسین مبلغ اضافی را به نسبت سهام هر یک از پذیره‌نویسان به آنان مسترد می‌دارند (این عمل را در حقوق فرانسه تعدیل سهام می‌نامند.)

ماده ۱۷ـ (اصلاحی ۱۳۵۳/۱۱/۲۲) مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می‌شود و پس از رسیدگی و احراز پذیره‌نویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند. مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم به تکالیف و مسئولیتهای سمت خود عهده‌دار آن گردیده‌اند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود.

تبصره ـ (اصلاحی ۱۳۵۳/۱۱/۲۲) هرگونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود یکی از این دو روزنامه به وسیله مجمع عمومی مؤسس و روزنامه دیگر از طرف وزارت ارشاد اسلامی تعیین می‌شود.

توضیح:

قسمت آخر ماده ۱۷ مذکور لحظه ایجاد شخصیت حقوقی شرکت سهامی عام و خاص را مشخص می‌نماید و به عبارت دیگر پس از تنظیم صورت جلسه مجمع عمومی مؤسس هنگامی که مدیران و بازرسان با علم به تکالیف و مسئولیت‌ها، عهده‌دار سمت خود شدند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب شده و شخصیت حقوقی پیدا می‌کند. و شرکت می‌تواند قرارداد با اشخاص ثالث تنظیم نماید و ضمناً آورده‌های نقدی و غیرنقدی از این تاریخ به شرکت انتقال پیدا می‌نماید.

ماده ۱۸ـ اساسنامه‌ای که به تصویب مجمع عمومی مؤسس رسیده به ضمیمه صورت جلسه مجمع و اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم خواهد شد.

ماده ۱۹ـ در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر یک از مؤسسین یا پذیره‌نویسان مرجع ثبت شرکت‌ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهی نامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا مؤسسین و پذیره‌نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده مؤسسین خواهد بود.

توضیح:

در بن ماده قانون‌گذار از پذیره‌نویسان حمایت کرده است که اگر شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه تشکیل نشد هر پذیره‌نویس می‌تواند به اداره ثبت شرکت‌ها مراجعه نموده و گواهی عدم ثبت شرکت را دریافت کند سپس

از بانک مربوط مبلغ پرداختی خود را مسترد می‌دارد. ضمناً کلیه هزینه‌های مربوط به شرکت در شرف تأسیس به عهدهٔ مؤسسین می‌باشد.

ماده۲۰ـ برای تأسیس و ثبت شرکت‌های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها کافی خواهد بود:

۱. اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده باشد.

۲. اظهارنامه مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهی‌نامه بانکی حاکی از تأدیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از سی و پنج درصد کل سهام باشد. اظهارنامه مذکور باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه به صورت غیر نقد باشد باید تمام آن تأدیه گردیده و صورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس شده باشد و در صورتی که سهام ممتازه وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد.

۳. انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه‌ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.

۴. قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷.

۵. ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

تبصره ـ سایر قیود و شرایطی که در این قانون برای تشکیل و ثبت شرکت‌های سهامی عام مقرر است در مورد شرکت‌های سهامی خاص، لازم‌الرعایه نخواهد بود.

توضیح:

برای تأسیس شرکت سهامی خاص اگر کلیه پذیره‌نویسان در مجمع عمومی مؤسس حضور داشته باشند طبق تبصره ماده ۹۷ (ل.ا.ق.ت.) نیاز با نشر

دعوت‌نامه مجمع مزبور ندارد. ضمناً در شرکت سهامی خاص برخلاف شرکت سهامی عام کلیه آورده می‌تواند به صورت غیر نقدی هم باشد.

ماده ۲۱ـ شرکت‌های سهامی خاص نمی‌توانند سهام خود را برای پذیره‌نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند.

توضیح:

یکی از وجوه افتراق شرکت سهامی خاص با عام ممنوعیت عرضه سهام به مردم از طریق نشر آگهی در روزنامه و یا فروش آن در بورس اوراق بهادار یا توسط بانک‌ها می‌باشد.

ماده ۲۲ـ استفاده از وجوه تأدیه شده به نام شرکت‌های سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹.

توضیح:

این ماده از پذیره‌نویسان در مقابل سوء استفاده مدیران با برداشت مبالغ واریز شده در حساب بانکی شرکت حمایت کرده است که مؤسسین نمی‌توانند از وجوه مذکور تا به ثبت رسیدن شرکت برداشت و استفاده مایند.

مده ۲۳ـ مؤسسین شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می‌دهند مسئولیت تضامنی دارند.

توضیح:

مؤسسین شرکت در مقابل اشخاص ذی‌نفع اعم از پذیره‌نویس و طلبکار مسئولیت تضامنی دارند با این ترتیب اشخاص زیان دیده فقط می‌توانند علیه مؤسسین اقامه دعوی نمایند.

بخش ۲ـ سهام

ماده ۲۴ـ سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخّص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد، ورقه سهم سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

تبصره ۱ـ سهم ممکن است با نام و یا بی نام باشد.

تبصره ۲ـ در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند اینگونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود.

توضیح:

سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی می‌باشد که میزان مشارکت (درصد سرمایه) و تعهدات (پرداخت مبلغ سهم) و سود صاحب سهم (به میزان سهام خود) سهامدار را مشخص می‌کند ماده مزبور با پیش‌بینی اصل قابلیت انتقال ورقه سهم، موجبات گردش سرمایه و تحرک بازار بورس را فراهم ساخته است.

صدور سهم بی‌نام امروزه در اغلب کشورها به علت معایبی که دارد از قبیل سرقت، جعل، افقاد و نفوذ خارجیان در کنترل شرکت‌های داخلی از بین رفته است. اما سهم ممتاز در حقوق ایران تعریف نشده است. و قید کلمه «مزایایی» مبهم می‌باشد. ولی قانون‌گذار به این نکته توجه داشته که امتیازات داده شده به سهم نباید برخلاف قانون تجارت باشد.

ماده ۲۵ـ اوراق سهام باید متّحد الشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و به امضای لااقل دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین

می‌شود برسد.

ماده ۲۶ـ در ورقه سهم نکات زیر باید قید شود:

۱. نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکت‌ها.
۲. مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن.
۳. تعیین نوع سهم.
۴. مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و با اعداد.
۵. تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آن است.

ماده ۲۷ـ تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به صاحبان سهام گواهی‌نامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع سهام و پرداخت شده آن باشد. این مبلغ گواهی‌نامه در حکم سهم است ولی در هر حال ظرف مدت یکسال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهی‌نامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد.

توضیح:

صدور گواهی موقت سهم و صدور سهام به شرح ماده ۲۷ (ل.ا.ق.ت.) الزامی می‌باشد.

ماده ۲۸ـ تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهی‌نامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف امضاء کنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود.

توضیح:

جبران خسارت بر طبق اصول کلی قانون مدنی بر وفق مواد (۹۵۳ و ۹۵۱ و ۳۳۱) قانون مسئولیت مدنی پس از اثبات تقصیر فاعل زیان و رابطه سببیت بین

فعل زیان‌آور و ضرر وارده صورت می‌گیرد.

ماده ۲۹ـ در شرکت‌های سهامی عام، مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد.

توضیح:

مبلغ مزبور به علت سقوط ارزش پول پس از سال ۱۳۴۷ (تاریخ تصویب قانون) نیاز به اصلاح دارد.

ماده ۳۰ـ مادام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهی‌نامه موقت بی‌نام ممنوع است. به تعهد کننده این‌گونه سهام گواهی‌نامه موقت با نام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام با نام است.

ماده ۳۱ـ در مورد صدور گواهی‌نامه موقت سهم مواد ۲۵ و ۲۶ باید رعایت شود.

ماده ۳۲ـ مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد.

توضیح:

ماده ۳۲ اصل تساوی مبلغ کل سهام شرکت را برای اعطای حقوق وابسته به یک سهم پیش‌بینی نموده است حتی زمانی که شرکت برای رعایت سهامداران اقلیت متوسل به انتشار « پاره سهم» گردد مثلاً یک سهم ۱۰۰۰ ریالی را به ده پاره سهم ۱۰۰ ریالی تقسیم می‌نماید ولی باید توجه کرد که پاره سهم، حقوق وابسته به یک سهم را (مانند حق شرکت در مجمع، حق رأی، حق سود بردن و حق تقدم....) ندارد.

ماده ۳۳ـ مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر اینصورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذی‌نفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند.

تبصره ـ مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض به عمل آید.

ماده ۳۴ـ کسی که تعهد ابتیاع سهمی را نمود مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن می‌باشد و در صورتی که قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی سهم آن را به دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم دارنده سهم مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود.

ماده ۳۵ـ در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن منتشر می‌شود به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت معقول و متناسبی برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه مقرر دارد. پس از انقضای چنین مهلتی هر مبلغ که تأدیه نشده باشد نسبت به آن خسارت دیر کرد از قرار نرخ رسمی بهره بعلاوه چهار درصد در سال به مبلغ تأدیه نشده علاوه خواهد شد و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یک ماه اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تأخیر آن تماماً پرداخت نشود شرکت این‌گونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس، و گرنه از طریق مزایده به فروش خواهد رسانید. از حاصل فروش سهم بدواً کلیه هزینه‌های مترتبه برداشت گردیده و در صورتی که خالص حاصل

فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزینه‌ها و خسارت دیر کرد) بیشتر باشد مازاد به وی پرداخت می‌شود.

ماده ۳۶ـ در مورد ماده ۳۵ آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یک نوبت در روزنامه کثیر الانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر و یک نسخه از آگهی وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می‌شود. هرگاه قبل از تاریخی که برای فروش معین شده است کلیه بدهی‌های مربوط به سهام اعم از اصل ـ خسارات ـ هزینه‌ها به شرکت پرداخت شود شرکت از فروش سهام خودداری خواهد کرد. در صورت فروش سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهی‌نامه موقت سهام با قید کلمه المثنی به نام خریدار صادر و اوراق سهام یا گواهی‌نامه موقت سهام قبلی ابطال می‌شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می‌گردد.

ماده ۳۷ـ دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵ حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد این‌گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. به علاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به این‌گونه سهام معلق خواهد ماند.

ماده ۳۸ـ در مورد ماده ۳۷ هرگاه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه‌ها به شرکت پرداخت کنند مجدداً حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند داشت و می‌توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند.

ماده ۳۹ـ سهم بی‌نام به صورت سند در وجه حامل، تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می‌شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال این‌گونه سهام با قبض و اقباض به عمل می‌آید. گواهی‌نامه موقت سهام بی‌نام در حکم سهام بی‌نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی‌نام می‌باشد.

توضیح:

سهم بی‌نام که سند در وجه حامل محسوب می‌شود مانند سایر اسناد تجاری حامل آن (متصرف) مالک محسوب می‌شود و به موجب ماده ۳۵ (ق.م) تصرف به عنوان مالکیت، دلیل مالکیت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. نقل و انتقال این سهم با قبض و اقباض صورت می‌گیرد.

ماده ۴۰ـ انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند.

در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب به ثبت رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

توضیح:

انتقال سهم با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت سهامی عام یا خاص به نام صاحب سهم به ثبت برسد و نقل و انتقال هم به امضای منتقل الیه یا وکیل او یا کارگزار اوراق بهادار برسد و در غیر این صورت هر نقل و انتقالی از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار خواهد بود.

ماده ۴۱ــ در شرکت‌های سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود.

توضیح:

در شرکت سهامی عام، نقل و انتقال سهام مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی سهامداران می‌باشد. اما در مورد نقل و انتقال سهام شرکت سهامی خاص، چون ماده اشاره‌ای به آن ننموده به نظر می‌رسد که می‌توان اصل قابلیت انتقال را در شرکت اخیر بدون موافقت مدیران یا مجامع عمومی پذیرفت، مگر اینکه در اساسنامه خلاف آن قید گردد.

ماده ۴۲ــ هر شرکت سهامی می‌تواند به موجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام، سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات این گونه سهام و نحوه استفاده از آن باید بطور وضوح تعیین گردد. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف به علاوه یک این گونه سهام انجام گیرد.

توضیح:

انتشار سهام ممتاز در این ماده تجویز شده با در نظر گرفتن ماده ۴۰ (ل.ا.ق.ت) امتیازات راجع به سهام ممتاز نباید برخلاف قانون باشد، مثال به یک سهم ممتاز نمی‌توان دو حق رأی اعطا نمود زیرا مخالف با تبصره ماده ۷۵ (ل.ا.ق.ت) می‌باشد (هر سهم دارای یک حق رأی است) ضمناً قانون‌گذار در این ماده هرگونه تغییرات در امتیازات وابسته به سهام ممتاز را موکول به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت با حضور صاحبان سهام ممتاز و دارندگان نصف به علاوه یک سهام مزبور نموده است.

بخش ۳ـ تبدیل سهام

ماده ۴۳ـ هرگاه شرکت بخواهد به موجب مقررات اساسنامه یا بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران خود سهام بی‌نام شرکت را به سهام با نام و یا آنکه سهام با نام را به سهام بی‌نام تبدیل نماید باید برطبق مواد زیر عمل کند.

ماده ۴۴ـ در مورد تبدیل سهام بی‌نام به سهام با نام باید مراتب در روزنامه‌های کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد سه نوبت هر یک به فاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهام داده شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح خواهد شد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی‌نام شرکت باطل شده تلقی می‌گردد.

ماده ۴۵ـ سهام بی‌نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده ۴۴ برای تبدیل به سهام با نام به مرکز شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابر تعداد آن سهام با نام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یک ماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام به فروش نرسد حراج تا دو نوبت طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد.

ماده ۴۶ـ از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده ۴۵ فروخته می‌شود بدواً هزینه‌های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزار

بورس، کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره‌دار سپرده می‌شود. در صورتی ک ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام باطل شده به شرکت مسترد شود مبلغ سپرده و بهره مربوطه به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می‌شود. پس از انقضای ده سال باقی مانده وجوه در حکم مال بلاصاحب بوده و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان به خزانه دولت منتقل گردد.

تبصره ـ در مورد مواد ۴۵ و ۴۶ هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام به فروش نرسد صاحبان سهام بی‌نام که به شرکت مراجعه می‌کنند به ترتیب مراجعه به شرکت اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی‌نام که در دست دارند وجه نقد دریافت کنند و یا آنکه برابر تعداد سهام بی‌نام خود، سهام با نام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار دارد رعایت خواهد شد.

ماده ۴۷ـ برای تبدیل سهام با نام به سهام بی‌نام مراتب فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده می‌شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد سهامی که تبدیل نشده است سهام بی‌نام صادر و در مرکز شرکت نگاهداری خواهد شد تا هر موقع که دارندگان سهام با نام به شرکت مراجعه کنند سهام با نام آنان اخذ و ابطال و سهام بی‌نام به آنها داده شود.

ماده ۴۸ـ پس از تبدیل کلیه سهام بی‌نام به سهام با نام و یا تبدیل سهام با نام به سهام بی‌نام و یا حسب مورد پس از گذشتن هر یک از مهلت‌های مذکور در مواد ۴۴ و ۴۷ شرکت باید مرجع ثبت شرکت‌ها

را از تبدیل سهام خود کتباً مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۴۹ـ دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام را نخواهند داشت.

ماده ۵۰ـ در مورد تعویض گواهی‌نامه موقت سهام با اوراق سهام با نام یا بی‌نام بر طبق مفاد مواد ۴۷و ۴۹ عمل خواهد شد.

توضیح:

از ماده ۴۳ الی ۵۰ (ل.ا.ق.ت) تبدیل سهام با نام به بی‌نام و بالعکس پیش‌بینی شده است با توجه به اینکه مقررات انتشار سهام بی‌نام در کشورهای اروپایی و ایالات متحده امریکا به علت معایبی که دارد فسخ شده است لذا حذف موارد مذکور مفید به نظر می‌رسد.

بخش ۴ـ اوراق قرضه

ماده ۵۱ـ شرکت سهامی عام می‌تواند تحت شرایط مندرج در این قانون اوراق قرضه منتشر کند.

توضیح:

انتشار اوراق قرضه در حقوق ایران و فرانسه مخصوص شرکت سهامی عام می‌باشد تا این شرکت بتواند با امتیازاتی که به دارنده ورقه قرضه اعطا می‌کند سرمایه لازم را برای تحرک و توسعه فعالیت بازرگانی خود بنماید.

اما اوراق مشارکت که طبق قانون ۱۳۷۶/۶/۲ به تصویب رسیده دارای ماهیت دولتی بوده و متأسفانه بخش خصوصی نمی‌تواند مانند بخش عمومی تضمین بانکی برای خریداران به هنگام انتشار اوراق داشته باشد و در نتیجه

این بخش در مضیقه شدید نقدینگی قرار دارد.

ماده ۵۲ـ ورقه قرضه ورقه قابل معامله‌ای است که معرف مبلغی وام است با بهره معین که تمامی آن یا اجزاء آن در موعد یا مواعد معینی باید مسترد گردد. برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود.

توضیح:

ورقه قرضه مانند سهم قابل نقل و انتقال می‌باشد و نشان دهنده مبلغ وام با بهره ثابت می‌باشد اما نباید تصور کرد که فقط بهره ثابت است زیرا قسمت اخیر ماده حقوق دیگری نیز از قبیل حق مشارکت در بقیه سود شرکت و بازپرداخت مبلغ اسمی با توجه به بالا رفتن نرخ کالاها و یا خدمات شرکت (در نظر گرفتن تورم) به صاحب ورقه قرضه اعطا نموده است دادن چنین امتیازاتی علاوه بر بهره در کشورهای غربی مانند فرانسه موجبات جذب سرمایه‌های هنگفتی را برای بخش‌هایی به خصوص خدماتی (مانند مترو پاریس) فراهم ساخته است.

ماده ۵۳ـ دارندگان اوراق قرضه در اداره امور شرکت هیچگونه دخالتی نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب می‌شوند.

ماده ۵۴ـ پذیره‌نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نمی‌باشد.

ماده ۵۵ـ انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تأدیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.

ماده ۵۶ـ هرگاه انتشار اوراق قرضه در اساسنامه شرکت پیش‌بینی نشده

باشد مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام می‌تواند بنا به پیشنهاد هیأت مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آن را تعیین کند. اساسنامه و یا مجمع عمومی می‌تواند به هیأت مدیره شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند یک یا چند بار به انتشار اوراق قرضه مبادرت نماید.

تبصره ـ در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه (در صورت تجزیه) باید متساوی باشد.

ماده ۵۷ـ تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتباً به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام شود. مرجع مذکور مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه به هزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود.

تبصره ـ قبل از انجام تشریفات مذکور در ماده فوق هرگونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع است.

ماده ۵۸ـ اطلاعیه انتشار اوراق قرضه باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضاء مجاز شرکت امضاء شده باشد:

۱. نام شرکت.
۲. موضوع شرکت.
۳. شماره و تاریخ ثبت شرکت.
۴. مرکز اصلی شرکت.
۵. مدت شرکت.
۶. مبلغ سرمایه شرکت و تصریح به اینکه کلیه آن پرداخت شده است.
۷. در صورتی که شرکت سابقاً اوراق قرضه صادر کرده است مبلغ و تعداد و تاریخ صدور آن و تضميناتی که احتمالاً برای بازپرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبالغ بازپرداخت شده آن و

در صورتی که اوراق قرضه سابق قابل تبدیل به سهام شرکت بوده باشد مقداری از آن گونه اوراق قرضه که هنوز تبدیل به سهم نشده است.

۸. در صورتی که شرکت سابقاً اوراق قرضه مؤسسه دیگری را تضمین کرده باشد مبلغ و مدت و سایر شرایط تضمین مذکور.

۹. مبلغ قرضه و مدت آن و همچنین مبلغ اسمی هر ورقه و نرخ بهره‌ای که به قرضه تعلق می‌گیرد و ترتیب محاسبه آن و ذکر سایر حقوقی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است و همچنین موعد یا مواعد و شرایط بازپرداخت اصل و پرداخت بهره و غیره و در صورتی که اوراق قرضه قابل بازخرید باشد شرایط و ترتیب باز خرید.

۱۰. تضمیناتی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است.

۱۱. اگر اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت یا قابل تبدیل به سهام شرکت باشد مهلت و سایر شرایط تعویض یا تبدیل.

۱۲. خلاصه گزارش وضع مالی شرکت و خلاصه ترازنامه آخرین سال مالی آن که به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است.

توضیح:

ورقه قرضه می‌تواند قابل تبدیل یا تعویض با سهام شرکت در پایان انقضای ورقه قرضه باشد و شرکت می‌تواند امتیازات مزبور را به خریداران اوراق قرضه اعطا نماید تا آنان بتوانند در صورت تمایل اوراق قرضه خود را با سهام شرکت تبدیل یا تعویض نمایند و این امر برای صاحب ورقه قرضه سودآور می‌باشد. زیرا نه تنها در طول مهلت ورقه قرضه از امتیازات بهره ثابت و حقوق دیگر استفاده می‌نماید بلکه پس از تبدیل یا تعویض می‌تواند سهام حاصل را در بورس اوراق بهادار به فروش رسانده و سود قابل توجهی از این بابت کسب نماید.

ماده ۵۹ـ پس از انتشار آگهی مذکور در ماده ۵۷ شرکت باید تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیه انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر شده در روزنامه رسمی و همچنین شماره و تاریخ روزنامه رسمی که آگهی در آن منتشر شده است در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی کند.

ماده ۶۰ـ ورقه قرضه باید شامل نکات زیر بوده و به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است امضاء بشود:

۱. نام شرکت
۲. شماره و تاریخ ثبت شرکت
۳. مرکز اصلی شرکت
۴. مبلغ سرمایه شرکت
۵. مدت شرکت
۶. مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه قرضه.
۷. تاریخ و شرایط بازپرداخت قرضه و نیز شرایط بازخرید ورقه قرضه(اگر قابل باز خرید باشد).
۸. تضميناتی که احتمالاً برای قرضه در نظر گرفته شده است.
۹. در صورت قابلیت تعویض اوراق قرضه با سهام شرایط و ترتیباتی که باید برای تعویض رعایت شود با ذکر نام اشخاص یا مؤسساتی که تعهد تعویض اوراق قرضه را کرده‌اند.
۱۰.در صورت قابلیت تبدیل ورقه قرضه به سهام شرکت مهلت و شرایط این تبدیل.

ماده ۶۱ـ اوراق قرضه ممکن است قابل تعویض با سهام شرکت باشد در این صورت مجمع عمومی فوق‌العاده باید بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را اقلاً برابر با مبلغ قرضه تصویب کند.

ماده ۶۲ـ افزایش سرمایه مذکور در ماده ۶۱ قبل از صدور اوراق قرضه باید به وسیله یک یا چند بانک و یا مؤسسه مالی معتبر پذیره نویسی شده باشد و قراردادی که در موضوع این‌گونه پذیره نویسی و شرایط آن و تعهد پذیره‌نویسی مبنی بر دادن سهام به دارندگان اوراق قرضه و سایر شرایط مربوط به آن بین شرکت و این‌گونه پذیره‌نویسان منعقد شده است نیز باید به تصویب مجمع عمومی مذکور در ماده ۶۱ برسد و گرنه معتبر نخواهد بود.

تبصره ـ شورای پول و اعتبار شرایط بانکها و مؤسسات مالی را که می‌توانند افزایش سرمایه شرکت‌ها را پذیره‌نویسی کنند تعیین خواهد نمود.

توضیح:

اگر شرکت مبادرت به اعطای ورقه قرضه با حق تعویض بنماید در این صورت باید بانک یا موسسه مالی معتبر آن را پذیره‌نویسی (تعهد پرداخت) کند.

ماده ۶۳ـ در مورد مواد ۶۱ و ۶۲ حق رجحان سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تعویض با اوراق قرضه خودبخود منتفی خواهد بود.

ماده ۶۴ـ شرایط و ترتیب تعویض ورقه قرضه با سهم باید در ورقه قرضه قید شود تعویض ورقه قرضه با سهم تابع میل و رضایت دارنده ورقه قرضه است. دارنده ورقه قرضه در هر موقع قبل از سررسید ورقه می‌تواند تحت شرایط و به ترتیبی که در ورقه قید شده است آن را با سهم شرکت تعویض کند.

ماده ۶۵ـ از تاریخ تصمیم‌گیری مجمع مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه شرکت نمی‌تواند اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کند یا سرمایه خود را مستهلک

سازد یا آن را از طریق باز خرید سهام کاهش دهد یا اقدام به تقسیم اندوخته کند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیانهای وارده که منتهی به تقلیل مبلغ اسمی سهام و یا تقلیل عده سهام بشود شامل سهامی نیز که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق خود دریافت می‌دارند می‌گردد و چنین تلقی می‌شود که این گونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشار اوراق مزبور سهامدار شرکت بوده‌اند.

توضیح:

کلمات «بازخرید سهام» در ماده مذکور برخلاف ماده ۱۹۸ (ل.ا.ق.ت.) که می‌گوید: «خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است» آمده است که اصلاح آن ضروری می‌باشد.

ماده ۶۶ـ از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه، صدور سهام جدید در نتیجه انتقال اندوخته به سرمایه و بطور کلی دادن سهم و یا تخصیص یا پرداخت وجه به سهامداران تحت عناوینی از قبیل جایزه یا منافع انتشار سهام، ممنوع خواهد بود مگر آنکه حقوق دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می‌کنند به نسبت سهامی که در نتیجه معاوضه مالک می‌شوند حفظ شود. به منظور فوق شرکت باید تدابیر لازم را اتخاذ کند تا دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می‌کنند بتوانند به نسبت و تحت همان شرایط حقوق مالی مذکور را استیفاء نمایند.

ماده ۶۷ـ سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می‌شود با نام بوده و تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه وثیقه تعهد پذیره‌نویسان در برابر دارندگان اوراق قرضه دائر به تعویض سهام با اوراق مذکور

می‌باشد و نزد شرکت نگاهداری خواهد شد این گونه سهام تا انقضاء موعد یا مواعد اوراق قرضه فقط قابل انتقال به دارندگان اوراق قرضه مزبور بوده و نقل و انتقال این‌گونه سهام در دفاتر شرکت ثبت نخواهد شد مگر وقتی که تعویض ورقه قرضه با سهم احراز گردد.

ماده ۶۸ـ سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می‌شود مادام که این تعویض به عمل نیامده است تا انقضاء موعد یا مواعد اوراق قرضه قابل تأمین و توقیف نخواهد بود.

ماده ۶۹ـ اوراق قرضه ممکن است قابل تبدیل به سهام شرکت باشد در این صورت مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که اجازه انتشار اوراق قرضه را می‌دهد شرایط و مهلتی را که طی آن دارندگان این‌گونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل کنند تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به هیأت مدیره خواهد داد.

ماده ۷۰ـ در مورد ماده ۶۹ هیأت مدیره شرکت براساس تصمیم مجمع عمومی مذکور در همان ماده در پایان مهلت مقرر معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراق قرضه‌ای که جهت تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از ثبت این افزایش در مرجع ثبت شرکت‌ها سهام جدید صادر و به دارندگان اوراق مذکور معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراقی که به شرکت تسلیم کرده‌اند سهم خواهد داد.

ماده ۷۱ـ در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم مجمع عمومی باید بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت اتخاذ تصمیم نماید و همچنین مواد ۶۳ و ۶۴ در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم نیز باید رعایت شود.

توضیح:

مواد مذکور با پیش‌بینی‌های لازم از حقوق صاحبان ورقه قرضه حمایت کرده است.

بخش ۵ـ مجامع عمومی

ماده ۷۲ـ مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آراء لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که به موجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد.

ماده ۷۳ـ مجامع عمومی به ترتیب عبارتند از:

۱. مجمع عمومی مؤسس.
۲. مجمع عمومی عادی.
۳. مجمع عمومی فوق‌العاده.

توضیح:

مجمع عمومی مؤسس که فقط یک بار برای تأسیس شرکت تشکیل می‌گردد و مجمع عمومی عادی خود شامل دو نوع مجمع می‌باشد. ۱ـ مجمع عمومی عادی سالیانه ماده ۸۹ (ل.ا.ق.ت) ۲ـ مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده ماده ۹۲ (ل.ا.ق.ت) اما مجمع عمومی فوق‌العاده که در بند ۳ ماده ۷۳ مذکور پیش‌بینی شده برای مسائل مهم شرکت که در مواد ۸۳ و ۲۷۸ و ۲۷۹ (ل.ا.ق.ت) در نظر گرفته، تشکیل می‌گردد.

ماده ۷۴ـ وظایف مجمع عمومی مؤسس به قرار زیر است:

۱. رسیدگی به گزارش مؤسسین و تصویب آن و همچنین احراز پذیره‌نویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم.

۲. تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن.
۳. انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت.
۴. تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

تبصره ـ گزارش مؤسسین باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه پذیره‌نویسان سهام آماده باشد.

ماده ۷۵ـ در مجمع عمومی مؤسس حضور عده‌ای از پذیره‌نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجامع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط مؤسسین دعوت می‌شوند مشروط به این که لااقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیره‌نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید با اکثریت دو ثلث آراء حاضرین اتخاذ شود. در صورتی که در مجمع عمومی سوم اکثریت لازم حاضر نشد مؤسسین عدم تشکیل شرکت را اعلام می‌دارند.

تبصره ـ در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسین و پذیره‌نویسان حق حضور دارند و هرسهم دارای یک رأی خواهد بود.

توضیح:

ماده ۷۵ حد نصاب رسمیت جلسه را حضور عده‌ای دانسته که آنان حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند و در واقع در نصاب رسمیت سرمایه مورد نظر بوده نه تعداد سهامداران.

اگر در دعوت اول نصاب مذکور حاصل نشد، دو دعوت دیگر به عمل می‌آید که در هر دعوت حضور عده‌ای که حداقل یک سوم کل سرمایه شرکت را دارا باشند، ضروری می‌باشد و در نهایت اگر باز هم در دعوت سوم نصاب رسمیت جلسه حاصل نشود در این صورت شرکت تشکیل نشده محسوب شده و پذیره‌نویسان می‌توانند طبق ماده ۱۹ (ل.ا.ق.ت) مبلغ پرداختی خود را بابت پذیره‌نویسی مسترد دارند.

تبصره ماده فوق‌الذکر برای هر سهم یک رأی تخصیص داده است و سهامدار حق ندارد تحت عناوین سهم مؤسس و یا سهم ممتاز برای یک سهم، حق دو رأی داشته باشد.

ماده ۷۶ـ هرگاه یک یا چند نفر از مؤسسین آورده غیر نقد داشته باشند مؤسسین باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی مؤسس نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آورده‌های غیر نقد جلب و آن را جزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی مؤسس بگذارند. در صورتی که مؤسسین برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن به ضمیمه گزارش مزبور به مجمع مؤسس تقدیم شود.

توضیح:

در این ماده قانون‌گذار برای پیشگیری از تخلف برای آورده غیر نقد و جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری را پیش‌بینی نموده است تا پس از تقویم (ارزیابی) آورده غیر نقد مراتب در مجمع عمومی مؤسس مطرح گردد. به نظر می‌رسد این قبیل تدابیر تأمینی برای پیشگیری از نقض قانون و ارتکاب جرم ضروری می‌باشد.

ماده ۷۷ـ گزارش مربوط به ارزیابی آورده‌های غیر نقد و علل و موجبات مزایای مطالبه شده باید در مجمع عمومی مؤسس مطرح گردد.

دارندگان آورده غیر نقد و کسانی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعی که تقویم آورده غیر نقدی که تعهد کرده‌اند یا مزایای آنها موضوع رأی است حق رأی ندارند و آن قسمت از سرمایه غیر نقدی که موضوع مذاکره و رأی است از حیث حدنصاب جزء سرمایه شرکت منظور نخواهد شد.

توضیح:

اختیار مجمع عمومی مؤسس در تقویم آورده غیر نقدی محدود گردیده تا اینکه صاحبان اکثریت سهام به ضرر سهامداران اقلیت سوء استفاده ننمایند. ضمناً صاحب آورده غیر نقدی نیز حق رأی نسبت به آورده خود را نداشته و سهام او از حیث حدنصاب رسمیت جلسه و رأی‌گیری محاسبه نمی‌شود.

ماده ۷۸ـ مجمع عمومی نمی‌تواند آورده‌های غیر نقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند.

ماده ۷۹ـ هرگاه آورده غیر نقد یا مزایایی که مطالبه شده است تصویب نگردد دومین جلسه مجمع به فاصله مدتی که از یکماه تجاوز نخواهد کرد تشکیل خواهد شد و در فاصله دو جلسه اشخاصی که آورده غیر نقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می‌توانند تعهد غیر نقد خود را به تعهد نقد تبدیل و مبالغ لازم را تأدیه نمایند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده می‌توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیر نقد و مطالبه کنندگان مزایا به نظر مجمع تسلیم نشوند تعهد آنها نسبت به سهم خود باطل شده محسوب می‌گردد و سایر پذیره‌نویسان می‌توانند بجای آنها سهام شرکت را تعهد و مبالغ لازم را تأدیه کنند.

ماده ۸۰ـ در جلسه دوم مجمع عمومی مؤسس که بر طبق ماده قبل به

منظور رسیدگی به وضع آورده‌های غیر نقد و مزایای مطالبه شده تشکیل می‌گردد باید بیش از نصف پذیره‌نویسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسهٔ قبل و دستور جلسه دوم قید گردد.

ماده ۸۱ــ در صورتی که در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج دارندگان آورده غیر نقد و یا مطالبه کنندگان مزایا و عدم تعهد و تأدیه سهام آنها از طرف سایر پذیره‌نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و به این ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد مؤسسین باید ظرف ده روز از تاریخ تشکیل مجمع مزبور مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع دهند تا مرجع مزبور گواهی‌نامه مذکور در ماده ۱۹ این قانون را صادر کند.

توضیح:

مواد ۸۷ تا ۸۱ مذکور دقت لازم را در حمایت از حقوق صاحبان آوردهٔ نقدی مورد توجه قرار داده است و قانون‌گذار سعی براین داشته که آوردهٔ غیر نقدی به‌طور صحیح ارزیابی گردد.

ماده ۸۲ــ درشرکت های سهامی خاص تشکیل مجمع مؤسس الزامی نیست لیکن جلب نظر کارشناس مذکور در ماده ۷۶ این قانون ضروری است و نمی‌توان آورده‌های غیر نقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس قبول نمود.

توضیح:

در این ماده جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری برای تقویم آورده‌های غیر نقدی مانند شرکت سهامی عام ضروری می‌باشد و مجمع عمومی مؤسس نیز نمی‌تواند به مبلغی بالاتر از نظر کارشناس مبلغ مذکور را قبول نماید.

ماده ۸۳ـ هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.

توضیح:

ماده مزبور صلاحیت انحصاری مجمع عمومی فوق‌العاده را احصاء می‌نماید که عبارتند از:

- تغییرات در اساسنامه
- تغییرات در سرمایه (افزایش یا کاهش سرمایه)
- انحلال شرکت قبل از موعد

ضمناً به موجب ماده ۲۷۸ و ۲۷۹ (ل.ا.ق.ت) شرکت سهامی خاص می‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود و سهامی عام به خاص یا شرکت‌های دیگر قابل تبدیل می‌باشد که در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است.

ماده ۸۴ـ در مجمع عمومی فوق‌العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رأی دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

توضیح:

ماده مذکور حد نصاب رسمیت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده را بیان نموده که به شرح زیر در دو مرحله به عمل می‌آید:

- دعوت اول با حضور عده‌ای لازم است که حداقل بیش از نصف کل سهام را دارا می‌باشند.
- دعوت دوم با حضور عده‌ای که بیش از یک سوم کل سهام شرکت را دارند تشکیل می‌گردد. در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید می‌گردد.

ماده ۸۵ـ تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره با اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

توضیح:

نصاب اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه صورت می‌گیرد.

ماده ۸۶ـ مجمع عمومی عادی می‌تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق‌العاده است تصمیم بگیرد.

توضیح:

در این ماده اصل بر صلاحیت اتخاذ تصمیم مجمع عمومی عادی در کلیه امور شرکت می‌باشد. و صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق‌العاده به طور استثنائی پذیرفته شده است.

ماده ۸۷ـ در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلاً بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند ضروری است اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رأی دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

توضیح:

دعوت مجمع عمومی عادی در دو مرحله صورت می‌گیرد:

ـ دعوت اول حضور عده‌ای که حداقل بیش از نصف سهام شرکت را داشته باشد.

ـ در دعوت دوم مجمع با حضور هر عده تشکیل می‌گردد.

قید کلمات «با حضور هر عده» مبهم می‌باشد و به نظر می‌رسد این عده نمی‌تواند کمتر از سه نفر باشد زیرا به استناد ماده ۱۰۱ (ل.ا.ق.ت) مجمع عمومی باید هیأت رئیسه‌ای مرکب از چهار نفر داشته باشد که منشی می‌تواند غیر سهامدار باشد.

ماده ۸۸ـ در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف بعلاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود.

در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی دهنده برابر با حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رأی دهنده می‌تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند. اساسنامه شرکت نمی‌تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد.

توضیح:

در قسمت اول ماده نصاب اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی عادی با اکثریت نصف بعلاوه یک عده حاضر در جلسه رسمی پیش بینی شده است اما نحوه اخذ رأی که کتبی یا با بلند کردن دست یا قیام و قعود باشد قید نگردیده است. در حقوق فرانسه رأی باید کتبی بوده و بطور کلی آراء ممتنع محاسبه نمی‌شود.

رأی گیری در مورد مدیران و بازرسان با اکثریت نسبی (یعنی زیر پنجاه درصد و هرکس به نسبت دیگری رأی بیشتر داشته باشد) انتخاب می‌گردد.

در مورد انتخاب مدیران قسمت دوم ماده ۸۸ مذکور با استفاده از حقوق فرانسه که آنهم به نوبه خود از حقوق ایالات متحده امریکا (رأی ادغامی cumulative voting) اقتباس شده برای حمایت از حقوق اقلیت سهامداران می‌باشد. و آنان بتوانند با تشکیل سندیکا یا اتحادیه یا ائتلاف نموده (coalition) و حداقل یک نفر در هیأت مدیره برای دفاع از حقوق خودشان داشته باشند.[1]

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، پیشین ۷۳ و ۷۲

Dr. ERFANI (Mahmoud). Les droits des actionnaires minoritaires, Iran Ed. Bruylant, Bruxelles, 2006,p438-441.

ماده ۸۹ـ مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارائی و مطالبات و دیون شرکت و صورت حساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حساب‌های سال مالی تشکیل شود.

تبصره ـ بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود.

توضیح:

تشکیل مجمع عمومی عادی سالیانه در هر سال مالی الزامی است. این مجمع برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و سایر عملکرد سالیانه شرکت رسیدگی کرده و آنها را تصویب می‌نماید. ضمناً گزارش مدیران و بازرسان در مجمع عمومی قرائت می‌شود. قانون‌گذار در مورد قرائت گزارش بازرس یا بازرسان به دلیل تأیید صحت و درستی حسابها تأکید داشته و بدون قرائت گزارش آنان تصمیم مجمع عمومی را در مورد ترازنامه و حساب سود و زیان فاقد اعتبار داشته است.

ماده ۹۰ـ تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جائز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان الزامی است.

توضیح:

در این ماده تقسیم ده درصد از سود ویژه سالیانه که حاصل کسر استهلاکات، اندوخته قانونی و اختیاری و زیان سنوات قبل و هزینه‌ها از درآمد کل می‌باشد بین سهامداران الزامی است. به نظر می‌رسد که ده درصد مذکور برای رفع نیاز

سهامداران در مقابل سرمایه‌گذاری آنان کافی نمی‌باشد.

ماده ۹۱ـ چنانچه هیأت مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند رأساً اقدام به دعوت مجمع مزبور بنمایند.

توضیح:

این ماده مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده را پیش‌بینی نموده که در هر موقع سال می‌توان مجمع مزبور را دعوت کرد که فقط در حدود صلاحیت و اختیارات مجمع عمومی عادی اتخاذ تصمیم می‌نماید.

ماده ۹۲ـ هیأت مدیره و همچنین بازرس یا بازرسان شرکت می‌توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را بطور فوق‌العاده دعوت نمایند در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.

ماده ۹۳ـ در هر موقعی که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه دارندگان این‌گونه سهام در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب کنند و برای آنکه تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف این‌گونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت این حدنصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان اقلاً یک سوم این‌گونه سهام کافی خواهد بود. تصمیمات همواره با اکثریت دو سوم آراء معتبر خواهد بود.

توضیح:

ماده ۹۳ در ارتباط با ماده ۴۲ و تبصره ۲ ماده ۲۴ (راجع به سهام ممتاز) و بند ۷ ماده ۸ (ل.ا.ق.ت) (مزایای مؤسسین) می‌باشد که هرگونه تغییراتی در این

قبیل سهام مستلزم رعایت تشریفات مندرج در ماده ۹۳ می‌باشد.

ماده ۹۴ـ هیچ مجمع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید.

توضیح:

تغییر تابعیت شرکت توسط مجمع عمومی منع گردیده است زیرا تابعیت امر سیاسی و حکومتی است ضمناً مجمع نمی‌تواند تعهدات صاحبان سهام را (مانند افزایش سرمایه) بیفزاید.

ماده ۹۵ـ سهامدارانی که اقلاً یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع از هیأت مدیره خواستار شوند و هیأت مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرره دعوت کند در غیر این صورت درخواست کنندگان می‌توانند دعوت مجمع را از بازرس یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرس یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرره مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند و گرنه آنگونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً به دعوت مجمع اقدام کنند به شرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت به عدم اجابت درخواست خود توسط هیأت مدیره و بازرسان تصریح نمایند.

ماده ۹۶ـ در مورد ماده ۹۵ دستور مجمع منحصراً موضوعی خواهد بود که در تقاضانامه ذکر شده است و هیأت رئیسه مجمع از بین صاحبان سهام انتخاب خواهد شد.

توضیح:

ماده ۹۵ برای حمایت از سهامداران اقلیت می‌باشد که می‌توانند تحت شرایط ماده مذکور مجمع عمومی را دعوت نموده در مورد موضوع مورد نظر خاص خودشان اتخاذ تصمیم بنمایند.

ماده ۹۷ـ در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد به عمل آید. هریک از مجامع عمومی سالانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نمایند. این تصمیم باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوت نامه‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به شرکت قبلاً تعیین شده منتشر گردد.

تبصره ـ در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست.

توضیح:

تبصره ماده مزبور بخصوص در مورد شرکت سهامی خاص از نظر صرفه‌جویی در وقت و هزینه قابل اعمال می‌باشد.

ماده ۹۸ـ فاصله بین نشر دعوت‌نامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود.

ماده ۹۹ـ قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را

دریافت کند.فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند.

از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر یک از حاضرین قید و به امضاء آنان خواهد رسید.

ماده ۱۰۰ـ در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل باید قید شود.

ماده ۱۰۱ـ مجامع عمومی توسط هیأت رئیسه‌ای مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره می‌شود. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش‌بینی نشده باشد ریاست مجمع با رئیس هیأت مدیره خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد.

توضیح:

در تمام مجامع عمومی حضور هیأت رئیسه‌ای مرکب از چهار نفر به شرح ماده فوق الزامی می‌باشد. وظیفه هیأت رئیسه بررسی حد نصاب رسمیت جلسه، طرح دستور جلسه و بحث و تصمیم‌گیری و بالاخره تنظیم صورت جلسه و ارسال آن به اداره ثبت شرکت‌ها می‌باشد ضمناً اعلام موارد مندرج در ماده ۱۰۶ و بند ۳ ماده ۲۴۳ (ل.ا.ق.ت) به اداره مذکور الزامی است و خودداری از اعلام مطالب مقرر، قابل مجازات می‌باشد.

ماده ۱۰۲ـ در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت حقوقی به شرط ارائه مدرک وکالت یا نمایندگی به منزله حضور خود صاحب سهم است.

ماده ۱۰۳ـ در کلیه مواردی که در این قانون اکثریت آراء در مجامع عمومی ذکر شده است مراد اکثریت آراء حاضرین در جلسه است.

ماده ۱۰۴ـ هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیأت رئیسه مجمع با تصویب مجمع می‌تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند. تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول رسمیت خواهد داشت.

ماده ۱۰۵ـ از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه‌ای توسط منشی ترتیب داده می‌شود که به امضاء هیأت رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد.

ماده ۱۰۶ـ در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورت جلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال گردد:

۱. انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان.
۲. تصویب ترازنامه.
۳. کاهش یا افزایش سرمایه و هرنوع تغییر در اساسنامه.
۴. انحلال شرکت و نحوهٔ تصفیه آن.

توضیح:

مسئولیت جزایی ماده ۱۰۶ در بند ۳ ماده ۲۴۳ (ل.ا.ق.ت.) پیش‌بینی شده است.

بخش ۶ـ هیأت مدیره

ماده ۱۰۷ـ شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

ماده ۱۰۸ـ مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می‌شوند.

ماده ۱۰۹ـ مدت مدیریت مدیران در اساسنامه معین می‌شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد. انتخاب مجدد مدیران بلامانع است.

ماده ۱۱۰ـ اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسئولیتهای مدنی شخص حقیقی عضو هیأت مدیره را داشته و باید یک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید.

چنین نماینده‌ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیتهای مدنی و جزایی عضو هیأت‌مدیره بوده از جهت مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین نموده است مسئولیت تضامنی خواهد داشت. شخص حقوقی عضو هیأت مدیره می‌تواند نماینده خود را عزل کند به شرط آنکه در همان موقع جانشین او را کتباً به شرکت معرفی نماید و گرنه غایب محسوب می‌شود.

ماده ۱۱۱ـ اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند:

۱. محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است.
۲. کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت.

سرقت ـ خیانت در امانت ـ کلاهبرداری ـ جنحه‌هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است ـ اختلاس ـ تدلیس ـ تصرف غیر قانونی در اموال عمومی.

تبصره ـ دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذی‌نفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.

توضیح:

نظر به اهمیت مدیریت در شرکت‌های سهامی که نقش مهمی در تحرک واحدهای مهم اقتصادی ایفا می‌کنند در حقوق ایران مانند حقوق فرانسه و سایر کشورهای صنعتی، قانون‌گذار شرایط خاصی را در ماده ۱۱۱ مذکور پیش‌بینی نموده است. جرائم مندرج در ماده ۱۱۱ با در نظر گرفتن قانون مجازات عمومی منسوخه نوشته شده است. در حال حاضر موارد فوق در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) پیش‌بینی شده و محرومیت از حقوق اجتماعی در ماده ۶۲ مکرر مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۷ و ماده ۱۹ (ق.م.ا) آمده است و دادگاه کیفری کسانی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به حبس تعزیری به بیش از سه سال محکوم شده‌اند از حقوق اجتماعی محروم می‌نمایند و رفع اثر از محرومیت پس از طی مدت محکومیت و انقضای مدت دو سال از اجرای حکم صورت می‌گیرد.

ضمناً اصل ۱۴۱ (ق.ا.ج.ا.ا)[1] شاغلین در امور دولتی اعم از رئیس جمهور و معاونان او، وزیران و کارمندان دولت حق ندارند در سمت مدیریت در

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

شرکت‌های خصوصی اشتغال داشته باشند و به موجب بند ۳ ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۵۴ سردفتر و دفتریار نمی‌توانند به سمت عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل شرکت‌های تجارتی انتخاب شوند.

ماده ۱۱۲ـ در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضاء هیأت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضاء علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه والا به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را خواهند گرفت و در صورتی که عضو علی‌البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضاء علی البدل کافی برای تصدی محلهای خالی در هیأت مدیره نباشد مدیران باقی مانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضاء هیأت مدیره دعوت نمایند.

ماده ۱۱۳ـ در مورد ماده ۱۱۲ هرگاه هیأت مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلامتصدی مانده خودداری کند هر ذی‌نفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان مکلف به انجام چنین درخواستی می‌باشند.

ماده ۱۱۴ـ مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه جهت دادن رأی در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاصا حساب دوره

تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت به عنوان وثیقه باقی خواهد ماند.

توضیح:

قانون‌گذار مدیران را مکلف کرده که تعدادی سهام با نام که در اساسنامه تعیین شده در صندوق شرکت برای طول مدت مدیریت خود بسپارند. این سهام برای جبران خسارتهایی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد گردد. و مدیران برای استرداد سهام وثیقه باید مفاصا حساب دورهٔ تصدی خود را ارائه نمایند.

ماده ۱۱۵ـ در صورتی که مدیری در هنگام انتخاب مالک تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه نباشد و همچنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه مدیر باید ظرف مدت یک ماه تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارد و گرنه مستعفی محسوب خواهند شد.

ماده ۱۱۶ـ تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاصا حساب مدیران برای همان دوره مالی می‌باشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا بهر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است سهام مورد وثیقه این گونه مدیران خودبخود از قید وثیقه آزاد خواهد شد.

توضیح:

به موجب ماده ۱۱۵ اگر مدیری به هنگام انتخاب، سهام لازم برای وثیقه نداشته باشد یا در صورت انتقال قهری سهام وثیقه و افزایش یافتن تعداد سهام به عنوان وثیقه، مدیر باید ظرف یک ماه سهام مزبور را در صندوق شرکت بسپارد

و الا مستعفی محسوب می‌شود. ضمناً طبق ماده ۱۱۶ تصویب عملکرد سال مالی به منزله مفاصا حساب همان دوره برای مدیر می‌باشد.

ماده ۱۱۷ـ بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند هرگونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کنند به مجمع عمومی عادی گزارش دهند.

ماده ۱۱۸ـ جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

توضیح:

ماده ۱۱۸ قلمرو ومحدودیت اختیارات مدیران را تعیین نموده ولی نگارش ماده ناهماهنگ و نارسا می‌باشد و می‌توان آن را به شرح زیر اصلاح کرد: « هیأت مدیره به جز دو مورد دارای اختیارات تام برای اداره امور شرکت می‌باشد. ۱ــ مسائل موجود در صلاحیت خاص مجامع عمومی صاحبان سهام ۲ـ تصمیمات و اقدامات خارج از موضوع شرکت....»[1] و محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع در روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و فاقد اعتبار می‌باشد.

ماده ۱۱۹ـ هیأت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیأت یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیأت

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد دوم، پیشین، ص ۱۲۸و۱۲۷

مدیره تعیین می‌نمایند. مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیأت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیأت مدیره نخواهد بود. هیأت مدیره در هر موقع می‌تواند رئیس و نایب رئیس هیأت مدیره را از سمتهای مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود.

تبصره ۱ـ از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که به عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیأت مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیأت مدیره تلقی خواهد شد.

تبصره ۲ـ هرگاه رئیس هیأت مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیأت مدیره انجام خواهد داد.

ماده ۱۲۰ـ رئیس هیأت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیأت مدیره موظف است که مجامع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیأت مدیره مکلف به دعوت آنها می‌باشد دعوت نماید.

ماده ۱۲۱ـ برای تشکیل جلسات هیأت مدیره حضور بیش از نصف اعضاء هیأت مدیره لازم است. تصمیمات باید به اکثریت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد.

توضیح:

در ماده ۱۲۱ تصمیم‌گیری در جلسات هیأت مدیره با «اکثریت عددی عدهٔ حاضر» در جلسه بدون در نظر گرفتن سهام آنان اتخاذ می‌گردد و اساسنامه می‌تواند اکثریت بیشتری پیش بینی نماید.

ماده ۱۲۲ـ ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیأت مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده‌ای از مدیران که اقلاً یک سوم اعضاء هیأت مدیره را تشکیل دهند می‌توانند در صورتی که از تاریخ

تشکیل آخرین جلسه هیأت مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیأت مدیره را دعوت نمایند.

ماده ۱۲۳ــ برای هر یک از جلسات هیأت مدیره باید صورت جلسه‌ای تنظیم و لااقل به امضاء اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسات هیأت مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می‌باشند و خلاصه‌ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذ در جلسه با قید تاریخ در آن ذکر می‌گردد. هریک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت جلسه مخالف باشد نظر او باید در صورت جلسه قید شود.

ماده ۱۲۴ــ هیأت مدیره باید اقلاً یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کند در صورتی که مدیرعامل عضو هیأت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیأت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیرعامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیأت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی.

تبصره ــ هیأت مدیره در هر موقع می‌تواند مدیرعامل را عزل نماید.

توضیح:

به موجب ماده ۱۲۴ مدیرعامل باید شخص حقیقی باشد، زیرا در قانون تجارت مجازات‌های جزایی برای او پیش بینی شده است. اگر شرکتی در شرکت دیگر، سهیم شود باید یک نفر شخص حقیقی به عنوان مدیر عامل معرفی نماید.

ماده ۱۲۵ــ مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد.

ماده ۱۲۶ـ اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی‌توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچکس نمی‌تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیرعاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیتهای سمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد.

ماده ۱۲۷ـ هرکس برخلاف ماده ۱۲۶ به مدیریت عامل انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ماده مذکور گردد دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذی‌نفع حکم عزل او را صادر خواهد کرد و چنین حکمی قطعی خواهد بود.

توضیح:

به موجب ماده ۱۲۵ مدیرعامل در حدود اختیارات خود، نماینده شرکت محسوب می‌شود و در قراردادها، شرکت را در مقابل اشخاص ثالث متعهد می‌سازد. تذکر این نکته ضروری است که دادخواست حقوقی علیه شرکت اقامه می‌شود نه مدیرعامل. ولی نام مدیر به دنبال نام شرکت قید می‌گردد.

طبق ماده ۱۲۶ مدیرعامل نمی‌تواند در عین حال مدیریت بیش از یک شرکت را داشته باشد که ضمانت اجرای آن در قسمت اخیر این ماده و ماده ۱۲۷ قید گردیده است.

ماده ۱۲۸ـ نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه‌ای از صورت جلسه هیأت مدیره به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت، در روزنامه رسمی آگهی شود.

ماده ۱۲۹ـ اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت‌هایی که اعضای هیأت مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا

عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیأت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهیم شوند و در صورت اجازه نیز هیأت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آنرا به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیأت مدیره یا مدیر عامل ذی‌نفع در معامله در جلسه هیأت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رأی نخواهد داشت.

ماده ۱۳۰ـ معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خساراتی وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیأت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذی‌نفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده‌اند که همگی آنها متضامناً مسئول جبران خسارات وارده به شرکت می‌باشند.

ماده ۱۳۱ـ در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیأت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می‌تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیرعامل ذی‌نفع در مقابل شرکت باقی

خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیرعامل ذی‌نفع در معامله حق شرکت در رأی نخواهد داشت. مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیأت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد.

توضیح:

ماده ۱۲۹ محدودیت اختیارات مدیران را در جملات بسیار پیچیده بیان کرده است و منظور این بوده که اگر مدیر در شرکت دیگری، سمت مدیریت داشته باشد نمی‌تواند با آن شرکت معاملاتی بنماید، مگر اینکه از هیأت مدیره کسب اجازه نماید. هیأت اخیر مکلف است مراتب را در اولین مجمع عمومی مطرح کرده و به بازرس نیز قبلاً گزارش نماید و او هم نظر خود را به مجمع اعلام می‌کند مدیر معامله کننده، حق رأی در مجمع ندارد. در قسمت دیگر ماده اگر مدیر با شرکت خود معامله نماید باید تشریفات مذکور را طی نماید والا به موجب ماده ۱۳۰ در صورتی که مجمع عمومی معامله را تصویب ننماید عمل در مقابل اشخاص ثالث معتبر می‌باشد مگر در موارد تدلیس و تقلب. حال اگر بر اثر انجام معامله خساراتی به شرکت وارد آید، جبران خسارت برعهدهٔ مدیر یا مدیران ذی‌نفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده‌اند که همه آنان به نحو تضامن مسئول جبران خسارت وارده به شرکت می‌باشند. در خاتمه ماده ۱۳۱ بطلان معامله را در شرایطی که مدیر بدون اجازه هیأت مدیره انجام داده باشد پیش‌بینی می‌نماید.

ماده ۱۳۲ــ مدیرعامل شرکت و اعضاء هیأت مدیره به استثناء اشخاص حقوقی حق ندارد هیچگونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. این‌گونه عملیات

بخودی خود باطل است. در مورد بانکها و شرکت‌های مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود. ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیأت مدیره در جلسات هیأت مدیره شرکت می‌کنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می‌باشد.

ماده ۱۳۳ـ مدیران و مدیرعامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران آن خواهد بود. منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تفویت منفعت.

توضیح:

ماده ۱۳۲ مدیرعامل شرکت و اعضای هیأت مدیره را به استثناء اشخاص حقوقی از گرفتن وام یا اعتبار از شرکت برای خود و همسر و اقربا نسبی و سببی (از طبقه اول و دوم) به شرح ماده مزبور منع کرده است. این محدودیت برای حفظ حقوق سهامداران شرکت می‌باشد که مدیران از منبع مالی شرکت برای امور شخصی خود استفاده ننمایند.

به همین منوال ماده ۱۳۳ مدیران را از معاملات نظیر موضوع شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد منع نموده است. قسمت دوم ماده ضمانت اجرایی تخلف مدیران را در صورت ضرر به شرکت اعم از جبران خسارت و تفویت منفعت (عدم‌النفع)[1] پیش‌بینی نموده است.

---

1. Loss of Profit

فرانسه = manque d'intérêt.

ماده ۱۳۴ـ مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می‌تواند با توجه به ساعات حضور اعضاء غیر موظف هیأت مدیره در جلسات هیأت مزبور پرداخت مبلغی را به آنها بطور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعات و اوقات که هر عضو هیأت مدیره در جلسات هیأت حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد مجمع عمومی می‌تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به عنوان پاداش به اعضاء هیأت مدیره تخصیص داده شود اعضاء غیر موظف هیأت مدیره حق ندارند بجز آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود بطور مستمر یا غیر مستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق‌الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند.

توضیح:

منظور از اعضای «غیرموظف» در ماده مزبور، مدیرانی هستند که به طور تمام وقت در شرکت مشغول کار نیستند. بلکه بر مبنای قرارداد یک یا چند روز در شرکت حضور پیدا می‌نمایند. واژه «غیرموظف» در مقابل «موظف» آورده شده است.

ماده ۱۳۵ـ کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست.

توضیح:

این ماده مسئولیت مدنی مدیران را در مقابل اشخاص ثالث بیان می‌کند و اصل بر صحت و اعتبار کلیه اعمال و اقدامات مدیران در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت می‌باشد و مدیران نمی‌توانند با تعذر به عدم رعایت تشریفات

مربوط به انتخاب آنان، اعمال و اقدامات خود را فاقد اعتبار اعلام نمایند.

ماده ۱۳۶ـ در صورت انقضاء مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هرگاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید.

توضیح:

انقضای مدت مأموریت مدیران (دو سال) موجبات خاتمه مسئولیت آنان را فراهم نمی‌سازد و مسئولیت آنان در اداره امور شرکت کماکان باقی می‌ماند.

ماده ۱۳۷ـ هیأت مدیره باید لااقل هر شش ماه یک بار خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرسان بدهد.

ماده ۱۳۸ـ هیأت مدیره موظف است بعد از انقضای سال مالی شرکت ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است مجمع عمومی سالانه را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید.

ماده ۱۳۹ـ هر صاحب سهم می‌تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت بصورت حسابها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد.

توضیح:

ماده ۱۳۹ حق کسب اطلاع سهامداران را پیش‌بینی نموده است که سهامدار از

پانزده روز قبل از انعقاد در مرکز شرکت به حساب‌های شرکت مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و بازرسان رونوشت بگیرد. به نظر می‌رسد تهیه فتوکپی نیز بلامانع می‌باشد. امروزه در حقوق فرانسه و کشورهای صنعتی دیگر حق کسب اطلاع سهامداران به بعد از مجمع نیز توسعه پیدا کرده است و مدیران سعی می‌کنند برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران شرکت از تئوری درهای باز (Disclosure) یا خانه بلورین (Maison deverre) با دادن اطلاعات وسیع، استفاده نمایند.

ماده ۱۴۰ـ هیأت مدیره مکلف است هر سال یک بیستم از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد کسر یک بیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه بالغ گردد.

توضیح:

منظور از سود خالص یا سود ویژه به استناد مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ (ل.ا.ق.ت.) عبارت است از:

[مالیات + اندوخته اختیاری + هزینه‌ها + استهلاکات] – درآمد کل سال مالی

ضمناً کسر اندوخته قانونی تا یک دهم کل سرمایه الزامی می‌باشد.

ماده ۱۴۱ـ اگر بر اثر زیانهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیأت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأی به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۵ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که

هیأت مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.

توضیح:

این ماده راجع به «کاهش اجباری سرمایه» بوده (۱۴۱ ناظر به ۱۸۹) و تخلف از این ماده به موجب ماده ۲۶۴ قابل مجازات می‌باشد.

ماده ۱۴۲ـ مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی برحسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.

توضیح:

این ماده مانند ماده ۱۳۵ مسئولیت مدنی مدیران را در مقابل اشخاص ثالث به سبب تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی پیش‌بینی نموده است که مدیران برحسب مورد منفرداً یا به طور مشترک در قبال اشخاص زیان دیده مسئول جبران خسارت می‌باشند. اما تعیین حدود مسئولیت هر یک از آنان در این مورد به عهده دادگاه می‌باشد.

ماده ۱۴۳ـ در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیتدار می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع هر یک از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفرداً یا متضامناً به تأدیه

آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید.

توضیح:

در شرکت‌های سهامی، سهامدار تا میزان سهام خود مسئول پرداخت دیون شرکت می‌باشد اما در ماده مزبور قانونگذار مسئولیت مدنی خاصی برای مدیران قائل شده است به این عبارت که در صورت کافی نبودن دارائی شرکت برای تأدیه دیون بنا به تقاضای هر ذی‌نفع و اثبات تقصیر مدیران، دادگاه آنان را به آن قسمت از دیون که پرداخت نشده است منفرداً یا متضامناً محکوم می‌نماید.

بخش ۷ـ بازرسان

ماده ۱۴۴ـ مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرس انتخاب می‌کند تا بر طبق این قانون به وظایف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلامانع است.

مجمع عمومی عادی در هر موقع می‌تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید.

تبصره ـ در حوزه‌هایی که وزارت اقتصاد اعلام می‌کند وظایف بازرسی شرکت‌ها را در شرکت‌های سهامی عام اشخاصی می‌توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکت‌ها درج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکت‌های سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیتدار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آیین‌نامه‌ای می‌باشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیونهای اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود.

توضیح:

انتخاب یک یا چند بازرس در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه (ماده ۸۹) یا مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده می‌باشد بنا به تبصره ماده مزبور

آیین‌نامه‌ای در بهمن ۱۳۴۹ در مورد شرکت سهامی عام به تصویب رسید.[1] که به موجب آن بازرس علاوه بر شرایط مندرج در آیین‌نامه باید درجه لیسانس یا بالاتر در یکی از رشته‌های متناسب با وظایف و مسئولیت‌های خود و ۵ سال تجربه کاری داشته باشد. ضمناً پس از گذراندن امتحان، نام او در فهرست رسمی بازرسان شرکت‌ها درج گردد ولی متأسفانه تاکنون این آیین‌نامه به مورد اجرا در نیامده است و اما در مورد شرکت سهامی خاص شرایط علمی و تخصصی در قانون پیش‌بینی نشده است.

ماده ۱۴۵ـ انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکت‌های سهامی عام در مجمع عمومی مؤسس و انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکت‌های سهامی خاص طبق ماده ۲۰ این قانون به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۴۶ـ مجمع عمومی عادی باید یک یا چند بازرس علی‌البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند.

ماده ۱۴۷ـ اشخاص زیر نمی‌توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند.

۱. اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون.

۲. مدیران و مدیر عامل شرکت.

۳. اقرباء سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم.

۴. هرکس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفاً حقوق دریافت می‌دارد.

---

۱. روزنامهٔ رسمی شماره ۷۶۲۳- ۱۳۵۰/۱/۳۱

ماده ۱۴۸ـ بازرس یا بازرسان علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته‌اند اظهارنظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است بطور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند.

توضیح:

بازرس مکلف است «صحت و درستی» حساب‌های شرکت را اعم از ترازنامه و حساب سود و زیان تأیید نماید به نظر می‌رسد منظور از «صحت»، بررسی اصالت اوراق و اسناد می‌باشد که مطالب برخلاف واقع در آنها قید نشده و یا اوراق مجعول در بین اسناد وجود نداشته باشد ولی منظور از «درستی» در ماده مذکور اعداد و ارقامی است که به طور درست محاسبه شده و چیزی از قلم نیفتاده باشد.

قسمت دوم ماده راجع به صحت اطلاعات داده شده از طرف مدیران به مجامع عمومی و سهامداران می‌باشد که بازرس باید در این زمینه اظهار نظر بنماید تا سهامداران با کسب اطلاعات دروغ از شرکت سلب اعتماد ننمایند.

ماده ۱۴۹ـ بازرس یا بازرسان می‌توانند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسئولیت خود در انجام وظایفی که برعهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند به شرط آنکه آنها را قبلاً به شرکت معرفی

کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس تعیین می‌کند مانند خود بازرس حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت.

ماده ۱۵۰ـ بازرس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون گزارش جامعی را راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند، گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد.

تبصره ـ در صورتی که شرکت بازرسان متعدد داشته باشد هریک می‌تواند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد لیکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد.

ماده ۱۵۱ـ بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضایی صلاحیتدار اعلام نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند.

ماده ۱۵۲ـ در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون به عنوان بازرس تعیین شده‌اند صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به هیچ وجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

ماده ۱۵۳ـ در صورتی که مجمع عمومی بازرس معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از بازرسان به عللی نتوانند گزارش بدهند یا از دادن گزارش

امتناع کنند، رئیس دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذی‌نفع بازرس یا بازرسان را به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوط را تا انتخاب بازرس به وسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در این مورد غیرقابل شکایت است.

ماده ۱۵۴ـ بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارات وارده خواهند بود.

ماده ۱۵۵ـ تعیین حق‌الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است.

ماده ۱۵۶ـ بازرس نمی‌تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذی‌نفع شود.

توضیح:

در مورد بازرس یا بازرسان در شرکت‌های دولتی، اساسنامه سازمان حسابرسی مصوب ۱۳۶۶/۶/۱۷ به تجویز قانون تشکیل سازمان حسابرسی ۱۳۶۲/۱۰/۱۵ وظایف بازرس را به حسابرس محول نموده است به‌نظر می‌رسد وظیفه حسابرس علاوه بر تأیید حساب‌های شرکت انجام سایر وظایف بازرس راجع به شرکت‌های سهامی می‌باشد.

بخش ۸ـ تغییرات در سرمایه شرکت

ماده ۱۵۷ـ سرمایه شرکت را می‌توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد.

ماده ۱۵۸ـ تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طرق زیر امکان‌پذیر است:

1. **پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد**
2. **تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید**
3. **انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت**
4. **تبدیل اوراق قرضه به سهام**

تبصره ۱ـ فقط در شرکت سهامی خاص تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد نیز مجاز است.

تبصره ۲ـ انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است.

ماده ۱۵۹ـ افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند.

توضیح:

در ماده ۱۵۷ و ۱۵۸ طرق افزایش سرمایه به شرح زیر می‌باشد:
۱ـ بالا بردن مبلغ اسمی سهام شرکت (به شرطی که تعهدات سهامداران را افزایش ندهد.) ۲ـ انتشار سهام جدید و فروش آن به نقد ۳ـ تبدیل مطالبات نقدی حال شده طلبکاران از شرکت به سهام جدید ۴ـ افزایش سرمایه از طریق اضافه ارزش، سود تقسیم نشده و اندوخته اختیاری ۵ـ تبدیل یا تعویض اوراق قرضه به سهام.

در شرکت سهامی عام پرداخت افزایش سرمایه باید نقدی باشد اما استثنائاً قانون‌گذار پرداخت غیرنقدی را برای شرکت سهامی خاص مجاز دانسته است. ضمناً انتقال اندوخته قانونی برای افزایش سرمایه و یا تقسیم آن بین سهامداران ممنوع می‌باشد.

ماده ۱۶۰ـ شرکت می‌تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یا اینکه مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم به عنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت می‌تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازاء آن سهم جدید به صاحبان سهام سابق بدهد.

توضیح:

در این ماده قانون‌گذار به شرکت اختیار داده که عواید حاصله از اضافه ارزش (صرف سهام) را به سه طریق زیر مورد استفاده قرار دهد: ۱ـ آنها را نقداً بین سهامداران قدیم تقسیم کند. ۲ـ اضافه ارزش را به اندوخته منتقل سازد. ۳ـ با افزایش سرمایه مجدد به سهامداران قدیم، سهام مجانی یا جایزه اعطا نماید. ضمناً در صورتی که سهام ارزش منفی داشته باشد شرکت می‌تواند آنها را به همان مبلغ اسمی بفروشد.

ماده ۱۶۱ـ مجمع عمومی فوق‌العاده به پیشنهاد هیأت مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می‌کند.

تبصره ۱ـ مجمع عمومی فوق‌العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می‌کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تأدیه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیأت مدیره واگذار خواهد کرد.

تبصره ۲ـ پیشنهاد هیأت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حساب‌های سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد گزارش بازرس یا بازرسان باید شامل اظهارنظر درباره پیشنهاد هیأت مدیره باشد.

ماده ۱۶۲ـ مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیأت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد.

ماده ۱۶۳ـ هیأت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف یک ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۱۶۴ـ اساسنامه شرکت نمی‌تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیأت مدیره باشد.

ماده ۱۶۵ـ مادام که سرمایه قبلی شرکت تماماً تأدیه نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود.

توضیح:

گزارش هیأت مدیره و بازرس در مورد افزایش سرمایه توأم با اظهارنظر الزام‌آور می‌باشد و پس از افزایش سرمایه هیأت مدیره مکلف است حداکثر ظرف یکماه ضمن اصلاح اساسنامه مراتب را به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام نماید. در غیر این صورت به موجب ماده ۱۰۶ (ل.ا.ق.ت) قابل تعقیب جزایی است.

ماده ۱۶۶ـ در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است مهلتی که طی آن سهامداران می‌توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره‌نویسی تعیین می‌گردد شروع می‌شود.

توضیح:

به هنگام انتشار سهام جدید، سهامداران قدیم در خرید سهام نسبت به سهامداران جدید حق تقدم دارند و شرکت در شرکت سهامی عام و خاص آگهی حق تقدم منتشر کرده و به سهامداران قدیم شصت روز مهلت خرید از روز پذیره‌نویسی تعیین می‌نماید. اعطاء حق تقدم به لحاظ قدمت سهامداران در شرکت و افزایش ارزش دفتری یا بورسی سهام شرکت کاملاً منطقی می‌باشد.

ماده ۱۶۷ــ مجمع عمومی فوق‌العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می‌کند یا اجازه آن را به هیأت مدیره می‌دهد می‌تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره‌نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب کند به شرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیأت مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد وگرنه باطل خواهد بود.

تبصره ـ گزارش هیأت مدیره مذکور در این ماده باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است و تعداد و قیمت این‌گونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت درنظر گرفته شده است باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید حاکی از تأیید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیأت مدیره ذکر شده است.

ماده ۱۶۸ــ در مورد ماده ۱۶۷ چنانچه سلب حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید از بعضی از صاحبان سهام به نفع بعض دیگر انجام می‌گیرد، سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها درنظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رأی درباره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حدنصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی سهام سهامدارانی که سهام

جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد.

توضیح:

سلب حق تقدم از سهامداران هنگامی است که شرکت از وضعیت مالی خوب برخوردار نیست و در این صورت با سلب حق تقدم از سهامداران قدیم به طلبکاران سهام جدید به ارزش مبلغ اسمی اعطاء می‌نماید. ضمناً کسب موافقت طلبکاران و افزایش سرمایه ضروری می‌باشد.

ماده ۱۶۹ـ در شرکت‌های سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد به اطلاع صاحبان سهام برسد در این آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر صاحب سهم به نسبت سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیره‌نویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد.

ماده ۱۷۰ـ در شرکت‌های سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی‌نام برای دریافت گواهی‌نامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آن را دارند ظرف مهلت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام با نام گواهی نامه‌های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد.

ماده ۱۷۱ـ گواهی‌نامه حق خرید سهم مذکور در ماده فوق باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱. نام و شماره ثبت و مرکز اصلی شرکت.
۲. مبلغ سرمایه فعلی و همچنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت.
۳. تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهی‌نامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن.
۴. نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.
۵. مهلتی که در طی آن دارنده گواهی‌نامه می‌تواند از حق خرید مندرج در گواهی‌نامه استفاده کند.
۶. هرگونه شرایط دیگری که برای پذیره‌نویسی مقرر شده باشد.

تبصره ـ گواهی‌نامه حق خرید سهم باید به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضاء برسد.

ماده ۱۷۲ـ در صورتی که حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقی‌مانده سهام جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد.

ماده ۱۷۳ـ شرکت‌های سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره‌نویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند.

ماده ۱۷۴ـ طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده ۱۷۳ باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱. نام و شماره ثبت شرکت.
۲. موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن.

۳. مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن.
۴. در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن.
۵. مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.
۶. اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.
۷. هویت کامل اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت.
۸. شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی.
۹. مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم دارایی بعد از تصفیه.
۱۰. مبلغ و تعداد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم که شرکت منتشر کرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق قرضه به سهم.
۱۱. مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق قرضه‌ای که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط به آن.
۱۲. مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.
۱۳. مبلغ افزایش سرمایه.
۱۴. تعداد و نوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده‌اند.
۱۵. تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیره‌نویسی.
۱۶. مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید تعهد شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم.
۱۷. حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره‌نویسی باید تعهد شود.
۱۸. نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخت شود.
۱۹. ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن نشر می‌شود.

ماده ۱۷۵ـ آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید به ضمیمه طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم گردد و در صورتی که شرکت تا آن موقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیره‌نویسی قید شود.

ماده ۱۷۶ـ مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول طرح اعلامیه پذیره‌نویسی و ضمایم آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.

ماده ۱۷۷ـ اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های شرکت در آن نشر می‌گردد اقلاً در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن به عمل می‌آید در معرض دید علاقمندان قرار داده شود. در اعلامیه پذیره‌نویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده است.

ماده ۱۷۸ـ خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید معین شده است و نباید از دو ماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد.

ماده ۱۷۹ـ پذیره‌نویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهم که باید شامل نکات زیر باشد به عمل خواهد آمد.

۱. نام و موضوع ومرکز اصلی و شماره ثبت شرکت.

۲. سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.

۳. مبلغ افزایش سرمایه.
۴. شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید و مرجع صدور آن.
۵. تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع می‌شود و مبلغ اسمی آن.
۶. نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته می‌شود.
۷. هویت و نشانی کامل پذیره‌نویس.

ماده ۱۸۰ـ مقررات مواد۱۴ و ۱۵ این قانون در مورد تعهد خرید سهم جدید نیز حاکم است.

ماده ۱۸۱ـ پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره‌نویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده هیأت مدیره حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره‌نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هریک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع خواهد داد.

هرگاه پس از رسیدگی به اوراق پذیره‌نویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیأت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را به بانک مربوط بدهد.

ماده ۱۸۲ـ هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا نه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده ۱۷۴ به مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسد به درخواست هریک از پذیره‌نویسان سهام جدید، مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه پذیره‌نویسی به آن تسلیم شده است، گواهی‌نامه‌ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیره‌نویسی کرده‌اند به بانک

مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده شرکت قرار می‌گیرد.

توضیح:

رعایت دقیق مفاد فوق الزامی است در غیر این صورت هر ذی‌نفع می‌تواند به استناد مواد ۲۷۰ـ۲۷۱ـ۲۷۲ـ۲۷۳ـ۲۷۴ و ۲۷۵ (ل.ا.ق.ت) تقاضای بطلان افزایش سرمایه را به علت عدم رعایت قواعد آمره از دادگاه حقوقی تقاضا نماید.

ماده ۱۸۳ـ برای ثبت افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها کافی خواهد بود:

۱. صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده یا اجازه آن را به هیأت مدیره داده است و در صورت اخیر صورت جلسه هیأت مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است.

۲. یک نسخه از روزنامه‌ای که آگهی مذکور در ماده ۱۶۹ این قانون در آن نشر گردیده است.

۳. اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سهام جدید و در صورتی که سهام جدید امتیازاتی داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود.

۴. در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیرنقد باشد باید تمام قسمت غیرنقد تحویل گردیده و با رعایت ماده ۸۲ این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده باشد مجمع عمومی فوق‌العاده در این مورد با حضور صاحبان سهام شرکت و پذیره‌نویسان سهام جدید تشکیل شده و رعایت مقررات مواد ۷۷ لغایت ۸۱ این قانون در آن قسمت که به آورده غیر نقد مربوط

می‌شود الزامی خواهد بود و یک نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده باید به اظهارنامه مذکور در این ماده ضمیمه شود.

تبصره ـ اظهارنامه‌های مذکور در این ماده باید به امضاء کلیه اعضاء هیأت مدیره رسیده باشد.

توضیح:

برای ثبت افزایش سرمایه در شرکت سهامی خاص ماده ۱۸۳ فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک مندرج در ماده مذکور را کافی دانسته است. تاکنون نمونه اظهارنامه در اداره ثبت شرکت‌ها تهیه و در اختیار متقاضیان قرار نگرفته است و به جای آن از نمونه اظهارنامه ثبت شرکت استفاده می‌نمایند. بدیهی است که در شرکت سهامی خاص انتشار آگهی اعلامیه پذیره‌نویسی به موضوع ماده ۲۱ (ل.ا.ق.ت) مجاز نمی‌باشد.

ماده ۱۸۴ـ وجوهی که به حساب افزایش سرمایه تأدیه می‌شود باید در حساب سپرده مخصوصی نگاهداری شود. تأمین و توقیف و انتقال وجوه مزبور به حساب‌های شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت.

توضیح:

ماده مزبور، تأمین یا توقیف یا انتقال وجوه واریز شده را به حساب افزایش سرمایه برای حمایت از پذیره‌نویسان ممنوع نموده است. با این ترتیب استثنایی به قاعده عمومی تأمین خواسته و دستور موقت وارد گردیده است.

ماده ۱۸۵ـ در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی که در نتیجه این‌گونه

افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضاء ورقه خرید سهم توسط طلبکارانی که مایل به پذیره‌نویسی سهام جدید باشند انجام می‌گیرد.

توضیح:

شرکت زمانی متوسل به افزایش سرمایه از طریق ماده فوق می‌گردد که از نظر مالی وضعیت مناسبی نداشته باشد، زیرا شرکت قادر نیست مطالبات نقدی اشخاص را که موعد آن‌ها فرا رسیده پرداخت نماید. در این صورت ناچار است پس از جلب موافقت طلبکاران و سلب حق تقدم از سهامداران در مجمع عمومی فوق‌العاده مبادرت به افزایش سرمایه نموده و سهام جدید را به طلبکاران بدهد.

ماده ۱۸۶ـ در ورقه خرید سهم مذکور در ماده ۱۸۵ نکات مندرج در بندهای ۱ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۵ ـ ۷ و ۸ ماده ۱۷۹ باید قید شود.

ماده ۱۸۷ـ در مورد ماده ۱۸۵ پس از انجام پذیره‌نویسی باید در موقع به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکت‌ها صورت کاملی از مطالبات نقدی حال شده بستانکاران پذیره‌نویس را که به سهام شرکت تبدیل شده است به ضمیمه رونوشت اسناد و مدارک حاکی از تصفیه آن‌گونه مطالبات که بازرسان شرکت صحت آن را تأیید کرده باشند همراه با صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده و اظهارنامه هیأت مدیره مشعر بر اینکه کلیه این سهام خریداری شده و بهای آن دریافت شده است به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شود.

ماده ۱۸۸ـ در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می‌گیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقداً پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر می‌شود باید هنگام پذیره‌نویسی برحسب مورد کلاً پرداخت یا تهاتر شود.

توضیح:

ماده ۱۸۷ ثبت افزایش سرمایه را در اداره ثبت شرکت‌ها الزامی می‌داند و در مورد مطالبات نقدی حال شده بستانکاران و ارائه صورت کاملی از اسامی و موافقت‌نامه آنان را تأکید نموده است.

ماده ۱۸۸ یکی دیگر از طرق افزایش سرمایه که بالابردن افزایش مبلغ اسمی سهام موجود شرکت می‌باشد را پیش‌بینی نموده است این روش افزایش سرمایه در شرکت‌های سهامی عام متداول نمی‌باشد زیرا مستلزم تقویم مجدد دارایی‌های منقول مادی و منقول غیر مادی مانند علائم و اختراعات و حق کسب یا پیشه (سرقفلی) می‌باشد بهترین روش جذب نقدینگی مردم برای سرمایه‌گذاری شرکت، استفاده از روش افزایش سرمایه با انتشار سهام جدید و فروش آن به نقد می‌باشد و شرکت زمانی در این اقدام موفق می‌شود که زیان سنواتی نداشته و مدیران عملکرد سالهای قبل و آینده را ارائه نموده باشند.

ماده ۱۸۹ـ علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت می‌تواند به پیشنهاد هیأت مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت به‌طور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آن‌که بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه‌ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ این قانون کمتر نگردد.

تبصره ـ کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت می‌گیرد و کاهش اختیاری سرمایه ازطریق کاهش بهای اسمی سهام به نسبت متساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام‌می‌گیرد.

توضیح:

کاهش اجباری سرمایه در موردی که سرمایه شرکت به علت زیانهای وارده حداقل تا نصف تقلیل یابد هیأت مدیره مکلف است مجمع عمومی فوق‌العاده

شرکت را دعوت نماید. دستور جلسه مجمع عبارت از انحلال شرکت یا کاهش سرمایه می‌باشد و تخلف مدیران از اجرای مفاد مزبور مستوجب تعقیب کیفری و مجازات طبق ماده ۲۶۵ (ل.ا.ق.ت) می‌باشد. ضمناً ثبت و آگهی کاهش سرمایه الزامی می‌باشد.

ماده ۱۹۰ـ پیشنهاد هیأت مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم گردد. پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حساب‌های سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد.

توضیح:

در کاهش سرمایه اعم از اختیاری یا اجباری پیشنهاد هیأت مدیره به بازرس باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و گزارشی راجع به امور مالی شرکت از اول سال مالی در جریان یا برحسب مورد از ابتدای سال مالی قبل باشد.

ماده ۱۹۱ـ بازرس یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیأت مدیره را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارشی به مجمع عمومی فوق‌العاده تسلیم خواهد نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرس تصمیم خواهد گرفت.

ماده ۱۹۲ـ هیأت مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش، حداکثر ظرف یک‌ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی کند.

توضیح:

راجع به ماده ۱۹۲ کاهش اختیاری زمانی است که زیان وارده به شرکت کمتر از نصف سرمایه کل باشد که در آن صورت هیأت مدیره قبل از اقدام به کاهش آگهی‌های مربوط را، در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار جهت اطلاع سهامداران منتشر می‌نماید.

ماده ۱۹۳ـ در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق و یا بستانکارانی که منشاء طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۱۹۲ باشد می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه شرکت به دادگاه تقدیم کنند.

ماده ۱۹۴ـ در صورتی که به نظر دادگاه اعتراض نسبت به کاهش سرمایه وارد تشخیص شود و شرکت جهت تأمین پرداخت طلب معترض وثیقه‌ای که به نظر دادگاه کافی باشد نسپارد در این صورت آن دین حال شده و دادگاه حکم به پرداخت آن خواهد داد.

ماده ۱۹۵ـ در مهلت دو ماه مذکور در ماده ۱۹۳ و همچنین در صورتی که اعتراضی شده باشد تا خاتمه اجرای حکم قطعی دادگاه شرکت از کاهش سرمایه ممنوع است.

توضیح:

تذکر این نکته ضروری است که اعتراض به کاهش اختیاری سرمایه باید ظرف دو ماه از تاریخ نشر آگهی به دادگاه عمومی تقدیم شود. چنانچه دادگاه اعتراض معترض را وارد تشخیص داد و معترض وثیقه‌ای جهت تأمین پرداخت طلب نسپارد در این صورت دین حال شده و دادگاه حکم به تأدیه آن می‌نماید و طبق ماده ۱۹۵ مدت دو ماه مذکور و در صورت اعتراض تا خاتمه اجرای حکم قطعی دادگاه کاهش سرمایه برای شرکت ممنوع می‌باشد.

ماده ۱۹۶ــ برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم، هیأت‌مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه‌ای به اطلاع کلیه صاحبان سهام برساند. اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد منتشر شود و برای صاحبان سهام با نام توسط پست سفارشی ارسال گردد.

ماده ۱۹۷ــ اطلاعیه مذکور در ماده ۱۹۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

1. **نام و نشانی مرکز اصلی شرکت.**
2. **مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه.**
3. **مبلغی که هر سهم به آن میزان کاهش می‌یابد یا بهای اسمی هر سهم پس از کاهش.**
4. **نحوه پرداخت و مهلتی که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافتهٔ هر سهم در نظر گرفته شده و محلی که در آن این بازپرداخت انجام می‌گیرد.**

ماده ۱۹۸ــ خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است.

توضیح:

ماده ۱۹۸ برای جلوگیری از کاهش مخفی سرمایه، خرید سهام شرکت را توسط خود شرکت ممنوع نموده است و از موارد بطلان اقدام مدیران می‌باشد زیرا با باز خرید سهام سهامداران توسط شرکت اگر توأم با کاهش سرمایه نباشد موجبات زیان صاحبان سهام و اشخاص ثالث می‌گردد زیرا بدون اینکه سرمایه ثبت شده تقلیل پیدا نماید در عمل با بازخرید سهام کاهش مخفی سرمایه صورت می‌پذیرد.

بخش ۹ــ انحلال و تصفیه

ماده ۱۹۹ــ شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود:

۱. وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد.
۲. در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر اینکه مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد.
۳. در صورت ورشکستگی.
۴. در هر موقع که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام به هر علتی رأی به انحلال شرکت بدهد.
۵. در صورت صدور حکم قطعی دادگاه.

توضیح:

موارد پنج‌گانه فوق برای انحلال شرکت در سایر شرکت‌های تجارتی نیز مصداق پیدا می‌نماید.

ماده ۲۰۰ـ انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.

توضیح:

این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌توان علیه شرکت منحله دادخواست ورشکستگی تقدیم کرد؟ هرچند نصّ صریحی در این مورد در قانون تجارت پیش‌بینی نشده است اما از مدت‌ها پیش رویه قضایی فرانسه اعلام ورشکستگی علیه شرکت منحله در حال تصفیه را پذیرفته است. متعاقباً ماده ۴ قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۷ اعلام ورشکستگی علیه شرکت منحله را تا یکسال بعد از تاریخ انحلال مقرر داشته است. به نظر می‌رسد با استفاده و از تنقیح مناط قسمت دوم ماده ۴۱۲ (ق.ت) و ماده ۲۰۰ و ۲۰۳ (ل.ا.ق.ت) و ماده ۱۲۷ (ق.ت) می‌توان علیه شرکت منحله در حال تصفیه، اعلام ورشکستگی نمود.

ماده ۲۰۱ـ در موارد زیر هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد:

۱. در صورتی که تا یک‌سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیتهای شرکت در مدت بیش از یک‌سال متوقف شده باشد.

۲. در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب‌های هر یک از سالهای مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد.

۳. در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیأت مدیره و همچنین سمت مدیرعامل شرکت طی مدتی زائد بر شش‌ماه بلامتصدی مانده باشد.

۴. در مورد بندهای یک و دو ماده ۱۹۹ در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رأی به انحلال شرکت ندهد.

ماده ۲۰۲ـ در مورد بندهای یک و دو و سه ماده ۲۰۱ دادگاه بلافاصله برحسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که حداکثر از شش ماه تجاوز نکند، می‌دهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند.

در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم به انحلال شرکت می‌دهد.

ماده ۲۰۳ـ تصفیه امور شرکت سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام می‌گیرد مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی می‌باشد.

ماده ۲۰۴ـ امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق‌العاده که رأی به انحلال می‌دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۲۰۵ـ در صورتی که به هر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظایف خود عمل نکند هر ذی‌نفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد در مواردی نیز که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت می‌گیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود.

ماده ۲۰۶ـ شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب می‌شود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت «در حال تصفیه» ذکر شود و نام مدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی‌های مربوط به شرکت قید گردد.

ماده ۲۰۷ـ نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد.

ماده ۲۰۸ـ تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می‌باشند و هرگاه برای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.

ماده ۲۰۹ـ تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران

تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی شود. در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است.

ماده ۲۱۰ـ انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است.

ماده ۲۱۱ـ از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه، اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع می‌شود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهده‌دار شوند.

ماده ۲۱۲ـ مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع و داوری و حق سازش دارا می‌باشند و می‌توانند برای طرح دعاوی و دفاع از دعاوی وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان لم یکن است.

ماده ۲۱۳ـ انتقال دارایی شرکت در حال تصفیه کلاً یا بعضاً به مدیر یا مدیران تصفیه و یا اقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم ممنوع است. هر نقل و انتقالی که برخلاف مفاد این ماده انجام گیرد باطل خواهد بود.

ماده ۲۱۴ـ مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد

مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده، تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند.

ماده ۲۱۵ـ هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمدید مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ با دادگاه خواهد بود.

ماده ۲۱۶ـ مدیر یا مدیران تصفیه توسط همان مرجعی که آنان را انتخاب کرده است قابل عزل می‌باشند.

ماده ۲۱۷ـ مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفاتی که در قانون و اساسنامه پیش‌بینی شده است دعوت کرده صورت دارایی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند.

ماده ۲۱۸ـ در صورتی که به موجب اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام برای دوره تصفیه یک یا چند ناظر معین شده باشد ناظر باید به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده، گزارش خود را به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کند.

ماده ۲۱۹ـ در مدت تصفیه دعوت مجامع عمومی در کلیه موارد به عهده مدیران تصفیه است. هرگاه مدیران تصفیه به این تکلیف عمل نکنند

ناظر مکلف به دعوت مجمع عمومی خواهد بود و در صورتی که ناظر نیز به تکلیف خود عمل نکند یا ناظر پیش‌بینی یا معین نشده باشد دادگاه به تقاضای هر ذی‌نفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد.

ماده ۲۲۰ـ صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حسابها در مدت تصفیه کسب اطلاع کنند.

ماده ۲۲۱ـ در مدت تصفیه مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حدنصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هرگونه دعوت‌نامه و اطلاعیه‌ای که مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر می‌کنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد منتشر شود.

ماده ۲۲۲ـ در مواردی که به موجب این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجامع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود می‌باشند هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد یا این‌که تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت حساب‌های مقرر در ماده ۲۱۷ این قانون را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کنند.

ماده ۲۲۳ـ آن قسمت از دارایی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم می‌شود به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده است موضوع شده باشد.

ماده ۲۲۴ـ پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تأدیه کلیه دیون، دارایی شرکت بدواً به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران شرکت تقسیم خواهد شد.

ماده ۲۲۵ـ تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاً سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک‌ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شده و لااقل شش‌ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

ماده ۲۲۶ـ تخلف از ماده ۲۲۵ مدیران تصفیه را مسئول خسارت بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده‌اند.

ماده ۲۲۷ـ مدیران تصفیه مکلفند ظرف یک‌ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها و دفتر ثبت تجارتی حذف گردد.

ماده ۲۲۸ـ پس از اعلام ختم تصفیه مدیران باید وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی نزد یکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند نیز به آن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذی‌نفع برسانند تا برای گرفتن طلب

خود به بانک مراجعه کنند.

پس از انقضاء ده سال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه، هر مبلغ از وجوه که در بانک باقی مانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد.

ماده ۲۲۹ـ دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا ده سال از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند به این منظور مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکت‌ها دفاتر و اسناد و مدارک مذکور را نیز به مرجع ثبت شرکت‌ها تحویل دهند تا نگهداری و برای مراجعه اشخاص ذی‌نفع آماده باشد.

ماده ۲۳۰ـ در صورتی که مدیر تصفیه قصد استعفاء از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. در هر حال استعفای مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین او به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۲۰۹ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کان لم یکن است.

ماده ۲۳۱ـ در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقی‌مانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین

مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقی مانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند.

اگر امر تصفیه منحصراً به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذی‌نفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.

بخش ۱۰ـ حساب‌های شرکت

ماده ۲۳۲ـ هیأت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت دارایی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب‌های سود و زیان شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند. اسناد مذکور در این ماده باید اقلاً بیست روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود.

ماده ۲۳۳ـ در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان ترازنامه شرکت باید همان شکل و روش‌های ارزیابی که در سال مالی قبل از آن به کار رفته است رعایت شود، با وجود این در صورتی که تغییری در

شکل و روش‌های ارزیابی سال قبل از آن مورد نظر باشد باید اسناد مذکور به هر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش هیأت مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد.

ماده ۲۳۴ـ در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته‌های لازم در نظر گرفته شود ولو آنکه پس از وضع استهلاک و اندوخته‌ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد.

پایین آمدن ارزش دارایی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه به علل دیگر باید در استهلاکات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارایی و زیان‌ها و هزینه‌های احتمالی باید ذخیرهٔ لازم منظور گردد.

ماده ۲۳۵ـ تعهداتی که شرکت آن را تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود.

ماده ۲۳۶ـ هزینه‌های تأسیس شرکت باید قبل از تقسیم هرگونه سود مستهلک شود. هزینه‌های افزایش سرمایه باید حداکثر تا پنج سال از تاریخی که این‌گونه هزینه‌ها به عمل آمده مستهلک شود. در صورتی که سهام جدیدی که در نتیجه افزایش سرمایه صادر می‌شود به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شده باشد هزینه‌های افزایش سرمایه را می‌توان از محل این اضافه ارزش مستهلک نمود.

ماده ۲۳۷ـ سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارت است از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه‌ها و استهلاکات و ذخیره‌ها.

توضیح:

[ذخیره‌ها + استهلاکات + هزینه‌ها] – درآمد کل سالیانه = سود خالص یا سود ویژه

در این ماده قانون‌گذار واژه «ذخیره‌ها» را به کار برده است که به نظر می‌رسد همان اندوخته‌ها می‌باشد.

ماده ۲۳۸ـ از سود خالص شرکت پس از وضع زیانهای وارده در سالهای قبل باید معادل یک بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ به عنوان اندوخته قانونی موضوع شود، هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.

توضیح:

در این ماده که ادامه ماده قبل می‌باشد از سود خالص پس از کسر زیان‌های وارده در سنوات قبل، وضع (کسر) یک بیستم یا پنج درصد از سود اختیاری شرکت به عنوان اندوخته قانونی الزام‌آور می‌باشد.

ماده ۲۳۹ـ سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیان‌های سال‌های مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری به علاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است.

توضیح:

برای محاسبه سود قابل تقسیم بین سهامداران شرکت با در نظر گرفتن ماده ۲۳۶ و ۲۳۷ می‌توان طبق فرمول زیر عمل نمود.

سود تقسیم نشده سنوات قبل + [اندوخته قانونی، اندوخته اختیاری، اندوخته مالیاتی + زیان سنوات قبل + استهلاکات+ هزینه‌ها] – درآمد کل سالیانه = سود قابل تقسیم

ماده ۲۴۰ – مجمع عمومی پس از تصویب حساب‌های سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان

سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می‌شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیأت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.

ماده ۲۴۱ـ با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۴ نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیأت مدیره در نظر گرفته شود به هیچ‌وجه نباید در شرکت‌های سهامی عام از پنج درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود و در شرکت‌های سهامی خاص از ده درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود تجاوز کند.

مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد باطل و بلااثر است.

ماده ۲۴۲ـ در شرکت‌های سهامی عام هیأت مدیره مکلف است که به حساب‌های سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمی را نیز ضمیمه کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهارنظر درباره حساب‌های شرکت گواهی نمایند که کلیه دفاتر و اسناد و صورت حساب‌های شرکت و توضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حساب‌های سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیأت مدیره وضع مالی شرکت را به نحو صحیح و روشن نشان می‌دهد.

تبصره ـ منظور از حسابداران رسمی مذکور در این ماده حسابداران موضوع فصل هفتم قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند سال ۱۳۴۵ می‌باشد و در صورتی که به موجب قانون شرایط و نحوه انتخاب حسابداران رسمی تغییر کند و یا عنوان دیگری برای آنان در نظر گرفته شود شامل حسابداران مذکور در این ماده نیز خواهد بود.

بخش ۱۱ـ مقررات جزایی

ماده ۲۴۳ـ اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱. هرکس که عالماً و برخلاف واقع پذیره‌نویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره‌نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیرنقد تقلب اعمال کند.

۲. هرکس در ورقه سهم با نام یا گواهی‌نامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است قید کند.

۳. هرکس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کند بعضاً یا کلاً خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام دارد.

۴. هرکس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند.

۵. هرکس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیره‌نویسی کلیه سرمایه و تأدیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیرنقد صادر کند.

۶. هرکس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم، سهام بی‌نام یا گواهی‌نامه موقت بی‌نام صادر کند.

توضیح:

مجازات جزایی راجع به تشکیل شرکت ماده ۲۴۳ مسئولیت جزایی مؤسسین شرکت سهامی و سایر اشخاص را در پذیره‌نویسی سهام تشدید نموده است و آن در صورتی است که هرکس عمداً برخلاف واقع و مقررات پذیره‌نویسی سهام را تصدیق کرده یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت را به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام نماید و یا در تقویم آورده غیرنقدی تقلب اعمال کند طبق ماده فوق قابل مجازات می‌باشد.

ماده ۲۴۴ـ اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک‌سال یا به جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱. هرکس عالماً سهام یا گواهی‌نامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

۲. هرکس سهام بی‌نام را قبل از آنکه تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

۳. هرکس سهام با نام را قبل از آن‌که اقلاً سی و پنج درصد مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

ماده ۲۴۵ـ هرکس عالماً در هریک از عملیات مذکور در ماده ۲۴۴ شرکت کند یا انجام آن عملیات را تسهیل نماید برحسب مورد به مجازات شریک یا معاون محکوم خواهد شد.

توضیح:

برای تحقق جرم در ماده ۲۴۴ چند مورد پیش‌بینی شده است:

- بند اول شاکی باید عمد مرتکب را در صدور یا فروش و یا در معرض فروش گذاشتن سهام یا گواهی‌نامه موقت آن بدون قید مبلغ اسمی ثابت کند.
- بند دوم اثبات علم مرتکب مورد نیاز نمی‌باشد.
- بند سوم صدور یا فروش یا در معرض فروش گذاشتن از طرف هرکس که حداقل ۳۵٪ مبلغ اسمی سهام آن را پرداخت نکرده باشد، قابل مجازات می‌داند.

مجازات هر سه مورد فوق از سه ماه تا یکسال حبس تأدیبی (تعزیری) یا به جزای نقدی از ۵۰/۰۰۰ ریال تا ۵۰۰/۰۰۰ ریال یا هر دو مجازات می‌باشد.

تذکر این نکته ضروری است که این قانون مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ بوده و جزای نقدی با توجه به ارزش پول آن زمان در نظر گرفته شده است و تا زمانی که ماده اصلاح نشده دادگاه مکلف به اعمال متن دقیق ماده با توجه به تفسیر مضّیق قوانین جزایی می‌باشد.

در ماده ۲۴۵ قانون‌گذار مساعدت لازم را برای شریک یا معاون جرم مقرر داشته است.

ماده ۲۴۶ـ رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر یک از جرائم زیر به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش‌ماه یا به جزای نقدی از سی هزار تا سیصد هزار یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱. در صورتی که ظرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع عمومی فوق‌العاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت ننمایند.

۲. در صورتی که قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت به صدور اوراق قرضه مبادرت کرده یا صدور آن را اجازه دهند.

ماده ۲۴۷ـ در مورد بند یک ماده ۲۴۶ در صورتی که هریک از اعضاء هیأت مدیره قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه هیأت مزبور صریحاً اعلام کند که باید به تکلیف قانونی برای سلب مسئولیت جزایی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیأت مدیره توجه نشود و جرم تحقق پیدا کند عضو هیأت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد. سلب مسئولیت جزایی از عضو هیأت مدیره منوط به این است که عضو هیأت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیأت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضاء هیأت مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیأت مدیره به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزایی از عضو هیأت مدیره کافی است.

توضیح:

جرم مندرج در ماده ۲۴۶ و ۲۴۷ مربوط به رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت سهامی می‌باشد. گرچه مدیرعامل، عضو هیأت مدیره می‌باشد ولی با توجه به تفسیر مضّیق قانون جزا به نظر می‌رسد که قانون‌گذار سمت ریاست هیأت مدیره و سایر اعضاء را در نظر گرفته است ضمناً قانون‌گذار برای سلب مسئولیت جزایی متذکر شده که اگر هر یک از اعضاء در جلسه هیأت مزبور اجرای تکلیف قانونی را برای سلب مسئولیت جزایی اعلام نماید عضو مزبور مجرم شناخته نمی‌شود.

ماده ۲۴۸ـ هرکس اعلامیه پذیره‌نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضاهای مجاز و نام و نشانی مؤسسین یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار ریال محکوم خواهد شد.

توضیح:

برای تحقق جرم این ماده انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه می‌باشد که امضاهای مجاز نداشته باشد. منظور امضاهایی است که هیأت مدیره آنها را در صورت جلسه خود قید کرده و در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت چاپ گردیده است ضمناً باید مراتب به اداره ثبت شرکت‌ها نیز اعلام گردد. قید نام و نشانی مؤسسین یا مدیران شرکت در اعلامیه‌های مزبور الزامی می‌باشد.

ماده ۲۴۹ـ هرکس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیره‌نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این اقدامات مرتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

توضیح:

برای تحقق جرم ماده مزبور احراز شرایط زیر ضروری است:
- فرد مرتکب به اطلاق برگزار شده
- داشتن سوءنیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی
- صدور اعلامیه پذیره‌نویسی سهام یا اطلاعیه اوراق قرضه
- دادن اطلاعات نادرست یا ناقص

مجازات مرتکب شروع به کلاهبرداری پیش‌بینی گردیده است که به نظر می‌رسد مجازات مزبور در حکومت قانون مجازات عمومی منسوخه بوده است و در حال حاضر مجازات این جرم به موجب قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام تشدید

گردیده که مجازات آن از یک تا هفت سال حبس و جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده محکوم می‌شود و برحسب مورد که مرتکب مأمور دولت باشد این مجازات از ۲ تا ۱۰ سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی به شرح فوق محکوم می‌شود مجازات شروع به جرم کلاهبرداری حسب مورد به موجب تبصره ۲ ماده ۱ قانون مزبور حداقل مجازات مقرر در همان ماده می‌باشد.

به نظر می‌رسد مجازات مزبور با جرم ارتکابی متعادل نبوده و تغییر ماده مزبور با پیش‌بینی مجازات خفیف برای اجرای عدالت ضروری باشد.

ماده ۲۵۰ـ رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی عام که قبل از تأدیه کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضاء دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومی مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایند به‌جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

توضیح:

این ماده فقط شامل رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت سهامی عام می‌باشد که در صورت انتشار اوراق زیر بدون رعایت موارد زیر جرم تحقق پیدا می‌کند.

ـ عدم تأدیه کلیه سرمایه ثبت شده شرکت

ـ قبل از انقضاء دو سال از تاریخ ثبت

ـ بدون تصویب دو ترازنامه عملیات مالی توسط مجمع عمومی شرکت

مجازات مرتکبین جزای نقدی از ۲۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. البته این مبلغ با توجه به تاریخ تصویب قانون سال ۱۳۴۷ ماده قانون را فاقد ضمانت اجرایی کافی نموده است.

ماده ۲۵۱ـ رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی عام که بدون رعایت مقررات ماده ۵۶ این قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه

بنمایند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۲ـ رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی عمومی که نکات مندرج در ماده ۶۰ این قانون را در اوراق قرضه قید ننمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد:

ماده ۲۵۳ـ اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

۱. هرکس عامداً مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجامع عمومی صاحبان سهام بشود.
۲. هرکس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و به این طریق در اخذ رأی در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید اعم از آنکه این کار را شخصاً یا توسط دیگری انجام دهد.

توضیح:

ماده ۲۵۳ برای حمایت از حقوق سهامداران و اهمیت قائل شدن به حضور آنان در جلسات مجامع عمومی هر کسی را اعم از مدیران یا غیر از آنان که مانع حضور سهامدار در جلسات مذکور گردد یا با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا پاره سهم بداند و با این طریق به نفع خود بالمباشره یا بوسیله دیگری اخذ رأی نماید به مجازات مندرج در ماده فوق محکوم می‌گردد.

ماده ۲۵۴ـ رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را

دعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را به موقع تنظیم و تسلیم ننمایند به حبس از دو تا شش‌ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۵ـ رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۹۹ تنظیم نکنند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۶ـ هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که صورت جلسه مذکور در ماده ۱۰۵ را تنظیم نکند به مجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۷ـ رئیس و اعضاء هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رأی صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند به مجازات مذکور در ماده ۲۵۵ محکوم خواهند شد.

توضیح:

در مواد فوق برای حمایت از حقوق سهامداران برای حضور در مجمع و استفاده از حق رأی خود قانون‌گذار مجازات‌های متفاوتی با توجه به شدت و ضعف جرم پیش‌بینی نموده است و سعی شده حتی‌المقدور به جای زندان از جزای نقدی به عنوان ضمانت اجرایی استفاده شود که از این نظر قابل توجه می‌باشد.

ماده ۲۵۸ـ اشخاص زیر به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد:

۱. رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه مزور

منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند.

۲. رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که ترازنامه غیر واقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشند.

۳. رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت که اموال و اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذی‌نفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند.

۴. رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت که با سوءنیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا به خاطر شرکت یا مؤسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذی‌نفع می‌باشند استفاده کنند.

توضیح:

مجازات حبس تأدیبی از ۱ تا ۲ سال برای اعمال فوق پیش‌بینی گردیده که در حال حاضر، مجازات تعزیری جایگزین آن شده است زیرا در حکومت قانون مجازات عمومی منسوخه که از حقوق فرانسه اقتباس شده بود به موجب آن مجازات‌ها به خلاف، حبس تأدیبی، حبس مجرد، حبس با اعمال شاقه و اعدام تقسیم شده بود و در حال حاضر مجازات اعدام در تعدادی از کشورها به علت اشتباهات قضایی و ملاحظات دیگر نسخ شده است.

تهیه و تنظیم ترازنامه مزور غیر واقع از ناحیه رئیس و اعضاء هیأت مدیره برای تقسیم سود موهوم بین سهامداران و مجازات مرتکبین جرم برای جلوگیری از سلب اعتماد و سهامداران به سرمایه‌گذاری در شرکت می‌باشد.

در بند ۲ ماده فوق همان مجازات برای مدیرانی که ترازنامه غیر واقع برای پنهان داشتن وضعیت حقیقی شرکت به سهامداران منتشر نمایند، پیش‌بینی شده است تا اطلاعات کذب موجبات بدبینی سهامداران و سایراشخاص فراهم نگردد.

بند ۳ ماده به رعایت جانب صداقت و امانت از طرف مدیران تأکید کرده و آنان را در صورت استفاده از اموال شرکت یا اعتبارات آن بر خلاف منافع شرکت و برای مقاصد شخصی یا برای واحد تجارتی دیگر به مجازات مندرج در فوق محکوم می‌نماید.

ماده ۲۵۹ـ رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت که متعمداً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت ننمایند و یا بازرسان شرکت را به مجامع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند به حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۰ـ رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل که عامداً مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت بشوند یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا به‌جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

توضیح:

ماده ۲۵۹ و ۲۶۰ در حمایت از بازرس یا بازرسان شرکت که ارگان کنترل کننده شرکت سهامی را تشکیل می‌دهند مجازات جزایی به شرح فوق پیش‌بینی نموده است و آن در صورتی است که به طور عمد مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شوند یا اسناد و مدارک لازم را برای بازرسی در اختیار آنان قرار ندهند و یا مجمع عمومی عادی را برای انتخاب بازرسان عمداً دعوت ننمایند.(ماده ۲۵۹).

ماده ۲۶۱ـ رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش

سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به‌جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال محکوم خواهند شد. و در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام سابق مبادرت به صدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنمایند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه و به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۲ـ رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد:

۱. در صورتی که در مواقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره‌نویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیره‌نویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند.
۲. در صورتی که شرکت قبلاً اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان این‌گونه اوراق قرضه را نسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر نگرفته یا قبل از انقضاء مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را از طریق بازخرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند.

توضیح:

برای ثبت مزورانه افزایش سرمایه مجازات مندرج در ماده ۲۶۱ نشانگر دقت

نظر قانونگذار به صحت و درستی عمل افزایش سرمایه می‌باشد زیرا نگرانی در این بوده که مدیران با جعل و تزویر و قلب متقلبانه حقیقت سهامداران و مردم را به شکوفایی واهی تجارتی شرکت امیدوار ساخته و از این طریق سوء استفاده نمایند.

- ماده ۲۶۲ راجع به عدم رعایت حق تقدم سهامداران قدیم در پذیره‌نویسی سهام جدید می‌باشد زیرا سهامداران قدیم به هنگام افزایش سرمایه به نسبت سهم خود در خرید سهام جدید نسبت به سایر پذیره‌نویسان حق تقدم دارند ماده ۱۶۶ (ل.ا.ق.ت)

راجع به اوراق قرضه با حق تعویض یا قابل تبدیل به سهام شرکت که معمولاً شرکت‌های سهامی عام به عنوان امتیاز به خریداران ورقه قرضه پیشنهاد می‌نمایند قانون‌گذار برای حفظ حقوق خریداران ورقه قرضه برای هرگونه تغییراتی در سرمایه شرکت از قبیل کاهش سرمایه مجازات جزایی پیش‌بینی نموده است.

ماده ۲۶۳ـ رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که عالماً برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره‌نویسی سهام جدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند بحبس از شش‌ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

توضیح:

حق تقدم به هنگام افزایش سرمایه که به سهامداران قدیم برای خرید سهام جدید طبق ماده ۱۶۷ (ل.ا.ق.ت) تعلق می‌گیرد از قواعد آمره می‌باشد. حال اگر مدیران به طور عمدی این حق را از آنان سلب نمایند یا عمداً اطلاعات نادرست برای توجیه حق تقدم در مورد افزایش سرمایه به هنگام تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت با سهام جدید ماده ۱۸۵ (ل.ا.ق.ت) به آنان بدهند به مجازات مندرج در ماده فوق محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۴ـ رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عالماً مقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد:

۱. در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام.

۲. در صورتی که پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به بازرس شرکت تسلیم نشده باشد.

۳. در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دائر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی نشده باشد.

توضیح:

در این ماده قانون‌گذار برای اجرای صحیح کاهش سرمایه سه مورد را قابل مجازات نقدی دانسته است:

- عدم رعایت تساوی حقوق سهامداران
- عدم تقدیم گزارش از طرف رئیس و اعضاء هیأت مدیره به بازرس یا بازرسان شرکت حداقل ۴۵ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده
- عدم انتشار تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده در مورد تصویب کاهش سرمایه در روزنامه شرکت و روزنامه رسمی.

ماده ۲۶۵ـ رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیان‌های وارده حداکثر تا دوماه مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت ننمایند تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود و حداکثر تا یک‌ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام ننمایند به حبس از دو ماه تا شش ماه یا به‌جزای نقدی از ده هزار

ریال تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

توضیح:

کاهش اجباری سرمایه که در ماده ۱۴۱ (ل.ا.ق.ت) پیش‌بینی شده است و آن در موردی است که سرمایه شرکت به علت زیان‌های وارده به حداقل نصف آن رسیده باشد و در این صورت مجمع عمومی فوق‌العاده نسبت به بقاء یا انحلال شرکت اتخاذ تصمیم می‌نماید.

ماده ۲۶۵ فوق در موارد زیر مرتکبین را قابل مجازات می‌داند:

۱. از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیان‌های وارده
۲. دعوت نکردن مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران حداکثر تا ۲ ماه
۳. عدم ثبت و آگهی تصمیم مجمع فوق‌الذکر حداکثر تا یک ماه

ماده ۲۶۶ــ هرکس با وجود منع قانونی عالماً سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش‌ماه یا جزای نقدی از بیست هزار ریال تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۷ــ هرکس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالماً راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارشهای خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا این گونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

توضیح:

اگر بازرس در شرکت سهامی با داشتن منع قانونی (ماده ۱۱۱ و ۱۴۷) سمت بازرسی را قبول کند به مجازات در ماده ۲۶۶ محکوم می‌شود.

در ماده ۲۶۷ نظر به این که بازرس باید صحت و درستی ترازنامه، حساب سود و زیان و عملکرد مالی گزارش‌های مدیران را به مجامع عمومی تصدیق

نماید و این امر برای جلب اعتماد مردم به سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و رونق بازار بورس اهمیت شایانی دارد لذا قانون‌گذار مجازات سنگینی برای بازرس پیش‌بینی نموده است به نظر می‌رسد چنین مجازاتی قابل توجیه می‌باشد.

ماده ۲۶۸ـ مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالماً مرتکب جرائم زیر بشوند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱. در صورتی که ظرف یک ماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نکنند.

۲. در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را دعوت نکرده، وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند به اطلاع مجمع عمومی نرسانند.

۳. در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفاتی که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده است دعوت نکرده صورت دارایی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند.

۴. در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آنکه تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند.

۵. در صورتی که ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام ننمایند.

۶. در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانکهای ایرانی تودیع ننمایند و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خودرا استیفاء نکرده‌اند به آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذی‌نفع نرسانند.

توضیح:

پس از انحلال شرکت مدیر یا مدیران تصفیه بنا به تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت برای انجام امور تصفیه انتخاب می‌شوند. مدیر تصفیه ممکن است از بین مدیران شرکت یا خارج از شرکت تعیین گردد. با توجه به اهمیت مدیر تصفیه برای نقد کردن دارایی شرکت، وصول مطالبات، پرداخت بدهی‌های شرکت و بالاخره تقسیم باقی مانده دارایی بین سهامداران به نسبت سهام آنان، قانون‌گذار موارد زیر را عمل مجرمانه دانسته و به شرح فوق مجازات می‌نماید:

- ظرف یک ماه پس از انتخاب شدن مراتب انحلال شرکت را با مشخصات خود به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام ننماید.
- تا شش ماه پس از شروع به تصفیه، مجمع عمومی عادی سهامداران را دعوت نکرده و موارد مندرج در بند ۲ ماده را به مورد اجرا نگذارد.
- همه ساله مجمع عمومی عادی سالیانه را با رعایت قانون دعوت ننموده و گزارشی حاوی حساب‌های شرکت و عملکرد خود را به مجمع تقدیم ننماید.
- پس از انقضای مدت مدیر خود آنرا تمدید ننماید.
- پس از ختم تصفیه مراتب را ظرف یکماه به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام ننماید و وجوه باقی مانده را در حساب مخصوص بانکی تودیع نکرده و مراتب را آگهی ننماید.

ماده ۲۶۹ـ مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر شوند به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد:

۱. در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی‌نفع می‌باشند مورد استفاده قرار دهند.
۲. در صورتی که برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارایی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده دارایی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند.

توضیح:

با توجه به اینکه مدیر تصفیه امین اموال و اعتبارات شرکت می‌باشد لذا قانون‌گذار مجازات سنگینی را برای مدیر مزبور مقرر داشته است که آن در صورتی است که مدیر از اموال شرکت در حال تصفیه برخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی خود یا برای شرکت و مؤسسه دیگری که در اختیار دارد به طور مستقیم یا غیرمستقیم استفاده نماید و نیز دارایی شرکت را به اقارب خود از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم انتقال دهد یا بدون پرداخت طلب بستانکاران و کسر قروضی که هنوز موعد آن نرسیده باشد دارایی شرکت را بین سهامداران تقسیم نماید.

بخش ۱۲ـ مقررات مختلف مربوط به شرکت‌های سهامی

ماده ۲۷۰ـ هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهد شد لیکن مؤسسین و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.

توضیح:

این ماده مسئولیت مدنی مدیران شرکت و سایر دست‌اندرکاران را در مقابل اشخاص ذی‌نفع، در موارد زیر مطرح کرده است:

- در تشکیل شرکت از مقررات قانونی تخلف شده باشد.
- در ارگان تصمیم گیرنده (مجمع عمومی عادی سالیانه به طور فوق‌العاده - مجمع عمومی فوق‌العاده) برخلاف مقررات قانونی اتخاذ تصمیم بنماید.
- ارگان اداره کننده (مدیرعامل - رئیس هیأت مدیره - نایب رئیس و اعضاء) در مدیریت شرکت برخلاف قانون و مقررات اقدام کرده و اتخاذ تصمیم بنمایند.
- ارگان کنترل کننده (بازرس یا بازرسان) در انجام وظایف محوله خلاف مقررات و قانون عمل بنماید. ضمانت اجرائی تخلف از قانون و مقررات در موارد فوق بطلان شرکت یاعملیات و تصمیمات مجامع عمومی، مدیران یا بازرسان می‌باشد.

قسمت دوم ماده برای حمایت از اشخاص ثالث مقرر داشته که مؤسسین و مدیران و بازرسان و سهامداران شرکت نمی‌توانند با استناد به بطلان از خود رفع مسئولیت بنمایند. زیرا بیم آن می‌رفته که اشخاص اخیر عمداً شرکت را با تخلف از قانون یا مقررات تأسیس نمایند و پس از تنظیم قراردادهایی با اشخاص ثالث تقاضای بطلان شرکت را نموده و با استناد به آن از خود رفع مسئولیت مدنی بنمایند.

شایان ذکر است که این ماده از نظر مسئولیت مدنی در شرکت‌های سهامی حائز اهمیت می‌باشد و برای طرح دعوی مسئولیت مدنی در سایر موارد فوق از اصول کلی حقوق مدنی مقرر در باب تقصیر مواد ۹۵۱و ۹۵۲و ۹۵۳ (ق.م) یا از ماده ۳۲۸ در بیان **قاعدهٔ اتلاف** (مَن اَتلَفَ مالُ الغیر فَهُوَ ضامنٌ) و یا از **قاعده تسبیب** ماده ۳۳۱ (ق.م) و بالاخره از قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۰۹ که تقصیر را به عمد و بی‌احتیاطی تقسیم نموده است ماده ۱ (ق.م.م)[1] استفاده و استناد نمود.

---

۱. قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹

ماده ۲۷۱ـ در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوای بطلان را صادر خواهد کرد.

ماده ۲۷۲ـ دادگاهی که دعوای بطلان نزد آن اقامه شده است می‌تواند بنا به درخواست خوانده مهلتی که از شش ماه بیشتر نباشد برای رفع موجبات بطلان تعیین نماید. ابتدای مهلت مذکور تاریخ وصول پرونده از دفتر به دادگاه است. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد دادگاه حکم مقتضی را صادر خواهد کرد.

ماده ۲۷۳ـ در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات شرکت کسانی که مسئول بطلان هستند متضامناً مسئول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است.

ماده ۲۷۴ـ دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می‌نماید باید ضمن حکم خود یک یا چند نفر را به عنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا بر طبق مقررات این قانون انجام وظیفه نمایند.

ماده ۲۷۵ـ در هر مورد که بر اثر انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شود و مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین شده‌اند حاضر به قبول سمت مدیریت تصفیه نباشند دادگاه امر تصفیه را به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود ارجاع می‌نماید.

تبصره ـ تعیین حق‌الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین می‌شود به عهده دادگاه است.

توضیح:

مواد مذکور آیین دادرسی و مسئولیت تضامنی اشخاص متخلف را بیان داشته است در ماده ۲۷۱ و ۲۷۲ در بدو امر ضمانت اجرایی تخلف از ماده ۲۷۰ را در صورت عدم رفع نقص در ظرف مهلت حداکثر ۶ ماه که دادگاه تعیین کرده است را صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن مقرر داشته است ولی در صورت رفع نقص دادگاه قرار سقوط دعوی بطلان را صادر خواهد کرد.

ماده ۲۷۳ کسانی را که مسئول بطلان تأسیس شرکت یا عملیات و یا تصمیمات آن بوده‌اند به نحو تضامن در مقابل سهامداران و اشخاص ثالث محکوم به جبران خسارت وارده به آنان می‌نماید.

ماده ۲۷۴ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه را به دادگاه محول نموده ضمناً به موجب ماده ۲۷۵ امر تصفیه شرکت بوسیله اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه مربوط صورت خواهد گرفت.

ماده ۲۷۶ـ شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیأت مدیره و یا مدیرعامل به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارت وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند.

در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضاء هیأت مدیره یا مدیرعامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم به نفع شرکت اجراء و هزینه‌ای که از طرف اقامه کننده دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم به، به وی، مسترد خواهد شد.

در صورت محکومیت اقامه‌کنندگان دعوی پرداخت کلیه هزینه‌ها و خسارات به عهده آنان است.

ماده ۲۷۷ـ مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید به نحوی از انحاء حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوای مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید.

توضیح:

ماده ۲۷۶ برای تقویت حقوق سهامداران اقلیت می‌باشد. دارندگان حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت می‌توانند با احراز تخلف یا تقصیر مدیران به نام شرکت یا از طرف آن و به هزینه خود علیه اشخاص مزبور منفرداً یا مجتمعاً در مرجع قضایی اقامه دعوی کرده و تقاضای جبران خسارت شرکت را از آنان بنمایند. لازم به تذکر است که در ماده ۹۵ (ل.ا.ق.ت) نیز صاحبان حداقل یک پنجم کل سهام شرکت در موارد مقرر در قانون مجمع عمومی صاحبان سهام را برای تصویب تقاضای خود دعوت نمایند.

ماده ۲۷۷ سلب حق از سهامداران اقلیت را در اجرای ماده ۲۷۶ در اساسنامه منع نموده است.

ماده ۲۷۸ـ شرکت سهامی خاص در صورتی می‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود که اولاً موضوع به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد ثانیاً سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکت‌های سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش دهد. ثالثاً دو سال تمام از تاریخ تأسیس و ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعاً اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکت‌های سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.

توضیح:

این ماده تبدیل شرکت سهامی عام را به خاص به وسیله مجمع عمومی

فوق‌العاده با شرایط مندرج در آن پیش‌بینی نموده است تا شرکت بتواند با سرمایه و امکانات واقعی خود به امر بازرگانی بپردازد و در بعضی موارد نیز مانند ماده ۵ تبصره ماده ۱۴۱ (ل.ا.ق.ت) تبدیل نوع شرکت الزامی می‌باشد.

ماده ۲۷۹ـ شرکت سهامی خاص باید ظرف یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام تبدیل شرکت را تصویب کرده است، صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم کند:

۱. اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده است.

۲. دو ترازنامه حساب سود و زیان مذکور در ماده ۲۷۸ که به تأئید حسابدار رسمی رسیده باشد.

۳. صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها که متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول شرکت بوده و به تأئید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.

۴. اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضاء دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

الف) نام و شماره ثبت شرکت.

ب) موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن.

ج) مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن.

د) در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن.

ه) سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن.

و) اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.

ز) هویت کامل رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت.

ح) شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی.

ط) مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته.
ی) مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.
ک) ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن درج می‌گردد.

ماده ۲۸۰ـ مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده ۲۷۹ و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود.

ماده ۲۸۱ـ در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و دو ترازنامه و حساب سود و زیان آن مربوط به دو سال قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به تبدیل شرکت و همچنین صورت دارایی شرکت و اموال منقول و غیرمنقول آن در مرجع ثبت شرکت‌ها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می‌باشد آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های شرکت در آن درج می‌گردد اقلاً در یک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود.

توضیح:

در ماده ۲۷۹ ارسال صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده دایر بر تبدیل شرکت سهامی خاص به انواع شرکت‌های دیگر مانند شرکت با مسئولیت محدود به اداره ثبت شرکت‌ها به ضمیمه مدارک مندرج در ماده مذکور الزامی می‌باشد و به موجب ماده ۲۸۰ و ۲۸۱ مرجع ثبت شرکت‌ها مراتب را به هزینه شرکت در روزنامه کثیرالانتشار شرکت و یک روزنامه دیگر آگهی می‌نماید با قید اینکه علاقمندان جهت ملاحظه مدارک راجع به تبدیل شرکت به اداره ثبت شرکت‌ها مراجعه بنمایند.

ماده ۲۸۲ـ شرکت سهامی خاص که بخواهد با افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شود باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه به وجود می‌آید با رعایت مواد ۱۷۳ لغایت ۱۸۲ و ماده ۱۸۴ این قانون برای پذیره‌نویسی عمومی عرضه نماید. مرجع ثبت شرکت‌ها در این مورد پس از وصول تقاضا و مدارک مربوط به تبدیل شرکت سهامی خاص به شرکت سهامی عام و تطبیق آنها با مقررات قانون در صورتی که شرکت بتواند با افزایش سرمایه از طریق پذیره‌نویسی عمومی به شرکت سهامی عام تبدیل شود اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی سهام را صادر خواهد نمود. در اعلامیه پذیره‌نویسی باید شماره و تاریخ اجازه‌نامه مزبور قید گردد.

ماده ۲۸۳ـ در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب مذکور در ماده قبل عرضه شده است تماماً تأدیه نشود شرکت نمی‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.

توضیح:

ماده ۲۸۲ تبدیل شرکت سهامی خاص را هنگامی که بخواهد با افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شود ملزم به پذیره‌نویسی عمومی طبق مواد مندرج در فوق است تا مرجع ثبت شرکت‌ها پس از بررسی و تطبیق با مقررات قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی را صادر نماید. ضمناً کلیه سهام عرضه شده بر مردم باید تماماً تأدیه بشود تا تبدیل شرکت سهامی خاص به عام صورت بگیرد.

ماده ۲۸۴ـ شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید ظرف چهار[1] سال از تاریخ اجرای این قانون به صورت شرکت سهامی

---

۱. مهلت مذکور، به موجب قانون تمدید مهلت شرکت‌های سهامی مصوب ۱۳۵۰/۱۲/۲۵، از سه سال به چهار سال تغییر یافته است.

خاص یا شرکت سهامی عام درآیند و وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند یا به نوع دیگری از انواع شرکت‌های تجارتی مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ تبدیل شوند والا منحل محسوب خواهند شد و از لحاظ مقررات انحلال مشمول قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ خواهند بود.

تا هنگامی که شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ظرف چهار سال وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق نداده‌اند تابع مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ و مقررات اساسنامه خود خواهند بود.

تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون وقتی محقق می‌شود که مرجع ثبت شرکت‌ها پس از احراز صحت تطبیق مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی کرده باشد. به استثنای هزینه آگهی اجرای این ماده در صورت عدم افزایش سرمایه شرکت مستلزم پرداخت هیچ‌گونه هزینه دیگری نیست و در صورت افزایش سرمایه هزینه‌های مربوط فقط شامل میزان افزایش سرمایه می‌شود.

ماده ۲۸۵ـ تغییر اساسنامه هریک از شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون به منظور تطبیق وضع آنها با مقررات این قانون استثنائاً ممکن است به موجب تصمیم مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت صورت گیرد مگر در مورد افزایش سرمایه که باید به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده برسد.

ترتیب دعوت تشکیل و حدنصاب و اکثریت لازم برای مجامع عادی و فوق‌العاده به منظور تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون تابع مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ در مورد شرکت‌های سهامی و همچنین اساسنامه معتبر شرکت‌های موجود در تاریخ تصویب این قانون می‌باشد.

ماده ۲۸۶ـ برای آنکه شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند به صورت شرکت سهامی خاص درآیند باید اولاً سرمایه آنها حداقل به میزانی باشد که برای شرکت‌های سهامی خاص مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی خاص به آن میزان افزایش دهند ثانیاً اساسنامه خود را به منظور تطبیق با مقررات این قانون اصلاح کرده مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نمایند.

مرجع ثبت شرکت‌ها پس از احراز صحت تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود.

ماده ۲۸۷ـ برای آنکه شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند به صورت شرکت سهامی عام درآیند باید اولاً سرمایه آنها به میزانی باشد که برای شرکت‌های سهامی عام مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی عام به آن میزان افزایش دهند. ثانیاً در تاریخ تبدیل شرکت به شرکت سهامی عام یک سال از ثبت شرکت گذشته و یک ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد. ثالثاً اساسنامه خود را با مقررات این قانون وفق دهند.

ماده ۲۸۸ـ در صورتی که شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بخواهند برای تطبیق وضع خود با مقررات این قانون به افزایش سرمایه مبادرت کنند در صورتی که تمام مبلغ اسمی سهام قبلی آنها تأدیه نشده باشد نسبت مبلغ پرداخت شده قبلی نسبت به هر سهم در مورد سهام جدید نیز لازم‌الرعایه است و در هر حال این نسبت نمی‌تواند از سی و پنج درصد مبلغ اسمی سهام کمتر باشد. در موارد مذکور در این ماده رعایت ماده ۱۶۵ این قانون در مورد تأدیه

تمامی سرمایه قبلی شرکت الزامی نیست.

ماده ۲۸۹ـ شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند از طریق افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه بوجود می‌آید با رعایت مقررات این قانون برای پذیره‌نویسی عمومی عرضه نمایند.

در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب فوق عرضه شده است تماماً تعهد نشود و مبلغی که باید برطبق مقررات این قانون تأدیه گردد تأدیه نشود شرکت نمی‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.

ماده ۲۹۰ـ شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند و به این منظور به افزایش سرمایه مبادرت کنند باید مدارک زیر را به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نمایند.

۱. اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام و به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده رسیده است.
۲. صورت جلسهٔ مجمع عمومی فوق‌العاده که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است.
۳. صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها. صورت مزبور باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.
۴. طرح اعلامیهٔ پذیره‌نویسی سهام جدید که باید به ترتیب مقرر در ماده ۱۷۴ این قانون تنظیم شده باشد.
۵. آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.

ماده ۲۹۱ـ مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.

ماده ۲۹۲ـ کلیه مقررات مذکور در مواد ۱۷۷ لغایت ۱۸۱ این قانون برای تحقق افزایش سرمایه و تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی عام لازم‌الرعایه است. در آگهی مربوط ضمن ذکر افزایش سرمایه موضوع تبدیل نیز قید خواهد شد.

ماده ۲۹۳ـ در صورت عدم تحقق افزایش سرمایه برطبق ماده ۱۸۲ این قانون عمل خواهد شد. در هر صورت شرکت باید در مهلت مذکور در ماده ۲۸۴ وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهد.

ماده ۲۹۴ـ شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که سرمایه آنها حداقل به میزان سرمایه شرکت‌های سهامی عام مذکور در این قانون باشد و بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید مدارک زیر را به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم کنند:

۱. اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده رسیده است.
۲. صورت دارایی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها که باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.
۳. آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.
۴. اعلامیه تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی عام که باید به امضای دارندگان امضاء مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات

زیر باشد:

الف) نام و شماره ثبت شرکت.

ب) موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن.

ج) مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن.

د) در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن.

هـ) سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن.

و) اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.

ز) هویت کامل رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت.

ح) شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی.

ط) مقررات اساسنامه جدید راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته.

ی) مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.

ک) ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن منتشر می‌شود.

ماده ۲۹۵ـ مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با مقررات این قانون تبدیل شرکت سهامی را به شرکت سهامی عام ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود.

ماده ۲۹۶ـ در آگهی تبدیل شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون به شرکت سهامی عام باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و صورت دارایی شرکت و اموال منقول و غیرمنقول و آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان آن در مرجع ثبت شرکت‌ها و در مرکز شرکت برای مراجعه

علاقمندان آماده می‌باشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های شرکت در آن درج می‌گردد اقلاً در یک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود.

ماده ۲۹۷ـ در مواردی که برای تطبیق وضع یک شرکت سهامی با مقررات این قانون یا تبدیل آن به نوع دیگری از انواع شرکت‌های تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت یا تسلیم اسناد و مدارک خاصی به مرجع ثبت شرکت‌ها لازم باشد و رئیس و اعضاء هیأت مدیره آن شرکت به دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده یا تسلیم آن اسناد و مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها اقدام ننمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد و علاوه بر این متضامناً مسئول جبران خساراتی می‌باشند که بر اثر انحلال شرکت به صاحبان سهام و اشخاص ثالث وارد می‌شود.

ماده ۲۹۸ـ در مورد ماده ۲۹۷ در صورتی که هریک از اعضاء هیأت مدیره قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه هیأت مزبور صریحاً اعلام کند که باید به تکلیف قانونی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیأت مدیره توجه نشود عضو هیأت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مسئولیت جزایی و مدنی نخواهد داشت. سلب مسئولیت جزایی و مدنی از عضو هیأت مدیره منوط به این است که عضو هیأت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیأت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هریک از اعضاء هیأت مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیأت مدیره به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزایی و مدنی از عضو هیأت مدیره کافی است.

توضیح:

مواد مذکور به منظور تبدیل یا تطبیق شرکت‌های سهامی ۱۳۱۱/۲/۱۳ با قانون شرکت‌های سهامی عام و خاص ۲۴ اسفند ۱۳۴۷ بوده است و قانون اخیرالذکر از ماده ۲۱ الی ۹۴ نسخ گردید.

ماده ۲۹۹ـ آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط به شرکت‌های سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکت‌های تجاری می‌باشد نسبت به آن شرکت‌ها به قوت خود باقی است.

توضیح:

این ماده قانون شرکت‌های سهامی منسوخه را از ماده ۲۱ الی ۹۴ ناظر بر سایر انواع شرکت‌های تجارتی (با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط سهامی، غیر سهامی و تعاونی‌ها) می‌باشد و در حدودی که مواد شرکت‌های اخیرالذکر به مواد شرکت سهامی منسوخه اشاره کرده است به قوت خود باقی است و به آنها استناد می‌شود، در ذیل آورده شده است.

ماده ۳۰۰ـ شرکت‌های دولتی تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می‌شوند.

توضیح:

این ماده وضعیت حقوقی شرکت‌های دولتی را مشخص نموده است به این معنا که این شرکت‌ها تابع قوانین تأسیس و اساسنامه خود می‌باشند و در سایر موارد از لایحه اصلاح شرکت سهامی عام و خاص تبعیت می‌نمایند. شرکت‌های دولتی طبق ماده ۴ قانون محاسبات عمومی ۱۳۶۶ واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد می‌شوند و می‌توان آنها را به سه طبقه تقسیم نمود.

ـ شرکت‌هایی که به حکم قانون تأسیس شده و ۱۰۰٪ سهام آنها به دولت تعلق دارد.

ـ شرکت‌هایی که ملی یا مصادره شده و بیش از ۵۰٪ سهام آنها به دولت تعلق داشته باشد.

ـ شرکت‌هایی که با بیش از ۵۰٪ سهام متعلق به دولت تأسیس می‌شوند.[۱]

در حقوق فرانسه، شرکت‌های دولتی از بین رفته (به جز استان‌های ماوراء بحار) و فقط شرکت‌های مختلط اقتصادی (Société d' économie mixte) که با مشارکت دولت و بخش خصوصی در جهت منافع عمومی و پیشرفت اقتصادی کشور وجود دارند و بقیه شرکت‌ها در اختیار بخش خصوصی است.

---

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۲۴۰۰ – ۱۳۶۶/۶/۳۱

آیین‌نامه اجرای تبصره ماده ۱۴۴ـ درباره نحوه انتخاب بازرس شرکت‌های سهامی عام

لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

مصوب ۲۴ اسفندماه ۱۳۴۷[1]

مصوب بهمن ماه ۱۳۴۹ کمیسیون خاص دو مجلس

ماده ۱ـ شرایط لازم برای بازرسان شرکت‌های سهامی عام به شرح زیر است:

۱. داشتن حسن شهرت و نداشتن پیشینه کیفری مؤثر.
۲. داشتن درجه لیسانس یا بالاتر در یکی از رشته‌های متناسب با وظایف و مسئولیت‌های بازرسی به تشخیص کمیسیون مذکور در ماده ۲.
۳. داشتن حداقل ۵ سال تجربه متناسب با وظایف و مسئولیت‌های بازرسی به تشخیص کمیسیون در ماده ۲.
۴. عدم اشتغال به نمایندگی در مجلس شورا و سنا.
۵. عدم اشتغال بطور تمام وقت در مؤسسات دولتی وابسته به دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها.

ماده ۲ـ انتخاب اشخاصی که می‌توانند وظایف بازرسی شرکت‌ها را در شرکت‌های سهامی عام ایفا کنند در تهران و شهرستانها به عهده کمیسیونی از اشخاص زیر است:

۱. نماینده وزیر اقتصاد که ریاست کمیسیون را عهده‌دار خواهد بود.
۲. نماینده وزیر دادگستری
۳. نماینده وزیر دارایی

---

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۳۵۰/۱/۳۱/۷۶۳۳

۴. دو نفر نماینده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

کمیسیون از بین داوطلبان کسانی را که واجد شرایط بوده و از هر جهت برای احراز سمت بازرسی صلاحیت داشته باشند تعیین می‌نماید. فهرست منتخبین از طرف رئیس کمیسیون منتشر و نسخه‌ای از آن به مرجع ثبت شرکت‌های محل فرستاده می‌شود و نتیجه به درخواست کنندگان نیز ابلاغ خواهد شد.

تبصره ـ کمیسیون نام بازرسانی را که فاقد هر یک از شرایط مندرج در ماده یک این آیین‌نامه شوند پس از اطلاع و رسیدگی از فهرست بازرسان حذف کرده و مراتب را به ثبت شرکت‌های محل اعلام می‌نماید.

ماده ۳ـ کمیسیون به دعوت رئیس با حضور حداقل چهار نفر از اعضاء تشکیل می‌شود. تصمیمات کمیسیون به اکثریت سه رأی معتبر است.

ماده ۴ـ مراجع رسمی مکلفند اطلاعاتی را که از طرف کمیسیون درباره داوطلبان بازرسی شرکت‌های سهامی عام خواسته می‌شود در اسرع وقت در اختیار آن بگذارند کلیه اطلاعات رسیده به کمیسیون محرمانه خواهد بود و منحصراً به منظور تشخیص صلاحیت بازرسان مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

ماده۵ـ هر موقع که عده بازرسان مذکور در این آیین‌نامه به ۳۰ نفر برسد کانون بازرسان شرکت‌های سهامی عام تشکیل خواهد شد کانون مزبور دارای شخصیت حقوقی خواهد بود.

سازمان و وظایف و اختیارات این کانون طبق اساسنامه‌ای خواهد بود که از طرف وزارت اقتصاد تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

تبصره ـ پس از تأسیس کانون بازرسان یک نفر نماینده از طرف کانون مزبور به وزارت اقتصاد معرفی می‌شود که به جای یکی از دو نفر

نماینده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در کمیسیون مذکور در ماده ۲ این آیین‌نامه شرکت کند.

ماده ۶ـ پس از تشکیل کانون بازرسان انتخاب و تنظیم فهرست داوطلبان بازرسی شرکت‌های سهامی عام و رسیدگی به سلب صلاحیت بازرسان و اعلام آن به عهده کانون مزبور خواهد بود.

فهرست مذکور در صورت تأیید کمیسیون مندرج در ماده ۲ این آیین‌نامه از طرف کانون منتشر خواهد شد.

تبصره ـ رسیدگی به شکایت نسبت به تصمیمات کانون در مورد سلب صلاحیت بازرسان به عهده کمیسیون مندرج در ماده ۲ این آیین‌نامه خواهد بود. نظر کمیسیون در این مورد قطعی است.

توضیح:

متأسفانه آیین‌نامه مذکور تا کنون به مورد اجرا درنیامده است و در حال حاضر بازرس شرکت سهامی عام در بخش خصوصی بدون صلاحیت علمی و تخصصی و تجربی انتخاب می‌شود.

قانون شرکت سهامی ۱۳۱۱
(منسوخه)

قانون شرکت سهامی مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ از ماده ۲۱ تا ۹۴ که برابر ماده ۲۹۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفند ماه ۱۳۴۷ که برخی از مواد آن ناظر بر سایر انواع شرکت‌های تجارتی می‌باشد و نسبت بدان شرکت‌ها به قوت خود باقی است، به شرح زیر می‌باشد:

۱ــ کلیات

ماده ۲۱ــ شرکت سهامی شرکتی است که برای امور تجارتی تشکیل و سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به سهام آنها است.

ماده ۲۲ــ در اسم شرکت سهامی نام هیچ یک از شرکاء قید نخواهد شد در اسم شرکت باید کلمه (سهامی) قید شود.

ماده ۲۳ــ سهام ممکن است با اسم یا بی اسم باشد.

ماده ۲۴ــ سهام بی اسم به صورت سند در وجه حامل مرتب و دارنده آن مالک شناخته می‌شود مگر آنکه خلاف آن قانوناً ثابت گردد. نقل و انتقال این نوع سهام به قبض و اقباض به عمل می‌آید.

ماده ۲۵ــ انتقال سهام با اسم باید در دفتر شرکت به ثبت برسد.
صاحب سهم باید شخصاً یا به توسط وکیل انتقال را در دفتر شرکت تصدیق و امضاء نماید.

ماده ۲۶ـ سهام ممکن است نقدی باشد یا غیرنقدی ــ سهام غیرنقدی سهامی است که در ازاء آن به جای وجه نقد چیز دیگری از قبیل کارخانه و امتیازنامه و غیره داده شود.

ماده ۲۷ـ قیمت سهام و همچنین قطعات سهام (در صورت تجزیه) متساوی خواهد بود.

ماده ۲۸ـ در صورتی که سرمایه شرکت سهامی از دویست هزار ریال تجاوز نکند سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و هرگاه سرمایه زائد بر دویست هزار ریال باشد سهام و قطعات سهام کمتر از یکصدهزار ریال نخواهد بود.

ماده ۲۹ـ مادام که شرکت سهامی تشکیل نشده سهام یا تصدیق موقتی (اعم از با اسم و یا بی‌اسم) نمی‌توان صادر کرد هر سهم یا تصدیق موقتی که قبل از تشکیل شرکت به کسی داده شده باشد باطل و صادرکنندگان متضامناً مسئول خساراتی هستند که به دارندگان این قبیل اوراق وارد شده است.

تا زمانی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام تأدیه نشده نمی‌توان سهام بی‌اسم یا تصدیق موقتی بی‌اسم انتشار داد.

ماده ۳۰ـ کسانی که تعهد ابتیاع سهام نموده‌اند تا موقعی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام خود را نپرداخته‌اند مسئول تأدیه بقیه قیمت آن خواهند بود اگرچه سهام خود را به دیگری منتقل کرده و منتقل‌الیه نیز پرداخت بقیه را تعهد کرده باشد.

ماده ۳۱ـ بعد از تأدیه پنجاه درصد نیز کسی که تعهد ابتیاع سهمی را کرده است از تأدیه بقیه قیمت آن بری نخواهد بود مگر این‌که اساسنامه

شرکت آن را تجویز کرده باشد که در این صورت منتقل‌الیه مسئول تأدیه آن بقیه است.

ماده ۳۲ـ هرکس تعهد ابتیاع سهامی را کرده و در موعد مقرر وجه تعهد شده را نپردازد علاوه بر آن وجه به خسارات تأخیر تأدیه (از قرار صدی دوازده در سال و به نسبت مدت تأخیر) محکوم خواهد شد.

ماده ۳۳ـ اساسنامه شرکت می‌تواند نسبت به اشخاص مذکور در ماده فوق ترتیب دیگری اتخاذ نموده حتی مقرر دارد که در صورت عدم تأدیه بقیه قیمت سهام مقدار تأدیه شده از آن بابت بلاعوض تعلق به شرکت یافته و تعهد کننده نسبت به سهام تعهدی هیچ حقی نداشته باشد لکن در این صورت پرداخت وجه تعهد شده باید لااقل سه مرتبه به وسیله مکتوب با قبض رسید مطالبه و از تاریخ آخرین مکتوب یک ماه منقضی شده باشد در مورد سهام بی‌اسم به جای مکتوب، اعلان در جراید به عمل خواهد آمد مفاد این ماده باید در موقع تعهد صریحاً در دفتر شرکت قید شده و متعهد ذیل آن را امضاء نماید.

ماده ۳۴ـ خواه در سهام با اسم و خواه در سهام بی‌اسم مادام که قیمت آنها کاملاً تأدیه نشده است باید آن مقدار از قیمت که پرداخته شده صریحاً روی سهم قید شود به علاوه شرکت مکلف است در هرگونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که به طور خطی یا چاپی صادر یا منتشر می‌نماید میزان سرمایه خود و آن قسمتی را که تأدیه شده است صریحاً قید کند.

ماده ۳۵ـ هر شرکت سهامی می‌تواند به موجب رأی مجمع عمومی که مطابق ماده ۷۴ این قانون تشکیل شده باشد سهام ممتاز ترتیب داده که نسبت به سایر سهام رجحان و مزایایی داشته باشد ولی ایجاد این نوع

سهام مشروط است به این‌که اساسنامه شرکت چنین اقدامی را تجویز کرده باشد.

۲ـ تشکیل شرکت

ماده ۳۶ـ شرکت سهامی به موجب شرکت‌نامه که در دو نسخه نوشته شده تشکیل می‌شود. یکی از نسختین به طوری که در ماده ۵۰ مقرر است ضمیمه اظهارنامه مدیر شرکت و دیگری در مرکز اصلی شرکت ضبط خواهد شد.

ماده ۳۷ـ شرکت باید دارای اساسنامه باشد که نکات ذیل مخصوصاً در آن تصریح بشود:

۱. اسم و مرکز اصلی شرکت.
۲. موضوع شرکت.
۳. مدت شرکت در صورتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل شود.
۴. مقدار سرمایه شرکت و مقدار قیمت سهام.
۵. نوع سهام (که سهام با اسم است یا بی‌اسم)، عده هر نوع از سهام و تعیین این‌که با اسم و بی‌اسم به چه شکل ممکن است به هم تبدیل شود در صورتی که این تبدیل را اساساً پذیرفته باشد.
۶. هیأت‌های اداره و تفتیش.
۷. عده سهامی که مدیران شرکت باید به صندوق شرکت بسپارند.
۸. مقررات راجع به دعوت مجمع عمومی و حق رأی صاحبان سهام و طریقه شور و اخذ رأی.
۹. مطالبی که برای قطع آن در مجمع عمومی اکثریت مخصوصی لازم است.
۱۰. طرز ترتیب صورت حساب سالیانه و رسیدگی به آن و همچنین اصولی که برای حساب منافع و تقسیم آن باید رعایت شود.
۱۱. طریق تغییر اساسنامه.

ماده ۳۸ـ تشکیل شرکت‌های سهامی محقق نمی‌شود مگر بعد از این که تأدیه تمام سرمایه شرکت تعهد شده باشد به علاوه هرگاه سهام یا قطعات آن زائد بر پنجاه ریال نباشد تعهدکنندگان باید تمام وجه را تأدیه نمایند والا باید لااقل ثلث قیمت سهام را نقداً بپردازند و در هر حال وجهی که پرداخته می‌شود نباید کمتر از پنجاه ریال باشد.

ماده ۳۹ـ چیزی که در ازاء سهام غیرنقدی تعهد شده تماماً باید تحویل شود.

ماده ۴۰ـ مؤسسین باید پس از تنظیم نوشته که حاکی از تعهد پرداخت سرمایه شرکت و تأدیه واقعی ثلث سرمایه نقدی است مجمع عمومی شرکت را دعوت نمایند. این مجمع اولین مدیرهای شرکت و همچنین مفتش (کمیسر)هایی را که به موجب ماده ۶۲ مقرر است معین می‌کند.

ماده ۴۱ـ هرگاه یکی از تعهدکنندگان سهم غیرنقدی اختیار کند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه نماید مجمع عمومی در جلسه اول که منعقد می‌شود امر به تقویم سهم غیرنقدی نموده یا موجبات مزایای مطالبه شده را تحت نظر می‌گیرد.

تصویب قطعی تقویم یا موجبات مزایا به عمل نمی‌آید و تشکیل شرکت واقع نمی‌شود مگر در جلسه دیگر مجمع عمومی که برحسب دعوت جدید منعقد خواهد شد و برای اینکه در جلسه دوم تقویم یا موجبات مزایا تصویب شود باید لااقل ۵ روز قبل از انعقاد جلسه راپرتی در این خصوص طبع (چاپ) و بین تمام تعهدکنندگان توزیع شده باشد. تصویب امور مذکور باید به اکثریت دو ثلث تعهدکنندگان حاضر باشد و جلسه مجمع عمومی قانونی نخواهد بود مگر اینکه عدداً نصف کل شرکایی که خرید سهام نقدی را تعهد کرده‌اند حاضر بوده و نصف کل سرمایه نقدی را دارا باشند. کسانی که دارای سهم

غیرنقدی هستند یا مزایایی خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعی که سهم غیرنقدی یا مزایای آنها موضوع رأی است حق رأی ندارند آن قسمت از سرمایه غیرنقدی که موضوع مذاکره و رأی است در جزء سرمایه شرکت محسوب نخواهد شد.

اگر در جلسه دوم مجمع عمومی نصف تعهدکنندگان سهام نقدی و نصف سرمایه نقدی حاضر نشده مجمع به طور موقت تصمیم خواهد گرفت و مطابق قسمت اخیر ماده ۴۵ رفتار می‌شود.

هرگاه سهام غیرنقدی یا موجبات مزایایی که مطالبه شده تصویب نشود هر یک از تعهدکنندگان می‌تواند از شرکت خارج شود.

ماده ۴۲ـ تصویب مراتب مذکور در ماده فوق مانع نیست از این که بعداً نسبت به آنها دعوی تزویر و تقلب اقامه شود.

ماده ۴۳ـ هرگاه شرکت بین اشخاصی منعقد شود که سرمایه‌های غیرنقدی مشاعاً و منحصراً متعلق به خودشان باشد رعایت ترتیبات مذکوره در ماده ۴۱ راجع به تقویم سهام غیرنقدی لازم نخواهد بود.

ماده۴۴ـ اظهارنامه که به موجب ماده ۵۰ به دایره ثبت اسناد باید تسلیم شود مؤسسین شرکت تهیه نموده با اسناد مربوطه به اولین مجمع عمومی تقدیم می‌نماید تا مجمع صحت یا سقم آن را معین کند.

ماده ۴۵ـ مجمع عمومی که در باب صحت اظهارات مؤسسین اظهار رأی و اولین مدیرها و مفتشین را انتخاب می‌نماید باید از یک عده صاحبان سهامی مرکب شود که لااقل نصف سرمایه شرکت را دارا باشند، اگر در مجمع عمومی عده‌ای که نصف سرمایه را دارا باشند حاضر نشدند تصمیمات مجمع موقتی خواهد بود در این صورت مجمع عمومی جدیدی دعوت می‌شود و اگر پس از آن که لااقل یک ماه قبل از

انعقاد مجمع دو دفعه متوالی به فاصله هشت روز به وسیله یکی از جراید محلی تصمیمات موقتی مجمع سابق اعلان و منتشر شد و مجمع جدید آن را تصویب نمود تصمیمات مزبوره قطعی می‌شود مشروط بر اینکه در مجمع جدید عده‌ای حاضر شوند که لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند.

تبصره - جرایدی که اعلانات فوق را باید منتشر نمایند همه ساله توسط وزارت عدلیه معین و اعلان خواهد شد.

ماده ۴۶ـ مجمع عمومی فوق اولین مدیرها و مفتشین شرکت را انتخاب می‌کند مفتشین برای سال اول و مدیران منتهی برای مدت چهار سال معین می‌شوند. مدیران را می‌توان پس از انقضاء مدت چهار سال مجدداً انتخاب نمود مگر آن که اساسنامه شرکت غیر از این مقرر داشته باشد ولی در صورتی که برحسب مقررات اساسنامه تعیین آنها موکول به تصویب مجمع عمومی نباشد مدت مدیریت آنها بیش از دو سال نخواهد بود.

ماده ۴۷ـ در صورتی که مدیرها و مفتشینی که از طرف مجمع عمومی انتخاب شده‌اند قبول انجام وظیفه نمایند قبولی آنها در صورت مجلس قید و شرکت از همان تاریخ تشکیل می‌گردد.

۳ـ مدیرهای شرکت و وظایف آنها

ماده ۴۸ـ شرکت سهامی به واسطه یک یا چند نفر نماینده موظف یا غیرموظف که از میان شرکاء به سمت مدیریت و برای مدت محدودی معین شده و قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد.

ماده ۴۹ـ در صورتی که چند نفر به سمت مدیریت معین شده باشند باید یک نفر از میان خود به سمت ریاست انتخاب کنند رئیس مزبور و هریک از

مدیران می‌توانند در صورتی که اساسنامه شرکت اجازه داده باشد با تصویب یکدیگر یک نفر شخص خارج را به جای خود معین کنند ولی مسئولیت اعمال شخص خارج به عهده خود آنها خواهد بود.

ماده ۵۰ـ برای اینکه تعهد و تأدیه وجه سرمایه از طرف شرکاء ثابت بشود باید مدیر شرکت وقوع آن را به موجب نوشته که به دایره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت می‌سپارد و به ثبت می‌رسد اعلام نماید و باید اسامی شرکاء را با مقداری از سرمایه که پرداخته شده با یک نسخه از اساسنامه و یکی از نسختین شرکت نامه به نوشته مزبور منضم نماید.

ماده ۵۱ـ مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد.

ماده ۵۲ـ مدیرها باید یک عده سهامی را که به موجب اساسنامه مقرر است دارا باشند. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از اعمال اداری مدیرها مشترکاً یا منفرداً بر شرکت وارد شود، سهام مذکوره با اسم بوده و قابل انتقال نیست و به وسیله مهری که به روی آنها زده می‌شود غیرقابل انتقال بودن آنها معلوم و در صندوق شرکت به ودیعه خواهد ماند.

ماده ۵۳ـ مدیرهای شرکت نمی‌توانند بدون اجازه مجمع عمومی در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود بطور مستقیم یا غیرمستقیم سهیم شوند و در صورت اجازه باید صورت مخصوص آن را همه ساله به مجمع عمومی بدهند.

ماده ۵۴ـ مدیران هر شرکت سهامی باید شش ماه به‌شش ماه خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را مرتب کرده به مفتشین بدهند.

ماده ۵۵ـ مدیران هر شرکت سهامی باید مطابق ماده ۹ این قانون صورت حسابی را که متضمن دارایی منقول و غیرمنقول و همچنین صورت مطالبات و قروض شرکت باشد مرتب کنند، این صورت حساب و همچنین بیلان حساب نفع و ضرر شرکت باید لااقل چهل روز قبل از انعقاد مجمع عمومی به مفتشین داده شود که به مجمع مزبور بدهند.

ماده ۵۶ـ از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهم می‌تواند در مرکز شرکت بصورت حساب و صورت اسامی صاحبان سهام مراجعه کرده و از بیلان که متضمن خلاصه صورت حساب شرکت است و از راپرت مفتشین سواد بگیرد.

ماده ۵۷ـ همه ساله لااقل یک بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی موضوع خواهد شد، همین که سرمایه احتیاطی به عشر سرمایه شرکت رسید موضوع کردن این مقدار اختیاری است.

ماده ۵۸ـ اگر به واسطهٔ ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از میان برود مدیران شرکت مکلفند تمام صاحبان سهام را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود، تصمیم این مجمع در هر حال منتشر خواهد شد.

ماده ۵۹ـ هرگاه مدیران شرکت برخلاف ماده فوق مجمع عمومی را دعوت نکردند و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذی‌حقی می‌تواند انحلال شرکت را از محاکم صالحه بخواهد.

ماده ۶۰ـ هرگاه یک یا چند نفر از ارباب سهامی که مجموع سهام آنها لااقل معادل یک خمس سرمایه شرکت باشد کتباً تقاضای انعقاد مجمع

عمومی فوق‌العاده نمایند و منظور خود را در آن تقاضانامه تصریح نموده باشند باید مجمع عمومی بطور فوق‌العاده منعقد شود.

ماده ۶۱ـ مدیرهای شرکت در مقابل شرکت یا اشخاص ثالث برای تخلف از مقررات این قانون و تقصیراتی که در اعمال اداری شرکت مرتکب می‌شوند موافق قواعد عمومی مسئول می‌باشند مخصوصاً در موقعی که منافع موهومی را تقسیم نمایند یا از تقسیم منافع موهومی جلوگیری کنند.

۴ـ مفتشین شرکت و وظایف آنها

ماده ۶۲ـ مجمع عمومی سالیانه یک یا چند نفر مفتش (کمیسر) معین می‌کند، مفتشین مزبور که ممکن است از غیر شرکاء نیز انتخاب شوند مأموریت خواهند داشت که در موضوع اوضاع عمومی شرکت و همچنین در باب بیلان (خلاصه جمع و خرج) و صورت حساب‌هایی که مدیرها تقدیم می‌کنند راپرتی به مجمع عمومی سال آینده بدهند، تصمیماتی که بدون این راپرت راجع به تصدیق بیلان و صورت حساب‌های مدیران اخذ می‌شود معتبر نخواهند بود.

در صورتی که مجمع عمومی مفتشین مذکور را معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر مفتشین که معین شده‌اند نتوانند راپرت بدهند یا از دادن راپرت امتناع نمایند رئیس محکمه بدایت مرکز اصلی شرکت به تقاضای هر ذی‌حق و پس از احضار مدیران شرکت مفتشین را انتخاب و یا به جای آنها که نتوانسته‌اند یا امتناع کرده‌اند مفتشین جدیدی معین می‌کند.

ماده ۶۳ـ در ظرف سه ماه قبل از تاریخی که به موجب اساسنامه شرکت برای انعقاد مجمع عمومی معین است مفتشین می‌توانند به دفاتر شرکت مراجعه نموده و از عملیات آن تحقیقاتی بنمایند. مفتشین

می‌توانند در مواقعی که ضرورت فوری دارد مجمع عمومی را دعوت نمایند.

ماده ۶۴ـ حدود مسئولیت مفتشین و اثرات آن همان است که راجع به حدود مسئولیت وکلا و اثرات آن در مقابل موکلین قانوناً معین است.

۵ـ مجمع عمومی شرکت

ماده ۶۵ـ مجمع عمومی شرکت باید لااقل سالی یک دفعه در موقعی که به موجب اساسنامه معین است منعقد شود.

ماده ۶۶ـ اساسنامه معین می‌کند برای حق ورود در مجمع چند سهم (به عنوان وکالت یا مالکیت) باید داشت.

ماده ۶۷ـ عده آرایی که هر یک از شرکاء به نسبت عده سهام خود دارند به موجب اساسنامه معین می‌گردد.

ماده ۶۸ـ در جلسات مجمع عمومی هیچکدام از صاحبان سهام معمولی و صاحبان سهام ممتازه از حیث رأی تفاوتی ندارند مگر این که اساسنامه شرکت طور دیگر مقرر کرده باشد.

ماده ۶۹ـ دارندگان سهامی که عده سهام هر یک از آنها برای حضور یا رأی در مجمع عمومی کافی نیست می توانند به اندازه‌ای که مجموع عده سهام آنها برای داشتن حق حضور و رأی کافی باشد با یکدیگر متفق شده یک نفر را از میان خود برای حضور و رأی در مجمع مذکور معین نمایند.

ماده ۷۰ـ در مجامع عمومی که برای رسیدگی به سهم الشرکه و مزایا

مطابق ماده ۴۱ و در مجامعی که برای تعیین اولین مدیرها و مفتشین و تصدیق اظهارات موسسین مطابق ماده ۴۵ منعقد می‌شود کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهامی که دارند می‌توانند حضور بهم رسانند.

ماده ۷۱ـ مجمع عمومی شرکت جز در موارد مذکور در موارد ۴۱ و ۴۵ و ۷۴ باید مرکب از یک عده صاحبان سهامی باشد که لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند و اگر در دفعه اول این حد نصاب حاصل نشد مجمع عمومی جدیدی مطابق شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تشکیل و تصمیمات این مجمع قطعی خواهد بود ولو این که حد نصاب فوق حاصل نشود.

ماده ۷۲ـ تصمیمات مجمع عمومی به اکثریت آراء خواهد بود.

ماده ۷۳ـ در مواردی که مجمع عمومی شرکاء نسبت به حقوق نوع مخصوصی از سهام تصمیمی اتخاذ نماید که تغییری در حقوق آنها بدهد آن تصمیم قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه صاحبان سهام مزبوره در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب نمایند و برای این که آراء جلسه خاص مذکوره معتبر باشد باید حاضرین جلسه لااقل صاحب بیش از نصف سرمایه مجموع سهامی باشد که موضوع مذاکره است.

ماده ۷۴ـ در مجامع عمومی که برای امتداد مدت شرکت یا برای انحلال شرکت قبل از موعد مقرر یا هر نوع تغییر دیگری در اساسنامه تشکیل می‌شود باید عده‌ای از صاحبان سهام که بیش از سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند حاضر گردند.

اگر در مجمع عمومی عده‌ای که سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند حاضر نشدند ممکن است مجمع عمومی جدیدی دعوت گردد

مشروط بر این که لااقل یک ماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی به فاصله هشت روز به وسیله یکی از جرائد محل (که سالیانه از طرف وزارت عدلیه معین می‌شود) دستور جلسه قبل و نتیجه آن اعلان گردد.

مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل نصف سرمایه شرکت حاضر باشند اگر این حدنصاب حاصل نشد ممکن است با رعایت تشریفات فوق مجمع عمومی دیگری دعوت نمود این مجمع با حضور صاحبان لااقل ثلث سرمایه شرکت حق تصمیم خواهد داشت در هر یک از سه مجمع فوق تصمیمات به اکثریت دو ثلث آراء حاضر گرفته می شود در این مجامع کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهام خود حق حضور و به نسبت هر یک سهم یک رأی دارند ولو اینکه اساسنامه برخلاف این مقرر داشته باشد هیچ مجمع عمومی تابعیت شرکت را نمی‌تواند تغییر بدهد و برتعهدات صاحبان سهام با هیچ اکثریتی نمی‌توان افزود.

ماده ۷۵ـ در مجمع عمومی ورقه حاضر و غایبی خواهد بود حاوی اسم و محل اقامت و عده سهام هریک از شرکاء، ورقه مزبور پس از تصدیق هیأت رئیسه مجمع در مرکز شرکت حفظ و به هر کسی که تقاضا نماید ارائه می‌شود.

۶ـ در تبدیل سهام

ماده ۷۶ـ هرگاه شرکت بخواهد به موجب مقررات اساسنامه سهام بی اسم خود را به سهام با اسم تبدیل نماید باید اعلانی در این موضوع منتشر کرده و مهلتی که کمتر از شش ماه نباشد به صاحبان سهام بدهد تا در ظرف مهلت مزبور سهام خود را به سهام جدید تبدیل نماید.

ماده ۷۷ـ اعلان مذکور در فوق باید در مجله رسمی عدلیه و در یکی از جراید کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت دو دفعه و به فاصله ده روز

منتشر شود در صورتی که مرکز اصلی شرکت در خارج از تهران باشد باید در یکی از روزنامه‌های یومیه تهران که همه ساله از طرف وزارت عدلیه برای انتشار این قبیل اعلانات معین می شود نیز منتشر گردد.

ابتدا مهلت از تاریخ اولین انتشار اعلان در مجله رسمی خواهد بود.

ماده۷۸ـ هر صاحب سهمی که سهام خود را تا انقضاء مهلت مذکور در ماده(۷۶) به سهام جدیدی تبدیل نکند دیگر نمی تواند تقاضای تبدیل نماید و شرکت حق خواهد داشت سهام جدیدی را که در ازاء سهام تبدیل نشده موجود می‌باشد به اشخاص دیگر به طریق مزایده بفروشد.

ماده ۷۹ـ قیمت سهامی که به‌طریق مذکور در فوق فروخته می‌شود در مرکز اصلی شرکت یا در بانک ملی ایران به ودیعه گذاشته خواهد شد و هرگاه در ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام صاحب سهم سهام سابق خود را نداده و وجهی را که به‌طریق فوق امانت گذاشته شده است مطالبه ننماید، نسبت به حق او مرور زمان حاصل شده و وجه مزبور در حکم اموال بلاصاحب بوده و مدیر شرکت مکلف است آن را به مقامات صلاحیت دار تسلیم نماید. هر مدیر شرکت که به این تکلیف عمل نکند به تأدیه سه برابر وجه مذکور محکوم خواهد شد.

ماده ۸۰ـ در صورتی که شرکت بخواهد سهام با اسم خود را به سهام بی اسم تبدیل نماید باید مراتب را به طریقی که فوقاً مقرر است یک مرتبه اعلان نماید و اگر در ظرف مهلتی که معین می‌شود و نباید کمتر از دو ماه باشد صاحبان سهام، سهام با اسم خود را به سهام بی‌اسم تبدیل نکنند سهام با اسمی که در دست آنها باقی می‌ماند باطل و سهام جدید در مرکز اصلی شرکت به اسم آنها ودیعه خواهد بود.

ماده ۸۱ـ در هر موقع که شرکت بخواهد تصدیق‌های موقتی را که به اشخاص داده تبدیل به سهام کند در مورد تصدیق‌های موقتی بی‌اسم مطابق مقررات مواد ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و در مورد تصدیق موقتی با اسم مطابق مقررات ماده ۸۰ رفتار خواهد شد.

۷ـ بطلان شرکت و یا بطلان اعمال و تصمیمات آن

ماده ۸۲ـ هر شرکت سهامی که مقررات یکی از موارد ۲۸ـ۲۹ـ ۳۶ـ ۳۷ـ ۳۸ـ ۳۹ـ ۴۱ـ ۴۴ـ ۴۵ـ ۴۶ـ ۴۷ـ ۵۰ این قانون را رعایت نکرده باشد از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد بود لیکن شرکاء نمی‌توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند.

ماده۸۳ـ در هر مورد که موافق مقررات ماده قبل محکمه بربطلان شرکت یا اعمال و تصمیمات آن حکم کند مؤسسینی که مسئول این بطلان هستند و همچنین مفتشین و مدیرهایی که حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سرکار بوده و انجام وظیفه نکرده‌اند متضامناً مسئول خساراتی خواهند بود که از این بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه می‌شود همین مسئولیت ممکن است به شرکایی متوجه شود که سهم غیر نقدی آنها تقویم و تصویب نشده یا مزایایی که مطالبه کرده‌اند به تصدیق نرسیده باشد.

ماده۸۴ـ هرگاه قبل از اقامه دعوی برای ابطال شرکت یا برای بطلان عملیات و قراردادهای شرکت موجبات بطلان مرتفع شود دعوای ابطال در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۸۵ـ اگر از تاریخ رفع موجبات بطلان یک سال منقضی شده و اشخاص خارج از جهت معاملاتی که با ایشان شده است به استناد

اموری که موجب بطلان بوده دعوای خسارت نکرده باشند دیگر دعوی مزبور از آنها پذیرفته نمی شود.

ماده ۸۶ـ هر گاه مقرر شده باشد که مجمع عمومی مخصوصی برای رفع موجبات بطلان منعقد شود و دعوت اعضاء نیز برای انعقاد مجمع موافق اساسنامه به عمل آمده باشد دعوای بطلان از تاریخ دعوت مجمع در محکمه پذیرفته نخواهد شد مگر این که مجمع مزبور موجبات بطلان را رفع ننماید.

ماده۸۷ـ هر گاه از تاریخ حدوث سبب بطلان شرکت ده سال گذشته و اقامه دعوی بطلان و خسارت نشده باشد دیگر دعوی مذکور پذیرفته نخواهد شد.

ماده۸۸ـ استرداد منافعی که بین شرکاء تقسیم شده ممکن نیست مگر این که تقسیم بدون ترتیب صورت دارایی یا مخالف نتیجه حاصله از صورت مزبور به عمل آمده باشد در این صورت نیز فقط تا پنج سال اقامه دعوی استرداد می توان نمود. مبدأ مرور زمان روز تقسیم منافع است.

۸ـ مقررات جزایی

ماده ۸۹ـ هر کسی سهام یا قطعات سهام شرکتی را که در مورد آن یکی از موارد ۲۸ـ ۲۹ـ ۳۶ـ ۳۷ـ ۳۸ـ ۳۹ـ ۴۴ـ ۵۰ این قانون رعایت نشده صادر نماید به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی علاوه بر خسارات وارده به شرکت یا افراد محکوم خواهد شد. در موردی که عمل مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی است مرتکب به مجازات مقرر در آن ماده نیز محکوم می‌شود.

ماده ۹۰ـ حکم فوق درباره اشخاصی نیز مقرر است که بر خلاف واقع خود را صاحب سهام یا قطعات سهام قلمداد کرده و در مجمع عمومی وارد شوند یا در دادن رأی شرکت نمایند و یا سهامی را برای این که بطور تقلب استعمال شود به دیگری بدهند. در مورد این ماده علاوه بر جزای نقدی متخلف را می‌توان به یک تا شش ماه حبس تأدیبی نیز محکوم نمود.

ماده۹۱ـ هرکس سهام یا قطعات سهامی را که در مورد آنها مقررات یکی از موارد ۲۸ـ ۲۹ـ ۳۸ و ۳۹ رعایت نشده با علم به عدم رعایت قانون معامله کرده یا شرکت در معامله داشته و یا قیمت آنها را اعلان نموده باشد به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد مقررات این ماده مانع نخواهد بود که اگر عمل مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی باشد مرتکب به مجازات حبس مذکور در آن ماده نیز محکوم شود.

ماده ۹۲ـ اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می‌شوند:

۱. هر کس برخلاف حقیقت مدعی وقوع تعهد ابتیاع سهام یا تأدیه قیمت سهام شده یا وقوع تعهد و یا تأدیه‌ای را که واقعیت ندارد اعلان یا جعلیاتی منتشر کند که به این وسایل دیگری را وادار به تعهد خرید سهام یا تأدیه قیمت سهام نماید اعم از این که عملیات مذکور مؤثر شده یا نشده باشد.
۲. هرکس به‌طور تقلب برای جلب تعهد یا پرداخت قیمت سهام اسم اشخاصی را بر خلاف واقع به عنوانی از عناوینی جزء شرکت قلمداد نماید.
۳. مدیرهایی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشند.

۹ـ در انحلال شرکت

ماده ۹۳ـ شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می شود:

۱. وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد.
۲. وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد.
۳. در صورتی که شرکت ورشکست شود.
۴. در صورت تصمیم مجمع عمومی.

مبحث دوم
شرکت با مسئولیت محدود[1]

ماده ۹۴ـ شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجارتی تشکیل شده و هریک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.

ماده ۹۵ـ در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود والا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.
اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ یک از شرکاء باشد والا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

توضیح:

شرکت با مسئولیت محدود اولین بار طبق قانون ۲۰ آوریل ۱۸۹۲ در ایالات

1. Limited liability company = Ltd

آلزاس ولرن در فرانسه که در آن زمان جزء تصرفات آلمان بود بوسیله حقوقدانان آلمانی تأسیس گردید بعد از جنگ جهانی اول ۱۹۱۸ که دو ایالات مذکور به فرانسه بازگردانده شد این شرکت به علت سادگی تشکیل و حداقل انتشار آگهی و بالاخره عدم الزام ارائه مدارک برای حداقل سرمایه به اداره ثبت شرکت‌ها مورد توجه حقوقدانان فرانسه قرار گرفت ولی معایب شرکت مذکور از قبیل مشکلات در نقل و انتقال سهم شرکت و عدم امکان عزل مدیر و سرانجام موجب انحلال شرکت گردید. در قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ اصلاحات اساسی در قانون شرکت با مسئولیت محدود به عمل آمد.[۱]

ماده ۹۴ حداقل شرکاء را برای تشکیل دو نفر پیش‌بینی کرده است و سرمایه برخلاف شرکت سهامی عام و خاص به سهام تقسیم نشده بلکه در شرکت نامه میزان سهم الشرکه هر شریک قید می‌گردد. در نتیجه، شرکت مبادرت به صدور سهام ننموده و به شریک ورقه سهم داده نمی‌شود.

مسئولیت مدنی هر شریک در مقابل قروض و تعهدات شرکت تا میزان سهم‌الشرکه‌ای است که در شرکت سرمایه‌گذاری کرده است. این مورد با شرکت‌های سهامی عام و خاص وجه اشتراک دارد. ماده ۹۵ قید کلمه «با مسئولیت محدود» را به دنبال نام شرکت الزام‌آور دانسته تا اشخاص ثالث با آگاهی از وضع شرکت مبادرت به سرمایه‌گذاری و معاملات بنمایند. ضمانت اجرای تخلف از مورد اخیر را قانون‌گذار تعیین نموده است که نوع شرکت تضامنی خواهد بود تا شرکاء در مقابل اشخاص ثالث نسبت به بدهی‌های شرکت مسئولیت تضامنی داشته باشند.

ماده ۹۶ـ شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۹۷ـ در شرکت نامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم‌الشرکه‌های غیر نقدی هرکدام به چه میزان تقویم شده است.

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد دوم، پیشین، ص ۱۶۲- ۲۲۰

ماده ۹۸ـ شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

ماده ۹۹ـ مرور زمان دعاوی ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است.

توضیح:

در ماده ۹۶ قانون‌گذار زمان به وجود آمدن شخصیت حقوقی شرکت را اعلام می‌دارد و آن در صورتی است که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۹۷ تصریح سهم الشرکه‌های غیرنقدی و ارزیابی هریک از آنها را الزام‌آور دانسته و در ماده ۱۱۵ (ق.ت) تقویم بیش از قیمت واقعی سهم‌الشرکه غیر نقدی را بوسیله مؤسسین و مدیران جرم کلاهبرداری دانسته است.

طبق ماده ۹۸ شرکاء در مقابل اشخاص ثالث نسبت به قیمتی که برای سهم‌الشرکه غیر نقدی به هنگام تأسیس شرکت تعیین نموده‌اند مسئولیت تضامنی دارند.

ماده ۱۰۰ـ هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان را ندارند.

ماده ۱۰۱ـ اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکایی که بطلان مستند به عمل آنها است و هیأت نظار و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سرکار بوده و انجام وظیفه نکرده‌اند در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود.
مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است.

ماده ۱۰۲ـ سهم‌الشرکه شرکاء نمی‌تواند به شکل اوراق تجارتی قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره درآید. سهم الشرکه را نمی‌توان منتقل به غیر نمود؛ مگر با رضایت عده‌ای از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

ماده ۱۰۳ـ انتقال سهم‌الشرکه به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی.

توضیح:

مواد مذکور نحوه نقل و انتقال سهم‌الشرکه را به شرح زیر پیش‌بینی نموده است.

- رضایت عده‌ای از شرکاء که حداقل $\frac{۳}{۴}$ سهم الشرکه به آنان تعلق داشته باشد.
- تعداد شرکاء مذکور باید اکثریت عددی کل شرکاء را تشکیل بدهند.
- علاوه بر شرایط فوق نقل و انتقال سهم الشرکه با تنظیم سند در دفتر اسناد رسمی صورت می‌گیرد.

ملاحظه می‌شود که نقل و انتقال سهم الشرکه در قانون تجارت ایران مشکل می‌باشد. در حقوق فرانسه موافقت اکثریت شرکاء برای انتقال سهم الشرکه کافی است.

ماده ۱۰۴ـ شرکت با مسئولیت محدود به وسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می‌شوند اداره می‌گردد.

ماده ۱۰۵ـ مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد، هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که

در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

توضیح:

شرکت با مسئولیت محدود می‌تواند بوسیله یک یا چند مدیر اداره شود به نظر می‌رسد مدیریت بوسیله یک نفر از محاسن شرکت مزبور می‌باشد. برای انتخاب مدیر خارج از شرکت منع قانونی وجود ندارد. مدیر می‌تواند به طور موظف (تمام وقت) یا غیرموظف (پاره وقت) انجام وظیفه نماید و مدت مدیریت ممکن است محدود یا نامحدود باشد.

ماده ۱۰۵ اختیارات تام به مدیران به نمایندگی از طرف شرکت تفویض نموده است و محدودیت اختیارات آنان براساس اساسنامه شرکت خواهد بود. چنانچه محدودیت اختیارات در اساسنامه تصریح نشده باشد در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت باطل و کان لم یکن می‌باشد.

ماده ۱۰۶ـ تصمیمات راجعه به شرکت باید به اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود، اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکاء مجدداً دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می‌شود اگرچه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد، اساسنامه شرکت می‌تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

ماده ۱۰۷ـ هریک از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رأی خواهد بود مگر این که اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۱۰۸ـ روابط بین شرکاء تابع اساسنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکاء به عمل خواهد آمد.

توضیح:

ماده ۱۰۶ نصاب اتخاذ تصمیم در امور راجع به شرکت را در جلسه اول اکثریت حداقل نصف سرمایه شرکت تعیین نموده است و اگر این اکثریت حاصل نشد در دعوت دوم تصمیمات با اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می‌شود مگر اینکه اساسنامه شرکت خلاف این امر را پیش‌بینی نماید.

ملاحظه می‌شود در شرکت با مسئولیت محدود شرکاء می‌توانند بدون تشکیل مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده تصمیمات راجع به شرکت را صورت جلسه نموده و پس از امضاء به اداره ثبت شرکت‌ها ارسال نمایند ولی در عمل به هنگام تأسیس شرکت در اساسنامه بطور اختیاری مجمع عمومی پیش‌بینی می‌کنند. شایان ذکر است که به موجب ماده ۱۰۹ اگر عدهٔ شرکاء بیش از ۱۲ نفر باشد در اینصورت تشکیل مجمع عمومی شرکاء الزامی می‌باشد و هیأت نظار نیز از بین شرکاء تعیین می‌گردد.

ماده ۱۰۹ـ هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیأت نظار بوده و هیأت مزبور لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد.

هیأت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است.

هیأت نظار می‌تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق‌العاده دعوت نماید.

مقررات مواد ۱۶۵ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۱۱۰ـ شرکاء نمی‌توانند تابعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء.

ماده ۱۱۱ـ هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید به اکثریت عددی شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید مگر اینکه در

اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.

توضیح:

هیأت نظار حداقل ۳ نفر می‌باشند که از بین شرکاء برای اولین بار به مدت یکسال انتخاب می‌شوند و تجدید انتخاب آنان بلامانع می‌باشد.

وظایف و اختیارات و مسئولیت هیأت مزبور به شرح زیر می‌باشد:

- **کنترل آورده‌های نقدی و غیر نقدی** ـ (ماده ۱۰۹ ناظر به مواد ۹۶ و ۹۷ ق.ت)
- **کنترل دفاتر و دارایی شرکت** ـ هیأت نظار دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را بطور دقیق کنترل کرده و گزارشی به مجمع عمومی شرکت تقدیم می‌کند و چنانچه در تنظیم ترازنامه و تقسیم منافع شرکت بوسیله مدیران تخلفی مشاهده گردد باید آن را در گزارش خود قید نماید. (ماده ۱۰۹ ناظر به ماده ۱۶۸ ق.ت)
- **دعوت مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده** ـ هیأت مزبور مکلف است سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را دعوت نموده و آن را تشکیل دهد و نیز می‌تواند مجمع عمومی فوق‌العاده را در صورت لزوم دعوت نماید و هیأت نظار تصمیمات خود را با اکثریت آرای اعضاء خود اتخاذ می‌نماید.
- **مسئولیت هیأت نظار** ـ از نظر اعمال اداری و نتایج حاصل از آن هیچگونه مسئولیتی ندارند اما اگر اقدامات و تصمیمات آنان برخلاف قوانین حاکم باشد مسئول اعمال و تقصیرات خود خواهند بود. همچنین هیأت نظار و سایر شرکاء نسبت به تقویم آورده‌های غیرنقدی مسئولیت تضامنی دارند (ماده ۱۰۹ ناظر به ماده ۱۶۷) در خاتمه در صورتی که هیأت نظار سهم‌الشرکه غیرنقدی را به بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند طبق ماده ۱۱۵ (ق.ت) به عنوان کلاهبردار قابل مجازات می‌باشد.

ماده ۱۱۱ تغییرات در اساسنامه را با اکثریت عددی شرکاء که لااقل $\frac{3}{4}$ سرمایه را داشته باشند پیش‌بینی نموده است مگر آنکه در اساسنامه خلاف آن قید گردد. این امر برای حمایت از حقوق شرکاء و اشخاص ثالث می‌باشد.

ماده ۱۱۲ـ در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمی‌تواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم الشرکه خود کند.

ماده ۱۱۳ـ مفاد ماده ۵۷ این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکت‌های با مسئولیت محدود نیز لازم الرعایه است.

توضیح:

ماده ۱۱۲ شریک را به ازدیاد سهم الشرکه ملزم نمی‌کند. ماده ۹۴ (ل.ا.ق.ت) هم برای سهامدار پیش‌بینی نموده است و مقرر می‌دارد که هیچ مجمع عمومی نمی‌تواند با هیچ اکثریتی تعهدات صاحبان سهام را افزایش دهد.

ماده ۱۱۳ که ناظر به ماده ۵۷ [1] منسوخه شرکت سهامی سابق می‌باشد، تشکیل سرمایه احتیاطی را برای شرکت با مسئولیت محدود الزامی دانسته است به عبارت دیگر کسر حداقل یک بیستم یا ۵٪ از سود خالص (ویژه) شرکت برای اندوخته قانونی تا $\frac{۱}{۲}$ کل سرمایه الزامی می‌باشد. بنظر می‌رسد قانون‌گذار کلمه «سرمایه احتیاطی» را مسامحتاً بجای ماده ۱۴۰ (ل.ا.ق.ت) بکار برده است.

ماده ۱۱۴ـ شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می‌شود:

الف) در مورد فقرات ۱و۲و ۳ ماده ۹۳.

ب) در صورت تصمیم عده‌ای از شرکاء که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

ج) در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین

---

۱. به طوری که پیش‌تر ذکر شد به استناد ماده ۲۹۹ (ل.ا.ق.ت)۱۳۴۷/۱۲/۲۴ آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ مربوط به شرکت‌های سهامی (از ماده ۲۱ تا ۹۴ مصوب ۱۳۱۱) ناظر بر سایر انواع شرکت‌های تجارتی می‌باشد و نسبت به آن شرکت‌ها به قوت خود باقی است.

– ماده ۵۷: «همه ساله لااقل یک بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی موضوع خواهد شد، همین که سرمایه احتیاطی به عشر سرمایه شرکت رسید، موضوع کردن این مقدار اختیاری است.»

رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلائل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

د) در مورد فوت یکی از شرکاء اگر به موجب اساسنامه پیش‌بینی شده باشد.

توضیح:

موارد انحلال شرکت با مسئولیت محدود با توجه به ماده ۹۳ منسوخه شرکت سهامی مصوب سال ۱۳۱۱ به شرح زیر می‌باشد:

ـ وقتی که شرکت برای هدفی که تشکیل شده آن را انجام داده یا انجام آن غیرممکن باشد.

ـ وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل شده و آن مدت منقضی شده باشد.

ـ در صورتی که شرکت ورشکسته شود.

موارد دیگر انحلال در بند ب ـ ج ـ د ماده ۱۱۴ قید گردیده است.

ماده ۱۱۵ـ اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می‌شوند:

الف) مؤسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم‌الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.

ب) کسانی که به وسیلهٔ متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.

ج) مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکاء تقسیم کنند.

توضیح:

جرم مندرج در این ماده کلاهبرداری است که با توجه به قانون تشدید مجازات

مرتکبین اختلاس، ارتشاء، کلاهبرداری مصوب۱۳۶۴/۶/۲۸ که به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۱۳۶۷/۹/۱۵ رسیده است مجازات آن برای ارتکاب جرایم مذکور بسیار شدید می‌باشد که مجازات جرم مزبور در حکومت قانون سابق فوق‌العاده سبک بوده است.

ارکان تشکیل دهنده جرم، عبارتند از:

- اظهار برخلاف واقع پرداخت تمام سهم‌الشرکه نقدی.
- تقویم برخلاف واقع سهم‌الشرکه غیرنقدی و تسلیم آن.
- ثبت آورده‌های مذکور در اوراق اسنادی که باید به اداره ثبت شرکت‌ها ارائه گردد.

اشخاص قابل تعقیب مؤسسین و مدیرانی هستند که مرتکب جرم شده‌اند.

بند ب ماده ۱۱۵ مجازات کسانی را پیش‌بینی کرده که با عملیات متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم نموده‌اند.

بند ج ماده مذکور مدیرانی را که با نبودن ترازنامه استناد به صورت دارایی مزور منافع غیرواقع یا موهومی را بین شرکاء تقسیم نمایند به عنوان جرم کلاهبردار مجازات می‌نماید.

ملاحظه می‌شود که ماده واحده در مورد کلاهبرداری به علت سنگین بودن مجازات هیچگونه تناسبی با جرایم ارتکابی فوق ندارد.

مبحث سوم
شرکت تضامنی[1]

ماده ۱۱۶ـ شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوص برای امور تجارتی بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.

هر قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

1. General partnership company

ماده ۱۱۷ـ در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لااقل اسم یک نفر از شرکاء ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد باید از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکاء) یا (و برادران) قید شود.

توضیح:

شرکت تضامنی معمولاً بین افراد خانواده یا دوستان بسیار صمیمی با حداقل دو یا چند نفر تشکیل می‌گردد مقررات این شرکت از حقوق فرانسه اقتباس شده است. (société en nom collectif)

از خصوصیات بارز این شرکت:

- مسئولیت تضامنی شرکاء در مقابل طلبکاران شرکت؛
- بدهکار شرکت نمی‌تواند در مقابل طلبی که از شریک شرکت دارد استناد به تهاتر نماید؛
- هر شریک بعد از انحلال یا ورشکستگی شرکت به طور فردی در مقابل تمام بدهی شرکت با سایر شرکاء به نحو تضامن مسئولیت پرداخت دارد.

به دنبال نام شرکت، باید حداقل نام یکی از شرکاء قید گردد.

ماده ۱۱۸ـ شرکت تضامنی وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۱۱۹ـ در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم‌الشرکه بین شرکاء تقسیم می‌شود مگر آنکه شرکت نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده ۱۲۰ـ در شرکت تضامنی شرکاء باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیر معین نمایند.

ماده ۱۲۱ـ حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که

در ماده ۵۱ مقرر شده.

توضیح:

وقتی شخصیت حقوقی در شرکت سهامی بوجود می‌آید که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیر نقدی تقویم و تسلیم شده باشد (ماده ۱۱۸ با ماده ۹۶ ق.ت مقایسه شود) اصل تقسیم سود را بر مبنای میزان سهم‌الشرکه در ماده ۱۱۹ پیش‌بینی نموده است مگر اینکه در اساسنامه به نحو دیگری قید شده باشد.

طبق ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ ممکن است مدیرعامل یک نفر بوده و از بین شرکاء یا خارج از شرکاء انتخاب گردد. حدود مسئولیت مدیر در شرکت تضامنی ناظر بر ماده ۵۱ قانون سال ۱۳۱۱ شرکت سهامی منسوخه می‌باشد. طبق ماده اخیر مدیر به عنوان وکیل در شرکت تضامنی در مقابل موکل مسئول می‌باشد. در بدو امر به نظر می‌رسد که مدیرعامل شرکت تضامنی در مقابل شرکائی که او را انتخاب نموده‌اند (موکلین) طبق ماده ۶۶۲ (ق.م) مسئول است در صورتی که اختیارات مدیر شرکت بیش از موکلین خود می‌باشد (برخلاف عقد وکالت) زیرا او می‌تواند از طرف شرکت قرارداد تنظیم کرده و تعهداتی بنماید در صورتی که شرکاء موکل چنین اختیاری ندارند. نتیجه می‌شود که منظور قانون-گذار در ماده ۱۲۱ این است که مسئولیت مدنی مدیرعامل در مقابل شرکت و در مقابل شرکاء از باب تسبیب و قانون مسئولیت مدنی می‌باشد.

ماده ۱۲۲ـ در شرکت‌های تضامنی اگر سهم‌الشرکه یک یا چند نفر غیرنقدی باشد باید سهم‌الشرکه مزبور قبلاً بتراضی تمام شرکاء تقویم شود.

ماده ۱۲۳ـ در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء.

توضیح:

در ماده ۱۲۲ برای تقویم آورده غیرنقدی تراضی کلیه شرکاء ضروری می‌باشد.

به نظر می‌رسد که این امر برای جلوگیری از تضرر شرکایی است که به طور نقدی سرمایه‌گذاری نموده‌اند.

ماده ۱۲۳ انتقال سهم‌الشرکه را در شرکت تضامنی موکول به رضایت کلیه شرکاء نموده است و این امر برای حمایت از اشخاص ثالث که با شرکت معاملاتی دارند، می‌باشند. زیرا شرکت تضامنی با توجه به اینکه اسم شرکای ضامن به دنبال نام شرکت آورده می‌شود و اشخاص ثالث بنا به اعتماد به شخص شریک یا شرکاء با شرکت قرارداد تنظیم می‌نمایند لذا ممکن است با تغییر یکی از شرکاء موجبات سلب اعتماد اشخاص ذی‌نفع گردد و یا شریک با قصد اضرار به شرکت یا شرکاء، سهم‌الشرکه خود را انتقال دهد.

ماده ۱۲۴ـ مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبهٔ قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال، طلبکاران شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هریک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچ یک از شرکاء نمی‌توانند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می‌نماید از تأدیه قروض شرکت امتناع ورزد. فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تأدیه قروض شرکت به نسبت سرمایه‌ای خواهد بود که در شرکت گذاشته است آن هم در صورتی که در شرکت نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

توضیح:

در این ماده اصل «قاعده تضامن» بیان شده است و تذکر چند نکته در این مورد ضروری می‌باشد:

- قبل از انحلال شرکت بستانکاران حق مراجعه به دارایی شرکاء برای وصول طلب خود را ندارند. (این امر در تمام شرکت‌های تجارتی مصداق دارد.) زیرا دارایی شخص حقوقی منفک و مجزا می‌باشد.
- پس از انحلال و تصفیه اموال اگر دارایی شرکت تکافوی دیون بستانکاران را

ننماید در این صورت قاعده تضامن اعمال می‌گردد.
- در تضامن طلبکار حق دارد کلیه طلب خود را از اموال هر یک از شرکاء یا از کلیه شرکاء وصول نماید و اگر شریکی بیش از سهم‌الشرکه خود بابت بدهی‌های شرکت پرداخت نمود می‌تواند به سایر شرکای شرکت در حدود سهم‌الشرکه آنان مراجعه نماید. مگر اینکه شرکاء در روابط حقوقی خود قرارداد جداگانه‌ای داشته باشند.

قاعده تضامن از حقوق فرانسه اقتباس شده است و ماده ۴۷ کنوانسیون متحدالشکل ژنو ۷ ژوئن ۱۹۳۰ نیز می‌گوید: «کسانی که برات را صادر یا قبول یا ضمانت نموده‌اند در قبال دارنده برات به نحو تضامن مسئولیت دارند.»[1]

ماده ۱۲۵ـ هرکس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسئول قروضی هم خواهند بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۲۶ـ هرگاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت از دارایی آن تأدیه نشده هیچ یک از طلبکاران شخصی شرکاء حقی در آن دارایی نخواهد داشت. اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکاء ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت.

1. Art: 47 « Tout Ceux qui ont tiré, accepté ou avalisé une lettre de change sont tenus solidairement envers le porteur.»

دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت جلد سوم، پیشین ۷۷-۷۸-۷۹.

ماده ۱۲۷ـ به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز می‌توان حکم داد مشروط به اینکه دارایی شرکت تقسیم نشده باشد.

توضیح:

ماده ۱۲۷ اعلام ورشکستگی را در شرکت تضامنی بعد از انحلال شرکت نیز پذیرفته است به شرط آنکه دارایی شرکت تقسیم نشده و عمل تصفیه خاتمه نیافته باشد این سوال مطرح می‌شود که آیا در شرکت سهامی یا سایر شرکت‌ها نیز بعد از انحلال، طلبکار می‌تواند دادخواست ورشکستگی علیه شرکت به دادگاه تقدیم کند. به نظر می‌رسد با استفاده از وحدت ملاک ماده مذکور و تنقیح مناط[1] از قسمت دوم ماده ۴۱۲ (ق.ت) که می‌گوید: «... حکم ورشکستگی تاجری که حین‌الفوت در حال توقف بوده تا یکسال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود.» با توجه به حکم معلوم در این ماده راجع به اعلام ورشکستگی علیه تاجری که حین‌الفوت متوقف بوده بیان شده است با استفاده از تنقیح مناط می‌توان گفت که انحلال شرکت به منزله فوت شخصی حقوقی است و طلبکار می‌تواند قبل از ختم تصفیه علیه شرکت اعلام ورشکستگی بنماید ماده ۴ قانون ۲۴ ژوییه ۱۹۶۷ فرانسه اعلام ورشکستگی علیه شرکت منحله را تا یکسال بعد از تاریخ انحلال پیش‌بینی نموده است[2].

ماده ۱۲۸ـ ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

توضیح:

این ماده جدایی شخص حقوقی را از شخص حقیقی بیان می‌نماید که

---

۱. حذف اوصاف یا الغاء خصوصیات برای توسعه حکم که یک نوع اجتهاد می‌باشد. در وحدت ملاک (par analogie) از حکم به علت رفته و مسأله مقایسه می‌شود.

2. RIPERT (G), Roblot (R), Droit Commercial, 12, éd. L.g.d.j. ,paris. 1973,p.580.

ورشکستگی شرکت موجبات ورشکستگی شریک و یا بـالعکس، ورشکسـتگی شخص اخیر، ورشکستگی شرکت را فراهم نمی‌سازد.

ماده ۱۲۹ـ طلبکاران شخصی شرکاء حـق ندارنـد طلـب خـود را از دارایـی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهمیه مدیون خـود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است بـه مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند.

طلبکاران شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خـود را از دارایی شخصی مدیون خود وصـول کننـد و سـهم مـدیون از منـافع شرکت کافی برای تأدیه طلب آنها نباشد می‌تواننـد انحـلال شـرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محـدود یـا غیـر محـدود تشکیل شده باشد) مشروط بر این که لااقل شش ماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامهٔ رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در ایـن صـورت شرکت یا بعضی از شرکاء می‌توانند مادام که حکم نهایی انحلال صـادر نشده با تأدیه طلب دائنین مزبور تا حد دارایی مدیون در شـرکت یـا بـا جلب رضایت آنان بطریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

ماده ۱۳۰ـ نه مدیون شرکت می‌تواند در مقابل طلبی کـه ممکـن اسـت از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شریک می‌تواند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او به شرکت داشته باشـد بـه تهاتر استناد نماید. معذالک کسی که طلبکار شرکت و مدیون به یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او بلا وصـول مانـده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

توضیح:

در ماده ۱۲۹ با توجه به تفکیک شخصیت حقوقی شرکت از شرکاء مقرر داشته که طلبکار شخصی شرکاء حق ندارند طلب خـود را از دارایـی شـرکت تـأمین

(مانند تأمین خواسته یا دستور موقت) یا وصول نمایند، اما طلبکار می‌تواند نسبت به سهم‌الشرکه شریک مدیون از منافعی که در صورت انحلال شرکت به او تعلق می‌گیرد اقدام قانونی به عمل آورد. چنانچه مدیون از منافع شرکت سهمی نداشته یا کافی به تأدیه طلب دائن نباشد در این صورت بستانکار می‌تواند تقاضای انحلال شرکت را بنماید به شرط آنکه شش ماه قبل به وسیله اظهارنامه رسمی مراتب را به اطلاع شرکت برساند.

قانون‌گذار برای حفظ واحد تولیدی، صنعتی یا خدماتی به سایر شرکای غیر مدیون حق داده که با تأدیه طلب طلبکار تا حد دارایی شریک مدیون در شرکت یا با جلب رضایت طلبکاران به طریق دیگر (از قبیل تقسیط پرداخت بدهی) از انحلال شرکت جلوگیری نماید.

در ماده ۱۳۰ مذکور مدیون شرکت در مقابل طلبی که از یکی از شرکاء دارد نمی‌تواند به تهاتر استناد کند و شریک هم چنین حقی ندارد ولی پس از انحلال شرکت طلبکار می‌تواند نسبت به طلب خود از شرکت در مقابل بدهی که به یکی از شرکاء دارد استناد به تهاتر نماید.

ماده ۱۳۱ـ در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکاء به موجب ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرد سایر شرکاء می‌توانند سهمیه آن شریک را از دارایی شرکت نقداً تأدیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

توضیح:

در این ماده قانون‌گذار مقرر داشته که در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء در مورد ماده ۱۲۹ (تقاضای انحلال شرکت) سایر شرکاء می‌توانند سهم‌الشرکه شریک مدیون را نقداً تأدیه نموده و او را از شرکت اخراج کنند.

ماده ۱۳۲ـ اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم‌الشرکه شرکاء کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تأدیه هر نوع منفعت به شرکاء ممنوع است.

ماده ۱۳۳ـ جز در مورد فوق هیچ یک از شرکاء را شرکت نمی‌تواند به تکمیل سرمایه که به علت ضررهای وارده کم شده است ملزم کرده و یا او را مجبور نماید بیش از آن چه که در شرکت نامه مقرر شده است به شرکت سرمایه دهد.

توضیح:

در ماده ۱۳۲ قانون‌گذار برای حمایت از طلبکاران شرکت مقرر داشته که اگر به علت زیان وارده به شرکت سهم‌الشرکه شرکاء کم شود تأدیه هرگونه سود حاصل از شرکت به شرکاء ممنوع می‌باشد مگر اینکه زیان مزبور جبران گردد.

ماده ۱۳۳ اصل آزادی سرمایه‌گذاری را مطرح کرده است که شرکت نمی‌تواند هیچ یک از آنان را مجبور به سرمایه‌گذاری برای تکمیل سرمایه بنماید.

ماده ۱۳۴ـ هیچ شریکی نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء (به حساب شخص خود یا به حساب شخص ثالث) تجارتی از نوع تجارت شرکت نموده و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

توضیح:

در ماده فوق برای حمایت از سایر شرکاء قانون‌گذار در رقابت غیرقانونی و زیان احتمالی شرکت مقرر داشته که هیچ شریکی نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء تجارت مشابه موضوع شرکت بنماید یا به عنوان شریک ضامن (مثلاً در شرکت‌های مختلط) یا با مسئولیت محدود در شرکت دیگر داخل شده و تجارت از نوع شرکت خود را بنماید.

ماده ۱۳۵ـ هر شرکت تضامنی می‌تواند با تصویب تمام شرکاء به شرکت سهامی مبدل گردد در این صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است.

توضیح:

شرکت تضامنی می‌تواند با موافقت کلیه شرکاء و رعایت مقررات شرکت‌های سهامی عام و خاص به هر یک از آن شرکت‌ها که بخواهد تبدیل شود.

ماده ۱۳۶ـ شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می‌شود:

الف) در مورد فقرات ۱ و۲و ۳ ماده ۹۳.

ب) در صورت تراضی تمام شرکاء.

ج) در صورتی که یکی از شرکاء به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد.

د) در صورت فسخ یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۷.

ه) در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۸.

و) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰.

تبصره ـ در مورد بند (ج) هرگاه دلایل انحلال منحصراً مربوط به شریک یا شرکاء معین باشد محکمه می‌تواند به تقاضای سایر شرکاء به جای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.

توضیح:

در ماده ۱۳۶ موارد انحلال شرکت تضامنی را در ماده ۹۳ منسوخه ۱۳۱۱ راجع به شرکت سهامی در بندهای۱و ۲و ۳ در مورد انقضاء مدت شرکت و انجام یا عدم امکان موضوع شرکت مانند شرکت با مسئولیت محدود بیان نموده است، ضمناً تراضی کلیه شرکا و یا تقاضای یکی از شرکا از محکمه و اثبات موجه بودن آن شرکت تضامنی منحل می‌گردد. موارد دیگر انحلال شرکت تضامنی عبارتنداز:

ـ فسخ یکی از شرکاء طبق ماده ۱۳۷ (ق.ت) در صورتی در اساسنامه چنین حقی به شریک داده شده که تقاضای فسخ با قصد اضرار نباشد، ضمناً تقاضا

شش ماه قبل کتباً توسط شریک به شرکاء اعلام گردد.
- ورشکستگی یکی از شرکاء طبق ماده ۱۳۸ که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را بنماید و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته باشد.
- در صورت فوت یکی از شرکاء که بقاء شرکت موکول به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام قانونی متوفی می‌باشد(قسمت اول ماده ۱۳۹ ق. ت).
- در خاتمه متن موارد مذکور در ذیل قید می‌گردد.

ماده ۱۳۷ـ فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتبا به شرکاء اعلام شود.

اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می‌آید.

ماده ۱۳۸ـ در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده ۱۳۹ـ در صورت فوت یکی از شرکاء بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی خواهد بود.

اگر سایر شرکاء به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتبا اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهیم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است.

توضیح:

ماده ۱۳۹ (ق.ت) در قسمت اول خود فوت یکی از شرکاء را به دلیل اهمیت شخصیت شریک در شرکت تضامنی که محور اعتبار را برای اشخاص ثالث تشکیل می‌دهد از موجبات انحلال شرکت دانسته است ولی بقاء منوط به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام قانونی متوفی می‌باشد.

قسمت دوم ماده شرایطی را در صورت فوت متوفی و تصمیم قائم مقام او به شرح زیر بیان نموده که قابل انتقاد می‌باشد:

- قائم مقام قانونی باید در ظرف یک ماه از تاریخ فوت رضایت خود را راجع به بقای شرکت کتباً اعلام نماید. به نظر می‌رسد بهتر می‌بود که سایر شرکاء به وراث کتباً چنین اخطاری را می‌نمودند.
- اگر قائم مقام قانونی رضایت خود را در مهلت مذکور اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور شریک می‌باشد ولی در صورت عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک خواهد بود و سکوت تا انقضاء یک ماه در حکم اعلام رضایت است.

به نظر می‌رسد سکوت را نمی‌توان در حکم رضایت دانست زیرا رضایت یکی از عناصر مهم تشکیل دهنده قرارداد می‌باشد به خصوص این که ممکن است سهم الارث وراث در شرکت دچار مخاطره گردد. اصلح این است که پس از فوت یکی از شرکاء به وراث متوفی از طرف سایر شرکاء اعلام کتبی جهت کسب رضایت آنان نسبت به بقاء شرکت به عمل آید در صورت عدم رضایت سایر شرکاء سهم‌الشرکه و منافع حاصل را به آنان مسترد نمایند و شرکت به کار خود ادامه دهد.

ماده ۱۴۰ـ در مورد محجوریت یکی از شرکاء مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

توضیح:

در مورد محجوریت با عنایت به ماده ۱۰۲۷ (ق.م) که محجورین شامل صغار، غیر رشید و مجانین را احصاء نموده بدیهی است قائم مقام قانونی آنان مدلول

ماده ۱۳۹ را اعمال خواهند نمود ولی می‌توان کلمه محجور را در ماده ۱۳۹ ادغام کرده و ماده ۱۴۰ را حذف کرد.

مبحث چهارم
در شرکت مختلط غیر سهامی

ماده ۱۴۱ـ شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجارتی در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده ۱۴۲ـ روابط بین شرکاء با رعایت مقررات ذیل تابع شرکت نامه خواهد بود.

ماده۱۴۳ـ هریک از شرکاء با مسئولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکاء داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی اثر است.

توضیح:

شرکت مختلط غیر سهامی که در قانون تجارت فرانسه تحت عنوان La société en commandite simple و در حقوق انگلیس limited partnership

پیش‌بینی شده است از نظر سابقه تاریخی در قرون وسطی در سواحل دریای مدیترانه به خصوص در «فلورانس» و «ونیز» این شرکت رونق فراوانی داشته و تجار بزرگ تمایل نداشتند که نامشان افشاء گردد لذا سرمایه خود را در اختیار کسانی قرار می‌دادند که آنان به عنوان عامل یا مدیر با سرمایه مزبور تجارت کرده و طبق توافق سود حاصله را بین خود و صاحب سرمایه تقسیم می‌نمودند. بعضی از اساتید، شرکت مختلط غیر سهامی را به عقد مضاربه تشبیه نموده‌اند ولی به نظر می‌رسد عقد مضاربه که در مواد ۵۴۶ تا ۵۶۰ (ق.م) پیش‌بینی شده دارای شروط خاصّی است که نمی‌توان آن را با شرکت مختلط سهامی مقایسه نمود. در ایران از این نوع شرکت بین شرکت‌های خارجی و ایرانی در امور حمل و نقل و جهانگردی در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده است.

یکی از امتیازات این شرکت این است که نام شریک ضامن به دنبال نام شرکت آورده می‌شود و مدیریت نیز به عهده شریک ضامن می‌باشد.

ضمنا مسئولیت شریک ضامن مانند شریک در شرکت تضامنی به طور فردی و دسته جمعی در مقابل کلیه بدهی شرکت پس از انحلال می‌باشد.قاعده تضامن مندرج در ماده ۱۲۴ (ق.ت) در مورد شریک ضامن اعمال می‌گردد. اما شریک با مسئولیت محدود، تا میزان سهم الشرکه خود مانند ماده ۹۴ (ق.ت) در مقابل بدهی شرکت مسئولیت مدنی دارد.

ماده ۱۴۴ـ ادارهٔ شرکت مختلط غیر سهامی بعهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکاء شرکت تضامنی مقرر است.

ماده ۱۴۵ـ شریک با مسئولیت محدود نه به عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است.

ماده ۱۴۶ـ اگر شریک با مسئولیت محدود معامله‌ای برای شرکت کند در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک

ضامن را خواهد داشت مگر اینکه تصریح کرده باشد معامله را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام می‌دهد.

توضیح:

اداره امور شرکت مختلط غیر سهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن بوده و قلمرو اختیار و مسئولیت آنان از مقررات شرکت تضامنی تبعیت می‌نماید و مدیر دارای اختیارات تام بوده و شریک ضامن مسئولیت تأدیه قروضی است که شرکت مختلط غیر سهامی بر اثر فعالیت خود به دیگران پیدا می‌کند.

شرکت با مسئولیت محدود حق اداره کردن شرکت را ندارد، اگر شریک مزبور معامله‌ای برای شرکت انجام دهد در مورد تعهدات ناشی از آن معامله در مقابل طرف معامله در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر اینکه تصریح نماید که معامله را به وکالت از طرف شرکت انجام می‌دهد. به موجب ماده ۲۸ (ق.ت) ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ فرانسه شریک غیر ضامن حتی به موجب وکالت هم نمی‌تواند با اشخاص ثالث قرارداد به نام شرکت تنظیم کرده و معاملاتی انجام دهد مگر آن که در اساسنامه شرط شده باشد.[1]

ماده ۱۴۷ـ هر شریک با مسئولیت محدود حق نظارت در امور شرکت را داشته و می‌تواند از روی دفاتر و اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد. هر قراردادی که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۴۸ـ هیچ شریک با مسئولیت محدود نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم‌الشرکه خود به او داخل در شرکت کند.

1. JOLOWICZ (J.A): Dorit anglais, Précis Dalloz, PARIS, 1986 P. 348-349.
- HOUIN (Roger), RODIERE (René); dorit commerçial, éd.L.G.D.J.PARIS, 1982.No. 1293.

ماده ۱۴۹ـ اگر یک یا چند نفر از شرکاء با مسئولیت محدود حق خود را در شرکت بدون اجازهٔ سایرین کلاً یا بعضاً به شخص ثالثی واگذار نمایند، شخص مزبور نه حق دخالت در ادارهٔ شرکت و نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهد داشت.

ماده ۱۵۰ـ در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیر سهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شریک با مسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت او اطلاع داشته‌اند.

ماده ۱۵۱ـ شریک ضامن را وقتی می‌توان شخصاً برای قروض شرکت تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد.

ماده ۱۵۲ـ هرگاه شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شود و شریک با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم‌الشرکه خود را نپرداخته و یا پس از تأدیه مسترد داشته است طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه که از بابت سهم‌الشرکه باقی مانده است مستقیماً برعلیه شریک با مسئولیت محدود اقامهٔ دعوی نمایند.
اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیر تصفیه خواهد داشت.

ماده ۱۵۳ـ اگر در نتیجه قرارداد با شرکاء ضامن و یا در اثر برداشت قبلی از سرمایه شرکت شریک با مسئولیت محدود از سهم‌الشرکه خود که به ثبت رسیده است بکاهد این تقلیل مادام که به ثبت نرسیده و برطبق مقررات راجعه به نشر شرکت‌ها منتشر نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور می‌توانند برای تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه به عمل آمده است تأدیه همان سرمایه اولیه با مسئولیت محدود را مطالبه نمایند.

ماده ۱۵۴ـ به شریک با مسئولیت محدود فرع نمی‌توان داد مگر در صورتی که موجب کسر سرمایه او در شرکت نشود اگـر در نتیجـه ضـررهای وارده سهم‌الشرکه شریک با مسئولیت محدود کسر شد مادام کـه ایـن کمبود جبران نشده تأدیه هر ربح یا منفعتی به او ممنوع است.

هرگاه وجهی برخلاف حکم فوق تأدیه گردید شریک بـا مسـئولیت محدود تا معادل وجه دریافتی مسئول تعهدات شرکت اسـت مگـر در موردی که با حسن نیت و اعتبار بیلان مرتبی وجهی گرفته باشد.

ماده ۱۵۵ـ هرکس به عنوان شریک با مسئولیت محدود در شرکت مخـتلط غیرسهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم‌الشـرکه خـود مسـئول قروضی خواهد بود که شـرکت قبـل از ورود او داشـته خـواه اسـم شرکت عوض شده یا نشده باشد. هر شرطی که برخلاف این ترتیـب باشد در مقابل اشخاص ثالث کم لم یکن خواهد بود.

توضیح:

اگر شریک با مسئولیت محدود در شرکت مخـتلط غیرسـهامی بعـد از تشـکیل وارد شود تا معادل سهم‌الشرکه خود مسئول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته است، شرط خلاف ماده مزبور در مقابل اشخاص ثالـث کـان لم یکن می‌باشد.

ماده ۱۵۶ـ اگر شرکت مختلط غیرسهامی ورشکست شود دارایـی شـرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکاء در آن حقی ندارند، سهم‌الشرکه شرکاء با مسـئولیت محـدود نیـز جـزو دارایی شرکت محسوب است.

ماده ۱۵۷ـ اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمـام قـروض آن کـافی نباشـد طلبکاران آن حق دارند بقیه طلب خود را از دارایی شخصی تمـام یـا

هریک از شرکاء ضامن وصول کنند در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکاء ضامن تفاوتی نخواهد بود.

ماده ۱۵۸ـ در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء با مسئولیت محدود خود شرکت یا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متساوی‌الحقوق خواهند بود.

توضیح:

ماده ۱۵۶ـ ۱۵۷ و ۱۵۸ مسئولیت مدنی شریک با مسئولیت محدود را تعیین می‌نماید. به موجب ماده ۹۴ (ق.ت) هریک از شرکاء با مسئولیت محدود تا میزان سهم‌الشرکه خود مسئول قروض و تعهدات شرکت می‌باشد. بنابراین در شرکت مختلط غیرسهامی اگر شرکت منحل و تصفیه گردد و یا ورشکسته اعلام شود، شریک با مسئولیت محدود در مقابل طلبکاران در حدود آورده خود مسئولیت مدنی دارد.

ماده ۱۵۹ـ مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ در شرکت‌های مختلط غیر سهامی نیز لازم‌الرعایه است.

ماده ۱۶۰ـ اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع به شرکت‌های تضامنی است.

ماده ۱۶۱ـ مقررات مواد ۱۳۶ـ۱۳۷ـ۱۳۸ـ۱۳۹ـ۱۴۰ در مورد شرکت‌های مختلط غیرسهامی نیز جاری است.
مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکاء با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی‌شود.

توضیح:
ماده فوق راجع به انحلال شرکت مختلط غیرسهامی است و مقررات شرکت با مسئولیت محدود حاکم بر آن می‌باشد. همچنین فسخ شرکت و ورشکستگی یکی از شرکاء و یا فوت و محجوریت وی در شرکت فوق تابع شرکت با مسئولیت محدود می‌باشد.

مبحث پنجم
شرکت مختلط سهامی

ماده ۱۶۲ـ شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عده شرکاء سهامی و یک و یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می‌شود.

شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها به صورت سهام یا قطعات سهام متساوی‌القیمه درآمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند.

شریک ضامن کسی است که سرمایه او به صورت سهام درنیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.

ماده ۱۶۳ـ در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده ۱۶۴ـ مدیریت شرکت مختلط سهامی مخصوص به شریک یا شرکاء ضامن است.

توضیح:

شرکت مختلط سهامی که به فرانسه: société en commandite par actions و به انگلیسی: The joint stock partnership گفته می‌شود از دو گروه شریک (یک یا چند شریک ضامن و یک یا چند شریک سهامی) تشکیل می‌شود و به دنبال نام شرکت، حداقل نام یکی از شرکای ضامن آورده می‌شود و مسئولیت شریک ضامن مانند شریک درشرکت تضامنی به طور فردی و دسته جمعی در مقابل کلیه بدهی شرکت، پس از انحلال می‌باشد و قاعده تضامن مندرج در ماده ۱۲۴ (ق.ت) در مورد وی در این شرکت نیز اعمال می‌گردد. ولی شریک سهامی تا میزان سهام خود در مقابل بدهی شرکت مسئولیت مدنی دارد. در ایران شرکت مختلط سهامی اخیراً بین شرکت حمل و نقل جمهوری آسیای میانه و شرکت‌های ایرانی به ثبت رسیده است.

ماده ۱۶۵ـ در هر یک از شرکت‌های مختلط سهامی هیأت نظاری لااقل مرکب از سه نفر از شرکاء برقرار می‌شود و این هیأت را مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین می‌کند، انتخاب هیأت نظار برحسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید می‌شود در هر صورت اولین هیأت نظار برای یک سال انتخاب خواهد شد.

ماده ۱۶۶ـ اولین هیأت نظار باید بعد از انتخاب شدن بلافاصله تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که تمام مقررات مواد ۲۸ـ۲۹ـ۳۸ـ۳۹ـ۴۱ـ۵۰ این قانون رعایت شده است.

ماده ۱۶۷ـ اعضاء هیأت نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام مأموریت خود برطبق قوانین معمولهٔ مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود می‌باشند.

ماده ۱۶۸ـ اعضاء هیأت نظار دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق درآورده همه ساله راپرتی به مجمع عمومی می‌دهند و هرگاه در تنظیم صورت دارایی بی‌ترتیبی و خطایی مشاهده نمایند در راپرت مذکور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلایل خود را بیان می‌کنند.

ماده ۱۶۹ـ هیأت نظار می‌تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نماید و با موافقت رأی مجمع مزبور برطبق فقره (ب) ماده ۱۸۱ شرکت را منحل کند.

ماده ۱۷۰ـ تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می‌تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارایی و راپرت هیأت نظار اطلاع حاصل کند.

توضیح:

کنترل شرکت مختلط سهامی از طریق هیأتی که حداقل سه نفر می‌باشد از میان شرکاء با تصویب مجمع عمومی انتخاب می‌شود. شرکاء سهامی در این شرکت حق نظارت فردی در امور شرکت را ندارند و این حق فقط توسط نمایندگان آنها در هیأت نظارت اعمال می‌گردد. هیأت نظارت بعد از انتخاب شدن تحقیق می‌نمایند که تشکیل شرکت براساس مقررات صورت گرفته است یا خیر و سپس دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را بررسی نموده و در هر سال گزارشی به مجمع عمومی تقدیم می‌کنند و همچنین مجمع عمومی را دعوت می‌نمایند. مسئولیت هیأت نظار مانند مسئولیت وکیل در مقابل موکل است، اما در روابط حقوقی خود این مسئولیت تضامنی است.

در شرکت مختلط سهامی به مجامع عمومی شرکت موادی در قانون اختصاص داده نشده است ولی در مواد ۱۶۵ـ۱۶۹ـ۱۸۰ـ۱۸۱و ۱۸۲ به مجامع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی اشاره شده است.

ماده ۱۷۱ـ ورشکستگی هیچ یک از شرکاء ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸.

ماده ۱۷۲ـ حکم مواد ۱۲۴ و ۱۳۴ در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکاء ضامن آن جاری است.

ماده ۱۷۳ـ هرگاه شرکت مختلط سهامی ورشکست شود و شرکاء سهامی تمام قیمت سهام خود را نپرداخته باشند مدیر تصفیه آنچه را که برعهده آنها باقی است وصول می‌کند.

ماده ۱۷۴ـ اگر شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شد هریک از طلبکاران شرکت می‌تواند به هر یک از شرکاء سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده و در حدود بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه نماید مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچ یک از شرکاء سهامی را ندارند.

ماده ۱۷۵ـ اگر شرکت مختلط ورشکست شد تا قروض شرکت از دارایی آن تأدیه نشده طلبکاران شخصی شرکاء ضامن حقی به دارایی شرکت ندارند.

ماده ۱۷۶ـ مفاد مواد ۲۸ـ ۲۹ـ ۳۸ـ ۳۹ـ ۴۱ و ۵۰ شامل شرکت‌های مختلط سهامی است.

ماده ۱۷۷ـ هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد ۲۸ـ۲۹ـ۳۹ و ۵۰ تشکیل شود باطل است لیکن شرکاء نمی‌توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند.

ماده ۱۷۸ـ هرگاه شرکت برحسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده ۱۰۱ رفتار خواهد شد.

ماده ۱۷۹ـ مفاد مواد ۸۴ـ۸۵ـ۸۶ـ۸۷ این قانون در شرکت‌های مختلط نیز باید رعایت شود.

ماده ۱۸۰ـ مفاد مواد ۸۹ـ ۹۰ـ ۹۱ و ۹۲ این قانون در مورد شرکت مختلط نیز لازم‌الرعایه است.

توضیح:

مواد ۲۸ـ۲۹ـ۳۸ـ۳۹ـ۴۱ و ۵۰ مربوط به شرکت‌های سهامی منسوخه مصوب سال ۱۳۱۱ می‌باشد و در خصوص مقررات جزایی که نسبت به شرکت‌های مختلط سهامی لازم‌الرعایه می‌باشد.

ماده ۱۸۱ـ شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می‌شود:

الف) در مورد فقرات ۱ـ۲ و ۳ ماده ۹۳.

ب) برحسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد.

ج) برحسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکاء ضامن.

د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء ضامن مشروط بر این که انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشد.

در مورد فقرات ب و ج حکم ماده ۷۲ جاری است.

ماده ۱۸۲ـ هرگاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به انحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکاء ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلایل طرفداران انحلال را موجه ببیند

حکم به انحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکاء ضامن به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلایل را موجه ببیند.

مبحث ششم
شرکت نسبی

ماده ۱۸۳ـ شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجارتی در تحت اسم مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل می‌شود و مسئولیت هریک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته‌اند.

ماده ۱۸۴ـ در اسم شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی) و لااقل اسم یک نفر از شرکاء باید ذکر شود در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده عبارتی از قبیل «و شرکاء» و «برادران» ضروری است.

ماده ۱۸۵ـ دستور ماده ۱۱۸ـ۱۱۹ـ۱۲۰ـ۱۲۱ـ۱۲۲ـ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی نیز لازم‌الرعایه است.

توضیح:

شرکت نسبی که به فرانسه .La société à responsibilité proportionnelle و به انگلیسی proportional liability partnership گفته می‌شود مانند شرکت تضامنی از دو یا چند نفر تشکیل می‌شود. نحوه تأسیس و طرزکار و انحلال شرکت نسبی با توجه به مواد ۱۸۵ تا ۱۸۹ (ق.ت) همانند شرکت تضامنی می‌باشد (مواد ۱۱۸ تا ۱۲۳ و ۱۲۶) تنها وجه افتراق این دو شرکت در میزان مسئولیت مدنی شرکاء بعد از انحلال شرکت در مقابل طلب طلبکاران می‌باشد.

زیرا مسئولیت مدنی هر شریک در مقابل بدهی شرکت به نسبت سهم‌الشرکه شریک از کل قرض می‌باشد مثلاً اگر شرکت نسبی یک میلیون ریال سرمایه داشته باشد و قروض شرکت ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ شود و سه نفر شریک: آقای الف ۲۰٪ (۲۰۰/۰۰۰ ریال) و ب ۳۰٪ (۳۰۰/۰۰۰ ریال) و ج ۵۰٪ (۵۰۰/۰۰۰ ریال) سهم‌الشرکه داشته باشد اگر طلبکار به آقای الف مراجعه نماید می‌تواند ۲۰٪ طلب خود را که بالغ بر ۲۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد وصول نماید به همین نسبت شرکاء دیگر مسئول پرداخت بدهی خواهند بود در صورتی که در شرکت تضامنی طلبکار می‌تواند کل طلب را از یک یا چند نفری که بخواهد به نحو تضامن وصول نماید.

ماده ۱۸۶ـ اگر دارایی شرکت نسبی برای تأدیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تأدیه قروض شرکت است.

ماده ۱۸۷ـ مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می‌توانند با رعایت ماده فوق به فردفرد شرکاء مراجعه کنند.

ماده ۱۸۸ـ هرکس به عنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه که در شرکت می‌گذارد مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده باشد یا نشده باشد قرار شرکاء برخلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث اثر ندارد.

ماده ۱۸۹ـ مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسئولیت شرکاء که به نسبت سرمایه آنهاست) و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکت‌های نسبی نیز جاری است.

مبحث هفتم
شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف

ماده ۱۹۰ـ شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عده‌ای از ارباب حرف تشکیل می‌شود و شرکاء مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیاء یا اجناس به کار می‌برند.

ماده ۱۹۱ـ اگر در شرکت تولید یک عده از شرکاء در خدمت دائمی شرکت نبوده یا از اهل حرفه که موضوع عملیات شرکت است نباشند لااقل دو ثلث اعضاء اداره کننده شرکت باید از شرکایی انتخاب شوند که حرفه آنها موضوع عملیات شرکت است.

ماده ۱۹۲ـ شرکت تعاونی مصرف شرکتی است که برای مقاصد ذیل تشکیل می‌شود:

۱. فروش اجناس لازم برای مصارف زندگانی اعم از اینکه اجناس مزبور را شرکاء ایجاد کرده یا خریده باشند.
۲. تقسیم نفع و ضرر بین شرکاء به نسبت خرید هریک از آنها.

ماده ۱۹۳ـ شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا برطبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکاء ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود ولی در هرحال مفاد مواد ۳۲و ۳۳ لازم‌الرعایه است.

ماده ۱۹۴ـ در صورتی که شرکت تعاونی تولید یا مصرف مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل شود حداقل سهام یا قطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچ یک از شرکاء نمی‌توانند در مجمع عمومی بیش از یک رأی داشته باشند.

توضیح:

در حال حاضر قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مشتمل بر ۷۱ ماده ۵۰ تبصره شامل شرکت‌های تعاونی، اتحادیه تعاون، اتاق تعاون، وزارت تعاون در ۱۳۷۰/۶/۱۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در ۱۳۷۰/۶/۲۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده است طبق ماده ۷۱ قوانین و مقررات مغایر با قانون مزبور ملغی گردیده است. به نظر می‌رسد موادی که در قانون شرکت تعاونی تولید و مصرف مصوب سال ۱۳۱۱ و شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ با اصلاحات بعدی در قانون جدید به سکوت برگزار شده و مغایرتی هم نداشته باشد به قوت خود باقی است.

قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران[1]

فصل اول
اهداف و ضوابط کلی بخش تعاونی

ماده ۱ـ اهداف بخش تعاونی عبارتست از:

۱. ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل.

۲. قرار دادن وسائل کار در اختیار کسانی که قادر به کار هستند ولی وسائل کار ندارند.

۳. پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی.

۴. جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت.

۵. قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار خود.

۶. پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم و اضرار به غیر.

۷. توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم.

تبصره ـ اهداف مذکور این ماده باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد عملی شود.

توضیح:

تعاون یعنی کمک متقابل که از دوران باستان نزد ایرانیان از خصال حسنه و کردار نیک می‌باشد. بر همین طرز تفکر مردم ایران به هنگام بروز مشکلات

---

۱. قانون بخش تعاونی (ق.ب.ت) مشتمل بر ۷۱ ماده و ۵۰ تبصره در جلسه مورخ ۱۳۷۰/۶/۱۳ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۷۰/۶/۲۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.
روزنامه رسمی شماره ۱۳۵۷۲-۱۳۷۰/۷/۲۲

اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برخلاف برخی از جوامع غربی به کمک هم شتافته و یکدیگر را یاری و مساعدت می‌نمایند در اسلام به تعاون و تقوی تأکید شده و خداوند در سورهٔ مائده آیه شریفه ۲ می‌فرماید: «تَعاوَنوا عَلَی البِر وَ التَّقوی وَ لاتعَاوَنوا عَلَی الاثمِ و العُدوان....» باید شما در نیکوکاری و تقوی به یکدیگر کمک کنید نه در گناه و ستمکاری.

در دنیای امروز فقط شرکت‌های سهامی عام است که شکل حقوقی واحدهای بزرگ تولیدی و صنعتی و خدماتی و غیره را تشکیل می‌دهد. هدف این شرکت‌ها سودآوری است و در نتیجه موجبات تحرک و شکوفایی اقتصاد کشور را فراهم می‌نمایند. برعکس، در شرکت‌های تعاونی سود مورد توجه نیست بلکه تعاون و همکاری محور اصلی قانون را تشکیل می‌دهد. این شرکت‌ها در دنیای امروز نقش اقتصادی چندانی در کشور ندارند زیرا هدف همکاری متقابل و بهره‌وری برای اعضای تعاون بوده و اصل بر این است که قانون حقوق و تکالیف اعضاء، مدیران و اشخاص ثالث را تعیین می‌نماید و دولت چندان مداخله‌ای در این شرکت‌ها مانند تأسیس وزارتخانه ندارد.

ماده ۲ـ شرکت‌هایی که با رعایت مقررات این قانون تشکیل و به ثبت برسند تعاونی شناخته می‌شوند.

ماده ۳ـ دولت موظف است با رعایت این قانون و در حد مقررات به گونه‌ای که زمینه اداره یا دخالت در اداره تعاونی‌ها یا کارفرمای مطلق شدن دولت فراهم نیاید با بخش تعاونی همکاری نموده و امکانات و تسهیلات لازم را با هماهنگی وزارت تعاون در اختیار آنها قرار دهد.

ماده ۴ـ دولت و کلیه سازمان‌های وابسته موظفند در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های خود در شرایط مساوی اولویت را به بخش تعاونی بدهند.

ماده ۵ـ اساسنامه هریک از تعاونی‌ها باید با رعایت مقررات این قانون

شامل نکات زیر باشد:
نام با قید کلمه تعاونی، هدف، موضوع، نوع، حوزه عملیات، مدت، مرکز اصلی عملیات و نشانی، میزان سرمایه، مقررات مربوط به عضو، ارکان، مقررات مالی و کار، انحلال و تصفیه.
تبصره ـ تابعیت تعاونی‌ها باید ایرانی باشد.

ماده ۶ـ حداقل و حداکثر تعداد عضو در تعاونی‌ها به نسبت سرمایه و فرصت اشتغال و نوع فعالیت و رعایت اصل تمرکز و تداول ثروت به وسیله آیین‌نامه‌ای تعیین می‌شود که به تصویب وزارت تعاون می‌رسد ولی در هر صورت تعداد اعضاء نباید کمتر از ۷ نفر باشد.

ماده ۷ـ شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشند.

توضیح:

در این مواد شرکت تعاونی در شکل حقوقی شرکت‌های سهامی همانند قانون منسوخه ۱۳۵۰ اصلاحی ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴ که از حقوق کشورهای اسکاندیناوی اقتباس شده بود می‌باشد که سرمایه به سهام تقسیم شده و هر عضو تعاونی می‌تواند تعداد سهامی را که داوطلب می‌باشد خریداری نماید.

فصل دوم
عضو

ماده ۸ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) عضو در شرکت‌های تعاونی شخصی است حقیقی یا حقوقی غیر دولتی که واجد شرایط مندرج در این قانون بوده و ملتزم به اهداف بخش تعاونی و اساسنامه قانونی آن تعاونی باشد.

تبصره ۱ـ در تعاونی‌های اشتغال‌زا کمک‌های دولتی به نسبت اعضای شاغل در آن تعاونی واگذار می‌شود.
تبصره ۲ـ در تعاونی‌های چند منظوره‌ای در صورتی که عضویت برای همه آزاد باشد، داشتن عضو غیر شاغل مجاز است، اما هیأت مدیره و مدیر عامل باید از میان اعضاء شاغل انتخاب گردد.

ماده ۹ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) شرایط عضویت در تعاونی‌ها عبارتست از:
۱. تابعیت جمهوری اسلامی ایران.
۲. عدم ممنوعیت قانونی و حجر.
۳. خرید حداقل سهام مقرر در اساسنامه.
۴. درخواست کتبی عضویت و تعهد رعایت مقررات اساسنامه تعاونی.
۵. عدم عضویت در تعاونی مشابه.

ماده ۱۰ـ اعضاء در کلیه امور تعاونی طبق اساسنامه حق نظارت دارند.

ماده ۱۱ـ کلیه اعضاء مکلفند به وظایف و مسئولیت‌هایی که در حدود قوانین و مقررات تعهد کرده‌اند عمل کنند.

ماده ۱۲ـ خروج عضو از تعاونی اختیاریست و نمی‌توان آن را منع کرد.
تبصره ۱ـ اعضاء متخصص تعاونی‌های تولید حداقل شش ماه قبل از استعفاء باید مراتب را کتباً به اطلاع تعاونی برسانند.
تبصره ۲ـ درصورتی‌که خروج عضو موجب ضرری باشد، وی ملزم به جبران است.

توضیح:

در این مواد شرایط عضویت پیش‌بینی گردیده است و اعضاء باید طبق

اساسنامه رفتار کنند و نیز حق نظارت به کلیه امور تعاونی را دارند. اخراج عضو تعاونی برخلاف شرکت سهامی امکان‌پذیر می‌باشد. ضمناً هر عضوی می‌تواند تحت شرایطی از تعاونی خارج شود اما در شرکت سهامی، سهامدار فقط حق انتقال سهام خود را دارد بدون آنکه شرکت بتواند او را اخراج کند یا سهام او را خریداری نماید (ماده ۱۹۸ ل.ا.ق.ت) زیرا هدف، ایجاد ثبات سرمایه‌گذاری و اجرای برنامه تجارتی شرکت سهامی در کوتاه مدت (دو سال) و میان مدت (بین دو تا پنج سال) می‌باشد که از نظر مدیریت و سودآوری شرکت و فروش سهام آن در بازار بورس با توجه به برنامه تنظیمی دارای اهمیت زیاد می‌باشد.

ماده ۱۳ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) در موارد زیر عضو از تعاونی اخراج می‌شود:

۱. از دست دادن هر یک از شرایط عضویت مقرر در این قانون.

۲. عدم رعایت مقررات اساسنامه و سایر تعهدات قانونی پس از دو اخطار کتبی توسط هیأت مدیره به فاصله ۱۵ روز و گذشتن ۱۵ روز از تاریخ اخطار دوم با تصویب مجمع عمومی عادی.

۳. ارتکاب اعمالی که موجب زیان مادی تعاونی شود و وی نتواند ظرف مدت یک سال آن را جبران نماید یا اعمالی که به حیثیت و اعتبار تعاونی لطمه وارد کند یا با تعاونی رقابتی ناسالم بنماید.

تبصره ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) تشخیص موارد فوق بنا به پیشنهاد هر یک از هیأت مدیره یا بازرسان و تصویب مجمع عمومی خواهد بود.

ماده ۱۴ـ در صورت فوت عضو ورثه که واجد شرایط و ملتزم به رعایت مقررات تعاونی باشند، عضو تعاونی شناخته شده و در صورت تعدد بایستی ما به التفاوت افزایش سهم ناشی از تعدد خود را به تعاونی بپردازند. اما اگر کتباً اعلام نمایند که مایل به ادامه عضویت در تعاونی

نیستند و یا هیچکدام واجد شرایط نباشند، عضویت لغو می‌گردد.
تبصره ـ اگر تعداد ورثه بیش از ظرفیت تعاونی باشد، یک یا چند نفر به تعداد مورد نیاز تعاونی با توافق سایر وراث عضو تعاونی شناخته می‌شوند.

ماده ۱۵ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) در صورت لغو عضویت به سبب فوت، استعفاء، انحلال و اخراج، سهم و کلیه حقوق و مطالبات عضو برابر مقررات اساسنامه و قرارداد منعقده محاسبه و به دیون تعاونی تبدیل می‌شود که پس از کسر بدهی وی به تعاونی، به او یا ورثه‌اش حداکثر ظرف مدت سه ماه پرداخت خواهد شد.
تبصره ـ در صورتی‌که ورثه تقاضا نماید که سهم عضو متوفی از عین اموال تعاونی پرداخت شود و تراضی یا مصالحه ممکن نباشد چنانچه عین قابل واگذاری بوده و موجب اخلال و ضرر فاحش به اعضاء و تعاونی نگردد آن قسمت از مطالبات تسلیم ورثه می‌گردد.

توضیح:

در این مواد شرایط اخراج تعاونی قید شده است بنظر می‌رسد با توجه فلسفه وجودی شرکت تعاونی ضرورتی به اخراج عضو ندارد.

فصل سوم

سرمایه

ماده ۱۶ـ سرمایه تعاونی اموال و دارایی‌هایی است که برای تأسیس تعاونی یا افزایش سرمایه قبلی در اختیار آن قرار می‌گیرد.

ماده ۱۷ـ شرکت‌های تعاونی شرکت‌هایی است که تمام یا حداقل ٪۵۱

سرمایه بوسیله اعضاء در اختیار شرکت تعاونی قرار می‌گیرد و وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و تحت پوشش دولت، بانک‌ها، شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی کشوری، بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای عمومی می‌توانند جهت اجرای بند ۲ اصل ۴۳ از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر از قبیل مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره، اجاره به شرط تملیک، بیع شرط، فروش اقساطی، صلح، اقدام به کمک در تأمین یا افزایش سرمایه شرکت‌های تعاونی نمایند بدون آنکه عضو باشند.

تبصره ـ در مواردی که دستگاه‌های دولتی در تأسیس شرکت‌های تعاونی شریک می‌شوند ظرف مدتی که با موافقت طرفین در ضمن عقد شرکت تعیین خواهد شد سهم سرمایه‌گذاری دولت به تدریج بازپرداخت و صد در صد سرمایه به تعاونی تعلق خواهد گرفت.

ماده ۱۸ـ دولت می‌تواند با رعایت اصول چهل و سوم و چهل و چهارم قانون اساسی، واحدهای صنعتی یا کشاورزی یا خدماتی و امثال آن را که از اموال عمومی است و در اختیار دارد در اختیار شرکت‌های تعاونی بصورت زیر قرار دهد:

۱. واحدهای مذکور را بصورت حبس موقت یا مادام که تعاونی بصورت قانونی وجود داشته باشد، در اختیار تعاونی قرار دهد و تعاونی مالک منافع آن باشد.

۲. در صورتی که واحدهای مذکور کارکنان واجد شرایط داشته باشند، در عضویت آن تعاونی لولویت خواهد داشت.

۳. دولت می‌تواند طبق قرارداد بابت استهلاک یا بازسازی یا نگهداری یا توسعه واحد مزبور سالانه مبلغی نقد و یا کالا دریافت نماید.

۴. دولت می‌تواند در واگذاری واحدهای فوق و سایر امکانات، مقرراتی به عنوان شرایط الزامی در رعایت سیاست‌های دولت در

قیمت‌گذاری و برنامه‌ریزی تولید و توزیع و تأمین منافع عمومی، تعیین نماید.

ماده ۱۹ـ در استفاده از وام و کمک‌های مالی دولتی اولویت با تعاونی‌هایی است که از بانک‌ها طبق قانون عملیات بانکی بدون بهره وام دریافت نکرده باشند.

توضیح:

سرمایه شرکت تعاونی شامل اموال و دارایی‌هایی است که سهامداران به هنگام تأسیس یا افزایش سرمایه پذیره‌نویسی نموده‌اند. به موجب ماده ۱۷ (ق.ب.ت) حداقل ۵۱٪ سرمایه شرکت تعاونی باید به وسیله اعضاء تأمین گردد و بخش دولتی، عمومی و نهادها می‌توانند در ۴۹٪ بقیه سرمایه مشارکت نمایند.

ماده ۲۰ـ سهم اعضاء در تأمین سرمایه شرکت‌های تعاونی برابر است مگر مجمع عمومی تصویب نماید که اعضاء سهم بیشتری تأدیه نمایند که در این صورت حداقل و حداکثر سهم‌ها باید در حدودی باشد که وزارت تعاون متناسب با نوع و تعداد اعضاء تعاونی‌ها تعیین می‌نماید.

ماده ۲۱ـ هر تعاونی وقتی ثبت و تشکیل می‌شود که حداقل یک سوم سرمایه آن تأدیه و در صورتی که بصورت نقدی و جنسی باشد تقویم و تسلیم شده باشد.
تبصره ـ اعضاء تعاونی مکلفند مبلغ پرداخت نشده سهم خود را ظرف مدت مقرر در اساسنامه تأدیه نمایند.

ماده ۲۲ـ عضو یا اعضای تعاونی می‌توانند با رعایت مقررات این قانون سهم خود را به سایر اعضاء و یا افراد جدید واجد شرایط واگذار نمایند.

توضیح:

ماده ۲۰ (ق.ب.ت) مانند شرکت‌های سهامی، اصل تساوی حقوق سهامداران در سرمایه‌گذاری پذیرفته شده است و هر عضو دارای یک رأی می‌باشد ولی در شرکت‌های سهامی هر سهم دارای یک رأی می‌باشد.

قسمت دوم ماده به مجمع اختیار داده که برای خرید سهام حداقل و حداکثری با موافقت وزارت تعاون تعیین نماید با این ترتیب اصل آزادی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تعاونی از سهامداران سلب گردیده است. بعلاوه مجمع مزبور می‌تواند تعهدات سهامداران تعاونی را بدون تمایل آنان افزایش دهد ولی در شرکت‌های سهامی افزایش تعهدات سهامداران توسط مجمع ممنوع شده است.(ماده ۹۴ ل.ا.ق.ت).

ماده ۲۳ـ مسئولیت مالی اعضاء در شرکت‌های تعاونی محدود به میزان سهم آنان می‌باشد مگر آنکه در قرارداد ترتیب دیگری شرط شده باشد.

تبصره ـ مسئولیت دستگاه‌های عمومی تأمین کننده سرمایه تعاونی‌ها به میزان سرمایه متعلق به آنان می‌باشد مگر آنکه در قرارداد ترتیب دیگری شرط شده باشد.

توضیح:

ماده فوق مسئولیت مدنی سهام‌دار را مانند شرکت‌های سهامی تا میزان سهام او تعیین کرده ولی در قسمت دوم میزان مسئولیت مدنی را موکول به قرارداد بین شرکت و سهام‌دار نموده است.

ماده ۲۴ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) دولت موظف است جهت تحقق اهداف مندرج در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی و افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی با رعایت ضرورت‌ها در قالب برنامه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور شرایط و امکانات لازم را برای گسترش

کمی و کیفی تعاونی‌ها به گونه‌ای که این بخش، نقش موثر در رشد و توسعه اقتصادی ایفا نماید فراهم آورد.

تبصره ۱ــ به منظور فوق دولت می‌تواند با استفاده از منابع بودجه‌ای یا منابع بانکی با تضمین دولت، وام بدون بهره در اختیار تعاونی قرار دهد و اموال منقول و یا غیر منقول و وسایل و امکانات لازم را به قیمت عادله به طور نقد و یا اقساط برای تشکیل و تقویت تعاونی‌ها به آنها بفروشد و یا به آنها اجاره دهد و یا اقدام به عقد اجاره بشرط تملیک بنماید و یا سهام شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته دولت و بانک‌ها و مصادره و ملی شده را به تعاونی‌ها منتقل نماید.

تبصره ۲ــ بانک‌ها موظف‌اند جهت سرمایه‌گذاری و یا افزایش سرمایه تعاونی‌ها و یا تقویت آنها وام و سایر تسهیلات اعطائی را در اختیار آنان قرار دهند و می‌توانند قرارداد نمایند که سرمایه‌هایی که از محل وام و سایر تسهیلات اعطائی تأمین می‌شود به عنوان ضمانت و یا وثیقه و یا رهن در نزد بانک باشد و یا در صورتی که تعاونی قادر به بازپرداخت وام نباشد بانک مطالبات خود را از طریق فروش اموال تعاونی تسویه نماید که در خرید اینگونه اموال تعاونی‌های دیگر اولویت دارند.

توضیح:

تعهدات دولت در ماده ۲۴ (ق.ب.ت) راجع به استفاده از منابع بانکی یا وام بدون بهره توسط تعاونی‌ها با واقعیت اقتصادی تطبیق نمی‌نماید زیرا برای اجرای مفاد این ماده امکاناتی فراهم نشده است.

فصل چهارم

حساب سود و زیان و تقسیم سود و سایر مقررات مالی

ماده ۲۵ـ سود خالص شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی در هر سال مالی به ترتیب زیر تقسیم می‌شود:

۱. (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) از حداقل پنج درصد (۵٪) به بالا با تصویب مجمع عمومی عادی به عنوان ذخیره تعاونی به حساب ذخیره قانونی منظور می‌شود.

تبصره ۱ـ ذخیره قانونی تا زمانی که مبلغ کل ذخیره حاصل از درآمدهای مذکور به میزان یک چهارم معدل سرمایه سه سال اخیر شرکت نرسیده باشد الزامی است.

تبصره ۲ـ تعاونی‌ها می‌توانند تا حداکثر یک دوم ذخیره قانونی را جهت افزایش سرمایه خود بکار ببرند.

۲. (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) حداکثر پنج درصد از سود خالص به عنوان اندوخته احتیاطی به پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی عادی به حساب مربوط منظور می‌گردد و نحوه مصرف آن با تصویب مجمع عمومی عادی است.

۳. چهار درصد از سود خالص به عنوان حق تعاون و آموزش به صندوق تعاون واریز می‌گردد.

۴. (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) درصدی از سود جهت پاداش به اعضاء کارکنان، مدیران و بازرسان به پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی عادی تخصیص داده می‌شود.

۵. پس از کسر وجوه فوق باقیمانده سود خالص به ترتیبی که در اساسنامه و شرایط ضمن عقد پذیرفته می‌شود تقسیم می‌گردد.

توضیح:

ماده ۲۵ در مورد تقسیم سود خالص شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی در هر سال مالی ترتیب خاصی پیش‌بینی شده است. و سود خالص یا ویژه پس از کسر هزینه‌ها، استهلاکات، زیان سنوات قبل حاصل می‌شود و از سود مزبور ۵٪ به عنوان ذخیره تعاونی به حساب ذخیره قانونی منظور شده و تا زمانی که میزان آن به یک چهارم معدل سرمایه ۳ سال اخیر شرکت نرسیده باشد، کسر ذخیره مذکور الزامی است. از سود خالص حداکثر تا ۵٪ به عنوان اندوخته احتیاطی منظور می‌شود و به هنگام افزایش سرمایه می‌توان از $\frac{1}{2}$ ذخیره قانونی استفاده نمود. سرانجام از سود خالص به میزان ۴٪ به عنوان حق تعاون و آموزش و نیز درصدی جهت پاداش به اعضاء، کارکنان، مدیران و بازرسان به ترتیب مقرر تخصیص داده می‌شود در خاتمه پس از کسر وجوه مذکور سود خالص باقی مانده طبق اساسنامه بین اعضاء تقسیم می‌گردد که بسیار اندک است زیرا هدف در تعاونی‌ها سودآوری نمی‌باشد.

فصل پنجم
تعاونی‌های تولید و توزیع

ماده ۲۶ـ تعاونی‌های تولید شامل تعاونی‌هایی است که در امور مربوط به کشاورزی، دامداری، دامپروری، پرورش و صید ماهی، شیلات، صنعت، معدن، عمران شهری و روستائی و عشایری و نظایر این‌ها فعالیت می‌نمایند.

تبصره ـ تعاونی‌های تولید در کلیه اولویت‌ها و حمایت‌های مربوط به تعاونی‌ها حق تقدم دارند.

ماده ۲۷ـ تعاونی‌های توزیع عبارتند از تعاونی‌هایی که نیاز مشاغل تولیدی و یا مصرف‌کنندگان عضو خود را در چهارچوب مصالح عمومی و

بمنظور کاهش هزینه‌ها و قیمت‌ها تأمین می‌نمایند.

تبصره ـ تعاونی‌های توزیع مربوط به تأمین کالا و مسکن و سایر نیازمندی‌های روستائیان و عشایر و کارگران و کارمندان از نظر گرفتن سهمیه کالا و حمایت‌های دولتی و بانکی و سایر حمایت‌های مربوط به امور تهیه و توزیع اولویت دارند.

ماده ۲۸ـ شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و تعاونی‌ها موظف‌اند در معاملات خود به تعاونی‌ها اولویت دهند.

تبصره ـ تعاونی‌های موضوع این قانون با رعایت قوانین و مقررات می‌توانند به امر صادرات و واردات در موضوع فعالیت خود بپردازند.

فصل ششم

ارکان تعاونی‌ها

ماده ۲۹ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) شرکت‌های تعاونی برای اداره امور خود دارای ارکان زیر می‌باشند:

۱. مجمع عمومی.
۲. هیأت مدیره.
۳. بازرس یا بازرسان.

بخش اول ـ مجمع عمومی

ماده ۳۰ـ مجمع عمومی که براساس این قانون بالاترین مرجع اتخاذ تصمیم و نظارت در امور شرکت‌های تعاونی می‌باشد، از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار آنها به صورت عادی و فوق‌العاده تشکیل می‌شود و هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم فقط دارای یک رأی است.

تبصره ۱ـ در شرکت‌های تعاونی هر یک از دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، شوراهای اسلامی کشوری و سازمان‌های عمومی که در تعاونی مشارکت یا سرمایه‌گذاری کرده‌اند می‌توانند نماینده‌ای برای نظارت و بازرسی در تعاونی و شرکت در جلسات مجمع عمومی و هیأت مدیره به عنوان ناظر داشته باشند.

تبصره ۲ـ انحلال، ادغام یا تغییر موادی از اساسنامه تعاونی که مغایر شروط و قراردادهای منعقده با منابع تأمین کننده اعتبار و کمک مالی و امکانات مختلف و سرمایه‌گذاری و مشارکت باشد موکول به موافقت مراجع مذکور خواهد بود.

توضیح:

مجمع عمومی شرکت تعاونی بالاترین مرجع تصمیم‌گیری و نظارت در امور شرکت‌های تعاونی می‌باشد که به صورت مجمع عمومی عادی یا مجمع عمومی فوق‌العاده از اعضای شرکت تعاونی یا نمایندگان دستگاه‌ها، شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، شوراهای اسلامی و سازمان‌های دولتی که در تعاونی مشارکت یا سرمایه‌گذاری کرده‌اند تشکیل می‌شود.

به موجب تبصره ۲ ماده مذکور انحلال، ادغام یا تغییر موادی از اساسنامه موکول به موافقت مراجع مذکور است. در حقوق تجارت ایران ادغام شرکت‌ها فقط در شرکت‌های تعاونی پذیرفته شده است. هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم دارای یک رأی در مجمع عمومی می‌باشد. (قسمت اول ماده ۳۰) برخلاف شرکت‌های سهامی که هر سهم دارای یک رأی می‌باشد. (تبصره ماده ۷۵ ل.ا.ق.ت).

ماده ۳۱ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) هیأت مؤسس عبارت است از عده‌ای از افراد واجد شرایط عضویت در تعاونی مربوط که اقدام به تأسیس تعاونی می‌نمایند.

ماده ۳۲ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) وظایف هیأت مؤسس عبارتست از:

۱. تهیه و پیشنهاد اساسنامه طبق قانون و مقررات.

۲. دعوت به عضویت افراد واجد شرایط.
۳. تشکیل اولین مجمع عمومی عادی جهت تصویب و ثبت اساسنامه و تعیین هیأت مدیره و سایر وظایف مجمع عمومی عادی.

تبصره ۱ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) پس از تشکیل اولین جلسه رسمی مجمع عمومی عادی و تعیین هیأت مدیره، وظایف هیأت مؤسس خاتمه می‌یابد.

تبصره ۲ـ اعضایی که با مصوبه اولین جلسه مجمع عمومی عادی در مورد اساسنامه موافقت نداشته باشند می‌توانند در همان جلسه تقاضای عضویت خود را پس بگیرند.

تبصره ۳ـ تصویب اساسنامه تعاونی با حداقل دو سوم اعضاء اولین مجمع عمومی عادی می‌باشد.

توضیح:

به موجب تبصره ۳ ماده ۳۲ (ق. ب. ت) اساسنامه شرکت تعاونی با حداقل $\frac{۲}{۳}$ اعضای اولین مجمع عادی به تصویب می‌رسد. این تبصره برخلاف ماده ۹۲ شرکت‌های سهامی می‌باشد که به موجب ماده اخیر در مجمع عمومی مؤسس با $\frac{۲}{۳}$ اعضای حاضر در جلسه به تصویب می‌رسد. به نظر می‌رسد که ماده ۳۲ (ق.ب.ت) براساس ماده ۹۲ (ل.ا.ق.ت) اصلاح گردد.

ماده ۳۳ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) مجمع عمومی عادی حداقل سالی یکبار پس از پایان سال مالی جهت انجام وظایف قانونی خود تشکیل می‌شود.
در موارد ضروری در هر موقع سال می‌توان مجمع عمومی عادی را به صورت فوق‌العاده تشکیل داد.

تبصره ۱ـ جلسات مجمع عمومی عادی در نوبت اول با حضور اکثریت اعضاء رسمیت می‌یابد و در صورت عدم حصول حد نصاب مزبور، در نوبت دوم با حضور هر تعداد از اعضای رسمی خواهد بود.

تبصره ۲ـ مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی فرا استانی و یا شرکت‌هایی

که تعداد اعضای آنها افزون بر پانصد عضو بوده و در مناطق مختلف کشور پراکنده می‌باشند می‌توانند به صورت دو مرحله‌ای برگزار گردد.

در مرحله اول نماینده یا نمایندگان اعضای تعاونی در حوزه‌های مختلف فعالیت شرکت تعیین و در مرحله دوم، مجمع عمومی با حضور نمایندگان منتخب اعضا تشکیل خواهد شد.

چگونگی انتخاب نماینده یا نمایندگان در مرحله اول و حدود اختیارات و نحوه اعمال رأی آنها در مرحلهٔ دوم مجمع عمومی براساس دستورالعملی خواهد بود که از سوی وزارت تعاون ابلاغ می‌گردد.

تبصره ۳ـ نحوه تشکیل مجمع عمومی مطابق با آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت تعاون تهیه می‌شود. در صورتی که هیأت مدیره‌ای در موعد مقرر به تشکیل مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده مبادرت نکند وزارت تعاون رأساً نسبت به برگزاری مجمع عمومی اقدام خواهد نمود.

تبصره ۴ـ تشکیل جلسات و تصمیمات مجامع عمومی تعاونی‌هایی که دارای بیش از یکصد نفر عضو می‌باشند الزاماً از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشاری که در مجمع عمومی تعیین گردیده است به اطلاع اعضاء خواهد رسید.

ماده ۳۴ـ وظایف و اختیارات مجمع عمومی عادی به شرح زیر است:

۱. انتخاب هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان برای مدت دو سال.
۲. رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره ترازنامه و حساب سود و زیان و سایر گزارش‌های مالی هیأت مدیره.
۳. تعیین خط مشی و برنامه تعاونی و تصویب بودجه جاری و سرمایه‌گذاری و اعتبارات و وام‌های درخواستی و سایر عملیات مالی به پیشنهاد هیأت مدیره.

۴. اتخاذ تصمیم نسبت به افزایش و یا کاهش سرمایه در حدود قوانین و مقررات.
۵. اخذ تصمیم نسبت به ذخایر و پرداخت سود و مازاد درآمد و تقسیم آن طبق اساسنامه.
۶. تصویب مقررات و دستورالعمل‌های داخلی تعاونی.
۷. سایر وظایفی که قوانین و مقررات برعهده مجمع عمومی قرار می‌دهد.
۸. (الحاقی ۱۳۷۷/۷/۵) ــ تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های شرکت.
۹. (الحاقی ۱۳۷۷/۷/۵) ـ اتخاذ تصمیم در مورد عضویت شرکت تعاونی در شرکت‌ها و اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون و میزان سهام و یا حق عضویت سالانه پرداختی براساس موازین مقرر در این قانون.

توضیح:

مجمع عمومی عادی به موجب ماده ۳۳ و ۳۴ (ق.ب.ت) سالی یک مرتبه پس از پایان سال مالی یک بار برای انتخاب مدیران و بازرسان و رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارشات آنان و سایر موارد مندرج در ماده ۳۴ (ق.ب.ت) تشکیل می‌شود. در بند ۴ ماده ۳۴ قانون‌گذار افزایش و یا کاهش سرمایه را در صلاحیت مجمع عمومی عادی گذاشته است.

ماده ۳۵ـ مجمع عمومی فوق‌العاده به منظور تغییر مواد در اساسنامه (در حدود این قانون). تصمیم‌گیری نسبت به عزل یا قبول استعفای هیأت مدیره و انحلال یا ادغام تعاونی تشکیل می‌گردد.
تبصره ۱ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) مجمع عمومی فوق‌العاده بنا به تقاضای کتبی حداقل یک سوم اعضاء تعاونی و یا اکثریت مطلق اعضاء هیأت مدیره و یا بازرس یا بازرسان با حضور حداقل دو سوم اعضاء کل

مجمع تشکیل می‌شود در صورتی که بار اول با دو سوم اعضاء تشکیل نشود، بار دوم با نصف بعلاوه یک و در نوبت سوم با هر تعداد شرکت کننده رسمیت خواهد داشت.

تبصره ۲ـ در صورتی که هیأت مدیره ظرف مدت حداکثر یک ماه نسبت به تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده اقدام ننماید، وزارت تعاون نسبت به تشکیل مجمع عمومی اقدام می‌نماید.

توضیح:

مجمع عمومی فوق‌العاده به منظور تغییر در مواد اساسنامه و یا عزل یا قبول استعفای هیأت مدیره و انحلال یا ادغام تعاونی تشکیل می‌شود. به نظر می‌رسد عزل و یا استعفای هیأت مدیره در صلاحیت مجمع عمومی عادی می‌باشد. اصلح است که وظایف و اختیارات مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده شرکت تعاونی با مقرات مجامع شرکت‌های سهامی هماهنگ گردد که از نظر مقایسه مواد قانون و آموزش مفید خواهد بود.

بخش دوم ـ هیأت مدیره

ماده ۳۶ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵) اداره امور تعاونی طبق اساسنامه برعهده هیأت مدیره‌ای مرکب از حداقل ۳ نفر و حداکثر ۷ نفر عضو اصلی و تا یک سوم اعضاء اصلی، اعضاء علی‌البدل می‌باشند که از این اعضاء برای مدت سه سال و با رأی مخفی انتخاب می‌گردند. اخذ رأی برای انتخاب اعضاء اصلی در یک نوبت به عمل می‌آید حائزین اکثریت بعد از اعضاء اصلی به ترتیب اعضاء علی‌البدل شناخته می‌شوند و انتخاب مجدد هر یک از اعضاء اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره حداکثر برای دو نوبت متوالی بلامانع است.

تبصره ۱ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ افرادی که موفق به کسب دو سوم آرای کل اعضای شرکت تعاونی مزبور شوند از مقررات ممنوعیت بیش از دو نوبت مندرج در ماده مستثنی خواهند بود.

تبصره ۲ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره با اکثریت نسبی مجمع عمومی می‌باشد.

تبصره ۳ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ هیأت مدیره در اولین جلسه از میان خود یک نفر را به عنوان رئیس هیأت مدیره، یک نفر را به عنوان نایب رئیس و یک یا دو نفر را به عنوان منشی انتخاب می‌کند.

تبصره ۴ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ در صورت استعفا، فوت، ممنوعیت قانونی و یا غیبت غیر موجه مکرر (به نحوی که در اساسنامه تعیین می‌شود) اعضای هیأت مدیره یکی از اعضای علی‌البدل به ترتیب آرا بیشتر برای بقیه مدت مقرر به جانشینی وی در جلسات هیأت مدیره شرکت می‌نماید.

تبصره ۵ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ اعضای هیأت مدیره می‌توانند با تصویب مجمع عمومی حقوق و مزایا دریافت نمایند. در صورتی که عضو هیأت مدیره از محل دیگری حقوق می‌گیرد در تعاونی مربوط صرفاً پاداش دریافت خواهد کرد. حداقل و حداکثر حقوق و مزایای هیأت مدیره و پاداش آنان و موارد استثنا به موجب آیین‌نامه‌ای است که به تأیید وزارت تعاون خواهد رسید.

توضیح:

به موجب تبصره ۴ ماده مزبور خدمات اعضای هیأت مدیره در ازاء عضویت در هیأت مدیره بلاعوض می‌باشد ولی مجمع می‌تواند مبلغی از سود خالص را به عنوان پاداش به آنان پرداخت نماید. به نظر می‌رسد که تبصره مزبور نقش مدیریت را در شرکت‌های تعاونی ضعیف کرده است.

ماده ۳۷ـ وظایف و اختیارات هیأت مدیره به شرح زیر می‌باشد:

۱. دعوت مجمع عمومی (عادی ـ فوق‌العاده).

۲. اجرای اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی و سایر مقررات مربوط.

۳. نصب و عزل و قبول استعفای مدیر عامل و نظارت بر عملیات وی و پیشنهاد میزان حقوق مدیرعامل به مجمع عمومی.
۴. قبول درخواست عضویت و اخذ تصمیم نسبت به انتقال سهم اعضاء به یکدیگر و دریافت استعفای هر یک از اعضاء هیأت مدیره.
۵. نظارت بر مخارج جاری تعاونی و رسیدگی به حساب‌ها و ارائه به بازرس یا بازرسان و تسلیم به موقع گزارش مالی و ترازنامه تعاونی به مجمع عمومی.
۶. تهیه و تنظیم طرح‌ها و برنامه‌ها و بودجه و سایر پیشنهادات و ارائه آن به مجمع عمومی جهت اتخاذ تصمیم.
۷. تعیین نماینده از بین اعضای تعاونی برای حضور در جلسات مجامع عمومی شرکت‌ها و اتحادیه‌هایی که تعاونی در آنها مشارکت دارد.
۸. تهیه و تنظیم دستورالعمل‌های داخلی تعاونی و تقدیم آن به مجمع عمومی برای تصویب.
۹. تعیین نماینده یا وکیل در دادگاه‌ها و مراجع قانونی و سایر سازمان‌ها با حق توکیل غیر.
۱۰. تعیین و معرفی صاحبان امضای مجاز (یک یا دو نفر از اعضاء هیأت مدیره به اتفاق مدیرعامل) برای قراردادها و اسناد تعهدآور تعاونی.

تبصره ـ هیأت مدیره وظایف خود را به صورت جمعی انجام می‌دهد و هیچ یک از اعضای هیأت مدیره حق ندارد از اختیارات هیأت، منفرداً استفاده کند مگر در موارد خاص که وکالت یا نمایندگی کتبی از طرف هیأت مدیره داشته باشد.

هیأت مدیره می‌تواند قسمتی از اختیارات خود را با اکثریت سه چهارم آراء به مدیر عامل تفویض نماید.

ماده ۳۸ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ اعضای هیأت مدیره،مدیرعامل و بازرسان باید واجد شرایط زیر باشند:

۱. تابعیت جمهوری اسلامی ایران.
۲. ایمان و تعهد عملی به اسلام (در تعاونی‌های متشکل از اقلیت دینی شناخته شده در قانون اساسی تعهد عملی به دین خود).
۳. دارا بودن اطلاعات یا تجربه لازم برای انجام وظایف متناسب با آن تعاونی.
۴. عدم ممنوعیت قانونی و حجر.
۵. عدم عضویت در گروههای محارب و عدم ارتکاب جرایم بر ضد امنیت و جعل اسناد.
۶. عدم سابقه محکومیت، ارتشا، اختلاس، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تدلیس، تصرف غیر قانونی در اموال دولتی و ورشکستگی به تقصیر.

ماده ۳۹ـ هیأت مدیره مکلف است بلافاصله بعد از انتخاب جهت مدیریت عملیات تعاونی و اجرای تصمیمات مجمع عمومی و هیأت مدیره فرد واجد شرایطی را از بین اعضای تعاونی و یا از خارج تعاونی برای مدت دو سال بعنوان مدیرعامل آن تعاونی انتخاب کند که زیر نظر هیأت مدیره انجام وظیفه نماید. وظایف و اختیارات و حقوق و مزایای مدیر عامل طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که بنا به پیشنهاد هیأت مدیره به تصویب مجمع عمومی خواهد رسید.

بخش سوم ـ بازرسی

ماده ۴۰ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ مجمع عمومی عادی بازرس یا بازرسانی را اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی برای مدت یک سال مالی انتخاب می‌کند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

تبصره ۱ـ در صورت فوت یا ممنوعیت قانونی و یا استعفای بازرس یا

بازرسان اصلی، هیأت مدیره مکلف است ظرف ده روز بازرس یا بازرسان علی‌البدل را به ترتیب اولویت آراء برای بقیه مدت دعوت نماید.

تبصره ۲ـ حق الزحمه و پاداش بازرس یا بازرسان با تصویب مجمع عمومی تعیین می‌گردد.

ماده ۴۱ـ وظایف بازرس یا بازرسان تعاونی به شرح زیر است:

۱. نظارت مستمر بر انطباق نحوه اداره امور تعاونی و عملیات و معاملات انجام شده با اساسنامه و قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های مربوطه.

۲. رسیدگی به حساب‌ها، دفاتر، اسناد، صورت‌های مالی از قبیل ترازنامه و حساب‌های عملکرد و سود و زیان، بودجه پیشنهادی و گزارشات هیأت مدیره به مجمع عمومی.

۳. رسیدگی به شکایت اعضاء و ارائه گزارش به مجمع عمومی و مراجع ذیربط.

۴. تذکر کتبی تخلفات موجود در نحوه اداره امور تعاونی به هیأت مدیره و مدیرعامل و تقاضای رفع نقص.

۵. (الحاقی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ نظارت بر انجام حسابرسی و رسیدگی به گزارش‌های حسابرسی و گزارش نتیجه رسیدگی به مجمع عمومی شرکت و مراجع ذیربط.

تبصره ـ بازرس یا بازرسان حق دخالت مستقیم در اداره امور تعاونی را نداشته ولی می‌توانند بدون حق رأی در جلسات هیأت مدیره شرکت کنند و نظرات خود را نسبت به مسائل جاری تعاونی اظهار دارند.

ماده ۴۲ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ در صورتی که هر یک از بازرسان تشخیص دهند که هیأت مدیره و یا مدیرعامل در انجام وظایف محوله مرتکب تخلفی شده و به تذکرات آنان ترتیب اثر نمی‌دهند مکلفند از هیأت

مدیره تقاضای برگزاری مجمع جهت رسیدگی به گزارش خود را بنمایند.

تبصره ـ اگر هیأت مدیره ظرف مدت یک ماه از تاریخ دریافت درخواست تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده توسط بازرس اقدام به دعوت و برگزاری آن ننمایند بازرس می‌تواند با اطلاع وزارت تعاون نسبت به انتشار آگهی و تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده اقدام نماید.

فصل هفتم

اتحادیه تعاونی

ماده ۴۳ـ اتحادیه‌های تعاونی با عضویت شرکت‌ها و تعاونی‌هایی که موضوع فعالیت آنها واحد است برای تأمین تمام و یا قسمتی از مقاصد زیر تشکیل می‌گردد:

۱. ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی و تبلیغاتی مربوط به امور تعاون به تعاونی‌های عضو و بالا بردن سطح علمی و فنی و تخصصی و اطلاعات مورد نیاز اعضاء آنها و گسترش تعلیمات تعاونی.

۲. ارائه خدمات تحقیقاتی و مطالعاتی پیرامون موضوعات مورد نیاز تعاونی‌های عضو و کمک به جمع‌آوری آمار و اطلاعات و گزارشات اقتصادی و اجتماعی به آنان و وزارت تعاون.

۳. کمک به سازماندهی و حسن اداره امور و هماهنگی و حفاظت و توسعه تعاونی‌های موضوع فعالیت خود.

۴. کمک به برقراری ارتباط و همکاری متقابل بین تعاونی‌ها و بین آنها و مردم و دولت و سایر ارتباطات داخلی و خارجی.

۵. ارائه خدمات اداری، مالی، حسابداری، حسابرسی، بازرسی، تجاری، اعتباری، تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه و سایر

فعالیت‌های اقتصادی مورد نیاز تعاونی‌های عضو.

۶. تأمین نیازهای مشترک و بازاریابی و خرید و فروش و صادرات و واردات تعاونی‌های عضو.

۷. ارائه خدمات فنی، تخصصی، حقوقی، قبول وکالت اعضاء در کلیه امور مورد نیاز آن، خدمات مشاوره‌ای و راهنمائی و سایر تسهیلات مورد نیاز تعاونی‌ها.

۸. نظارت بر التزام تعاونی‌های موضوع فعالیت خود به رعایت قوانین و مقررات مربوط و معرفی متخلفین به مراجع قانونی ذیربط.

۹. حل اختلاف و داوری در محدوده امور مربوط به تعاونی‌ها به صورت کدخدا منشی و صلح اعضاء تعاونی‌ها.

تبصره ۱ـ عضویت در اتحادیه تعاونی اختیاریست و تعاونی‌هایی که عضو اتحادیه نباشند از حقوق قانونی محروم نخواهند بود.

تبصره ۲ـ برای هر موضوع فعالیت تعاونی در هر شهرستان فقط یک اتحادیه تشکیل می‌گردد.

ماده ۴۴ـ سرمایه اتحادیه‌های تعاونی از محل پرداخت سهم تعاونی‌های عضو (به تناسب تعداد اعضاء تعاونی و میزان استفاده از خدمات اتحادیه) تأمین می‌شود و افزایش سرمایه اتحادیه از طریق افزایش سهم آنان و پرداخت حق عضویت و سایر دریافت‌ها تأمین می‌گردد و هرگونه تصمیم درباره سرمایه یا افزایش یا کاهش آن با تصویب دو سوم اعضای مجمع عمومی اتحادیه خواهد بود.

ماده ۴۵ـ هر اتحادیه تعاونی دارای ارکان زیر است:

۱. مجمع عمومی.

۲. هیأت مدیره.

۳. هیأت بازرسی.

ماده ۴۶ـ مجمع عمومی اتحادیه‌های تعاونی از نمایندگان تعاونی‌های عضو تشکیل می‌شود و هر تعاونی دارای یک رأی می‌باشد. سایر مقررات مربوط به مجمع عمومی به همان ترتیبی است که در بخش اول فصل ششم آمده است.

تبصره ـ (الحاقی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ در مواردی که تعداد اعضای تعاونی عضو اتحادیه و حجم معاملات آنها با اتحادیه نزدیک به هم نباشد تعداد نمایندگان هر تعاونی به نسبت تعداد اعضای آنها و با ترکیب از اعضاء و حجم معاملاتی که با اتحادیه داشته‌اند مطابق دستورالعملی است که توسط وزارت تعاون ابلاغ می‌گردد خواهد بود.

ماده ۴۷ـ اعضاء هیأت مدیره اتحادیه‌های تعاونی به پیشنهاد تعاونی‌های عضو و تصویب مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و به هر حال از هر تعاونی بیش از یک نفر عضو در هیأت مدیره نخواهد بود.

ماده ۴۸ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ اعضای هیأت مدیره برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است. سایر وظایف و اختیارات مربوط به هیأت مدیره مذکور در فصل ششم در مورد هیأت مدیره اتحادیه نیز مجری خواهد بود.

ماده ۴۹ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ مدیرعامل با تصویب اکثریت دو سوم اعضای هیأت مدیره برای مدت سه سال انتخاب می‌گردد و انتخاب مجدد وی تا دو دوره متوالی بلامانع است.

مدیرعامل کلیه اختیارات اجرائی اتحادیه را طبق اساسنامه در اجرای قوانین و مقررات مربوط و مصوبات مجمع عمومی و هیأت مدیره و اداره امور اتحادیه تعاونی و سایر وظایف و اختیاراتی که به عهده ارکان اتحادیه تعاونی نباشد، داراست.

ماده ۵۰ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ هیأت بازرسی مأمور حسابرسی و بازرسی اتحادیه تعاونی است. اعضای این هیأت بوسیله مجمع عمومی تعیین می‌گردند. گزارشات هیأت بازرسی باید به تصویب اکثریت مطلق اعضای هیأت برسد. وظایف و اختیارات و سایر مقررات مربوط به بخش سوم فصل ششم در مورد هیأت بازرسی نیز مجری است.

تبصره ـ هیأت بازرسی اتحادیه‌ها می‌توانند بنا به تقاضای مجمع عمومی تعاونی‌های عضو و تصویب مجمع عمومی اتحادیه وظایف بازرسی تعاونی‌های عضو را نیز انجام دهد.

فصل هشتم
تشکیل و ثبت تعاونی‌ها

ماده ۵۱ـ شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی با رعایت این قوانین پس از تهیه طرح و تصویب آن به کیفیتی که در آیین‌نامه اجرائی مشخص خواهد شد باید مدارک زیر را برای تشکیل و ثبت ارائه دهند:

۱. صورت جلسه تشکیل مجمع مؤسس و اولین مجمع عمومی و اسامی اعضاء و هیأت مدیره منتخب و بازرسان.
۲. اساسنامه مصوب مجمع عمومی.
۳. درخواست کتبی ثبت.
۴. طرح پیشنهادی و ارائه مجوز وزارت تعاون.
۵. رسید پرداخت مقدار لازم التأدیه سرمایه.
۶. مدارک دعوت موضوع بند (۲) ماده ۳۲.

تبصره ـ اولین هیأت مدیره پس از اعلام قبولی مکلفند با انجام تشریفات مقرر نسبت به ثبت تعاونی اقدام نمایند.

توضیح:

راجع به ماده ۵۱ مذکور استفساریه به عمل آمده که نظر مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۱/۵/۱۶ به شرح زیر می‌باشد:

ماده واحده. نظر به این که با اطلاق حکم ماده ۵۱ قانون بخش تعاونی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ـ «اتحادیه‌های تعاونی» همانند «شرکت‌های تعاونی» به طور عام و منصرف از محدودیت حوزه عمل آنها به سطح شهرستان، استان و یا سراسر کشور برای تشکیل و ثبت ملزم به ارائه مدارکی از جمله مجوز وزارت تعاون به شرح مندرج در قسمت اخیر بند (۴) ماده مورد اشاره شده‌اند و به موجب ماده ۴۳ همان قانون تشکیل اتحادیه‌های تعاونی مقید به عضویت شرکت‌های تعاونی با حوزه عمل شهرستان نشده و تعاونی‌های فراشهرستانی و فرااستانی با موضوع فعالیت واحد به ترتیب مجاز به تشکیل اتحادیه‌های تعاونی استانی و سراسری نیز هستند و از طرفی در ماده ۵۹ قانون اصلاح بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۷۷/۷/۵ـ از اتحادیه‌های تعاونی با حوزه عمل شهرستان استان و سراسری به ترتیب در تشکیل مجمع نمایندگان اتاق‌های تعاون شهرستان استان و مرکزی صریحاً یاد شده است و اصولاً بدون وجود اتحادیه‌های تعاونی با حوزه عمل شهرستان استان و سراسری اجرای ماده ۵۹ قانون یاد شده مبنی بر تشکیل مجمع نمایندگان اتاق‌های تعاون در سطوح جغرافیایی یاد شده هیچ گاه امکان‌پذیر نمی‌گردد آیا مفاد تبصره (۲) ماده ۴۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ — که به موجب آن مقرر شده «برای هر موضوع فعالیت در هر شهرستان فقط یک اتحادیه تشکیل می‌گردد نافی صلاحیت و اختیار وزارت تعاون دایر بر صدور مجوز تشکیل و ثبت اتحادیه‌های تعاونی تحت نظارت آن با حوزه عمل استان و سراسر کشور براساس اطلاق مواد ۴۳ و ۵۱ قانون یاد شده می‌باشد یا خیر؟

نظر مجلس:

مفاد تبصره (۲) ماده ۴۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ نافی صلاحیت و اختیارات وزارت تعاون دایر بر صدور مجوز تشکیل و ثبت اتحادیه‌های تعاونی تحت نظارت آن با حوزه عمل استان و سراسر کشور بر اساس اطلاق مواد ۴۳ و ۵۱ قانون یاد شده نمی‌باشد.

ماده ۵۲ـ اداره ثبت شرکت‌ها موظف است پس از دریافت اسناد و مدارک لازم اقدام به ثبت تعاونی‌ها نمایند.

فصل نهم
ادغام ـ انحلال و تصفیه

بخش اول ـ ادغام

ماده ۵۳ـ شرکت‌های تعاونی می‌توانند در صورت تصویب مجامع عمومی فوق‌العاده و طبق مقررات آیین‌نامه اجرائی این قانون با یکدیگر ادغام شوند.

تبصره ـ صورتجلسات مجامع عمومی فوق‌العاده تعاونی‌های ادغام شده منضم به مدارک مربوط باید حداکثر ظرف مدت دو هفته برای ثبت به اداره ثبت شرکت‌ها تسلیم شده و خلاصه تصمیمات به اطلاع کلیه اعضاء و بستانکاران برسد.

توضیح:

ادغام (Fusion) در قانون جدید شرکت‌های فرانسه و سایر کشورهای صنعتی پذیرفته شده است تا واحدهای تولیدی صنعتی یا خدماتی در یکدیگر ادغام شده و با داشتن سرمایه‌ی عظیم قادر به فعالیت بازرگانی بین‌المللی باشند.

در حقوق تجارت ایران، «ادغام» (به استثنای ماده فوق) در سایر شرکت‌ها پذیرفته نشده است.

بخش دوم ـ انحلال و تصفیه

ماده ۵۴ـ شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی در موارد زیر منحل می‌شوند:

۱. تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده
۲. کاهش تعداد اعضاء از حد نصاب مقرر در صورتی‌که حداکثر ظرف مدت ۳ ماه تعداد اعضاء به نصاب مقرر نرسیده باشد.
۳. انقضای مدت تعیین شده در اساسنامه مربوط در صورتی‌که در اساسنامه مدت تعیین شده باشد و مجمع عمومی مدت را تمدید نکرده باشد.
۴. توقف فعالیت بیش از یکسال بدون عذر موجه
۵. عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از ۳ بار اخطار کتبی در سال به وسیله وزارت تعاون برطبق آیین‌نامه مربوط.
۶. ورشکستگی طبق قوانین مربوط.

تبصره ۱ـ پس از اعلام انحلال و ثبت بلافاصله آن در اداره ثبت محل، تصفیه طبق قانون تجارت صورت می‌گیرد.

تبصره ۲ـ در بندهای دوم و چهارم و پنجم وزارت تعاون بلافاصله طبق آیین‌نامه مربوط انحلال تعاونی را به ادارهٔ ثبت محل اعلام می‌نماید.

تبصره ۳ـ اعلام نظر وزارت تعاون در مورد بندهای ۴ و ۵ در دادگاه صالح قابل شکایت و رسیدگی می‌باشد.

تبصره ۴ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ کلیه اموالی که از منابع عمومی دولتی در اختیار تعاونی قرار گرفته با انحلال آن باید مسترد شود.

ماده ۵۵ـ در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده یا وزارت تعاون رأی به انحلال تعاونی بدهد، ظرف یک ماه سه نفر جهت تصفیه امور تعاونی انتخاب و به اداره ثبت محل معرفی خواهند شد تا بر طبق قانون و آیین‌نامه مربوط نسبت به تصفیه امور تعاونی اقدام نمایند.

ماده ۵۶ـ در صورتی‌که هر تعاونی منحل گردد، قبل از انحلال باید به تعهداتی که در برابر اخذ سرمایه و اموال و امتیازات از منابع عمومی و دولتی و بانک‌ها و شهرداری سپرده است عمل نماید.

فصل دهم
اتاق تعاون

ماده ۵۷ـ اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی می‌توانند در صورت ضرورت با نظارت وزارت تعاون، اتاق تعاون مرکزی را در تهران و شعب آن را در استان‌ها و شهرستان‌ها جهت تأمین مقاصد زیر تشکیل دهند:

۱. انجام وظایف و اختیارات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن در ارتباط با بخش تعاون.
۲. انجام اموری که از طرف وزارت تعاون بدان محول می‌گردد طبق آیین‌نامه.
۳. حل اختلاف و داوری در محدوده امور مربوط به تعاونی‌ها بصورت کدخدامنشی و صلح مابین اعضاء و اتحادیه‌ها و بین تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها.

تبصره ـ هر اتاق تعاون دارای شخصیت حقوقی و مستقل می‌باشد و از لحاظ مالی و اداری و هزینه‌ها به دولت وابسته نمی‌باشد.

ماده ۵۸ـ ارکان هر اتاق تعاون عبارتست از:

۱. مجمع نمایندگان.
۲. هیأت مدیره.
۳. هیأت بازرسی.

ماده ۵۹ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ مجمع نمایندگان اتاق تعاون شهرستان متشکل از نمایندگان اتحادیه‌ها و نیز نمایندگان تعاونی‌های با فعالیت مشابه فاقد اتحادیه با حوزه عمل آن شهرستان و مجمع نمایندگان اتاق تعاون استان متشکل از رؤسای هیأت مدیره اتاق‌های تعاونی شهرستان‌های استان و نمایندگان اتحادیه‌های شهرستان‌های فاقد اتاق تعاون و نمایندگان اتحادیه‌های با حوزه عمل استان و مجمع نمایندگان اتاق تعاون مرکزی متشکل از رؤسای اتاق‌های تعاون استان‌ها و نمایندگان اتحادیه‌های استانی فاقد اتاق تعاون استان و نمایندگان اتحادیه‌های سراسری می‌باشد که برای مدت سه سال انتخاب می‌گردند.

تبصره ۱ـ (الحاقی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ وظایف مجمع نمایندگان عبارت است از:

الف) بررسی پیشنهادهای مربوط به اساسنامه و آیین‌نامه‌های اتاق و تأیید آن جهت تصویب نهایی وزیر تعاون.

ب) تعیین هیأت مدیره اتاق تعاون.

ج) تعیین دو نفر بازرس جهت عضویت در هیأت بازرسی.

د) تصویب برنامه و بودجه سالانه به پیشنهاد هیأت مدیره.

ه) رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد ترازنامه و سایر گزارش‌های هیأت مدیره پس از اظهارنظر هیأت بازرسی.

و) رسیدگی به گزارش‌های هیأت بازرسی.

تبصره ۲ـ (الحاقی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ تعداد آرای نمایندگان عضو در مجامع نمایندگان اتاق تعاون شهرستان، اتاق تعاون استان و اتاق تعاون مرکزی متناسب با تعداد اعضای تعاونی‌ها و تعاونی‌های عضو اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون توسط وزارت تعاون تعیین می‌گردد.

ماده ۶۰ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ هیأت مدیره اتاق‌های تعاون متشکل از ۳ تا ۷ نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل از میان اعضای تعاونی‌ها

می‌باشند که حتی الامکان از تعاونی‌های کشاورزی و روستایی و عشایری، صنعتی، معدنی، عمران شهری و روستایی و توزیع خواهند بود و برای مدت سه سال از طرف مجمع نمایندگان انتخاب می‌شوند.

ماده ۶۱ـ وظایف هیأت مدیره عبارت است از:

۱. فعالیت لازم جهت تأمین مقاصد اتاق تعاون برطبق اساسنامه و آیین‌نامه‌های مربوط.
۲. اداره کلیه امور مربوط به اتاق تعاون و انجام کلیه مکاتبات و ارتباطات و عملیات مالی مورد نیاز اتاق طبق آیین‌نامه‌های داخلی آن.
۳. اجرای تصمیمات مجمع نمایندگان.
۴. ارائه گزارش‌ها و پیشنهادهای لازم به مجمع نمایندگان.
۵. (الحاقی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ انتخاب رئیس هیأت مدیره از بین خود.
۶. (الحاقی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ انتخاب دبیر در اتاق‌های استان و شهرستان و دبیرکل در اتاق مرکزی به منظور انجام امور اجرایی.

تبصره ـ (الحاقی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ هیأت مدیره می‌تواند بخشی از اختیارات خود را به دبیر یا دبیرکل تفویض کند.

ماده ۶۲ـ هیأت مدیره اتاق تعاون هر استان موظف به ایجاد ارتباط و هماهنگی و همکاری بین اتاق‌های شهرستان‌های مربوط به خود است و آنها نیز موظف به همکاری هستند. همچنین هیأت مدیره اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف به ایجاد ارتباط و هماهنگی و همکاری بین اتاق‌های استان‌ها می‌باشد و آنها نیز موظف به همکاری هستند.

ماده ۶۳ـ هیأت بازرسی متشکل از سه عضو می‌باشد که دو نفر آنها بوسیله مجمع نمایندگان و یک نفر دیگر بوسیله وزارت تعاون تعیین می‌گردند

و وظایف آنها عبارتست از:

الف) نظارت و بازرسی مستمر از نظر رعایت اساسنامه و آیین‌نامه‌های اتاق تعاون و قوانین و مقررات مربوط.

ب) رسیدگی به حساب‌ها، دفاتر، اسناد، صورت‌های مالی از قبیل ترازنامه و عملکرد مالی و گزارش به مجمع نمایندگان و وزارت تعاون.

ج) بررسی شکایات و تخلفات مربوط به اتاق تعاون و گزارش به مراجع ذی‌ربط.

د) ارائه گزارش‌های سالانه و نوبتی به مجمع نمایندگان و وزارت تعاون از نظر وضعیت فعالیت‌های اتاق تعاون و رعایت قوانین و مقررات و اظهارنظر در مورد گزارش‌های هیأت مدیره.

تبصره ـ هیأت مدیره مکلف است اسناد و مدارک مورد درخواست هیأت بازرسی را در اختیار آنان قرار دهد.

ماده ۶۴ـ منابع مالی اتاق‌های تعاون عبارتست از:

۱. دریافت حق عضویت در اتاق تعاون از اعضاء
۲. دریافت کمک‌های دولتی و مردمی و شوراها و هدایا.
۳. دریافت حق مشاوره، کارشناسی، داوری در محدوده امور مربوط به تعاونی‌ها بصورت کدخدامنشی و سایر خدماتی که در اختیار تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها قرار می‌دهد.

فصل یازدهم

وزارت تعاون

ماده ۶۵ـ بمنظور اعمال نظارت دولت در اجرای قوانین و مقررات مربوط به بخش تعاونی و حمایت و پشتیبانی از این بخش، وزارت تعاون تشکیل می‌گردد.

تبصره ۱ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ سازمان‌های مرکزی تعاون کشور، مرکزی تعاونی‌های معدنی، مراکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی و سایر دفاتر، سازمان‌ها و اداراتی که در رابطه با بخش تعاونی در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف فعالیت می‌نمایند منحل شده و کلیه وظایف، اختیارات، اموال، دارایی‌ها، اعتبارات، بودجه، پرسنل، و سایر امکاناتی که در اختیار دارند به وزارت تعاون منتقل می‌شود و این وزارت با استفاده از بودجه و امکانات موجود آنها تشکیل می‌گردد.

تشکیلات و پست‌های سازمانی وزارت تعاون که از تعداد پست‌های دستگاه‌های منحله تجاوز نخواهند کرد به پیشنهاد وزیر تعاون و تأیید سازمان امور اداری و استخدامی ظرف مدت شش ماه (که در این مدت تشکیلات منحله کماکان به وظایف خود عمل می‌کنند) تعیین خواهد شد.

تبصره ۲ـ صندوق تعاون جهت فعالیت‌های اعتباری بخش تعاونی با کلیه دارایی‌ها و تعهدات خود از وزارت کار و امور اجتماعی منتزع و به وزارت تعاون الحاق و وظایف و اختیارات مجمع عمومی آن به وزیر تعاون منتقل می‌گردد.

تغییر اساسنامه آن به پیشنهاد وزیر تعاون و تصویب هیأت وزیران خواهد بود.

توضیح:

در مورد ماده ۶۵ برای اعمال نظارت دولت در اجرای قوانین و مقررات، قانون انتقال کلیه وظایف مربوط به تأسیس اداره و نظارت تعاونی‌ها و اتحادیه‌های فرش دستباف روستایی به وزارت جهاد سازندگی مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳ در ماده واحده زیر پیش‌بینی شده است:

ماده واحده. از تاریخ تصویب این قانون کلیه امور مربوط به تأسیس، اداره سیاستگذاری، انجام مراحل ثبت، هدایت و نظارت بر فعالیت‌های تعاونی‌ها و اتحادیه‌های فرش دستباف روستایی به وزارت جهاد سازندگی (که در حال

حاضر وزارت جهاد کشاورزی می‌باشد) محول می‌گردد تا وزارت مذکور با امکانات موجود خود نسبت به انجام آن وظایف اقدام نماید.

تبصره ـ کلیه تعاونی‌ها و اتحادیه‌های فرش دستباف که تا کنون تأسیس شده‌اند نیز مشمول این قانون می‌باشند.

اما راجع به صندوق تعاون، اساسنامه آن در ۱۳۶۸/۱۲/۱۴ تصویب گردیده و در ۱۳۷۰/۱۲/۲۵، ۱۳۷۱/۱۰/۹، ۱۳۷۲/۶/۲۸ و ۱۳۷۸/۱۱/۳ بوسیله هیأت وزیران اصلاح گردیده است.

ماده ۶۶ـ وظایف و اختیارات وزارت تعاون عبارت است از:

۱. اجرای آن قسمت از قانون و مقررات در رابطه با بخش تعاونی که مربوط به دولت می‌شود و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات بخش تعاونی.

۲. تهیه لوایح قانونی و آیین‌نامه‌های این قانون و اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌های تعاونی‌ها مطابق این قانون.

۳. جلب و هماهنگی حمایت‌ها و کمک‌ها و تسهیلات و امکانات دولتی و عمومی جهت بخش تعاونی با همکاری دستگاه‌های اجرائی ذیربط.

۴. تشویق و کمک و همکاری در تأسیس و گسترش تعاونی‌ها با جلب همکاری و مشارکت عموم مردم و شوراهای اسلامی کشوری.

۵. ایجاد زمینه‌های همکاری و هماهنگی و تعاون بین تعاونی‌ها و همچنین بین اتحادیه‌های تعاونی یا بین بخش تعاونی و سایر بخش‌های اقتصادی.

۶. کمک به فعالیت‌های تبلیغاتی، آموزشی، فرهنگی، فنی، عملی، تحقیقاتی و صنعتی لازم برای بخش تعاونی با همکاری اتحادیه‌های تعاونی.

۷. کمک به شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی در ارائه خدمات حقوقی،

مالی، حسابداری و حسابرسی و دیگر خدمات مورد نیاز.
۸. شرکت در مجامع بین‌المللی تعاون به عنوان نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران.
۹. انجام معاملات لازم و ارائه خدمات مورد نیاز بخش تعاونی.
۱۰. اجرای برنامه‌های ترویج و آموزش تعاون برای تفهیم و تعمیم روش‌ها و برنامه‌های مختلف تعاونی و انتشار کتب و نشریات مورد لزوم تعاونی.
۱۱. راهنمایی مسؤولان تعاونی‌ها در امور حقوقی، مالی اداری و هدایت آنها در جهت استفاده از روش‌ها و سیستم‌های بهتر.
۱۲. انجام تحقیقات آماری و اطلاعاتی و مطالعه درباره فعالیت تعاونی‌ها در زمینه شناخت نارسائی‌ها و نیازهای آنها و همچنین توانائی‌ها و امکانات آنها بمنظور استفاده در برنامه‌ریزی‌های مربوط.
۱۳. ایجاد هماهنگی در اعمال کمک‌های فنی و اداری و مالی و غیره توسط دستگاه‌های ذیربط در موارد لازم بمنظور اداره صحیح تعاونی‌ها.
۱۴. ایجاد تسهیلات لازم جهت توسعه فعالیت تعاونی‌ها در امور تولیدی.
۱۵. فراهم آوردن موجبات صدور تولیدات تعاونی‌ها.
۱۶. تهیه و تنظیم طرح‌های اساسی بمنظور فراهم آوردن موجبات تحقق اهداف مندرج در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۷. (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ وزارت تعاون می‌تواند در صورت احراز تخلف در اداره امور شرکت‌ها یا اتحادیه‌های تعاونی مراتب را به دادگاه صالح اعلام و دادگاه موظف است خارج از نوبت در رسیدگی مقدماتی در صورت احراز تخلف حکم تعلیق مدیران شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی یاد شده را صادر نماید. در این

صورت وزارت تعاون موظف است به طور موقت افرادی را برای تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیأت مدیره جدید منصوب نماید.

۱۸. جلوگیری از فعالیت اشخاص حقیقی یا حقوقی که به هر نحو از نام یا عنوان تعاونی سوء استفاده می‌کنند.

۱۹. فراهم آوردن تسهیلات لازم در جهت دستیابی تعاونی‌ها به مواد اولیه و وسایل و کالاهای مورد نیاز.

۲۰. سیاست‌گذاری، تعیین خط مشی و برنامه‌ریزی در حدود مقررات و اختیارات برای توسعه و رشد بخش تعاون.

۲۱. فراهم آوردن تسهیلات لازم برای تهیه طرح، ایجاد، توسعه، بازسازی، نوسازی واحدهای تعاونی و نظارت بر امور آنها.

۲۲. تأمین شرایط و فراهم آوردن امکانات برای سرمایه‌گذاری بخش تعاونی جهت ایجاد تعاونی‌ها با اولویت تعاونی‌های تولید.

۲۳. تنظیم برنامه‌ها و تعیین نحوه کمک‌های اعتباری در حدود مقررات و اختیارات از طریق بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و کمک‌های دولتی به تعاونی‌ها.

۲۴.. شورای پول و اعتبار موظف است همه ساله براساس درخواست وزارت تعاون با رعایت سیاست‌های پولی و مالی دولت نسبت به اعطای وام و کمک‌های لازم به تعاونی‌ها اقدام نماید.

۲۵. مشارکت، ایجاد، توسعه و بهره‌برداری و سرمایه‌گذاری در تعاونی‌ها و نیز انتقال یا واگذاری و فروش سهام دولت در واحدهای تولیدی و توزیعی به بخش تعاونی ضمن رعایت مفاد تبصره ماده ۱۷ این قانون.

۲۶. عضویت در شورای اقتصاد، شورای عالی صنایع، شورای پول و اعتبار، مجمع عمومی بانک‌ها، شورای عالی معادن و کمیسیون‌های مربوط به صادرات و واردات کشور و سایر مجامع با نظر هیأت دولت.

۲۷. مشارکت در تهیه و تدوین مقررات صادرات و واردات کشور.

۲۸. همکاری با مؤسسات علمی، فنی و اقتصادی بین‌المللی و قبول عضویت و شرکت در سازمان‌ها، شوراها و مجامع بین‌المللی مربوط به امور تعاونی.
۲۹. صدور مجوز موضوع بند ۴ ماده ۵۱.
۳۰. سلب مزایا از تعاونی‌هایی که برخلاف قانون و مقررات بخش تعاونی عمل نموده و یا برخلاف اساسنامه مصوب اقداماتی کرده باشند.
۳۱. (الحاقی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ تشکیل تعاونی در بخش کشاورزی.

ماده ۶۷ـ آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف مدت شش ماه توسط وزارت تعاون تهیه و به تصویب هیأت دولت خواهد رسید.

ماده ۶۸ـ به منظور نظارت بر انتخابات شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی و اتاق تعاون انجمنی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های تعاون و کشور و قوه قضائیه و دو نفر از اتاق تعاون (در صورت موجود بودن اتاق) به ریاست نماینده وزارت تعاون تشکیل می‌گردد.
تبصره ـ آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد وزارت تعاون به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

فصل دوازدهم

سایر مقررات

ماده ۶۹ـ (اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵)ـ کلیه شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی موظفند اساسنامه خود را با این قانون تطبیق دهند و پس از تأیید وزارت تعاون تغییرات اساسنامه خود را به عنوان تعاونی به ثبت برسانند در غیر این صورت از مزایای مربوط به بخش تعاونی و این

قانون برخوردار نمی‌باشند.

ماده ۷۰ـ ردیف‌ها و اعتبارات ریالی و ارزی مربوط به دستگاه‌های منحله مذکور در تبصره ۱ ماده ۶۵ از قوانین و مقررات موجود حذف و تحت عنوان ردیف‌های مستقل به وزارت تعاون منتقل می‌گردد. سازمان برنامه و بودجه و کمیته تخصیص ارز موظفند پس از تشکیل وزارت تعاون حداکثر ظرف مدت یک ماه اعتبارات مربوط به دستگاه‌های مذکور و آن قسمت از اعتبارات سایر دستگاه‌های اجرایی که در رابطه با فعالیت بخش تعاونی بوده است را تفکیک و به وزارت تعاون انتقال دهند.

ماده ۷۱ـ کلیه قوانین و مقررات مغایر این قانون ملغی است.

توضیح:

اجرای قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۶ خردادماه ۱۳۵۰ با توجه به ماده ۱۴۹ اصلاحی قانون مزبور، جز در مورد تعاونی‌های روستایی و کشاورزی به وزارت بازرگانی محول شده و ضمناً وظایف و اختیارات وزیر و وزارت تعاون و امور روستاها در موارد مندرج در قانون به وزارت بازرگانی واگذار گردید (مجموعه قوانین روزنامه رسمی ۱۳۵۸ ص ۱۵۵.)

به موجب ماده ۷۱ فوق‌الذکر کلیه قوانین و مقررات مغایر با قانون بخش تعاونی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ ملغی گردیده است.

تذکر این نکته ضروری است که مقررات کیفری مندرج در قانون سابق شرکت‌های تعاونی در مورد قانون جدید بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۰ لازم الاجرا می‌باشد. ضمناً نظریه مورخ ۱۳۷۶/۶/۱۲ مؤید این امر می‌باشد.

قانون مستثنی شدن سازمان مرکزی تعاون روستائی از شمول قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران

ماده واحده. بموجب این قانون سازمان مرکزی تعاون روستائی وابسته به وزارت کشاورزی (با دارا بودن کلیه وظایف و اختیارات مندرج در مقررات مربوط به سازمان) از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ مستثنی و کماکان تابع وزارت کشاورزی می‌باشد.

تبصره ـ عبارت «تعاون روستائی» از تبصره (۱) ماده ۶۵ قانون مزبور حذف می‌گردد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و چهارم مهرماه یکهزار و سیصد و هفتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۲۴ به تأیید شورای نگهبان رسید.

تفسیر قانونی در خصوص قانون مستثنی شدن سازمان مرکزی تعاون روستایی از شمول قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱/۶/۴

موضوع استفساریه:
آیا قانون مستثنی شدن سازمان مرکزی تعاون روستایی از شمول قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۴ به سازمان شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های تولید روستایی تسری دارد یا خیر؟

نظر مجلس:
ماده واحده – قانون مستثنی شدن سازمان مرکزی تعاون روستایی از شمول قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۴ به سازمان شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های تولید روستایی تسری دارد.

آیین‌نامه اجرایی قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران
مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۴ هیأت وزیران

فصل اول
چگونگی بررسی طرح تشکیل شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی و صدور مجوز تأسیس

ماده ۱ـ در اجرای ماده ۵۱ قانون «بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران» که در این آیین‌نامه به اختصار، قانون نامیده می‌شود، طرح تأسیس شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی برابر مقررات این آیین‌نامه تهیه می‌شود و به تصویب وزارت تعاون ـ که از این پس وزارت نامیده می‌شود – می‌رسد.

تبصره ـ سازمان مرکزی تعاون روستایی از شمول این آیین‌نامه مستثنی است.

ماده ۲ـ هیأت مؤسس داوطلب تأسیس شرکت تعاونی تولیدی یا توزیعی ـ اعم از یک یا چند منظوره ـ مکلف است برای گرفتن مجوز تأسیس شرکت تعاونی، مطابق بند (۴) ماده ۵۱ قانون، مدارک زیر را همراه تقاضانامه تأسیس به وزارت ارائه نماید:

الف) طرح توجیهی، مشتمل بر ضرورت تأسیس شرکت تعاونی و ارائه دلایل توجیهی مبنی بر تناسب هدف‌های تشکیل شرکت با هدف‌ها و برنامه‌های مصوب جمهوری اسلامی ایران، همچنین ذکر میزان سرمایه ثابت و در گردش مورد نیاز طرح.

ب) تعداد و مشخصات داوطلبان، سوابق و مهارت‌های آنان در رشته فعالیت مورد نظر.

تبصره ـ شرکت‌های تعاونی تولیدی یا توزیعی علاوه بر گرفتن مجوز تشکیل از وزارت، برای انجام فعالیت حسب قوانین و مقررات موظف به گرفتن مجوز لازم از دستگاه‌های ذیربط نیز می‌باشند.

ماده ۳ـ هیأت مؤسس داوطلب تأسیس هر یک از اتحادیه‌های تعاونی مکلف است تعداد و مشخصات کامل تعاونی‌های داوطلب عضویت در اتحادیه و طرح توجیهی تأسیس این اتحادیه‌ها را با تقاضانامهٔ تأسیس، به وزارت تسلیم نماید. تعیین حداقل و حداکثر تعداد تعاونی برای تأسیس هر یک از اتحادیه‌ها با وزارت می‌باشد.

ماده ۴ـ وزارت پس از دریافت طرح و مدارک مربوط، ظرف یک ماه نظر مستدل خود را در خصوص مورد تقاضا به هیأت مؤسس اعلام می‌نماید و در صورت ملاحظه نقص در طرح توجیهی رسیده یا کمبود مدارک ضمیمه تقاضانامه، مراتب را به صورت کتبی به هیأت مؤسس اعلام می‌دارد. هیأت مؤسس مکلف است در صورت عدم انصراف از پیگیری طرح، حداکثر ظرف مدت دو ماه نسبت به تکمیل اطلاعات و مدارک، رفع نقص و ارسال آنها به وزارت اقدام نماید.

ماده ۵ـ هرگونه تغییر در طرح توجیهی مصوب، موضوع بند (الف) ماده ۲ و ماده ۳ این آیین‌نامه، با مجوز وزارت امکان‌پذیر می‌باشد.

ماده ۶ـ هیأت مؤسس تعاونی مکلف است ظرف دو ماه از تاریخ دریافت مجوز وزارت، نسبت به تشکیل مجمع عمومی اقدام نماید. در غیر این صورت، تأسیس تعاونی موکول به گرفتن مجوز مجدد از وزارت می‌باشد.

تبصره ـ وزارت می‌تواند بنا به درخواست هیأت مؤسس، در صورتی که تأخیر در تشکیل مجمع عمومی را موجه تشخیص دهد، نسبت به تمدید مهلت مقرر اقدام نماید.

ماده ۷ـ اولین هیأت مدیره تعاونی که بر اساس مقررات مربوط به نظارت بر انتخابات برگزیده می‌شود، پس از اعلام قبولی مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ جلسه مجمع عمومی، مدارک مقرر در ماده ۵۱ قانون را جهت ثبت و صدور آگهی به اداره ثبت شرکت‌ها تسلیم نماید و نسخه‌ای از آن مدارک را نیز جهت اطلاع وزارت ارائه نماید.

فصل دوم
چگونگی ادغام شرکت‌های تعاونی

ماده ۸ـ مطابق ماده ۵۳ قانون، شرکت‌های تعاونی با رعایت مقررات این آیین‌نامه می‌توانند با یکدیگر ادغام شوند، مشروط بر آنکه هنگام ادغام، مجموع زیان انباشته این شرکت‌ها از مجموع سرمایه، ذخیره‌های قانونی و اندوخته‌های آنان بیشتر نباشد.

ماده ۹ـ برای ادغام شرکت‌های تعاونی لازم است هیأت مدیره یا بازرس شرکت یا دست کم یک سوم اعضای آنها، پیشنهاد ادغام را همراه گزارش توجیهی لازم، جهت تصمیم‌گیری به مجمع عمومی فوق‌العاده تعاونی ـ که براساس تبصره (۱) ماده ۳۵ قانون تشکیل می‌شود ـ ارائه نمایند.

ماده ۱۰ـ وزارت حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ دریافت مدارک مجمع‌های عمومی فوق‌العاده شرکت‌های تعاونی مبنی بر تصویب ادغام، نظر خود را دال بر تأیید یا رد ادغام، و انطباق یا عدم انطباق چگونگی تشکیل مجمع‌های عمومی و تصمیم گرفته شده پیرامون ادغام ـ حسب مورد ـ مستند به موازین قانونی یا مقررات اساسنامه آنها، به شرکت‌های تعاونی مربوط ابلاغ نماید.

ماده ۱۱ـ در صورت تأیید تقاضای ادغام توسط وزارت، به ترتیب مقرر در ماده ۱۰ مجمع عمومی مشترک شرکت‌های تعاونی در شرف ادغام باید با حد نصاب مقرر در تبصره ماده ۳۵ قانون، ظرف یک ماه از تاریخ دریافت تأیید وزارت، تشکیل و نسبت به تصویب اساسنامه و تعیین سرمایه شرکت جدید، انتخاب اعضای هیأت مدیره، بازرسان و قبول تعهدات و اموال اقدام نماید.

تبصره ـ سرمایه ذخیره‌های قانونی و اندوخته‌های شرکت تعاونی جدید نباید از مجموعه سرمایه، ذخیره‌های قانونی و اندوخته‌های شرکت‌های ادغام شده کمتر باشد.

ماده ۱۲ـ هیأت مدیره انتخاب شده مجمع، پس از اعلام قبولی باید ظرف دو هفته از تاریخ برگزاری مجمع، نسخه‌ای از صورت جلسه مجمع عمومی تعاونی در خصوص ادغام و قبول تعهدات شرکت‌های ادغام شده، قبولی مدیران و بازرسان انتخاب شده و مجوز وزارت را به اداره ثبت شرکت‌ها جهت ثبت و انتشار در روزنامه رسمی دادگستری جمهوری اسلامی ایران ارائه نماید و نسخه‌ای از تصمیم‌های مجمع را نیز به وزارت ارسال نمایند.

ماده ۱۳ـ اداره ثبت شرکت‌ها مکلف است نسبت به ثبت مراتب، مطابق مقررات اقدام کند و ضمن باطل کردن ثبت شرکت‌های ادغام شده به شرکت تعاونی جدید – که از ادغام دو یا چند تعاونی تأسیس شده است – شماره ثبت جدید بدهد.

ماده ۱۴ـ پس از ثبت شرکت تعاونی جدید، هیأت مدیره موظف است بلافاصله نسبت به تهیه دفترهای قانونی جدید اقدام و اقلام دارایی‌ها، بدهی‌ها و تعهدات مندرج در دفترهای هر یک از شرکت‌های ادغام شده را در دفترهای قانونی شرکت ثبت و منعکس نماید.

تعاونی جدید از هر جهت مسئول تعهدات و دیون شرکت‌های ادغام شده می‌باشد.

فصل سوم
چگونگی انحلال و تصفیه تعاونی‌ها

ماده ۱۵ـ در اجرای مواد ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ قانون، شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی، براساس مقررات این آیین‌نامه، منحل و تصفیه می‌شوند.

ماده ۱۶ـ شرکت یا اتحادیه تعاونی مکلف است پس از تصمیم‌گیری مجمع عمومی فوق‌العاده به انحلال، موافقت کتبی دستگاه‌های عمومی یا دولتی، بانک‌ها یا شهرداری‌هایی را که از آنها امتیازات یا اعتباراتی کسب کرده یا در قبال گرفتن سرمایه یا اموال ـ اعم از منقول یا غیر منقول ـ تعهداتی به آنها نموده است، جلب و به همراه مدارک مربوط به تشکیل و تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده، جهت گرفتن مجوز انحلال، به وزارت ارائه نماید.

تبصره ـ در صورت دریافت نکردن امکانات، امتیازات و اعتبارات، تعاونی یاد شده می‌تواند نسبت به انحلال اقدام نماید.

ماده ۱۷ـ تا زمانی که انحلال تعاونی در اداره ثبت شرکت‌ها ثبت نشده باشد، هر تصمیم یا اقدامی در جهت تصفیه امور شرکت یا اتحادیه تعاونی بی‌اعتبار نمی‌باشد.

ماده ۱۸ـ در صورتی که مدت شرکت یا اتحادیه تعاونی براساس اساسنامه آن محدود بوده، علیرغم سه بار ابلاغ اخطار کتبی توسط وزارت، حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ پایان مدت آن، با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده مدت فعالیت تعاونی تمدید نشود، وزارت دستور انحلال شرکت یا اتحادیه را صادر و این تصمیم را به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام می‌نماید.

ماده ۱۹ـ خروج عضو تعاونی از تاریخ تصویب انحلال توسط مجمع عمومی فوق‌العاده یا تصمیم وزارت به انحلال ـ در صورتی که انحلال تعاونی رأساً توسط آن وزارت انجام شود ـ تا خاتمه امر تصفیه، رافع مسئولیت تضامنی مقرر در تبصره (۴) ماده ۵۴ قانون، از عضو خارج شده نمی‌باشد.

ماده ۲۰ـ مرجع اعلام دریافت امکانات، امتیازات و اعتباراتی که صرفاً به دلیل اولویت بخش تعاونی اعطاء شده است، وزارت می‌باشد.

ماده ۲۱ـ آخرین هیأت مدیره قبل از انحلال و هیأت تصفیه شرکت یا اتحادیه تعاونی مکلفند بی‌درنگ پس از ثبت انحلال، ضمن صورت مجلس اقدام به تحویل و تحول تعاونی کرده، اعضای هیأت تصفیه خود را تصدی نمایند.

تبصره ـ در صورتی که هیأت مدیره از انجام تحویل و تحول استنکاف یا قصور ورزند، هیأت تصفیه با نظارت نماینده وزارت نسبت به تصدی سمت خود و شروع امر تصفیه اقدام می‌نمایند، ولی انجام این امر، به هیچ وجه رافع مسؤولیت مدیران قبل از انحلال نمی‌باشد.

ماده۲۲ـ هیأت تصفیه می‌تواند امور اجرایی مربوط به تصفیه را بین اعضای خود تقسیم نماید یا یکی از اعضای هیأت را به عنوان مسؤول اجرای مصوبه‌های هیأت تصفیه تعیین کند.

ماده۲۳ـ هرگونه تغییر در سمت و امضاهای هیأت تصفیه باید پس از تصویب هیأت تصفیه به اداره ثبت شرکت‌ها جهت ثبت ارسال و نسخه‌ای نیز برای اطلاع به وزارت تسلیم شود.

ماده۲۴ـ در صورت فوت، استعفا یا ممنوعیت قانونی و سلب شرایط اعضای هیأت تصفیه مجمع عمومی شرکت یا اتحادیه تعاونی باید

ظرف یک ماه نسبت به تعیین جانشین اقدام نماید. در صورت انجام ندادن وظیفه یاد شده، وزارت می‌تواند پس از پایان مهلت یاد شده رأساً نسبت به انتخاب اعضای هیأت تصفیه اقدام و به اداره ثبت شرکت‌ها و تعاونی ابلاغ نماید.

تبصره ـ تا زمانی که عضو جانشین انتخاب و به اداره ثبت شرکت‌ها معرفی نشده است، عضوی که استعفا داده، مکلف به حضور و انجام وظیفه در تعاونی می‌باشد.

ماده۲۵ـ تعیین کارمزد اعضای هیأت تصفیه انتخاب شده مجمع عمومی تعاونی بر عهده آن مجمع می‌باشد. وزارت در صورت تعیین نشدن کارمزد توسط مرجع مزبور، و در مورد کارمزد مدیران تصفیه‌ای که خود منصوب نموده است، رأساً اقدام می‌نماید.

ماده۲۶ـ مواردی که در این آیین‌نامه پیش بینی نشده است، تابع مقررات مربوط به انحلال و تصفیه پیش بینی شده در قانون «اصلاح قسمتی از قانون تجارت ـ مصوب۱۳۴۹ می‌باشد.»

فصل چهارم

چگونگی نظارت بر انتخابات شرکت‌ها، اتحادیه‌های تعاونی و اتاق‌های تعاون

ماده ۲۷ـ در اجرای ماده ۶۸ قانون و به منظور تعیین خط مشی و چگونگی نظارت بر انتخابات مدیران و بازرسان شرکت‌ها، اتحادیه‌های تعاونی و اتاق‌های تعاون، انجمنی به نام «انجمن نظارت بر انتخابات تعاونی‌ها»ـ که از این پس انجمن نظارت خوانده می‌شودـ مرکز از

اشخاص زیر تشکیل می‌شود:

۱. یک نفر به عنوان نماینده وزارت که سمت ریاست انجمن نظارت را برعهده خواهد داشت.
۲. یک نفر به انتخاب قوه قضائیه.
۳. یک نفر به عنوان نماینده وزارت کشور.
۴. دو نفر به انتخاب اتاق تعاون مرکزی ـ در صورت وجود اتاق تعاون مرکزی.

تبصره ۱ـ نمایندگان مرجع‌های یاد شده در بندهای (۱ـ۲ـ۳) این ماده با حکم کتبی دستگاه ذیربط و نمایندگان اتاق تعاون مرکزی توسط هیأت مدیره اتاق تعاون انتخاب و معرفی می‌شوند.

تبصره ۲ـ مرجع‌های یاد شده در ماده بالا می‌توانند نماینده یا نمایندگان خود را در هر زمان عزل نمایند، مشروط بر این که همزمان، نماینده جایگزین را معرفی کنند. در صورت استعفای هریک از اعضا یا انجمن نظارت، تا زمانی که جانشین ایشان مشخص نشده است، عضو استعفا داده مکلف به انجام وظیفه می‌باشد.

ماده ۲۸ـ وظایف انجمن نظارت به شرح زیر است:

۱. بررسی و تصویب دستورالعمل‌های پیشنهادی وزارت در خصوص چگونگی نظارت بر انتخاب شرکت‌ها، اتحادیه‌های تعاونی و اتاق‌های تعاون.
۲. بررسی و تصویب دستورالعمل پیشنهادی وزارت در مورد چگونگی احراز صلاحیت کاندیداهای سمت‌های عضو هیأت مدیره، بازرس و مدیر عامل شرکت‌ها، اتحادیه‌های تعاونی و اتاق‌های تعاون، در چارچوب قوانین و مقررات.
۳. بررسی و تصویب دستورالعمل پیشنهادی وزارت راجع به چگونگی رسیدگی به شکایت‌های مربوط به انتخاب تعاونی‌ها و اتاق‌های تعاون.

ماده ۲۹ـ دبیرخانه انجمن نظارت در محل وزارت می‌باشد. نماینده وزارت، مسؤولیت اداره دبیرخانه انجمن نظارت را نیز عهده‌دار است.

ماده ۳۰ـ جلسه‌های انجمن نظارت بنا به دعوت کتبی رئیس انجمن تشکیل می‌شود و با حضور وی رسمیت دارد. در دعوت‌نامه تشکیل جلسه باید دستور جلسه انجمن معین شده باشد.

ماده ۳۱ـ تصمیم‌های انجمن نظارت با رأی موافق اکثریت اعضا معتبر می‌باشد. از مصوبه‌های انجمن، صورت‌جلسه‌ای تهیه می‌شود و به امضای حاضران در جلسه می‌رسد.

ثبت شرکت‌ها و مؤسسات

فصل دوم
در مقررات راجع به ثبت شرکت‌ها و نشر شرکت نامه‌ها

ماده ۱۹۵ـ ثبت کلیه شرکت‌های مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکت‌ها است.

توضیح:

شرکت‌های مندرج در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ راجع به شرکت‌های سهامی عام و خاص به موجب ماده ۱۹۵ مذکور الزامی بوده و عدم ثبت قابل ابطال می‌باشد. در شرکت‌های سهامی عام و خاص نحوهٔ ثبت شرکت در ماده ۶ـ۷ـ۸ـ۹ـ۱۰ و ۱۱ (ل.ا.ق.ت) پیش‌بینی شده است و ضمانت اجرایی تخلف از آنها در ماده ۲۷۰ و بعد همان قانون به هر ذی‌نفع حق می‌دهد که از دادگاه صلاحیت‌دار تقاضای بطلان عملیات انجام شده را بنماید.[1] ضمناً شخصیت حقوقی شرکت به موجب ماده ۱۷ (ل.ا.ق.ت) زمانی ایجاد می‌شود که مدیران یا بازرسان با علم به تکالیف و مسئولیت‌های سمت خود عهده‌دار گردیده‌اند. بدین ترتیب از تاریخ قبول اشخاص اخیر الذکر در صورت جلسه مجمع، شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود.

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد دوم، پیشین، ص ۲۴ تا ۴۴.

در شرکت‌های با مسئولیت محدود و تضامنی ماده ۹۶ و ۱۱۸ (ق.ت) شرکت وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه شده و سهم‌الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

تذکر این نکته ضروری است که ماده ۱۹۵ (ق.ت) ثبت شرکت‌های مذکور در قانون تجارت را تابع کلیه مقررات ثبت شرکت‌ها به شرح زیر اعلام کرده است:

قانون راجع به ثبت شرکت‌ها
مصوب ۱۳۱۰/۳/۱۱ با اصلاحیه‌های بعدی
مجله رسمی شماره ۷۴۰ سال ۱۳۱۰

ماده۱ـ هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است.

ماده۲ـ کلیهٔ شرکت‌های ایرانی مذکور در قانون تجارت (سهامی ـ تضامنی ـ مختلط ـ تعاونی) که در تاریخ اجراء این قانون موجود و مطابق مقررات قانون تجارت راجع به ثبت و تطبیق تشکیلات خود با قانون مزبور عمل نکرده‌اند باید تا آخر شهریور ماه ۱۳۱۰ تشکیلات خود را با مقررات قانون تجارت تطبیق نموده و مطابق قانون مزبور تقاضای ثبت کنند والا به تقاضای مدعی العموم بدایت محلی که ثبت باید در آنجا به‌عمل آید محکمه مدیران آنها را به یکصد الی هزار تومان جزای نقدی محکوم خواهد کرد و در صورت تقاضای مدعی‌العموم حکم انحلال شرکت متخلف نیز صادر خواهد شد.

در صورتی که مدت فوق برای تطبیق تشکیلات با قانون تجارت و تقاضای ثبت کافی نباشد رئیس محکمهٔ ابتدائی محل به تقاضای شرکت تا سه ماه مهلت اضافی خواهد داد.

ماده ۳ـ از تاریخ اجرای این قانون هر شرکت خارجی برای اینکه بتواند به وسیلهٔ شعبه یا نماینده به امور تجارتی یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد.[۱]

ماده ۴ـ هر شرکت خارجی که در تاریخ اجراء این قانون در ایران به وسیلهٔ شعبه یا نماینده مشغول به امور تجارتی یا صنعتی یا مالی است باید در ظرف چهار ماه از تاریخ مزبور تقاضای ثبت نماید. در صورتی که این مدت برای تهیه و تسلیم اوراق لازمه به ادارهٔ ثبت کافی نباشد رئیس محکمهٔ ابتدائی تهران به تقاضای نمایندهٔ شرکت تا شش ماه مهلت اضافی خواهد داد.

ماده ۵ـ اشخاصی که به عنوان نمایندگی یا مدیریت شعبهٔ شرکت‌های خارجی در ایران اقدام به امور تجارتی یا صنعتی یا مالی کرده و قبل از انقضاء موعد مقرر تقاضای ثبت نکنند به تقاضای مدعی العموم بدایت و به حکم محکمهٔ ابتدائی تهران محکوم به جزای نقدی از ۵۰ تومان تا هزار تومان خواهند شد و به علاوه محکمه برای هر روز تأخیر پس از صدور حکم متخلف را به تأدیه پنج الی پنجاه تومان محکوم خواهد کرد و هرگاه حکم فوق قطعی شده و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ آن تخلف ادامه یابد دولت از عملیات نماینده یا مدیر شعبهٔ شرکت متخلف جلوگیری خواهد نمود.

---

۱. طبق اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است» شورای نگهبان در مورد ثبت شرکت‌های خارجی مورخ ۱۳۶۰/۱/۱۸ چنین اظهارنظر نموده است: «شرکت‌های خارجی که با دستگاه‌های دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قراردادهای منعقده طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد.»

مادهٔ ۶ـ در مورد شرکت‌های خارجی که شرایط عملیات آنها به موجب امتیازنامهٔ صحیح و منظمی مقرر است و صحت امتیاز را در موعد قانونی تقاضای ثبت وزارت امور خارجه تصدیق نماید مفاد قسمت اخیر مادهٔ فوق مجری نخواهد شد ولی جزای نقدی برای هر روز تأخیر بعد از صدور حکم از قرار روزی ده الی یکصد تومان است.

ماده ۷ـ تغییرات راجع به نمایندگان شرکت و یا مدیران شعب آن باید به ادارهٔ ثبت اسناد کتباً اطلاع داده شود و تا وقتی که این اطلاع داده نشده عملیاتی که نماینده و یا مدیر سابق به نام شرکت انجام داده عملیات شرکت محسوب است مگر اینکه شرکت اطلاع اشخاصی را که به استناد این ماده ادعای حقی می‌کنند از تغییر نماینده یا مدیر خود به ثبوت رساند.

ماده ۸ـ شرکت‌های بیمه اعم از ایرانی و خارجی تابع نظام‌نامه‌هایی خواهند بود که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود قبول تقاضای ثبت شرکت‌های فوق و شرایط راجعه به ادامهٔ عملیات آنها منوط به رعایت مقررات نظام‌نامه‌های مزبوره خواهد بود.

ماده ۹ـ برای اجرای این قانون از طرف وزارت عدلیه نظام‌نامه‌های لازمه تنظیم خواهد شد. در نظام‌نامه‌های مزبور باید راجع به مسائل ذیل صریحاً تعیین تکلیف شود:

۱. اشخاصی که باید اظهارنامه ثبت بدهند.
۲. نکاتی که باید در اظهارنامه قید شود.
۳. اوراق و مدارکی که عین یا ترجمه مصدق آنها باید ضمیمه اظهارنامه شود.
۴. نکاتی که در صورت تغییر باید مجدداً به ثبت برسد.
۵. طرز ثبت شعب یا نمایندگان جدید.

۶. اعلاناتی که پس از ثبت باید به وسیله اداره ثبت اسناد به خرج شرکت به عمل آید.
۷. تعرفه راجع به ترجمه و تصدیق صحت ترجمه.

ماده۱۰ـ (اصلاحی ۱۳۴۶/۸/۲۸) حقوق ثبتی برای ثبت شرکت‌ها و مؤسسات اعم از ایرانی و خارجی مطابق تعرفه زیر تعیین می‌شود:
الف) (اصلاحی ۱۳۷۶/۳/۱۷) موضوع بند (ج) اصلاحی ماده یک قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین) حق‌الثبت شرکت‌ها و مؤسسات تجاری به ترتیب ذیل تعیین می‌شود:
۱. تا دو میلیون ریال از کل سرمایه به ازاء هر ده هزار ریال ۱۶۰ ریال که در هر صورت از ۲۰۰۰ ریال کمتر نخواهد بود.
۲. تا چهار میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد دو میلیون ریال هر ده هزار ریال ۱۰۰ ریال.
۳. تا هشت میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد چهار میلیون ریال هر ده هزار ریال، ۷۰ ریال.
۴. تا ده میلیون از کل سرمایه نسبت به مازاد هشت میلیون ریال هر ده هزار ریال، ۴۰ ریال.
۵. تا یکصد میلیون ریال از کل سرمایه نسبت به مازاد ده میلیون ریال هر ده هزار ریال، ۳۰ ریال.
۶. از یکصد میلیون ریال تا پانصد میلیون ریال سرمایه از مبدأ مقطوعاً ۵۰۰ هزار ریال.
۷. از پانصد میلیون ریال سرمایه به بالا از مبدأ مقطوعاً ۷۰۰ هزار ریال.
۸. حق الثبت تغییرات مربوط به ازدیاد سرمایه به ازاء هر دفعه تغییر نسبت به سرمایه اضافه شده تابع نرخ‌های فوق الذکر است و حق الثبت هر دفعه تغییر در موارد دیگر به استثناء تغییر سرمایه ۴ هزار ریال است.

تبصره۱ـ (با توجه به جزء ۸ از بند الف تبصره (۷۷) قانون بودجه سال ۶۳ نسخ ضمنی شده است.)

تبصره۲ـ (اصلاحی ۱۳۴۶/۸/۲۸) قانون حق الثبت شرکت‌های بیمه مصوب ۱۳۱۰/۹/۹ به قوت خود باقی خواهد بود.

تبصره ۳ـ (اصلاحی ۱۳۴۶/۸/۲۸) در مورد ثبت شرکت‌های خارجی ماده ۱۵ آیین‌نامه جلب حمایت سرمایه‌های خارجی مصوب ۱۸ مهر ماه ۱۳۳۵ رعایت خواهد شد.

ب) (اصلاحی ۱۳۶۲/۱۲/۳۰) حقوق ثبتی مؤسسات غیر تجاری که بدون سرمایه می‌باشند، دو هزار ریال و حقوق ثبتی مؤسسات غیر تجارتی با سرمایه از این قرار است:[1]

۱. تا دو میلیون ریال کل سرمایه مقطوعاً پنج هزار ریال.
۲. از دو میلیون و یک ریال تا ۱۰ میلیون ریال سرمایه، مقطوعاً ۷۵۰۰ ریال.
۳. از دو میلیون و یک ریال تا ۱۰۰ میلیون سرمایه، مقطوعاً ۱۰۰۰۰ ریال.
۴. از صد میلیون و یک ریال سرمایه به بالا، مقطوعاً ۲۰۰۰۰ ریال.
۵. حق الثبت تغییرات مربوط به ازدیاد و سرمایه به ازای هر دفعه تغییر نسبت به سرمایه اضافه شده تابع نرخ‌های فوق‌الذکر است و حق الثبت هر دفعه تغییر در موارد دیگر به استثناء تغییر سرمایه یک هزار ریال است.

تبصره ۴ـ (با توجه به جزء ۵ از بند ب تبصره (۷۷) قانون بودجه سال ۱۳۶۳ فسخ ضمنی شده است.)

پ) (اصلاحی ۱۳۵۲/۸/۲۲) شرکت‌های تعاونی روستایی و سایر شرکت‌های تعاونی که اساسنامه آنها طبق مقررات به تصویب

---

۱. طبق بند ج ماده ۱ قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ کلیه مبالغ حق الثبت قابل وصول موضوع بند (ب) به میزان ۵۰ درصد افزایش یافته است.

رسیده باشد و همچنین سازمان تعاون و مصرف کادر نیروهای مسلح و واحدهای اقتصادی تابع آن و شرکت‌های دولتی کشت و صنعت از پرداخت حقوق ثبتی معاف می‌باشند.

ت) حقوق ثبتی هر شعبه و تغییرات آن حسب مورد مطابق بندهای مقرر در این ماده خواهد بود.[۱]

ث) از تاریخ اجرای این قانون هیچ‌گونه حقوق دیگری اعم از عمومی و اختصاصی برای ثبت شرکت‌ها و مؤسسات مندرج در این قانون دریافت نخواهد شد و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌شود.

ماده۱۱ـ نماینده هر شرکت خارجی یا مدیر شعبه آن که برخلاف ماده۳ قبل از ثبت به سمت نمایندگی یا مدیریت شعبه شرکت در ایران اقدام به عملیات تجارتی یا صنعتی یا مالی نماید مطابق ماده ۵ این قانون محکوم به جزای نقدی خواهد شد. در مورد شرکت‌های داخلی که پس از تاریخ اجرای این قانون تشکیل می‌شوند، کسانی که مکلف به تقاضای ثبت شرکت بوده در موعد قانونی به تکلیف خود عمل نکنند، مطابق ماده۲ این قانون محکوم به جزای نقدی خواهند شد.

ماده۱۲ـ مواد ۶۶ و ۱۴۱ قانون تجارت و ماده ۲۴۱ قانون ثبت اسناد نسخ و این قانون از ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می‌شود.

---

۱. طبق بند ج تبصره (۷۷) قانون بودجه سال ۱۳۶۳ کل کشور مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۳۰ و بند ج ماده۱ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ حق الثبت هر شعبه شرکت‌ها و مؤسسات تجارتی و غیر تجارتی موضوع بند ت و تغییرات آن حسب مورد مطابق تعرفه‌های اصلاحی ماده ۱۰ بوده و به میزان پنجاه درصد افزایش یافته است.

آیین‌نامه شماره ۵۱۵۸۳
راجع به ثبت شرکت‌های تجارتی و علایم و اختراعات
مصوب اسفند ماه ۱۳۲۷

نظر به ماده ۹ قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ و ماده ۴۵ قانون ثبت علایم و اختراعات مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰ وزارت دادگستری مقرر می‌دارد:

ماده ۱ـ برای ثبت شرکت‌های تجارتی و علایم و اختراعات در تهران اداره‌ای به نام اداره ثبت شرکت‌ها و علایم تجارتی و اختراعات که جزء تشکیلات اداره ثبت است تشکیل می‌شود و دارای وظایف زیر خواهد بود:

۱. ثبت شرکت‌های داخلی و تشکیلات مؤسساتی که برای مقاصد غیر تجارتی در حوزه تهران تشکیل و تأسیس می‌شود.
۲. ثبت کلیه شرکت‌های خارجی.
۳. ثبت علایم تجارتی و صنعتی.
۴. ثبت اختراعات.
۵. ثبت تجارتی و ثبت اسم تجارتی.
۶. پلمپ دفاتر تجارتی حوزه تهران.

تبصره ـ اداره ثبت شرکت‌ها و علایم تجارتی و اختراعات عنوان شعبه مخصوص دفتر دادگاه شهرستان تهران را برای اجرای مفاد مواد ۶و۷ قانون ثبت علایم و اختراعات مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰ خواهد داشت.

ماده ۲ـ اداره مزبور دارای تشکیلات زیر می‌باشد:

۱. دایره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجارتی که به نام دایره ثبت شرکت‌ها نامیده می‌شود.
۲. دایره ثبت علایم تجارتی و صنعتی و اختراعات.
۳. دفتر و بایگانی.

ماده ۳ـ در هر محلی که اداره یا دایره یا شعبه ثبت موجود است، برای ثبت شرکت‌های داخلی و پلمپ دفاتر و ثبت نام تجارتی و مؤسسات غیر تجارتی متصدی مخصوصی از طرف اداره کل ثبت تعیین خواهد شد.

ماده ۴ـ دوایر ثبت شرکت‌ها در تهران و شهرستان‌ها در ثبت شرکت‌نامه مجاز هستند.

توضیح:

این آیین‌نامه با طرح اصلاح آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها، مصوب شهریور ۱۳۴۰ که ذیلاً آورده می‌شود اصلاح گردیده و نام اداره ثبت شرکت از « اداره ثبت شرکت‌ها و علائم تجارتی و اختراعات» به «اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی» تغییر نام یافته است.

طرح اصلاحی آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها

مصوب شهریور ۱۳۴۰

روزنامه رسمی ۴۸۲۱ـ۱۳۴۰/۶/۱۲

نظر به مقررات قانون عهدنامهٔ عمومی پاریس مصوب دهم اسفند ماه ۱۳۳۷ مربوط به حمایت مالکیت صنعتی و مادهٔ ۹ قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ و مادهٔ ۴۵ قانون ثبت علائم تجارتی و اختراعات مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰ و مادهٔ ۱۱ و ۱۵ و مواد ۵۸۲ و ۵۸۵ قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ وزارت دادگستری مقرر می‌دارد:

ماده ۱ـ ادارهٔ ثبت شرکت‌ها و علائم تجارتی و اختراعات ادارهٔ کل ثبت در تهران از این تاریخ به نام «ادارهٔ ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی» نامیده می‌شود و دارای وظایف زیر خواهد بود:

۱. ثبت شرکت‌های تجارتی ایران حوزهٔ تهران و همچنین ثبت کلیهٔ شرکت‌های خارجی در ایران و مؤسسات غیرتجارتی ایرانی حوزهٔ تهران و ثبت کلیهٔ مؤسسات خارجی در ایران.
۲. ثبت علائم تجارتی و اختراعات و نام تجارتی و اشکال و ترسیمات صنعتی.
۳. ثبت دفتر تجارتی و پلمپ دفاتر تجارتی و غیر تجارتی حوزهٔ تهران.

تبصره ـ ادارهٔ ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی عنوان شعبه مخصوص دفتر دادگاه شهرستان تهران را برای اجرای مفاد مواد ۶ و ۷ قانون ثبت علائم تجارتی و اختراعات مصوب اول تیرماه ۱۳۱۰ را دارد و رئیس این اداره نسبت به قبول یا رد تقاضانامه‌های مربوط به ثبت شرکت‌های تجارتی و مؤسسات غیر تجارتی و اختراعات اتخاذ تصمیم نموده و گواهینامه‌های ثبت را امضاء خواهد کرد.

ماده۲ـ علاوه بر انجام وظایف قانونی ادارهٔ ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی موظف است در موضوع حمایت مالکیت صنعتی با در نظر گرفتن احتیاجات و مقتضیات اوضاع اقتصادی کشور و تعهدات بین‌المللی طرح‌های قانونی و آیین‌نامه‌های اجرائی آن را به کمک (کمیتهٔ مشورتی) تهیه و پیشنهاد نماید.

ماده۳ـ کمیتهٔ مشورتی از نمایندگان وزارت‌خانه‌های زیر در محل ادارهٔ ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی تشکیل می‌شود:
۱. ادارهٔ حقوقی وزارت دادگستری.
۲. اداره حقوقی وزارت امور خارجه.
۳. وزارت بازرگانی.
۴. وزارت صنایع و معادن.

کمیتهٔ مزبور به دعوت رئیس ادارهٔ ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی و

یا هر یک از وزارت‌خانه‌ها ذی‌نفع تحت ریاست رئیس ادارهٔ ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی تشکیل خواهد شد، در هر دعوت‌نامه دستور جلسه نیز ذکر خواهد شد.

تبصره ۱ـ کمیته هر وقت مقتضی بداند می‌تواند از نمایندگان سایر وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات و کارشناسان و اشخاص مطلع برای شرکت در جلسات خود دعوت نماید ولی اتخاذ تصمیم نهایی در هر موضوع با اعضاء ثابت کمیتهٔ مشورتی خواهد بود.

تبصره ۲ـ در صورتی که طرح‌های قانونی و آیین‌نامه‌های اجرائی که کمیتهٔ مزبور و یا کارشناسان مربوطه تهیه می‌نمایند احتیاج به پرداخت حق‌الزحمه داشته باشد از محل هزینهٔ مقدماتی ثبت کل تأمین و پرداخت خواهد شد.

ماده ۴ـ در هر محلی که اداره یا دایره یا شعبه ثبت موجود است برای ثبت شرکت‌های داخلی و پلمپ دفاتر تجارتی و ثبت نام تجارتی و مؤسسات غیرتجارتی متصدی مخصوصی از طرف ادارهٔ کل ثبت تعیین خواهد شد.

ماده ۵ـ ادارهٔ ثبت شرکت‌ها در تهران و دوایر ثبت شرکت‌ها در شهرستان‌ها در ثبت قائم مقام دفترخانه‌های رسمی می‌باشند.

توضیح:

در مورد مادهٔ ۵ مذکور «شورای عالی ثبت» چنین رأی داده است:
اصلاح آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها ناظر به مقررات مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ (ق.ت) می‌باشد و ثبت «مؤسسات غیر تجاری ایرانی» مشمول آیین‌نامه اخیر الذکر بوده و در ردیف ثبت شرکت‌ها به ثبت می‌رسد. انحلال مؤسسات مذکور که به موجب حکم دادگاه صورت می‌گیرد تصفیه امور آنها نیز طبق قانون تجارت و تصفیه امور شرکت‌ها انجام می‌شود.

نظام‌نامه اجراء قانون ثبت شرکت‌ها

مصوب ۱۳۱۰/۳/۲ با اصلاحیه‌های بعدی

نظر به ماده ۸ و ۹ قانون ثبت شرکت‌ها مصوب دوم خرداد ماه ۱۳۱۰ مقرر می‌دارد:

ماده ۱ـ برای ثبت کلیه شرکت‌های خارجی و همچنین ثبت شرکت‌های ایرانی که باید در تهران ثبت شود دایره مخصوصی در اداره ثبت اسناد تهران به اسم دایره ثبت شرکت‌ها[1] تشکیل خواهد شد.

ماده ۲ـ مهلتی که برای تقاضای ثبت شرکت‌های خارجی داده می‌شود از قرار ذیل است:

۱. نسبت به شرکت‌های خارجی که در تاریخ اجراء این نظام‌نامهٔ به وسیله شعبه یا نماینده در ایران به امر تجاری یا صنعتی و یا مالی اشتغال دارند تا ۱۵ مهر ماه ۱۳۱۰ و این مهلت ممکن است مطابق مادهٔ ۵ قانون ثبت شرکت‌ها تا شش ماه دیگر تمدید شود.

۲. نسبت به شرکت‌های خارجی که از تاریخ ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۰ به بعد بخواهند در ایران بوسیله شعبه یا نماینده به امر تجاری یا صنعتی یا مالی مبادرت کنند تقاضای ثبت باید قبل از اشتغال به امری که موضوع عملیات شرکت است به عمل آید.

ماده ۳ـ ثبت کلیهٔ شعبی نیز که ممکن است شرکت خارجی در ایران داشته باشد در دایره ثبت شرکت‌ها به عمل خواهد آمد.

---

۱. نام دایره ثبت شرکت‌ها به موجب ماده ۱ طرح اصلاحی آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها به «اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی» تبدیل شده است.

ماده ۴ـ اظهارنامهٔ ثبت هر شرکت خارجی یا شعب آن به وسیلهٔ شخصی که از طرف شرکت حق امضاء در ایران دارد و یا به توسط کسی که از طرف شخص مزبور برای این تقاضا وکالت دارد تقدیم خواهد شد.

ماده ۵ـ برای ثبت هر شرکت خارجی تقدیم اسناد ذیل لازم است:

۱. اظهارنامه ثبت.
۲. یک نسخهٔ مصدق از اساسنامهٔ شرکت.
۳. یک نسخهٔ مصدق از اختیارنامهٔ نمایندهٔ عمدهٔ شرکت در ایران و در صورتی که شرکت چند نمایندهٔ مستقل در ایران داشته باشد یک نسخهٔ مصدق از اختیارنامهٔ هر یک از آنها.

تبصره ـ هرگاه شرکت خارجی شرکتی باشد که شرایط عملیات آن به موجب امتیازنامهٔ صحیح و منظمی مقرر گردیده علاوه بر اسناد فوق باید سواد امتیازنامه با تصدیق وزارت امور خارجه مشعر بر صحت آن امتیازنامه نیز تسلیم شود.

ماده ۶ـ اظهارنامهٔ ثبت باید به فارسی نوشته شده و دارای نکات ذیل باشد:

۱. نام کامل شرکت.
۲. نوع شرکت از سهامی و تضامنی و مختلط و غیره.
۳. مرکز اصلی شرکت و آدرس صحیح آن.
۴. تابعیت شرکت.
۵. مقدار سرمایهٔ شرکت در تاریخ تقاضا.
۶. آخرین بیلان شرکت مشروط بر اینکه قوانین جاریه و یا عرف تجاری مملکت اصلی شرکت و یا اساسنامهٔ خود شرکت انتشار بیلان شرکت را مقرر کرده باشد.
۷. در چه محل و در چه تاریخ و نزد کدام مقام صلاحیت‌دار شرکت تقاضا کننده مطابق قوانین مملکت اصلی خود ثبت شده است؟
۸. شرکت به چه نوع امر صنعتی یا تجاری یا مالی در ایران مبادرت می‌کند؟

۹. شعب آن در کدامیک از نقاط ایران موجود است؟
۱۰. نمایندهٔ عمدهٔ شرکت در ایران کیست و اگر شرکت چند نمایندهٔ مستقل دارد نمایندگان مستقل شرکت در ایران چه اشخاصی هستند؟
۱۱. اسم و آدرس صحیح شخص یا اشخاصی که مقیم در ایران بوده و برای دریافت کلیهٔ ابلاغات مربوطه به شرکت صلاحیت دارند.
۱۲. تعهد به اینکه همه ساله یک نسخه از آخرین بیلان شرکت را در صورتی که بیلان مزبور مطابق فقرهٔ ششم این ماده قابل انتشار باشد به دایره ثبت شرکت‌ها بدهد.

ماده ۷ـ سواد اساسنامه شرکت و اختیارنامه نمایندهٔ عمده آن در ایران و اگر شرکت چند نمایندهٔ مستقل در ایران داشته باشد اختیارنامه آن نمایندگان و همچنین آخرین بیلان شرکت باید در مرکز اصلی شرکت به توسط شخص یا اشخاصی که از طرف شرکت حق امضاء دارند تصدیق گردد.

امضای آن شخص یا اشخاص باید به تصدیق مقامات صلاحیت‌دار مملکتی که امضاء در آنجا واقع شده و نمایندهٔ سیاسی یا کنسولی ایران در مملکت مزبور و یا نماینده سیاسی یا کنسولی دولت متبوع شرکت در ایران برسد.

ماده ۸ـ برای ثبت شعبهٔ هر شرکت خارجی تقدیم مدارک ذیل لازم است:
۱. اظهارنامهٔ ثبت به فارسی.
۲. سواد مصدق سند ثبت خود شرکت در ایران.
۳. سواد مصدق از اختیارنامهٔ نماینده که مدیر شعبه است.

تبصره ـ ممکن است تقاضای ثبت شعبه در ضمن تقاضای ثبت خود شرکت به عمل آید در این صورت تقدیم سواد مصدق سند ثبت خود شرکت لازم نخواهد بود.

ماده ۹ـ اگر علاوه بر نماینده یا نمایندگانی که اسم آنها مطابق مادهٔ ۶ با خود شرکت ثبت شده و یا نمایندگانی که مدیریت شعبه را داشته و اسم آنها مطابق مادهٔ ۸ در موقع ثبت شعبه به ثبت رسیده است شرکت خارجه در ایران نمایندگانی داشته باشد که حق امضاء از طرف آن دارند اسم نمایندگان مزبور نیز باید ثبت شود معذلک ثبت اسامی مستخدمین جزء که حق امضاء دارند از قبیل محاسب و وکیل و غیره اجباری نیست.

ماده ۱۰ـ هرگاه یکی از نکات مذکور در فقرهٔ ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۱۰ و ۱۱ ماده ۶ تغییر یابد این تغییر نیز باید در ادارهٔ ثبت اسناد تهران به ثبت برسد.

ماده ۱۱ـ اگر شعب جدیدی تأسیس و یا نمایندگان جدیدی معین شود تأسیس شعب و یا تعیین نمایندگان مزبور نیز باید در ادارهٔ ثبت اسناد تهران ثبت شود.

ماده ۱۲ـ اگر نمایندهٔ عمدهٔ شرکت در ایران تغییر یابد قائم مقام از برای ثبت سمت خود باید اسناد ذیل را به دایره ثبت شرکت‌ها تقدیم کند:

۱. اظهارنامه به زبان فارسی که شخصاً امضاءکرده باشد.
۲. سواد اختیارنامه مطابق مادهٔ ۷.

ماده ۱۳ـ کلیهٔ اوراقی که مطابق مواد فوق لازم است به تقاضانامه‌ها منضم گردد باید به فارسی تهیه شده و یا یک ترجمهٔ مصدق از آن به فارسی ضمیمهٔ آن شود.

ماده ۱۴ـ در دایره ثبت شرکت‌ها دفتر مخصوصی برای ثبت شرکت‌های خارجی خواهد بود و شرکت‌های مزبور باید در این دفتر به ترتیب تقاضا و در تحت نمرهٔ ترتیبی ثبت شوند.

ماده ۱۵ـ در دفتر مذکور در مادهٔ فوق باید برای ثبت هر شرکت لااقل ۴ صفحه سفید تخصیص داده شود و کلیهٔ شعب شرکت که تقاضای ثبت آن می‌گردد و همچنین تغییراتی که باید مطابق این نظام‌نامه به ثبت برسد به تدریجی که حاصل می‌شود ذیل ثبت خود شرکت و در صفحات مذکور فوق ثبت خواهد شد.

ماده ۱۶ـ علاوه بر صفحات سفیدی که برطبق مادهٔ ۱۵ مقرر است برای هر شرکت خارجی باید دوسیهٔ مخصوصی تشکیل داده شود.
در دوسیهٔ مزبور برای خود شرکت و هر یک از شعب آن در ایران یک لفافه تخصیص داده خواهد شد. اظهارنامه و هر سندی که ضمیمهٔ آن است در لفاف مخصوص شرکت یا شعبهٔ آن ضبط می‌گردد. پس از آن یک نسخه از هر اظهارنامهٔ دیگری که راجع به تغییرات باشد و همچنین کلیهٔ اوراق که راجع به آن شرکت یا شعبه یا نماینده آن باشد در دوسیهٔ مزبور و در لفاف مخصوص خود ضبط خواهد شد.

ماده ۱۷ـ دایرهٔ ثبت شرکت‌ها باید برای هر اظهارنامه رسیدی با قید تاریخ وصول اظهارنامه بدهد.

ماده ۱۸ـ پس از ثبت شرکت و هر یک از شعب آن ادارهٔ ثبت اسناد باید تصدیقی مشعر بر ثبت شرکت یا شعبهٔ آن به تقاضا کننده بدهد.
تصدیق مزبور باید حاوی مراتب ذیل باشد:
۱. نام کامل شرکت.
۲. نوع شرکت از سهامی و تضامنی و مختلط و غیره.
۳. مرکز اصلی شرکت و آدرس صحیح آن.
۴. تابعیت شرکت.
۵. مقدار سرمایهٔ شرکت در تاریخ تقاضا.
۶. در چه محل و در چه تاریخ و در نزد کدام مقام صلاحیت‌دار شرکت

تقاضا کننده مطابق قوانین مملکت اصلی خود ثبت شده است؟

۷. شرکت به چه نوع امر صنعتی یا تجاری یا مالی در ایران مبادرت می‌کند؟

۸. تاریخ ثبت.

۹. امضای مدیرکل ثبت اسناد مملکتی.

تبصره ـ هرگاه تصدیق راجع به ثبت شعبه باشد باید علاوه بر مراتب فوق در تصدیق‌نامه محل شعبه نیز قید شود.

ماده ۱۹ـ سواد مصدق از تصدیق ثبت هر شعبهٔ شرکت خارجی باید توسط ادارهٔ کل ثبت به ادارهٔ ثبت اسناد محلی که شعبه در آنجا دایر بوده و یا می‌شود ارسال گردد و اگر در آن محل ثبت اسناد نباشد سواد مزبور به محکمهٔ ابتدایی آن محل فرستاده خواهد شد.

ماده ۲۰ـ در ظرف یک ماه از تاریخ ثبت هر شرکت خارجی یا شعبه آن دایرهٔ ثبت شرکت‌ها باید مراتب ذیل را به خرج خود شرکت در مجلهٔ رسمی وزارت عدلیه و یکی از روزنامه‌های یومیهٔ تهران به تعیین وزارت عدلیه منتشر نماید:

۱. خلاصه اساسنامهٔ شرکت.

۲. اسم نمایندهٔ عمدهٔ شرکت در ایران و اگر شرکت در ایران چند نفر نمایندهٔ مستقل داشته باشد اسم همهٔ آنها.

۳. اسم اشخاصی که از طرف شرکت حق امضاء دارند.

۴. اسم شخص یا اشخاص مقیم در ایران که برای دریافت کلیهٔ ابلاغات مربوطه به شرکت صلاحیت دارند.

ماده ۲۱ـ مراتب مذکور در مادهٔ فوق باید در یکی از روزنامه‌های محلی نیز منتشر شود که شعبهٔ شرکت در آنجا دایر بوده و یا تأسیس می‌شود و اگر در آن محل روزنامه نباشد این انتشار باید در یکی از روزنامه‌های یومیهٔ تهران و با قید این که مربوط به کدام شعبه است به عمل آید.

انتشارات مذکور در این ماده نیز به توسط دایرهٔ ثبت شرکت‌ها و به خرج خود شرکت به عمل خواهد آمد.

ماده ۲۲ـ هر شرکت خارجی که اظهارنامهٔ ثبت را با شرایط و در مواعد مقرره در قانون ثبت شرکت‌ها و این نظام‌نامه تقدیم نماید از مهلت‌های ذیل بهره‌مند خواهد شد:

الف) برای تقاضای ثبت شعب و اسم نمایندگانی که در ایران مشغول تجارت بوده و در ضمن اظهارنامهٔ راجع به ثبت خود شرکت نسبت به آنها اظهارنامه تقدیم نشده باشد یک ماه از تاریخ ثبت خود شرکت.

ب) برای تقاضای ثبت شعب یا نمایندگانی که ممکن است بعد از ثبت خود شرکت در ایران تشکیل و یا معین گردند یک ماه از تاریخ تشکیل یا تعیین آنها.

ج) برای تقاضای ثبت تغییرات حاصله در شعب شرکت یا نمایندگانی که در ایران دارد که از آن جمله نمایندهٔ عمدهٔ شرکت و نمایندگان مستقل دیگر شرکت در ایران است و همچنین برای تغییر شخص یا اشخاصی که برای دریافت کلیهٔ ابلاغات راجع به شرکت صلاحیت دارند دو ماه از تاریخ تغییر.

د) برای تغییرات حاصله در خود شرکت سه ماه از تاریخ تغییر اگر مرکز اصلی شرکت در آسیا به استثناء شرق اقصی و یا در اروپا و یا آمریکای شمالی باشد و چهار ماه اگر در سایر ممالک باشد.

ماده ۲۳ـ مقصود از نمایندهٔ عمدهٔ شرکت خارجی که در قانون ثبت شرکت‌ها مذکور است کسی است که شرکت خارجی به او اختیار لازم داده و تعهدات او به سمت نمایندگی شرکت تعهدات خود شرکت محسوب می‌شود.

ماده ۲۴ـ مقررات مادهٔ ۷ در مورد بیلان سالیانه شرکت نیز که مطابق فقرهٔ دوازدهٔ مادهٔ شش این قانون باید همه ساله به دایرهٔ ثبت شرکت‌ها تسلیم شود رعایت خواهد شد.

ماده ۲۵ـ ثبت شرکت‌های ایرانی باید مطابق مقررات قانون تجارت به عمل آید و در مورد شرکت‌های ایرانی که در ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۰ به ثبت نرسیده باشند مطابق مادهٔ دوم قانون ثبت شرکت‌ها تا آخر شهریور ماه ۱۳۱۰ برای ثبت مهلت داده خواهد شد. این مهلت ممکن است مطابق مادهٔ مزبور تمدید شود.

ماده ۲۶ـ مراجعه به دفاتر ثبت شرکت‌ها اعم از ایرانی و خارجی برای عموم مردم آزاد و هرذی نفعی می‌تواند از مندرجات آن سواد مصدق تحصیل کند.

ماده ۲۷ـ شرکت‌های بیمهٔ عمر اعم از ایرانی و خارجی نمی‌توانند در ایران اقدام به عملیات نمایند مگر اینکه قبلاً از دولت تحصیل اجازه کرده و بعد به ثبت رسیده باشند.

ماده ۲۸ـ (اصلاحی ۱۳۱۰/۱۱/۴) شرکت‌های بیمه از هر قبیل و اعم از ایرانی و خارجی مکلفند کلیهٔ قراردادهای مربوطه به بیمه را بسه زبان فارسی تنظیم نمایند و در مقابل بیمه‌شدگان ایرانی فقط متن فارسی سندیت خواهد داشت.
مفاد این ماده در مورد قراردادهای بیمه‌ای رعایت خواهد شد که از اول اسفند ماه ۱۳۱۰ به بعد منعقد گردد.

ماده ۲۸ـ (الحاقی ۱۳۱۰/۱۱/۴) قراردادهای بیمه بحری که در ایران صادر ولی وجه آن در صورت حدوث خسارت باید در خارجه پرداخته شود تابع ماده قبل نبوده و قراردادهای مذکور را می‌توان به زبان غیر فارسی صادر نمود.

ماده ۲۹ـ مادام که برای شرکت‌های بیمه نظام‌نامه مخصوص مقرر نشده است ثبت شرکت‌های مزبور به استثنای شرکت‌های بیمه مطابق مقررات قانون شرکت‌ها و این نظام‌نامه خواهد بود.

ماده ۳۰ـ حق الثبت شرکت‌ها که به موجب مادهٔ ۱۰ قانون ثبت شرکت‌ها اخذ می‌شود باید در حین تسلیم اظهارنامه تأدیه گردد.

مواد ۳۱ و ۳۲ـ ملغی طبق ماده ۳۵ آیین‌نامه مترجمان رسمی مصوب ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۸ وزارت دادگستری.

ماده۳۳ـ این نظام‌نامه از تاریخ ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۰ به موقع اجراء گذاشته خواهد شد.

ماده ۳۴ـ (الحاقی ۱۳۱۳/۴/۲۰) شرکت‌های منعقده بین کسبه جزء که اطلاق تاجر به آنها نمی‌شود و مطابق مقررات نمره ۷۰۴۴ مورخه ۱۵ خرداد ۱۳۱۱ وزارت عدلیه تشخیص و تعیین شده‌اند در عداد شرکت‌های تجارتی نبوده و به عنوان قرارداد مطابق مقررات قانون ثبت اسناد در دفاتر اسناد رسمی باید به ثبت برسد.

ماده الحاقی ـ در مورد شرکت‌های فرعی که از طرف یک شرکت تشکیل داده می‌شود اگر اکثریت سهام شرکت‌های فرعی متعلق به شرکت اصلی است هر شرکت فرعی از حیث ثبت در حکم شعبه شرکت اصلی خواهد بود.
در صورتی‌که تمام سهام شرکت فرعی متعلق به شرکت اصلی باشد حق الثبت فقط از سرمایه شرکت اصل مأخوذ می‌گردد اگر قسمتی از سهام شرکت فرعی متعلق به شرکت اصلی نباشد از آن قسمت حق‌الثبت جداگانه اخذ خواهد شد.

نظامنامه ماده ۱۹ قانون تجارت
راجع به تشخیص کسبه جزءو پیشه‌ور از تاجر

مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۹ قوه قضاییه

۱۳۸۰/۱۱/۹ـ۱/۸۰/۲۱۲۴۳

ماده واحده ـ افراد حقیقی زیر که از مصادیق اشخاص مذکور در ماده ۹۶ قانون مالیات مستقیم نباشد با دارا بودن شرایط زیر کسبه جز محسوب می‌شوند.

۱. کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نظایر آنان که میزان فروش سالانه آنان از مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تجاوز نکند.

۲. ارائه دهندگان خدمات در هر زمینه که مبلغ دریافتی آنان در قبال خدمات ارائه شده در سال از مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تجاوز نکند.

از تاریخ اجرای این نظامنامه، نظامنامه ۷۰۴۴ مورخ ۱۳۱۱/۳/۱۵ وزیر عدلیه (راجع به ماده ۱۹ ق.ت) لغو می‌شود. (روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۰۶ـ۱۳۸۰/۱۲/۸).

ماده ۹۶ قانون مالیاتهای مستقیم(۱۳۸۰/۱۱/۲۷)

الف ـ صاحبان مشاغل موضوع بند (الف) ماده ۹۵ این قانون عبارتند از:

۱. دارندگان کارت بازرگانی و کلیه واردکنندگان و صادرکنندگان.

۲. صاحبان کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی که برای آنها جواز تأسیس و پروانه بهره‌برداری از وزارتخانه ذی‌ربط صادر شده یا می‌شود.

۳. بهره‌برداران معادن.

۴. صاحبان مؤسسات حسابرسی، حسابداری و دفترداری، خدمات مالی و ارائه دهندگان خدمات مدیریتی، مشاوره‌ای، انفورماتیک، رایانه‌ای اعم از سخت افزاری و نرم‌افزاری طراحی سیستم.

۵. صاحبان مراکز آموزشی و پرورشی، آموزشگاه‌های آزاد، مدارس غیر انتفاعی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی.

۶. صاحبان بیمارستان‌ها،زایشگاه‌ها، آسایشگاه‌ها، درمانگاه‌ها و خانه‌های سالمندان.
۷. صاحبان متل‌ها و هتل‌های سه ستاره و بالاتر.
۸. بنکداران،عمده‌فروش‌ها،فروشگاه‌های بزرگ، واسطه‌های مالی، نمایندگان توزیع کالاهای داخلی و وارداتی و صاحبان انبارها.
۹. نمایندگان مؤسسه‌های تجارتی و صنعتی، اعم از داخلی و خارجی.
۱۰. صاحبان مؤسسات حمل و نقل موتوری، زمینی، دریایی و هوایی اعم از مسافری یا باربری.
۱۱. صاحبان مؤسسات مهندسی و مهندسی مشاور.
۱۲. صاحبان مؤسسات تبلیغاتی و بازاریابی.

ب) صاحبان مشاغل موضوع بند(ب) ماده ۹۵ این قانون عبارتند از:
۱. صاحبان کارگاه‌های صنعتی.
۲. صاحبان مشاغل ساختمانی، تأسیسات فنی و صنعتی، نقشه‌کشی، نقشه‌برداری، محاسبات فنی و نظارت.
۳. چاپخانه‌داران، لیتوگراف‌ها، صحاف‌ها، ارائه دهندگان خدمات چاپ و گرافیست‌ها.
۴. صاحبان مراکز ارتباطات رایانه‌ای.
۵. وکلا،کارشناسان، مترجمان رسمی دادگستری، مشاوران حقوقی، حسابداران رسمی و اعضای سازمان‌های نظام مهندسی.
۶. محققان، پژوهش گران و کارشناسان آزاد که به تهیه و ارائه طرح‌های تحقیقاتی اشتغال دارند.
۷. دلالان، حق‌العمل کاران و کارگزاران.
۸. صاحبان مراکز فرهنگی ـ هنری، فرهنگ‌سراها، کانون‌های حرفه‌ای و انجمن‌های صنفی و تخصصی.
۹. صاحبان سینماها، تماشاخانه‌ها، مکان‌های تفریحی و ورزشی.
۱۰. صاحبان مشاغل فیلم‌برداری، دوبلاژ، مونتاژ و سایر خدمات سینمایی.

۱۱. پزشکان و دندانپزشکان که دارای مطب هستند و دامپزشکان که به حرفه دامپزشکی اشتغال دارند.

۱۲. صاحبان آزمایشگاه‌ها، رادیولوژی‌ها، فیزیوتراپی‌ها، سونوگرافی‌ها، سی‌تی‌اسکن‌ها، الکتروانسفالوگرافی‌ها، سالن‌های زیبایی و دیگر ارائه دهندگان خدمات بهداشتی طبی و غیر طبی.

۱۳. صاحبان میهمان سراها، میهمان پذیرها و مسافرخانه‌ها.

۱۴. صاحبان تالارهای پذیرایی، رستوران‌ها، تهیه کنندگان غذاهای آماده، ارائه دهندگان خدمات پذیرایی و کرایه دهندگان ظروف.

۱۵. صاحبان دفاتر اسناد رسمی.

۱۶. صاحبان تعمیرگاه‌های مجاز و اتو سرویس‌ها.

۱۷. صاحبان نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌های اتومبیل و بنگاه‌های معاملات املاک و آژانس‌های کرایه اتومبیل.

۱۸. سازندگان و فروشندگان طلا و جواهر.

۱۹. عاملان فروش و فروشندگان آهن آلات.

تبصره ۱ـ (اصلاحی۱۳۸۰/۱۱/۲۷) سازمان امور مالیاتی کشور در صورت تشخیص ضرورت می‌تواند هریک از مشمولان بند(ب) این ماده را به رعایت مقررات موضوع بند(الف) این ماده ملزم نماید مشروط بر آن که مراتب کتباً تا پایان دی ماه هر سال به مؤدیان فوق ابلاغ گردد. مؤدیان اخیرالذکر از اول سال بعد مکلف به اجرای آن می‌باشند.

تبصره ۲ـ منظور از صاحبان مذکور در این ماده اشخاصی است که بهره‌برداری از مؤسسات به حساب آنان انجام می‌شود.

تبصره ۳ـ (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) مشمولان این ماده که در محل شغل خود دارای فعالیت‌های شغلی دیگر موضوع این فصل می‌باشند مکلفند برای کلیه فعالیت‌های شغلی خود طبق مقررات این قانون عمل کنند.

قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی

مصوب ۲۱ /۱۳۷۶/۸

روزنامه رسمی ۱۵۳۸۴ـ۱۳۷۶/۹/۲۶

ماده واحده. شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع، می‌توانند در زمینه‌هایی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود در چهارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند.

تبصره ـ آیین‌نامه اجرائی این قانون بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارائی با هماهنگی سایر مراجع ذیربط به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

آیین‌نامه اجرائی قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی

مصوب ۱۳۷۸/۱/۱۱ هیأت وزیران

روزنامه رسمی ۱۵۸۲۰ ـ ۱۳۷۸/۴/۲

ماده ۱ـ شرکت‌های خارجی در کشور محل ثبت خود، شرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل در کشور متبوع، می‌توانند برای فعالیت در ایران در زمینه‌های زیر بر اساس مقررات این آیین‌نامه و سایر قوانین و مقررات مربوط نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام نمایند:

۱. ارائه خدمات بعد از فروش کالاها یا خدمات شرکت خارجی.

۲. انجام عملیات اجرایی قراردادهایی که بین اشخاص ایرانی و شرکت خارجی منعقد می‌شود.

۳. بررسی و زمینه‌سازی برای سرمایه گذاری شرکت خارجی در ایران.
۴. همکاری با شرکت‌های فنی و مهندسی ایرانی برای انجام کار در کشورهای ثالث.
۵. افزایش صادرات غیر نفتی جمهوری اسلامی ایران.
۶. ارائه خدمات فنی و مهندسی و انتقال دانش فنی و فن‌آوری.
۷. انجام فعالیت‌هایی که مجوز آن توسط دستگاه‌های دولتی که به طور قانونی مجاز به صدور مجوز هستند، صادر می‌گردد، از قبیل ارائه خدمات در زمینه‌های حمل و نقل، بیمه و بازرسی کالا، بانکی، بازاریابی و غیره.

ماده ۲ـ شعبه شرکت خارجی، واحد محلی تابع شرکت اصلی است که مستقیماً موضوع و وظایف شرکت اصلی را در محل، انجام می‌دهد. فعالیت شعبه در محل، تحت نام و با مسئولیت شرکت اصلی خواهد بود.

ماده ۳ـ شرکت‌های خارجی متقاضی ثبت شعبه در ایران موظفند اطلاعات و مدارک زیر را به همراه درخواست کتبی خود به اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی ارائه نمایند:
۱. اساسنامه شرکت، آگهی تأسیس و آخرین تغییرات ثبت شده در مراجع ذی‌ربط.
۲. آخرین گزارش مالی تأیید شده شرکت.
۳. گزارش توجیهی حاوی اطلاعات مربوط به فعالیت‌های شرکت و تبیین دلایل و ضرورت ثبت شعبه در ایران، تعیین نوع و حدود اختیارات و محل فعالیت شعبه، برآورد نیروی انسانی ایرانی و خارجی مورد نیاز، و نحوه تأمین منابع وجوه ارزی و ریالی برای اداره امور شعبه.

ماده ۴ـ نماینده شرکت خارجی، شخص حقیقی یا حقوقی است که براساس قرارداد نمایندگی، انجام بخشی از موضوع و وظایف شرکت طرف نمایندگی را در محل برعهده گرفته است.
نمایندگی شرکت خارجی، نسبت به فعالیت‌هایی که تحت نمایندگی شرکت طرف نمایندگی در محل انجام می‌پذیرد، مسؤولیت خواهد داشت.

ماده ۵ـ اشخاص حقیقی ایرانی یا اشخاص حقوقی که متقاضی ثبت نمایندگی شرکت خارجی در ایران هستند موظفند، ترجمه فارسی اسناد و اصل مدارک و اطلاعات زیر را به همراه درخواست کتبی خود به اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی ارائه نمایند:

۱. تصویر مصدق قرارداد موضوع ماده ۴ این آیین‌نامه.
۲. مدارک شناسایی شخص متقاضی، برای اشخاص حقیقی، تصویر شناسنامه و نشانی اقامتگاه قانونی و برای اشخاص حقوقی، اساسنامه شرکت و آگهی تأسیس و آخرین تغییرات ثبت شده آن نزد مراجع ذی‌ربط.
۳. ارائه سابقه فعالیت متقاضی ثبت نمایندگی، در زمینه امور پیش بینی شده در قرارداد نمایندگی.
۴. اساسنامه شرکت خارجی طرف نمایندگی، آگهی تأسیس و آخرین تغییرات ثبت شده آن نزد مراجع ذی‌ربط.
۵. گزارش فعالیتهای شرکت خارجی طرف نمایندگی و تبیین دلایل و ضرورت اخذ نمایندگی.
۶. آخرین گزارش مالی تأیید شده شرکت خارجی طرف نمایندگی.
۷. معرفی وزارتخانه ذی‌ربط.

ماده ۶ـ اشخاصی که مجوز فعالیت آنها از سوی مراجع ذی‌صلاح لغو می‌شود مکلفند، در مهلت تعیین شده توسط اداره ثبت شرکت‌ها و

مالکیت‌های صنعتی، نسبت به انحلال شعبه یا نمایندگی و انجام امور تصفیه آن اقدام نمایند.

تبصره ـ شرکت‌هایی که مجوز فعالیت آنها تمدید نمی‌شود، شش ماه مهلت دارند نسبت به انحلال شرکت ثبت شده و انجام امور تصفیه آن اقدام نمایند.

ماده ۷ـ شعبه شرکت‌های خارجی که نسبت به ثبت شعبه خود در ایران اقدام نموده و به فعالیت می‌پردازند موظفند، هر سال گزارش سالانه شرکت اصلی مشتمل بر گزارش‌های مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان مستقل مقیم در کشور متبوع را به دستگاه ذی‌ربط ارائه نمایند.

ماده ۸ـ کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول این آیین‌نامه موظفند گزارش فعالیت شعبه یا نمایندگی در ایران را همراه با صورت‌های مالی حسابرسی شده خود ظرف مدت چهار ماه پس از پایان سال مالی به دستگاه‌های ذی‌ربط ارسال دارند.

حسابرسی مذکور تا زمانی که آیین‌نامه اجرایی تبصره(۴) ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به عنوان حسابدار رسمی ـ مصوب ۱۳۷۲ـ اعلام نشده است، توسط سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی مورد قبول دستگاه ذی‌ربط، که شرکای آن افراد حقیقی تأیید شده توسط اداره نظارت سازمان حسابرسی باشند، انجام می‌گیرد.

ماده ۹ـ اداره امور شعبه یا نمایندگی ثبت شده طبق این آیین‌نامه، باید توسط یک یا چند شخص حقیقی مقیم ایران انجام گیرد.

ماده ۱۰ـ به منظور برخورداری شرکت‌های خارجی از مزایای این آیین‌نامه و استمرار فعالیت آنها، شرکت‌های خارجی که تا قبل از لازم الاجراء

شدن این آیین‌نامه، در ایران، از طریق شعبه یا نمایندگی خود فعالیت می‌کرده‌اند مکلفند، اطلاعات و مدارک موضوع مواد ۳ و ۵ این آیین‌نامه را به دستگاه‌های ذی‌ربط ارائه داده و وضعیت خود را با آیین‌نامه تطبیق دهند.

توضیح:

در ثبت نمایندگی شرکت خارجی، نماینده شخصیت حقوقی مستقل پیدا می‌نماید و به عنوان نایب به حساب دیگری منوب عنه اعمال تجارتی انجام می‌دهد. به موجب ماده ۲ و ۴ آیین‌نامه قلمرو اختیارات نایب را قرارداد نمایندگی تأیید می‌نماید. تذکر این نکته ضروری است که شعبه شرکت خارجی شخصیت حقوقی مستقل ندارد.

ماده۱۹۶ـ اسناد و نوشتجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظام‌نامه وزارت عدلیه معین می‌شود.

ماده۱۹۷ـ در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکت‌نامه و منضمات آن طبق نظام‌نامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد.

ماده۱۹۸ـ اگر به علت عدم رعایت دستور دو ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شد هیچیک از شرکاء نمی‌توانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده‌اند عذر قرار دهند.

ماده۱۹۹ـ هرگاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد ۱۹۵ـ۱۹۷ باید به قسمی که در نظام‌نامه وزارت عدلیه معین می‌شود در هر حوزه جداگانه انجام گردد.

ماده۲۰۰ـ در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زائد برمدت مقرر یا انحلال شرکت(حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت می‌گیرد) و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکاء یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵و۱۹۷ لازم‌الرعایه است.

همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده ۷۹ این قانون اتخاذ می‌شود رعایت خواهد شد.

ماده ۲۰۱ـ در هر گونه اسناد و صورت حساب‌ها و اعلانات و نشریات و غیره که به طور خطی یا چاپی از طرف شرکت‌های مذکور در این قانون به استثنای شرکت‌های تعاونی صادر می‌شود سرمایه شرکت صریحاً باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحاً معین شود شرکت متخلف به جزای نقدی از دویست تا سه هزار ریال محکوم خواهد شد.

تبصره ـ شرکت‌های خارجی که به وسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال به تجارت دارند در مورد اسناد و صورت حساب‌ها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.

توضیح:

در اجرای مواد ۱۹۶ـ۱۹۷ـ۱۹۸و۱۹۹ (ق.ت) نظام‌نامه مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۵ وزارت عدلیه، اصلاحات بعدی در حال حاضر در ثبت شرکت‌ها لازم‌الاجرا می‌باشد نظر به اهمیت کاربردی آن نظام‌نامه مذکور در ذیل آورده می‌شود:

نظام‌نامه قانون تجارت
مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۵

ماده ۱ـ در هر محلی که اداره ثبت اسناد و یا دفتر اسناد رسمی موجود است شرکت‌های تجارتی که در آن محل تشکیل می‌شود باید به موجب شرکت ـ نامهٔ‌رسمی تشکیل گردد.

ماده ۲ـ شرکت‌های تجارتی باید در تهران در دایرهٔ ثبت شرکت‌ها و در خارج تهران در ادارهٔ ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت به ثبت برسند.
تبصره ـ در نقاطی که اداره یا دایره یا شعبه ثبت اسناد نباشد ثبت در دفتر اسناد رسمی و اگر دفتر اسناد رسمی هم نباشد ثبت در دفتر محکمهٔ ابتدایی یا صلحیه با رعایت ترتیب کافی خواهد بود، لیکن شرکت باید در ظرف سه ماه از تاریخ تأسیس اداره یا دایره یا شعبه ثبت اسناد در آن محل خود را در دفتر ثبت اسناد به ثبت برساند.

ماده ۳ـ ثبت شرکت به موجب تقاضانامه‌ای که در دو نسخه تنظیم می‌شود به عمل خواهد آمد.

ماده ۴ـ به تقاضانامه باید اسناد ذیل ضمیمه شود:
الف) در شرکت‌های سهامی:
۱. یک نسخه اصل از شرکت‌نامه
۲. یک نسخه مصدق از اساسنامه شرکت
۳. نوشته به امضاء مدیر شرکت حاکی از تعهد پرداخت تمام سرمایه و پرداخت واقعی لااقل ثلث آن.
۴. اسامی شرکاء با تعیین اسم و اسم خانوادگی و عدهٔ سهام هریک از آنها.
۵. سواد مصدق از تصمیمات مجمع عمومی صاحبان سهام در

موارد مذکور در مواد ۴۰ و۴۱ و۴۴ قانون تجارت.

ب) در شرکت‌های با مسئولیت محدود:

۱. یک نسخه مصدق از شرکت نامه.
۲. یک نسخه مصدق از اساسنامه اگر باشد.
۳. اسامی شریک یا شرکایی که برای اداره کردن شرکت معین شده‌اند.
۴. نوشته به امضای مدیر شرکت حاکی از پرداخت تمام سرمایه نقدی و تسلیم تمام سرمایه غیر نقدی با تعیین قیمت حصه‌های غیر نقدی.

ج) در شرکت‌های تضامنی:

۱. یک نسخه مصدق از شرکت نامه.
۲. یک نسخه مصدق از اساسنامه شرکت اگر باشد.
۳. نوشته به امضاء مدیر شرکت حاکی از پرداخت تمام سرمایه نقدی و تسلیم تمام سرمایهٔ غیر نقدی با تعیین قیمت حصه‌های غیر نقدی.
۴. اسامی شریک یا شرکایی که برای اداره کردن شرکت معین شده‌اند.

د) در شرکت‌های مختلط غیر سهامی:

۱. یک نسخه مصدق از شرکت نامه.
۲. یک نسخه مصدق از اساسنامه اگر باشد.
۳. اسامی شریک یا شرکاء ضامن که سمت مدیریت دارند.

ه) در شرکت‌های مختلط سهامی:

۱. یک نسخه مصدق از شرکت نامه.
۲. یک نسخه مصدق از اساسنامه.
۳. اسامی مدیر یا مدیران شرکت.
۴. نوشته به امضاء مدیر شرکت حاکی از تعهد پرداخت تمام سرمایه سهامی و پرداخت واقعی لااقل ثلث از آن سرمایه.

۵. سواد مصدق از تصمیمات مجمع عمومی در موارد مذکور در مواد ۴۰و۴۱و۴۴.
۶. نوشته به امضاء مدیر شرکت حاکی از پرداخت تمام سرمایهٔ نقدی شرکاء ضامن و تسلیم تمام سرمایه غیر نقدی با تعیین قیمت حصه‌های غیر نقدی.

و) در شرکت‌های نسبی:

۱. یک نسخه مصدق از شرکت نامه.
۲. یک نسخه مصدق از اساسنامه اگر باشد.
۳. اسامی مدیر و یا مدیران شرکت.
۴. نوشته به امضای مدیر شرکت حاکی از پرداخت تمام سرمایهٔ نقدی و تسلیم تمام سرمایهٔ غیر نقدی با تعیین قیمت حصه‌های غیر نقدی.

ز) در شرکت‌های تعاونی:

۱. یک نسخه مصدق از شرکت نامه.
۲. یک نسخه مصدق از اساسنامه اگر باشد.

ماده ۵ـ بعد از ثبت شرکت متصدی ثبت باید نسخهٔ ثانی تقاضانامه را با قید تاریخ و نمره ثبت امضاء و به مهر اداره ممهور کرده به تقاضا کننده بدهد این سند، سند ثبت شرکت خواهد بود.

ماده ۶ـ در ظرف ماه اول ثبت هر شرکت خلاصهٔ شرکت نامه و منضمات آن باید به توسط ادارهٔ ثبت محل در مجلهٔ رسمی عدلیه و یکی از جراید کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت به خرج خود شرکت منتشر شود.

تبصره ۱ـ در نقاطی که اداره ثبت نباشد اجراء این ماده به عهده مقامی است که شرکت‌نامه در آنجا به ثبت رسیده است.

تبصره ۲ـ (الحاقی ۱۳۳۹/۷/۴) هرگاه در نقاطی که شرکت‌های تعاونی روستائی طبق قانون مصوب ۱۳۳۴ تشکیل می‌شود روزنامه منتشر

نشود پس از ثبت شرکت آگهی‌های مربوط طبق آیین‌نامه تهیه شده و به تعداد کافی در نقاط کثیرالعبور اهالی محل الصاق خواهد شد.

تبصره ۳ـ (الحاقی ۱۳۴۰/۳/۲۸) آگهی‌های مربوط به شرکت‌های تعاونی کارگران که طبق قانون مصوب ۱۳۳۴ تشکیل می‌شود پس از ثبت در دفتر شرکت‌ها به وسائل مقتضی تهیه و در محل اصلی شرکت به تعداد کافی در نقاط کثیرالعبور الصاق خواهد شد.

ماده ۷ـ خلاصهٔ مذکور در مادهٔ قبل باید متضمن نکات ذیل باشد:

الف) نسبت به شرکت‌های از هر قبیل:

۱. نمره و تاریخ ثبت شرکت.
۲. مقدار سرمایه (با تشخیص مقداری از آن که پرداخته شده و مقداری که شرکاء پرداخت آن را تعهد کرده‌اند).
۳. اسامی مدیر یا مدیران.
۴. تاریخ آغاز و ختم شرکت در صورتی که برای مدت محدود تشکیل شده باشد.

توضیح:

قانون بخش تعاون اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مصوب شهریور ماه ۱۳۷۰ـ روزنامه رسمی ۱۳۵۷۲ـ۱۳۷۰/۷/۲۳ در مواد ۵۱ و ۵۲ خود راجع به ثبت شرکت‌های تعاونی علاوه بر موارد فوق چنین مقرر می‌دارد:

ماده ۵۱ـ شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی با رعایت این قانون پس از تهیه طرح و تصویب آن به کیفیتی که در آیین‌نامه اجرائی مشخص خواهد شد باید مدارک زیر را برای تشکیل و ثبت ارائه دهند:

۱. صورت جلسه تشکیل مجمع مؤسس و اولین مجمع عمومی و اسامی اعضاء و هیأت مدیره منتخب و بازرسان.
۲. اساسنامه مصوب مجمع عمومی.

۳. درخواست کتبی ثبت.
۴. طرح پیشنهادی و ارائه مجوز وزارت تعاون.
۵. رسید پرداخت مقدار لازم التأدیه سرمایه.
۶. مدارک دعوت موضوع بند ۲ ماده ۳۲.

تبصره ـ اولین هیأت مدیره پس از اعلام قبولی مکلفند با انجام تشریفات مقرر نسبت به ثبت تعاونی اقدام نمایند.

ماده ۵۲ـ اداره ثبت شرکت‌ها موظف است پس از دریافت اسناد و مدارک لازم اقدام به ثبت تعاونی‌ها نماید.

ماده ۲۵ اصلاحی قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۴ خرداد ۱۳۵۴ مقرر می‌دارد ـ ثبت شرکت و تغییرات اساسنامه به وسیله آگهی در روزنامه رسمی کشور به اطلاع عمومی می‌رسد. شرکت می‌تواند علاوه بر روزنامه رسمی کشور..... در صورت لزوم در یکی از جراید محلی و یا نشریات تعاونی و یا با الصاق آگهی در معابر عمومی مرکز شرکت، ثبت و یا تغییرات اساسنامه را اعلام دارد.

انتشار آگهی در روزنامه رسمی کشور..... برای اعلام تغییر هیأت مدیره، بازرسان و مدیرعامل الزامی نیست.

تبصره ـ (مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶) در مورد شرکت‌های تعاونی روستائی انتشار آگهی ثبت شرکت و تغییرات آن در روزنامه رسمی کشور و جراید مورد لزوم نیست.

ب) در شرکت‌های تضامنی و شرکت مختلط اعم از سهامی و غیر سهامی:
علاوه بر نکات فوق باید اسم تمام شرکاء ضامن نیز منتشر شود.

ماده ۸ـ هرگاه شرکت در چندین حوزهٔ محکمهٔ ابتدائی شعب داشته باشد انتشارات مذکور فوق باید به نحوی که در مادهٔ ۶ مقرر است در محل وقوع شعبه نیز علیحده به عمل آید و برای انجام این مقصود مقامی

که خود شرکت در آنجا به ثبت رسیده است باید سواد مصدق از تقاضانامه و منضمات آن را به ثبت اسناد محل وقوع شعبه یا شعب ارسال دارد تا اقدام به انتشار نماید.

ماده ۹ـ در هر موقع که تصمیماتی راجع به تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت قبل از مدت معینه یا تغییر در تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تغییر اسم شرکت یا تبدیل دیگر در اساسنامه یا تبدیل و یا خروج بعضی از شرکاء ضامن از شرکت اتخاذ شود و همچنین در هر موقعی که مدیر یا مدیران شرکت تغییر می‌یابد و یا تصمیمی نسبت به مورد معین در مادهٔ ۵۸ قانون تجارت اتخاذ شود مقررات این نظام‌نامه راجع به ثبت و انتشار باید در مورد تغییرات حاصله نیز رعایت شود.

توضیح:

ماده ۵۸ مذکور راجع به ضررهای وارده به شرکت حداقل تا نصف سرمایه شرکت می‌باشد که موجبات انحلال یا بقای شرکت را در مجمع عمومی فوق‌العاده فراهم می‌سازد. (با ماده ۱۴۰ ل.ا.ق.ت مقایسه شود).

فصل سوم
در تصفیه امور شرکت‌ها

ماده ۲۰۲ـ تصفیه امور شرکت‌ها پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.

ماده ۲۰۳ـ در شرکت‌های تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیر سهامی امر تصفیه با مدیر یا مدیران شرکت است مگر آن که شرکاء ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند.

ماده ۲۰۴ـ اگر از طرف یک یا چند شریک ضامن تعیین اشخاص مخصوص برای تصفیه تقاضا شد و سایر شرکاء ضامن آن تقاضا را نپذیرفتند محکمه بدایت اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد.

ماده ۲۰۵ـ در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند. اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.

ماده ۲۰۶ـ در شرکت‌های مختلط (سهامی و غیر سهامی) شرکاء غیر ضامن حق دارند یک یا چند نفر برای نظارت در امور تصفیه معین نمایند.

ماده ۲۰۷ـ وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن به کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت است به ترتیب مقرر در مواد ۲۰۸ـ۲۰۹ـ۲۱۰ـ۲۱۱ و ۲۱۲.

ماده ۲۰۸ـ اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود متصدیان انجام خواهند داد.

ماده ۲۰۹ـ متصدیان تصفیه حق دارند شخصاً یا به توسط وکیل از طرف شرکت محاکمه کنند.

ماده ۲۱۰ـ متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم دارد که شرکاء ضامن به او اجازه داده باشند، مواردی که به حکم قانون حکمیت اجباری است از این قاعده مستثنی است.

ماده ۲۱۱ـ آن قسمت از دارایی شرکت که در مدت تصفیه محل احتیاج نیست، بطور موقت بین شرکاء تقسیم می‌شود ولی متصدیان تصفیه باید معادل قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده است و همچنین معادل

مبلغی که در حساب بین شرکاء مورد اختلاف است موضوع نمایند.

ماده ۲۱۲ـ متصدیان تصفیه حساب شرکاء را نسبت به هم و سهم هر یک از شرکاء را از نفع و ضرر معین می‌کنند ـ رفع اختلاف در تقسیم به محکمه بدایت رجوع می‌شود.

ماده ۲۱۳ـ در شرکت‌های سهامی و شرکت‌های با مسئولیت محدود و شرکت‌های تعاونی امر تصفیه به عهده مدیران شرکت است مگر آن که اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۲۱۴ـ وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکت‌های با مسئولیت محدود و تعاونی به ترتیبی است که در ماده ۲۰۷ مقرر شده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکت‌ها (به استثنای مورد حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد.

ماده ۲۱۵ـ تقسیم دارایی شرکت‌های مذکور در ماده فوق بین شرکاء خواه در ضمن مدت تصفیه و خواه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آن که قبلاً سه مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید اعلان و یکسال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد.

ماده ۲۱۶ـ تخلف از ماده قبل متصدیان تصفیه را مسئول خسارات طلبکارانی قرار خواهد داد که به طلب خود نرسیده‌اند.

ماده ۲۱۷ـ دفاتر هر شرکتی که منحل شده با نظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا ده سال محفوظ خواهد ماند.

ماده ۲۱۸ـ هر شرکتی مجاز است در اساسنامه خود برای تصفیه ترتیب دیگری مقرر دارد ولی در هر حال آن مقررات نباید مخالف مواد ۲۰۷ـ۲۰۸ـ۲۰۹ـ۲۱۰ ـ۲۱۵ـ۲۱۶ـ۲۱۷ـ و قسمت اخیر ماده ۲۱۱ باشد.

توضیح:

۱. انحلال و تصفیه شرکت‌های سهامی عام و خاص مصوب ۱۳۴۷/۱۱/۲۴ از ماده ۱۹۹ تا ۲۳۱ قانون مزبور و آیین‌نامه قانون ثبت شرکت‌ها اعمال می‌گردد لذا مواد ۲۰۲ به بعد قانون تجارت در مورد شرکت‌های سهامی عام و خاص حاکم نمی‌باشد ولی شرکت‌های با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط سهامی و مختلط غیر سهامی از ماده ۲۰۳ تا ۲۱۸ (ق.ت) که در فصل سوم آمده پیروی می‌نمایند.

۲. شرکت‌های تعاونی، قانون بخش تعاونی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ و آیین‌نامه قانون ثبت شرکت‌ها اعمال می‌شود.

۳. شرکت‌های بیمه نیز برطبق قوانین مصوب خود که در این کتاب آمده است عمل می‌نمایند.

فصل چهارم

مقررات مختلفه

ماده ۲۱۹ـ مدت مرور زمان در دعاوی اشخاص ثالث بر علیه شرکاء یا وراث آنها راجع به معاملات شرکت (در مواردی که قانون شرکاء یا وراث آنها را مسئول قرار داده) پنج سال است.

مبدأ مرور زمان روزی است که انحلال شرکت یا کناره‌گیری شریک یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت به ثبت رسیده و در مجله رسمی اعلان شده باشد.

در صورتی که طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزی شروع می‌شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده است.

تبصره ـ دعوایی که سنخاً تابع مرور زمان کوتاه‌تری بوده یا به موجب این قانون مرور زمان طولانی‌تری برای آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است.

ماده ۲۲۰ـ هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجارتی خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت ننماید، شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکت‌های تضامنی در مورد آن اجراء می‌گردد، هر شرکت تجارتی ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که برطبق قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حساب‌ها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده والا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد، این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکت‌ها برای عدم ثبت مقرر شده است.

ماده ۲۲۱ـ اگر شرکت سهام یا اوراق استقراضی داشته باشد که مطابق اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی قیمت آنها به طریق قرعه باید تأدیه شود و قبل از تأدیه قیمت آن سهام یا اوراق منافعی که به آنها تعلق گرفته پرداخته شده باشد شرکت در موقع تأدیه اصل قیمت نمی‌تواند منافع تأدیه شده را استرداد نماید.

ماده ۲۲۲ـ هر شرکت تجارتی می‌تواند در اساسنامه خود قید کند که سرمایه اولیه خود را به وسیله تأدیه اقساط بعدی از طرف شرکاء یا قبول شریک جدید زیاد کرده و یا به واسطه برداشت از سرمایه آن را

تقلیل دهد در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان می‌توان سرمایه اولیه را تقلیل داد صراحتاً معین می‌شود.
کمتر از عشر سرمایه اولیه شرکت را حداقل قرار دادن ممنوع است.

توضیح:

مرور زمان مندرج در ماده ۲۱۹ و یا در سایر مواد مانند ۱۳۹ـ۲۸۰ـ۲۸۷ـ۲۸۸ـ ۲۸۹ـ ۲۹۰ـ۲۹۱ـ ۳۱۸ـ۳۱۹ـ۳۹۳ و ۴۱۳ (ق.ت) به قوت خود باقی است زیرا قانون تجارت، قانون خاص بوده و نسبت به (ق.آ.د.م) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ که مبحث «مرور زمان» را حذف نموده اقوی و اولی می‌باشد و مدت‌هاست محاکم مرور زمان مندرج در قانون تجارت را اعمال می‌نمایند مانند واخواست برات و سفته ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ سررسید (ماده ۲۸۰ و ۳۰۹ ناظر به ماده ۲۸۰) همچنین تسلیم دادخواست نسبت به دعوی خسارت علیه متصدی حمل و نقل که باید در مدت یکسال اقامه گردد والا مشمول مرور زمان می‌شود (ماده ۳۹۳ ق.ت).

آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجارتی

مصوب ۵ /۹/ ۱۳۳۷ با اصلاحات بعدی

مقدمه

نظر به مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ مقرر می‌دارد:

ماده ۱ـ مقصود از تشکیلات و مؤسسات غیر تجارتی مذکور در مادهٔ ۵۸۴ قانون تجارت، کلیهٔ تشکیلات و مؤسساتی است که برای مقاصد غیر تجارتی از قبیل امور علمی و ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می‌شود اعم از آنکه مؤسسین و تشکیل دهندگان قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند.

تبصره ـ تشکیلات و مؤسسات مزبور می‌توانند عناوینی از قبیل انجمن، کانون یا بنگاه و امثال آن اختیار نمایند ولی اتخاذ عناوینی که اختصاص به تشکیلات دولتی و کشوری دارد از طرف مؤسسات مزبور ممکن نخواهد بود.

ماده ۲ـ تشکیلات و مؤسسات مزبور از لحاظ انطباق با مقررات این آیین‌نامه به دو قسمت می‌شوند:

الف) مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن جلب منافع و تقسیم آن بین اعضاء خود نباشد.

ب) (اصلاحی ۹۴۴/ح/۴۱۶۳ـ۱۳۳۸/۲/۴) مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن ممکن است جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضاء خود یا غیر باشد مانند کانون‌های فنی و حقوقی و غیره.

ماده ۳ـ ثبت تشکیلات و مؤسسات مزبور در تهران در ادارهٔ ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها در اداره ثبت مرکز اصلی آن به عمل خواهد آمد.

تبصره ـ ثبت مؤسسات و تشکیلات غیر تجارتی که در خارج از کشور به ثبت رسیده است فقط در تهران در ادارهٔ ثبت شرکت‌ها به عمل خواهد آمد.

ماده ۴ـ مؤسسات و تشکیلات غیرتجارتی ثبت نشده که در ایران دارای فعالیت هستند موظف می‌باشند از تاریخ تصویب این آیین‌نامه ظرف دو ماه طبق مقررات مربوطه تقاضای ثبت نمایند.

تبصره ـ (اصلاحی ۳۳/۹۶۲ـ۱۳۴۷/۱۱/۸) اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی به محض وصول تقاضای ثبت این قبیل مؤسسات و تشکیلات مراتب را با ذکر خصوصیات به وزارت امور خارجه اعلام می‌دارد و پس از موافقت آن وزارت خانه طبق مقررات اقدام به ثبت آنها خواهد نمود.

فصل اول
در تسلیم اظهارنامه و ثبت مجامع و مؤسسات غیر تجارتی

ماده ۵ـ اظهارنامهٔ ثبت تشکیلات و مؤسسات مزبور باید در دو نسخه به زبان فارسی تنظیم شده و دارای تاریخ و امضاء حاوی نکات ذیل باشد:

الف) اسم و اقامتگاه و تابعیت و موضوع مؤسسه و مراکز و شعب آن.

ب) اسم و اقامتگاه و شهرت اشخاصی که برای اداره کردن مؤسسات و تشکیلات معین شده‌اند.

ج) اسم و اقامتگاه و تابعیت وکیل در صورتی که اظهارنامه به وسیلهٔ وکیل تنظیم شده باشد.

د) تاریخ ثبت و محل و شمارهٔ ثبت و نام کشوری که مؤسسه در آن به ثبت رسیده در صورتی که مؤسسات یا تشکیلات مذکور در خارج از ایران به ثبت رسیده باشد.

ه) تعیین ضمائم اظهارنامه.

ماده ۶ـ اظهارنامه باید دارای ضمائم زیر باشد:

الف) نسخه اصلی یا رونوشت وکالت‌نامه در صورتی که تقاضا به توسط وکیل داده شده باشد.

ب) رونوشت گواهی شده تصدیق کشوری که موسسات یا تشکیلات مزبور در آنجا به ثبت رسیده به انضمام ترجمهٔ مصدق آن به فارسی.

ج) دو نسخه اساسنامه و دو نسخه ترجمهٔ مصدق آن در صورتی که اصل اساسنامه به زبان خارجی باشد.

د) (اصلاحی ۹۴۴/ح/۴۱۶۳ـ۱۳۳۸/۲/۴) صورت مجلس مجمع عمومی

مبنی بر انتخاب هیأت مدیره و معرفی کسانی که حق امضاء دارند.
ه) یک نسخه اجازه‌نامهٔ حاصله از شهربانی در صورتی که موضوع ثبت طبق مدلول ردیف الف از مادهٔ ۲ این آیین‌نامه باشد.
و) (اصلاحی ۹۴۴/ح/۴۱۶۳ـ ۱۳۳۸/۲/۴) رسید پرداخت حق‌الثبت.

مادهٔ ۷ـ در صورتی که ظرف ۱۵ روز بعد از وصول اظهارنامه معلوم گردد که تقاضای ثبت دارای نواقصی باشد، دفتر ادارهٔ ثبت شرکت‌ها به متقاضی اخطار می‌کند که نواقص را ظرف مدت پانزده روز رفع کند و چنانچه در ظرف مدت مذکور اقدامی برای رفع نواقص نکنند و یا اصولاً تقاضای ثبت غیرقابل قبول باشد رئیس ادارهٔ ثبت شرکت‌ها اقدام به رد آن خواهد کرد. در شهرستان‌ها این اقدام بر عهدهٔ ادارات ثبت می‌باشد.

ماده ۸ـ در صورتی که تقاضای ثبت قبول شود مراتب در دفتر مخصوصی ثبت و ورقه‌ای حاکی از تصدیق ثبت به تقاضا کننده داده می‌شود و خلاصهٔ آن نیز به خرج متقاضی در روزنامهٔ رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار برای اطلاع عموم منتشر خواهد گردید.

ماده ۹ـ مؤسسات و تشکیلات مذکور باید کلیهٔ تغییراتی که در مواد اساسنامه و یا اشخاصی که حق امضاء دارند و یا اقامتگاه قانونی آنها پیدا می‌شود ظرف یک ماه به ادارهٔ ثبت شرکت‌ها اطلاع دهند و مادام که اطلاع نداده‌اند استناد به آن تغییرات در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود.

فصل دوم
در انحلال تشکیلات و مؤسسات غیر تجارتی

ماده۱۰ـ در صورت انحلال مؤسسات و تشکیلات مذکور در این آیین‌نامه هرگاه انحلال اختیاری باشد تصفیهٔ امور آن به توسط مدیر یا مدیران آن برطبق شرایط مقرره در اساسنامه به عمل می‌آید و در صورتی که در اساسنامه متصدی امر تصفیه و ترتیب آن معین نشده باشد مجمع عمومی باید در موقع تصمیم به انحلال، یک نفر را برای تصفیه انتخاب کرده و حدود اختیارات او را معین کند.

ماده۱۱ـ در صورتی که مؤسسه به موجب حکم محکمه منحل گردید و در اساسنامه متصدی امور تصفیه معین نشده باشد محکمه در ضمن حکم انحلال، یک نفر را برای تصفیه معین می‌کند و در این قبیل موارد تصفیه امور مربوطه برطبق قانون تجارت و تصفیهٔ امور شرکت‌ها خواهد بود.

فصل سوم
حق‌الثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی

ماده ۱۲ـ حق‌الثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجارتی با توجه به میزان سرمایه بوده و به قرار زیر است:

بدون سرمایه	۶/۰۰۰ ریال.
سرمایه تا ۲ میلیون ریال	۷/۵۰۰ ریال.
از ۲ تا ۱۰ میلیون ریال	۱۱/۲۵۰ ریال.
از ۱۰ تا ۱۰۰ میلیون ریال	۱۵/۰۰۰ ریال.
از ۱۰۰ میلیون ریال به بالا	۳۰/۰۰۰ ریال.

ماده ۱۳ـ (اصلاحی ۱۳۶۲/۱۲/۳۰ به موجب بند (ب) تبصره ۷۷ قانون بودجه سال ۱۳۶۳ کل کشور)ـ حق‌الثبت تغییرات مربوط به ازدیاد سرمایه به ازاء هر دفعه تغییر نسبت به سرمایه اضافه شده تابع نرخ‌های فوق‌الذکر و حق‌الثبت هر دفعه تغییر در موارد دیگر «به استثناء تغییر سرمایه» یک‌هزار ریال است.

تبصره ـ (اصلاحی ۱۳۴۶/۸/۲۸) طبق بند (ث) ماده ۱۰ قانون راجع به ثبت شرکت‌ها لغو شده است.

ماده ۱۴ـ (اصلاحی ۹۴۴/ح/۴۱۶۳ـ ۱۳۳۸/۲/۴) این آیین‌نامه پس از ده روز از تاریخ انتشار در روزنامهٔ رسمی کشور قابل اجراء خواهد بود و آیین‌نامهٔ شمارهٔ ۱۵۴۰۹ مورخ ۲۰ مرداد ۱۳۱۵ نسخ می‌شود.

از آیین‌نامه اجرائی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه راجع به ثبت مؤسسه حقوقی

مصوب ۱۳ /۱۳۸۱/۶ رئیس قوه قضائیه

روزنامه رسمی ۱۶۷۶۸ـ۱۳۸۱/۶/۳۱

ماده ۲۱ـ پذیرفته‌شدگان مشاوره حقوقی منفرداً یا مشترکاً اقدام به تشکیل مؤسسه می‌نمایند. دارندگان پروانه مکلف‌اند حداکثر ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ صدور مجوز طبق مقررات مربوط به ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری نسبت به ثبت مؤسسه اقدام نمایند، در غیر این صورت مجوز صادره باطل و بی‌اعتبار خواهد بود مگر آنکه هیأت مذکور در ماده ۲ این مدت را حداکثر برای یک بار به مدت ۶ ماه دیگر تمدید نماید.

در صورتی که مؤسسه توسط چند نفر تأسیس شود لازم است یکی از مشاورین به عنوان مدیر مؤسسه حقوقی معرفی تا مسئولیت امور مؤسسه به عهده او باشد.

تبصره ۱ـ ثبت مؤسسه در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستانی انجام

می‌شود که پروانه تأسیس مؤسسه برای آن محل صادر شده است.

تبصره ۲ـ ثبت مؤسسات حقوقی موکول به ارائه پروانه تأسیس از قوه قضائیه برای مدتی که در پروانه تعیین شده است خواهد بود؛ تمدید ثبت تابع تمدید پروانه می‌باشد.

تبصره ۳ـ مؤسسه مشاوره حقوقی تابع ضوابط و مقررات مربوط به مؤسسات غیرتجاری خواهد بود.

ماده ۲۲ـ مؤسسه مشاوره حقوقی باید در محلی که در پروانه صادره درج شده است، دایر شود و نمی‌توان عملاً فعالیت آن را در محل دیگری متمرکز نمود؛ در غیر این صورت پروانه صادره ابطال می‌گردد مگر اینکه در خصوص تغییر محل قبلاً موافقت هیأت مذکور در ماده ۲ کسب شده باشد.

تبصره ـ مفاد این ماده مانع از حضور شخص مشاور حقوقی در محاکم یا سایر مراجع شهرهای دیگر به عنوان وکیل نمی‌باشد.

ماده ۲۳ـ دارندگان پروانه فقط مجاز به تشکیل یک مؤسسه می‌باشند؛ ایجاد شعب و مؤسسات فرعی ممنوع و مستوجب تعقیب و تعطیلی دائمی یا موقت مؤسسه و تمام شعب آن خواهد بود.

آیین‌نامهٔ دفتر ثبت تجارتی

مصوب فروردین ۱۳۲۵ با اصلاحات بعدی

مجله رسمی ۳۴۰ ـ ۱۳۲۵

وزارت دادگستری، نظر به مواد ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مقرر می‌دارد:

ماده ۱ـ در هر محلی که اداره یا دایره یا شعبهٔ ثبت تشکیل شده یا می‌شود به منظور ثبت نام بازرگانان و بنگاه‌های بازرگانی و شرکت‌های

تجارتی دفتر مخصوصی به نام دفتر ثبت تجارتی تأسیس خواهد شد.

تبصره ۱ـ صفحات دفاتر مزبور را باید در بدو امر دادستان محل یا نمایندهٔ او شماره‌گذاری کرده و به امضای خود و مهر دادسرا ممهور و مجموع عدهٔ صفحات را با تمام حروف در اول و آخر هر دفتر با ذکر تاریخ قید کند.

تبصره ۲ـ در دفتر مزبور برای ثبت هر شماره یک صفحه تخصیص داده خواهد شد.

ماده ۲ـ کلیهٔ بازرگانان و بنگاه‌های بازرگانی و شرکت‌های تجارتی ایرانی و خارجی که مرکز اصلی آنها یا تجارت‌خانه آنها در ایران بوده و یا اینکه در خارجه باشد ولی در ایران شعبه یا شعبی دارند باید نام خود را طبق مقررات این آیین‌نامه در دفتر مذکور در ماده یک به ثبت برسانند.

ماده ۳ـ (اصلاحی ۵۸۷۷/ح/۳۴۵۱۸ـ۱۳۲۵/۷/۱۰) کلیهٔ بازرگانان و بنگاه‌های بازرگانی و شرکت‌های مذکور در مادهٔ ۲ که در تاریخ این آیین‌نامه در هر محل به شغل بازرگانی اشتغال دارند مکلفند تا آخر مهرماه ۱۳۲۵ اظهارنامهٔ خود را طبق ماده ۶ این آیین‌نامه تنظیم و به ثبت محل تسلیم نمایند.

ماده۴ـ (اصلاحی به تبع اصلاحی ـ ۱۳۲۵/۷/۱۰) بازرگان و بنگاه‌های بازرگانی و شرکت‌های تجارتی که پس از مدت مذکور در ماده سه به شغل بازرگانی اشتغال ورزیده یا تأسیس می‌شوند در ظرف یک ماه از تاریخ شروع به کار یا تأسیس مکلف به تسلیم اظهارنامهٔ مذکور در مادهٔ فوق می‌باشند.

ماده۵ـ اظهارنامه باید در سه نسخه روی نمونه‌های چاپی مخصوص که از متصدی دفتر ثبت تجارتی محل گرفته می‌شود تنظیم و به همان دفتر تسلیم و رسید گرفته شود.

ماده ۶ـ در اظهارنامه باید نکات زیر به ترتیبی که شماره‌گذاری شده نوشته شود:

۱. نام شخص و نام خانوادگی بازرگان و رئیس بنگاه و مدیران شرکت و اسم تجارت‌خانه یا بنگاه یا شرکت.
۲. تاریخ و محل تولد و شماره شناسنامه و محل صدور آن.
۳. تابعیت اصلی و تابعیت فعلی در صورتی که تابعیت دیگری را تحصیل نموده باشد تاریخ و طرز تحصیل تابعیت ثانوی باید قید شود.
۴. تاریخ ورود به ایران و شماره و محل صدور پروانه اقامت (اگر اظهارکننده تبعه خارجه باشد).
۵. محل اقامت شخصی، محل تجارت‌خانه یا بنگاه (نشانی کامل) محل مرکز اصلی شرکت و شعبات آن.
۶. (اصلاحی ۵۸۷۷/ح/۳۴۵۱۸ـ۱۳۲۵/۷/۱۰) میزان سرمایه در شرکت‌های تجارتی.
۷. شمارهٔ ثبت منگنه و پلمپ دفاتر تجارتی که به موجب مواد ۶ و ۱۲ قانون تجارت به عمل آمده است.
۸. شماره تلفن، عنوان تلگرافی، کتاب رمز تجارتی، اگر داشته باشد.
۹. رشتهٔ تجارت، تجارت داخلی یا تجارت خارجی یا هر دو.
۱۰. قید شمارهٔ ثبت علائم تجارتی، چنانچه داشته باشد.

تبصره ۱ـ در اظهارنامه شرکت یا تجارت‌خانه و یا بنگاهی که به تجارت خارجی اشتغال دارد باید تعیین شود که وارد کننده است یا صادر کننده یا حق‌العمل کار یا هر سه و حتی‌الامکان ارقام کالاهای عمده‌ای که اختصاصاً صادر یا وارد می‌نماید باید معین گردد.

تبصره ۲ـ در اظهارنامه شرکت یا تجارت‌خانه یا بنگاهی که منحصراً به معاملات داخلی اشتغال دارد، باید نوع معاملات و ارقام کالاهایی که معمولاً مورد معامله می‌باشد تعیین شود.

ماده ۷ـ متصدی دفتر ثبت تجارتی مکلف است مفاد اظهارنامه را در ظرف ده روز در دفتر خود ثبت و ذیل هر سه نسخه شمارهٔ ثبت و تاریخ و اسم دفتر ثبت تجارتی محل را قید و یک نسخه را با تصدیق به اینکه اظهارنامه مزبور ثبت شده است امضاء و مهر نموده به اظهارکننده تسلیم نماید و نسخه دیگر را به وزارت بازرگانی و پیشه و هنر ارسال دارد.

ماده ۸ـ هر نوع تغییر و تبدیلی که در هر یک از بندهای مادهٔ ۶ این آیین‌نامه پس از ثبت اظهارنامه به عمل آید و همچنین در صورت توقف و انحلال، اظهارکننده مکلف است تغییرات حاصله را در سه نسخه تهیه و به دفتر ثبت محلی که شرکت یا بنگاه و یا تجارت‌خانه در آن ثبت شده است تسلیم نماید که در دفتر ثبت تجارتی قید و مراتب به وزارت بازرگانی و پیشه و هنر اعلام گردد.

تبصره ـ در صورت تغییر محل مرکز اصلی شرکت یا شعبه آن و محل تجارت‌خانه و یا بنگاه باید تغییر مزبور به دفتر ثبت تجارتی مربوطه اطلاع داده شود و متصدی دفتر مزبور پس از ثبت تغییر در ذیل ثبت اصلی، گواهی‌نامه شامل اطلاعات مربوط به ثبت مزبور به اظهارکننده تسلیم می‌نماید که به دفتر ثبت تجارتی محل منتقل‌الیه داده و در دفتر ثبت تجارتی محل جدید ثبت نماید.

ضمناً متصدی دفتر وزارت بازرگانی و پیشه و هنر را هم از آن تغییر آگاه خواهد نمود.

ماده۹ـ در صورتی که مدیر شرکت یا بازرگان یا رئیس بنگاه فوت نماید قائم مقام او مکلف است منتهی در ظرف شش ماه مراتب را به دفتر ثبت تجارتی مربوط اطلاع دهد.

در این اطلاع‌نامه باید وضعیت شرکت یا تجارت‌خانه یا بنگاه بعد از فوت تصریح و معین شود که در اثر فوت نسبت به هیأت مدیره چه

تصمیمی اتخاذ گردیده و آیا تجارت‌خانه برچیده یا این که عملیات به وسیله وراث یا قائم مقام متوفی تعقیب خواهد شد.

در این صورت قائم مقام متوفی باید خود را معرفی و اطلاعاتی را که در بندهای یک تا شش مادهٔ ۶ این آیین‌نامه تصریح شده است در اظهارنامه خود توضیح دهد.

متصدی دفتر ثبت تجارتی مراتب را ذیل ثبت اولیهٔ تجارتخانهٔ ثبت کرده و یک نسخه از اظهارنامه را طبق مادهٔ ۷ این آیین‌نامه به اظهارکننده تسلیم نموده نسخهٔ دیگر را به وزارت بازرگانی و پیشه و هنر ارسال می‌دارد.

ماده ۱۰ـ هر بازرگان و یا رئیس بنگاه بازرگانی و یا شرکتی که طبق مقررات این آیین‌نامه اسم خود را ثبت می‌نماید، مکلف است در سرلوحهٔ کاغذهای تجارتی و سیاهه‌های فروش و یادداشت‌ها و برگ‌های سفارش و هر نوع اسناد و مطبوعات تجارتی که به کار می‌برد ضمن درج عنوان تجارتی شمارهٔ ثبت دفتر ثبت تجارتی را نیز قید نماید.

ماده ۱۱ـ در هر محل که وزارت دادگستری مقتضی بداند دستور اجرای این آیین‌نامه را خواهد داد و اجرای آن به وسیله نشر آگهی در روزنامهٔ رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محل به اطلاع عموم خواهد رسید.

ماده ۱۲ـ اجرای این آیین‌نامه در تهران به عهدهٔ دایرهٔ ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها به عهدهٔ ادارات ثبت می‌باشد.

ثبت مؤسسهٔ بیمه
موادی از قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری
مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ با اصلاحات بعدی
روزنامه رسمی ۷۷۲۳ـ۱۳۵۰/۵/۱۳

ماده ۳۷ـ ثبت هر مؤسسه بیمه در ایران موکول به ارائه پروانه تأسیس که از طرف بیمه مرکزی ایران صادر می‌شود، خواهد بود همچنین ثبت هرگونه تغییرات بعدی در اساسنامه و میزان سرمایه و سهام مؤسسات بیمه‌ای که به ثبت رسیده باشند موکول به ارائه موافقت بیمه مرکزی ایران می‌باشد.

ماده ۶۰ـ اموال مؤسسات بیمه همچنین ودایع مذکور در مواد ۳۶ و۴۶ تضمین حقوق و مطالبات بیمه‌گزاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنان است و در صورت انحلال یا ورشکستگی مؤسسه بیمه، بیمه‌گزاران و بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنان نسبت به سایر بستانکاران حق تقدم دارند. در میان رشته‌های مختلف بیمه حق تقدم با بیمه عمر است.

مؤسسات بیمه نمی‌توانند بدون موافقت قبلی بیمه مرکزی ایران اموال خود را صلح حقوق نمایند و یا به رهن واگذار کنند و یا موضوع هر نوع معامله با حق استرداد قرار دهند.

دفاتر اسناد رسمی موظفند هنگام انجام این قبیل معاملات موافقتنامه بیمه مرکزی ایران را مطالبه و مفاد آن را در سند منعکس کنند.

نظام‌نامه ثبت شرکت‌های بیمه

مصوب ۱۳۱۰/۹/۶ وزارت عدلیه با اصلاحات بعدی

نظر به ماده ۸ قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰/۳/۲ شمسی مواد ذیل مقرر می‌شود:

ماده ۱ـ (اصلاحی ۱۳۱۰/۱۱/۴) مدتی که به موجب ماده ۲۸ نظام‌نامهٔ اجراء قانون ثبت شرکت‌ها برای تنظیم قراردادهای بیمه به زبان فارسی معین شده است تا اول اسفند ماه ۱۳۱۰ تمدید می‌شود و شرکت‌های بیمه از هر قبیل اعم از ایرانی و خارجی مکلف هستند که از تاریخ مزبور قراردادهای مربوط به بیمه را به زبان فارسی یا با ترجمه به زبان فارسی تنظیم کنند.

ماده ۲ـ شرکت‌های بیمهٔ خارجی از هر قبیل مکلفند در صورتی که بخواهند عملیات خود را در ایران ترک نمایند و یا در صورتی که به علت ورشکستگی یا به هر علت دیگری اصلاً از ادامهٔ عملیات خود صرف‌نظر کنند مراتب را کتباً به وزارت عدلیه اطلاع دهند.

وزارت عدلیه باید برای تصفیهٔ امور شرکت‌های مزبوره در ایران مراتب را سه دفعه متوالی و به فاصله بیست روز هر دفعه در مجلهٔ رسمی و یکی از جراید کثیرالانتشار تهران به خرج شرکت اعلان نماید.

ماده ۳ـ شرکت‌های مزبور در مادهٔ فوق باید صورت کاملی از کلیهٔ اسناد بیمه که صاحبان آنها در ضمن جریان تصفیه خود را معرفی نکرده‌اند و همچنین اسناد بیمه که صاحبان آنها غایب بوده و یا بدون وراث معروف شرکت وفات کرده‌اند به وزارت عدلیه تسلیم نماید.

وجوهی که شرکت باید به اشخاص مذکور فوق بدهد اعم از اینکه وجوه مزبور عبارت باشد از حق بیمه‌هایی که تا تاریخ دریافت شده است و باید مسترد شود یا غیر آن در بانک معتبری که وزارت عدلیه در هر مورد کتباً به شرکت معرفی می‌نماید ودیعه گذاشته شده و به

تدریجی که صاحبان اسناد که در وجوه مزبور محق می‌باشند خـود را معرفی می‌نمایند به آنها مسترد خواهد گردید.

هر قسمت از وجوه مزبور که تـا ده سـال از تـاریخ اولـین اعـلان مذکور در ماده ۲ صاحبان اسناد بیمه دریافت ننموده باشند متعلق بـه دولت خواهد شد. وزارت عدلیه می‌تواند به وسیلهٔ مأموری که معـین می‌کند در امر تصفیه نظارت کند.

ماده ۴ـ صاحبان اسناد بیمه که در ضمن جریـان تصـفیه خـود را معرفـی نموده باشند می‌توانند یا تقاضا نمایند که حق بیمـه‌هـای آنهـا تمامـاً مسترد شود و یا شرکت در ایران ضامن معتبری بدهد که از عهدهٔ کلیهٔ تعهداتی که شرکت در مقابل صاحبان اسناد بیمه تقبـل کـرده اسـت برآید مگر در مورد ورشکستگی یا انحلال شرکت که در این صـورت مطابق قوانین مربوطه رفتار خواهد شد.

نظام‌نامه ثبت فرمول‌های سند بیمه صادره شرکت‌های بیمه خارجی

مصوب ۱۳۱۱/۲/۱ وزارت عدلیه

مجله رسمی ۹۹۷ـ۱۳۱۱/۲/۴

وزارت عدلیه نظر به ماده ۸ قانون ثبت شرکت‌ها مقرر می‌دارد:

ماده ۱ـ هیچ شخص یا مؤسسه‌ای نمی‌توانـد در ایـران سـفارش بیمـه گرفتـه و در خارجـه آن را اجـراء نمایـد مگـر اینکـه مؤسسـهٔ بیمه‌کننده قبلاً در ایران به ثبت رسیده باشد در این صـورت نیـز سند بیمه صادر از خارجه باید برطبق مقررات قـوانین و نظامـات ایران تمبر شود.

ماده ۲ـ در کلیهٔ معاملات بیمه هرگاه مشتری خارجی باشد سند بیمه ممکن است به زبان خارجه صادر شود و ترجمهٔ آن ضروری نخواهد بود.

ماده ۳ـ کلیهٔ مؤسسات بیمه که خواه مستقیماً و خواه به طور غیرمستقیم در ایران معامله می‌نمایند باید یک نسخه از فرمول‌های سند بیمه که استعمال می‌کنند به زبان ملی خود (یا به زبان خارجه‌ای که در مرکز اصلی خود به کار می‌برند) با ترجمهٔ آن به فارسی به ادارهٔ ثبت شرکت‌ها تسلیم دارند.

در صورت بروز اختلاف بین مؤسسه بیمه و مشتری فقط متن و ترجمهٔ مزبور سندیت خواهد داشت مگر اینکه بین متن و ترجمهٔ فارسی اختلاف باشد که در این صورت هریک از آنها که به نفع مشتری باشد معتبر خواهد بود.

هرگاه در مقررات سند بیمه تغییراتی داده شود بدون اینکه فرمول مربوط به آن تغییرات به ادارهٔ ثبت تسلیم گردد مؤسسه بیمه کننده نمی‌تواند به تغییرات مزبور استناد کند.

مقررات تأسیس و فعالیت مؤسسات بیمه در مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۷۹/۶/۲ هیأت وزیران

روزنامه رسمی ۱۶۱۷۹ـ۱۳۷۹/۶/۲۰

فصل اول

تعاریف

ماده ۱ـ در این آیین‌نامه واژه‌های زیر به جای عبارت‌های مشروح مربوط به کار می‌رود:

الف) مناطق آزاد: مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران.
ب) سایر نقاط کشور: کشور جمهوری اسلامی ایران به استثنای مناطق آزاد.
پ) منطقه: هریک از مناطق آزاد.
ت) سازمان: سازمان هریک از مناطق آزاد.
ث) مؤسسات موضوع این آیین‌نامه:کلیه مؤسسات مذکور در ماده ۲ این آیین‌نامه.
ج) مؤسسات بیمه: مؤسسات بیمه‌ای که طبق مقررات این آیین‌نامه مجاز به فعالیت در منطقه می‌باشند.
چ) مؤسسات بیمه متقابل: مؤسسات بیمه‌ای که خدمات خود را به صورت بیمه متقابل تنها به اعضاء ارائه می‌نمایند.
ح) مؤسسه کارگزاری بیمه: شخص حقوقی که در مقابل دریافت کارمزد، واسطه انجام معاملات بیمه و یا بیمه اتکایی بین طرف‌ها بوده و شغل او تنها ارائه خدمات بیمه‌ای باشد.
خ) شعبه: واحد تابعه یکی از مؤسسات بیمه ایرانی که در چهارچوب موضوع و وظایف مؤسسه اصلی تحت نام و مسئولیت آن در منطقه فعالیت می‌کند.
د) نمایندگی بیمه: شخص حقیقی یا حقوقی که براساس قرارداد نمایندگی با یکی از مؤسسات بیمه ایرانی و مقررات این آیین‌نامه، انجام بخشی از موضوع و وظایف مؤسسه طرف قرارداد در امر بیمه را در منطقه به عهده گرفته است.

فصل دوم
تأسیس

ماده۲ـ عملیات بیمه و بیمه اتکایی در مناطق آزاد به وسیله مؤسساتی که بنا به پیشنهاد سازمان، طبق مقررات این آیین‌نامه از بیمه مرکزی ایران

مجوز دریافت داشته و به یکی از صورت‌های زیر به ثبت برسند انجام خواهند شد:

۱. شرکت سهامی یا تعاونی بیمه ایرانی با مشارکت سهامداران حقیقی و حقوقی ایرانی و یا خارجی که کلیه سهام آن با نام باشد.
۲. مؤسسه نمایندگی و یا کارگزاری بیمه.

تبصره ۱ـ تأسیس شعبه توسط مؤسسات بیمه با رعایت مقررات این آیین‌نامه و ثبت در منطقه بلامانع است.

تبصره ۲ـ اعطای نمایندگی بیمه به اشخاص حقیقی با رعایت ضوابطی که به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد امکان‌پذیر است.

تبصره ۳ـ فعالیت شعبه‌ها و نمایندگی‌های مؤسسات بیمه سایر نقاط کشور در هر یک از مناطق آزاد با رعایت مقررات قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری در چهارچوب این آیین‌نامه و سایر ضوابط حاکم بر مؤسسات مزبور بلامانع است.

ماده ۳ـ مؤسساتی که در اجرای این آیین‌نامه اجازه فعالیت در منطقه دریافت می‌نمایند، مجاز به عرضه بیمه برای اشخاص مقیم، موضوعات و موارد بیمه موجود در سایر نقاط کشور و بیمه حمل و نقل کالاهای وارداتی به سایر نقاط کشور که قرارداد خرید آن در ایران منعقد یا اعتبار اسنادی آن در ایران باز شده است نمی‌باشند. عملیات بیمه اتکایی از شمول حکم این ماده مستثنی است.

تبصره ۱ـ مؤسساتی که تنها اجازه فعالیت بیمه‌ای مستقیم در منطقه را دارند نمی‌توانند از مؤسسات بیمه سایر نقاط کشور بیمه اتکایی قبول نمایند.

تبصره ۲ـ مؤسسات بیمه می‌توانند نسبت به بیمه اموال و مسئولیت (غیربیمه اشخاص) در چهارچوب این آیین‌نامه و رعایت قوانین و مقررات مربوط در مناطق ویژه اقتصادی فعالیت کنند.

تبصره ۳ـ صدور بیمه‌نامه توسط مؤسسات بیمه‌ای مناطق آزاد برای آن دسته از موضوعات و موارد بیمه‌ای که از طرف مؤسسات بیمه‌ای

ایرانی فعال در سایر نقاط کشور عرضه نمی‌شود از شمول این ماده مستثنی است و فهرست این قبیل موضوعات و موارد بیمه مجاز در سایر نقاط کشور، برای مؤسسات بیمه، توسط بیمه مرکزی ایران حداکثر ظرف ۳ ماه از تاریخ تصویب این مقررات، تهیه و به سازمان‌ها اعلام می‌شود.

ماده ۴ـ حداقل سرمایه برای مؤسسات بیمه، نمایندگی و کارگزاری بیمه به قرار زیر است:

۱. مؤسسات بیمه مستقیم با سرمایه حداقل پانزده میلیارد (۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال تشکیل می‌شوند که باید حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن به صورت نقد پرداخت شده باشد.
۲. مؤسسات بیمه متقابل با سرمایه حداقل دویست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال تشکیل می‌شوند که باید حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن به صورت نقد پرداخت شده باشد.
۳. مؤسسات بیمه اتکایی با سرمایه حداقل هشتاد و پنج میلیارد (۸۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال تشکیل می‌شوند که باید حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن به صورت نقد پرداخت شده باشد.
۴. مؤسسات نمایندگی و یا کارگزاری بیمه با سرمایه حداقل سیصد میلیون (۳۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال تشکیل می‌شوند که باید حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن به صورت نقد پرداخت شده باشد.

تبصره ۱ـ هرگونه تعدیل در ارقام مندرج در این ماده هر ۲ سال یکبار موکول به پیشنهاد مشترک دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و بیمه مرکزی ایران و تصویب هیأت وزیران است.

تبصره ۲ـ سهامداران خارجی مؤسسات موضوع این آیین‌نامه سهم‌الشرکه ریالی خود را باید به ارزهای مورد قبول بانک مرکزی ایران پرداخت و یا گواهی تبدیل ارز را ارائه نمایند.

تبصره ۳ـ وجوه سرمایه موضوع این ماده باید نزد، یکی از بانک‌های مورد

تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که ترجیحاً در مناطق آزاد دارای شعبه باشد، واریز شود.

فصل سوم
مجوز ثبت و پروانه فعالیت

ماده ۵ـ ثبت مؤسسات موضوع این آیین‌نامه در منطقه، موکول به ارائه مجوز ثبت که توسط بیمه مرکزی ایران صادر می‌شود و ثبت هرگونه تغییرات بعدی در اساسنامه، میزان سرمایه و سهام مؤسساتی که به ثبت رسیده باشند موکول به ارایه موافقت بیمه مرکزی ایران است.

ماده ۶ـ برای تحصیل مجوز ثبت، مدارک و اطلاعات زیر باید به بیمه مرکزی ایران تسلیم شود:

الف) اساسنامه مؤسسه.

ب) میزان سرمایه موسسه، رسید یا گواهی‌نامه تعهد پرداخت آن.

پ) سهام نقدی و غیرنقدی و نحوه پرداخت آنها.

ت) صورت اسامی سهامداران، بازرسان و مدیران و تابعیت و تعداد سهام هریک از آنها

ث) اسناد و مدارک و اطلاعات دیگری که معرف صلاحیت مالی و فنی مؤسسه و حسن شهرت مدیران آن باشد.

تبصره ـ مجوز ثبت صادر شده برای مدت ۶ ماه اعتبار دارد. در صورت عدم ثبت مؤسسه ظرف مهلت مذکور باید مجدداً مجوز ثبت تحصیل شود.

ماده ۷ـ بیمه مرکزی ایران موظف است حداکثر ظرف ۳۰ روز از تاریخ تسلیم آخرین مدارک و اطلاعات خواسته شده با رعایت ماده ۲۸

قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۷۲ ـ و مقررات این آیین‌نامه نظر خود را اعم از قبول یا رد تقاضا به طور کتبی به سازمان اعلام نماید.

تبصره ـ در صورتی که متقاضی به نظر اعلام شده اعتراض داشته باشد می‌تواند ظرف ۳۰ روز اعتراض خود را به مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران تسلیم کند. تصمیم مجمع مزبور قطعی و لازم‌الاجراء است.

ماده ۸ـ بیمه مرکزی ایران با دریافت گواهی ثبت مؤسسه در منطقه، پروانه فعالیت برای بیمه اتکایی، یک یا چند رشته بیمه مستقیم و یا هر دو صادر خواهد کرد.

فصل چهارم
لغو پروانه و محدود نمودن فعالیت

ماده ۹ـ پروانه فعالیت صادر شده توسط بیمه مرکزی ایران برای تمام رشته‌ها یا رشته‌های معین در موارد زیر لغو خواهد شد:

الف) در صورت تقاضای دارنده پروانه.

ب) در صورتی که مؤسسه تا یک سال پس از صدور پروانه عملیات خود را در منطقه شروع نکرده باشد.

پ) در صورت ورشکستگی مؤسسه.

ت) در صورتی که به تشخیص بیمه مرکزی ایران و تأیید شورای عالی بیمه، وضع مالی مؤسسه طوری باشد که نتواند به تعهدات خود عمل نماید یا ادامه فعالیت مؤسسه به زیان بیمه‌شدگان و بیمه‌گذاران و صاحبان حقوق آنها باشد.

ث) سایر موارد پیش‌بینی شده در این آیین‌نامه.

ماده ۱۰ـ در مواردی که مؤسسات موضوع این آیین‌نامه برخلاف اساسنامه خود یا مقررات این آیین‌نامه یا حسب اعلام سازمان برخلاف سایر مقررات حاکم بر این مؤسسات در منطقه رفتار نمایند، به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه از فعالیت در رشته یا رشته‌های معین یا بیمه‌های اتکایی به طور موقت یا دائم ممنوع خواهند شد.

ماده ۱۱ـ صدور و لغو پروانه فعالیت مؤسسات موضوع این آیین‌نامه یا ممنوعیت آنها از فعالیت به طور موقت و اطلاعاتی که از لحاظ حفظ منافع بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان صاحبان حقوق آنها لازم باشد، به هزینه خود مؤسسه توسط بیمه مرکزی ایران در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و منطقه در دو نوبت به فاصله یک ماه آگهی خواهد شد.

ماده ۱۲ـ در صورتی که پروانه فعالیت مؤسسه بیمه‌ای برای یک یا چند رشته بیمه یا بیمه اتکایی به طور دائم لغو شود بنا به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه، ترتیبی اتخاذ خواهد شد که متضمن منافع بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنها باشد. از جمله این ترتیبات، انتقال پرتفوی[1] مؤسسه با کلیه سوابق و اسناد مربوط به حقوق و تعهدات آن به مؤسسه دیگری که مجاز به فعالیت در منطقه باشد خواهد بود.

فصل پنجم

نحوه فعالیت

ماده ۱۳ـ مؤسسات بیمه موضوع این آیین‌نامه موظفند حساب اندوخته‌های قانونی و ذخایر فنی خود را نگهدارند و نحوه به کار افتادن آنها را به

---

1. Portefeuille مانند اوراق بهادار و اموال منقول ـ موجودی

صورت مشخص منعکس نمایند.

انواع اندوخته‌های قانونی و ذخایر فنی برای هر یک از رشته‌های بیمه و میزان و طرز محاسبه، همچنین ترتیب به کار انداختن این اندوخته‌ها و ذخایر ونیز سرمایه مؤسسه و نحوه ارزیابی اموال منقول و غیرمنقول که نماینده منابع مالی مؤسسات مذکور است به موجب دستورالعمل‌هایی است که به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد.

ماده ۱۴ـ مؤسسات بیمه موضوع این آیین‌نامه موظفند (۱۰٪) از کلیه معاملات بیمه‌ای مستقیم خود را نزد بیمه مرکزی ایران بیمه اتکایی نمایند. بیمه مرکزی ایران در قبول یا رد اتکایی مزبور مجاز می‌باشد.

تبصره ـ نرخ کارمزد و سایر شرایط به موجب دستورالعملی است که به تصویب شورای عالی بیمه خواهد رسید.

ماده ۱۵ـ اموال مؤسسات بیمه موضوع این آیین‌نامه همچنین اندوخته‌ها و ذخایر مذکور در ماده ۱۳ تضمین حقوق و مطالبات بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنان است و در صورت انحلال یا ورشکستگی مؤسسه، بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنان نسبت به سایر بستانکاران حق تقدم دارند.

تبصره ۱ـ در میان رشته‌های مختلف بیمه حق تقدم با بیمه عمر است.

تبصره ۲ـ مؤسسات مذکور در این ماده نمی‌توانند بدون موافقت قبلی بیمه مرکزی ایران اموال خود را صلح حقوق نمایند و یا به رهن واگذار کنند و یا موضوع هر نوع معامله با حق استرداد قرار دهند.

تبصره ۳ـ دفاتر اسناد رسمی موظفند هنگام انجام معاملات موضوع تبصره ۲ این ماده، مطابق بخش اخیر ماده ۶۰ قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری موافقت‌نامه بیمه مرکزی ایران را مطالبه و مفاد آن را در سند منعکس نمایند.

ماده ۱۶ـ مؤسسات بیمه موضوع این آیین‌نامه موظفند ترازنامه و صورت

سود و زیان خود را در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران و منطقه درج نمایند.

ماده ۱۷ـ مؤسسات موضوع این آیین‌نامه موظفند هرگونه تغییر در سهامداران عمده، مدیران و بازرسان (حسابرسان) مؤسسه را ظرف دو هفته به اطلاع بیمه مرکزی ایران برسانند.

ماده ۱۸ـ اشخاصی که در ایران یا در خارج از کشور به یکی از جرائم قتل، سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری، صدور چک بی‌محل و اختلاس یا معاونت در جرائم مذکور محکوم شده باشند، همچنین ورشکستگان به تقصیر و تقلب نمی‌توانند جزو مؤسسان یا مدیران مؤسسات موضوع این آیین‌نامه باشند.

ماده ۱۹ـ مؤسسات بیمه موضوع این آیین‌نامه از نظر ادغام و انتقال عملیات، انحلال و ورشکستگی، تابع مقررات این آیین‌نامه و مواد ۵۱ الی ۵۹ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری می‌باشند.

فصل ششم

نظارت

ماده ۲۰ـ بیمه مرکزی ایران طبق مقررات این آیین‌نامه بر فعالیت مؤسسات موضوع این آیین‌نامه در مناطق نظارت خواهد کرد.

ماده ۲۱ـ مؤسسات موضوع آیین‌نامه حسب مورد موظفند:

الف) حساب‌ها و صورت‌های مالی خود را طبق نمونه‌ای که به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تأیید شورای عالی بیمه می‌رسد تنظیم و نگهداری نمایند.

ب) یک نسخه از صورت‌های مالی خود را که مورد رسیدگی و اظهارنظر حسابرسان تأیید شده توسط سازمان حسابرسی یا حسابرسان معتبر بین‌المللی قرار گرفته است حداکثر ظرف ۶ ماه از پایان دوره مالی به بیمه مرکزی ایران تسلیم کنند.

پ) صورت وضعیت عملیات بیمه‌ای سالانه خود را طبق نمونه‌ای که بیمه مرکزی ایران تهیه می‌کند، تنظیم و ظرف ۳ ماه از پایان دوره مربوط به بیمه مرکزی ایران تسلیم نمایند.

ت) سایر اطلاعات و آمار دوره‌ای یا موردی را که بیمه مرکزی ایران به منظور نظارت بر حسن اجرای این آیین‌نامه لازم تشخیص دهد در اختیار این سازمان قرار دهند.

ث) با بازرسان اعزامی که با حکم کتبی یکی از اعضای هیأت عامل بیمه مرکزی ایران و با اطلاع دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد در محل حضور پیدا می‌کنند همکاری نمایند و اطلاعات لازم را در اختیار آنان قرار دهند.

تبصره ـ مؤسسات بیمه‌ای که بیمه‌نامه‌های بلندمدت زندگی عرضه می‌نمایند، علاوه بر رعایت ترتیبات فوق موظفند ترتیبی اتخاذ کنند تا حساب‌ها و ذخایر فنی مربوط مورد رسیدگی و تأیید محاسبات فنی مورد قبول بیمه مرکزی ایران قرار گیرد.

ماده۲۲ـ حسابرسان مؤسسات بیمه موضوع این آیین‌نامه علاوه بر وظایف قانون و حرفه‌ای مکلفند در گزارش نهایی خود نسبت به حسن اجرای مقررات این آیین‌نامه نیز اظهارنظر نمایند.

ماده ۲۳ـ بیمه مرکزی ایران در صورت مشاهده هرگونه تخلف مؤسسات موضوع این آیین‌نامه از مقررات مربوط، مراتب را به طور کتبی به مؤسسه و سازمان اعلام و مهلت مناسبی را برای رفع ایراد تعیین و ابلاغ می‌نماید.

در صورت عدم رفع به موقع تخلف یا تکرار تخلف، بیمه مرکزی ایران حسب مورد و با اخطار کتبی مطابق ماده ۱۰ این آیین‌نامه عمل خواهد کرد.

ماده ۲۴ـ ارزش خالص دارایی‌ها (حقوق صاحبان سهام) در مؤسسات بیمه موضوع این آیین‌نامه هیچگاه نباید از بزرگترین رقم حاصل از بندهای زیر کمتر باشد:

الف) ۹۰٪ حداقل سرمایه پرداخت شده طبق مقررات این آیین‌نامه.

ب) ۱۰٪ حق بیمه‌های صادر شده ناخالص آخرین سال مالی ضربدر نسبت نگهداری خسارت دوره.

ج) ۱۴/۳٪ درصد میانگین سالانه کل خسارات ایجاد شده در سه دوره مالی قبل ضربدر نسبت نگهداری خسارت دوره.

تبصره ـ نسبت نگهداری خسارت دوره عبارت است از:

کل خسارت‌های ایجاد شده پس از کسر خسارت سهم بیمه‌گران اتکایی.

کل خسارت ایجاد شده دوره مربوط.

ماده۲۵ـ در صورت عدم حصول نصاب‌های مندرج در ماده ۲۴ این آیین‌نامه، موسسه بیمه موظف است طرح خود در خصوص نیل به نصاب‌های مذکور را ظرف ۳ ماه از پایان مهلت مقرر برای ارائه صورت‌های مالی، به تأیید بیمه مرکزی ایران برساند در غیر این صورت بیمه مرکزی ایران طبق مقررات این آیین‌نامه نسبت به محدود کردن فعالیت یا لغو پروانه مؤسسه بیمه حسب مورد اقدام خواهد کرد. در هر حال زمان اجرای طرح ارائه شده نباید بیشتر از یکسال باشد.

ماده۲۶ـ مؤسسات موضوع این آیین‌نامه مکلفند کلیه دارایی‌های معرف بدهی‌ها و ذخایر عملیات بیمه‌ای، همچنین سرمایه و اندوخته‌های خود

را تنها در مناطق آزاد یا سایر نقاط کشور نگهداری و سرمایه‌گذاری نمایند.

تبصره ـ نگهداری بخشی از دارایی‌های موضوع این ماده در خارج از کشور با تأیید سازمان و موافقت بیمه مرکزی ایران مجاز است.

فصل هفتم
سایر مقررات

ماده ۲۷ـ مؤسسات بیمه و نمایندگان و کارگزاران رسمی بیمه مسئول جبران خساراتی می‌باشند که در اجرای وظایفشان به سبب تقصیر و یا مسامحه آنها یا کارکنانشان به دیگران وارد آید.

هر مؤسسه بیمه در رشته یا رشته‌های معینی که پروانه بیمه ندارد رأساً یا به وسیله نمایندگان خود قبول بیمه نماید، مکلف به جبران خسارت زیان دیده خواهد بود.

ماده ۲۸ـ از عملیات اشخاصی که بدون تحصیل پروانه مبادرت به عملیات بیمه و یا بیمه اتکایی موضوع این آیین‌نامه نمایند، به درخواست بیمه مرکزی ایران توسط سازمان جلوگیری به عمل آمده و به علاوه در صورت لزوم، بیمه مرکزی ایران اشخاص مزبور را براساس مقررات ماده ۲۱ ضوابط ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی در مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۷۴/۲/۴ شورای عالی مناطق آزاد ـ و سایر قوانین و مقررات از طریق مراجع ذی‌صلاح تحت پیگرد قرار خواهد داد.

ماده ۲۹ـ رئیس شورای عالی بیمه در کلیه مواردی که اعضای شورای عالی بیمه را به منظور اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات مربوط به تأسیس

یا فعالیت مؤسسات بیمه در مناطق آزاد دعوت می‌نمایند، از دبیر شورای عالی مناطق آزاد یا نماینده وی نیز برای شرکت در جلسه دعوت می‌کند. در این جلسات دبیر شورای عالی مناطق آزاد یا نماینده وی نیز حق رأی خواهد داشت.

ماده ۳۰ـ فعالیت مؤسسات موضوع این آیین‌نامه تنها تابع مقررات این آیین‌نامه است و در موارد پیش‌بینی نشده از حیث اداره امور مؤسسه، تابع قانون تجارت و قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت خواهد بود.

ماده ۳۱ـ از تاریخ تصویب این آیین‌نامه، کلیه مقررات مغایر با آن در منطقه لغو می‌شود.

قانون اصلاح تبصره ۵۶ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور

مصوب ۱۳۶۵/۹/۱۸

روزنامه رسمی ۱۲۱۹۳ـ۱۳۶۵/۱۰/۱۶

ماده واحده. تبصره ۵۶ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

در مواردی که دریافت حقوق دولتی در قوانین و مقررات جاری مربوطه به قبل از تصویب قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ به مأخذ ریال طلا و یا مسکوک طلا و یا مقدار معینی طلا و به طورکلی به مأخذی به غیر از پول رایج کشور تعیین شده است، مبلغ قابل دریافت به مأخذ پول رایج کشور خواهد بود.

الف) آیین‌نامه اجرائی این قانون و تعیین مبلغ قابل دریافت حداکثر ظرف مدت سه ماه توسط وزارتین امور اقتصادی و دارائی و امور خارجه تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ب) از تاریخ تصویب آیین‌نامه این قانون، قوانین و مقررات مغایر با آن ملغی است.

از آیین‌نامه اجرائی قانون اصلاح تبصره ۵۶ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ مصوب ۱۳۶۵/۹/۱۸ مجلس شورای اسلامی و مبالغ قابل دریافت به مأخذ ریال بابت پرداخت حقوق دولتی مندرج در قوانین

مصوب ۱۳۶۷/۳/۲۵ هیأت وزیران

روزنامه رسمی ۱۲۶۵۶ـ۱۳۶۷/۵/۱۹

ماده ۱ـ

الف) قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب سال ۱۳۱۰

۱. برای اظهارنامه موضوع ماده ۳۲ به غیر از بهای ورقه ۳۰۰ ریال

۲. برای ثبت اختراع حق‌الثبت موضوع ماده ۳۴

پنج سال اول از قرار سالی ۱۰۰۰ ریال

پنج سال دوم از قرار سالی ۲۰۰۰ ریال

پنج سال سوم از قرار سالی ۳۰۰۰ ریال

پنج سال چهارم از قرار سالی ۴۰۰۰ ریال

۳. حداکثر حق‌الثبت معاملات و انتقالات موضوع ماده (۴۱) ۲۰۰۰۰ ریال

۴. ودیعه مربوط به دادخواست اعتراض موضوع ماده (۴۷)

آیین‌نامه اصلاحی قانون مزبور ۱۰۰۰۰ ریال

۵. برای حق‌الثبت هر تغییر در اختراع موضوع ماده (۴۳) ۱۰۰۰ ریال

۶. هزینه مربوط به علائم تجارتی و اختراعات موضوع بند ۳ ماده ۶۶

آیین‌نامه اصلاحی قانون فوق‌الذکر جهت معاملات و انتقالات مربوط به اختراع برابر تعرفه موضوع ماده ۱۲۳ اصلاحی قانون ثبت خواهد بود.

۷. برای ثبت انتقال اختراع وسیله ارث موضوع بند ۴ ماده ۶۶ آیین‌نامه اصلاحی اجرای قانون فوق‌الذکر ۳۰۰ ریال

ب) قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰ و اصلاحیه آن

۱. حق‌الثبت اسم تجارتی موضوع ماده ۱۲۱ قانون از ۴۰۰ ریال تا ۲۰۰۰۰ریال

ج) قانون حق‌الثبت شرکت‌های بیمه مصوب ۱۳۱۰/۹/۶:

۱ـ حق‌الثبت خود شرکت بیمه موضوع ماده (۱) ۳۰۰۰۰۰ریال

د) قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳/۶/۲۹

۱ـ حق‌الثبت موضوع بند الف ماده ۱۳ قانون

- برای کشتی‌های کمتر از ۵۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۳۰۰۰۰ریال
- برای کشتی‌های ۵۰۱ تا ۱۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۴۰۰۰۰ریال
- برای کشتی‌های ۱۰۰۱ تا ۱۵۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۵۰۰۰۰ریال
- برای کشتی‌های ۱۵۰۱ تا ۲۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۷۰۰۰۰ریال
- برای کشتی‌های ۲۰۰۱ تا ۲۵۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۹۰۰۰۰ریال
- برای کشتی‌های ۲۵۰۱ تا ۳۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۱۱۰۰۰۰ریال
- برای کشتی‌های ۳۰۰۱ تا ۴۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۱۳۰۰۰۰ریال
- برای کشتی‌های ۴۰۰۱ تا ۵۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۱۵۰۰۰۰ریال
- برای کشتی‌های ۵۰۰۱ تا ۶۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۱۷۰۰۰۰ریال
- برای کشتی‌های ۶۰۰۱ تا ۷۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۱۹۰۰۰۰ریال
- برای کشتی‌های ۷۰۰۱ تا ۸۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۲۱۰۰۰۰ریال
- برای کشتی‌های ۸۰۰۱ تا ۹۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۲۳۰۰۰۰ریال
- برای کشتی‌های ۹۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۲۵۰۰۰۰ریال
- برای کشتی‌های ۱۰۰۰۱ تن به بالا ظرفیت غیرخالص ثبت شده ۳۰۰۰۰۰ریال

۲. هزینه ثبت تغییرات در گواهی‌های موضوع بند «ج» ماده ۱۳ قانون ۵۰۰۰ریال

۳. حق‌الثبت کلیه معاملات اعم از رهن و سایر معاملات مربوط به کشتی

موضوع ماده ۴۹ قانون.
ـ تا ۵۰۰ ظرفیت خالص ۳۰۰۰۰ریال.
ـ از ۵۰۱ تا ۱۰۰۰ تن ۵۰۰۰۰ریال.
ـ از ۱۰۰۱ تن تا ۵۰۰۰ تن ۱۰۰۰۰۰ریال.
ـ از ۵۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰ تن ۱۵۰۰۰۰ریال.
ـ از ۱۰۰۰۱ تن به بالا ۲۵۰۰۰۰ریال.

۴. محدودیت میزان مسئولیت مالک کشتی موضوع بند (۱) ماده ۷۷ قانون

در صورتی که سانحه فقط منجر به خسارات مالی گردد جمعاً ۸۱۰۰۰ ریال برحسب هر تن ظرفیت کشتی.

در صورتی که سانحه فقط منجر به خسارات بدنی شود جمعاً ۱۵۰۰۰۰ریال برحسب هر تن ظرفیت کشتی.

در صورتی که سانحه منجر به خسارات بدنی و مالی گردد جمعاً ۲۵۰۰۰۰ریال

برحسب هر تن ظرفیت کشتی که از این مبلغ ۱۶۹۰۰۰ ریال برحسب هر تن ظرفیت کشتی منحصراً برای پرداخت خسارات بدنی و مبلغ ۸۱۰۰۰ ریال بقیه برحسب هر تن ظرفیت کشتی برای پرداخت خسارات مالی تخصیص می‌یابد.

۵. مسئولیت متصدی حمل موضوع بند (۱) ماده ۱۱۵ قانون دریائی حداکثر یا معادل آن به ارز خارجی ۲۰۰۰۰۰۰ریال.

۶. میزان جرایم موضوع ماده ۱۹۰ قانون از ۱۰۰۰۰ ریال تا ۲۵۰۰۰۰۰ریال.

تبصره ـ اقلام مندرج در این ماده شامل کلیه تغییراتی است که به موجب قوانین و مقررات بعدی به عمل آمده است.

ماده ۲ـ کلیه حقوق دولتی قانون دریائی موضوع این آیین‌نامه از کشتی‌های خارجی باید برطبق مقررات مربوط به پول خارجی تسعیر و وصول گردد.

ماده ۳ـ کلیه حقوق دولتی موضوع این آیین‌نامه در خارج از کشور باید به پول رایج همان کشور تسعیر و وصول گردد. قبول سایر ارزهای خارجی و معتبر دیگر منوط به پیشنهاد وزارت امور خارجه و موافقت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

ماده ۴ـ نرخ برابری ارزهای خارجی با ریال هر سه ماه یکبار توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین و از طریق وزارت امور خارجه به نمایندگی‌های خارج از کشور ابلاغ خواهد شد.

ماده ۵ـ در محاسبه حقوق دولتی موضوع این آیین‌نامه به پول خارجی مبالغ کمتر از واحد پول خارجی یک واحد پول خارجی محسوب و وصول خواهد شد.

ماده ۶ـ تغییرات آتی تعرفه‌های موضوع این آیین‌نامه موکول به پیشنهاد وزارتین امور اقتصادی و دارائی و امور خارجه و تصویب هیأت وزیران می‌باشد.

ماده ۷ـ به استناد بند ب ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۵۶ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور از تاریخ تصویب این آیین‌نامه کلیه قوانین و مقررات مغایر با این آیین‌نامه ملغی است.

ثبت کشتی
از قانون دریایی ۱۳۴۳/۶/۲۹
روزنامه رسمی ۵۸۲۸ ـ ۱۳۴۳/۱۱/۲۹ و ۵۸۷۶ ـ ۱۳۴۴/۲/۶

ماده ۸ـ تأسیس اداره مرکزی مرکزی ثبت کشتی‌ها
اداره مرکزی ثبت کشتی‌ها در سازمان بنادر و کشتیرانی تأسیس می‌گردد.

ماده۹ـ درخواست ثبت
برای ثبت کشتی باید مالک کشتی و یا نمایندهٔ او تقاضای ثبت را به ضمیمه اظهارنامه و گواهی‌نامه‌های فنی در دو نسخه تنظیم و به سازمان بنادر و کشتیرانی تسلیم نماید.
مالک کشتی یا نماینده او باید قبل از تسلیم تقاضا نام اختیاری کشتی را به اطلاع سازمان مذکور برساند و در صورت تأیید آن را در دو سینه و پاشنه کشتی به طور ثابت و نام بندر ثبت را نیز در پاشنهٔ کشتی برطبق مقررات مربوطه نقش و یا نصب نماید.
ادارهٔ ثبت کشتی‌های سازمان بنادر پس از اجرای مراتب مزبور با رعایت مقررات به ثبت کشتی اقدام می‌کند.

ماده ۱۰ـ اظهارنامه
مالک کشتی یا نمایندهٔ او باید به ضمیمهٔ تقاضانامه ثبت کشتی مستندات مالکیت با اظهارنامه‌ای حاوی نکات زیر تسلیم نماید:
نام کشتی، توان قوه محرکه، جنس بدنهٔ کشتی، تاریخ و محل ساختمان، ابعاد و ظرفیت‌ها، تعداد پل‌ها و دکل‌ها و دودکش‌ها، نوع قوهٔ محرکه (بخار، دیزل، انرژی اتمی و غیره) علائم مشخصه، نام و تابعیت و محل اقامت مالک یا مالکین و سهم هر یک از مالکین کشتی.

ماده ۱۱ـ سند ثبت کشتی

سند ثبت کشتی گواهی‌نامه‌ای است که از طرف سازمان بنادر و کشتیرانی برطبق نمونهٔ مخصوص در دو نسخه به نام کشتی تنظیم و صادر می‌شود.

در سند ثبت کشتی نکات زیر قید می‌گردد:

نام بندر ثبت کشتی، محل و تاریخ ساخت کشتی، طبقه‌بندی تعداد پل‌ها و دکل‌ها، طول و عرض و آبخور کشتی، ظرفیت و نوع کشتی، مشخصات قوهٔ محرکه و سایر مشخصات کشتی، نام مالک و شمارهٔ کشتی.

ماده۱۲ـ امضاء سند ثبت کشتی ـ ترتیب ثبت و نگهداری آن

سند ثبت کشتی باید به امضاء مالک و یا نماینده او و همچنین سازمان بنادر و کشتیرانی برسد.

اسناد ثبت کشتی باید به ترتیب ردیف در دفتر رسمی ثبت کشتی‌ها قید گردد و یک نسخهٔ آن در کشتی نگهداری شود.

ماده۱۳ـ حق‌الثبت

حق‌الثبت و سایر حقوقی که برای ثبت اسناد و مدارک کشتی باید پرداخت شود به شرح زیر است:

الف) حق‌الثبت

برای کشتی‌های کمتر از ۵۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۳ سکه طلا

برای کشتی‌های کمتر از ۵۰۱ تا ۱۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۴ سکه طلا

برای کشتی‌های کمتر از ۱۰۰۱ تا ۱۵۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۵ سکه طلا

برای کشتی‌های کمتر از ۱۵۰۱ تا ۲۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۷ سکه طلا

برای کشتی‌های کمتر از ۲۰۰۱ تا ۲۵۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۹ سکه طلا

برای کشتی‌های کمتر از ۲۵۰۱ تا ۳۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۱۱ سکه طلا

برای کشتی‌های کمتر از ۳۰۰۱ تا ۴۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۱۳ سکه طلا

برای کشتی‌های کمتر از ۴۰۰۱ تا ۵۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۱۵ سکه طلا

برای کشتی‌های کمتر از ۵۰۰۱ تا ۶۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۱۷ سکه طلا

برای کشتی‌های کمتر از ۶۰۰۱ تا ۷۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۱۹ سکه طلا

برای کشتی‌های کمتر از ۷۰۰۱ تا ۸۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۲۱ سکه طلا

برای کشتی‌های کمتر از ۸۰۰۱ تا ۹۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۲۳ سکه طلا

برای کشتی‌های کمتر از ۹۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰ تن ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۲۵ سکه طلا

برای کشتی‌های کمتر از ۱۰۰۰۱ تن به بالا ظرفیت غیرخالص ثبت شده معادل ۳۰ سکه طلا

ب) حق تجدید ثبت کشتی‌ها به مأخذ ۵۰٪ حق‌الثبت مندرج در بند الف فوق خواهد بود.

ج) هزینهٔ ثبت تغییرات در گواهینامه‌ها مبلغ نیم سکه طلا برای هر تغییر در مشخصات یا خصوصیات کشتی یا اجزاء آن می‌باشد.

د) هزینه صدور المثنی گواهینامهٔ ثبت کشتی به مأخذ ۳۰٪ حق‌الثبت همان کشتی است.

ماده۱۴ـ تغییرات در ظرفیت کشتی‌ها
هرگونه تغییری در ظرفیت مسافربری و یا باربری کشتی باید کتباً به اطلاع سازمان بنادر و کشتیرانی برسد این گونه تغییرات نیز باید در دفتر رسمی ثبت کشتی‌ها و در سند ثبت کشتی و نسخهٔ دوم آن قید گردد.

ماده ۱۵ـ گواهینامه‌های فنی کشتی
کشتی در صورتی ممکن است در ایران به ثبت برسد که گواهی‌نامه‌های فنی آن توسط سازمان بنادر و کشتیرانی و یا یکی از مراجع صلاحیتدار بین‌المللی که صلاحیت آن مورد قبول سازمان بنادر و کشتیرانی است صادر شده باشد.

ماده۱۶ـ گواهینامه ثبت موقت
نمایندگان کنسولی ایران می‌توانند با کسب اجازه از سازمان بنادر و کشتیرانی به استناد گواهی‌نامه‌های فنی صادره از طرف یکی از مؤسسات صلاحیتدار بین‌المللی مذکور در مادهٔ فوق گواهینامهٔ ثبت موقت جهت کشتی‌هایی که در ایران به ثبت خواهند رسید صادر نمایند.

اعتبار این گونه گواهی‌نامه‌های ثبت موقت متناسب با مدت مسافرت کشتی به یکی از بنادر ایران جهت انجام تشریفات ثبت خواهد بود و نباید از شش ماه تجاوز کند.

رونوشت گواهینامهٔ ثبت موقت باید به ادارهٔ ثبت کشتی‌های سازمان بنادر و کشتیرانی ارسال شود و اصل گواهی ثبت موقت باید به سازمان بنادر و کشتیرانی تسلیم شود.

ماده ۱۷ـ آثار عدم ثبت کشتی
در مورد مادهٔ فوق چنانچه کشتی به موقع به ثبت نرسد و یا اسناد

قبلی به موقع تسلیم نگردد کشتی حق برافراشتن پرچم ایران را نخواهد داشت و مالک کشتی برطبق مقررات ماده ۱۹۰ این قانون به پرداخت جریمه محکوم و موظف به تسلیم اسناد کشتی می‌باشد.
مفاد این ماده در مورد اسناد مفقود لازم‌الرعایه نخواهد بود.

ماده ۱۸ـ کشتی‌های در دست ساختمان

کشتی‌های در دست ساختمان موضوع مادهٔ ۵ این قانون باید موقتاً به ثبت برسد و گواهینامهٔ ثبت موقت جهت آنها صادر گردد.
کارخانه سازندهٔ کشتی موظف است اظهارنامه‌ای مشتمل بر شمارهٔ ردیف و مشخصات تفصیلی کشتی جهت ساختمان تهیه و به سازمان بنادر و کشتیرانی تسلیم نماید پس از اینکه کشتی در دست ساختمان آزمایش و تحویل مالک گردید گواهینامهٔ ثبت موقت باطل و مسترد خواهد شد.

ماده ۱۹ـ تغییر در ساختمان کشتی

در صورت تغییر اساسی در ساختمان کشتی اظهارنامهٔ جدیدی باید به سازمان بنادر و کشتیرانی یا نمایندگان کنسولی ایران تسلیم و توضیحات کافی فنی راجع به ضرورت تغییرات مذکور در آن داده شود سازمان مزبور پس از رسیدگی به مدارک اظهارنامه اقدام به اصلاح اسناد مربوطه خواهد نمود.

در صورتی که اظهارنامهٔ مزبور به نمایندگان کنسولی ایران تسلیم شود مقامات مزبور مکلفند اظهارنامه را در اسرع وقت به سازمان بنادر و کشتیرانی ارسال دارند.

هرگاه متقاضی اسنادی به تصدیق مقامات صلاحیت‌دار بین‌المللی که مورد تأیید سازمان بنادر و کشتیرانی باشد ارائه نماید ادارهٔ ثبت کشتی به استناد اسناد مزبور اقدام به اصلاح اسناد مربوطه خواهد نمود.

ماده ۲۰ـ احکام و قرارهای قضایی

هرگونه قرار یا آراء لازم‌الاجراء صادره از دادگاه‌ها که در حقوق عینی کشتی تغییری دهد به استثنای حقوق ممتاز باید در دفتر ثبت کشتی و اسناد آن قید گردد.

مأمورین مکلف به ثبت و انعکاس دادن مراتب فوق می‌باشند. اگر در انجام وظیفه در این مورد تسامح نمایند به کیفر مقرر در مادهٔ ۱۹۰ این قانون محکوم خواهند شد.

هرگاه ثابت شود که مأموری تعمداً از انجام دادن وظیفهٔ خودداری نموده است مجازات او از شش ماه تا سه سال حبس تأدیبی و پرداخت خسارت ناشیه از این عمل خواهد بود.

ماده ۲۱ـ ابطال ثبت و سلب تابعیت کشتی‌های ایرانی

در موارد ذیل ثبت کشتی باطل و تابعیت آن سلب می‌گردد:

۱. در صورتی که شرایط ثبت کشتی و حق برافراشتن پرچم ایران از بین رفته باشد.

۲. در صورتی که کشتی مفقود و یا توسط دزدان دریائی و یا در نتیجهٔ عملیات خصمانه تصرف شده باشد.

۳. در صورتی که کشتی متلاشی شده و از حَیز انتفاع افتاده باشد.

۴. در صورتی که مالک، کشتی را رها کرده باشد.

تقاضای ابطال ثبت و سلب تابعیت کشتی باید توسط سازمان بنادر و کشتیرانی از دادگاه دریائی به عمل آید در موارد فوق سند ثبت و تابعیت کشتی باید منتهی ظرف ۳۰ روز به ادارهٔ ثبت کشتی‌های سازمان بنادر و کشتیرانی یا نمایندگان کنسولی ایران مسترد گردد.

ماده ۲۲ـ فقدان اسناد ـ صدور المثنی

در صورتی که سند ثبت کشتی مفقود شده باشد مالک باید فوراً مراتب را به سازمان بنادر و کشتیرانی اعلام و اظهارنامه‌ای حاکی از

این موضوع تسلیم دارد سازمان بنادر و کشتیرانی پس از رسیدگی المثنی سند ثبت کشتی را صادر خواهد نمود.

ماده ۲۳ـ تغییر نام کشتی

نام کشتی ممکن است بنا به تقاضای مالک تغییر یابد و در این مورد سازمان بنادر و کشتیرانی می‌تواند با تعویض نام کشتی موافقت کند و به هزینهٔ متقاضیان تغییر نام را در سه نوبت به فواصل یک ماه در روزنامهٔ رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز آگهی نماید.

چنانچه کشتی در رهن باشد موافقت مرتهن در تغییر نام ضروری است و تغییر نام اثری در حقوق او و سایر اشخاص ذی‌نفع نخواهد داشت.

توضیح:

با عنایت به ماده ۱ قانون دریایی هر کشتی دریاپیما (اعم از اینکه ساختمان آن پایان‌یافته یا در دست ساختمان باشد) که ظرفیت غیرخالص ثبت شده آن حداقل ۲۵ تن باشد می‌تواند طبق مقررات قانون دریایی به ثبت رسیده به تابعیت ایرانی درآمده و حق برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد به شرط آنکه:

۱. کشتی به تبعه ایران اعم از شخص حقیقی یا حقوقی تعلق داشته باشد چنانچه کشتی متعلق به شرکت ایرانی باشد باید سهام آن با نام بوده و حداقل ۵۱٪ از سرمایه آن متعلق به اتباع ایرانی باشد.

۲. کشتی باید طبق مواد ۸ به بعد قانون دریایی به ثبت برسد.

۳. کشتی‌های نفتی که به اشخاص حقیقی یا حقوقی تعلق دارند و به امر تولید یا تصفیه و یا حمل و نقل نفت خام و یا گاز یا محصولات نفتی اشتغال دارند می‌توانند بدون نصاب مقرر در ماده ۱ بنا به تقاضای ذی‌نفع و موافقت سازمان بنادر و کشتیرانی به ثبت رسیده و تابعیت ایران را کسب نمایند. به موجب ماده ۴ و ۷ قانون دریایی مرجع صدور گواهی تابعیت سازمان بنادر و کشتیرانی بوده و کشتی که در ایران به ثبت رسیده مالک آن می‌تواند تابعیت کشتی را تغییر دهد.

قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ با اصلاحات بعدی

روزنامه رسمی ۱۴۱۵۰ـ۱۳۷۲/۷/۱۵

ماده ۲۲ـ (اصلاحی مصوب ۱۳۷۷/۱۲/۲۵) ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی، همچنین ثبت کشتی‌ها، شناورها و هواپیماها در هر منطقه با رعایت اصل هشتاد و یکم ۸۱ قانون اساسی طبق ضوابط مصوب هیأت وزیران انجام می‌شود.

ماده ۲۴ـ نحوه استفاده از زمین و منابع ملی و ترتیب فروش یا اجاره آن به اتباع کشور در محدوده هر منطقه که در مالکیت دولت باشد، طبق مقررات مصوب هیأت وزیران و با رعایت برنامه‌های عمرانی هر منطقه تعیین می‌گردد.

سازمان هر منطقه مسئول اجرای مقررات مربوط خواهد بود.

تبصره ۱ـ اجاره زمین به اتباع خارجی مجاز و فروش آن مطلقاً ممنوع است.

تبصره ۲ـ ساکنین ایرانی جزایر موضوع مناطق آزاد، همانند سایر نقاط کشور دارای کلیه حقوق مالکیت عرصه و اعیان می‌باشند.

سازمان ثبت اسناد و املاک مکلف است برابر قوانین و مقررات سند مالکیت به نام اشخاص صادر نماید.

ماده ۲۸ـ (الحاقی ۱۳۷۷/۱۲/۲۵ مجلس شورای اسلامی) تأسیس و فعالیت مؤسسات بیمه ایرانی با سرمایه داخلی و خارجی و شعب و نمایندگی آنها و مؤسسات کارگزاری بیمه در مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران مجاز و صرفاً تابع مقرراتی است که به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ضوابط ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی در مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۷۴/۲/۲۴ ریاست جمهوری با اصلاحات بعدی

(روزنامه رسمی ۱۴۶۳۰ـ ۱۳۷۴/۳/۸)

فصل اول

تعاریف

ماده۱ـ در این تصویب‌نامه واژه‌های زیر به جای عبارت‌های مشروح مربوط به کار می‌رود:

۱ـ۱ـ کشور: کشور جمهوری اسلامی ایران.

۲ـ۱ـ منطقه: هریک از مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی.

۳ـ۱ـ سازمان: سازمان هریک از مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی است که به موجب قانون تأسیس شده‌اند.

۴ـ۱ـ قانون: قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ مجلس شورای اسلامی.

۵ـ۱ـ شورای عالی: شورای عالی مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران.

۶ـ۱ـ واحد ثبتی: مرجع ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی هریک از سازمان‌های مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی.

۷ـ۱ـ شعبه شرکت یا مؤسسه: شعبه یک شرکت یا مؤسسه، شخص حقوقی است که در منطقه توسط شرکت یا مؤسسه اصلی که در خارج از منطقه ایجاد شده تشکیل شده است و اکثریت سهام آن متعلق به شرکت یا مؤسسه مذکور می‌باشد و این شخص حقوقی تازه تأسیس، شرکت یا مؤسسه فرعی آن محسوب می‌شود.

۸ـ۱ــ نماینده شرکت یا مؤسسه: (اصلاحی ۱۳۷۵/۵/۱۶) نماینده یک شرکت یا مؤسسه، شخص حقوقی یا حقیقی است که آن شرکت یا مؤسسه به آن اختیارات لازم را داده است و تعهدات آن در سمت نمایندگی شرکت یا مؤسسه، تعهدات شرکت یا مؤسسه اختیار دهنده محسوب می‌شود.

فصل دوم

ایجاد و وظایف واحد ثبتی

ماده ۲ـ سازمان هر منطقه به منظور انجام امور ثبتی شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی در آن منطقه، واحدی را به نام واحد ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی تأسیس می‌کند.

ماده۳ـ وظایف واحد ثبتی عبارتند از:

۱ـ۳ـ ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ایرانی و خارجی.

۲ـ۳ـ ثبت علائم و اسامی تجاری و صنعتی.

۳ـ۳ـ ثبت اختراعات و اشکال و ترسیمات صنعتی.

۴ـ۳ـ ثبت دفاتر تجاری بازرگانان.

۵ـ۳ـ پلمپ دفاتر تجاری و غیرتجاری واقع در حوزه هر منطقه.

۶ـ۳ـ ثبت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با رعایت آیین‌نامه اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد.

۷ـ۳ـ ثبت شرکت‌های بیمه طبق مقررات حاکم در مناطق آزاد.

فصل سوم

تشریفات ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی و معنوی

ماده ۴ـ هر شرکت یا مؤسسه‌ای که در منطقه ثبت شود و مرکز اصلی آن نیز در همان منطقه باشد شرکت ایرانی و ثبت شده در منطقه محسوب می‌شود.

تبصره ۱ـ از تاریخ اجرای این تصویب‌نامه هر شرکت یا مؤسسه خارجی برای اینکه بتواند به وسیله شعبه یا نمایندگی در منطقه به فعالیت‌های اقتصادی مبادرت نماید باید در کشور متبوع خود مطابق قوانین و مقررات جاری آن کشور ـ به تصدیق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور ـ شرکت قانونی محسوب شود و در واحد ثبتی منطقه نیز به ثبت رسیده باشد.

تبصره ۲ـ هر شرکت یا مؤسسه خارجی که در تاریخ اجرای این تصویب‌نامه در منطقه به وسیله شعبه یا نمایندگی به فعالیت‌های اقتصادی اشتغال داشته باشد باید در ظرف ۳ ماه از تاریخ اجرای این تصویب‌نامه تقاضای ثبت نماید. در غیر این صورت شرکت مذکور اعتبار قانونی نداشته و مؤسس آن در قبال اشخاص ثالث متضامناً مسئول جبران خسارت وارد شده خواهند بود.

ماده ۵ـ انواع شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری مذکور در قانون تجارت و سایر قوانین ایران می‌توانند در واحد ثبتی منطقه به ثبت برسند مشروط برآنکه موضوع فعالیت آنها قانونی باشد. درهر حال تأسیس و فعالیت شرکت‌ها تحت قوانین موضوعه امکان‌پذیر است.

ماده ۶ـ (اصلاحی ۱۳۷۵/۵/۱۶) تمامی اشخاص حقوقی که در منطقه فعالیت اقتصادی دارند، موظفند ظرف ۳ ماه از تاریخ اعلام واحد ثبتی

وضعیت خود را با مفاد این تصویب‌نامه و دستورالعمل‌های اجرائی آن تطبیق دهند. در غیر این صورت مرجع صالح به تقاضای سازمان از ادامه فعالیت اشخاص مذکور جلوگیری خواهد نمود.
دستورالعمل اجرائی این ماده، توسط سازمان هر منطقه تهیه و به اجراء گذاشته می‌شود.

تبصره ـ (الحاقی ۱۳۷۵/۵/۱۶) سازمان ثبت اسناد و املاک کشور کلیه سوابق و مدارک مربوط به اشخاص حقوقی که قبل از تاریخ اجرای واحد ثبتی منطقه در سایر نقاط کشور به ثبت رسیده‌اند و به موجب اساسنامه مربوط مرکز اصلی (اقامتگاه) آنها، منطقه است و از سازمان مجوز فعالیت دریافت کرده‌اند بنا به تقاضای واحد ثبتی برای آن واحد ارسال می‌کند، همچنین سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به منظور پیشگیری از تعیین نام‌های مشابه برای شرکت‌های در حال ثبت با واحدهای ثبتی مناطق همکاری خواهند نمود.

ماده ۷ـ ثبت شرکت و مؤسسه در منطقه با ارائه مدارک و اسناد زیر به واحد ثبتی منطقه به عمل خواهد آمد:

۱. اظهارنامه ثبت.
۲. اساسنامه شرکت.
۳. صورتجلسه مجمع عمومی مؤسسین.
۴. صورتجلسه اولین جلسه هیئت مدیره.
۵. گواهی بانکی از یکی از بانک‌های منطقه مبنی بر تودیع حداقل ۳۵٪ سرمایه نقدی.
۶. مجوز فعالیت در منطقه که توسط سازمان صادر شده باشد.

تبصره ۱ـ در مورد اشخاص حقوقی خارجی تهیه و ارائه اصل اختیارنامه نمایندگی و مجوز تأسیس شعبه اشخاص مذکور در ایران که شرایط تنظیم و صدور آنها مطابق قوانین و مقررات کشور متبوع اشخاص حقوقی خارجی (به تصدیق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آن کشور) رعایت شده باشد

ضرورت دارد، همچنین لازم است برای ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران اشخاص حقوقی خارجی اظهارنامه ثبت شرکت و رونوشت مصدق سند ثبت شرکت در کشور متبوع را به زبان فارسی نیز ضمیمه نمایند.

تبصره ۲ـ کلیه اسناد و مدارک موضوع ماده ۸ این تصویب‌نامه توسط اشخاص حقوقی خارجی باید به صورت رسمی به زبان فارسی نیز تسلیم شود.

تبصره ۳ـ در کلیه موارد پس از دریافت رسید حق‌الثبت، اقدامات مربوط به ثبت و صدور گواهی مربوط صورت خواهد گرفت.

ماده ۸ـ اظهارنامه ثبت شعب و نمایندگی‌های اشخاص حقوقی خارجی علاوه بر قید تاریخ و امضاء باید حاوی نکات زیر باشد:

۱. نام کامل شرکت یا مؤسسه به زبان فارسی با علائم اختصاری و مشخصات آن.
۲. نوع شرکت یا مؤسسه و موضوع فعالیت آن.
۳. مرکز اصلی و اقامتگاه شرکت یا مؤسسه در خارج از ایران.
۴. تابعیت شرکت یا مؤسسه.
۵. میزان سرمایه شرکت یا مؤسسه.
۶. آخرین بیلان مالی شرکت یا مؤسسه.
۷. مرجع ثبت، شماره محل شهر و کشور و تاریخ ثبت شرکت یا مؤسسه در خارج از ایران.
۸. فعالیت مورد نظر شرکت یا مؤسسه جهت اشتغال در منطقه.
۹. سایر شعب و نمایندگی‌های شرکت یا مؤسسه در ایران و اسامی مدیران هر کدام در صورت تأسیس.
۱۰. اقامتگاه شرکت یا مؤسسه جهت اشتغال در ایران و منطقه و تعیین افراد صلاحیت‌دار دریافت کننده ابلاغ‌ها و اخطاریه‌ها.
۱۱. قبولی مدیر یا مدیران شعب و نمایندگی‌های ذیل مجوز تأسیس یا اختیارنامه نمایندگی موضوع تبصره (۱) ماده ۷ این تصویب‌نامه.

۱۲.نام و نام خانوادگی، اقامتگاه مدیران یا اداره‌کنندگان، شرکت یا مؤسسه.

تبصره ـ نام و نام‌خانوادگی، اقامتگاه و تابعیت وکیل، همچنین نسخه اصلی یا رونوشت مصدق وکالتنامه در صورتی که اظهارنامه و تقاضای ثبت به وسیله وکیل داده شده باشد تسلیم شود.

ماده ۹ـ اشخاص حقوقی پس از ثبت دارای شخصیت حقوقی خواهند بود و براساس قوانین و مقررات حاکم در منطقه، فعالیت می‌نمایند. واحد ثبتی سازمان موظف است سندی مشعر بر ثبت اشخاص حقوقی یا شعبه نمایندگی آنها که ممهور به مهر واحد ثبتی است، به تقاضاکننده ثبت بدهد.

ماده ۱۰ـ اشخاص حقوقی مکلفند به منظور ثبت هرگونه تغییرات در اساسنامه و ترکیب هیأت مدیره، بازرسان، صاحبان امضای مجاز، کاهش یا افزایش سرمایه و انحلال شرکت یا مؤسسه ظرف یک هفته مراتب را به صورت کتبی به واحد ثبتی منطقه اطلاع دهند. عدم اطلاع به موقع رافع مسئولیت مدیران اشخاص حقوقی مذکور نخواهند بود.

ماده ۱۱ـ هر ذی‌نفعی می‌تواند از مندرجات پرونده‌های ثبتی مربوط اطلاع یافته تقاضای دریافت رونوشت مصدق نماید.

ماده ۱۲ـ واحد ثبتی موظف است مراتب تأسیس شرکت یا مؤسسه و تغییرات آن را حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ ثبت به منظور درج در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران و روزنامه محلی به هزینه متقاضی به آن روزنامه اعلام نماید.

ماده ۱۳ـ تقاضای ثبت علایم و اسامی تجاری ـ صنعتی و ثبت اختراعات و اشکال و ترسیمات صنعتی در منطقه به موجب اظهارنامه صورت می‌گیرد و شرایط ثبت آن در واحد ثبتی طبق دستورالعمل اجرایی مصوب سازمان هر منطقه خواهد بود.

ماده ۱۴ـ کلیه اشخاص حقیقی ایرانی که طبق قانون تجارت به امور بازرگانی در منطقه مبادرت دارند موظفند نام خود یا مدیران خود را مطابق مقررات این تصویب‌نامه حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ اعلام واحد ثبتی در دفتر ثبت تجارتی واحد ثبتی به ثبت برسانند.

ماده ۱۵ـ ثبت اسامی اشخاص حقیقی ایرانی و خارجی در دفاتر ثبت با تنظیم و تسلیم سه نسخه اظهارنامه که حداکثر ظرف ۳ ماه از تاریخ اعلام واحد ثبتی انجام می‌گیرد و حاوی نکات زیر می‌باشد به عمل می‌آید:

۱. نام و نام‌خانوادگی بازرگان.
۲. تاریخ و محل تولد، شماره شناسنامه و محل صدور شناسنامه بازرگان و تصویر اوراق شناسنامه برای اشخاص حقیقی ایرانی و گذرنامه برای اشخاص حقیقی خارجی.
۳. تابعیت اصلی و فعلی افراد مزبور در صورت تحصیل تابعیت دیگر و تاریخ و چگونگی اخذ تابعیت مزبور.
۴. تاریخ ورود به منطقه و شماره و محل صدور پروانه اقامت و محل اقامت اتباع خارجی.
۵. اقامتگاه قانونی اشخاص حقیقی.
۶. شماره ثبت منگنه و پلمپ دفاتر تجاری که به موجب بند (۵) ماده ۳ این تصویب‌نامه به عمل آمده است.
۷. رشته فعالیت تجاری داخلی یا خارجی یا هر دو در هر مورد.
۸. سایر مشخصات تجارتی بازرگانان از جمله شماره ثبت، علایم تجاری، کتاب رمز تجارتی و غیره.

ماده ۱۶ـ واحد ثبتی مکلف است پس از ثبت مفاد اظهارنامه در دفتر ثبت تجارتی ظرف حداکثر ده روز از تاریخ تسلیم، یک نسخه امضاء شده از اظهارنامه ثبت را ممهور به مهر واحد به اظهارکننده تسلیم نماید و نسخه دیگر را به واحد ذی‌ربط در سازمان ارسال کند.

ماده۱۷ـ اظهارکننده موظف است ظرف مدت یک هفته هرگونه تغییراتی را در مفاد اظهارنامه، طی اظهارنامه جدیدی که در سه نسخه تنظیم می‌شود تهیه و به واحد ثبتی سازمان تسلیم کند تا در دفتر ثبت تجارتی واحد ثبتی قید گردد.

ماده۱۸ـ اشخاص حقیقی و حقوقی که طبق مقررات این تصویب‌نامه اسم خود را ثبت می‌نمایند مکلفند در سربرگ اوراق تجارتی و برگ‌های فروش و سفارش و هرنوع اسناد و مدارک تجارتی که به کار می‌برند ضمن درج عنوان تجارتی شماره ثبت خود را نیز قید نمایند.

فصل چهارم
سایر مقررات

ماده ۱۹ـ پلمپ دفاتر تجارتی اشخاص حقیقی و حقوقی طبق دستورالعملی که توسط سازمان هر منطقه تعیین می‌شود صورت گرفته و پس از امضای نماینده واحد ثبتی به مهر واحد مذکور ممهور خواهد شد.

ماده ۲۰ـ هزینه‌های مربوط به ثبت شرکت، مؤسسه و تغییرات آن همچنین ثبت علایم و اسامی تجاری و صنعتی و اختراعات و اشکال و ترسیمات صنعتی و نیز ثبت دفاتر تجارتی و پلمپ دفاتر تجارتی و غیر تجارتی بسه موجب دستورالعملی که توسط سازمان هر منطقه تهیه می‌شود، دریافت می‌گردد.

ماده ۲۱ـ از ادامه فعالیت متخلفین از اجرای مفاد این تصویب‌نامه، بنا به تقاضای سازمان، توسط نیروی انتظامی منطقه جلوگیری به عمل خواهد آمد. در هر صورت این‌گونه اقدامات رافع مسئولیت مدیران شرکت یا مؤسسه و اشخاص حقیقی متخلف در قبال اشخاص ثالث نخواهد بود.

ماده ۲۲ـ دستورالعمل‌های اجرایی این تصویب‌نامه و فرم‌های چاپی مربوط توسط سازمان هر منطقه حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این تصویب‌نامه تهیه و به اجراء گذاشته خواهد شد.

باب چهارم

برات ـ فته طلب ـ چک[1]

فصل اول

برات

مبحث اول
صورت برات[2]

ماده ۲۲۳ـ برات علاوه بر امضاء یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد:

۱. قید کلمه (برات) در روی ورقه.

۲. تاریخ تحریر (روز و ماه و سال).

۳. اسم شخصی که باید برات را تأدیه کند.

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد اول، چاپ نهم انتشارات ماجد ۱۳۷۹، اسناد تجارتی (برات- سفته- چک) از ص ۱۲۳ تا ۴۸۵ همراه با متن کامل آراء دیوان عالی کشور ویرایش جدید، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۸۵

2. Bill of Exchange- Billetà Ordre.

۴. **تعیین مبلغ برات.**
۵. **تاریخ تأدیه وجه برات.**
۶. **مکان تأدیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگر.**
۷. **اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخته می‌شود.**
۸. **تصریح به این که نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.**

توضیح:

اسناد تجارتی بالاخص برات، سفته و چک در دنیای امروز نقش اقتصادی مهمی را در کشورها ایفا می‌نمایند. زیرا افزایش میزان پول در گردش به بیش از حد جذب در واحدهای تجارتی منشأ اصلی تورم می‌باشد و استفاده از اسناد تجارتی برای کاهش تورم اهمیت شایانی دارد.

قانون برات گرچه حدود ۷۵ سال پیش به همّت حقوق‌دانان آن زمان از حقوق فرانسه اقتباس شده است ولی تاکنون این سند برای مردم به علت عدم آموزش ناشناخته مانده است. در صورتی که در اتحادیه اروپا و سایر کشورهای صنعتی تجار و شرکت‌ها با اعتماد از آن به جای پول کاغذی استفاده می‌نمایند و واحدهای صنعتی و تولیدی و خدماتی نیازهای خود را به طور نسیه خریداری کرده و به فروشنده برات وعده‌دار صادر و تحویل می‌دهند. قانون در آن کشورها توانسته اعتماد مردم را به این سند مهم تجارتی جلب نماید و با این ترتیب برای واحدهای بازرگانی ایجاد اعتبار فزاینده‌ای را در معاملات فراهم ساخته است.

ایران به کنوانسیون‌های برات وسفته ۷ ژوئن ۱۹۳۰ ژنو و همچنین به کنوانسیون برات و سفته بین‌المللی مصوب ۹ دسامبر ۱۹۸۸ (UNCITRAL)[1]

---

1. United Nations Commission International Trade Law.

– دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت بین‌الملل، جلد اول، برات، سفته بین‌المللی و چک با مطالعه تطبیقی در کنوانسیون‌ها و حقوق فرانسه، آلمان، امریکا، انگلیس و ایران، به انضمام ترجمه کنوانسیون ۹ دسامبر ۱۹۸۸، با متن انگلیسی- فرانسه و واژگان سه زبانه از انتشارات ماجد ۱۳۷۲.

ملحق نشده است. و برای اعتبار بخشیدن به اسناد تجارتی ایران، الحاق به کنوانسیون‌های مذکور ضروری به نظر می‌رسد.

ماده ۲۲۳ که می‌گوید: «برات علاوه بر امضاء یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط زیر باشد» به نظر می‌رسد که صدر ماده مذکور همانند کنوانسیون بین‌المللی به شرح زیر تغییر یابد: "برات باید دارای شرایط زیر باشد."

با ملاحظه ماده ۲۲۶ که ضمانت اجرایی تخلف از یکی از شرایط اساسی برات را پیش‌بینی کرده نداشتن امضاء یا مهر فاقد ضمانت اجرایی در ماده مذکور می‌باشد. در صورتی که امضاء نشانگر اعلان اراده و تثبیت تعهد برات‌کش در مقابل دارنده برات می‌باشد و در بند ۱ ماده ۲۲۳ نیز به قید کلمه برات در روی ورقه برات ضمانت اجرایی داده نشده است. ولی اگر سایر شرایط مندرج در بند ۲ـ۳ـ۴ـ۵ـ۶ـ۷ و ۸ ماده ۲۲۳ دارای ضمانت اجرایی بوده که در صورت تخلف از رعایت یکی از شرایط اساسی اخیرالذکر برات صادر شده مشمول مقررات راجع به بروات تجارتی نخواهد بود.

ماده ۲۲۴ـ برات ممکن است به حواله کرد شخص دیگر باشد یا به حواله کرد خود برات‌دهنده.

توضیح:

واژه «حواله کرد» ترجمه انگلیسی "In Order to" می‌باشد. این ترجمه تاکنون برای مردم عادی قابل درک نمی‌باشد بهتر است که به جای آن واژه «قابل انتقال» در برات، سفته و چک یا سایر اسناد تجارتی نوشته شود.

به موجب ماده ۱۱ قانون متحدالشکل ژنو راجع به برات و سفته، چنانچه صادر کننده برات کلمهٔ «mot to order» یعنی «غیر قابل انتقال» را در برات یا کلمات مشابه آن به کار برد فقط می‌تواند در شکل سند عادی انتقال پیدا کند. در حقوق ایران عرف بر این است که برای غیر قابل انتقال کردن سفته و غیره دارنده سند فقط «حواله کرد» را خط می‌زند. این عمل ضمانت اجرای قانونی ندارد و بهتر است ماده فوق با توجه به ماده ۱۱ کنوانسیون اصلاح شود.

ماده ۲۲۵ــ تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می‌شود. اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است.

ماده ۲۲۶ــ در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲ــ۳ــ۴ــ۵ــ۶ــ۷ــ۸ــ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجع به بروات تجارتی نخواهد بود.

ماده۲۲۷ــ برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

توضیح:

مستنبط از ماده ۲۲۵ اگر مبلغ برات به حروف و عدد نوشته شود مبلغ حروفی معتبر خواهد بود اما مبلغ برات هر دو به حروف یا هر دو به عدد باشد و بین آنها اختلاف وجود داشته باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار خواهد بود.

در ماده ۲۲۶ ضمانت اجرایی ننوشتن «برات» و «امضای آن» قید نشده است ولی با مراجعه به قواعد عام حقوق مدنی می‌توان گفت که امضاء یا مهر برات توسط برات‌کش نشان دهنده اراده انشائی است و قصد انشاء برابر ماده ۱۹۱ (ق.م) از ارکان سازنده عقد یا تعهد می‌باشد.

مبحث دوم
در قبول و نکول

ماده ۲۲۸ــ قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده، امضاء یا مهر می‌شود.

در صورتی که برات به وعده از رویت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد. اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ

برات تاریخ رویت حساب می‌شود.

توضیح:

دارنده برات می‌تواند تا سر رسید برات به برات گیر برای اخذ قبولی به اقامتگاه او مراجعه نماید. می‌توان در برات برای قبولی مدت محدودی در نظر گرفت مگر اینکه برات قابل پرداخت به وسیله شخص ثالث یا در محل دیگری غیر از اقامتگاه او بوده و یا برات به وعده از رویت باشد. به موجب ماده ۲۷۴ (ق.ت) در برات به وعده از رویت دارنده مکلف است ظرف مدت یکسال برات را به رویت برات‌گیر برساند در غیر این صورت حق مراجعه به ظهرنویس‌ها و برات دهنده‌ای که مبلغ برات را به برات‌گیر رسانده است نخواهد داشت. ماده ۲۷۴ و بعد آن که از حقوق فرانسه الهام گرفته با قانون متحدالشکل ژنو هماهنگی دارد و گاهی در جهت اعتبار محل برات قبل از قبولی برات‌گیر برداشته شده است.

ماده۲۲۹ـ هر عبارتی که محال علیه در برات نوشته امضاء یا مهر کند قبولی محسوب است مگر این که صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد.
اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است. در صورتی که محال علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء یا مهر نماید برات قبول شده محسوب می‌شود.

توضیح:

در این ماده قید عبارت «عدم قبولی» ضروری می‌باشد در غیر این صورت هر عبارت دیگر نشان‌گر قبولی برات‌گیر می‌باشد و اگر عدم قبولی مربوط به یک جزء از مبلغ برات باشد وجه برات قبول شده محسوب می‌شود.

ماده ۲۳۰ـ قبول کننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تأدیه نماید.

ماده۲۳۱ـ قبول کننده حق نکول ندارد.

ماده۲۳۲ـ ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات باید برای بقیه اعتراض نماید.

ماده۲۳۳ـ اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می‌شود ولی معهذا قبول کنندهٔ به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.

ماده۲۳۴ـ در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول کننده باید تأدیه شود تصریح به مکان تأدیه ضروری است.

توضیح:

به موجب ماده ۴۰ کنوانسیون ۹ دسامبر ۱۹۸۸ تا زمانی که برات‌گیر برات را قبول نکرده است نسبت به آن مسئول نیست ولی بعد از قبولی ملزم به تأدیه آن در سر وعده می‌باشد و به موجب ماده ۲۳۱ قبول کننده حق عدم قبولی (نکول) را ندارد.

صریح بودن قبولی در برات ضروری است اما اگر برات‌گیر بدون قید هیچ عبارتی برات را امضاء یا مهر نماید قبولی محسوب می‌شود و قید شرط برای قبولی، نکول (عدم قبولی) محسوب می‌شود با وجود این قبول کننده در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات می‌باشد.

ماده۲۳۵ـ برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.

ماده۲۳۶ـ نکول برات به موجب تصدیق‌نامه که رسماً تنظیم می‌شود محقق گردد. تصدیق‌نامه مزبور موسوم است به اعتراض (پروتست) نکول.

توضیح:

برات باید به محض ارائه از طرف دارنده آن یا در نهایت ظرف ۲۴ ساعت

از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود. در صورتی که پرداخت وجه برات در خارج از اقامتگاه قبول کننده تأدیه شود تصریح به محل تأدیه ضروری می‌باشد.

ماده ۲۳۷ـ پس از اعتراض نکول ظهرنویس‌ها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض‌نامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تأدیه نمایند.

ماده۲۳۸ـ اگر بر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تأدیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی موعد پرداخت آن نرسیده است می‌تواند از قبول کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.

توضیح:

ماده ۲۳۷ از دارنده برات در صورت عدم قبولی برات‌گیر حمایت کرده و به او امکان می‌دهد که پس از واخواست برات به علت عدم قبولی به برات دهنده یا ظهرنویس‌ها (اگر باشد) قبل از سررسید برات مراجعه نموده و به شرح زیر اقدام نماید:

۱. از برات‌کش یا ظهرنویس ضامنی بخواهد تا در سررسید مبلغ برات پرداخت گردد.
۲. برات جدیدی صادر کرده و در آن برات‌کش را محال علیه قرار می‌دهد. این نوع برات را «رجوعی» می‌نامند که جایگزین برات اولیه می‌گردد.

مبحث سوم
در قبولی شخص ثالث

ماده۲۳۹ـ هرگاه براتی نکول شد و اعتراض به عمل آمد شخص ثالثی می‌تواند آن را به نام برات‌دهنده یا یکی از ظهرنویس‌ها قبول کند، قبولی شخص ثالث باید در اعتراض‌نامه قید شده و به امضاء او برسد.

ماده۲۴۰ـ بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تأدیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات دهنده و ظهرنویس‌ها حاصل می‌شود محفوظ خواهد بود.

توضیح:

بعد از اعتراض نکول شخص ثالثی می‌تواند پرداخت برات را به نام برات‌کش یا یکی از ظهرنویس‌ها قبول کند. این قبولی در اعتراض نامه قید شده و به اعتراض شخص ثالث می‌رسد. بدیهی است کلیه حقوق دارنده برات که از نکول آن در مقابل برات دهنده و ظهرنویس‌ها حاصل شده تا تأدیه وجه برات به قوت خود باقی می‌ماند.

مبحث چهارم
در وعده برات

ماده ۲۴۱ـ برات ممکن است بررویت باشد یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رویت برات، یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از تاریخ برات ممکن است پرداخت بروز معینی موکول شده باشد.

ماده۲۴۲ـ هرگاه برات بی‌وعده قبول شد باید فوراً پرداخت شود.

ماده۲۴۳ـ موعد پرداخت براتی که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رؤیت وعده دارد به وسیله تاریخ قبولی یا تاریخ اعتراض‌نامه نکول معین می‌شود.

ماده۲۴۴ـ اگر موعد پرداخت برات با تعطیل رسمی تصادف کرد باید روز بعد از تعطیل تأدیه شود.

تبصره ـ همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتی نیز رعایت خواهد شد.

توضیح:

در ماده ۲۴۱ (ق.ت) وعده یا سررسید برات به شرح زیر می‌باشد:

۱. برات به رویت[1]
۲. برات به وعده از رویت[2]
۳. برات به وعده از تاریخ برات [3]
۴. برات به روز معین.[4]

در کنوانسیون برات وسفته بین‌المللی فقط دو نوع برات پیش‌بینی گردیده است: (ماده ۳)

۱. برات به رویت
۲. برات به وعده معین

به نظر می‌رسد که ماده ۲۴۱ (ق.ت) براساس ماده ۳ کنوانسیون جدید اصلاح گردد.

---

1. lettre à Vue.
2. Lettre à Un Certain délai de Vue.
3. Lettre à Un Certain délai de date.
4. Lettre à Jour fixe.

مبحث پنجم
ظهرنویسی

ماده۲۴۵ـ انتقال برات به وسیله ظهرنویسی به عمل می‌آید.

ماده۲۴۶ـ ظهرنویسی باید به امضاء ظهرنویس برسد ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسی که برات به او انتقال داده می‌شود قید گردد.

توضیح:

سند تجارتی در نظام‌های مختلف حقوقی بوسیله ظهرنویسی و تحویل آن از سوی ظهرنویس به ید بعدی (منتقل الیه) انتقال می‌یابد. در کنوانسیون ۱۹۸۸ آنسیترال (UNCITRAL) ظهرنویسی در ماده ۱۳ تا ۲۶ پیش‌بینی گردیده است. ماده ۱۳می‌گوید «سند منتقل می‌شود: بوسیله ظهرنویسی و تحویل سند از سوی ظهرنویس به ید بعدی یا صرفاً بوسیله تحویل سند در صورتی که آخرین ظهرنویسی سفید امضاء باشد.»

ملاحظه می‌شود که تعریف ظهرنویسی در ماده ۱۳ کنوانسیون جدید در مقایسه با ماده ۲۴۵ (ق.ت) کامل می‌باشد.

ماده ۲۴۶ که می‌گوید: «.... ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسی که برات به او انتقال داده می‌شود قید گردد». در مفهوم مخالف ماده، ظهرنویسی می‌تواند بدون قید تاریخ و اسم گیرنده آن، امضاء شده و منتقل گردد.

نظر قانون‌گذار «ظهرنویسی سفید امضاء بوده که به طور ناقص نگارش یافته، زیرا چه در قانون متحدالشکل ژنو ۱۹۳۰ و در بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون آنسیترال ظهرنویسی سفید امضاء به طور روشن تعریف شده است:

ظهرنویسی سفید امضاء عبارت است امضای منفرد در پشت سند و دارای آثار حقوقی به شرح زیر می‌باشد:

ـ برات یا سفته را به نام خود یا به نام دیگری بنویسد.

ـ سفته را مجدداً سفید امضاء کرده و انتقال دهد.
ـ سفته را بدون نوشتن یا ظهرنویسی با قبض و اقباض به دیگری انتقال دهد.

شایان ذکر است که هیچ یک از موارد فوق در مبحث ظهرنویسی قانون تجارت ایران پیش‌بینی نشده است.

ماده۲۴۷ـ ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است مگر این‌که ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول ولدی‌الاقتضاء حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد.

ماده ۲۴۸ـ هرگاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته می‌شود.

توضیح:

ممکن است ظهرنویسی به عنوان وکالت باشد که وکیل حق وصول و در صورت لزوم حق واخواست و طرح دعوی برای وصول را خواهد داشت مگر اینکه خلاف آن در برات توسط دارنده قید شده باشد. در کنوانسیون ژنو (ماده۱۹) و کنوانسیون آنسیترال (ماده ۲۱)[1] پیش‌بینی شده است.

ماده ۲۴۸ قید تاریخ مقدم در ظهرنویسی را از مصادیق تزویر شناخته است. این تصور بوده که ممکن است ظهرنویس از تاریخ واقعی ظهرنویسی ممنوع المعامله بوده و یا حکم ورشکستگی او صادر شده باشد و تعمداً تاریخ مقدمی را در ظهرنویسی خود قید نماید که در روز مزبور مجاز برای معامله بوده است.

---

1. endorsment by procuration.

ظهرنویسی به‌عنوان وکالت

مبحث ششم
مسئولیت

ماده۲۴۹ـ برات دهنده، کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند.
دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند به هرکدام از آنها که بخواهند منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید. همین حق را هریک از ظهرنویس‌ها نسبت به برات دهنده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد.
اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست، اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال علیه یا ظهرنویس را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.

ماده۲۵۰ـ هریک از مسئولین تأدیه برات می‌تواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراض نامه و صورت حساب متفرعات و مخارج قانونی که باید بپردازد موکول کند.

توضیح:

قسمت اول ماده ۲۴۹ اصل قاعده تضامن را برای برات دهنده و قبول کننده برات و ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده برات پیش‌بینی نموده است. این امر به منظور تقویت حقوق دارنده برات می‌باشد تا بتواند طلب خود را از هریک از امضا کنندگان به طور منفرد یا از همه آنان به طور دسته‌جمعی مطالبه نماید.[1] این قاعده در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق کشورها پذیرفته شده است.

قسمت پایانی ماده مذکور ظهرنویسی به عنوان ضمانت را مقرر داشته است

1. Responsabilité solidaire- joint and sereval responsabilities.

که ظهرنویس ضامن ممکن است برات دهنده یا محال علیه و یا ظهرنویس دیگر را ضمانت نماید که فقط با مضمون عنه در مقابل دارنده تا حدود مضمون به بطور تضامن مسئول می‌باشد.

ماده ۱۹ کنوانسیون ژنو با قید واژه (AVAL) و ماده ۲۲ کنوانسیون آنسیترال Value in Security ضمانت در برات و سفته را آورده است.[۱]

به موجب رأی ۲۴ ژانویه ۱۹۸۹ دیوان کشور فرانسه با عنایت به ماده ۲۰۱۵ (ق.م) فرانسه، ضمانت مفروض نیست مگر آنکه صریح بوده و از حدود توافق طرفین تجاوز ننماید. دیوان مزبور رأی دادگاه استیناف را برخلاف مادهٔ فوق ضامنی را که سفته‌ها از طرف دارنده به او ارائه نشده مسئول پرداخت دانسته است. در صورتی که اسناد مزبور به وسیله دارنده معدوم شده و راجع به عدم ارائه آنها نیز اعتراضی نداشته است.[۲]

ظهرنویسی برات به عنوان (وثیقه) value in pledge در ماده ۲۲ کنوانسیون آنسیترال و ماده ۱۹ کنوانسیون ژنو آمده است. اما در حقوق ایران ظهرنویسی به عنوان وثیقه پیش‌بینی نشده و در حال حاضر برای شبکه بانکی کشور مشکلاتی بوجود آورده است. به نظر می‌رسد که می‌توان از ماده ۶۷ (ق.ا.ا.م) که اوراق بهادار جزء اموال منقول محسوب داشته، ظهرنویسی به عنوان وثیقه را در اسناد تجارتی به فرض مال منقول بودن آنها قابل قبول دانست.[۳]

ماده ۲۵۱ـ هرگاه چند نفر از مسئولین برات ورشکست شوند دارنده برات می‌تواند در هر یک از غرما یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل شود تا این که طلب خود را کاملاً وصول نماید. مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی‌تواند برای وجهی که به صاحب چنین طلبی پرداخته

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت بین‌الملل، برات و سفته بین‌المللی و چک، پیشین، جلد اول ص ۱۲۳.

2. Cass. Com. C.24 Janv.1989. Semaine juridique, 1989. ed. G.No.12.p.111.

۳. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد سوم، پیشین، ص ۷۵ به بعد.

می‌شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی که مجموع وجوهی که از دارایی تمام ورشکستگان به صاحب طلب تخصیص می‌یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هرکدام پرداخته‌اند جزء دارایی ورشکستگانی محسوب گردد که به سایر ورشکسته‌ها حق رجوع دارند.

تبصره ـ مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری نیز که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

توضیح:

ماده مزبور مسئولیت امضاکنندگان ورشکسته برات یا پرداخت کنندگان دین تضامنی را پیش‌بینی کرده است.[1]

در قسمت اول ماده فرض براین است که چند نفر از امضاء کنندگان برات ورشکسته شده‌اند، دارنده برات می‌تواند برای وصول کل مبلغ برات داخل در غرما یکی از امضاء کنندگان برات یا همگی آنها داخل شود و طلب خود را اعم از اصل مبلغ و سایر خسارات قانونی وصول نماید.

در قسمت بعد قانون‌گذار امضاء کننده‌ای که کل طلب دارنده را پرداخت کرده از حق رجوع به مدیر تصفیه ورشکسته محروم نموده است و به نظر می‌رسد که برخلاف قاعده تضامن می‌باشد زیرا ضامنی که کل طلب را پرداخت کرده می‌تواند به سایرین در حدود سهم‌الشرکه آنان مراجعه نماید. (مستنبط از ماده ۱۲۴ ق.ت)

قسمت نهایی ماده بیان داشته در صورتی که مجموع وجوهی که از دارایی تمام ورشکستگان به صاحب طلب تخصیص می‌یابد بیش از مازاد طلب او باشد در آن صورت مازاد به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداختند جزء دارایی ورشکسته‌ای محسوب می‌شود که حق رجوع به سایر

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد چهارم، ورشکستگی و تصفیه اموال، پیشین، ص ۱۲۱ تا ۱۲۳.

ورشکسته‌ها را دارد.

تبصره ماده ۲۵۱ در مورد ورشکستگی هر چند نفری است که پرداخت دین واحدی را به نحو تضامن تعهد نمودند که در این صورت قاعده مندرج در ماده ۲۵۱ در مورد آنان لازم الرعایه می‌باشد.

مبحث هفتم
در پرداخت

ماده ۲۵۲ـ پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می‌آید.

ماده ۲۵۳ـ اگر دارنده برات به برات دهنده یا کسی که برات را به او منتقل کرده است پولی غیر از آن نوع که در برات تعیین شده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا امتناع از قبول و یا عدم تأدیه اعتراض شود، دارنده برات می‌تواند از دهنده برات یا انتقال دهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در برات معین شده مطالبه کند ولی از سایر مسئولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست.

ماده ۲۵۴ـ برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخت شود.

ماده ۲۵۵ـ روز رؤیت در برواتی که به وعده از رؤیت است و روز صدور برات در برواتی که به وعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد.

ماده ۲۵۶ـ شخصی که وجه برات را قبل از موعد تأدیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارند مسئول است.

ماده ۲۵۷ـ اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهرنویس‌های ما قبل خود و برات دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده‌اند حق رجوع نخواهد داشت.

ماده ۲۵۸ـ شخصی که در سر وعده وجه برات را می‌پردازد بری‌الذّمه محسوب می‌شود مگر آن که وجه برات قانوناً در نزد او توقیف شده باشد.

ماده ۲۵۹ـ پرداخت وجه برات ممکن است به موجب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع‌الخ، به عمل آید در صورتی که در روی آن نسخه قید شده باشد که پس از پرداخت وجه به موجب این نسخه، نسخ دیگر از اعتبار ساقط است.

ماده ۲۶۰ـ شخصی که وجه برات را برحسب نسخه‌ای بپردازد که در روی آن قبولی نوشته نشده در مقابل شخصی که نسخه قبول شده را دارد مسئول پرداخت وجه آن است.

توضیح:

دارنده برات حق وصول مبلغ سند را از هر امضاء کننده‌ای بدون رعایت ترتیب امضاء به شرح زیر دارد:

- در سررسید سند و یا بعد از آن با خسارات تأخیر تأدیه و سایر هزینه‌های دادرسی.
- قبل از سررسید که ممکن است در نکول محال علیه براساس ماده ۲۳۷ (ق.ت) به اضافه هزینه‌های واخواست و غیره صورت پذیرد.

به نظر می‌رسد که دادگاه می‌تواند مسئولین پرداخت سند را نسبت به ضرر و زیان وارده به دارنده و تفویت منفعت (عدم النفع) به دلیل تأخیر در پرداخت محکوم نماید. امضاء کننده‌ای که مبلغ سند را پرداخت کند می‌تواند از امضاءکنندگان دیگر سند مبلغ پرداخت و بهره متعلقه و هزینه‌های دادرسی را مطالبه نماید (مستفاد از مواد ۶۹ تا ۷۱ کنوانسیون آنسیترال).

ماده ۲۶۱ـ در صورت گم شدن براتی که هنوز قبول نشده است صاحب آن نمی‌تواند وصول وجه آن را برحسب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ تقاضا کند.

ماده ۲۶۲ـ اگر نسخهٔ مفقود نسخه‌ای باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه‌های دیگر فقط به موجب امر محکمه پس از دادن ضامن به عمل می‌آید.

ماده ۲۶۳ـ اگر شخصی که برات را گم کرده اعم از این که قبولی نوشته شده یا نشده باشد می‌تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید پس از اثبات این که برات متعلق به او است می‌تواند با دادن ضامن تأدیه وجه آن را به موجب امر محکمه مطالبه کند.

ماده ۲۶۴ـ اگر با وجود تقاضایی که در مورد مواد ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ به عمل آمده است از تأدیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقود می‌تواند تمام حقوق خود را به موجب اعتراض نامه محفوظ بدارد.

ماده ۲۶۵ـ اعتراض نامه مذکور در ماده فوق باید در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در مواعد و ترتیبی که در این قانون برای ابلاغ اعتراض نامه معین شده است به برات دهنده و ظهرنویس‌ها ابلاغ گردد.

ماده ۲۶۶ـ صاحب برات مفقود برای تحصیل نسخه ثانی باید به ظهرنویسی که بلافاصله قبل او بوده است رجوع نماید.
ظهرنویس مزبور ملزم است به صاحب برات اختیار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود داده و راهنمایی کند و همچنین هر ظهرنویسی باید اختیار رجوع به ظهرنویس ماقبل خود بدهد تا به برات دهنده

برسد. مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود شده خواهد بود.

ظهرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار مسئول تأدیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است.

ماده ۲۶۷ـ در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد ۲۶۲ و ۲۶۳) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمان سه سال است و هرگاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود.

ماده ۲۶۸ـ اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود بـه همـان انـدازه بـرات دهنده و ظهرنویس‌ها بری می‌شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیـه می‌تواند اعتراض کند.

توضیح:

با مداقه در مواد ۲۶۱و ۲۶۲ و ۲۶۳ (ق.ت) چنین نتیجه می‌شود که:

- اگر دارنده برات که در آن قبولی نوشته شده یا نشده باشد نتواند با مراجعه به برات‌کش نسخه ثانی یا ثالث الخ را دریافت کند حق دارد که با طرح دعـوی در دادگاه نسخه ثانی یا ثالث یا الخ را تحصیل نماید.
- اگر دارنده برات نسخه ثانی برات گم شده را با مراجعه به برات دهنـده و بـا رضایت وی دریافت کند در این صورت به دو طریق زیر عمل می‌شود:

۱. اگر نسخه مفقود شده نسخه‌ای باشد که در آن قبولی نوشته شـده، دارنـده می‌تواند با تقدیم دادخواست به دادگـاه و دادن ضـامن تقاضـای پرداخـت وجه برات را از روی نسخه جدید بنماید.

۲. اگر نسخه مفقود نسخه‌ای باشد که در آن قبولی نوشته نشده اسـت در ایـن صورت دارنده برات پس از اثبات اینکه بـرات متعلـق بـه اوسـت بـا دادن ضامن می‌تواند مبلغ برات را مطالبه نماید.

ماده ۲۶۹ـ محاکم نمی‌توانند بدون رضایت صاحب برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهند.

توضیح:

اصل غیر قابل تمدید بودن برات به منظور حمایت از حقوق دارنده در ماده ۲۶۹ (ق.ت) پیش‌بینی شده است تا واحدهای تولیدی، صنعتی یا خدماتی که نیازهای خود را به طور نسیه با صدور برات تهیه می‌نمایند در سررسید برات مبلغ آن را پرداخت کنند. در حالی که چنین الزامی در حقوق مدنی وجود ندارد زیرا ماده ۲۷۷ (ق.م) می‌گوید: «... حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادله یا قرار اقساط دهد.»

مبحث هشتم
تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث

ماده ۲۷۰ـ هر شخص ثالثی می‌تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویس‌ها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراض نامه یا در ذیل آن قید شود.

ماده ۲۷۱ـ شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق وظایف دارنده برات است.

ماده ۲۷۲ـ اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت تمام ظهرنویس‌ها بری‌الذمه می‌شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویس‌ها به عمل آید ظهرنویس‌های بعد از او بری‌الذمه‌اند.

ماده ۲۷۳ـ اگر دو شخص متفقاً هر یک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیشنهاد آن کسی پذیرفته است که تأدیه وجه از طرف او عده زیادتری از مسئولین را بری‌الذمه می‌کند، اگر خود محال علیه پس از اعتراض برای تأدیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

مبحث نهم
حقوق و وظایف دارنده برات

ماده ۲۷۴ـ نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رویت یا به وعده از رؤیت تأدیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارج، دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید والاحق رجوع به ظهرنویس‌ها و همچنین به برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده ۲۷۵ـ اگر در برات اعم از این که در ایران صادر شده باشد یا در خارجه برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید والا حق رجوع به ظهرنویس‌ها و برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده ۲۷۶ـ اگر ظهرنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارندهٔ برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید والا در مقابل آن ظهرنویس نمی‌تواند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند.

ماده۲۷۷ـ هرگاه دارندهٔ برات به رؤیت یا به وعده که در یکی از شهرهای ایران صادر و باید در ممالک خارجه تأدیه شود در مواعد مقرر در مواد فوق قبولی نوشتن یا پرداخت وجه را مطالبه نکرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق او ساقط خواهد شد.

ماده ۲۷۸ـ مقررات فوق مانع نخواهد بود که بین دارندهٔ برات و برات دهنده و ظهرنویس‌ها قرارداد دیگری مقرر گردد.

ماده ۲۷۹ـ دارندهٔ برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

توضیح:

ـ در ظهرنویسی می‌توان برای تقاضای قبولی مدتی معین تعیین نمود. در این صورت دارنده مکلف است در مدت مزبور برای اخذ قبولی به برات‌گیر مراجعه نماید.

ـ در برات به رویت یا به وعده از رویت که در یکی از شهرهای ایران صادر شده باشد، دارنده مکلف است اخذ قبولی یا مطالبه وجه را از برات‌گیر خواستار شود ولی در غیر این صورت حق او ساقط می‌گردد. برابر ماده ۴۹ کنوانسیون برات و سفته بین‌المللی ارائه برات برای قبولی الزام‌آور نیست مگر در سه مورد:

- برات‌کش در برات لزوم اخذ قبولی را قید نماید.
- پرداخت برات به وعده از رویت باشد.
- برات در غیر از محل اقامت یا محل اشتغال برات‌گیر قابل پرداخت باشد.

ماده ۲۸۰ـ امتناع از تأدیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده بوسیله نوشته‌ای که اعتراض عدم تأدیه نامیده می‌شود معلوم گردد.

ماده ۲۸۱ـ اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض، روز بعد آن به عمل خواهد آمد.

توضیح:

مطالبه مبلغ برات در سررسید تعیین شده الزامی می‌باشد.
دیوان عالی کشور فرانسه در رأی ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۹ با استناد به ماده‌ی ۱۲۸ قانون تجارت فرانسه می‌گوید چنانچه محال علیه برات را قبولی نوشت مکلف است در سررسید وجه آن را پرداخت نماید. در صورتی که در سند تاریخ صدور قید نشده باشد، برات محسوب نمی‌شود.[1]

ابلاغ اعتراض نامه به محال علیه ظرف ۱۰ روز صورت می‌گیرد. طبق نظریه مشورتی (۱۳۴۹/۸/۲۰) اداره حقوقی دادگستری، اعتراض‌نامه یا واخواست (پروتست) در سه نسخه (مانند اظهارنامه) تنظیم می‌شود و طبق آیین دادرسی مدنی از طریق شعبه واخواست به مخاطب ابلاغ شده که یک نسخه به شخص اخیر، یک نسخه به ذی‌نفع داده می‌شود و نسخه سوم در شعبه بایگانی می‌گردد.

ماده ۲۸۲ـ نه فوت محال علیه، نه ورشکستگی او، نه اعتراض نکول، دارنده برات را از اعتراض عدم تأدیه مستغنی نخواهد کرد.

ماده ۲۸۳ـ در صورتی که قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود حق اعتراض برای دارنده برات باقی است.

توضیح:

در ماده ۲۸۲ قانون‌گذار برای حمایت از دارنده برات، تأکید بر اعتراض عدم تأدیه نموده تا بتواند از امتیازات واخواست که عبارت است از تعقیب امضاءکنندگان به نحو تضامن ماده ۲۴۹ (ق.ت) و تقاضای صدور قرار تأمین

1. PARIS, 12 sept.1989, Recueil Dalloz,1989,33-CAHIER-information rapide, P.253.

خواسته مبنی بر توقیف اموال امضاکنندگان بدون تودیع خسارت احتمالی می‌باشد ماده ۲۹۲ (ق.ت) استفاده کند.

ماده ۲۸۴ـ دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است باید در ظرف ۱۰ روز از تاریخ اعتراض، عدم تأدیه را به وسیله اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه به کسی که برات را به او واگذار نموده اطلاع دهد.

ماده ۲۸۵ـ هر یک از ظهرنویس‌ها نیز باید در ظرف ۱۰ روز از تاریخ دریافت اطلاع‌نامه فوق، آن را به همان وسیله به ظهرنویس سابق خود اطلاع دهد.

ماده ۲۸۶ـ (اصلاحی ۵۸/۱۰/۲۶) **اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده ۲۴۹ برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف یکسال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید.**

تبصره ـ هرگاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخته شود برای هر شش فرسخ یک روز اضافه خواهد شد.

ماده ۲۸۷ـ (اصلاحی ۵۸/۱۰/۲۶) **در مورد برواتی که باید در خارج تأدیه شود اقامه دعوی بر علیه برات دهنده و یا ظهرنویس‌های مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید به عمل آید.**

ماده ۲۸۸ـ اگر هریک از ظهرنویس‌ها بخواهد از حقی که در ماده ۲۴۹ به او داده شده است استفاده نماید باید در مواعدی که به موجب مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ مقرر است اقامه دعوی کند ونسبت به او موعد از فردای

مبحث دهم
در اعتراض (پروتست)

ماده ۲۹۳ـ اعتراض در موارد ذیل به عمل می‌آید:

۱. در مورد نکول.

۲. در مورد امتناع از قبول یا نکول.

۳. در مورد عدم تأدیه.

اعتراض نامه باید در یک نسخه تنظیم و به موجب امر محکمه بدایت به توسط مأمور اجراء به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود:

۱. محال علیه.

۲. اشخاصی که در برات برای تأدیه وجه عندالاقتضاء معین شده‌اند.

۳. شخص ثالثی که برات را قبول کرده است.

اگر در محلی که اعتراض به عمل می‌آید محکمه بدایت نباشد وظایف او با رعایت ترتیب به عهده امین صلح یا رئیس ثبت اسناد یا حاکم محل خواهد بود.

ماده ۲۹۴ـ اعتراض نامه باید مراتب ذیل را دارا باشد:

۱. سواد کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرنویسی و غیره.

۲. امر به تأدیه وجه برات.

مأمور اجراء باید حضور یا غیاب شخصی که باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از تأدیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضاء را در ذیل اعتراض‌نامه قید و امضاء کند.

ماده ۲۹۵ـ هیچ نوشته‌ای نمی‌تواند از طرف دارنده برات جای‌گیر اعتراض نامه شود مگر در موارد مندرجه در مواد ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ راجع به مفقود شدن برات.

ماده ۲۹۶ـ مأمور اجراء باید سواد صحیح اعتراض نامه را به محل اقامت اشخاص مذکور در ماده ۲۹۳ بدهد.

ماده ۲۹۷ـ دفتر محکمه یا دفتر مقاماتی که وظیفه محکمه را انجام می‌دهند باید مفاد اعتراض نامه را روزبروز به ترتیب تاریخ و نمره در دفتر مخصوصی که صفحات آن به توسط رئیس محکمه یا قائم مقام او نمره و امضاء شده است ثبت نمایند. در صورتی که محل اقامت برات دهنده یا ظهرنویس اولی در روی برات قید شده باشد دفتر محکمه باید آنها را توسط کاغذ سفارشی از علل امتناع از تأدیه مستحضر سازد.

توضیح:

این سوال مطرح شده که آیا واخواست سفته باید طبق ماده ۲۹۴ (ق.ت) تنظیم گردد و یا طبق مقررات آیین دادرسی مدنی ابلاغ شود. پاسخ و نظر مشورتی اداره حقوقی دادگستری چنین اعلام شده است:

«اوراق واخواست، طبق مقررات آیین دادرسی مدنی ابلاغ می‌گردد نه مطابق ماده ۲۹۴ قانون تجارت»[1]

مبحث یازدهم
برات رجوعی

ماده ۲۹۸ـ برات رجوعی براتی است که دارنده برات اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراض‌نامه و تفاوت نرخ به عهده برات دهنده یا یکی از ظهرنویس‌ها صادر می‌کند.

ماده ۲۹۹ـ اگر برات رجوعی به عهده برات دهنده اصلی صادر شود تفاوت بین نرخ مکان تأدیه برات اصلی و نرخ مکان صدور آن به عهده او

۱. مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی دادگستری در زمینه مسایل مدنی ص ۲۴ و ۲۵.

خواهد بود و اگر برات رجوعی به عهده یکی از ظهرنویس‌ها صادر شود مشارالیه باید از عهده تفاوت نرخ مکانی که برات اصلی را در آن‌جا معامله یا تسلیم کرده است و نرخ مکانی که برات رجوعی در آنجا صادر شده است برآید.

ماده ۳۰۰ـ به برات رجوعی باید صورت حسابی (حساب بازگشت) ضمیمه شود، در صورت حساب مزبور مراتب ذیل قید می‌گردد:

۱. اسم شخصی که برات رجوعی به عهده او صادر شده است.
۲. مبلغ اصلی برات اعتراض شده.
۳. مخارج اعتراض نامه و سایر مخارج معموله از قبیل حق‌العمل صراف و دلال و وجه تمبر و مخارج پست و غیره.
۴. مبلغ تفاوت نرخ‌های مذکور در ماده ۲۹۹.

ماده ۳۰۱ـ صورت حساب مذکور در ماده قبل باید توسط دو نفر تاجر تصدیق شود به علاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقی از اعتراض‌نامه به صورت حساب مزبور ضمیمه گردد.

ماده ۳۰۲ـ هرگاه برات رجوعی به عهده یکی از ظهرنویس‌ها صادر شود علاوه بر مراتب مذکور در مواد ۳۰۰ و ۳۰۱ باید تصدیق‌نامه که تفاوت بین نرخ و مکان تأدیه برات اصلی و مکان صدور آن را معین نماید ضمیمه شود.

ماده ۳۰۳ـ نسبت به یک برات صورت حساب بازگشت متعدد نمی‌توان ترتیب داد و اگر برات رجوعی به عهدهٔ یکی از ظهرنویس‌ها صادر شده باشد حساب بازگشت متوالیاً به توسط ظهرنویس‌ها پرداخته می‌شود تا به برات دهنده اولی برسد.
تحمیلات برات‌های رجوعی را نمی‌توان تماماً بر یک نفر وارد ساخت

هر یک از ظهرنویس‌ها و برات دهنده اولی فقط عهده‌دار یک خرج است.

ماده ۳۰۴ـ خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات که به واسطه عدم تأدیه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تأخیر تأدیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوی محسوب می‌شود.

توضیح:

دارنده برات هنگامی مبادرت به صدور برات رجوعی می‌نماید که قبل از سررسید برات به برات‌گیر جهت اخذ قبولی مراجعه نماید و برات‌گیر عدم قبولی خود را پس از واخواست اعلام نماید در چنین صورتی قانون‌گذار به موجب ماده ۲۳۷ (ق.ت) برای تقویت حقوق دارنده برات (طلبکار) به او حق داده که بلافاصله به برات‌کش مراجعه نموده و از او بخواهد که طبق برات جدیدی مبلغ برات را به انضمام کلیه هزینه‌های مربوط فوراً در وجه او بپردازد و برات اخیر که جایگزین برات قدیم می‌شود، **برات رجوعی** نام دارد در برات رجوعی برات‌گیر (براتکش قدیم) و صادر کننده (دارنده برات سابق) و دارنده ممکن است شخص ثالث یا خود صادر کننده باشد.

مبحث دوازدهم
قوانین خارجی

ماده ۳۰۵ـ در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است.

هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهرنویس، ضمانت، قبولی و غیره) نیز که در خارج بوجود آمده تابع قوانین

مملکتی است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است معذالک اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد، کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند حق استناد به این برات را ندارند که شرایط اساسی برات با تعهدات براتی مقدم بر تعهدات مطابق با قوانین خارجی نیست.

ماده ۳۰۶ـ اعتراض و بطورکلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن در خارج باید به عمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا بشود.

توضیح:

ماده ۳۰۵ (ق.ت) از ماده ۳ پیوست دوم کنوانسیون ژنو ۷ ژوئن ۱۹۳۰ راجع به حل برخی از موارد تعارض قوانین برات اقتباس شده است. در قسمت اول ماده مزبور منظور از شرایط اساسی همان شرایط شکلی است که تابع قوانین کشور محل صدور می‌باشد (Locus Regit Actum) [1].

در قسمت دوم ماده ۳۰۵ فوق تعهدات براتی نیز مانند ظهرنویسی، ضمانت، قبولی و غیره تابع کشور انعقاد قرارداد می‌باشد (Locus contractus) قسمت آخر ماده ۳۰۵ استثنای به اصل حاکمیت قانون محل صدور سند وارد کرده است و آن در صورتی است که اگر سند برخلاف مقررات شکلی محل تنظیم صادر شده باشد ولی تعهدات بعدی انجام شده در ایران (مانند ظهرنویسی، ضمانت و غیره) مطابق با قانون ایران باشد تعهدات صورت گرفته در ایران معتبر خواهد بود. ماده ۳۰۶ در مورد مقررات حاکم به واخواست یا سایر حقوق ناشی از برات می‌باشد و تابع قوانین مملکتی خواهد بود که اقدام در آنجا انجام شده است.

1. Règle qui indique que la forme des actes est soumise á la loi du lieu òu ils sont passés.

فصل دوم

در فَتِه طلب (سَفتِه)

ماده ۳۰۷ـ فته طلب سندی است که به موجب آن امضا کننده تعهد می‌کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید.

ماده ۳۰۸ـ فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد:

۱. مبلغی که باید تأدیه شود با تمام حروف.

۲. گیرنده وجه.

۳. تاریخ پرداخت.

ماده ۳۰۹ـ تمام مقررات راجع به بروات تجارتی (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته طلب نیز لازم‌الرعایه است.

توضیح:

سفته مانند برات سند اعتباری است که در کنوانسیون ژنو ۷ ژوئن ۱۹۳۰ از ماده ۷۵ تا ۸۷ پیش‌بینی شده است همچنین کنوانسیون برات و سفته بین‌المللی دسامبر ۱۹۸۸ (UNCITRAL) با شیوه نوین مواد برات و سفته را با هم به طور مقایسه‌ای پیش‌بینی نموده است که این طرز نگارش به حقوق‌دان یا دادگاه امکان فهم صحیح از مواد را فراهم می‌سازد.

ماده ۳۰۷ در تعریف خود سفته را در وجه حامل پیش‌بینی کرده ولی در کنوانسیون ژنو و کنوانسیون جدید سفته را مانند برات فقط در وجه شخص معین مورد پذیرش قرار داده است.

ماده ۳۰۸ شرایط شکلی سفته را بیان کرده لازم است با توجه به ماده ۷۵ قانون متحدالشکل ژنو یا ماده ۱۸۳ قانون تجارت فرانسه اصلاح گردد. ماده

۳۰۹ نیز به طور ناقص نگارش یافته، برای مطالعه بیشتر به منبع زیر مراجعه فرمائید.[۱]

گرچه ماده ۳۰۹ (ق.ت) ناظر به مقررات راجع به بروات تجارتی از مبحث چهارم تا آخر فصل اول (ماده ۳۰۶) باب برات می‌باشد ولی تذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

- صدور سفته از طرف غیر تاجر ذاتاً عمل تجارتی محسوب نمی‌شود (رأی اصراری شماره ۲۷۸۳ـ۱۳۳۹/۹/۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور)[۲] زیرا، نص قانون در این مورد وجود ندارد.(برخلاف برات ماده ۲ بند ۸ و چک ماده ۳۱۴ ق.ت)
- دعوی مطروحه علیه ضامن سفته پس از انقضاء مدت یکسال مقرر در ماده ۲۸۶ و دو سال مندرج در ماده ۲۸۷ (ق.ت) قابل استماع در دادگاه می‌باشد (رأی وحدت رویه ۵۹۷ـ۱۳۷۴/۴/۱۲.[۳])

به نظر می‌رسد رأی مزبور برخلاف اصل پذیرفته شده در ماده ۲۹۴(ق.ت) صادر شده زیرا قلمرو مسئولیت ظهر نویس محدودتر از ضامن می‌باشد و کلمه ظهر نویس مندرج در مواد ۲۸۶ و ۲۸۹ (ق.ت) به اطلاق برگزار شده که شامل ظهرنویس و ضامن می‌باشد.

- امضای بدون قید هر گونه نوشته در پشت سفته (verso)غیر از امضاء متعهد طبق بند ۴ ماده ۴۶ کنواسینون ۱۹۸۸ برات، سفته بین المللی، به منظور تقویت حقوق دارنده، ظهرنویسی محسوب می‌شود و امضای مزبور در روی سند (Recto) ضمانت محسوب می‌گردد.(بند ۳ ماده ۱۴).

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد سوم، پیشین، ص ۶۵ تا ۹۴.
۲. مجموعه رویه قضایی آراء هیات عمومی دیوان عالی کشور- جلد دوم آراء مدنی، چاپ دوم، سال ۱۳۵۳، ص ۱۵ به بعد (آرشیو حقوقی کیهان).
۳. روزنامه رسمی شماره ۱۴۶۶۸- ۱۳۷۴/۴/۲۵- دکتر عرفانی محمود، حقوق تجارت جلد سوم، پیشین، ۱۳۸۵، ص ۸۶ تا ۸۸.

فصل سوم

چک

ماده۳۱۰ـ چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادر کننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید.

توضیح:

چک واژه فارسی است که در اشعار فردوسی شاعر و حماسه سرای بزرگ ایرانی در قرن پنجم هجری قمری آمده است[1] و کشورهای غربی مانند انگلستان از آن استفاده نموده‌اند و در سال ۱۷۸۸ میلادی از زبان انگلیسی (Check) وارد فرهنگ فرانسه (Chèque) شده است و معرب آن «صک» می‌باشد.

ماده ۳۱۰(ق.ت) چک را به طور ناقص تعریف نموده است زیرا قید کلمات «در نزد محال علیه» به اطلاق برگزار شده و اعم از بانک، شخص حقیقی یا حقوقی می‌باشد. به نظر می‌رسد ماده مذکور به شرح زیر اصلاح گردد:

«چک سندی است که برروی بانک یا مؤسسه مشابه آن کشیده می‌شود تا دارنده بتواند وجه آن را کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار نماید».

ماده ۳۱۱ـ در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد، پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد.

ماده۳۱۲ـ چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد، ممکن است به صرف امضاء در ظهر چک به دیگری منتقل شود.

---

۱. زهیتال تا پیش رود ترک — به بهرام بخشید و بنوشت چک
به قیصر سپارم همه یک به یک — از این پس نوشته فرستیم و چک

ماده۳۱۳ـ وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود.

توضیح:

به موجب ماده ۳۱۱ چک نباید وعده داشته باشد در این مورد شعبه ۸ دیوانعالی کشور در رأی شماره ۱۶۸۶ـ ۱۳۲۵/۱۰/۳۱ چنین اظهار نظر کرده است: «...... پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد و چکی که در تاریخ مقدم به تاریخ مؤخر صادر شود به منزله وعده دار است و "عنوان چک" که موجب مسئولیت تضامنی صادر کننده و ظهر نویس است و چنین اوراقی صادق نخواهد بود».

ماده ۱۳ (ق.ص.چ)[1] صادر کننده چک وعده‌دار قابل تعقیب کیفری نیست. به نظر می‌رسد باتوجه به فلسفه وجودی چک و نقش اقتصادی آن، چک وعده‌دار در صورت اثبات اصلاً چک شناخته نشده و از شمول مقررات قانون تجارت خارج می‌باشد ولی دارنده می‌تواند مانند سند عادی نسبت به وصول مبلغ اقدام نماید.

در این زمینه به آراء شماره ۹۸۷ـ۱۳۳۲/۳/۲۴ (شعبه ۸) و ۱۷۰۲ـ۱۳۳۲/۵/۱ (شعبه ۲) دیوان عالی کشور مراجعه فرمایند.[2]ضمناً ماده ۳۱۲ (ق.ت) در تأیید مراتب فوق می‌گوید: «وجه چک باید به محض ارائه تأدیه شود».

ماده۳۱۴ـ صدور چک ولو این که از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجارتی محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادر کننده و ظهرنویسها و اعتراض و اقامه دعوی ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود.

ماده۳۱۵ـ اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد، دارنده چک باید در ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه

---

۱. قانون اصلاح صدور چک مصوب ۱۳۸۲/۶/۲

۲. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد سوم، پیشین، ص ۱۲۴ تا ۱۲۶.

کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف ۴۵ روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود.

اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکور در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او بر علیه ظهر نویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود دعوی دارنده چک بر علیه صادر کننده نیز در محکمه مسموع نیست.

ماده۳۱۶ـ کسی که وجه چک را دریافت می‌کند باید ظهر آن را امضاء یا مهر نماید اگرچه چک در وجه حامل باشد.

ماده۳۱۷ـ مقررات راجعه به چک‌هایی که در ایران صادر شده است در مورد چک‌هایی که از خارج صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد، لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می‌تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است.

توضیح:

صدور چک به موجب ماده ۳۱۴ از طرف غیر تاجرذاتاً عمل تجارتی محسوب نمی‌شود مگر آن که از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر شده باشد.

ماده۳۱۵ استثنایی به قاعده مسئولیت ظهر نویس وارد کرده به این معنا که اگر دارنده چک ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور آن وجه چک را مطالبه نکند(به بانک محال علیه مراجعه ننماید) دعوای او علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود. این مدت برای صدور چک از یک نقطه به نقطه دیگر در ایران ۴۵ روز و صدور چک در خارج که وجه آن باید در ایران تأدیه شود ۴ ماه مقرر گردیده است (ماده۳۱۶و۳۱۷).

فصل چهارم
در مرور زمان

ماده۳۱۸ـ دعاوی راجعه به برات و فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض‌نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار بدین واقع شده باشد که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اِقرار محسوب است.

در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضاء مهلت اعتراض شروع می‌شود.

تبصره ـ مفاد این ماده در مورد بروات و چک و فته طلب‌هایی که قبل از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو (بهمن ماه)۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ صادر شده است قابل اجراء نبوده و این اسناد از حیث مرور زمان تابع مقررات مربوطهٔ مرور زمان راجع به اموال منقوله است.

ماده۳۱۹ـ اگر وجه برات یا فته طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد دارندهٔ برات یا فته طلب یا چک می‌تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید.

تبصره ـ حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یا فته طلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد.

توضیح:

به موجب رأی اصراری شماره ۲۷۸۳ـ۱۳۳۹/۹/۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، صدور چک ذاتاً عمل تجارتی محسوب نمی‌شود مگر آن که از طرف

تجار یا برای امور تجارتی استفاده شده باشد.

باتوجه به این که مرور زمان مندرج در ماده۳۱۸ قاعده خاص می‌باشد به قوت خود باقی است.

در ماده ۳۱۹ استفاده بلاجهت[1] صادر کننده از وجه چک پیش‌بینی شده است. به موجب آرای شماره ۳۸۰۱ـ۱۳۳۹/۱۱/۷ دیوان عالی کشور با توجه به این که اصل بر اشتغال ذمه صادر کننده در قبال صادرکنندهٔ آن می‌باشد و وجود چک در دست فرجام‌خواه ظهور در استفاده بلاجهت صادر کننده از وجه چک دارد.

قانون صدور چك مصوّب ۱۳۵۵/۴/۱۶

با اصلاحات بعدی ۱۳۷۲/۸/۱۱ـ۱۳۷۶/۳/۱۰ـ۱۳۸۲/۶/۲

ماده ۱ـ (الحاقی ۱۳۷۲/۸/۱۱) **انواع چک عبارت است از:**

۱. چک‌های عادی، چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادر کننده آن ندارد.

۲. چک تأیید شده، چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تأیید می‌شود.

۳. چک تضمین شده، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می‌شود.

۴. چک مسافرتی، چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هریک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد.

---

[1] دارا شدن بلاجهت

1. Enrichessement sans cause.

توضیح:

در قانون صدور چک ۱۳۵۵ و اصلاحات بعدی تعریفی از چک به عمل نیامده است ولی با توجه به حقوق فرانسه می‌توان گفت: (چک سندی است که برروی بانک یا موسسه مشابه آن صادر می‌شود تا دارنده بتواند وجه آنرا از محال علیه وصول نماید). اما انواع چک که در ماده مذکور آمده با توجه به حقوق کشورهای اتحادیه اروپا و امریکا ناقص می‌باشد زیرا علاوه بر چهار مورد فوق انواع دیگر چک، مانند چک بسته ـ چک بانکی ـ چک پستی ـ چک صندوقی ـ حواله‌های بانکی ـ چک صورت حسابی ـ چک رسیده ـ چک نقل به حساب (تهاتر) پیش‌بینی شده است که هر کدام در بازرگانی و رفع نیاز مشتریان بانک نقش ویژه‌ای ایفا می‌نمایند.[۱]

در مورد چک تأیید شده (Chèque Certifié-Certified Check) می‌توان گفت که به علت فقدان آموزش مشتریان و کارکنان بانک این نوع چک تاکنون پس از گذشت ۱۴ سال هنوز کاربردی ندارد.

ماده۲ـ چک‌های صادر عهده بانک‌هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می‌شوند، هم چنین شعب آن‌ها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم الاجراء است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد، می‌تواند طبق آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقی‌مانده آن را از صادر کننده وصول نماید. برای صدور اجرائیه دارنده چک باید عین چک و گواهی‌نامه مذکور در ماده ۳ و یا گواهی‌نامه مندرج در ماده۴ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضای

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب حقوق تجارت جلد سوم، پیشین، اثر نویسنده صفحات ۱۰۱ تا ۱۱۰ مراجعه نمایند.

چک با نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک، گواهی شده باشد.

دارنده چک، اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت نویسی شده یا حامل چک (در مورد چک‌های در وجه حامل) یا قائم مقام قانونی آنان.

تبصره (الحاقی ۱۳۷۶/۳/۱۰ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام)ـ دارنده چک می‌تواند محکومیت صادر کننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید، در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم در خواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادر کننده حکم تقدیم نماید.

توضیح:

در ماده فوق چک در حکم سند لازم الاجرا پیش‌بینی شده است که دارنده آن پس از اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت از بانک محال علیه به دایره اجرای ثبت حوزه مربوط مراجعه کرده و تقاضای صدور اجرائیه می‌نماید که دایره مزبور پس از ابلاغ به صادرکننده مبادرت به عملیات اجرائی برای وصول و ایصال مبلغ چک می‌نماید.

تذکر این نکته ضروری است که چک سند رسمی نمی‌باشد بلکه قانون‌گذار قدرت اجرایی اسناد رسمی را در این مورد به آن تسری داده است. ضمناً صدور اجرائیه تنها علیه صادر کننده امکان پذیر می‌باشد و پیشنهاد می‌شود که برای حمایت بیشتر از دارنده چک، صدور اجرائیه علیه ضامن و ظهرنویس نیز پیش‌بینی گردد.

براساس قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح مواد از قانون صدور چک مصوب ۱۰ خرداد ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام و

نظریه مجمع در خصوص محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم، خسارت تأخیر تأدیه در مورد چک از تاریخ آن تا زمان وصول در نظر گرفته شده است و مبنای محاسبه شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در تاریخ تأدیه چک، تقسیم بر شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در تاریخ صدور چک، ضربدر مبلغ چک می‌باشد.

ماده ۳ـ (اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲) صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضاء یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید.

هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد.

ماده ۳ مکرر ـ (الحاقی ۱۳۸۲/۶/۲) چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.

ماده۴ـ هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده ۳ پرداخت نگردد، بانک مکلف است در برگ مخصوصی که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر نموده و به دارنده چک تسلیم نماید.

در برگ مزبور باید مطابقت امضاء صادرکننده با نمونه امضاء موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری) و یا عدم مطابقت آن از طرف بانک تصدیق شود.

بانک مکلف است، به منظور اطلاع صادر کننده چک فوراً نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد.

در برگ مزبور باید نام و نام‌خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد.

ماده ۵ـ در صورتی که موجودی حساب صادر کننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجود در حساب را به دارنده‌ی چک بپردازد و دارنده چک، با قید مبلغ دریافت شده در پشت چک و تسلیم آن به بانک، گواهی‌نامه مشتمل بر مشخصات چک و مبلغی که پرداخت شده از بانک دریافت می‌نماید. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بی‌محل محسوب و گواهی‌نامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود.

در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید.

ماده ۶ـ بانک‌ها مکلفند در روی هر برگ چک، نام و نام خانوادگی صاحب حساب را قید نمایند.

توضیح:

چک به محض تسلیم به بانک قابل پرداخت می‌باشد هرگونه شرطی برخلاف این امر فاقد اعتبار می‌باشد. بانک محال علیه برای پرداخت وجه چک اصل آن را با اخذ رسید از دارنده (ظهرنویس برای وصول) مطالبه می‌نماید.

قانون‌گذار برای تقویت حقوق دارنده چک، چنانچه به علل مذکور در ماده فوق چک قابل پرداخت نباشد بانک مکلف است گواهی عدم پرداخت تنظیم و به دارنده چک تسلیم نماید. در برگ مزبور باید مطابقت امضاء دارنده با نمونه

امضاء موجود در بانک (در حدود عرف بانک‌داری) و یا عدم مطابقت آن را تصدیق نماید.

در ماده ۵ تأکید شده که اگر موجودی حساب صادر کننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ مندرج در آن باشد دارنده می‌تواند آن را مطالبه کرده و برای بقیه مبلغ گواهی‌نامه عدم پرداخت اخذ نماید ولی در عمل برخی از بانک‌ها چنین تقاضایی را قبول نمی‌کنند.

ماده۷ـ (اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲) هرکس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد:

الف) چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد.

ب) چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد از شش ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

ج) چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادر کننده چک اقدام به اصدار چک‌های بلامحل نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در متون چک‌ها ملاک عمل خواهد بود.

تبصره ـ (الحاقی ۱۳۸۲/۶/۲) این مجازات‌ها شامل مواردی که ثابت شود چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره ربوی صادر شده، نمی‌باشد.

توضیح:

تعقیب جزایی (کیفری) فقط علیه صادر کننده چک امکان‌پذیر می‌باشد، هر

چند که شخص اخیر صاحب حساب نباشد. رکن مادی جرم عبارت است از: وجوه حساب بانکی، عمل صادر کردن چک (اصالتاً یا به نمایندگی)، پرداخت نکردن از طرف بانک محال علیه (در ایران یا در خارج).

رکن سوء نیت نیاز به اثبات ندارد و از نظریه سوء نیت مطلق (strict liability یا théorie de risque) پیروی نموده است که برای حفظ منافع جامعه بخصوص از جهت بازرگانی می‌باشد.

رکن قانونی در ماده ۷ اصلاحی جدید که به موجب آن مجازات با توجه به مبلغ چک مدرج گردیده است. توضیح آن که در بند ج ماده ۷ علاوه بر حبس ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت ۲ سال نیز پیش‌بینی شده است.

ماده۸ ـ (اصلاحی ۱۳۷۲/۸/۱۱) چک‌هایی که در ایران عهده بانک‌های واقع در خارج کشور صادر شده و منتهی به گواهی عدم پرداخت شده باشند از لحاظ کیفری مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

ماده۹ـ در صورتی که صادر کننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک را نقداً به دارنده آن پرداخته یا با موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد، یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم نماید قابل تعقیب کیفری نیست.

در مورد اخیر بانک مذکور مکلف است تا میزان وجه چک حساب صادر کننده را مسدود نماید و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک وجه آن را بپردازد.

ماده۱۰ـ (اصلاحی ۱۳۷۲/۸/۱۱) هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید، عمل وی در حکم صدور چک بی‌محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیر قابل تعلیق است.

ماده۱۱ـ جرایم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت، شکایت ننماید دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.

منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است، برای تشخیص این که چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است، بانک‌ها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک، هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند.

کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت، مگر آنکه انتقال قهری باشد.

در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی‌محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید و در این صورت بانک اعلامیه مذکور در ماده۴و۵ را به نام صاحب چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری او محفوظ خواهد بود.

تبصره ـ هرگاه بعد از شکایت کیفری، شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو به دیگری واگذار نماید، تعقیب کیفری موقوف خواهد شد.

توضیح:

ماده ۹ جرم چک را حق الناس دانسته (رأی شماره ۵ ردیف $\frac{۶۴/۶۲}{۱۳۶۳/۲/۱۹}$ هیأت عمومی دیوان عالی کشور)[1] و شاکی خصوصی می‌تواند پس از طرح دعوی،

---

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۱۴۵۷ - ۱۳۶۳/۴/۹ - دکتر عرفانی (محمود) حقوق تجارت پیشین - ص ۴۵۶

در حین دادرسی و پس از محکومیت قطعی گذشت خود را به مرجع قضایی ذی‌ربط اعلام نماید و قرار موقوفی تعقیب صادر می‌گردد اما گذشت شاکی پس از قطعیت حکم اجرای آن را متوقف می‌نماید.

ماده ۱۰ برای مسدود کردن عمدی حساب، حداکثر مجازات مندرج در ماده۷ را مقرر داشته است.

به موجب ماده۱۱ در صورتی که چک پس از برگشت به دیگری انتقال داده شودمنتقل الیه حق تعقیب کیفری صادر کننده را نخواهد داشت اما می‌تواند علیه شخص اخیر اقامه دعوی حقوقی نموده یا اجرائیه صادر کند.

ماده۱۲ـ (اصلاحی۱۳۸۲/۶/۲) هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت نماید و یا اینکه متهم وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور (از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجراء ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد.

صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند.

هرگاه پس از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت کند و یا اینکه محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید، اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

تبصره ـ (الحاقی ۱۳۸۲/۶/۲) میزان خسارت و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام ـ خواهد بود.

توضیح:

در بند (۱) ماده ۱۲ ناظر به قبل از صدور حکم قطعی است که گذشت شاکی خصوصی یا پرداخت وجه از طرف متهم و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ارائه چک به بانک (به طور نقدی یا تودیع در صندوق دادگستری و یا اجرای ثبت موجبات صدور قرار موقوفی تعقیب) متهم را فراهم می‌سازد ولی مانع از آن نیست که مدعی خصوصی برای مطالبه سایر خسارات اقامه دعوی حقوقی کند.اما بند آخر ناظر به بعد از صدور حکم قطعی می‌باشد که در صورت گذشت شاکی یا ترتیب پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه (تبصره الحاقی به ماده ۲ مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰) و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم سازد اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم علیه ملزم به پرداخت مبلغی معادل $\frac{۱}{۳}$ جزای نقدی مقرر در حکم می‌باشد که به دستور دادستان به نفع دولت وصول می‌شود.

ماده۱۳ـ (اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲) در موارد زیر صادر کننده چک قابل تعقیب کیفری نیست:

الف) در صورتی که ثابت شود چک سفید امضا داده شده باشد.

ب) هرگاه در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

ج) چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

د) هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

ه) در صورتی که ثابت گردد چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد.

توضیح:

ماده ۱۳ اصلاحی با حذف مجازات‌های چک در موارد فوق قدم مؤثری برداشته ولی از چک سفید امضاءتعریفی به عمل نیامده است. می‌توان گفت که

اگر چک توسط صادر کننده فقط امضاء شده و در آن تاریخ و مبلغ قید نشده باشد سفید امضاء تلقی می‌شود. به طور کلی حذف مجازات چک نه تنها به اقتصاد کشور لطمه نمی‌زند بلکه با جایگزینی روش‌های نوین می‌توان از مشکلاتی که مجازات صدور چک در ایران ایجاد کرده جلوگیری نمود که معایب مجازات بیش از محاسن آن می‌باشد.

ماده۱۴ـ (اصلاحی ۱۳۷۲/۸/۱۱) صادر کننده چک یا ذی‌نفع یا قائم مقام قانونی آن‌ها تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری تحصیل گردیده می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد، بانک پس از احراز هویت دستور دهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید.

دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد، دستور دهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ـ (اصلاحی ۱۳۷۶/۱۰/۱۴) ذی نفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد (یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده).

در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می‌شود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستور دهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید.

تبصره ۲ـ (الحاقی ۱۳۷۲/۸/۱۱) دستور دهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضاء مدت مذکور بانک از محل موجودی به

تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت کند.

تبصره ۳ـ (الحاقی ۱۳۷۶/۱۰/۱۴) پرداخت چک‌های تضمین شده و مسافرتی را نمی‌توان متوف نمود مگر آنکه بانک صادر کننده نسبت به آن ادعای جعل نماید. در این مورد نیز حق دارنده چک راجع به شکایت به مراجع قضایی طبق مفاد قسمت اخیر ماده ۱۴ محفوظ خواهد بود.

ماده۱۵ـ دارنده چک می‌تواند وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه نماید.

ماده۱۶ـ رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی، فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.

ماده۱۷ـ وجود چک در دست صادر کننده، دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت است، مگر این که خلاف این امر ثابت گردد.

ماده ۱۸ـ (اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲) مرجع رسیدگی کننده جرایم مربوط به چک بلامحل، از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ـ حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول) اخذ می‌نماید.

ماده۱۹ـ در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادر کننده

چک و صاحب حساب، متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجرائیه و حکم ضرر و زیان براساس تضامن، علیه هر دو صادر می‌شود به علاوه امضاء کننده چک طبق مقررات این قانون مسئولیت کیفری خواهد داشت، مگر ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسئول خواهد بود.

توضیح:

مطابق ماده ۱۹ چنانچه مدیر شرکتی با داشتن امضای مجاز به نمایندگی از شرکت، چکی امضاء نماید از نظر تعقیب جزایی و مجازات مقرر در قانون شخصاً مسئول می‌باشد اما دارنده چک می‌تواند علیه امضاء کننده چک (مدیر مذکور) با شخص حقوقی (شرکت) اقامه دعوی حقوقی به نحو تضامن طرح نماید حال اگر شخص حقیقی به وکالت از طرف صاحب حساب از دسته چک وی امضاء و مصرف نماید در صورت برگشت چک به همان ترتیب امضاء کننده چک، مسئولیت کیفری داشته و از نظر حقوقی با دارنده حساب به نحو تضامن در مقابل دارنده مسئولیت مدنی خواهد داشت.

ماده۲۰ـ مسئولیت مدنی پشت نویسان چک طبق قوانین و مقررات مربوط کماکان به قوت خود باقی است.

ماده۲۱ـ (اصلاحی ۱۳۷۲/۸/۱۱) بانک‌ها مکلفند کلیه حساب‌های جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی‌محل صادر کرده و تعقیب آن‌ها منتهی به صدور کیفر خواست شده باشد بسته و تا سه سال به نام آن‌ها حساب جاری دیگری باز ننمایند.

مسئولین شعب هر بانکی که به تکلیف فوق عمل ننمایند، حسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به یکی از

مجازات‌های مقرر در ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیأت رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهند شد.

تبصره ۱ـ (الحاقی ۱۳۷۲/۸/۱۱) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بلامحل نموده‌اند، به صورت مرتب و منظم ضبط و نگهداری نماید و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانک‌های کشور قرار دهد.

تبصره ۲ـ (الحاقی ۱۳۷۲/۸/۱۱) ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و نحوه پاسخ به استعلامات بانک‌ها به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف مدت سه ماه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و به تصویب هیأت دولت می‌رسد.

توضیح:

ماده۲۲ در تبصره ۲ و آیین‌نامه افتتاح حساب جاری و نحوه پاسخ به استعلام بانک‌ها اشاره نموده که به شرح زیر می‌باشد:

آیین‌نامه تعیین ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و نحوهٔ پاسخ به استعلامات بانکی

ماده۱ـ بانک‌ها مکلفند هنگام افتتاح حساب برای اشخاص، مشخصات کامل شناسنامه و نام و نشانی کامل آنها را دریافت و در کارت‌های مربوط درج کنند.

ماده۲ـ بانک‌ها مکلفند، در صورت درخواست دارنده چک، گواهی عدم

پرداخت را براساس ماده ۴ قانون صدور چک با مشخصات کامل صادر کننده چک و سایر موارد مندرج در ماده یادشده، تنظیم و به دارنده چک تسلیم نماید.

تبصره ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است رویه موجود بانک‌ها در مورد واریز چک‌ها از طریق بانک را منطبق با این ماده اصلاح نماید.

ماده۳ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مکلف است با دریافت فهرست مشخصات اشخاصی که تعقیب آنها در رابطه با صدور چک بلامحل منتهی به صدور کیفر خواست شده است فهرست اسامی و مشخصات اشخاص مشمول ماده۲۱ اصلاحی قانون صدور چک را تهیه کرده و در پایان هر ماه طی بخشنامه‌ای به بانک‌های کشور ابلاغ نماید.

تبصره ـ وزارت دادگستری موظف است ترتیبی اتخاذ نماید، تا در اجرای این ماده، مراجع قضایی اطلاعات یاد شده را بلافاصله پس از صدور کیفر خواست به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارسال نمایند.

ماده۴ـ بانک‌ها مکلفند حساب جاری اشخاصی را که اسامی آنها در فهرست اشخاص مشمول ماده۲۱ اصلاحی قانون صدور چک درج است بسته و از افتتاح حساب جاری و دادن دسته چک در مدت قانونی به آنها خودداری نمایند.

ماده۵ـ در مواردی که اشخاص مشمول ماده۲۱ اصلاحی قانون صدور چک از ناحیه مراجع قضایی حکم برائت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب اخذ نمایند به ترتیبی که از شمول ماده ۲۱ قانون خارج شده باشند، مراتب از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای حذف نام آنان از فهرست موضوع ماده۳ این آیین‌نامه با بانک‌های کشور ابلاغ خواهد شد.

ماده ۲۲ـ (اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲) در صورتی که به متهم دسترسی حاصل نشود آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه اقامتگاه قانونی او محسوب است و هرگونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل می‌آید، هرگاه متهم حسب مورد به نشانی تعیین شده شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد گواهی مامور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می‌شود و رسیدگی بدون لزوم احضار متهم وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت.

ماده۲۳ـ قانون صدور چک مصوب خرداد ۱۳۴۴ نسخ می‌شود.

باب پنجم

اسناد در وجه حامل

ماده۳۲۰ـ دارنده هر سند در وجه حامل مالک و برای مطالبه وجه آن محق محسوب می‌شود مگر در صورت ثبوت خلاف. معذالک اگر مقامات صلاحیتدار قضایی یا پلیس تأدیه وجه آن سند را منع کنند تأدیه وجه به حامل مدیون را نسبت به شخص ثالثی که ممکن است سند متعلق به او باشد بری نخواهد کرد.

توضیح:

اسناد در وجه حامل مانند چک و سفته و یا اسنادی مانند برات، قبض انبار عمومی، بارنامه، سهام، اوراق قرضه و اوراق مشارکت که ممکن است با ظهر نویسی سفید امضاء به دیگری انتقال داده شود دارنده مالک آن شناخته شده و محق برای مطالبه وجه می‌باشد. این ماده از اصل پیش بینی شده در قانون مدنی که تصرف به عنوان مالکیت را دلیل می‌داند پیروی نموده است ماده ۳۵ (ق.م) مگر آنکه خلاف این امر ثابت گردد. استثناء وارده به اصل این است که اگر مقام صلاحیتدار قضائی دستور عدم پرداخت سند گم شده در وجه حامل را صادر نماید ولی پیدا کننده در خلال این مدت نسبت به وصول او از مدیون اقدام نماید این امر موجب برائت ذمه مدیون نسبت به ثالث (طلبکار اصلی)

فراهم نمی‌کند.

به عنوان مثال: شخص الف در مقابل خرید کالا، چکی به شخص ب در وجه حامل بابت ثمن معامله صادر و به وی تحویل می‌دهد و شخص ب آن را مفقود می‌نماید و از مقامات قضایی دستور منع تأدیه چک گم شده را اخذ می‌نماید. متعاقباً شخص ج (پیدا کننده چک) به الف (مدیون) مراجعه و وجه آن را وصول می‌نماید چنین پرداختی الف را نسبت به شخص "ب" بری الذمه نمی‌سازد.

ماده ۳۲۱ـ جز در موردی که حکم بطلان سند صادر شده مدیون سند در وجه حامل مکلف به تأدیه نیست مگر در مقابل اخذ سند.

ماده ۳۲۲ـ در صورت گم شدن سند در وجه حامل که دارای ورقه‌های کوپن یا دارای ضمیمه برای تجدید اوراق کوپن باشد و همچنین در صورت گم شدن سند در وجه حامل که خود سند به دارنده آن حق می‌دهد ربح یا منفعتی را مرتباً دریافت کند برای اصدار حکم بطلان مقررات ذیل عمل خواهد شد.

ماده ۳۲۳ـ مدعی باید در محکمه محل اقامت مدیون معلوم نماید سند در تصرف او بوده و فعلاً مفقود شده است. اگر مدعی فقط اوراق کوپن یا ضمیمه مربوط به سند خود را گم کرده باشد ابراز خود سند کافی است.

ماده ۳۲۴ـ اگر محکمه ادعای مدعی را بنا بر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست باید به وسیله اعلان در جراید به دارنده مجهول سند اخطار کند. هر گاه از تاریخ انتشار اولین اعلان تا سه سال سند را ابراز ننموده حکم بطلان آن صادر خواهد شد. محکمه می‌تواند لدی الاقتضاء مدتی بیش از سه سال تعیین کند.

ماده ۳۲۵ـ به تقاضای مدعی محکمه می‌تواند به مدیون قدغن کند که وجه سند را به کسی نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن یا تأمینی که محکمه تصویب نماید.

ماده۳۲۶ـ در مورد گم شدن اوراق کوپن نسبت به کوپنهایی که در ضمن جریان دعوی لازم التأدیه می‌شود به ترتیب مقرر در مواد ۳۳۲ و۳۳۳ عمل خواهد شد.

ماده۳۲۷ـ اخطار مذکور در ماده ۳۲۴ باید سه دفعه در مجله رسمی منتشر شود. محکمه می‌تواند بعلاوه اعلان در جراید دیگر را نیز مقرر دارد.

ماده۳۲۸ـ اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود محکمه به مدعی مهلت متناسبی داده و اخطار خواهد کرد که هر گاه تا انقضای مهلت دعوی خود را تعقیب و دلائل خود را اظهار نکند محکوم شده و سند به ابراز کننده آن مسترد خواهد گردید.

ماده۳۲۹ـ اگر در ظرف مدتی که مطابق ماده۳۲۴ مقرر و اعلان شده سند ابراز نگردد محکمه حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود.

ماده ۳۳۰ـ ابطال سند فوراً به وسیله درج در مجلسه رسمی و هر وسیله دیگری که محکمه مقتضی بداند به اطلاع عموم خواهد رسید.

ماده ۳۳۱ـ پس از صدور حکم ابطال مدعی حق دارد تقاضا کند که به خرج او سند جدیدی یا لدی الاقتضاء اوراق کوپن تازه به او بدهند، اگر سند حال شده باشد مدعی حق تقاضای تأدیه خواهد داشت.

ماده۳۳۲ـ هر گاه سند گم شده از اسناد مذکور در ماده۳۲۲ نباشد به ترتیب

ذیل رفتار خواهد شد:
محکمه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند را قابل اعتماد دید حکم می‌دهد مدیون وجه سند را فوراً در صورتی که حال باشد و پس از انقضاء اجل، در صورت موجل بودن، به صندوق عدلیه بسپارد.

ماده۳۳۳ـ اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نیست سند ابراز شد مطابق ماده ۳۲۸ رفتار و الا وجهی که در صندوق عدلیه امانت گذاشته شده به مدعی داده می‌شود.

ماده۳۳۴ـ مقررات این باب شامل اسکناس نیست.

توضیح:

برای توضیح مواد فوق می‌توان گم شدن چک در وجه حامل را به عنوان مصداق بارز بیان کرد:
اگر چک در وجه حامل مفقود شود در این صورت از نظر تعقیب حقوقی مواد ۳۳۲ و ۳۳۳ ناظر به ماده ۳۲۸ و ماده ۳۲۹ ناظر به ماده ۳۲۴ راجع به اسناد در وجه حامل به شرح زیر عمل می‌شود:
ماده ۳۳۲ (ق.ت) می‌گوید «هرگاه سند گم شده از اسناد مذکور در ماده ۳۲۲ نباشد به ترتیب ذیل رفتار خواهد شد:
«محکمه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم شدن را قابل اعتماد دید حکم می‌دهد که مدیون، وجه سند را فوراً در صورتی که حال باشد و پس از انقضاء اجل (در صورت مؤجل بودن) به صندوق عدلیه بسپارد».
ماده۳۳۳ (ق.ت) مقرر می‌دارد: «اگر قبل از انقضاء مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نیست، سند ابراز شد مطابق ماده ۳۲۸ رفتار

و الا وجهی که در صندوق عدلیه امانت گذاشته شده، به مدعی داده می‌شود».

در توضیح ماده فوق به نظر می‌رسد که نحوه عمل دادگاه به شرح زیر خواهد بود:

- اگر دادگاه ادعای مدعی را باتوجه به اوضاع و احوال موجود در پرونده قابل اعتماد دانست باید به وسیله سه مرتبه نشر آگهی در روزنامه رسمی ولدی الاقتضاء، در یک روزنامه دیگر، به دارنده مجهول سند اخطار نماید که هرگاه از تاریخ نشر اولین آگهی تا ۳ سال سند را ابراز نکند، دادگاه حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود. ضمناً مدت ابراز سند ممکن است بیش از ۳ سال تعیین گردد مستفاد از مواد ۳۲۴ و ۳۲۷ (ق.ت).
- حال اگر پس از نشر آگهی فوق وقبل از انقضاء مرور زمان مزبور سند گم شده ابراز گردد در این صورت دادگاه به مدعی مهلت متناسبی (مثلاً دو ماه) داده و به او اخطار می‌نماید که هرگاه تا انقضاء مهلت مزبور دعوی خود را تعقیب و دلایل خود را ابراز ننماید، حکم به بی حقی او داده شده و دستور می‌دهد که وجه سند به ابراز کننده آن مسترد گردد.
- اما اگر سند در وجه حامل تا ۳ سال تعیین شده ابراز نشد، دادگاه دستور پرداخت وجه سند گم شده را به مدعی صادر می‌نماید. (مستفاد از مواد ۳۲۸ و ۳۳۳ ق.ت). با توجه به موارد فوق و اینکه مدت سه سال یا بیشتر مهلت مندرج در قانون در اعلام مفقود شدن چک باعث اطاله دادرسی و سرگردانی و سقوط ارزش پول مدعی می‌گردد و ذی نفع متحمل خسارت زیادی می‌شود به نظر می‌رسد که این مهلت به ۶ ماه تقلیل داده شود و طبق کنوانسیون آنسیترال باید این اصل را پذیرفت که در مورد از بین رفتن یا سرقت چک و به هر طریقی که سند از بین رفته باشد دارنده دارای کلیه حقوق و اختیاراتی است که در زمان در دست داشتن سند آن را داشته است.

اما در مورد گم شدن چک در وجه (شخص معین) برابر مقررات مربوط به گم شدن برات رفتار می‌شود. (ماده۳۱۴ ناظر به مواد ۲۲۶ـ۲۶۲ـ۲۶۳ و بعد ق.ت).[1]

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد سوم، پیشین، ص ۱۳۶.

باب ششم

دلالی

فصل اول

کلیات

ماده ۳۳۵ـ دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می‌کند. اصولاً قرار داد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.

توضیح:

بند ۳ ماده ۲ (ق.ت) هر قسم عملیات دلالی را تجارتی محسوب می‌کند و ماده ۳۳۵ قانون مزبور دلال را به شرح فوق تعریف نموده و قرارداد دلالی را تابع مقررات وکالت می‌داند قسمت اخیر ماده ۳۳۵ (ق.ت) در مورد دلال قانون تجارت از ماده ۳۳۷ تا ۳۵۵ برای دلال وظایف و اختیارات و مسئولیت مدنی و جزایی خاص پیش بینی نموده است.

عمل دلالی که در واقع واسطه‌گری در انجام معامله چه در مال منقول و غیر منقول می‌باشد تجارتی محسوب می‌شود. البته باید توجه کرد که اگر دلال معاملاتی در مورد فروش یا خرید یا اجاره مال منقول برای خود انجام دهد در

این مورد هم عمل تجارتی می‌باشد.

قانون راجع به دلالان مصوب ۸ اسفند ۱۳۱۷ با اصلاحات بعدی که در ۱۳ ماده تنظیم گردیده و همچنین آیین‌نامه مواد۳ و ۱۱ قانون مزبور مصوب ۱۳۱۹/۵/۲۱ و بالاخره آیین‌نامه دلالان معاملات ملکی از اهمیت ویژه برخوردار است که برای مطالعه در پایان قانون دلالی آورده شده است.[1]

ماده۳۳۶ـ دلال می‌تواند در رشته‌های مختلف دلالی نموده و شخصاً نیز تجارت کند.

ماده۳۳۷ـ دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند، دلال در مقابل هریک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود می‌باشد.

ماده۳۳۸ـ دلال نمی‌تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را به موقع اجراء گذارد مگر آنکه اجازه‌نامه مخصوصی داشته باشد.

ماده۳۳۹ـ دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبور مربوط به شخص او نبوده است.

توضیح:

در ماده ۳۳۷ به صحت و صداقت دلال در انجام وظایف خود تأکید شده که طرفین را از جزئیات معامله آگاه سازد و در صورت ارتکاب تقصیر در مقابل هر یک از طرفین مسئولیت مدنی خواهد داشت.

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد اول، پیشین، ص ۴۹.

ماده۳۳۸ قلمرو اختیارات دلال را تعیین نموده و او نمی‌تواند از جانب یکی از طرفین معامله بدون اجازه نسبت به پرداخت دین او اقدام کند و چنین پرداختی باطل بوده و دلال حق مراجعه و مطالبه وجه را از مدیون با عنایت به ماده ۲۶۷ (ق.م) ندارد.

ماده ۳۳۹ به امانی بودن ید دلال تأکید نموده که در نگهداری اشیاء و اسنادی که به او سپرده شده تعدی و تفریط ننماید مگر در صورت اثبات این که تلف یا ضایع شدن اشیاء مربوط به او نبوده است.

ماده۳۴۰ـ در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر این که طرفین معامله او را از این قید معاف دارند.

ماده۳۴۱ـ دلال می‌تواند در زمان واحد برای چند آمر در یک رشته یا رشته‌های مختلف دلالی کند ولی در این صورت باید آمرین را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود مطلع نماید.

ماده۳۴۲ـ هرگاه معامله به توسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین به توسط او ردوبدل شود و در صورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که به توسط او معامله را کرده‌اند دلال ضامن صحت و اعتبار امضاهای نوشتجات و اسناد مزبور است.

ماده۳۴۳ـ دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می‌کند و ضامن اجرای معاملاتی که به توسط او می‌شود نیست.

ماده۳۴۴ـ دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره‌ای که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده.

ماده۳۴۵ـ هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است.

ماده۳۴۶ـ در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد باید به طرفی که این نکته را نمی‌داند اطلاع دهد والا مسئول خسارات وارده بوده و به علاوه به پانصد تا سه هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهدشد.

ماده۳۴۷ـ در صورتی که دلال در معامله سهیم باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.

توضیح:

ماده ۳۴۱ به دلال امکان می‌دهد که برای چند نفر عمل دلالی انجام دهد این ماده وجه اشتراکی با حق‌العمل کار دارد ماده ۳۴۷ مسئولیت تضامنی دلال را تحت شرایط زیر پذیرفته است:

- دلال با آمر خود سهیم باشد.
- تعهد در مقابل ذی‌نفع توسط آمر یا دلال نقض گردد.

با احراز شرایط فوق زیان دیده می‌تواند علیه دلال و آمر به نحو تضامن اقامه دعوی نماید.

فصل دوم

اجرت دلال و مخارج

ماده ۳۴۸ـ دلال نمی‌تواند حق دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد.

ماده۳۴۹ـ اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتی محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود. به علاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد.

ماده۳۵۰ـ هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.

ماده۳۵۱ـ اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می‌کند به او داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سر نگیرد.همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارتی محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند.

ماده۳۵۲ـ در صورتی که معامله به رضایت طرفین یا به واسطه یکی از خیارات قانونی فسخ بشود حق مطالبه دلالی از دلال سلب نمی‌شود مشروط براینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.

ماده۳۵۳ـ دلالی از معاملات ممنوعه اجرت ندارد.

ماده۳۵۴ـ حق‌الزحمه دلال به عهده طرفی است که او را مأمور انجام معامله نموده مگر اینکه قرارداد خصوصی غیر این ترتیب را مقرر بدارد.

ماده ۳۵۵ـ حق‌الزحمه دلال به واسطه قرارداد مخصوصی باید معین شده باشد والا محکمه با رجوع به اهل خبره رعایت مقتضیات زمانی و مکانی و نوع معامله حق‌الزحمه را معین خواهد کرد.[1]

---

۱. ماده ۳۵۵ با توجه به ماده ۱۳ قانون دلالان مصوب سال ۱۳۱۷ و آیین‌نامه دلالان معاملات ملکی مصوب سال ۱۳۱۹ نسخ گردیده است.

توضیح:

اجرت دلالی حقی است که به دلال در اجرای عمل واسطه‌گری تعلق می‌گیرد مشتری می‌تواند طبق ماده ۱۰ (ق.م) میزان اجرت را با دلال توافق نماید.

میزان حق‌الزحمه دلال در آیین‌نامه ۲۱ مرداد ۱۳۱۹ به شرح آتی پیش بینی شده است.

فصل سوم

دفتر

ماده ۳۵۶ـ هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملاتی را که به دلالی او انجام گرفته به ترتیب ذیل در آن ثبت نماید:

۱. اسم متعاملین

۲. مالی که موضوع معامله است.

۳. نوع معامله.

۴. شرایط معامله با تشخیص به اینکه تسلیم موضوع معامله فوری است یا به وعده است.

۵. عوض مالی که باید پرداخته شود و تشخیص اینکه فوری است یا به وعده است وجه نقد است یا مال‌التجاره یا برات در صورتی که برات باشد برؤیت است یا به وعده.

۶. امضاء طرفین معامله مطابق مقررات نظام‌نامه وزارت عدلیه.

توضیح:

طبق نظام‌نامه مصوب ۱۳۸۰ دلال زمانی تاجر محسوب می‌شود که درآمد خدمات دلالی او در سال از ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بیشتر باشد و در این صورت ملزم به داشتن دفاتر تجارتی پلمپ شده می‌باشد. بدیهی است اظهار نامه مالیات بر مشاغل دلال نشانگر این امر می‌باشد.

قانون راجع به دلالان
مصوب ۸ اسفند ۱۳۱۷ با اصلاحات
روزنامه رسمی ۳۰۴۳ـ۱۳۱۷

ماده۱ـ تصدی به هر نوع دلالی منوط به داشتن پروانه است.

ماده۲ـ پروانهٔ دلالی با رعایت احتیاجات محلی فقط به اشخاصی داده می‌شود که دارای شرائط زیر باشند:

۱. داشتن بیست و پنج سال تمام و انجام خدمت نظام وظیفه یا داشتن گواهینامهٔ معافیت یا آمادهٔ به خدمت.
۲. تابعیت ایران.
۳. داشتن گواهینامه سال ششم ابتدائی و یا دادن امتحانی در برابر آن.
۴. داشتن اطلاعات فنی متناسب با اموری که عهده‌دار دلالی آنها هستند.
۵. عدم شهرت به نادرستی.
۶. نداشتن محکومیت به ارتکاب جنایت و ورشکستگی به تقصیر و کلاهبرداری و خیانت در امانت و سرقت به گواهی مقامی که وزارت دادگستری معین می‌کند.
۷. دادن وجه‌الضمان یا ضمانت‌نامه و یا وثیقه مطابق ماده۳.

تبصره ـ کسانی که دو سال قبل از اجرای این قانون به شغل دلالی اشتغال داشته و فاقد شرط سوم این ماده باشند باید در موقع دریافت پروانه متعهد شوند که در ظرف دو سال گواهینامهٔ امتحانات نهایی آموزش سالمندان را بیاورند و الا پروانهٔ آنها تجدید نخواهد شد.

کسانی که در تاریخ اجرای این قانون ده سال پیشینهٔ دلالی داشته و سن آنها از ۴۵ سال کمتر نباشد از شرط سوم این ماده و این تبصره معاف خواهند بود.

ماده۳ـ کسی که می‌خواهد تصدی به دلالی نماید برای جبران خساراتی که ممکن است قانوناً از عملیات او متوجه اصحاب معامله شود باید به یکی از طریق زیر تأمین بدهد:

۱. پرداخت وجه‌الضمان.
۲. دادن وثیقه غیر منقول و یا سهام.
۳. ضمانت یکی از تجار معتبر یا بانک.

میزان وجه‌الضمانه و وثیقه و مبلغ ضمانت و مدت و ترتیب تجدید آن با در نظر گرفتن نوع دلالی آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد تعیین خواهد شد.

ماده۴ـ نسبت به وجه‌الضمان یا ضمانت‌نامه یا وثیقه کسانی که از جهت مداخلهٔ دلال به عنوان دلالی در امور مربوطه به آنان بستانکار شده‌اند بر سایر بستانکاران دلالی رجحان خواهند داشت.

ماده۵ـ وجه‌الضمان یا ضمانت‌نامه یا وثیقه در صورتی رد خواهد شد که دلال از دلالی ممنوع شده و یا خود او از دلالی کناره‌گیری کند و در هر صورت حساب او با کسانی که از جهت دلالی به او مراجعه کرده‌اند تسویه شده باشد.

ماده۶ـ هر دلالی که بخواهد از کار دلالی کناره‌گیری کند باید قبلاً به مقاماتی که موجب مادهٔ ۱۱ این قانون معین می‌شود کتباً اطلاع بدهد تا به وسیلهٔ مجله رسمی و یکی از روزنامه‌ها قصد او آگهی شده و ضمناً متذکر شود که در ظرف مدت دو ماه هر کس نسبت به او از جهت امور مربوطه به دلالی ادعائی دارد مقامی را که به موجب مادهٔ۱۱ این قانون معین می‌شود مستحضر نماید تا حق او طبق مادهٔ قبل محفوظ بماند.

در هر حال استرداد وجه‌الضمان بنا بر تصویب رئیس دادگاه بدایت

محل اقامت دلال خواهد بود.

ماده۷ـ حق صدور پروانه برای دلالی معاملات ملکی دویست ریال و برای معاملات تجارتی یکصد و پنجاه ریال و برای معاملات خواروبار و سایر امور شهری یکصد ریال در سال خواهد بود.
تصدی به هریک از سه نوع دلالی نامبرده مستلزم صدور پروانهٔ جداگانه است و برای هر پروانه حق علیحده دریافت خواهد شد.

ماده۸ـ هر دلالی که معلوم شود عمل او معمولاً بر خلاف مقررات مربوط به دلالی است مورد تعقیب مقامی که به موجب ماده یازده این قانون معین می‌شود واقع و از شغل دلالی برای مدتی که از سه ماه کمتر و از یکسال بیشتر نباشد ممنوع و پروانهٔ او ابطال می‌شود و این مانع نیست که دلال طبق قوانین جزائی یا حقوقی در دادگاه صالح مورد تعقیب قرار گرفته و به مجازات قانونی با تأدیه خسارات وارده محکوم گردد.

ماده۹ـ هر کس که بدون اخذ پروانه به شغل دلالی مشغول گردد و یا قبل از انقضاء ممنوعیت به دلالی اشتغال ورزد به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و یا به غرامت از یکهزار تا پنجهزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده۱۰ـ (اصلاحی ۱۳۲۰/۵/۲۶ ـ روزنامه رسمی۳۸۲۸ ـ ۱۳۲۰) هر کس که در تاریخ اجراء این قانون به شغل دلالی اشتغال دارد مکلف است در ظرف سه ماه مطابق مقررات این قانون تقاضانامه به مقاماتی که به موجب مادهٔ ۱۱ این قانون معین می‌شود داده پروانه بخواهد و چنانچه تقاضانامه نداده و مدت منقضی شد و یا تقاضانامهٔ او رد شود و به شغل دلالی ادامه دهد طبق مادهٔ ۹ تعقیب و مجازات شده و دیگر به

او پروانهٔ دلالی داده نخواهد شد.

ماده۱۱ـ هیئت وزیران برحسب نوع دلالی مقامی را که برای صدور پروانه و سایر وظایف مذکور در این قانون صلاحیت دارد معین خواهند کرد.

ماده۱۲ـ طرز تنظیم تقاضانامه و پروانهٔ دلالی و دفتری که دلال برای ثبت عملیات خود باید نگاهداری نماید و قرارداد حق‌الزحمهٔ دلال که باید بین او وکسی که به او مأموریت داده قبل از انجام مأموریت تنظیم و مبادله شود و میزان حق‌الزحمهٔ دلال که نباید زائد بر میزان معین در تعرفهٔ رسمی باشد و سایر مقررات لازم برای اجراء این قانون مطابق آیین‌نامه‌هایی که از طرف مقام مذکور در مادهٔ ۱۱ تنظیم می‌شود خواهد بود.

ماده۱۳ـ مواد ۳۵۵ و ۳۵۶ قانون تجارت پس از انتشار آیین‌نامه‌های مربوط به حق‌الزحمه و دفاتر، نسخ خواهد شد.

آیین‌نامه مواد۳ و ۱۱ قانون دلالان

مصوب ۱۳۱۹/۵/۲۱

با اصلاحات بعدی

روزنامه رسمی ۳۴۷۰ـ۱۳۱۹

هیأت وزیران در جلسه ۲۱ مرداد ماه ۱۳۱۹ نظر به ماده ۳و۱۱ قانون دلالان مصوب ۱۳۱۷/۱۲/۸ مقرر می‌دارد:

ماده۱ـ مقام صالح برای صدور پروانه دلالی معاملات ملکی ادارهٔ کل ثبت اسناد و املاک است.

ماده۲ـ ادارهٔ کل ثبت آیین‌نامه‌های مقرر در مادهٔ ۱۲ قانون دلالان را تهیه و پس از تصویب وزارت دادگستری به موقع اجراء خواهد گذارد.

ماده۳ـ (اصلاحی ۱۳۳۸/۵/۶) میزان تأمینی که دلالان معاملات ملکی مطابق مادهٔ ۳ قانون دلالان باید بدهند از این قرار است:

الف) برای کسانی که می‌خواهند واسطهٔ انجام معاملات ملکی به طور نامحدود باشند(دلال درجهٔ اول) دویست هزار (۲۰۰۰۰۰) ریال.

ب) برای کسانی که می‌خواهند واسطهٔ انجام معاملات ملکی تا یک میلیون ریال باشند(دلال درجهٔ دوم) یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰)ریال.

ماده۴ـ هرگاه وجه‌الضمان نقدی باشد باید معادل مبلغی که مطابق مادهٔ قبل تعیین شده به بانک ملی سپرده شده و قبض آن به پیوست درخواست به ثبت محل تسلیم شود و چنانچه مورد تأمین مال غیر منقول یا سهام باشد باید مال یا سهام معادل وجه‌الضمان باشد و در صورتی که دلال بخواهد ضامن بدهد باید برگ ضمانت‌نامهٔ رسمی یکی از بازرگانان معتبر یا بانکهای معتبر را پیوست درخواست نماید.

تبصره ـ ضامن وقتی معتبر شناخته می‌شود که معادل دو برابر وجهی که ضمانت می‌نماید اموال غیر منقول ثبت شده یا گواهی‌نامهٔ یکی از بانکهای معتبر را مبنی بر اعتبار خود ارائه دهد.

ماده ۵ـ در صورت فوت یا حجر ضامن، دلال مکلف است در ظرف یک هفته ضامن معتبر دیگری معرفی نماید والا پروانهٔ او مسترد خواهد شد.

ماده۶ـ مدت ضمانت دو سال است و پس از گذشتن مدت ضمانت دلال باید به یکی از طرق نامبرده در مادهٔ۴ تجدید تأمین نماید.

ادارهٔ ثبت در صورت تردید در اعتبار ضامن می‌توانند در هر موقع تجدید تأمین را از دلال بخواهد.

ماده۷ـ (اصلاحی ۱۳۳۸/۵/۶) در موقع تسلیم هر در خواست دلالی مبلغی به ترتیب ذیل از درخواست کننده دریافت و در حساب مخصوص نگهداری و به تشخیص ادارهٔ کل ثبت صرف هزینهٔ اداری اجرای قانون دلالان خواهد شد:

1. **برای دلال درجه یک مبلغ یکهزار ریال.**
2. **برای دلال درجهٔ دو مبلغ پانصدریال.**

تذکر: آیین‌نامه دلالان معاملات ملکی مصوب ۱۳۱۹ با اصلاحات بعدی به تجویز ماده ۱۲ قانون دلالان مصوب ۱۳۱۷/۱۲/۸ به شرح زیر به تصویب رسیده است(روزنامه رسمی ۳۴۹۶ـ۱۳۱۹)

قسمت اول ـ ترتیب اجراء قانون نسبت به کسانی که به شغل دلالی معاملات ملکی اشتغال دارند

ماده۱ـ ادارهٔ ثبت هر محلی طبق دستور ادارهٔ کل ثبت به منظور اجراء قانون دلالان آگهی مقتضی صادر و با انتشار در روزنامه‌های محلی (در صورت نبودن روزنامهٔ محلی در روزنامه‌ای که آگهی ثبتی را منتشر می‌نماید) و الصاق به معابر عمومی اجراء قانون نامبرده را به اطلاع اهالی خواهد رسانید.

در آگهی باید شرایط مقرر در مادهٔ دوم قانون دلالان و مفاد مادهٔ۲و۳ این آیین‌نامه قید شود.

ماده۲ـ کسانی که در تاریخ انتشار آگهی مشغول دلالی معاملات ملکی هستند مکلفند از تاریخ انتشار آگهی تا سه ماه درخواست خود را جهت صدور پروانه دلالی معاملات ملکی به ثبت محل تسلیم نمایند.

درخواست باید در دو نسخه روی برگهایی که مطابق نمونهٔ ۱ قبلاً از طرف ادارهٔ ثبت طبع و در دسترس درخواست کنندگان قرار داده

خواهد شد نوشته شود.

ماده۳ـ به درخواست باید مدارک زیر پیوست شود:

۱. رونوشت گواهی شده از برگ شناسنامهٔ درخواست کننده و اگر مشمول قانون نظام وظیفهٔ عمومی باشد رونوشت گواهی شده از برگ خاتمه خدمت زیر پرچم یا برگ معافی قانونی باید ضمیمه شود.
۲. دو قطعه عکس نیم تنهٔ سربرهنه شش در چهار.
۳. رونوشت گواهی شده از مدارک اطلاعات فنی.
۴. گواهینامهٔ دادسرای محل بر نداشتن محکومیت‌های معین در شق ۶ ماده ۳ قانون دلالان.
۵. رونوشت گواهی شدهٔ گواهینامهٔ سال ششم ابتدائی.

تبصره ۱ـ کسانی که گواهینامه سال ششم ابتدائی را نداشته باشند با آنان مطابق تبصرهٔ مادهٔ ۲ قانون دلالان رفتار خواهد شد.

تبصره ۲ـ امتحان درخواست کنندگانی که گواهینامهٔ سال ششم ابتدائی را نداشته و حاضر به دادن امتحان باشند در کمیسیونی مرکب از رئیس ادارهٔ ثبت و نمایندهٔ ادارهٔ فرهنگ محل به عمل خواهد آمد.

ماده۴ـ ملغی طبق اصلاحیه ۷/۵۸۰۳ ـ ۱۳۳۹/۷/۴.

ماده۵ـ (اصلاحی ۷/۵۸۰۳ـ۱۳۳۹/۷/۴) اده ثبت محل پس از رسیدگی به درخواست و تحقیق از اخلاق و رفتار درخواست کننده و احراز صلاحیت شخصی و فنی او جهت اشتغال به دلالی معاملات ملکی و رعایت احتیاجات محل یک نسخه از برگ در خواست را با ضمائم آن به ادارهٔ کل ثبت فرستاده و صدور پروانهٔ دلالی معاملات ملکی را به نام درخواست کننده پیشنهاد می‌نماید.

ماده۶ـ اداره کل ثبت اسناد و املاک پس از رسیدگی به پیشنهاد و ندیدن نقص اقدام به صدور پروانه می‌نماید.

تبصره ـ (اصلاحی ۷/۵۸۰۳ ـ۱۳۳۹/۷/۴) مدت اعتبار پروانه دو سال و هر

دلالی که ظرف یک ماه آخر مدت اقدام به تجدید پروانه نکند در حکم دلال بدون پروانه است.

ماده۷ـ در مقابل دریافت دویست ریال مقرر در مادهٔ ۷ قانون معادل آن تمبر به پروانه الصاق و ابطال می‌شود.

ماده۸ـ دلال موظف است پروانهٔ خود را همیشه همراه داشته و در صورت تقاضای مراجعه کنندگان به آنها ارائه نماید.

تبصره ـ (الحاقی ۷/۵۸۰۳ـ۱۳۳۹/۷/۴) سردفتران اسناد رسمی مکلفند در موقع تنظیم اسنادی که معامله به وسیلهٔ دلال انجام می‌شود مداخلهٔ دلال را در معامله با ذکر شمارهٔ پروانه دلال در سند قید و ثبت دفتر را به امضاء دلال هم برسانند و در صورتی که به این وظیفه عمل ننمایند مورد تعقیب انتظامی قرار خواهند گرفت.

قسمت دوم
ترتیب اجرای قانون دربارهٔ کسانی که می‌خواهند به عمل دلالی معاملات ملکی اشتغال ورزند

ماده۹ـ کسانی که بخواهند در آتیه شغل دلالی معاملات ملکی را اختیار نمایند باید قبلاً طبق مقررات قسمت اول این آیین‌نامه پروانه تحصیل کنند و قبل از صدور پروانه حق اشتغال به دلالی معاملات ملکی را ندارند.

قسمت سوم
مقررات مختلفه

ماده ۱۰ـ دلال باید مخصوصاً مقررات مواد ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۱ و۳۴۲ و۳۴۵ تا ۳۵۰ قانون تجارت را در نظر گرفته و بر خلاف مفاد

آنها عملی نکنند والا طبق مادهٔ ۸ قانون دلالان مورد تعقیب واقع خواهد شد.

تبصره ـ (الحاقی ۷/۵۸۰۳ ـ ۱۳۳۹/۷/۴) کلیهٔ دادسراها مکلفند به محض صدور کیفر خواست علیهٔ دلالان معاملات ملکی مراتب را به وسیلهٔ ثبت محل به ادارهٔ کل ثبت اطلاع دهند و هرگاه در نتیجهٔ کیفر خواست دادنامه علیه دلالان صادر و به مرحلهٔ قطعیت رسید مجدداً موضوع را به وسیلهٔ ثبت محل به اطلاع اداره کل ثبت برسانند و در مورد اخیر در صورتی که محکومیت دلال به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های بزرگ از قبیل کلاهبرداری و خیانت در امانت و غیره باشد ادارهٔ کل ثبت مراتب را به وسیلهٔ یکی از جراید کثیرالانتشار محل و اگر در محل روزنامه نباشد به وسیلهٔ نزدیکترین روزنامهٔ محل مزبور به اطلاع اهالی خواهد رسانید.

ماده ۱۱ـ (اصلاحی ۷/۵۸۰۳ ـ ۱۳۳۹/۷/۴) ادارهٔ ثبت محل به محض اطلاع از تخلف دلال از مقررات قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه و با اطلاع از رفتار ناپسند او مراتب را ضمن ارسال مدارک امر به ادارهٔ کل ثبت گزارش خواهد داد.

گزارش مزبور به کمیسیونی مرکب از سه نفر کارمند ثبت به تعیین مدیر کل ثبت ارجاع می‌شود.

کمیسیون نامبرده پس از رسیدگی به موضوع تخلف، رأی مقتضی صادر خواهد کرد.

رأی این کمیسیون قطعی است و پس از ابلاغ به دستور مدیر کل ثبت اجراء خواهد شد و نیز مراتب را به ادارهٔ ثبت محل اعلام خواهد کرد تا موضوع را به وسیلهٔ آگهی به اطلاع اهالی برسانند.

ماده ۱۲ـ ملغی طبق اصلاحیه شماره ۷/۵۸۰۳ مورخ ۱۳۳۹/۷/۴.

ماده۱۳ـ (اصلاحی ۷/۵۸۰۳ ـ ۱۳۳۹/۷/۴) ترتیب رسیدگی کمیسیون بدوی و طرز ابلاغ رأی کمیسیون طبق مقررات آیین دادرسی اداری کارمندان دولت خواهد بود.

ماده۱۴ـ رئیس ثبت محل هر موقع که مقتضی بداند می‌تواند به دفاتر دلال مراجعه نموده و از دلال توضیحاتی را که لازم می‌داند بخواهد و یا یکی از کارمندان ثبت را مأمور بازرسی و بررسی دفاتر دلال نماید.
دلال نیز مکلف است پاسخ توضیحات رئیس ثبت یا بازرسی مأمور رسیدگی را داده و دفاتر خود را نیز در اختیار آنان بگذارد.

ماده۱۵ـ هر دلال معاملات ملکی علاوه بر دفاتری که مطابق تجارت ملزم به داشتن آنها است باید دفتری داشته و در آن هر عمل دلالی را که به او مراجعه می‌شود به ترتیب تاریخ و شماره ثبت و توضیحات زیر را مطابق اسناد و مدارک مراجعه کننده در ستونهای مربوط قید نماید:

۱. نام و نام خانوادگی مراجعه کننده و شماره شناسنامه و محل صدور آن.
۲. نوع معامله.
۳. مورد معامله با ذکر مشخصات و شرایط معامله.
۴. مدت انجام معامله توسط دلال.
۵. میزان حق‌الزحمهٔ دلال که به موجب قرارداد علیحده تعیین شده.

دلال مکلف است پس از قید مراتب فوق دفتر را به امضاء مراجعه کننده برساند و بعد از انجام امری که به او مراجعه شده نتیجه را در ستون مخصوص دفتر با قید تاریخ انجام و تعیین دفتر اسناد رسمی که معامله در آن ثبت شده نوشته و امضاء نماید.
در صورتی هم که انجام امر در مدت مقرر عملی نشده یا به جهات دیگر موقوف مانده باشد باید مراتب را در ستون نامبرده با ذکر تاریخ توضیح داده و امضاء نماید.

ماده۱۶ـ دلال باید قبل از اقدام به انجام درخواست مشتریان خود، قرارداد مربوط به حق‌الزحمه را در دو نسخه تنظیم و امضاء نموده و پس از امضاء مراجعه کننده یک نسخه را در پروندهٔ مخصوص بایگانی و نسخه دیگر را به مراجعه کننده تسلیم و رسید دریافت نماید.

ماده۱۷ـ حق‌الزحمهٔ دلال بسته به قرارداد او با طرفین معامله است ولی در هیچ مورد نباید از میزان مقرر در این ماده تجاوز نماید.

در معاملات با حق استرداد و معاملات استقراضی و معاملات قطعی:

تا ده هزار ریال صدی یک و نیم.

از ده هزار ریال تا پنجاه هزار ریال صدی یک نسبت به مازاد از ده هزار ریال.

از پنجاه هزار ریال به بالا سه ربع صدی یک نسبت به مازاد از پنجاه هزار ریال.

در معاملات اجاره تا سیصد ریال مال‌الاجاره ماهیانه ثلث اجارهٔ ماهیانه و از ۳۰۰ ریال به بالا $\frac{۱}{۴}$ آن نسبت به مازاد از ۳۰۰ ریال.

تبصره ـ در صورتی که طرفین معامله هر دو به دلال مراجعه کرده و قرار داد بسته باشند حق دلالی به میزان مقرر در فوق بالمناصفه به عهده طرفین است و در غیر این صورت تمام حق دلالی به عهدهٔ طرفی است که به دلال مراجعه کرده است.

باب هفتم

حق‌العمل کاری (کمیسیون)

ماده۳۵۷ـ حق‌العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق‌العملی دریافت می‌دارد.

ماده۳۵۸ـ جز در مواردی که به موجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه به وکالت در حق‌العمل کاری نیز رعایت خواهد شد.

توضیح:

بند ۳ از ماده۲ (ق.ت) حق‌العمل کاری را جزو عمل تجارتی احصاء نموده است و حق‌العمل کار برای اینکه تاجر شناخته شود مستلزم این است که شغل معمولی خود را حق‌العمل کاری قرار دهد.

ماده۲۷۶ آیین‌نامه اجرایی امور گمرکی ۱۳۵۱/۱/۲۰ می‌گوید: «حق‌العمل کار به شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی اطلاق می‌شود که انجام تشریفات گمرکی کالای متعلق به شخص دیگری را به عهده بگیرد.وظایف و مسئولیت حق‌العمل کار علاوه بر مواردی که در قانون تجارت از ماده ۳۵۹ تا۳۷۶ به طور استثنایی پیش بینی شده است تابع مقررات راجع به وکالت می‌باشد. (ماده۳۵۸ ق.ت. ناظر بر موارد ۶۶۶ تا ۶۷۳ ق.م).

حق‌العمل کار با آمر قراردادنمایندگی تنظیم نموده و قلمرو، محدودیت، اختیارات و وظایف او نیز با میزان حق‌العمل (کمیسیون)[1] تعیین می‌گردد.

حق‌العمل کار به دستور آمر و به حساب او ولی به نام خود معاملاتی کرده و در مقابل حق‌العمل دریافت می‌نماید. در حقوق فرانسه افشای نام آمر از طرف حق‌العمل کار به دلیل جلوگیری از رقابت غیر قانونی ممنوع می‌باشد.

حق‌العمل کار می‌تواند برای اشخاص متعددی قرار داد حق‌العمل کاری تنظیم نماید. وجوه افتراق حق‌العمل کاری با عاملی فروش و نمایندگی:

- در عرف تجارتی عامل فروش مانند حق‌العمل کار کسی است که عمل تجارتی به دستور آمر و به نام خود انجام می‌دهد و ممکن است سرمایه متعلق به او یا آمر باشد ولی حق‌العمل کار به حساب آمر معاملاتی برای او انجام می‌دهد:
- عامل فروش با سرمایه خود برای یک بنگاه فعالیت می‌نماید و از دستورات آمر و نحوه معامله تبعیت می‌نماید. (مانند عامل فروش شرکت نفت) و محدودیتی در انجام امور خود دارد ولی حق‌العمل کار می‌تواند برای چند نفر که حتی رقابت تجارتی با یکدیگر داشته باشند معاملاتی بنماید.
- در حق‌العمل کاری با انعقاد قرارداد توسط حق‌العمل کار برای آمر حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد به عهده حق‌العمل کار می‌باشد و متعاقباً چنانچه آمر تعهدات خود را در قبال حق‌العمل کار ایفا نمود در این صورت تعهدات ناشی از قرارداد به آمر یا اصیل منتقل می‌گردد ولی در نمایندگی نایب از طرف منوب عنه قرارداد مورد نظر را با شخص دیگری منعقد می‌نماید و تعهدات ناشی از قرارداد به طور مستقیم داخل در دارایی منوب عنه می‌گردد.

ماده۳۵۹ـ حق‌العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام مأموریت این نکته را فوری به او اطلاع دهد.

---

1. Commission

ماده ۳۶۰ـ حق‌العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر این که آمر دستور داده باشد.

ماده ۳۶۱ـ اگر مال‌التجاره که برای فروش نزد حق‌العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد حق‌العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارات بحری (آواری) به وسایل مقتضیه محافظت مال‌التجاره اقدامات لازمه به عمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند والا مسئول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود.

ماده ۳۶۲ـ اگر بیم فساد سریع مال‌التجاره‌ای رود که نزد حق‌العمل کار برای فروش ارسال شده حق‌العمل کار می‌تواند و حتی در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است مال‌التجاره را با اطلاع مدعی‌العموم محلی که مال‌التجاره در آنجا است یا نماینده او به فروش برساند.

توضیح:

قانون‌گذار از ماده ۳۵۹ تا ۳۶۲ وظایف و مسئولیت حق‌العمل کار را برای حمایت از مال‌التجاره یا اموال آمر تشدید نموده و او را مکلف ساخته که صاحب کالا را در جریان اقدامات خود قرار داده و پس از خاتمه مأموریت مراتب را فوراً به او اطلاع دهد و نیز مکلف است کالا را ایمن نموده و عیوب ظاهری کالا را به هنگام تحویل و همچنین خسارت وارده به کالا در دریا (آواری)[1] را صورت جلسه و یا از طریق دادگاه صلاحیت‌دار با ارجاع به کارشناس اقدام به تأمین دلیل بنماید تا بتوان علیه متصدی حمل‌ونقل اقامه دعوی نمود و در مورد کالاهایی که در معرض تلف می‌باشند طبق ماده ۳۶۲ اقدام به فروش آن بنماید.

---

1. Avarie

ماده۳۶۳ـ اگر حق‌العمل کار مال‌التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده به فروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر این که ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.

ماده ۳۶۴ـ اگر حق‌العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.

ماده۳۶۵ـ اگر حق‌العمل کار مال‌التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر معین نموده به فروش رساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد.

ماده۳۶۶ـ اگر حق‌العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطی دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذالک اگر فروش به نسیه داخل در عرف تجارتی محل باشد حق‌العمل کار مأذون به آن محسوب می‌شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.

ماده۳۶۷ـ حق‌العمل کار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر این که مجاز در معامله به اعتبار نبوده و یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجارتی بلد او را مسئول قراردهد.

ماده۳۶۸ـ مخارجی که حق‌العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعده که به نفع آمر داده باشد باید اصلاً و منفعتاً به حق‌العمل کار مسترد شود.

حق‌العمل کار می‌تواند مخارج انبارداری و حمل‌ونقل را نیز به حساب آمر گذارد.

ماده۳۶۹ـ وقتی حق‌العمل کار مستحق حق‌العمل می‌شود که معامله اجراء شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل آمر باشد نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام‌پذیر نشده حق‌العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین می‌نماید.

توضیح:

ماده۳۶۳ برای حمایت از آمر (اصیل) مقرر داشته که معامله کمتر از قیمتی که آمر معین کرده نباید صورت پذیرد و حق‌العمل کار مسئول تفاوت قیمت در حدود ماده مذکور می‌باشد و ماده ۳۶۴ حق‌العمل کار را در صورت ارتکاب تقصیر مسئول جبران کلیه خسارات وارده به آمر می‌داند به طور کلی رعایت قیمت واقعی کالا و نحوه فروش نقدی یا اقساطی در ماده ۳۶۵و۳۶۶ مورد توجه قانون‌گذار بوده است در عین حال مواد ۳۶۸و۳۶۹ حق‌العمل کار را مستحق اجرت خود دانسته است.

ماده۳۷۰ـ اگر حق‌العمل کار، کار نادرستی کرده و مخصوصاً در موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق‌العمل نخواهد بود به علاوه در دو صورت اخیر آمر می‌تواند خود حق‌العمل را خریدار یا فروشنده محسوب کند.
تبصره ـ دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت مقرر است، نمی‌باشد.

توضیح:

ماده۳۷۰ به صحت و درستی حق‌العمل کار به خصوص ارائه صورت حساب به آمر از نظر قیمت خرید یا فروش تأکید نموده است و چنانچه جانب

صداقت و امانت را رعایت ننماید نه تنها به شرح ماده فوق شخصاً به جای خریدار و فروشنده قرار داده می‌شود بلکه ممکن است به مجازات مقرر در ماده ۶۷۴ (ق.م.ا) از ۶ ماه تا ۳ سال حبس محکوم شود.

ماده ۳۷۱ـ حق‌العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده حق حبس خواهد داشت.

ماده ۳۷۲ـ اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر از اجازه فروش رجوع کرده و مال‌التجاره را بیش از حد متعارف نزد حق‌العمل کار بگذارد حق‌العمل کار می‌تواند آن را با نظارت مدعی‌العموم بدایت محل یا نماینده او بطریق مزایده به فروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او یا نماینده او به عمل خواهد آمد ولی در هر حال قبلاً باید به او اخطاریه رسمی ارسال گردد مگر اینکه اموال از جمله اموال سریع‌الفساد باشد.

ماده ۳۷۳ـ اگر حق‌العمل کار مأمور بخرید یا فروش مال‌التجاره یا اسناد تجارتی یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد می‌تواند چیزی را که مأمور به خرید آن بوده خود شخصاً به عنوان فروشنده تسلیم بکند و یا چیزی را که مأمور به فروش آن بوده شخصاً به عنوان خریدار نگاهدارد مگر این که آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده ۳۷۴ـ در مورد ماده فوق حق‌العمل کار باید قیمت را بر طبق مظنه بورسی یا نرخ بازار در روزی که وکالت خود را انجام می‌دهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق‌العمل و هم مخارج عادیه حق‌العمل کاری را برداشت کند.

ماده۳۷۵ـ در هر موردی که حق‌العمل کار شخصاً می‌تواند خریدار یا فروشنده واقع شود اگر انجام معامله را به آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد.

ماده۳۷۶ـ اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق‌العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مستحضر گردد دیگر نمی‌تواند شخصاً خریدار یا فروشنده واقع شود.

توضیح:

ماده ۳۷۱ برای حمایت از حق‌العمل کار مقرر داشته که اگر آمر مطالبات او را در مورد اموالی که موضوع معامله بوده پرداخت ننماید در این صورت حق‌العمل کار حق حبس مال‌التجاره یا اموال آمر را تا استیفای حق خود خواهد داشت. ماده ۳۷۲ و بعد مربوط به فروش مال‌التجاره که به فروش نرفته و مراجعه به مقامات قضایی را به روش روشنی پیش بینی نموده است.

باب هشتم

قرارداد حمل و نقل

ماده ۳۷۷ـ متصدی حمل‌ونقل کسی است در مقابل اجرت حمل اشیاء را به عهده می‌گیرد.

ماده۳۷۸ـ قرارداد حمل‌ونقل تابع مقررات وکالت خواهد بود مگر در مواردی که ذیلاً استثناء شده باشد.

توضیح:

قرارداد حمل‌ونقل در قانون تجارت ایران تعریف نشده است و نمی‌توان آن را با قرارداد اجاره مندرج در ماده ۵۱۳ (ق.م) مقایسه کرد در ضمن ماده ۱۰ (ق.م) که از ماده ۲ قانون مدنی سوئیس و ماده ۶ قانون مدنی فرانسه اقتباس شده است حاکم بر قراردادهای حمل‌ونقل می‌باشد. در حقوق فرانسه مقررات مربوط به حمل‌ونقل اشیاء از طریق زمینی یا دریایی از ماده ۱۷۸۲ تا۱۷۸۶ پیش بینی شده است و برای حمل‌ونقل هوایی مقررات جداگانه‌ای در نظر گرفته شده و فرانسه به کنوانسیون‌های زیر پیوسته است:

۱. کنوانسیون بین‌المللی سویس Berne برن درباره حمل با راه‌آهن.
(Smgs-1966)[2] (Cotif- 1980)[1]
۲. کنوانسیون برای حمل‌ونقل کالاها[۳] (C.I.M-1893) آخرین اصلاح این کنوانسیون در سال ۱۹۵۵ بوده است.
۳. کنوانسیون حمل‌ونقل هوائی، ورشو سال ۱۹۲۹ این کنوانسیون در سال ۱۹۵۵ در لاهه اصلاح گردیده است.[۴]
۴. کنوانسیون حمل‌ونقل جاده‌ای کالا، ژنو سال ۱۹۵۶ (C.M.R)[5]
پروتکل این کنوانسیون در سال ۱۹۷۸ در ژنو تنظیم گردیده است.
۵. کنوانسیون حمل و نقل دریایی کالا، هامبورگ ۱۹۷۸.[۶]
ایران در زمینه حمل‌ونقل دریایی علاوه بر قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ به قراردادهای بین‌المللی دریایی مربوط به یکنواخت نمودن بعضی از مقررات بارنامه ۱۳۴۴ (قرارداد ۱۹۲۴ بروکسل) و مقررات مربوط به حمل مسافر از طریق دریا ۱۳۴۴ و بالاخره قرارداد بین‌المللی تهدید مسئولیت صاحبان کشتی‌های دریا پیما ۱۳۴۴ پیوسته است.

ایران در زمینه حمل‌ونقل هوایی به قانون هواپیمایی کشوری ICAO – ۱۳۲۸/۴/۸ و به کنوانسیون ورشو ۱۲ اکتبر ۱۹۲۹ و پروتکل ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۵

---

1. Convention concerning international carriage by rail (COTIF) (1980).

2. Accord concernant le transport international des merchandises par chemins de fer (SMGS) (1966).

متن جدید این کنوانسیون در ۱۹۷۱ نوشته شده و از اول ژانویه ۱۹۷۵ به مورد اجراء درآمده است.

3. Convention international pour les merchandises.(C.I.M)

4. Convention for the unification of certain rules relating to international carriage by air (WARSAW-1929).

5. Convention de Genève Concernant les transports de merchandises par route (C.M.R).

Convention on the contract for the international carriage of goods by road (C.M.R) (GENEVA, 1956).

6. United Nations Convention on the carriage of goods by sea 1978 (*HAMBURG*).

لاهه و در نهایت پروتکل ۸ مارس ۱۹۷۱ گواتمالا پیوسته است.

ضمناً کمیته‌ای از سال ۱۹۱۰ در بروکسل حدود ۲۰ کنوانسیون که اغلب آنها راجع به مقررات دریایی است به تصویب رسیده است.[1]

ماده ۳۷۷ (ق.ت) وظیفه متصدی حمل‌ونقل را منحصر به حمل اشیاء در مقابل اجرت دانسته است ولی متصدی حمل‌ونقل علاوه بر آن حمل مسافر را نیز از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر به عهده می‌گیرد. با توجه به این که بند (۲) ماده ۲ (ق.ت) تصدی به حمل‌ونقل را اعم از این که از راه خشکی یا آب‌وهوا به هر نحوی که باشد به اطلاق برگزار کرده است به نظر می‌رسد در قراردادها با استناد به ماده ۱۰ (ق.م) می‌توان وظیفه متصدی حمل‌ونقل را علاوه بر حمل اشیاء به حمل مسافر نیز تسری داد.

ماده ۳۷۸ (ق.ت) قرارداد حمل‌ونقل را تابع مقررات وکالت دانسته است اما نظر به این که این قرارداد در معاملات بازرگانی نقش مهمی در ثبات قراردادها ایفا می‌نماید لذا مقررات استثنایی را برای حمایت از صاحبان کالا و امنیت در حمل‌ونقل داخلی و بین‌المللی پیش بینی نموده است همچنین وکالت عقد جایز است و قرارداد حمل‌ونقل ماده ۵۱۳ (ق.م) اجیر در عقد اجاره استقلالی ندارد در صورتی که متصدی حمل‌ونقل با توجه به مقررات حاکم در قانون تجارت اختیارات کافی و استقلال عمل با مسئولیت مدنی خاص دارد.

ماده ۳۷۹ـ ارسال کننده باید نکات ذیل را به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند: آدرس صحیح مرسل‌الیه، محل تسلیم مال، عده عدل یا بسته و طرز عدل‌بندی، وزن و محتوی عدل‌ها، مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود، راهی که حمل باید از آن راه به عمل آید، قیمت اشیایی

1. Comité maritime international (C.M.I).
- Assistance en mer abordage 1910.
- Transports de merchandise 1969.
- Passager 1974 – bagages 1971.

که گرانبها است. خسارات ناشی از عدم تعیین نکات فوق و یا از تعیین آنها به غلط، متوجه ارسال کننده خواهد بود.

ماده ۳۸۰ـ ارسال کننده باید مواظبت نماید که مال‌التجاره به طرز مناسبی عدل‌بندی شود، خسارات بحری (آواری) ناشی از عیوب عدل‌بندی به عهده ارسال کننده است.

ماده ۳۸۱ـ اگر عدل‌بندی عیب ظاهر داشته و متصدی حمل و نقل مال را بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد مسئول آواری خواهد بود.

ماده ۳۸۲ـ ارسال کننده می‌تواند مادام که مال‌التجاره در ید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارت او پس بگیرد.

ماده ۳۸۳ـ در موارد ذیل ارسال کننده نمی‌تواند از حق استرداد مذکور در مادهٔ ۳۸۲ استفاده کند.

۱. در صورتی که بارنامه‌ای توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به مرسل‌الیه تسلیم شده باشد.
۲. در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند آن را پس دهد.
۳. در صورتی که متصدی حمل و نقل و مرسل‌الیه اعلام کرده باشد که مال‌التجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل بگیرد.
۴. در صورتی که پس از وصول مال‌التجاره به مقصد مرسل‌الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد.

در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور مرسل‌الیه عمل کند. معذالک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده مادام که مال‌التجاره به مقصد نرسیده مکلف به رعایت دستور مرسل‌الیه نخواهد

بود مگر اینکه رسید به مرسل‌الیه تسلیم شده باشد.

ماده ۳۸۴ــ اگر مرسل‌الیه مال‌التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال‌التجاره تأدیه نشود و یا به مرسل‌الیه دسترسی نباشد متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع ارسال کننده رسانیده و مال‌التجاره را موقتاً نزد خود بطور امانت نگاهداشته و یا نزد ثالثی امانت گذارد. و در هر دو صورت مخارج و هر نقص و عیب به عهده ارسال کننده خواهد بود. اگر ارسال کننده و یا مرسل‌الیه در مدت مناسبی تکلیف مال‌التجاره را معین نکنند متصدی حمل و نقل می‌تواند مطابق ماده ۳۶۲ آن را به فروش رساند.

ماده ۳۸۵ــ اگر مال‌التجاره در معرض تضییع سریع باشد و یا قیمتی که می‌توان برای آن فرض کرد با مخارجی که برای آن شده تکافو ننماید متصدی حمل و نقل باید فوراً مراتب را به اطلاع مدعی‌العموم بدایت محل یا نماینده او رسانیده و با نظارت او مال را به فروش رساند. حتی‌المقدور ارسال کننده و مرسل‌الیه را باید از اینکه مال‌التجاره به فروش خواهد رسید مسبوق نمود.

توضیح:

ماده ۳۷۹ و بعد (ق.ت) وظایف و مسئولیت ارسال کننده[1] مال‌التجاره را مقرر داشته است که به نکات زیر توجه نموده و مراتب را به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند:

ـ آدرس صحیح مرسل‌الیه (گیرنده کالا)[2] ــ محل تسلیم مال ـ تعداد عدل یا بسته ـ طرز عدل‌بندی و وزن و محتوی آنها ـ زمان تسلیم و روش حمل.

ـ ارسال کننده نباید اطلاعات نادرست به متصدی حمل و نقل بدهد در غیر

1. consignor-Sender-Shipper.

2. consignee.

این صورت مسئول جبران خسارات وارده در کلیه موارد فوق خواهد بود. همچنین متصدی حمل و نقل در مقابل عیب ظاهر بسته‌بندی اگر بدون قید عدم مسئولیت حمل، کالا را قبول کند مسئول **آواری** (خسارت وارده به کالا در دریا و سایر روش‌های حمل) خواهد بود. در خاتمه ارسال کننده تا زمانی که کالا در ید متصدی حمل و نقل می‌باشد می‌تواند آن را با پرداخت هزینه‌های مشخص اخیر و خسارت، کالا را مسترد نماید مگر این که بارنامه توسط ارسال کننده از طریق متصدی حمل و نقل به مرسل‌الیه تسلیم شده یا متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده در مقابل تحویل کالا داده و ارسال کننده نتواند آن را تحویل دهد و یا کالا به مقصد رسیده باشد و مرسل‌الیه تسلیم آن را تقاضا نماید. هنگامی که کالا در معرض تضییع سریع باشد متصدی حمل و نقل مراتب را به ارسال کننده انتقال داده تا نسبت به فروش آن با نظارت دادستان محل اقدام نماید.

ماده ۳۸۶ـ اگر مال‌التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال‌التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل‌الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده‌اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی‌توانست از آن جلوگیری نماید. قرارداد طرفین می‌تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیادتر از قیمت کامل مال‌التجاره معین نماید.

ماده ۳۸۷ـ در مورد خسارات ناشیه از تأخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری) مال‌التجاره نیز متصدی حمل و نقل در حدود مادهٔ فوق مسئول خواهد بود. خسارات مزبور نمی‌تواند از خساراتی که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام مال‌التجاره حکم به آن شود تجاوز نماید مگر اینکه قرارداد طرفین خلاف این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده ۳۸۸ـ متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد. بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است.

توضیح:

ماده ۳۸۶ـ۳۸۷ و ۳۸۸ اصل مسئولیت متصدی حمل و نقل را در موارد زیر پذیرفته است:

ـ تلف یا گم شدن کالا.

ـ نقص یا خسارت بحری کالا.

ـ تأخیر در تسلیم کالا.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار به پیروی از حقوق فرانسه نظریه خطر (La théorie de la risque) را پذیرفته است و زیان دیده نیازی به اثبات تقصیر متصدی حمل و نقل در دادگاه ندارد و این امر برای حمایت از صاحبان کالا و تشدید مسئولیت مدنی متصدی حمل و نقل به منظور دقت بیشتر وی در حمل کالا می‌باشد مگر این که طبق مواد فوق استثناتی مانند **قوه قاهره** وجود داشته باشد و اثبات این امر نیز به عهده متصدی حمل و نقل می‌باشد.

ماده ۳۸۸ (ق.ت) متصدی حمل و نقل را مسئول کلیه حوادث و تقصیراتی می‌داند که در مدت حمل و نقل واقع می‌شود. متصدی حمل و نقل ممکن است شخص حقیقی مانند ناخدای کشتی، شرکت یا مؤسسه حمل و نقل باشد اگر شخص دیگری از طرف متصدی حمل و نقل مأمور حمل شده باشد باز هم مسئولیت مدنی متوجه متصدی حمل و نقل بوده و دعوی حقوقی علیه شخص اخیر اقامه می‌شود. البته می‌توان در مورد تقصیر سنگین، علیه مباشر و مأمور توأماً طرح دعوی نمود در همین زمینه رأی اصراری شماره ۱۹۲۰ـ ۱۳۲۹/۱۲/۱۲ هیات عمومی دیوانعالی کشور حاکی از این است که صدور بارنامه مبین تعهد مؤسسه حمل و نقل شهرستان همدان در رسانیدن بار (بیست عدل فرش) به اداره گمرک و

یا در صورت تعطیل بودن گمرک تخلیه در گاراژ و اطلاع به صاحب کالا بوده، چون یک عدل فرش در گاراژ کرمانشاه از بار مندرج در بارنامه، قبل از اطلاع به صاحب مال به سرقت رفته است؛ لذا دیوان مزبور رأی دادگاه استان را مبنی بر بی حقی خواهان در دعوی مطروحه علیه صاحب گاراژ ابرام و ید متصدی حمل و نقل را برابر ماده ۳۸۸ (ق.ت) مسئول کسر و نقصان محموله در جریان حمل و نقل دانسته است.[1]

این سؤال مطرح گردیده که آیا دعوی علیه نماینده تجارتی متصدی حمل و نقل در صورت تلف یا گم شدن مال‌التجاره یا خسارت ناشی از تأخیر تسلیم یا نقص یا خسارت بحری وارده به مال‌التجاره قابل استماع می‌باشد یا خیر؟ هیأت عمومی دیوانعالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۲۹ـ۶۳/۸/۲۸ ردیف ۱۷/۶۳ چنین اظهارنظر نموده است:

«با توجه به ماده ۳۸۶ قانون تجارت که در صورت تلف یا گم شدن مال‌التجاره، متصدی حمل و نقل را جز در مواردی که مستثنی شده مسئول قیمت کالا و ماده ۳۸۷ آن قانون نامبرده را در مورد خسارات ناشیه از تأخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری) مال‌التجاره، در حدود ماده قبل مسئول شناخته و اینکه در پرونده‌های مطروحه بجای آنکه شرکت سهامی بیمه ایران، به قائم مقامی از بیمه‌گزار، دعوی خود را جهت مطالبه خساراتی که به صاحب کالا پرداخته علیه متصدی حمل و نقل اقامه نماید، علیه نماینده تجارتی متصدی حمل و نقل که مسئولیت و تعهد نماینده به موجب اسناد و مدارک پرونده، ثابت و مسلم نشده، طرح کرده، فلذا استماع دعوی به کیفیت مرقوم مجوز نداشته است بدیهی است در صورتی که بر دادگاه معلوم و محرز شود که نماینده تجارتی متصدی حمل و نقل دارای اختیارات و تعهداتی بوده که او را مسئول نموده و می‌تواند طرف دعوی مطالبه خسارات قرار گیرد قبول دعوی به طرفیت او بلااشکال است.......».[2]

---

۱. آرشیو حقوقی کیهان سال ۱۳۴۱، ص ۴۱۰ تا ۴۱۹.

۲. مجموعه قوانین روزنامه رسمی ۱۳۶۳، ص ۲۲ تا ۲۶.

ماده ۳۸۹ـ متصدی حمل و نقل باید به محض وصول مال‌التجاره مرسل‌الیه را مستحضر نماید.

ماده ۳۹۰ـ اگر مرسل‌الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال‌التجاره مطالبه می‌نماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال‌التجاره را نخواهد داشت مگر این که مبلغ متنازع فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.

ماده ۳۹۱ـ اگر مال‌التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن را تأدیه شود دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده به علاوه متصدی حمل و نقل مسئول آواری غیرظاهر نیز خواهد بود در صورتی که مرسل الیه آن آواری را در مدتی که مطابق اوضاع و احوال رسیدگی به مال‌التجاره ممکن بوده به عمل آید و یا بایستی به عمل آمده باشد مشاهده کرده و فوراً پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. در هر حال این اطلاع باید منتها تا هشت روز بعد از تحویل گرفتن مال‌التجاره داده شود.

ماده ۳۹۲ـ در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل‌الیه اختلاف باشد محکمه صلاحیتدار محل می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین امر دهد مال‌التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده و یا لدی‌الاقتضاء فروخته شود. در صورت اخیر فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از آنکه مال‌التجاره در چه حال بوده به عمل آید.
به وسیله پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت مال‌التجاره ادعا می‌شود و یا سپردن آن به صندوق عدلیه از فروش مال‌التجاره می‌توان جلوگیری کرد.

ماده ۳۹۳ـ نسبت به دعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یک سال است. مبدأ این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال‌التجاره و یا تأخیر در تسلیم روزی است که تسلیم بایستی در آن روز به عمل آمده باشد و در صورت خسارت بحری (آواری) روزی که مال به مرسل‌الیه تسلیم شده.

ماده ۳۹۴ـ حمل و نقل به وسیله پست تابع مقررات این باب نیست.

توضیح:

ماده ۳۸۹ و بعد به وظایف و مسئولیت مرسل‌الیه پرداخته است اگر شخص اخیر بدون هیچ قید و شرطی کالا را قبول نماید بعداً نمی‌تواند از نظر عیوب **ظاهری** کالا علیه متصدی حمل و نقل یا ارسال کننده (مثلاً از نظر بسته‌بندی) اقامه دعوی نماید.

اما مرسل‌الیه پس از تحویل کالا متعاقباً در انبار خود یا به هنگام استفاده در داخل بسته‌بندی متوجه عیوب **غیر ظاهر** گردد به موجب ماده ۳۹۱ مرسل‌الیه مکلف است ظرف ۸ روز فوراً پس از مشاهده عیوب مزبور مراتب را به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. لازم به ذکر است که نسبت به دعوی خسارت علیه متصدی حمل و نقل مرور زمان **یک سال** می‌باشد، مبدأ این مدت به شرح زیر می‌باشد:

- در صورت تلف یا گم شدن کالا از تاریخ تلف یا گم شدن.
- در صورت تأخیر در تسلیم از روزی که تسلیم به عمل آمده است.
- در صورت خسارت بحری (یا سایر روش‌های حمل و نقل) از روزی که کالا به مرسل‌الیه تسلیم شده است.

باب نهم

قائم‌مقام تجارتی و سایر نمایندگان تجارتی

ماده۳۹۵ـ قائم مقام تجارتی کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوط به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام‌آور است. سمت مزبور ممکن است کتباً داده شود یا عملاً.

ماده ۳۹۶ـ تجدید اختیارات قائم مقام تجارتی در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته‌اند معتبر نیست.

ماده۳۹۷ـ قائم مقام تجارتی ممکن است به چند نفر مجتمعاً داده شود با قید اینکه تا تمام امضاء نکنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولی در مقابل اشخاص ثالثی که از این قید اطلاع نداشته‌اند فقط در صورتی می‌توان از آن استفاده کرد که این قید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شده باشد.

ماده ۳۹۸ـ قائم مقام تجارتی بدون اذن رئیس تجارتخانه نمی‌تواند کسی را در کلیه کارهای تجارتخانه نایب خود قرار دهد.

ماده ۳۹۹ـ عزل قائم مقام تجارتی که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شود والا در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده وکالت باقی محسوب می‌شود.

توضیح:

قائم مقام تجارتی که به موجب قرارداد وکالت فعالیت می‌نماید تاجر محسوب نمی‌شود زیرا او وکیل بوده و به حساب تاجر عمل می‌کند. همچنین کسانی که به آنان به نحوی از انحاء تفویض اختیار شده باشد تاجر نخواهند بود. مانند اینکه کسی ریاست شعبه‌ای از بنگاه‌های تجارتی را به موجب اختیارات محوله از طرف تاجر تقبل نماید.

ولی برعکس، مستأجری که مدیریت امور تجارتی را قبول کرده[1] تاجر می‌باشد چون با قبول خطر ضرر و زیان و داشتن استقلال در انجام امور، به حساب خود فعالیت می‌نماید.

ماده ۳۹۵ به قائم مقام تجارتی اختیارات تام برای انجام کلیه امور مربوط به تجارتخانه را داده است، بنابراین اصل بر اختیارات تام قائم مقام مزبور است مگر این که قلمرو اختیارات وی توسط رئیس تجارتخانه محدود گردد. ماده ۳۹۶ محدودیت اختیارات قائم مقام را در مقابل اشخاص ثالث فاقد اعتبار می‌داند. این نظریه در ماده ۱۱۸ (ل.ا.ق.ت) بیان شده است و فلسفه آن حسن جریان مدیریت می‌باشد تا بتواند ابتکار عمل و برنامه مدیریت خود را اعمال نماید.

ماده ۳۹۷ در مورد این که قائم مقام چندین نفر باشند می‌گوید که تعهدات تجارتخانه زمانی الزام‌آور می‌شود که کلیه اعضا آن را امضاء کرده باشند در غیر این صورت تجارتخانه ملزم نخواهد شد. مگر این که اشخاص ثالث از آن اطلاع داشته باشند ضمناً مراتب باید به ثبت رسیده و آگهی گردد. ملاحظه می‌شود که قراردادهای تجارتخانه در صورت تخلف از شرایط مندرج در ماده

---

1. Locataire- gérant — مستأجر مدیریت امور تجارتی

فوق در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت معتبر خواهد بود. ضمناً قائم مقام نمی‌تواند بدون اجازه رئیس تجارتخانه کسی را برای انجام امور نایب خود قرار دهد.

ماده ۳۹۸ برخلاف مقررات وکالت مقرر داشته که عزل قائم مقام باید به ثبت رسیده و آگهی شده باشد.

ماده ۴۰۰ـ با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم مقام تجارتی منعزل نیست. با انحلال شرکت قائم مقام تجارتی منعزل است.

ماده۴۰۱ـ وکالت سایر کسانی که در قسمتی از امور تجارتخانه یا شعبه نمایندگی دارند تابع مقررات عمومی راجع به وکالت است.

توضیح:

مساله دیگر، موضوع ماده ۴۰۰ قانون تجارت است که مقرر می‌دارد: «با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه، قائم مقام تجارتی منعزل نیست، با انحلال شرکت قائم مقام تجارتی منعزل است». با توجه به مفهوم مخالف ماده مذکور اگر رئیس تجارتخانه قبل از فوت یا حجر خود قائم مقام تجارتی تعیین نماید، پس از فوت یا حجر رئیس مزبور، چنین قائم مقامی منعزل نخواهد بود، مگر در صورت انحلال شرکت.

مفاد ماده ۴۰۰ مورد بحث با ماده ۶۷۸ قانون مدنی تعارض دارد، زیرا ماده اخیر می‌گوید وکالت به طریق ذیل مرتفع می‌شود:

ـ به عزل موکل

ـ به استعفای وکیل

ـ به موت یا جنون وکیل یا موکل

بدیهی است وکالت با توجه به نص ماده در صورت عزل، فوت و یا جنون موکل مرتفع می‌شود.

به نظر می‌رسد مقنن با توجه به حمایت از اشخاص ثالث و جلب اعتماد

مردم به سرمایه‌گذاری در ماده ۴۰۰ (ق.ت.) برای ثبات بنگاه تجارتی اهمیت خاصی قائل شده است، ولی بعضی از اساتید علت چنین تعارضی را غبطه صغیر استدلال نموده‌اند.[1]

نداشتن محکومیت جزایی ـ ورشکستگی از موانع اشتغال به تجارت است و همچنین تجارت در اموری که جزء بخش دولتی است برای مأمورین منع گردیده است و به همبن منوال کسانی که مشاغل خاصی را (مانند قضاوت) به عهده دارند نمی‌توانند در عین حال به شغل تجارت بپردازند.

۱. دکتر ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت از انتشارات دهخدا، جلد اول، ص ۲۹.

باب دهم

ضمانت

ماده ۴۰۲ـ ضامن وقتی حق دارد از مضمون‌له تقاضا نماید که بدواً مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانت‌نامه) این ترتیب مقرر شده باشد.

ماده ۴۰۳ـ در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید.

ماده ۴۰۴ـ حکم فوق در موردی نیز جاری است که چند نفر به موجب قرارداد یا قانون متضامناً مسئول انجام تعهدی باشند.

توضیح:

قانون مدنی در ماده ۶۸۴ به پیروی از نظریه فقهای شیعه نقل ذمه به ذمه را پذیرفته است و به موجب ماده ۶۹۸ همان قانون بعد از این که عقد ضمان به

طور منجز واقع شد، ذمه مضمون عنه بری شده و ذمه ضامن در مقابل مضمون‌له مشغول می‌شود.[1]

مرحوم شهید ثانی با ذکر: و عندَ اکثرُ آنّهُ غَیرُ ناقل و اِنّما یفیدُ اشتراکُ ذمّتینِ فَاشتقاقهُ مُنَ الضّم و النّون فیه زایدهٔ.

نظر اکثر علمای عامه را در مورد ضم ذمه به ذمه را مبنی بر اشتراک ذمتین بیان داشته‌اند که به موجب آن مضمون له می‌تواند به ضامن و مضمون‌عنه برای وصول مضمون به طور مشترک (به هر کدام پنجاه درصد) مراجعه نماید به نظر می‌رسد ماده ۴۰۲ از نظر علمای عامه اقتباس شده است که این نوع ضمان، **تضامنی و یا وثیقه‌ای** نمی‌باشد و ماده ۴۰۳ (ق.ت) اصل تضامن را در ماده ۱۲۴ و ۲۴۹ (ق.ت) و یا مواد دیگر به پیروی از ماده ۴۷ قانون متحدالشکل ژنو[2] (راجع به برات و سفته ۷ ژوئن ۱۹۳۰) پذیرفته است که به موجب آن مضمون‌له می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنان و عدم وصول طلب خود یا برای بقیه طلب به دیگری مراجعه نماید.

نتیجه می‌شود که قبول قاعده تضامن و مسئولیت تضامنی در موارد فوق در حقوق تجارت همانند قریب به اتفاق کشورهای دنیا لازمه تقویت حقوق طلبکاران در وصول طلب خودشان و مالاً جلب اعتماد آنان به قبول اسناد

---

۱. الضّمانَ مشتق عندنَا منَ الضّمْنِ لانّهُ یجعَلُ ما کانَ فی ذمّته من المال فی ضمن ذمّهٔ اُخری و لَانَّ ذمّهٔ الضامن تَتَضْمَنُ الحَقُ فَالنُّونَ فیه اصلیّهٌ بَناءً عَلی أنّهَ یَنقُلُ المالُ منَ الذّمَهَ الَی الذّمهٔ و عندَ اکثَرُ العامّهٔ انّهُ غیرُ ناقل. و انّما یفیدَ اشتراکُ ذمّتینِ فَاشتقاقُهُ مُنَ الضّم و النونَ فیه زایدهٔ.
شهید ثانی (زینَ‌الدینَ بنَ علی العاملی الجبعی)، مَسالکَ الأفهام فی شرح شرایع الاَسلام جلد اول، چاپ بصیرتی قم، ص ۲۵۱.

ترجمه: ضمان در نزد شیعه مشتق است از ضَمْن و آن قرار گرفتن آنچه در ذمه شخص است از مال به ذمه شخص دیگر، به عبارت دیگر ذمه ضامن متضمن اداء شده و از این جهت نون در ضمان از حروف اصلی بوده و معنی انتقال مال از ذمه‌ای به ذمه دیگر است و نزد اکثر فقهای عامه ضمان غیر ناقل و باعث اشتراک ذمه ضامن و مضون عنه می‌شود (از این جهت می‌گویند) ضمان مشتق از ضم بوده و نون در آن نون زائد است.

2. ART. 47: Tous ceux qui ont tiré, accepté ou avalisé une lettre de change sont tenus solidairement envers le porteur.

تجارتی و یا سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تجارتی می‌باشد و با توجه به علم و رضایت امضاءکنندگان این اسناد قبول مسئولیت تضامنی منطقی به نظر می‌رسد.

ماده۴۰۵ـ قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تأدیه نیست ولو اینکه به واسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین موجل او حال شده باشد.

ماده ۴۰۶ـ ضمان حال از قاعده فوق مستثنی است.

ماده ۴۰۷ـ اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به اخطار قبلی است این اخطار نسبت به ضمان نیز باید به عمل آید.

ماده ۴۰۸ـ همینکه دین اصلی به نحوی از انحاء ساقط شد ضامن نیز بری می‌شود.

توضیح:

ماده ۴۰۵ مذکور با ماده ۴۲۱ و ۴۲۲ (ق.ت) راجع به ورشکستگی هماهنگ گردیده است. ماده ۴۲۱ (ق.ت) می‌گوید همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال تبدیل می‌شود. به نظر می‌رسد این امر برای حمایت از طلبکاران مؤجل و جلوگیری از اضرار آنان می‌باشد، هر چند که برخی از فقها مانند مرحوم صاحب جواهر [1] در مورد مفلس مخالف حال شدن دیون مؤجل او می‌باشد. در باب ورشکستگی این مطلب را به تفصیل مورد بحث قرار خواهیم داد.

---

۱. شیخ نجفی، محمد حسن، معروف به «صاحب جواهر» جواهر الکلام «فی شرح شرایع‌الاسلام» از انتشارات اسلامیه، تهران ۱۳۴۹، (ه.ق) جلد ۲۵ کتاب المفلس، ص ۲۸۰ و ۲۹۴.

شایان ذکر است که امروزه با انحلال شرکت‌های تجارتی طلبکاران به هیچ وجه نخواهند توانست مطالبات مؤجل خود را وصول کنند.

ماده ۴۰۹ـ همینکه دین حال شد ضامن می‌تواند مضمون‌له را بـه دریافـت طلب یا انصراف از ضمان ملزم کند ولو ضمان موجل باشد.

ماده ۴۱۰ـ استنکاف مضمون‌له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه اگر دین با وثیقه بوده ضامن را فوراً و بخودی خود بری خواهد داشت.

ماده ۴۱۱ـ پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون‌له باید تمـام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون‌عنه لازم و مفیـد است به او داده و اگر دین اصلی با وثیقه باشد آن را به ضامن تسـلیم نماید، اگر دین اصلی وثیقه غیر منقول داشته مضمون‌عنـه مکلـف بـه انجام تشریفاتی است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است.

توضیح:

در موارد فوق رابطه ضامن و مضمون‌عنه با توجه به قبول اصل قاعـده تضـامن در بازرگانی داخلی و بین‌المللی، در موارد سکوت قـانون تجـارت، پیـروی از قاعده مزبور برای حمایت از حقوق طلبکاران به منظور جلب اعتمـاد آنـان بـه واحدهای تجارتی ضروری به نظر می‌رسد.

باب یازدهم

ورشکستگی

فصل اول

در کلیات

ماده ۴۱۲ـ ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود. حکم ورشکستگی تاجری را که حین‌الفوت در حال توقف بوده تا یکسال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود.

توضیح:

فلسفه وجودی مقررات ورشکستگی در حقوق کشورهای مختلف برای حمایت از طلبکار واحدهای تجارتی و ایجاد اعتماد در آنان برای وصول طلب خود می‌باشد و واحدهای اخیر می‌توانند نیازهای صنعتی و بازرگانی خود را به صورت نسیه با صدور برات و سایر اسناد تجارتی تهیه نموده و با این ترتیب با تولید انبوه واحد تجارتی خود را گسترش داده و علاوه بر ایجاد اشتغال و فراهم نمودن صادرات بیشتر نقش مهمی را در شکوفایی اقتصاد کشور خود ایفا نمایند.

قانون تجارت ایران که از قانون تجارت ۴ مارس ۱۸۸۹ فرانسه اقتباس شده و در سال ۱۳۱۱ از ماده ۴۱۲ تا ۵۷۵ به تصویب رسیده است؛ در مورد تصفیه اداره امور ورشکستگی نیز مقرراتی در این قانون درنظر گرفته شده است. ضمناً در بعضی از حوزه‌های قضایی شهرستان اداره تصفیه امور ورشکستگی به تقلید از حقوق سوئیس تحت حاکمیت قانون تصفیه امور ورشکستگی ۱۳۱۸/۴/۲۴ و آیین‌نامه مربوطه تأسیس گردیده است. برای مطالعه بیشتر به منبع زیر مراجعه نمایند.[1]

در تعریف ورشکستگی ماده ۴۱۲ فقط تاجر یا شرکت تجارتی را تابع قانون نموده است و در قانون شماره ۵۶۳ـ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۷ و قانون شماره ۸۵ـ۸۹۷ مورخ ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵ فرانسه، مؤسسات نیز تابع قانون ورشکستگی شده‌اند.

امروزه واژه ورشکستگی در قوانین اتحادیه اروپا و سایر کشورهای صنعتی تبدیل به بازسازی قضایی و تصفیه اموال شده است و دادگاه‌های ویژه با تعدد قضات متخصص تشکیل شده که در مرحله اول هدف بازسازی واحد بازرگانی برای حمایت از مصرف‌کنندگان می‌باشد.

واژه «توقف»[2] در ماده مذکور بدون توجه به کل دارایی (اعم از مثبت و منفی) می‌باشد و به صرف توقف از تأدیه وجوه (نه اموال) تاجر، دادگاه می‌تواند مبادرت به صدور حکم ورشکستگی بنماید. این نظریه در حقوق جدید جای خود را به «عدم توانایی پرداخت»[3] داده است.

دادگاه‌های ایران از تفسیر مضیق واژه «توقف» مندرج در ماده ۴۱۲ خودداری نموده‌اند. این امر در رأی شماره ۳۵۷۶ـ۱۳۴۲/۱۲/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور[4] منعکس می‌باشد. شعبه اول دادگاه شهرستان اصفهان، رسیدگی خواهان را به خواسته اعلام توقف، به طرفیت شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی شهررضا رونوشت چند فقره سفته واخواست شده و

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد چهارم، پیشین، ص ۱۳ و بعد.

2. Cessation of payment of sums dues.

3. Insolvability

۴. مجموعه رویه قضایی آرشیو حقوقی کیهان، سال ۱۳۴۳، ص ۲۱۴ تا ۲۱۵.

اظهارات گواهان را دلیل عجز شرکت از تأدیه بدهی شرکت ندانسته و عدم پرداخت را ناشی از علل دیگر بیان نموده است. ولی هیأت عمومی برخلاف نظر دادگاه بدوی و تجدیدنظر با تفسیر مضیق واخواست سفته‌ها را دلیل بر توقف شرکت خوانده دانسته است.

به نظر می‌رسد تفسیر شعبه اول دادگاه شهرستان اصفهان با واقعیات اقتصادی امروزه و ثبات شرکت‌های تجارتی هماهنگی بیشتری دارد و پیشنهاد می‌شود که قسمت اول ماده ۴۱۲ (ق.ت) به شرح زیر اصلاح گردد:

ماده ۴۱۲ «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتی، هر شخص حقوقی خصوصی حتی غیرتاجر، یا هر شخص حقیقی غیرتاجر که موضوع فعالیت آنان اقتصادی و یا سودآور باشد، در نتیجه عدم توانایی از تأدیه دیونی که بر عهده دارد حاصل می‌گردد.

تبصره ـ شخص حقوقی حقوق خصوصی غیرتاجر و شخص حقیقی غیرتاجر مطابق مقررات آیین‌نامه وزارت دادگستری مشخص می‌شوند».

بدیهی است در اثبات عدم توانایی از پرداخت دیون توسط مدیون، بار دلیل به عهده خواهان است و دادگاه می‌تواند حکم ورشکستگی را، با توجه به توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده بدهکار بوده و اظهارات شهود و مطلعین و عنداللزوم جلب نظر کارشناس فنی، در مورد حسابرسی و رسیدگی به دفاتر بدهکار، صادر نماید و همچنین قبل از صدور حکم وضع مالی و اعتبار مدیون و سایر اوضاع و احوال قضیه را مورد بررسی قرار دهد.

قسمت دوم ماده در مورد تاجری است که حین الفوت در حال توقف بوده است که دادگاه می‌تواند تا یکسال بعد از مرگ او حکم ورشکستگی صادر نماید. در حقوق فرانسه حکم تاجر متواری نیز پیش‌بینی گردیده است و مبدأ زمانی برای تقدیم دادخواست تاریخ فوت در نظر گرفته شده است و در حقوق ایران قید صدور حکم تا یکسال پس از مرگ صحیح نمی‌باشد.

شایان ذکر است که در سایر مواد مربوط به ورشکستگی فقط واژه «تاجر» بدون قید «شرکت تجارتی» آمده است که مسامحه در نگارش می‌باشد، به نظر می‌رسد واژه تاجر به اطلاق برگزار شده است. همچنین کسبه جزء و پیشه‌ور طبق

ماده ۱۶ (ق.ت) از ثبت نام در دفتر تجارتی مستثنی می‌باشند و از شمول ورشکستگی معاف بوده و مقررات راجع به اعسار در مورد آنان تجویز شده است و برای شناسایی کسبه جزء و پیشه‌ور در نظام‌نامه جدید قوهٔ قضائیه مصوب ۱۳۸۵/۱۱/۹ به شرح زیر پیش‌بینی شده است:

۱. میزان فروش سالیانه کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نظایر آنها از مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تجاوز نکند.

۲. ارائه دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای که مبلغ دریافتی آنها در قبال خدمات ارائه شده در سال ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تجاوز نکند.

فصل دوم
در اعلان ورشکستگی و اثرات آن

ماده ۴۱۳ـ تاجر باید در ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در تأدیه قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده است توقف خود را به دفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حساب دارایی و کلیه دفاتر تجارتی خود را به دفتر محکمه مزبور تسلیم نماید.

ماده ۴۱۴ـ صورت حساب مذکور در ماده فوق باید مورخ بوده و به امضاء تاجر رسیده و متضمن مراتب ذیل باشد:

۱. تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف بطور مشروح.

۲. صورت کلیه قروض و مطالبات.

۳. صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی.

در صورت توقف شرکت‌های تضامنی، مختلط یا نسبی اسامی و محل اقامت کلیه شرکاء ضامن نیز باید ضمیمه شود.

ماده ۴۱۵ـ ورشکستگی تاجر به حکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می‌شود:
الف) برحسب اظهار خود تاجر.
ب) به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها.
ج) برحسب تقاضای مدعی‌العموم.

ماده ۴۱۶ـ محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد، تاریخ حکم، تاریخ توقف محسوب است.

توضیح:

تاجر اعم از شخص حقیقی یا حقوقی مکلف است ظرف ۳ روز از تاریخ «توقف» از تأدیه وجوهی که بر عهده دارد دادخواست ورشکستگی خود را با ضمائم مندرج در ماده ۴۱۴ به دادگاه شهرستان محل اقامت خود تقدیم نماید در غیر این صورت برابر بند ۲ ماده ۵۴۲ و ۵۴۳ (ق.ت) دادگاه می‌توانند تاجر را ورشکسته به تقصیر اعلام کرده و به مجازات مندرج در ماده ۶۷۱ قانون تعزیرات محکوم نماید.

به نظر می‌رسد که مهلت ۳ روز اعلام ورشکستگی از تاریخ توقف با واقعیت حقوقی تطبیق نمی‌نماید زیرا تنظیم ضمائم دادخواست مدت زمان بیشتری نیاز دارد. در این زمینه قانون‌گذار آلمان نه تنها مبنای اعلام ورشکستگی را عدم توانایی ورشکسته از تأدیه دیون خود دانسته و توقف را به عنوان اماره در نظر گرفته است بلکه مدت زمان اعلام ورشکستگی از طرف تاجر را در اختیار دادگاه گذاشته است.[1]

برابر بند ج ماده ۴۱۴ (ق.ت) دادستان نیز حق دارد علیه تاجر متوقف اعلام ورشکستگی کند. به نظر می‌رسد چنین اختیاراتی وسیع می‌باشد شاید بتوان اقدام دادستان را برای حمایت از حقوق محجورین که به طور حتمی در

---

۱. مواد ۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵ قانون ۱۰ فوریه ۱۸۷۷ درباره تصفیه اموال بدهکاران. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد چهارم، پیشین، ص ۱۹.

معرض تلف می‌باشد پذیرفت و این خطر وجود دارد که دادستان با استفاده از اختیارات خود علیه تاجر یا شرکت تجارتی به دلیل واخواست چند سفته اعلام ورشکستگی نموده و موجبات تزلزل اعتبار واحدهای تجارتی را فراهم سازد.

بهتر است همانند بعضی از کشورها این اختیار به خود دادگاه صلاحیتدار[1] یا به سازمان کنترل کننده شرکت‌ها[2] در مورد شرکت‌های تجارتی تفویض گردد، زیرا این قبیل مراجع بیشتر از دادستان به امور تجارتی آشنایی دارند.

ماده ۴۱۷ـ حکم ورشکستگی بطور موقت اجراء می‌شود.

توضیح:

اصل برای اجرای حکم قطعیت آن می‌باشد یعنی دعوی تمام مراحل دادرسی اعم از بدوی، تجدیدنظر و دیوان عالی کشور را طی کرده باشد. دو استثناء به شرح زیر وجود دارد:

۱. بعضی از تصمیمات قضایی قبل از قطعیت به طور موقت اجرا می‌شوند مانند دعوی تصرف عدوانی، رفع مزاحمت و ممانعت از حق و حکم ورشکستگی.
۲. حکم قطعی گاهی قابلیت اجرایی ندارد مگر آن که مرحله نهایی را در دیوان عالی کشور طی کرده باشد مانند حکم راجع به جعل سند که برای اعدام سند نیاز به صدور حکم نهایی می‌باشد.

تذکر این نکته ضروری است که منظور از اجرای موقت مندرج در ماده ۴۱۷

---

۱. در حقوق فرانسه قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۷.

۲. در حقوق انگلیس هیأت تجارت «Board of Trade» که در سال ۱۹۷۰ به اداره بازرگانی و صنعت «Department of Trade and Industry» ادغام گردید. در این مورد به رساله نویسنده این سطور ص ۳۴۹ مراجعه نمایند:

-DR-ERFANI Mahmoud, L'information des actionnaires étude Comparative en droit Français, Allemand, Anglais et des Etats-Unis Thèse. doc. d'Etat en Droit, Préface R.Houin, Paris 1976 Ed.S.R.T.P.349.

منحصر به اقدامات تأمینی از قبیل دعوت بستانکاران و سایر اقدامات ضروری بوده و انتقال قطعی اموال را شامل نمی‌شود چون در صورت نقص حکم بدوی شاید نتوان وضع را به حال سابق اعاده نمود به خصوص در اموال غیرمنقول طبق ماده ۲۲ (ق.ث)[1] همین که ملک مطابق قانون (اعم از توافق طرفین یا حکم قطعی دادگاه) در دفتر املاک به ثبت رسید، دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی که ملک مزبور به او منتقل گردیده یا از طریق ارث به او رسیده باشد مالک می‌شناسد. در صورت اختلاف برای ثبت ملک به نام منتقل‌الیه منوط به صدور حکم نهایی است تبصره ماده مزبور می‌گوید:

تبصره ـ حکم نهایی عبارت از حکمی است که به واسطهٔ طی مراحل قانونی و یا به واسطهٔ انقضاء مدت اعتراض و استیناف و تمیز دعوائی که حکم در آن موضوع صادر شده از دعاوی مختومه محسوب شود.

ماده ۴۱۸ـ تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کند.

توضیح:

تاجر ورشکسته (شخص حقیقی یا حقوقی) از تاریخ صدور حکم ورشکستگی از مداخله در تمام اموال خود اعم از مال منقول و غیرمنقول، عین و منفعت و حقوق مالی از قبیل، حق طلب، حق خیار، حق شفعه یا حق تحجیر حتی اموالی که ممکن است بعداً عاید او شود ممنوع می‌باشد.

آیا تاجر می‌تواند در اموال دیگری مداخله نماید؟ پاسخ مثبت می‌باشد. زیرا ماده ۴۱۸ مداخله تاجر ورشکسته را فقط در اموال خود ممنوع کرده است

۱. قانون ثبت

بنابراین او می‌تواند وکالتاً برای شخص دیگر معاملاتی انجام دهد و با چنین تفسیری تاجر به جهت حمایت در حقوق غرما ممنوع المعامله گردیده و محجور محسوب نمی‌شود. زیرا او فرد بالغ، عاقل و رشید بوده و به علت نابسامانی اقتصادی در امر تجارت شکست خورده است و باید به او امکان فعالیت کاری بعد از ورشکستگی داده شود، تا بتواند با تنظیم قرارداد کار، زندگی خود را تأمین نماید ولی نسبت به مازاد مستثنیات دین هیچگونه حق مداخله ندارد.

آیا تاجر ورشکسته می‌تواند حقوق غیر مالی خود را از قبیل ازدواج، طلاق، قصاص یا عفو از قصاص بنماید؟

بلی. زیرا ماده ۴۱۸ مداخله در اموال و حقوق مالی را برای شخص ورشکسته پیش‌بینی کرده است.

در فقه اسلامی نیز مُفَلَّس می‌تواند حقوق غیرمالی خود را اعمال کند زیرا این امر حقوق غرما را تضییع نکرده و ضرری به آنان وارد نمی‌سازد. از طرف دیگر اعمال حقوق مزبور موجبات رفع عُسروحَرَج در زندگی مفلس می‌گردد. اگر مفلس پس از صدور حکم افلاس قرض بگیرد یا چیزی به نسیه بخرد، صحیح است. اما از اموال خود که متعلق به غرما می‌باشد نمی‌تواند ادای قرض نماید و فروشنده به نسیه با طلبکار شریک نمی‌شود.[1]

ماده ۴۱۹ـ از تاریخ حکم ورشکستگی هرکس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند، کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.

ماده ۴۲۰ـ محکمه هر وقت صلاح بداند می‌تواند ورود تاجر ورشکسته را به عنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد.

---

۱. آیت الله شعرانی، حاج شیخ ابوالحسن، تبصره المتعلمین، چاپ اسلامیه، تهران، ۱۳۵۵، ص ۴۰۰.

توضیح:

از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، مدیر تصفیه یا اداره تصفیه (در شهرستان‌هایی که تشکیل گردیده است) قائم مقام قانونی تاجر ورشکسته می‌باشد لذا:

- دعوی علیه قائم مقام قانونی اقامه می‌شود.
- اگر دعوی قبل از صدور حکم ورشکستگی طرح گردیده به علت تعلیق آن، ادامه تعقیب با تقدیم لایحه‌ای علیه مدیر تصفیه صورت می‌گیرد.
- چنانچه حکم قطعی علیه ورشکسته قبل از صدور حکم صادر شده باشد، اقدامات اجرایی به طرفیت او تعقیب می‌شود.

ماده ۴۲۱ـ همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت قروض حال مبدل می‌شود.

توضیح:

حال شدن دیون مؤجل تاجر ورشکسته در قانون تجارت ایران و ماده ۱۶۰ شماره ۸۵ـ۹۸ مورخ ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵ فرانسه[1] پذیرفته شده است. ماده اخیر می‌گوید: «حکمی که در مورد تصفیه اموال صادر می‌شود مطالباتی را که از تاریخ آغاز دادرسی بازسازی قضایی مؤجل بوده‌اند به حال تبدیل می‌نماید»[2].
مسأله حال شدن دیون مؤجل چنین توجیه می‌شود که چون طلبکار در بدو امر به تاجر یا شرکت تجارتی به لحاظ اعتبار آنان اعتماد می‌نماید، لذا حاضر می‌شود به تاجر یا شرکت تجارتی در ادای دیون مهلت دهد، ولی به علت وخیم شدن وضع مالی تاجر و ورشکستگی او، طلب طلبکار در معرض تضییع

1. Loi no 85 du25janvier 1985 relative au redressement et à la liquidation judiciaries des entreprises. Journal official 25 janvier 1985. p.1097
2. Le jugement qui pronounce la liquidation judiciaire rend exigibles les creances qui n'etaient pas échues à la date à laquelle est intervenu le jugement d'ouverture du redressement Judiciaire.

قرار می‌گیرد. بنابراین باید از ورود ضرر به طلبکار جلوگیری شود و برای این منظور طلب وی حال گردد، زیرا اگر اجل تبدیل به حال نشود، مدیر تصفیه یا اداره تصفیه اموال تاجر را بین طلبکارانی که طلب حال دارند به نسبت حصه آنان تقسیم می‌نماید و دیگر مالی باقی نخواهد ماند تا صاحب طلب موجل پس از حال شدن طلب، اسناد مربوطه را ارائه و طلب خود را وصول نماید و از این بابت متضرر خواهد شد.

اما ماده ۴۰۵ (ق.ت) که می‌گوید: «قبل از رسیدن اجل دین اصلی، ضامن ملزم به تأدیه نیست، ولو اینکه به واسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین مؤجل شده باشد»، نشان می‌دهد قانون‌گذار در مورد ضامن دین حکم خاصی را بیان داشته است که ماده ۴۲۱ (ق.ت) را در این مورد تخصیص می‌نماید.

در فقه اسلامی این سوال مطرح می‌شود که اگر قسمتی از دیون مفلس حال و قسمت دیگر آن مؤجل باشد در صورت اخیر حاکم می‌تواند نسبت به حال شدن آنها نظر دهد؟ در این مورد بین علمای اهل تسنن و برخی از فقهای شیعه اختلاف نظر وجود دارد:

علماء اهل تسنن (شافعی، احمد بن حنبل و مالک بن انس) با مقایسه دیون مؤجل مفلس با دیون مؤجل میت، معتقدند که دیون مؤجل مفلس حال می‌شود؛ ابن جنید (اسکافی) با این نظر موافق بوده ولی صاحب جواهر این قیاس را، قیاس مع‌الفارق دانسته و اضافه می‌نماید که اگر دیون مؤجل میت حال نشود، ورثه و بستانکاران از این امر متضرر می‌شوند؛ زیرا بعد از مرگ، ذمه برای میت باقی نمی‌ماند، لکن ذمه مفلس مشغول خواهد بود.[1]

اما، می‌توان گفت طلبکار براساس اعتماد و وثوقی که به مدیون دارد به او وام می‌دهد و این اعتماد تا زمانی ادامه خواهد یافت که شخص، مفلس و محجور نشده باشد و به خاطر این سلب اعتماد طلبکاران حق مراجعه به مفلس را دارند.

---

۱. شیخ نجفی، محمد حسن، پیشین، ص ۲۸۰ و ۲۹۴- دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد چهارم، پیشین، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.

این سؤال مطرح می‌شود که آیا طلبکار می‌توانـد طلـب مؤجـل خـود را از اموال مفلس مطالبه نماید؟ به نظر می‌رسد که طلبکار به دلیل آنکه اعتمـاد او از مدیون ساقط شده و طلب او نیز در معرض تضییع قرار گرفته است، بتوانـد بـا تخفیفات مقتضیه، طلب خود را وصول نماید.

از طرف دیگر امروزه با ورشکستگی و انحلال شرکت‌های تجـارتی، حـال نشدن دیون مؤجل موجب ضرر بستانکاران می‌گردد.

ماده ۴۲۲ـ هرگاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصی که مسئول تأدیه وجه فتـه طلب یا برات می‌باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مـدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تأدیه آن را در سر وعده تأمین نمایند.

توضیح:

ماده مزبور در سه مورد زیر حال شدن دیون مؤجل ورشکسته را تجویز نمـوده است:

- اگر تاجر ورشکسته سفته صادر کرده باشد.
- چنانچه تاجر برات صادر کرده که قبول نشده است.
- در صورتی که تاجر برات صادر کرده که قبولی نوشته شده باشد.

در سه مورد فوق سایر امضاء کنندگان اسناد مذکور مسؤول تأدیه وجه سـفته و برات با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت می‌باشـند در حقـوق فرانسـه طبق ماده ۱۵۲ قانون ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵ با توجه به نرخ تـورم بهـره منفـی را در صورت حال شدن دین از طلب بستانکار نسبت به مدت کسـر مـی‌نماینـد. در حقوق ایران واژه «تخفیفات مقتضیه» به صورت مبهم بیان شده اسـت. بـه نظـر می‌رسد قاضی رسیدگی کننده می‌تواند با توجه به جدول شـاخص کـل بهـای کالاها و خدمات مصرفی، مبلغ حال شده نقدی قابل پرداخت را تعیین نمایـد مانند محاسبه خسارت تأخیر تأدیه در چـک بـدون محـل مصـوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

ماده ۴۲۳ـ هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثـر خواهد بود:

۱. هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر نقـل و انتقـال بلاعـوض اعم از این که راجع به منقول یا غیر منقول باشد.

۲. تأدیه هر قرض اعم از حال یا موجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد.

۳. هر معامله، که مالی از اموال منقول یا غیـر منقـول تـاجر را مقیـد نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود.

توضیح:

تعیین تاریخ توقف با توجه به اظهارات طلبکاران و تاجر ورشکسته، با دادگـاه می‌باشد و اگر تاریخ مزبور احراز نشود تاریخ صدور حکم ورشکستگی مـلاک عمل خواهد بود.

بعد از تاریخ توقف و قبل از صدور حکم ورشکستگی ایـن امکـان وجـود دارد که تاجر معاملاتی به ضرر بستانکاران انجام داده و با سوء نیت بعضـی از اموال خـود را بـه دیگـران انتقـال دهـد. لـذا بـرای حمایـت از بسـتانکاران و جلوگیری از سلب اعتماد آنان نسبت به واحـدهای تجـارتی در حقـوق اغلـب کشورها مقرراتی در این زمینه وضع شده است.

حقوقدانان فاصله بین تـاریخ توقـف تـاجر تـا زمـان حکـم را بـه (دوران مشکوک) نامگذاری کرده‌اند که در حقوق فرانسه این دوره مدت ۶ ماه قبـل از تاریخ صدور حکم در نظر گرفته شده است ولی در حقوق ایران بـا توجـه بـه ماده ۴۲۳ (ق.ت) دوران مشکوک محدودیتی ندارد، حتی در پرونده‌ها مشـاهده شده که دادگاه تاریخ توقف را حدود ۱۰ سال قبل از تاریخ حکم تعیین نمـوده است که این امر برخلاف منطق قضایی بوده و به ثبات معاملات بـین افـراد بـا تجار و شرکت‌های تجارتی لطمه شدیدی وارد می‌سازد.[1]

در ماده ۴۲۳ بطلان معامله تاجر بعد از تاریخ توقف پیش بینی شده امـا در

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد چهارم، پیشین، ص ۸۳

حقوق فرانسه این امر برای ثبات معاملات در اختیار دادگاه گذاشته شده است (ماده ۱۰۸ قانون ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵).

بند ۱ ماده ۴۲۳ معاملات غیر معوض را باطل دانسته است و بند ۲ ماده مزبور تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل را باطل دانسته است در صورتی که در حقوق فرانسه پرداخت دیون بوسیله تاجر ورشکسته به طور نقدی یا از طریق اسناد تجارتی مانند برات، سفته یا چک به منظور تقویت اعتبار این اسناد باطل ندانسته است.[1]

بند ۳ ماده ۴۲۳ معامله مال منقول یا غیر منقول به وسیله تاجر ورشکسته که به ضرر طلبکاران باشد را باطل می‌داند اما اگر تاجر ورشکسته معامله‌ای بنماید که به نفع طلبکاران گردد آن معامله صحیح می‌باشد.

ماده ۴۲۴ـ هرگاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین المعامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر این که طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می‌شود.

توضیح:

ماده فوق معاملات قبل از توقف تاجر را با احراز شرایط زیر قابل فسخ دانسته است:

---

1. Art. 109: Les dispositions des articles 107 et 108 ne portent pas atteinte à la validité du paiement d'une lettre de change, d'un billet à ordre d'un chèque. Toutefois, l'administrateur ou le represéntant des créanciers peut exercer une action en rapport contre le tireur de la lettre de change ou dans le cas de tirage pour compte, contre le donneur d'ordre, ainsi que contre le bénéficiaire d'un chèque et le premier endosseur d'un billet à ordre, s'il est établi qu'ils avaient connaissance de la cessation des paiements.

- اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکار علیه کسانی که طرف معامله با تاجر بوده‌اند.
- اثبات این که تاجر متوقف قبل از توقف برای فرار از ادای دین یا اضرار به طلبکارها معامله نموده است.
- معامله متضمن ضرری بیش از $\frac{1}{4}$ قیمت حین المعامله باشد. چنانچه شخص معامله کننده یا قائم قانونی او تفاوت قیمت را قبل از صدور حکم پرداخت کند در این صورت معامله فسخ نمی‌شود. ضمناً دعوی فسخ باید ظرف ۲ سال از تاریخ معامله اقامه شود.

در حقوق فرانسه معاملات قبل از توقف به لحاظ ثبات معاملات بازرگانی صحیح می‌باشد مگر این که معامله غیر معوض باشد.

ماده۴۲۵ـ هر گاه محکمه به موجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عیناً به مدیر تصفیه تسلیم و قیمت حین المعامله آن را قبل از اینکه دارایی تاجر به غرما تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد.

ماده۴۲۶ـ اگر در محکمه ثابت شود که معامله بطور صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معامله خودبخود باطل و عین و منافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزو غرماء حصه‌ای خواهد برد.

توضیح:

در این ماده قانون‌گذار برای حمایت از شخص معامله کننده از تاجر به وی امکان داده تا پس از قطعی شدن حکم، مال مورد معامله را به مدیر تصفیه تسلیم نموده و قیمت حین المعامله را دریافت نماید. این امتیاز به شخص مزبور داده شده که داخل در غرما نشود زیرا باقی‌مانده دارایی تاجر ورشکسته

همیشه کمتر از بدهی او می‌باشد و غرما درصدی از طلب خود را از دارایی ورشکسته وصول می‌نمایند.

ماده ۴۲۶ معاملات صوری یا مسبوق به تبانی را باطل دانسته است و محکوم علیه علاوه بر عین مال مورد معامله باید منافع آن را نیز مسترد دارد.

فصل سوم

در تعیین عضو ناظر

ماده ۴۲۷ـ در حکمی که به موجب آن ورشکستگی تاجر اعلام می‌شود محکمه یک نفر را به سمت عضو ناظر معین خواهد کرد.

ماده۴۲۸ـ عضو ناظر مکلف به نظارت در اداره امور راجع به ورشکستگی و سرعت جریان آن است.

ماده۴۲۹ـ تمام منازعات ناشیه از ورشکستگی را که حل آن از صلاحیت محکمه است عضو ناظر به محکمه راپورت خواهد داد.

ماده۴۳۰ـ شکایت از تصمیمات عضو ناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین نموده.

ماده۴۳۱ـ مرجع شکایت محکمه است که عضو ناظر را معین کرده.

ماده۴۳۲ـ محکمه همیشه می‌تواند عضو ناظر را تبدیل و دیگری را به جای او بگمارد.

فصل چهارم

در اقدام به مهر و موم
سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته

ماده ۴۳۳ـ محکمه در حکم ورشکستگی امر به مهر و موم را نیز می‌دهد.

ماده۴۳۴ـ مهر وموم باید فوراً به توسط عضو ناظر به عمل آید مگر در صورتی که به عقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارایی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.

ماده۴۳۵ـ اگر تاجر ورشکسته به مفاد ماده۴۱۳ و ۴۱۴ عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد.

ماده۴۳۶ـ قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد به واسطه اقدامات خود از اداره و تسویه شدن عمل ورشکستگی می‌خواهد جلوگیری کند.

ماده۴۳۷ـ در صورتی که تاجر مقروض فرار کرده یا تمام یا قسمتی از دارایی خود را مخفی نموده باشد امین صلح می‌تواند بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام به مهر و موم نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را به مدعی العموم اطلاع دهد.

ماده۴۳۸ـ انبارها و حجره‌ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر و موم شود.

ماده۴۳۹ـ در صورت ورشکستگی شرکتهای تضامنی، مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکاء ضامن مهر وموم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی آنها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادر شده باشد.

تبصره ـ در مورد این ماده و ماده فوق مستثنیات دین از مهر و موم معاف است.

توضیح:

برابر ماده۱ قانون تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۸ در هر حوزه دادگاه عمومی که وزارت دادگستری مقتضی بداند اداره تصفیه برای رسیدگی به امور ورشکستگی تأسیس می‌نماید و در این موارد عضو ناظر تعیین نمی‌شود. بدیهی است در نقاطی که اداره تصفیه تشکیل نشده باشد، امر تصفیه طبق قانون تجارت صورت می‌گیرد.

ماده ۴۲۷ به پیروی از قانون تجارت فرانسه دادگاه را مکلف کرده که یک نفر به سمت عضو ناظر[1] برای نظارت در اداره امور ورشکستگی تعیین نموده و نتیجه را به دادگاه گزارش کند. عضو ناظر اقدامات تأمینی و سایر وظایف خود را مطابق مواد ۴۲۸ تا ۴۳۹ انجام می‌دهد. ضمناً دادگاه می‌تواند بنا به گزارش عضو ناظر قرار توقیف تاجری را که به واسطه اقدامات خود از انجام امور تصفیه جلوگیری می‌نماید، صادر کند.

دیوان عالی کشور در رأی ۱۰۷۸ـ۱۳۱۱/۴/۹ چنین نظر داده است: «ایراد بر دادرس وارد نیست..... زیرا هر چند اصولاً هر حکمی باید مقرون به رسیدگی و مدلل باشد، ولی چون دادرس مزبور در اصدار حکم ورشکستگی متکی به ماده ۴۳۵ قانون تجارت شده و ماده مزبور بر حسب ظاهر دلالتی بر لزوم رسیدگی در مواردی که برای اصدار حکم توقف مقرر گردیده، ندارد و از طرفی هم این قبیل از امور فوری و تأخیر در اقدام مقتضی بدون جهات مصرحه قانونیه اقتضا نداشته و اقدام مشارالیه در این مورد مبتنی بر نظر قضایی او بوده است».[2]

---

1. juge-Commissaire

۲. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد چهارم، پیشین، ص ۹۸.

فصل پنجم
در مدیر تصفیه

ماده ۴۴۰ـ محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتها در ظرف پنج روز پس از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می‌کند.

ماده۴۴۱ـ اقدامات مدیر تصفیه برای تهیه صورت طلبکاران و اخطار به آنها و مدتی که در آن مدت طلبکاران باید خود را معرفی نمایند و بطور کلی وظایف مدیر علاوه بر آن قسمتی که به موجب این قانون معین شده بر طبق نظامنامه‌ای که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود معین خواهد شد.

ماده ۴۴۲ـ میزان حق الزحمه مدیر تصفیه را محکمه در حدود مقررات وزارت عدلیه معین خواهد کرد.

توضیح:

ماده ۴۴۰ دادگاه را مکلف کرده که یک نفر به سمت مدیر تصفیه برای اجرای حکم ورشکستگی و تقسیم اموال بین غرما تعیین نماید و ماده ۴۴۱ وظایف مدیر تصفیه را به نظام‌نامه وزارت عدلیه محول نموده است. واژه «نظام‌نامه» در مواد ۴۴۱ـ۴۴۲ـ۴۵۷ـ ۴۶۲ـ۴۶۷ـ۴۷۶ـ۵۱۰ (ق.ت) قید گردیده است. شایان ذکر است که فقط در اجرای مواد مذکور نظام‌نامه ۷۰۶۸ــ۱۳۱۱/۳/۱۶ وزارت عدلیه به تصویب رسیده است و به شرح زیر می‌باشد:

نظام‌نامه شماره ۷۰۶۸ـ۱۳۱۱/۳/۱۶

ماده ۱ـ اشخاصی که با تاجر ورشکسته قرابت نسبی یا سببی تا درجه چهارم دارند یا طلبکاران ورشکسته هستند نباید به مدیریت تصفیه

معین شوند.

ماده۲ـ شکایت از عملیات مدیر تصفیه به عضو ناظر محکمه داده می‌شود و عضو ناظر باید در ظرف سه روز به شکایت واصله رسیدگی نموده تکلیف شکایت را معلوم کند.
از تصمیم عضو ناظر ممکن است به محکمه شکایت شود عضو ناظر می‌تواند برحسب شکایت موجه تاجر ورشکسته یا طلبکارهای او و یا به نظر خود تغییر مدیر تصفیه را از محکمه بخواهد. در صورتی‌که عضو ناظر در ظرف ۱۰ روز به شکایات واصله رسیدگی نکند شاکی می‌تواند به محکمه مراجعه نماید. محکمه در جلسه اداری راپورت عضو ناظر و توضیحات مدیر تصفیه را استماع نموده، در موضوع تبدیل رأی می‌دهد و این رأی قابل شکایت نیست.

ماده۳ـ همین که مدیر تصفیه معین شد باید فوراً صورتی از طلبکاران احتمالی تاجر ورشکسته مرتب نماید.
صورت مزبور را مدیر تصفیه با مراجعه به صورت قروض که تاجر متوقف مطابق ماده ۴۱۴ قانون تجارت می‌دهد و یا برطبق دستور شماره ۴۴۹ در صورتی‌که تاجر ورشکسته صورت دارائی خود را تسلیم ننموده باشد تنظیم می‌کند.

ماده۴ـ همین که صورت طلبکاران احتمالی موافق ماده فوق تنظیم گردید مدیر تصفیه بوسیله اعلان در مجله رسمی و لااقل یک روزنامه دیگر به طلبکاران احتمالی اخطار می‌نماید که در مدت‌های ذیل خود را معرفی کرده و اسناد طلب خود یا مواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می‌نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده، قبض دریافت دارند.
اعلان مزبور باید دو دفعه و به فاصله پنج روز منتشر شود. مدت‌های

مذکور از این قرار است:

- برای طلبکاران مقیم در مقر محکمه یک ماه از تاریخ نشر آخرین اعلان.
- برای طلبکاران مقیم در سایر نقاط ایران دو ماه از تاریخ نشر آخرین اعلان.
- برای طلبکاران مقیم در خارجه سه ماه از تاریخ نشر آخرین اعلان.

ماده ۵ـ هر طلبکاری پس از آنکه طلبش مورد قبول واقع شد باید در همان مجلس التزام بدهد که قبولی مدیر تصفیه را از راه خدعه و تزویر تحصیل ننموده و مبلغ قبول شده را از روی واقع و حقیقت طلبکار تحصیل ننموده و مبلغ قبول شده را از روی واقع و حقیقت طلبکار می‌باشد و نیز باید کتباً ملتزم گردد که در صورت کشف خلاف، معادل آنچه را که خلافش ثابت شده است بپردازد مفاد این ماده مانع از این نیست که هرگاه عمل مشمول مقررات جزائی باشد مدعی طلب مورد تعقیب جزائی نیز قرار گیرد.

ماده ۶ـ فروش اموال تاجر ورشکسته در مورد مواد ۴۵۷ و ۵۱۰ قانون تجارت به طریق مزایده و مطابق نظامنامه اجرای اسناد لازم‌الاجراء اداره ثبت به عمل می‌آید.

ماده ۷ـ مدیر تصفیه در آخرین جلسه مجمع عمومی طلبکارها که برای تصفیه عمل ورشکستگی یا قرارداد ارفاقی منعقد می‌شود صورت مخارج و حق‌الزحمه خود و متصدیان امر تصفیه را که از طرف عضو ناظر معین می‌شود به اطلاع طلبکارها می‌رساند صورت مخارج و میزان حق‌الزحمه در دفتر محکمه تودیع می‌شود و تاجر ورشکسته و طلبکارها می‌توانند اعتراضاتی که نسبت به آن دارند کتباً به مدیر دفتر در ظرف یک هفته تقدیم دارند و محکمه در جلسه اداری پس از رسیدگی به اعتراضات وارده میزان قطعی آن را معین خواهد نمود.

فصل ششم
در وظایف مدیر تصفیه

مبحث اول
در کلیات

ماده ۴۴۳ـ اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیر تصفیه به عمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را خواهد نمود.

ماده ۴۴۴ـ عضو ناظر به تقاضای مدیر تصفیه به او اجازه می‌دهد که اشیاء ذیل را از مهر و موم مستثنی نموده و اگر مهر و موم شده است از توقیف خارج نماید:

۱. البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم است.
۲. اشیایی که ممکن است قریباً ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید.
۳. اشیایی که برای بکار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است در صورتی که توقف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد.

اشیاء مذکور در فقره ثانیه و ثالثه باید فوراً تقویم و صورت آن برداشته شود.

ماده ۴۴۵ـ فروش اشیایی که ممکن است قریباً ضایع شده یا کسر قیمت حاصل کند و اشیایی که نگاهداشتن آنها مفید نیست و همچنین بکار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته با اجازه عضو ناظر به توسط مدیر تصفیه به عمل می‌آید.

ماده ۴۴۶ـ دفتردار محکمه دفاتر ورشکسته را به اتفاق عضو ناظر یا امین صلحی که آنها را مهر و موم نموده است از توقیف خارج کرده پس از آنکه ذیل دفاتر را بست آنها را به مدیر تصفیه تسلیم می‌نماید.

دفتردار باید در صورت مجلس کیفیت دفاتر را بطور خلاصه قید کند، اوراق هم که وعده آنها نزدیک است یا باید قبولی آنها نوشته شود و یا نسبت به آنها باید اقدامات تأمینیه به عمل آید از توقیف خارج شده در صورت مجلس ذکر و به مدیر تصفیه تحویل می‌شود تا وجه آن را وصول نماید و فهرستی که از مدیر تصفیه گرفته می‌شود به عضو ناظر تسلیم می‌گردد. سایر مطالبات را مدیر تصفیه در مقابل قبضی که می‌دهد وصول می‌نماید، مراسلاتی که به اسم تاجر ورشکسته می‌رسد به مدیر تصفیه تسلیم و به توسط او باز می‌شود و اگر خود ورشکسته حاضر باشد در باز کردن مراسلات می‌تواند شرکت کند.

ماده ۴۴۷ـ تاجر ورشکسته در صورتی که وسیله دیگری برای اعاشه نداشته باشد می‌تواند نفقه خود و خانواده‌اش را از دارایی خود درخواست کند. در این صورت عضو ناظر نفقه و مقدار آن را با تصویب محکمه معین می‌نماید.

ماده ۴۴۸ـ مدیر تصفیه تاجر ورشکسته را برای بستن دفاتر احضار می‌نماید. برای حضور او منتهی چهل و هشت ساعت مهلت داده می‌شود در صورتی که تاجر حاضر نشد با حضور عضو ناظر اقدام به عمل خواهد آمد، تاجر ورشکسته می‌تواند در موقع کلیه عملیات تأمینیه حاضر باشد.

ماده ۴۴۹ـ در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارایی خود را تسلیم ننموده باشد مدیر تصفیه آن را فوراً به وسیله دفاتر و اسناد مشارالیه و سایر اطلاعاتی که تحصیل می‌نماید تنظیم می‌کند.

ماده ۴۵۰ـ عضو ناظر مجاز است که راجع به تنظیم صورت دارایی و نسبت به اوضاع و احوال ورشکستگی از تاجر ورشکسته و شاگردها و مستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکور صورت مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم
در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی

ماده ۴۵۱ـ مدیر تصفیه پس از تقاضای رفع توقیف شروع به تنظیم صورت دارایی نموده و تاجر ورشکسته را هم در این موقع احضار می‌کند ولی عدم حضور او مانع از عمل نیست.

ماده ۴۵۲ـ مدیر تصفیه به تدریجی که رفع توقیف می‌شود صورت دارایی را در دو نسخه تهیه می‌نماید. یکی از نسختین در دفتر محکمه تسلیم شده و دیگری در نزد او می‌ماند.

ماده ۴۵۳ـ مدیر تصفیه می‌تواند برای تهیه صورت دارایی و تقویم اموال از اشخاصی که لازم بداند استمداد کند صورت اشیایی که موافق ماده ۴۴۴ در تحت توقیف نیامده ولی قبلاً تقویم شده است ضمیمه صورت دارایی خواهد شد.

ماده ۴۵۴ـ مدیر تصفیه باید در ظرف پانزده روز قبل از تاریخ مأموریت خود صورت خلاصه‌ای از وضعیت ورشکستگی و همچنین از علل و اوضاعی که موجب آن شده و نوع ورشکستگی که ظاهراً به نظر می‌آید ترتیب داده به عضو ناظر بدهد، عضو ناظر صورت مزبور را فوراً به مدعی‌العموم ابتدایی محل تسلیم می‌نماید.

ماده ۴۵۵ـ صاحب منصبان پارکه می‌توانند فقط به عنوان نظارت بـه منـزل تاجر ورشکسته رفته و در حین برداشتن صورت دارایی حضور به هم رسانند مأمورین پارکه در هرموقع حـق دارنـد بـه دفـاتر و اسـناد و نوشتجات مربوط به ورشکستگی مراجعه کنند این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد.

مبحث سوم
در فروش اموال و وصول مطالبات

ماده ۴۵۶ـ پس از تهیه شدن صورت دارایی تمام مال‌التجاره و وجه نقـد و اسناد طلب و دفاتر و نوشتجات و اثاثیه (به غیر از مستثنیات دیـن) و اشیاء تاجر ورشکسته به مدیر تصفیه تسلیم می‌شود.

ماده ۴۵۷ـ مدیر تصفیه با نظارت عضو ناظر به وصول مطالبـات مـداومت می‌نماید و همچنین می‌تواند با اجازه مدعی‌العمـوم و نظـارت عضـو ناظر به فروش اثاث البیت و مال‌التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن قبلاً باید اظهارات تاجر ورشکسته را استماع یـا لااقـل مشـارالیه را بـرای دادن توضیحات احضار کند ترتیب فروش به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

ماده ۴۵۸ـ نسبت به تمام دعـاوی کـه هیئـت طلـب‌کارهـا در آن ذی‌نفـع می‌باشند مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر می‌تواند دعوی را بـه صـلح خاتمه دهد اگرچه دعاوی مزبور راجع به اموال غیرمنقول باشـد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.

ماده ۴۵۹ـ اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پـنج هـزار ریـال باشد صلح لازم‌الاجراء نخواهد بود مگر اینکـه محکمـه آن صـلح را

تصدیق نماید در موقع تصدیق صلح‌نامه تاجر ورشکسته احضار می‌شود در هر صورت مشارالیه حق دارد که به صلح اعتراض کند، اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیر منقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.

ماده ۴۶۰ـ وجوهی که به توسط مدیر تصفیه دریافت می‌شود باید فوراً به صندوق عدلیه محل تسلیم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصی برای عمل ورشکسته اعم از عایدات و مخارج باز می‌کند وجوه مزبور از صندوق مسترد نمی‌گردد مگر به حواله عضو ناظر و تصدیق مدیر تصفیه.

مبحث چهارم
در اقدامات تأمینیه

ماده ۴۶۱ـ مدیر تصفیه مکلف است از روز شروع به مأموریت اقدامات تأمینیه برای حفظ حقوق تاجر ورشکسته نسبت به مدیونین او به عمل آورد.

مبحث پنجم
در تشخیص مطالبات طلبکاران

ماده ۴۶۲ـ پس از صدور حکم ورشکستگی طلب کارها مکلفند در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می‌نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.

ماده ۴۶۳ـ تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعاتی که از طرف عضو ناظر معین می‌گردد به ترتیبی که در نظامنامه معین خواهد شد تعقیب می‌شود.

ماده ۴۶۴ـ هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جزء صورت حساب دارائی منظور شده می‌تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلب کارها حضور بهم رسانیده و نسبت به طلبکارهایی که سابقاً تشخیص داده شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید، همین حق را خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت.

ماده ۴۶۵ـ محل اقامت طلبکارها و وکلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و به علاوه توصیف مختصری از سند داده می‌شود و تعیین قلم خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین‌السطور نیز باید در صورت مجلس قید و این نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع فیه است.

ماده ۴۶۶ـ عضو ناظر می‌تواند به نظر خود امر به ابراز دفاتر طلبکارها دهد یا از محکمه محل تقاضا نماید صورتی از دفاتر طلبکارها را استخراج کرده و نزد او بفرستد.

ماده ۴۶۷ـ اگر طلب مسلم و قبول شد مدیر تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته امضاء می‌نماید و عضو ناظر نیز آن را تصدیق می‌کند.

" جزو قروض... مبلغ... قبول شد به تاریخ...

هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع است.

ماده ۴۶۸ـ اگر طلب متنازع فیه واقع شد عضو ناظر می‌تواند حل قضیه را به محکمه رجوع و محکمه باید فوراً از روی راپورت عضو ناظر رسیدگی نماید محکمه می‌تواند امر دهد که با حضور عضو ناظر تحقیق در امر به عمل آید و اشخاصی را که می‌توانند راجع به این مطلب اطلاعاتی دهند عضو ناظر احضار یا از آنها کسب اطلاع کند.

ماده ۴۶۹ـ در موقعی که اختلاف راجع به تشخیص طلبی به محکمه رجوع شده و قضیه طوری باشد که محکمه نتواند در ظرف پانزده روز حکم صادر کند باید برحسب اوضاع امر دهد که انعقاد مجلس هیئت طلب کارها برای ترتیب قرارداد ارفاقی به تأخیر افتد و یا اینکه منتظر نتیجه رسیدگی نشده و مجلس مزبور منعقد شود.

ماده ۴۷۰ـ محکمه می‌تواند در صورت تصمیم به انعقاد مجلس قرار دهد که صاحب طلب متنازع فیه معادل مبلغی که محکمه در قرار مزبور معین می‌کند موقتاً طلبکار شناخته شده و در مذاکرات هیئت طلبکارها برای مبلغ مذکور شرکت نماید.

ماده ۴۷۱ـ در صورتی که طلبی مورد تعقیب جزایی واقع شده باشد محکمه می‌تواند قرار تأخیر مجلس را بدهد ولی اگر تصمیم به عدم تأخیر مجلس نمود نمی‌تواند صاحب آن طلب را موقتاً جزو طلبکاران قبول نماید و مادام که محاکم صالحه حکم خود را نداده‌اند طلبکار مزبور نمی‌تواند به هیچ وجه در عملیات راجع به ورشکستگی شرکت کند.

ماده ۴۷۲ـ پس از انقضای مهلت‌های معین در موارد ۴۶۲ و ۴۶۷ به ترتیب قرارداد ارفاقی و به سایر عملیات راجع به ورشکستگی مداومت می‌یابد.

ماده ۴۷۳ـ طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ عمل نکردند نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها به عمل آمده حق هیچگونه اعتراضی ندارند ولی در تقسیماتی که ممکن است بعد به عمل آید جزء غرما حساب می‌شوند بدون اینکه حق داشته باشند حصه را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می‌گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند.

ماده ۴۷۴ـ اگر اشخاصی نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی خیاراتی دارند و صرفنظر از آنها نمی‌کنند باید آن را در حین تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نموده و به موقع اجراء گذارند.

ماده ۴۷۵ـ حکم فوق درباره دعوی خیاراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت به اموال متصرفی خود یا دیگران دارد مشروط بر اینکه بر ضرر طلبکارها نباشد.

توضیح:

مدیر تصفیه مکلف است برای دعوت بستانکاران و اخطار به آنان و مهلتی که در طی آن طلبکاران باید خود را معرفی نمایند برابر نظام‌نامه ۱۳۱۱/۳/۱۶ـ۷۰۶۸ اقدام نماید. مدیر تصفیه دفاتر تاجر ورشکسته را در اجرای ماده ۴۶۶ تحویل می‌گیرد و نسبت به اداره اموال و وصول مطالبات ورشکسته و تشخیص دیون او و تصدیق مطالبات با نظارت ناظر عمل می‌کند.

مدیر تصفیه می‌تواند بستانکاران را با عنایت به ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی به شرح زیر طبقه‌بندی نماید:

اول) بستانکاران با حق وثیقه منقول.[1]

دوم) بستانکاران با حق وثیقه غیر منقول.[2]

1. Créanciers nantis de gages.

2. Créanciers privilégiés sur les immeubles (Hypothècaire).

سوم) بستانکاران با حق رجحان.[1]

چهارم) بستانکاران عادی[2] که به غرما مشهور شده‌اند و به نسبت طلب خود حصه می‌برند.

فصل هفتم
در قرارداد ارفاقی و تصفیه‌حساب تاجر ورشکسته

مبحث اول
در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها

ماده ۴۷۶ـ عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدی که به موجب نظام‌نامه مذکور در ماده ۴۶۷ معین شده به توسط دفتردار محکمه کلیه طلبکارهایی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت می‌نماید، موضوع دعوت مجمع عمومی طلبکارها در رقعه‌های دعوت و اعلانات مندرجه در جراید باید تصریح شود.

ماده ۴۷۷ـ مجمع عمومی مزبور در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده است در تحت ریاست مشارالیه منعقد می‌شود. طلبکارهایی که طلب آنها تشخیص و تصدیق شده است و همچنین طلبکارهایی که طلب آنها موقتاً قبول گردیده یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر می‌شود تاجر ورشکسته نیز به این مجمع احضار می‌شود. مشارالیه

1. Créanciers privilégiés.

2. Créanciers chirographaires.

باید شخصاً حاضر گردد و فقط وقتی می‌تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق عضو ناظر رسیده باشد.

ماده ۴۷۸ـ مدیر تصفیه به مجمع طلبکارها راپورتی از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که به عمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می‌دهد راپورت مزبور به امضاء مدیر تصفیه رسیده به عضو ناظر تقدیم می‌شود و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت مجلسی ترتیب دهد.

توضیح:

قرارداد ارفاقی برای کمک به تاجر ورشکسته است و طلبکاران پس از صدور حکم ورشکستگی در مجمع عمومی بنا به گزارش مدیر تصفیه مهلت بازپرداخت بدهی ورشکسته را با تخفیفاتی که امکان‌پذیر باشد تصویب می‌نمایند.

این روش به موجب قانون شماره ۸۵۹۵ـ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵ فرانسه منسوخ گردیده است که دادگاه ویژه ورشکستگی با تعدد قضات قبل از صدور حکم محورهای اساسی را مورد توجه قرار داده و نسبت به بقای واحد تجارتی متوقف با کمک کارشناسان تلاش می‌نماید.

- محور اقتصادی در مورد دورنمای بازسازی و امکانات فعالیت مجدد بنگاه تجارتی.
- محور مالی اجتماعی شامل بررسی وضع شغلی کارکنان و نحوه ادامه کار، تسهیل اشتغال مجدد آنان و جبران خسارات وارده به مزد بگیران.

عضو ناظر نیز با تماس با سایر بازرسان حساب، نمایندگان کارکنان، بیمه‌های اجتماعی، و مؤسسات اعتباری و یا سایر سازمان‌های عمومی سعی می‌نماید که اطلاعات صحیحی از وضع اقتصادی و اجتماعی بنگاه تجارتی و شانس بقاء آن کسب نموده و در اختیار مدیر تصفیه قرار دهد (ماده ۱۹ قانون مزبور) دادگاه براساس گزارش مدیر تصفیه وقتی که امکان قوی برای بازسازی و تسویه بدهی بنگاه تجارتی دید، در مورد ادامه کار بنگاه مزبور اتخاذ تصمیم

می‌نماید (ماده ۶۹ قانون ۱۹۸۵).[1]

عضو ناظر به موجب ماده ۴۷۶ ظرف ۸ روز از تاریخ دعوت بستانکاران برای ارائه مدارک در مهلت‌های مقرر در نظام‌نامه شماره ۷۰۶۸ـ۱۳۱۱/۳/۱۶ (قبلاً اشاره شد) مطالبات را تشخیص و تصدیق می‌نماید تا در مجمع عمومی که بنا به دعوت و ریاست عضو ناظر تشکیل می‌گردد نسبت به قبول مطالبات تصمیم لازم اتخاذ گردد. (ماده ۴۷۷و۴۷۸).

مبحث دوم
در قرارداد ارفاقی

فقره اول
در ترتیب قرارداد ارفاقی

ماده ۴۷۹ـ قرارداد ارفاقی بین تاجر ورشکسته و طلبکارهای او منعقد نمی‌شود مگر پس از اجرای مراسمی که در فوق مقرر شده است.

ماده ۴۸۰ـ قرارداد ارفاقی فقط وقتی منعقد می‌شود که لااقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن لااقل سه ربع از کلیه مطالباتی که مطابق مبحث پنجم از فصل ششم تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول گشته است در آن قرارداد شرکت نموده باشند والا بلااثر خواهد بود.

ماده ۴۸۱ـ هرگاه در مجلس قرارداد ارفاقی اکثریت طلبکارها عدداً حاضر شدند ولی از حیث مبلغ دارای سه ربع از مطالبات نباشند یا آنکه

---

1. Art. 69. al. 1-Le tribunal décide, sur le rapport de l'administrateur, la continuation del'entreprise l'orsqu'il exist des possibilitiés sérieusc de redressement et de réglement du passif.

ماده ۶۹ بند ۱– وقتی که امکانات جدی برای بازسازی و تسویه دیون بنگاه تجارتی موجود باشد، دادگاه با توجه به گزارش مدیر تصفیه در مورد ادامه فعالیت بنگاه مزبور اتخاذ تصمیم می‌نماید.

دارای سه ربع از مطالبات باشند ولی اکثریت عددی را حائز نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلق و قرار انعقاد مجلس ثانی برای یک هفته بعد داده می‌شود.

ماده ۴۸۲ـ طلبکارهایی که در مجلس اول خود یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر بوده و صورت مجلس را امضاء نموده‌اند مجبور نیستند در مجلس ثانی حاضر شوند مگر آنکه بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند ولی اگر حاضر نشدند تصمیمات سابق آنها به اعتبار خود باقی است. اگر در جلسه ثانی اکثریت عددی و مبلغی مطابق ماده ۴۸۰ تکمیل شود قرارداد ارفاقی قطعی خواهد بود.

توضیح:

برای تصویب قرارداد ارفاقی حدنصاب زیر باید در مجمع عمومی بستانکاران حاصل شود:

ـ بستانکاران اکثریت عددی داشته باشند.

ـ اشخاص مذکور باید $\frac{3}{4}$ کل مطالبات را دارا باشند.

حال اگر در مجمع مزبور اکثریت عددی حاصل شده ولی اکثریت مبلغی وجود نداشته باشد و یا بالعکس، در این صورت مجمع دوم به موجب ماده ۴۸۱ برای بار دوم تشکیل شده و فقط حضور کسانی در جلسه ضروری است که کسری نصاب مجمع اول را تکمیل نماید.

ماده ۴۸۳ـ اگر تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد، قرارداد ارفاقی منعقد نمی‌شود در موقعی که تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب تعقیب می‌شود لازم است طلبکارها دعوت شوند و معلوم کنند که آیا با احتمال حصول برائت تاجر و انعقاد قرارداد ارفاقی تصمیم خود را در امر مشارالیه به زمان حصول نتیجه رسیدگی به تقلب موکول خواهند کرد یا تصمیم فوری خواهند گرفت اگر

بخواهند تصمیم را موکول به زمان بعد نمایند باید طلبکارهای حاضر از حیث عده و از حیث مبلغ اکثریت معین در ماده ۴۸۰ را حائز باشند چنانچه در انقضای مدت و حصول نتیجه رسیدگی به تقلب بنای انعقاد قرارداد ارفاقی شود قواعدی که به موجب مواد قبل مقرر است در این موقع نیز باید معمول گردد.

ماده ۴۸۴ـ اگر تاجر به عنوان ورشکسته به تقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است لیکن در صورتی‌که تعقیب تاجر شروع شده باشد طلبکارها می‌توانند تا حصول نتیجه تعقیب و با رعایت مقررات ماده قبل تصمیم در قرارداد را به تأخیر بیاندازند.

ماده ۴۸۵ـ کلیهٔ طلبکارها که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی داشته‌اند می‌توانند راجع به قرارداد اعتراض کنند. اعتراض باید موجه بوده و در ظرف یک هفته از تاریخ قرارداد به مدیر تصفیه و خود تاجر ورشکسته ابلاغ شود والا از درجه اعتبار ساقط خواهد بود مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته به اولین جلسه محکمه که به عمل ورشکستگی رسیدگی می‌کند احضار می‌شوند.

ماده ۴۸۶ـ قرارداد ارفاقی باید به تصدیق محکمه برسد و هریک از طرفین قرارداد می‌تواند تصدیق آن را از محکمه تقاضا نماید محکمه نمی‌تواند قبل از انقضای مدت یک هفته مذکور در ماده قبل تصمیمی راجع به تصدیق اتخاذ نماید هرگاه در ظرف این مدت از طرف طلبکارهایی که حق اعتراض دارند اعتراضاتی به عمل آمده باشد محکمه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق قرارداد ارفاقی حکم واحد صادر کند. اگر اعتراضات تصدیق شود قرارداد نسبت به تمام اشخاص ذی‌نفع بلا اثر می‌شود.

ماده ۴۸۷ـ قبل از آن که محکمه در باب تصدیق قرارداد رأی دهد عضو ناظر باید راپورتی که متضمن کیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد باشد به محکمه تقدیم نماید.

ماده ۴۸۸ـ در صورت عدم رعایت قواعد مقرره محکمه از تصدیق قرارداد ارفاقی امتناع خواهد نمود.

توضیح:

انعقاد قرارداد ارفاقی با تاجر ورشکسته به تقلب ممنوع می‌باشد و در مورد تاجر ورشکسته به تقصیر قانون‌گذار انعطاف بیشتری نشان داده است لکن قانون‌گذار برای حمایت از طلبکاران در قسمت دوم ماده ۴۸۴ پیش‌بینی نموده که اگر تعقیب تاجر شروع شده باشد طلبکاران می‌توانند تا روشن شدن نتیجه تعقیب تصمیم در قرارداد ارفاقی را به تعویق بیندازند.

فقره دوم
در اثرات قرارداد ارفاقی

ماده ۴۸۹ـ همین که قرارداد ارفاقی تصدیق شد نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده‌اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضاء نموده‌اند قطعی خواهد بود ولی طلبکارهایی که جزء اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضاء نکرده‌اند می‌توانند سهم خود را موافق آنچه از دارایی تاجر به طلبکارها می‌رسد دریافت نمایند لیکن حق ندارند در آتیه از دارایی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را مطالبه کنند مگر پس از تأدیهٔ تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا آن را در ظرف ده روز مزبور امضاء نموده‌اند.

ماده ۴۹۰ـ پس از تصدیق شدن قرارداد ارفاقی دعوی بطلان نسبت به آن قبول نمی‌شود مگر این که پس از تصدیق مکشوف شود که در میزان دارایی یا

مقدار قروض حیله بکار رفته و قدر حقیقی قلمداد نشده است.

ماده ۴۹۱ـ همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد قطعی شد مدیر تصفیه صورت حساب کاملی با حضور عضو ناظر به تاجر ورشکسته می‌دهد که در صورت عدم اختلاف بسته می‌شود.
مدیر تصفیه کلیه دفتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارایی ورشکسته را به استثنای آنچه که باید به طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضاء نکرده‌اند داده شود به مشارالیه رد کرده رسید می‌گیرد و پس از آنکه قرار تأدیه سهم طلبکاران مذکور را داده مأموریت مدیر تصفیه ختم می‌شود ـ از تمام این مراتب عضو ناظر صورت مجلس تهیه می‌نماید و مأموریتش خاتمه می‌یابد.
در صورت تولید اختلاف محکمه رسیدگی کرده حکم مقتضی خواهد داد.

توضیح:

تصدیق قرارداد ارفاقی توسط دادگاه عمومی به موجب ماده ۴۸۹ الزامی می‌باشد نسبت به طلبکارانی که در اکثریت بوده‌اند یا ظرف ۱۰ روز از تاریخ تصدیق آن را امضاء نموده‌اند قطعی می‌باشد. قید کلمه «قطعی» در ماده مزبور به این معنا نیست که طلبکاران نتوانند در آن مورد نظر خود را به دادگاه اعلام کرده و یا به حکم صادره اعتراض نماید.

در حکومت قانون سابق که رأی دادگاه شهرستان قابل استیناف بوده این سؤال مطرح گردیده است که با عنایت به مواد ۴۸۹ و ۴۱۹ (ق.ت) آیا تنفیذ قرارداد ارفاقی از طرف دادگاه شهرستان قطعی است یا قابل شکایت پژوهشی می‌باشد؟ و در صورتی که قابل شکایت باشد علت قید کلمه قطعی مذکور در مواد نامبرده چیست؟[1] پاسخ و نظر مشورتی مورخ ۱۳۵۳/۱/۱۹ اداره حقوقی وزارت دادگستری به شرح زیر اعلام گردیده است:

«از نظر اصل کلی جاری در حقوق تجارت و مفاد مواد ۴۷۰ تا ۴۸۹ قانون

---

۱. مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل مدنی، از انتشار دفتر تحقیقات و مطالعات وزارت دادگستری، ص ۳۷ و ۳۸.

ایران چنین برمی‌آید که از حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی که مبتنی بر فصل خصومت باشد ذی‌نفع یا متضرر از حکم می‌تواند پژوهش بخواهد. معلومات زیر مؤید قابل پژوهش بودن حکم به تصدیق قرارداد ارفاقی که مبتنی بر فصل خصومت است، می‌باشد:

اول) مستثنیات مذکور در ماده ۵۴۰ قانون تجارت و مواد ۵ـ۳۳۰ و ۳۳۱ آیین دادرسی مدنی[1] که نوعاً مستثنی و حاکی از وجود قاعده است.

دوم) حکم قرینهٔ مستفاد از تعبیر «قطعی شدن» مذکور در ماده ۴۹۱ قانون تجارت که صیرورت و شدن را می‌رساند، یعنی از حالتی به حالت دیگر گشتن که حالت نخست غیرقطعی بودن حکم است و حالت دوم که به آن بدل گشته است، حالت قطعیت است.

سوم) قابلیت منطقی و قضایی حکم به تصدیق قرارداد ارفاقی در پذیرایی تجدیدنظر.

چهارم) عدم قابلیت تجدیدنظر در قانون تجارت و وجود قرائن بر قابلیت تجدیدنظر در آن قانون مؤیداً به ذیل مواد ۵ـ۳۳۰ و ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی».

به موجب ماده ۴۹۱ پس از تصدیق قطعی قرارداد ارفاقی توسط دادگاه مدیر تصفیه کلیه دفتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارایی ورشکسته را به

---

۱. ماده ۵ (آ.د.م.): «آرای دادگاه‌ها قطعی است مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدیدنظر باشد».

ماده ۳۳۰ (آ.د.م.) «آرای دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور حقوقی قطعی است، مگر در مواردی که طبق قانون قابل درخواست تجدیدنظر باشد».

ماده ۳۳۱ (ق.آ.م.): «احکام زیر قابل درخواست تجدیدنظر می‌باشد:

الف) در دعاوی مالی که خواسته یا ارزش آن از سه میلیون (۳۰۰۰۰۰۰) ریال متجاوز باشد.

ب) کلیه احکام صادره در دعاوی غیر مالی.

ج) حکم راجع به متفرعات دعوا در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد.

تبصره- احکام مستند به اقرار در دادگاه یا مستند به رأی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتباً رأی آنان را قاطع دعوا قرار داده باشند قابل درخواست تجدیدنظر نیست مگر در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادر کننده رأی».

استثنای آن چه که باید به طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضاء نکرده‌اند داده شود به تاجر ورشکسته تحویل داده و رسید اخذ می‌نماید با این ترتیب تاجر مزبور به طور معمول به تجارت خود ادامه می‌دهد.

فقره سوم
در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی

ماده ۴۹۲ــ در موارد ذیل قرارداد ارفاقی باطل است:

1. **در مورد محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب.**
2. **در مورد ماده ۴۹۰.**

ماده ۴۹۳ــ اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاقی را بدهد ضمانت ضامن یا ضامن‌ها (در صورتی که باشد) به خودی خود ملغی می‌شود.

ماده ۴۹۴ــ اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجراء نکرد ممکن است برای فسخ قرارداد مزبور بر علیه او اقامه دعوی نمود.

ماده ۴۹۵ــ در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را یک یا چند نفر ضمانت کرده باشند طلب‌کارها می‌توانند اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را که ضامن دارد از او بخواهند و در مورد اخیر آن قسمت از قرارداد که ضامن نداشته فسخ می‌شود در صورت تعدد ضامن مسئولیت آنها تضامنی است.

ماده ۴۹۶ــ اگر تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد به عنوان ورشکستگی به تقلب تعقیب شده در تحت توقیف یا حبس درآید محکمه می‌تواند هر قسم وسایل تأمینیه را که مقتضی بداند اتخاذ کند ولی به محض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه وسایل مزبوره مرتفع می‌شود.

ماده ۴۹۷ـ پس از صدور حکم ورشکستگی به تقلب یا حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی محکمه یک عضو ناظر و یک مدیر تصفیه معین می‌کند.

ماده ۴۹۸ـ مدیر تصفیه می‌تواند دارایی تاجر را توقیف و مهر و موم نماید مدیر تصفیه فوراً از روی صورت دارایی سابق اقدام به رسیدگی به اسناد و نوشتجات نموده و اگر لازم باشد متممی برای صورت دارایی ترتیب می‌دهد. مدیر تصفیه باید فوراً به وسیله اعلان در روزنامه طلبکارهای جدید را اگر باشند دعوت نماید که در ظرف یک ماه اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند در اعلان مزبور مفاد قرار محکمه که به موجب آن مدیر تصفیه معین شده است باید درج شود.

ماده ۴۹۹ـ بدون فوت وقت به اسنادی که مطابق ماده قبل ابراز شده رسیدگی می‌شود نسبت به مطالباتی که سابقاً تشخیص یا تصدیق شده است رسیدگی جدید به عمل نمی‌آید مطالباتی که تمام یا قسمتی از آنها بعد از تصدیق پرداخته شده است موضوع می‌شود.

ماده ۵۰۰ـ معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی‌شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد.

ماده ۵۰۱ـ در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی، دارایی تاجر بین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شده‌اند به غرما تقسیم می‌شود.

ماده ۵۰۲ـ اگر طلبکاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ یا ابطال چیزی گرفته‌اند مأخوذی آنها از وجهی که به ترتیب غرما به آنها می‌رسد کسر خواهد شد.

ماده ۵۰۳ـ هرگاه تاجری ورشکست و امرش منتهی به قرارداد ارفاقی گردید و ثانیاً بدون اینکه قرارداد مزبور ابطال یا فسخ شود ورشکست شد مقررات دو ماده قبل در ورشکستگی ثانوی لازم‌الاجراء است.

توضیح:

قرارداد ارفاقی ممکن است باطل یا فسخ گردد.

۱. موارد بطلان قرارداد ارفاقی به موجب ماده ۴۹۲ مذکور عبارت است از:
- در صورتی که تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم شود.
- چنانچه کشف شود که قبل از انعقاد قرارداد ارفاقی در میزان دارایی یا مقدار قروض تاجر ورشکسته حیله و تزویر بکار رفته و مقدار واقعی آن‌ها در صورت‌حساب‌ها قید نشده است (مستفاد از ماده ۴۹۰ ق.ت).

۲. موارد فسخ قرارداد ارفاقی طبق ماده ۴۹۴ عبارت است از:
- اگر تاجر ورشکسته از شرایط قرارداد ارفاقی سرپیچی کرده یا آن را اجرا ننماید برای فسخ قرارداد مزبور می‌توان علیه تاجر ورشکسته اقامه دعوی نمود (ماده ۴۹۴ ق.ت).
- در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را کسی ضمانت کرده باشد طلبکار می‌تواند اجرای کلی یا جزیی قرارداد را از ضامن بخواهد و در صورت تعدد ضامن مسئولیت آن‌ها تضامنی است در مورد اخیر اگر قسمتی از قرارداد ضامن نداشته باشد قرارداد نسبت به آن فسخ می‌شود (ماده ۴۹۵ ق.ت).

مبحث سوم
در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی

ماده ۵۰۴ـ اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشد مدیر تصفیه فوراً به عملیات تصفیه و تفریغ عمل ورشکستگی شروع خواهد کرد.

ماده ۵۰۵ـ در صورتی که اکثریت مذکور در ماده ۴۸۰ موافقت نماید محکمه مبلغی برای اعاشه ورشکسته در حدود مقررات ماده ۴۴۷ معین خواهد کرد.

ماده ۵۰۶ـ اگر شرکت تضامنی،مختلط یا نسبی ورشکست شود طلبکارها می‌توانند قرارداد ارفاقی را با شرکت یا منحصراً با یک یا چند نفر از شرکاء ضامن منعقد نمایند در صورت ثانی دارایی شرکت تابع مقررات این مبحث بوده و به غرما تقسیم می‌شود ولی دارایی شخصی شرکایی که با آنها قرارداد ارفاقی منعقد شده است، به غرما تقسیم نخواهد شد. شریک یا شرکاء ضامن که با آن‌ها قرارداد خصوصی منعقد شده نمی‌توانند تعهد حصه نمایند مگر از اموال شخصی خودشان شریکی که با او قرارداد مخصوص منعقد شده از مسئولیت ضمانتی مبرا است.

ماده ۵۰۷ـ اگر طلبکارها بخواهند تجارت تاجر ورشکسته را ادامه دهند می‌توانند برای این امر وکیل یا عاملی مخصوص انتخاب نموده یا به خود مدیر تصفیه این مأموریت را بدهند.

ماده ۵۰۸ـ در ضمن تصمیمی که وکالت مذکور در ماده فوق را مقرر می‌دارد باید مدت و حدود وکالت و همچنین میزان وجهی که وکیل می‌تواند برای مخارج لازمه پیش خود نگاه دارد معین گردد. تصمیم

مذکور اتخاذ نمی‌شود مگر با حضور عضو ناظر و با اکثریت سه ربع از طلبکارها عدداً و مبلغاً، خود تاجر ورشکسته و همچنین طلبکارهای مخالف (با رعایت ماده ۴۷۳) می‌توانند نسبت به این تصمیم در محکمه اعتراض نمایند این اعتراض اجرای تصمیم را به تأخیر نمی‌اندازد.

ماده ۵۰۹ـ اگر از معاملات وکیل یا عاملی که تجارت ورشکسته را ادامه می‌دهد تعهداتی حاصل شود که بیش از حد دارایی تاجر ورشکسته است فقط طلبکارهایی که آن اجازه را داده‌اند شخصاً علاوه برحصه‌ای که در دارایی مزبور دارند به نسبت طلبشان در حدود اختیاراتی که داده‌اند مسئول تعهدات مذکوره می‌باشند.

ماده ۵۱۰ـ در صورتی که عمل تاجر ورشکسته منجر به تفریغ حساب شود مدیر تصفیه مکلف است تمام اموال منقول و غیرمنقول تاجر ورشکسته را به فروش رسانیده مطالبات و دیون و حقوق او را صلح مصالحه و وصول و تفریغ کند تمام این مراتب در تحت نظر عضو ناظر و با حضور تاجر ورشکسته به عمل می‌آید اگر تاجر ورشکسته از حضور استنکاف نمود استحضار مدعی‌العموم کافی است. فروش اموال مطابق نظام‌نامه وزارت عدلیه به عمل خواهد آمد.

ماده ۵۱۱ـ همین که تفریغ عمل تاجر به اتمام رسید عضو ناظر طلبکارها و تاجر ورشکسته را دعوت می‌نماید. در این جلسه مدیر تصفیه حساب خود را خواهد داد.

ماده ۵۱۲ـ هرگاه اموالی در اجاره تاجر ورشکسته باشد مدیر تصفیه در فسخ یا ابقاء اجاره به نحوی که موافق منافع طلبکارها باشد اتخاذ تصمیم می‌کند اگر تصمیم بر فسخ اجاره شد صاحبان اموال مستأجره

از بابت مال‌الاجاره‌ای که تا آن تاریخ مستحق شده‌اند جزء غرما منظور می‌شوند اگر تصمیم بر ابقاء اجاره بوده و تأميناتی هم سابقاً به موجب اجاره‌نامه به موجر داده شده باشد آن تأمینات ابقاء خواهد شد والا تأميناتی که پس از ورشکستگی داده می‌شود باید کافی باشد در صورتی که با تصمیم مدیر تصفیه و فسخ اجاره موجر راضی به فسخ نشود حق مطالبه تأمین را نخواهد داشت.

ماده ۵۱۳ـ مدیر تصفیه می‌تواند با اجازه عضو ناظر اجاره را برای بقیه مدت به دیگری تفویض نماید (مشروط بر اینکه به موجب قرارداد کتبی طرفین از این حق منع نشده باشند) و در صورت تفویض به غیر باید وثیقه کافی که تأمین پرداخت مال‌الاجاره را بنماید به مالک اموال مستأجره داده و کلیه شرایط و مقررات اجاره‌نامه را به موقع خود اجراء کند.

فصل هشتم
در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها

مبحث اول
در طلبکارهایی که رهینه منقول دارند

ماده ۵۱۴ـ طلبکارهایی که رهینه در دست دارند فقط در صورت غرما برای یادداشت قید می‌شوند.

ماده ۵۱۵ـ مدیر تصفیه می‌تواند در هر موقع با اجازه عضو ناظر طلب طلبکارها را داده و شیئی مرهون را از رهن خارج و جزء دارایی تاجر ورشکسته منظور دارد.

ماده ۵۱۶ـ اگر وثیقه فک نشود مدیر تصفیه باید با نظارت مدعی‌العموم آن را به فروش برساند و مرتهن نیز در آن موقع باید دعوت شود اگر قیمت فروش وثیقه پس از وضع مخارج بیش از طلب طلبکار باشد مازاد به مدیر تصفیه تسلیم می‌شود و اگر قیمت فروش کمتر شد مرتهن برای بقیه طلب خود در جزء طلبکارهای دعاوی در غرما منظور خواهد شد.

ماده ۵۱۷ـ مدیر تصفیه صورت طلبکارهایی را که ادعای وثیقه می‌نمایند به عضو ناظر تقدیم می‌کند، عضو مزبور در صورت لزوم اجازه می‌دهد طلب آنها از اولین وجوهی که تهیه می‌شود پرداخته گردد در صورتی که نسبت به حق وثیقه طلبکارها اعتراضی داشته باشند به محکمه رجوع می‌شود.

مبحث دوم
در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حق تقدم دارند

ماده ۵۱۸ـ اگر تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیرمنقول حاصل شده قبل از تقسیم دارایی منقول یا در همان حین به عمل آمده باشد طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حقوقی دارند و حاصل فروش اموال مزبور کفایت طلب آنها را ننموده است نسبت به بقیه طلب خود جزء غرما معمولی منظور و از وجوهی که برای غرما مزبور مقرر است حصه می‌برند مشروط بر این که طلب آنها به طوری که قبلاً مذکور شده است تصدیق شده باشد.

ماده ۵۱۹ـ اگر قبل از تقسیم وجوهی که از بابت فروش اموال غیر منقول حاصل شده وجهی از بابت دارایی منقول تقسیم شود طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند و طلب

آنها تصدیق و اعتراف شده است به میزان کلیه طلب خود جزء سایر غرماء وارد و از وجوه مزبور حصه می‌برند ولی عندالاقتضاء مبلغ دریافتی در موقع تقسیم حاصل اموال غیر منقول از طلب آنها موضوع می‌شود.

ماده ۵۲۰ـ در مورد طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند ولی به واسطه مقدم بودن سایر طلبکارها نمی‌توانند در حین تقسیم قیمت اموال غیر منقول طلب خود را تماماً وصول کنند ترتیب ذیل مرعی خواهد بود.

اگر طلبکارهای مزبور قبل از تقسیم حاصل اموال غیرمنقول از بابت طلب خود وجهی دریافت داشته باشند، این مبلغ از حصه‌ای که از بابت اموال غیر منقول به آنها تعلق می‌گیرد موضوع و به حصه‌ای که بایدبین طلبکارهای معمولی تقسیم شود اضافه می‌گردد و بقیه طلبکارهایی که در اموال غیرمنقول ذی‌حق بوده‌اند برای بقیه طلب خود به نسبت آن بقیه جزء غرما محسوب شده حصه می‌برند.

ماده ۵۲۱ـ اگر به واسطه مقدم بودن طلبکارهای دیگر بعضی از طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حقوقی دارند وجهی دریافت نکنند طلب آنها جزء غرما محسوب و بدین سمت هر معامله‌ای که از بابت قرارداد ارفاقی و غیره با غرما می‌شود با آنها نیز به عمل خواهد آمد.

فصل نهم
در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول

ماده ۵۲۲ـ پس از وضع مخارج اداره امور ورشکستگی و اعانه‌ای که ممکن است به تاجر ورشکسته داده شده باشد و وجوهی که باید به صاحبان مطالبات ممتاز تأدیه گردد مجموع دارایی منقول بین طلبکارها به نسبت طلب آنها که قبلاً تشخیص و تصدیق شده است تقسیم خواهد شد.

ماده ۵۲۳ـ مدیر تصفیه برای اجرای مقصود مذکور در ماده فوق ماهی یک مرتبه صورت حساب عمل ورشکستگی را با تعیین وجوه موجود به عضو ناظر می‌دهد. عضو مذکور در صورت لزوم امر به تقسیم وجوه مزبور بین طلبکارها داده مبلغ آن را معین و مواظبت می‌نماید که به تمام طلبکارها اطلاع داده می‌شود.

ماده ۵۲۴ـ در موقع تقسیم وجوه بین طلبکارها حصه طلبکارهای مقیم ممالک خارجه به نسبت طلب آنها که در صورت دارایی و قروض منظور شده است موضوع می‌گردد چنانچه مطالبات مزبور صحیحاً در صورت دارایی و قروض منظور نشده باشد عضو ناظر می‌تواند حصه موضوعی را زیاد کند برای مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی موضوع گردد.

ماده ۵۲۵ـ وجوهی که برای طلبکارهای مقیم خارجه موضوع شده است تا مدتی که قانون برای آنها معین کرده بطور امانت به صندوق عدلیه سپرده خواهد شد. اگر طلبکارهای مذکور مطابق این قانون مطالبات خود را به تصدیق نرسانند مبلغ مزبور بین طلبکارهایی که طلب آنها به تصدیق رسیده تقسیم می‌گردد.

وجوهی که برای مطالبات تصدیق نشده موضوع گردیده در صورت عدم تصدیق آن مطالبات بین طلبکارهایی که طلب آنها تصدیق شده تقسیم می‌شود.

ماده ۵۲۶ـ هیچ طلبی را مدیر تصفیه نمی‌پردازد مگر آنکه مدارک و اسناد آن را قبلاً ملاحظه کرده باشد مدیر تصفیه مبلغی را که پرداخته در روی سند قید می‌کند عضو ناظر در صورت عدم امکان ابراز سند می‌تواند اجازه دهد که به موجب صورت مجلس که طلب در آن تصدیق شده وجهی پرداخته شود در هر حال باید طلبکارها رسید وجه را در ذیل صورت تقسیم ذکر کنند.

ماده ۵۲۷ـ ممکن است هیئت طلبکارها به استحضار تاجر ورشکسته از محکمه تحصیل اجازه نمایند که تمام یا قسمتی از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده بطوری که صرفه و صلاح تاجر ورشکسته هم منظور شود خودشان قبول و مورد معامله قرار دهند در این صورت مدیر تصفیه اقدامات مقتضیه را به عمل خواهد آورد. در این خصوص هر طلبکاری می‌تواند به عضو ناظر مراجعه کرده تقاضا نماید که طلبکارهای دیگر را دعوت نماید تا تصمیم خود را اتخاذ بنمایند.

توضیح:

در تقسیم اموال ورشکسته بین غرما و تفریغ حساب و سرانجام ختم عمل ورشکستگی که از مواد ۵۰۴ تا ۵۲۷ آمده است بستانکاران را می‌توان با مطالعه مواد مذکور و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸ و آیین‌نامه مربوط به چهار طبقه (بستانکاران با حق وثیقه و غیر منقول ـ بستانکاران با حق رجحان و در نهایت بستانکاران عادی) تقسیم نمود که هر کدام به نسبت طلب خود حصه‌ای می‌برند.

ـ بستانکاران با حق وثیقه

درمورد طلبکارانی که رهینه منقول یا غیرمنقول در دست دارند در فروش مال مرهونه سه حالت زیر قابل تصور می‌باشد:

ـ حاصل فروش مال رهینه برابر طلب طلبکار است.

ـ حاصل فروش شیء مرهون مازاد از طلب طلبکار می‌باشد که در این صورت مازاد به مدیر تصفیه تسلیم می‌گردد.

ـ قیمت فروش وثیقه کمتر از طلب طلبکار می‌باشد. در این صورت مرتهن حق دارد با عنایت به قسمت اخیر ماده ۵۱۶ (ق.ت) برای بقیه طلب خود جزء طلبکاران عادی (غرما) منظور شود.

در خاتمه اضافه می‌شود که مدیر تصفیه صورت طلبکارانی که ادعای وثیقه می‌نمایند را به عضو ناظر تقدیم می‌کند و عضو مزبور در صورت لزوم اجازه می‌دهد که طلب طلبکاران از اولین وجوهی که به دست می‌آید پرداخت گردد و چنانچه طلبکاران مزبور نسبت به حق وثیقه اعتراضی داشته باشند، می‌توانند به دادگاه صلاحیتدار که معمولاً دادگاه صادر کننده حکم ورشکستگی است مراجعه نمایند.

ضمناً به موجب رأی وحدت رویه شماره ۱۵۵ـ۱۳۴۷/۱۲/۱۴ در مورد این سوال که آیا حق تقدم بستانکاران با حق وثیقه نسبت به اصل طلب آنان در مورد وثیقه می‌باشد و یا این که نسبت به برداشت منافع حاصله و متفرعات نیز حق تقدم دارند چنین اظهارنظر شده است که طلبکاران ورشکسته اعم از این که وثیقه داشته باشند یا نه حق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه تاریخ توقف را ندارند.[1]

در خاتمه قانون ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵ فرانسه بین کسانی که طلب با حق وثیقه منقول و یا غیر منقول دارند هیچ‌گونه وجه تمایزی قائل نشده است در صورتی که در قانون سابق طلبکار با حق منقول می‌توانست با صدور اجرائیه و فروش مال غیرمنقول و بدون داخل شدن در سایر غرما طلب خود را از مال مزبور

---

۱. آرای وحدت رویه قضایی از سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۵۶ انتشارات روزنامه رسمی. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد چهارم، پیشین، ص ۱۰۳ و بعد.

وصول نماید.[1]

در حقوق ایران عملاً اداره تصفیه پس از تشخیص مطالبات و طبقه‌بندی بستانکاران ورشکسته برای بستانکارانی که دارای وثیقه‌اند نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه، در برگ تقسیم حاصل فروش بر بستانکاران حق تقدم قائل می‌شد (ماده ۵۸ ق.ا.ت.ا.و).

ـ بستانکاران با حق رجحان و بستانکاران عادی.

در قانون تجارت بستانکاران با حق رجحان طبقه‌بندی نشده‌اند. اما ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۱۸ آنان را به چهار طبقه تقسیم نموده است و طبقه پنجم مربوط به بستانکاران عادی است.

به موجب رأی وحدت رویه شماره ۱۳۵۰/۲۱۲ وزارت اقتصاد و امور دارایی در موقع وصول مالیات و جرایم آن در موقع مالیات و جرایم آن از درآمد مؤدی ورشکسته نسبت به سایر بستانکاران شخص اخیر حق تقدم ندارد ولی با توجه به ماده ۱۶۰ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با اصلاحات بعدی وزارتخانه مزبور در وصول مطالباتش از مؤدیان غیر ورشکسته در درجه سوم تقدم قرار دارد.

مسئله دیگر حق تقدم دارنده تأمین در استیفای طلبش از اموال بدهکار در اجرای ماده ۱۲۸[2] آیین دادرسی مدنی است در قانون تصفیه امور ورشکستگی در ردیف مطالبات با حق رجحان پیش‌بینی نشده است.[3]

هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۳۲۷۱ مورخ ۱۳۳۹/۱۰/۱۹ در این زمینه چنین اظهار نظر نموده است:

«چون موافق ماده ۵۸، قانون تصفیه امور ورشکستگی در استفاده از اموال متوقف برای دیّان ترتیبی خاص مقرر داشته که به همان نحو باید خاتمه یابد و

---

1. PEDAMON (Michel), Présentation générale de la réforme, Procédure Collectives, Gazette du Palais, Paris 1986 (2.Sem) P.501.

۲. ماده ۱۲۸ (آ.د.م.) مقرر می‌دارد: «در ورشکستگی چنانچه مال توقیف شده عین معین و مورد ادعای متقاضی تأمین باشد، درخواست کننده تأمین بر سایر طلبکاران حق تقدم دارد».

۳. آرای وحدت رویه قضایی، پیشین، ص ۱۲۹، روزنامه رسمی شماره ۵۷۷۹-۱۳۵۰/۸/۶.

موافق معلول همین ماده حق تقدم هر طبقه بر طبقه دیگر تصریح و تعیین شده و از بستانکارانی که از اموال متوقف طلب خود را به وسیله دادگاه تأمین کرده‌اند، قیدی دیده نمی‌شود. بنابراین کلیه دیان به جز کسانی که قانون صریحاً استثنا نموده از اموال متوقف حق استفاده دارند و منطوق ماده ۱۲۸ (آ.د.م) ناظر به مورد مذکور در فوق نبوده و در این مورد که حکم خاصی موجود است قابل اعمال نمی‌باشد بنابراین رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور صحیح صادر شده و طبق قانون وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است».[1]

به طوری که ملاحظه می‌شود با اینکه تاریخ تصویب ماده ۱۲۸ (آ.د.م.) مؤخر به ماده ۵۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۸۱/۴/۲۴ می‌باشد لکن این فرض مورد قبول واقع شده که ماده ۱۲۸ (آ.د.م.) عام بوده و نمی‌تواند ناسخ حکم خاص ماده ۵۸ فوق‌الاشعار باشد و ماده اخیرالذکر در قانونیت خود اقوی و اولی است. بنابراین دارنده تأمین در وصول طلب خود از اموال و دارایی ورشکسته در ردیف بستانکاران معمولی قرار خواهد داشت.

فصل دهم
در دعوی استرداد

ماده ۵۲۸ـ اگر قبل از ورشکستگی تاجر کسی اوراق تجارتی به او داده باشد که وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاه دارد و یا به مصرف معینی برساند و وجه اوراق مزبور وصول یا تأدیه نگشته و اسناد عیناً در حین ورشکستگی در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد صاحبان آن می‌توانند عین اسناد را استرداد کنند.

ماده ۵۲۹ـ مال‌التجاره‌هایی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا به

---

۱. مجموعه رویه قضایی، مأخذ یاد شده، ص ۴۳۷. متن کامل در روزنامه رسمی ۱۲۵۸۳- ۱۳۶۷/۲/۳۱.

مشارالیه داده شده است که به حساب صاحب مال‌التجاره به فروش برساند مادام که عین آنها کلاً یا جزئاً نزد تاجر ورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور امانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است.

ماده ۵۳۰ـ مال‌التجاره‌هایی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده والا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.

ماده ۵۳۱ـ هرگاه تمام یا قسمتی از مال‌التجاره که برای فروش به تاجر ورشکسته داده شده بود معامله شده و به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشده باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از این که نزد تاجر ورشکسته یا خریدار باشد و بطور کلی عین هر مال متعلق به دیگری که در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است.

ماده ۵۳۲ـ اگر مال‌التجاره‌ای که برای تاجر ورشکسته حمل شده قبل از وصول از روی صورت حساب یا بارنامه‌ای که دارای امضاء ارسال کننده است به فروش رسیده و فروش صوری نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی‌شود والا موافق ماده ۵۲۹ قابل استرداد است و استرداد کننده باید وجوهی را که بطور علی‌الحساب گرفته یا مساعدتاً از بابت کرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره تأدیه شده یا از این بابت‌ها باید تأدیه بشود به طلبکارها بپردازند.

ماده ۵۳۳ـ هرگاه کسی مال‌التجاره‌ای به تاجر ورشکسته فروخته ولیکن هنوز آن جنس نه به خود تاجر ورشکسته تسلیم شده و نه به کسی

دیگر که به حساب او بیاورد آن کس می‌تواند به اندازه‌ای که وجه آن را نگرفته از تسلیم مال‌التجاره امتناع کند.

ماده ۵۳۴ـ در مورد دو ماده قبل مدیر تصفیه می‌تواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال‌التجاره را تقاضا نماید ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد.

ماده ۵۳۵ـ مدیر تصفیه می‌تواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده عضو ناظر حکم مقتضی را می‌دهد.

توضیح:

ممکن است اسناد یا اموالی در نزد تاجر موجود باشد که کلاً یا جزئاً متعلق به او نبوده بلکه به صورت مختلف از قبیل امانت، وکالت و حق‌العمل کاری به او سپرده شده است. قانون تجارت ضمن مواد ۵۲۸ تا ۵۳۵ خود برای حفظ حقوق صاحبان اموال مزبور، به آنان حق داده تا با مراجعه به مدیر تصفیه و در صورت عدم حصول نتیجه با طرح دعوی استرداد علیه تاجر ورشکسته (مدیر تصفیه) تقاضای استرداد مالی که به یکی از صور زیر در نزد تاجر مزبور باقیمانده است را بنماید:

۱ـ اوراق تجارتی ۲ـ کالاهای امانی ۳ـ کالاهای امانی برای فروش ۴ـ کالاهای خریداری شده به حساب دیگری ۵ـ فروش و ارسال مال‌التجاره به تاجر ۶ـ حفظ حقوق صاحبان عینی.

در مورد «حفظ حقوق صاحبان عینی» اگر عین مال متعلق به غیر نزد تاجر ورشکسته وجود داشته باشد از طرف صاحب حق قابل استرداد خواهد بود.

در فقه اسلامی اگر کسی پس از عقد و قبض مبیع ولی قبل از پرداخت ثمن مفلس شود، صاحب مال می‌تواند عین مال خود را در صورتی که نزد مفلس موجود باشد، مسترد دارد وگرنه در ردیف سایر دیان قرار می‌گیرد.

روایاتی به شرح زیر در این مورد وجود دارد:

۱. حدیث نبوی، که در آن امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: اگر کسی مفلس شد و طلبکار عین مال خود را یافت پس او نسبت به دیگران حق تقدم در استرداد مال مزبور دارد.

۲. روایتی در صحیحه عمربن یزید، که راوی از امام رضا علیه‌السلام سؤال می‌کند که مردی دیون زیادی دارد، ولی عین مال کسی نیز نزد وی موجود است، تکلیف چیست؟

حضرت می‌فرماید: اگر عین مال کسی در نزد مدیون باشد، می‌تواند عین مال مزبور را مسترد دارد و سایر غرما حق مخاصمه با غریم را ندارند.

ملاحظه می‌شود که اگر طلبکار عین مال خود را در اموال مفلس پیدا کند، نیازی به شرکت در غرما نداشته و حق دارد رأساً عقد را فسخ نموده و مال خود را مسترد نماید و نماء متصل مانند چاقی و بلندی تابع مبیع بوده و متعلق به صاحب مال می‌باشد؛ اما نماء منفصل از آن مشتری است.[۱]

فصل یازدهم
در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی

ماده ۵۳۶ـ حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که به موجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است.

ماده ۵۳۷ـ اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز و از طرف اشخاص ذی‌نفع که در ایران مقیمند در ظرف یک ماه و از طرف آنهایی که در خارج اقامت دارند در ظرف دو ماه به عمل آید ابتدای

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد چهارم، پیشین، باب افلاس ص ۱۶۷–۱۶۸.

مدت‌های مزبور از تاریخی است که احکام مذکور اعلان می‌شود.

ماده ۵۳۸ـ پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها معین شده است دیگر هیچ تقاضایی از طرف طلبکارها راجع به تعیین تاریخ توقف به غیر آن تاریخی که به موجب حکم ورشکستگی یا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهد شد، همین که مهلت‌های مزبور منقضی شد تاریخ توقف نسبت به طلبکارها قطعی و غیر قابل تغییر خواهد بود.

ماده ۵۳۹ـ مهلت استیناف از حکم ورشکستگی ده روز از تاریخ ابلاغ است به این مدت برای کسانی که محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش از شش فرسخ فاصله دارد از قرار هر شش فرسخ یک روز اضافه می‌شود.

ماده ۵۴۰ـ قرارهای ذیل قابل اعتراض و استیناف و تمیز نیست:

۱. قرارهای راجع به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه.
۲. قرارهای راجع به تقاضای اعانه به جهت تاجر ورشکسته یا خانواده او.
۳. قرارهای فروش اسباب یا مال‌التجاره‌ای که متعلق به ورشکسته است.
۴. قرارهایی که قرارداد ارفاقی را موقتاً موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع‌فیه را مقرر می‌دارد.
۵. قرارهای صادره در خصوص شکایت از اوامری که عضو ناظر در حدود صلاحیت خود صادر کرده است.

توضیح:

حکم ورشکستگی پس از صدور علاوه بر طرفین دعوی نسبت به اشخاصی که با تاجر رابطه حقوقی داشته‌اند، دارای آثار می‌باشد. لذا ممکن است اشخاص

ذی‌نفع از جریان دادرسی مطلع نباشند و حکم غیابی صادر گردد. بر همین اساس ماده ۵۳۶ (ق.ت) مقرر می‌دارد: «حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که به موجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است».

همچنین احکام غیابی در همان دادگاه صادرکننده حکم قابل واخواهی می‌باشد ولی همان‌طوری که قبلاً توضیح داده شد تعیین تاریخ اعلان حکم ورشکستگی یا تاریخ توقف دارای اهمیت زیادی می‌باشد. در مورد مدت اعتراض، ماده ۵۳۷ (ق.ت) می‌گوید: «اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ۱۰ روز، از طرف آنهایی که در خارج اقامت دارند در ظرف ۲ ماه به عمل آید. ابتدای مدت‌های مزبور از تاریخی است که احکام مزبور اعلان می‌شود».

قانون تجارت ایران در موارد ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸ و ۵۳۹ طرق زیر را برای شکایت از احکام ورشکستگی پیش‌بینی نموده است.

حق اعتراض به **«تاریخ توقف»** از تاریخ نشر تاریخ توقف در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار شروع می‌شود که در ماده ۵۳۷ و ماده ۳ نظام‌نامه ۱۳۱۱/۳/۱۶ـ۷۰۶۸ و در جاهایی که اداره تصفیه تأسیس شده بر وفق ماده ۲۴ (ق.ا.ت.ا.و) پیش‌بینی شده است.

ضمناً مهلت اعتراض به حکم ورشکستگی ده روز از تاریخ ابلاغ طبق ماده ۵۳۹ می‌باشد.

باب دوازدهم

در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب

فصل اول

در ورشکستگی به تقصیر

ماده ۵۴۱ـ تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می‌شود:

۱. در صورتی که محقق شود مخارج شخص یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق‌العاده بوده است.

۲. در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است.

۳. اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه است بکار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد.

۴. اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.

ماده ۵۴۲ـ در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود:

۱. اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق‌العاده باشد.

۲. اگر عملیات تجارتی او متوقف شده مطابق ماده ۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد.

۳. اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو (بهمن ماه) ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین ماه و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی‌ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صحیح معین نکرده باشد (مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد).

توضیح:

صدور ورشکستگی به تقصیر در صورت احراز یک یا چند مورد مذکور در ماده ۵۴۱ برای دادگاه اجباری است ولی در ماده ۵۴۲ با توجه به صدر ماده که می‌گوید: «تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود» می‌توان گفت که دادگاه با توجه به وضعیت متهم مخیر به صدور حکم ورشکستگی عادی یا به تقصیر می‌باشد.[۱]

ماده ۵۴۳ـ ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب و مجازات آن از ۶ ماه تا ۳ سال حبس تأدیبی است.[۲]

ماده ۵۴۴ـ رسیدگی به جرم فوق برحسب تقاضای مدیر تصفیه یا هر یک از طلبکارها یا تعقیب مدعی‌العموم در محکمه جنحه به عمل می‌آید.

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت جلد چهارم، پیشین، ص ۲۰ و ۲۱.

۲. ماده ۶۷۱ (ق.م.ا): «مجازات ورشکسته به تقصیر از ۶ ماه تا ۲ سال حبس است».

ماده ۵۴۵ـ در صورتی که تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف مدعی‌العموم به عمل آمده باشد مخارج آن را به هیچ وجه نمی‌توان به هیئت طلبکارها تحمیل نمود. در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی مأمورین اجراء نمی‌توانند اقدام به وصول این مخارج کنند مگر پس از انقضای مدت‌های معینه در قرارداد.

ماده ۵۴۶ـ مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه به نام طلبکارها می‌شود در صورت برائت تاجر به عهده هیئت طلبکارها و در صورتی که محکوم شود بر عهده دولت است لیکن دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر ورشکسته مراجعه نماید.

ماده ۵۴۷ـ مدیر تصفیه نمی‌تواند تاجر ورشکسته را به عنوان ورشکستگی به تقصیر تعقیب کند یا از طرف هیئت طلبکارها مدعی خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارهای حاضر.

ماده ۵۴۸ـ مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها به عمل می‌آید در صورت محکومیت تاجر ورشکسته به عهده دولت و در صورت برائت ذمه به عهده تعقیب کننده است.

توضیح:

تعقیب جزایی تاجر ورشکسته به تقصیر به شرح زیر می‌باشد:

ـ نحوه تعقیب جزایی:

تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر بنا به تقاضای هر یک از طلبکاران یا دادستان و یا مدیر تصفیه پس از تصویب اکثریت بستانکاران به عمل می‌آید (مواد ۵۴۴ و ۵۴۷ ق.ت).

در صورتی که تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف دادستان به عمل

آمده باشد، هزینه دادرسی آن به هیچ وجه به عهده هیأت طلبکاران نمی‌باشد؛ اما در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی مأمورین اجراء فقط موقعی می‌توانند هزینه مزبور را از تاجر ورشکسته وصول نمایند که مهلت‌های تعیین شده در قرارداد مزبور منقضی شده باشد (ماده ۵۴۵ ق.ت).

اگر مدیر تصفیه، ورشکسته به تقصیر را به نام بستانکاران تعقیب نماید، در صورت برائت ورشکسته موصوف، هزینه تعقیب به عهده هیأت بستانکاران می‌باشد؛ ولی چنانچه تاجر ورشکسته مقصر محکوم گردد، هزینه دادرسی به عهده دولت خواهد بود و دولت حق دارد طبق ماده ۵۴۵ (ق.ت) در این مورد به تاجر ورشکسته مزبور برای استرداد مبلغ پرداختی مراجعه نماید(ماده ۵۴۶ ق.ت).

چنانچه تعقیب از طرف یکی از طلبکاران به عمل آمده باشد ورشکسته به تقصیر برائت حاصل نماید، هزینه دادرسی به عهده طلبکار است؛ اما در صورت محکومیت ورشکسته مزبور هزینه دادرسی به عهده دولت خواهد بود (ماده ۵۴۸ ق.ت).

ـ ارکان تشکیل دهنده جرم

۱. عنصر مادی: عمل تاجر مرتکب جرم، فعل یا ترک فعل مندرج در مواد ۵۴۱ و ۵۴۲ (ق.ت) بوده و از ادای دیون و قروض خود نیز متوقف می‌باشد.
۲. عنصر معنوی: جرم ورشکستگی به تقصیر، جرم غیر عمدی است و تاجر بدون تفکر مرتکب خطا و یا خطاهای احصاء شده در مواد ۵۴۱ و ۵۴۲ (ق.ت) شده و در نتیجه موجبات اضرار به دیگران و سلب اعتبار بنگاه تجارتی را فراهم می‌سازد.
۳. عنصر قانونی: مجازات تاجر ورشکسته به تقصیر برابر ماده ۶۷۱ (ق.م.ا) از ۶ ماه تا ۲ سال حبس می‌باشد.

فصل دوم
در ورشکستگی به تقلب[1]

ماده ۵۴۹ـ هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را به مفقود نموده یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده و یا به طریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و هم چنین هر تاجر ورشکسته که خود را به وسیله اسناد یا به وسیله صورت دارایی و قروض بطور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی‌باشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می‌شود.

ماده ۵۵۰ـ راجع به تقاضای تعقیب و مخارج آن در موارد ماده قبل مفاد مواد ۵۴۵ تا ۵۴۸ لازم‌الرعایه است.

توضیح:

ماده ۵۴۹ موارد ورشکستگی به تقلب را به شرح زیر احصاء نموده است:

ـ تاجر دفاتر تجارتی خود را از روی عمد و سوءنیت مفقود نماید.

ـ تاجر قسمتی از دارایی خود را مخفی کند.

در این مورد حکم شماره ۲۶۱ـ۲۰/۱/۳۱ شعبه ۲ دیوان عالی کشور صرف نوشتن قسمتی از دارایی را در صورت دارایی، ملازمه با مخفی نمودن مال توأم با سوءنیت ندانسته است و می‌گوید:

«موضوع ماده ۵۴۹ قانون تجارت این است که تاجر ورشکسته با سوءنیت دارایی خود را مخفی نماید و تنها ننوشتن قسمتی از دارایی در صورت دارایی خود ملازمه با مخفی نمودن مال مقرون به سوءنیت ندارد و ممکن است خودداری از معرفی آن به اغراض و جهات دیگری باشد. بنابراین دادگاه بایستی از جهت اینکه آن قسمت از دارایی خود را به منظور مخفی داشتن، جزء صورت نیاورده یا به منظور دیگری بوده رسیدگی و اعمال نظر و سپس

1. Banqueroute frauduleuse – Bankruptcy

حکم مقتضی زا صادر کند[1]».
- تاجر قسمتی از دارایی خود را به طریق مواضعه یا تبانی و معاملات صوری از بین ببرد.
- تاجر به وسیله اسناد یا به وسیله صورت دارایی و قروض به طور تقلب به میزانی که در واقع مدیون نمی‌باشد، خود را مدیون قلمداد نماید.

ارکان تشکیل دهنده جرم ورشکستگی به تقلب عبارت است از:

۱. عنصر مادی: ارتکاب اعمال مندرج در ماده ۵۴۹ قانون تجارت توسط تاجر که به شرح زیر است:
- دفاتر تجارتی خود را از روی عمد و سوءنیت مفقود نماید یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کند.
- قسمتی از دارایی خود را به طریق مواضعه و معاملات صوری از بین ببرد.
- به وسیله اسناد و یا به وسیله صورت دارایی و قروض به طور تقلب به میزانی که در واقع مدیون نمی‌باشد، خود را مدیون قلمداد نماید.

۲. عنصر معنوی: تاجر مرتکب به متقلبانه بودن وسیله، عالم بوده و سوءنیت خاص نیز داشته باشد، بدیهی است مجنی علیه از اعمال متقلبانه مزبور آگاهی ندارد.

۳. عنصر قانونی: مجازات کسانی که به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم می‌شوند برابر ماده ۶۷۰ (ق.م.ا) از ۱ تا ۵ سال حبس می‌باشد، رسیدگی به جرم مذکور در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است.

در حقوق فرانسه رسیدگی به جرم ورشکستگی به تقلب در دادگاه ویژه تخصصی تجارت و با تعدد قضات صورت می‌پذیرد.

این سوال مطرح می‌شود که اگر شکایت جزایی از تاجر به اتهام ورشکستگی به تقلب مطرح شود آیا دادسرا مکلف به رسیدگی و صدور کیفر خواست و نهایتاً ارجاع پرونده به دادگاه کیفری می‌باشد؟ و یا اینکه بازپرس پس از رسیدگی مقدماتی با صدور «قرار اناطه» پرونده را به دادگاه حقوقی عمومی جهت احراز ارکان تشکیل دهنده ورشکستگی که عبارت از تاجر بودن

---

۱. مجموعه رویه قضایی، احمد متین، قسمت کیفری، ص ۳۴۲.

و توقف می‌باشد را تشخیص داده و حکم ورشکستگی صادر نماید و پرونده را جهت تعقیب به مرجع جزایی احاله کند؟

رأی اصراری شماره ۲۰۵ـ۱۳۴۹/۲/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور حاکی از جواز رسیدگی به اتهام ورشکستگی به تقلب بیش از صدور حکم ورشکستگی از دادگاه حقوقی می‌باشد.[۱]

به نظر می‌رسد رأی اصراری هیأت عمومی مذکور قابل انتقاد می‌باشد زیرا دیوان مزبور فقط تظاهر به ورشکستگی بدون داشتن کمبود موجودی و یا تظاهر به وجود کمبود به میزان بیشتر از واقعی آن و بالاخره احراز سوءاستفاده از حقوق طلبکاران به وسایل متقلبانه را کافی به محکومیت متهم به ورشکستگی به تقلب دانسته ولی با توجه به شدت مجازات و اینکه امکان دارد اشخاص غیرتاجر به چنین محکومیتی بدون اینکه محق باشند، محکوم گردند، لذا یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم است و باید در دادگاه حقوقی رسیدگی شده و پس از صدور حکم ورشکستگی وی، پرونده امر به دادگاه کیفری جهت رسیدگی به جرم ارتکابی او احاله گردد و منصفانه نیست که اصل صحت فدای اصل سرعت در امور تجارتی و گردش ثروت گردیده و موجبات محکومیت افراد به طور عجولانه آن هم با رعایت کیفیات مشدد فراهم گردد؛ اما اگر نظم جامعه ایجاب نماید، می‌توان به طور استثنایی به مراجع جزایی اجازه داد که بدون صدور حکم ورشکستگی تاجر از دادگاه حقوقی در صورت احراز عناصر متشکله جرم، یعنی تاجر بودن، توقف از ادای دیون و ارتکاب تقلب، به جرم ورشکسته به تقلب رسیدگی نماید توضیح آنکه جرم ورشکستگی به تقلب با جرم کلاهبرداری فقط در توسل به وسایل متقلبانه و بردن مال غیر، مشترک بوده، ولی تاجر بودن و توقف از ادای دیون از شرایط اختصاصی جرم ورشکستگی می‌باشد.[۲]

---

۱. ضمیمه روزنامه رسمی کشور شماره ۱۲۲ ص ۳۹۷ الی ۴۴۲.

۲. نظر به اینکه مفهوم توسل به وسایل متقلبانه و بردن مال غیر در ورشکستگی در مفهوم کلی کلاهبرداری هم صدق می‌کند و اینکه شرایط اختصاصی ورشکستگی به تقلب که عبارت باشد از تاجر بودن و توقف از ادای دیون وجود ندارد، لذا دو مفهوم عموم و خصوص مطلق بوده و یکی از نسب چهارگانه در علم منطق نامیده می‌شود.

پیش‌بینی نص قانونی در این مورد، همانند حقوق بعضی از کشورها ضروری می‌باشد.[1]

فصل سوم
در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند

ماده ۵۵۱ـ در مورد ورشکستگی اشخاص ذیل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم خواهند شد:

۱. اشخاصی که عالماً به نفع تاجر ورشکسته تمام یا قسمتی از دارایی منقول یا غیر منقول او را از میان ببرند یا پیش خود نگاهدارند یا مخفی نمایند.

۲. اشخاصی که به قصد تقلب به اسم خود یا به اسم دیگری طلب غیر واقعی را قلمداد کرده و مطابق ماده ۴۶۷ التزام داده باشند.

ماده ۵۵۲ـ اشخاصی که به اسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت نموده و اعمال مندرجه در ماده ۵۴۹ را مرتکب شده‌اند به مجازاتی که برای ورشکسته به تقلب مقرر است محکوم می‌باشند.

ماده ۵۵۳ـ اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشارالیه اموال او را از میان ببرند یا مخفی نمایند یا پیش خود نگاه دارند به مجازاتی که برای سرقت معین است محکوم خواهند شد.

ماده ۵۵۴ـ در موارد معینه در مواد قبل محکمه‌ای که رسیدگی می‌کند باید

---

۱. در این زمینه به (بند ۴) ماده ۶ قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۷ فرانسه و ماده ۱۳۹ همان قانون و ماده ۱۹۶ قانون ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵ مراجعه کنید.

در خصوص مسائل ذیل ولو اینکه متهم تبرئه شده باشد، حکم بدهد:
۱. راجع به رد کلیه اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیئت طلبکارها این حکم را محکمه در صورتی که مدعی خصوصی هم نباشد باید صادر کند.
۲. راجع به ضرر و خساراتی که ادعا شده است.

ماده ۵۵۵ـ اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد.

ماده ۵۵۶ـ هرگاه مدیرتصفیه اعم از این که طلب کار باشد یا نباشد در مذاکرات راجع به ورشکستگی با شخص ورشکسته یا با دیگری تبانی نماید یا قرارداد خصوصی منعقد کند که آن تبانی یا قرارداد به نفع مرتکب و به ضرر طلبکارها یا بعضی از آنها باشد در محکمه جنحه به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۵۷ـ کلیه قراردادهایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت به هرکس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است. طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که به موجب قرارداد باطل شده دریافت کرده است به اشخاص ذی‌حق مسترد دارد.

ماده ۵۵۸ـ هر حکم محکومیتی که به موجب این فصل یا به موجب فصول سابق صادر شود باید به خرج محکوم علیه اعلان گردد

توضیح:

در ارتباط با جرم ورشکستگی به تقلب مندرج در ماده ۵۴۹ مورد بحث قرار گرفت. نکته قابل توجه ماده ۵۵۷ (ق.ت) می‌باشد:

طبق ماده فوق کلیه قراردادهایی که اشخاص بعد از تاریخ توقف با تاجر منعقد می‌کنند محکوم به بطلان بوده، و طرف قرارداد ملزم به استرداد وجوه یا اموال به اشخاص ذی‌حقی است که از آنها دریافت کرده است. ملاحظه می‌شود که قبول این ماده به طور اطلاق با برهان عقلی و ثبات معاملات تجارتی به خصوص در بازرگانی بین‌المللی قابل قبول نبوده و موجبات تزلزل معاملات را فراهم می‌سازد. لذا اصلح است که این ماده با توجه به مواد دیگر قانون تجارت از جمله ماده ۴۲۳ همان قانون مورد بررسی قرار گیرد.

زیرا ماده ۴۲۳ فوق‌الذکر فقط سه مورد از معاملات تاجر را که در فاصله تاریخ توقف و تاریخ صدور حکم ورشکستگی صورت گرفته باطل و بلااثر می‌داند. اما به طوری که گفته شد ماده ۵۵۷ کلیه قراردادهای تاجر را بعد از توقف باطل دانسته است، لذا به نظر می‌رسد که باید از ماده ۵۵۷ (ق.ت) برای ثبات معاملات، تفسیر مضیّقی به عمل آورد و این ماده را تخصیص به قراردادهایی بدانیم که به طور متقلبانه صورت گرفته است زیرا این ماده در باب ورشکستگی به تقصیر و به تقلب آمده است.

فصل چهارم

در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی به تقصیر یا تقلب

ماده ۵۵۹ـ در تمام مواردی که کسی به واسطه ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب تعقیب و محکوم می‌شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به غیر از آنچه در ماده ۵۵۴ مذکور است از صلاحیت محکمه جزاء خارج خواهد بود.

ماده ۵۶۰ـ مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی‌العموم بدایت کلیه اسناد و نوشتجات و اوراق و اطلاعات لازمه را به او بدهد.

توضیح:

ماده ۵۵۹ رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی راجع به صدور حکم ورشکستگی در صلاحیت دادگاه حقوقی عمومی می‌باشد یعنی دادگاه به پرونده تاجر ورشکسته از نظر تاجر بودن و متوقف بودن تاجر رسیدگی کرده و پس از احراز این دو رکن و سایر دلایل موجود در پرونده حکم ورشکستگی را صادر می‌نماید سپس پرونده برای رسیدگی به جرم تقصیر یا تقلب به مرجع جزایی احاله می‌گردد و مدیر تصفیه مکلف است به موجب ماده ۵۶۰ بنا به تقاضای مدعی‌العموم بدایت (دادستان دادگاه شهرستان سابق و عمومی فعلی) کلیه اسناد و مدارک اطلاعات لازم را به او بدهد.

بوده یا این که از دریافت وجه امتناع نمایند تاجر ورشکسته باید وجوهی را که به آنها مدیون است با اطلاع مدعی‌العموم در صندوق عدلیه بسپارد و همین که تاجر معلوم کرد این وجوه را سپرده است بری‌الذمه محسوب است.

ماده ۵۶۵ـ تجار ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می‌توانند اعتبار خود را اعاده نمایند:

۱. تاجر ورشکسته که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده و تمام وجوهی که به موجب قرارداد به عهده گرفته است پرداخته باشد. این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخصاً تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می‌شود.

۲. تاجر ورشکسته‌ای که کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده یا به اعاده اعتبار او رضایت داده‌اند.

توضیح:

اعاده اعتبار و حیثیت[1] به تاجر ورشکسته پس از ادای دیون خود به او امکان فعالیت مجدد را اعطا می‌کند چون تاجر پس از صدور حکم ورشکستگی از حقوق اجتماعی و سیاسی محروم گشته و به حیثیت اخلاقی و معنوی او لطمه وارد گردیده است. قانون‌گذار با اعاده اعتبار به تاجر او را در زمرهٔ تجار عادی دیگر قرار می‌دهد.

به نظر می‌رسد در سایر موارد به خصوص در محکومیت‌های جزایی هرچه زودتر با اعاده اعتبار و حیثیت گناهکار امکان اشتغال و بهره‌مندی از سایر حقوق اجتماعی را به او داده شود.

ماده ۵۶۱ **اعاده اعتبار حقیقی** را بیان کرده که اگر تاجر ورشکسته کلیه بدهی خود را با متفرعات و هزینه‌ها پرداخت نماید اعاده اعتبار پیدا می‌کند و قانون‌گذار این را حق او دانسته است.

---

1. Réhabilitation- Discharge of Bankruptcy.

ماده ۵۶۵ قانون‌گذار در بیان اعاده اعتبار قانونی سه مورد زیر را پذیرفته است:

- تاجر ورشکسته که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده و تمام وجوهی که به موجب قرارداد به عهده گرفته است پرداخته باشد. این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخصاً تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می‌شود.
- تاجر ورشکسته که کلیه بستانکاران ذمه او را بری کرده است.
- یا به اعاده اعتبار تاجر ورشکسته رضایت بدهند.

ماده ۵۶۶ـ عرض حال اعاده اعتبار باید به انضمام اسناد مثبته آن به مدعی‌العموم حوزه ابتدایی داده شود که اعلان ورشکستگی در آن حوزه واقع شده است.

ماده ۵۶۷ـ سواد این عرض حال در مدت یک ماه در اتاق جلسه محکمه ابتدایی و همچنین در اداره مدعی‌العموم بدایت الصاق و اعلان می‌شود به علاوه دفتردار محکمه باید مفاد عرض حال مزبور را به کلیه طلبکارهایی که مطالبات آنها در حین تصفیه عمل تاجر ورشکسته یا بعد از آن تصدیق شده و هنوز طلب خود را بر طبق مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ کاملاً دریافت نکرده‌اند به وسیله مکتوب سفارشی اعلام دارد.

ماده ۵۶۸ـ هر طلبکاری که مطابق مقررات مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ طلب خود را کاملاً دریافت نکرده می‌تواند در مدت یک ماه از تاریخ اعلام در ماده قبل به عرض حال اعاده اعتبار اعتراض کند.

ماده ۵۶۹ـ اعتراض به وسیله اظهارنامه که به ضمیمه اسناد مثبته به دفتر محکمه بدایت داده می‌شود به عمل می‌آید، طلبکار معترض می‌تواند به موجب عرض حال در حین رسیدگی به دعوی اعاده اعتبار بطور شخص ثالث ورود کند.

ماده ۵۷۰ـ پس از انقضای موعد نتیجه تحقیقاتی که به توسط مدعی‌العموم به عمل آمده است به انضمام عرایض اعتراض به رئیس محکمه داده می‌شود رئیس مزبور در صورت لزوم مدعی و معترضین را به جلسه خصوصی محکمه احضار می‌کند.

ماده ۵۷۱ـ در مورد مادهٔ ۵۶۱ محکمه فقط صحت مدارک را سنجیده در صورت موافقت آنها با قانون حکم اعاده اعتبار می‌دهد و در مورد ماده ۵۶۵ محکمه اوضاع و احوال را سنجیده بطوری که مقتضی عدل و انصاف بداند حکم می‌دهد و در هر دو صورت حکم باید در جلسه علنی صادر گردد.

ماده ۵۷۲ـ مدعی اعاده اعتبار و همچنین مدعی عمومی و طلبکارهای معترض می‌توانند در ظرف ده روز از تاریخ اعلام حکم به وسیله مکتوب سفارشی از حکمی که در خصوص اعاده اعتبار صادر شده استیناف بخواهند، محکمه استیناف پس از رسیدگی برحسب مقررات ماده ۵۷۱ حکم صادر می‌کند.

ماده ۵۷۳ـ اگر عرض حال اعاده اعتبار رد بشود تجدید ممکن نیست مگر پس از انقضای شش ماه.

ماده ۵۷۴ـ اگر عرض حال قبول شود حکمی که صادر می‌گردد در دفتر مخصوصی که در محکمه بدایت محل اقامت تاجر برای این کار مقرر است ثبت خواهد شد اگر محل اقامت تاجر در حوزه محکمه‌ای که حکم می‌دهد نباشد در ستون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دایره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرکب قرمز به حکم مزبور اشاره می‌شود.

ماده ۵۷۵ـ ورشکسته به تقلب و همچنین اشخاصی که برای سرقت یا کلاهبرداری یا خیانت در امانت محکوم شده‌اند مادامی که از جنبه جزایی اعاده حیثیت نکرده‌اند نمی‌توانند از جنبه تجارتی اعاده اعتبار کنند.

توضیح:

تاجر ورشکسته برای اعاده اعتبار دادخواست خود را به انضمام مدارک لازم به دادگاه صادر کننده حکم ورشکستگی تقدیم می‌کند در صورتی که دادخواست وی مردود اعلام شود ماده ۵۷۳ به او امکان می‌دهد که دادخواست مجدد تحت شرایط پیش‌بینی شده در قانون تسلیم نماید.

قانون ادارهٔ تصفیهٔ امور ورشکستگی

مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸

(مجموعه قوانین سال ۱۳۱۸ ص ۳۵ـ مجله شماره ۳۱۶۹)

مبحث اول
سازمان ادارهٔ تصفیه

ماده ۱ـ در هر حوزهٔ دادگاه شهرستان که وزارت دادگستری مقتضی بداند ادارهٔ تصفیه برای رسیدگی به امور ورشکستگی تأسیس می‌نماید و در این موارد عضو ناظر تعیین نخواهد شد.

ماده ۲ـ رئیس و کارمندان اداره تصفیه ممکن است از بین خدمتکاران قضایی یا اداری یا غیرخدمتگذاران دولت انتخاب شود ـ ادارهٔ تصفیه بقدر لزوم کارمند خواهد داشت.

ماده ۳ـ موارد رد رئیس و قائم مقام او و محاسبین ادارهٔ تصفیه همان است که در رد دادرس در اصول محاکمات حقوقی ذکر شده است و در صورتی که کارمندی ایراد را موجه بداند رئیس کارمند دیگری را برای این کار مأموریت می‌دهد و چنانکه کارمندی ایراد را رد کند قبول یا رد ایراد بنظر رئیس است.

در مواردی که کارمند خود را مردود می‌داند از هرگونه اقدامی خودداری کرده و مراتب را به رئیس اطلاع داده امر او را به موقع اجرا می‌گذارد.

در صورتی که رئیس مردود شود کارمند مقدم اداره وظایف او را انجام خواهد داد و چنانچه رئیس ایراد رانسبت به خود قبول ننماید تعیین تکلیف با دادگاه است.

ماده ۴ـ هرگاه کارکنان اداره تصفیه یاکسانشان تا درجه دوم از طبقه دوم نسبت به دارائی ورشکسته به نفع خود طرف معامله واقع شوند آن معامله باطل است و متخلف تعقیب انتظامی خواهد شد.

ماده ۵ـ مرجع شکایت از اقدامات اداره تصفیه دادگاهی است که حکم توقف را صادر کرده است شکایت به هیچ وجه جریان کار را توقیف نمی‌کند مگر در موارد مهم که عمل مورد شکایت جبران‌ناپذیر و ادله شاکی قوی باشد دادگاه می‌تواند دستور جلوگیری بدهد در این صورت دادگاه مکلف است معجلاً و خارج از نوبت در جلسه اداری به شکایت رسیدگی کرده تصمیم خود را اعلام دارد و در سایر موارد دادگاه در صورت موجه تشخیص دادن شکایت دستور لازم به اداره تصفیه می‌دهد و به اقتضای مورد ممکن است عمل اداره تصفیه را باطل نماید.

ماده ۶ـ استرداد وجوهی که توسط اداره تصفیه به صندوق دادگستری محل

یا صندوق اداره تصفیه تسلیم می‌شود به حواله دو نفر از کارکنان اداره تصفیه که مجاز از طرف وزارت دادگستری باشند خواهد بود.

ماده ۷ـ کلیهٔ عملیات اداره تصفیه و تقاضاها و اعلاناتی که به آن اداره داده می‌شود باید در صورت مجلس نوشته شود.

ماده ۸ـ همین که حکم ورشکستگی قابل اجراء شد رونوشت حکم به اداره تصفیه و اداره ثبت محل فرستاده می‌شود.

ماده ۹ـ در صورتی که اموال تاجر ورشکسته واقع در حوزه دادگاه دیگری باشد اداره می‌تواند اقداماتی را که لازم است از اداره تصفیه محل چنانچه در محل موجود باشد وگرنه از دادگاه آن محل یا مأمور دیگری که تعیین می‌کند بخواهد.

مادهٔ ۱۰ـ ادارهٔ تصفیه می‌تواند از اداره پست و تلگراف و گمرک بخواهد که در مدت تصفیه کلیه برگ‌ها و بسته‌هایی که به عنوان متوقف ارسال گردیده برای آن اداره بفرستند و متوقف می‌تواند در موقع باز کردن برگ‌ها و پاکت‌ها و بسته‌ها حضور داشته باشد.

ماده ۱۱ـ اداره تصفیه در صورت لزوم می‌تواند برای اقدامات تأمینیه بدوی به اعتبار دارائی موجود ورشکسته استقراض نماید.

ماده ۱۲ـ وظایف ادارهٔ تصفیه در این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به آن که وزارت دادگستری تهیه می‌کند تعیین می‌شود و در موارد سکوت برطبق قانون تجارت اقدام خواهد شد.

مبحث دوم
اقدامات تأمینی اداره تصفیه

ماده ۱۳ـ همین که حکم ورشکستگی قابل اجراء شد و رونوشت آن به اداره تصفیه رسید اداره تصفیه صورتی از اموال ورشکسته برداشته اقدامات لازمه از قبیل مهر و موم برای حفظ آنها به عمل می‌آورد.

ماده ۱۴ـ ورشکسته مکلف است اموال و دفاتر خود را به اداره تصفیه معرفی نموده و در تحت اختیار آن بگذارد وگرنه به مجازات از سه ماه تا شش ماه زندان تأدیبی محکوم خواهد شد.
اگر ورشکسته فوت نموده یا فراری باشد ورثه و شرکاء و خدمه و متصدیان امور و کلیه اشخاصی که به نحوی از انحاء در اموال ورشکسته تصرف و دخالت دارند این تکلیف را خواهند داشت وگرنه به همین مجازات خواهند رسید.
اداره، اشخاص نامبرده را به این تکلیف آگاه کرده و مجازاتی را که برای خودداری آنها معین شده تذکر می‌دهد.

ماده ۱۵ـ اداره تصفیه اقدام به بستن و مهر و موم نمودن انبارها ـ مغازه‌ها ـ کالا ـ کارخانجات می‌نماید مگر این که بتواند تحت نظارت خود، آنها را اداره نماید.
اداره به وسائل مقتضی اقدام به حفاظت پول نقد ـ برگ‌های بهادار ـ دفاتر تجارتی ـ دفاتر شخصی و هرچیز قیمتی دیگر می‌نماید و سایر اموال را تا وقتی که صورت آنها برداشته نشده مهر و موم نموده و مهر و موم تا موقعیکه اداره آن را لازم بداند باقی خواهد ماند به علاوه اقدام به حفظ اشیایی که در خارج از محل اقامت ورشکسته است خواهد نمود.

ماده ۱۶ـ مستثنیات دین تحت اختیار ورشکسته گذاشته شده ولی جزء صورت اموال قید خواهد شد.

ماده ۱۷ـ اشیایی که متعلق به اشخاص ثالث بوده و یا اشخاص ثالث نسبت به آنها اظهار حقی می‌نمایند در صورت اموال قید شده مراتب ضمن صورت ذکر خواهد شد.

ماده ۱۸ـ اداره تصفیه مکلف است حقوق اشخاص ثالث را نسبت به اموال غیرمنقول ورشکسته که مستند به اسناد رسمی است معلوم کرده، ضمن صورت اموال قید نماید.

ماده ۱۹ـ کلیه اشیائی که در صورت قید شده باید ارزیابی شود.

ماده ۲۰ـ صورتی که به این ترتیب تنظیم شده به ورشکسته ارائه و از او سؤال می‌شود که آن را صحیح و کامل می‌داند یا خیر پاسخ ورشکسته در صورت قید شده و به امضاء او می‌رسد.

ماده ۲۱ـ متوقف مکلف است در مدت تصفیه خود را در اختیار اداره بگذارد مگر این که صریحاً از این تکلیف معاف شده باشد در صورت اقتضا اداره تصفیه می‌تواند اقدام به جلب او نماید و چنانچه توقیف او لازم شود قرار توقیف را از دادگاه می‌خواهد.
رفع توقیف به دستور اداره تصفیه به عمل می‌آید ورشکسته می‌تواند از دوام توقیف خود در هر ماه یکبار به دادگاه صادر کننده قرار توقیف شکایت نموده رفع آن را بخواهد، اداره تصفیه می‌تواند نفقه عادلانه ورشکسته و واجب‌النفقه او را مخصوصاً در موردی که متوقف را تحت اختیار خود قرار می‌دهد به او بدهد و نیز تعیین خواهد نمود که تا چه مدت متوقف و خانواده‌اش می‌توانند در خانه‌ای که بوده‌اند سکنی نمایند.

ماده ۲۲ـ هرگاه ورشکسته اموالی جز مستثنیات دین نداشته باشد مراتب آگهی و قید می‌شود که اگر بستانکاران بعضاً یا کلاً درخواست اجراء اصول ورشکستگی را ظرف مدت ده روز ننموده و هزینه آن را نپردازند جریان ورشکستگی خاتمه خواهد پذیرفت.

مبحث سوم
دعوت بستانکاران

ماده ۲۳ـ اگر به نظر اداره حاصل فروش اموالی که صورت آنها برداشته شده کافی برای پرداخت هزینه ورشکستگی نباشد اداره اقدام به تصفیه اختصاری می‌نماید مگر این که از بستانکاران درخواست کنند که کار برطبق اصول تصفیه عادی جریان پیدا نموده و هزینه آن را قبلاً بدهد. در مورد تصفیه اختصاری اداره آگهی می‌کند که در ظرف چهل روز هرکس هرگونه ادعائی دارد بنماید و سپس به هر ترتیب که منافع بستانکاران اقتضا می‌کند بدون رعایت تشریفاتی که اقدام به فروش اموال نموده حاصل آن را بین آنان تقسیم و ختم عمل تصفیه را اعلام می‌دارد.

در سایر موارد به طریق عادی برطبق مواد زیر اقدام خواهد شد.

ماده ۲۴ـ اداره تصفیه آگهی منتشر نموده و نکات زیر را در آن قید می‌نماید:

۱. تعیین ورشکسته و محل اقامت او و تاریخ توقف (در صورتی که در حکم دادگاه تعیین شده باشد).
۲. اخطار به بستانکاران و کسانی که ادعائی دارند به این که ادعای خود را در ظرف دو ماه به اداره اعلام نمایند و مدارک خود را (اصل یا رونوشت گواهی شده) به اداره تسلیم دارند.
اداره می‌تواند این مدت را برای کسانی که در خارجه اقامت

دارند تمدید نماید.

۳. اخطار به بدهکاران متوقف که در ظرف مدت نامبرده خود را معرفی کنند. متخلفین از این اخطار به جریمه نقدی معادل صدی بیست و پنج دین به نفع صندوق (ب) مذکور در ماده ۵۴ محکوم خواهند شد.دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه نقدی به حبس تأدیبی از سه تا شش ماه نیز محکوم نماید.

۴. اخطار به کسانی که به هر عنوان اموال ورشکسته در دست آنها است که آن اموال را در ظرف مدت نامبرده در اختیار اداره بگذارند وگرنه هر حقی ک نسبت به آن مال دارند از آنها سلب خواهد شد مگر اینکه عذر موجهی داشته باشند.

۵. دعوت اولین جلسه هیئت بستانکاران که منتهی در ظرف بیست روز از تاریخ آگهی تشکیل خواهد شد ضمناً قید شود کسانی که با متوقف مسئولیت تضامنی داشته و یا ضامن او هستند می‌توانند در جلسه حضور به هم رسانند.

ماده ۲۵ـ آگهی در مجله رسمی وزارت دادگستری و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار دوبار به فاصله ده روز منتشر خواهد شد نسخه‌ای از این آگهی برای هر یک از بستانکاران که شناخته شده است فرستاده می‌شود.

مبحث چهارم
اداره اموال

ماده ۲۶ـ اولین جلسه بستانکاران تحت ریاست یک نفر از کارمندان اداره تشکیل می‌شود و اداره گزارش راجع به صورت اموال و سایر امور مربوط به متوقف را برای بستانکاران می‌خواند.

ماده ۲۷ـ بستانکاران می‌توانند پیشنهاداتی راجع به ادامه جریان کار بازرگانی یا حرفه مربوط به متوقف بنمایند، ولی تصمیم با اداره تصفیه است و بطور کلی ادارهٔ تصفیه نماینده منافع هیئت بستانکاران می‌باشد.

ماده ۲۸ـ اداره تصفیه نسبت به اشیائی که مورد مطالبه اشخاص ثالث است تصمیم مقتضی اتخاذ نموده و اگر آنها را محق بداند مبادرت به تسلیم آن می‌نماید و گرنه ده روز به ایشان مهلت می‌دهد که در دادگاه صلاحیت‌دار اقامه دعوی نمایند کسی که در ظرف ده روز به دادگاه صلاحیت‌دار رجوع ننماید دیگر دعوی او مسموع نخواهد بود.

ماده ۲۹ـ اداره تصفیه اقدام به وصول مطالبات می‌نماید و در صورت ضرورت برای وصول آن اقامه دعوی خواهد کرد اشیائی که در معرض تنزل قیمت بوده و یا نگاهداری آنها هزینه غیر متناسبی را ایجاد می‌نماید بدون تأخیر فروخته خواهد شد همچنین اقدام به فروش برگ‌های بهادار (بورسی) و اشیائی که در بازار قیمت معینی دارند به عمل خواهد آورد. سایر اموال به ترتیبی که بعداً ذکر خواهد شد فروخته می‌شود.

مبحث پنجم
رسیدگی به مطالبات

ماده ۳۰ـ پس از انقضاء موعد مقرر برای ارائه اسناد، اداره به مطالبات رسیدگی نموده تصدیق یا رد می‌نماید و جلب نظر متوقف را در صورتی که در دسترس او باشد خواهد کرد و اداره مکلف نیست به اظهارات متوقف ترتیب اثر دهد.

ماده ۳۱ـ اداره برای رسیدگی در صورت لزوم می‌تواند ابراز دفاتر بستانکار را بخواهد.

ماده ۳۲ـ مطالباتی که به موجب سند رسمی وثیقه ملکی دارند باید منظور شود هر چند از طرف بستانکار اظهار نشده باشد.

ماده ۳۳ـ پس از انقضاء موعد ابراز اسناد منتهی در ظرف بیست روز اداره صورتی با در نظر گرفتن طلبهایی که حق رهن و یا رجحان دارند تهیه خواهد نمود.

ماده ۳۴ـ بستانکارانی که مردود شده‌اند با ذکر دلیل رد ضمن این صورت قید می‌شوند.

ماده ۳۵ـ این صورت از طریق آگهی به اطلاع بستانکاران خواهد رسید و در اختیار کسانی که ادعای حقی نسبت به متوقف می‌نمایند گذاشته می‌شود.
به بستانکاران مردود و همچنین بستانکارانی که حق رجحان برای خود قائل بوده و اداره به ادعای آنها ترتیب اثر نداده است مستقیماً مراتب اعلام خواهد شد.

ماده ۳۶ـ هر کس نسبت به این صورت اعتراض داشته باشد در ظرف بیست روز از انتشار آگهی حق دارد در دادگاه صادر کننده حکم توقف اقامه دعوی کند.
اگر معترض ادعا کند که طلب او بی‌مورد رد شده یا کسر گردیده و یا حق رهن و یا رجحان او منظور نشده دعوی بر علیه اداره اقامه می‌شود و اگر طلب یا حق کسی که قبول شده مورد اعتراض باشد دعوی بر علیه بستانکار اقامه خواهد شد در صورتی که دعوی اخیر به

نتیجه رسیده و حکم به رد طلبی صادر شود سهمی که تخصیص به آن داده شده در حدود طلب مدعی و هزینه دادرسی به او اختصاص پیدا خواهد کرد و مازاد بین سایر بستانکاران تقسیم خواهد شد.
در مورد این ماده دادرسی به طریق اختصاری و فوری به عمل خواهد آمد.

ماده ۳۷ـ اسنادی که در ارائه آنها تأخیر شده در صورتی که عذر موجهی در بین باشد در مورد این ماده تا ختم ورشکستگی قبول می‌شود ولی هزینه‌ای که در اثر این تأخیر پیش آمده بر عهده مدعی طلب است.
اگر اداره سندی را که ابراز شده قبول کرد اقدام به تصحیح صورت بستانکاران می‌نماید و سایر بستانکاران را نیز به وسیله آگهی مطلع می‌سازد.

مبحث ششم
تصفیه

ماده ۳۸ـ پس از رسیدگی به مطالبات بستانکارانی که یک قسمت یا تمام طلب آنها مورد قبول واقع شده به وسیله اخطاریه در جلسه دعوت می‌شوند و اگر درخواست قرارداد ارفاقی هم شده باشد مراتب ضمن دعوتنامه قید می‌شود.

ماده ۳۹ـ اداره گزارش کاملی نسبت به وضعیت دارائی و مطالبات متوقف داده و نظریات متوقف و بستانکاران را استماع نموده و در صورت مجلس ذکر می‌کند ولی تصمیم با خود اداره است مگر در مورد قرارداد ارفاقی و صرف‌نظر کردن از دعاوی مشکوک.

ماده ۴۰ـ اموال متوقف به ترتیب مزایده فروخته می‌شود در موارد زیر ممکن است به طریق غیر مزایده اقدام به فروش اموال کرد:

۱. اگر هیئتی از بستانکاران که دارای شرایط مذکور در ماده ۴۸۰ قانون تجارت باشند به این ترتیب رضایت بدهند.
۲. وقتی که مال در بورس و یا در بازار قیمت معینی دارد اشیاء مورد وثیقه را نمی‌توان به طریق غیر مزایده فروخت مگر اینکه رضایت بستانکارانی که نسبت به آنها حق وثیقه دارند جلب شود.

ماده ۴۱ـ شرایط فروش لااقل ده روز قبل از مزایده در دفتر اداره در دسترس عموم گذارده خواهد شد و هر کس می‌تواند اطلاعات لازمه را کسب نماید آگهی فروش شامل مکان، روز و ساعت مزایده خواهد بود و در مورد اموال غیرمنقوله این آگهی یک ماه قبل از اقدام به فروش به عمل می‌آید. برای بستانکارانی که حق وثیقه غیر منقوله دارند نسخه‌ای از آگهی فرستاده شده و ارزیابی که به عمل آمده به آنها اعلام خواهد گردید.

ماده ۴۲ـ اموال منقول پس از سه مرتبه به صدای بلند حراجچی به کسی که حداکثر پیشنهاد را کرده است واگذار می‌شود. همین ترتیب نسبت به اموال غیرمنقول رعایت می‌گردد مشروط بر این که پیشنهاد به بهای ارزیابی شده برسد و در صورت نبودن پیشنهاد مکفی فروش متوقف می‌ماند و وقت دیگری برای مزایده معین می‌شود در مرتبه دوم که باید لااقل دو ماه پس از مزایده اول به عمل آید اموال غیرمنقول به کسی که بالاترین قیمت را پیشنهاد می‌نماید واگذار خواهد شد.

ماده ۴۳ـ اشیاء سیم و زر نباید به بهای کمتر از بهای فلزی آنها به فروش برسد.

ماده ۴۴ـ اداره تصفیه مکلف است شرایط فروش را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و ورشکسته تعیین نماید اداره می‌تواند

پرداخت بها را نقد یا به موعد قرار بدهد موعد هیچگاه از سه ماه نباید تجاوز کند.

تسلیم در مورد مال منقول و انتقال قطعی در مورد مال غیرمنقول نباید قبل از پرداخت بها صورت بگیرد.

در مورد پرداخت نقدی یک روز مهلت جایز است اگر پرداخت در موعد مقرر انجام نگیرد مزایده‌ای جدید به عمل آمده و در هر حال پیشنهاد دهنده سابق مسئول کسر قیمت و سایر خسارات وارده خواهد بود.

ماده ۴۵ـ اگر در هیئت بستانکاران شرایط مذکور در ماده ۴۸۰ قانون تجارت جمع باشد می‌توانند در دعوائی که نتیجه آن مشکوک است صرف نظر نمایند. هر بستانکاری می‌تواند درخواست کند که آن دعوا به او واگذار شود در این مورد حاصل فروش مالی که از این راه بدست می‌آید در حدود طلبی که دارد به درخواست کننده تعلق گرفته و مازاد آن به سایر بستانکاران متعلق خواهد بود.

مبحث هفتم
تقسیم وجوه حاصله از فروش

ماده ۴۶ـ وقتی که پول حاصله از فروش در دسترس اداره قرار گرفت و صورت بستانکاران قطعی گردید اداره صورتی از حاصل دارائی و حساب نهایی تنظیم خواهد نمود هزینه توقف که به موجب آیین‌نامه تعیین می‌شود و هزینه تصفیه قبلاً موضوع می‌شود صورت تقسیم و حساب نهایی در مدت ده روز در دسترس بستانکاران قرار گرفته و مراتب به اطلاع آنها خواهد رسید بعلاوه خلاصه‌ای از صورت مربوط به سهم هر یک برای آنها فرستاده خواهد شد.

ماده ۴۷ـ پس از انقضای مدت نامبرده اداره مبادرت به پرداخت هریک از سهام می‌نماید بستانکاری که کاملاً به حق خود می‌رسد باید سند مربوطه را به اداره تسلیم کند. در موردی که قسمتی از طلب پرداخت می‌شود مراتب در سند قید می‌گردد در مورد فروش غیرمنقول اقداماتی که در دفتر املاک لازم است از طرف اداره به عمل می‌آید. اگر طلبی معلق باشد و یا به اقساط می‌بایست تأدیه گردد سهمیه مربوط به آن در صندوق دادگستری گذاشته خواهد شد. پس از پرداخت سهمیه اداره به هر یک از بستانکارانی که حقوق آنها کاملاً تأدیه نشده است سند عدم کفایت دارائی می‌دهد. بستانکار فقط در مورد ملائت ورشکسته می‌تواند به موجب این سند بقیه طلب خود را ادعا نماید.

ماده ۴۸ـ تقسیم موقت سهام فقط پس از انقضای مدت مذکور در ماده ۳۶ ممکن است به عمل آید.
به بستانکارانی که جزو صورت نیامده‌اند سند عدم کفایت دارائی داده خواهد شد.

مبحث هشتم
خاتمه ورشکستگی

ماده ۴۹ـ پس از تقسیم اموال خاتمه ورشکستگی اعلام خواهد شد هرگاه پس از خاتمه ورشکستگی اموال متعلق به متوقف کشف شود اداره آنها را به تصرف خود درآورده و حاصل فروش آن را هیچ‌گونه تشریفاتی بین بستانکاران تقسیم می‌کند. نسبت به سهمیه‌هایی که به مناسب مشکوک بودن طلب به ودیعه گذاشته شده و بعداً تصرف در آنها مجاز خواهد شد به همین ترتیب، اقدام می‌گردد.

ماده ۵۰ـ ورشکستگی باید از تاریخ وصول حکم آن به ادارهٔ تصفیه در ظرف هشت ماه تصفیه گردد هنگام ضرورت رئیس دادگاه استان می‌تواند این مدت را تمدید نماید.

مبحث نهم
مقررات مالی

ماده ۵۱ـ اداره تصفیه دارای دو صندوق است صندوق (الف) و صندوق (ب).

ماده ۵۲ـ درآمد صندوق (الف) عبارت از وجوهی است که به عنوان هزینه امور ورشکستگی دریافت می‌شود ـ این درآمد به موجب آیین‌نامه هیئت وزیران تعیین خواهد شد.

ماده ۵۳ـ درآمد صندوق (الف) به مصرف سازمان و برداشت هرگونه هزینه که اداره تصفیه برای امور ورشکستگی لازم داشته باشد خواهد رسید.

ماده ۵۴ـ درآمد صندوق (ب):

۱. صدی بیست و پنج به حقوقی که به موجب قانون ثبت شرکت‌ها مصوب دوم خردادماه ۱۳۱۰ و ماده ۱۱ قانون تجارت برای امضاء دفاتر تجارتی تعلق می‌گیرد اضافه شده و این اضافه به صندوق (ب) متعلق است.
۲. از مبلغ موضوع اعتراض‌نامه که به موجب ماده ۲۹۳ قانون تجارت تنظیم می‌شود از قرار هر ده ریالی ده دینار گرفته شده که نصف آن جزو درآمد عمومی کشور منظور و نصف دیگر آن متعلق به صندوق (ب) خواهد بود.

ماده ۵۵ـ هر یک از دو صندوق نامبرده دارای شخصیت حقوقی بوده و صندوق (الف) می‌تواند از صندوق (ب) در صورت اقتضاء وام بگیرد ـ وزارت دادگستری نسبت به آن دو نظارت تام خواهد داشت.

ماده ۵۶ـ درآمدهای دو صندوق جزو درآمد بودجه عمومی کشور منظور نخواهد شد. وصول و مصرف آن مشمول هیچ یک از مقررات مالی اعم از قوانین و غیر از آن نخواهد بود.

ماده ۵۷ـ ترتیب وصول درآمد و نظارت هزینه این دو صندوق به موجب آیین‌نامه‌ای که وزارت دادگستری تعیین می‌کند معین خواهد شد.

مبحث دهم
مقررات مخصوص

ماده ۵۸ـ بستانکارانی که دارای وثیقه‌اند نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می‌شوند.
طلبهایی که دارای وثیقه نیست و همچنین باقیمانده طلبهاییکه دارای وثیقه بوده و تمام آن از فروش وثیقه پرداخت نشده به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدمند و در تقسیم‌نامه حاصل فروش اموال متوقف این تقدم رعایت و قید می‌شود:

طبقه اول:
الف) حقوق خدمهٔ خانه برای مدت سال آخر قبل از توقف.
ب) حقوق خدمتگذاران بنگاه ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از توقف.
ج) دستمزد کارگرانیکه روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت سه ماه قبل از توقف.

طبقه دوم:
طلب اشخاصیکه مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومیت تحت ادارهٔ ورشکسته بوده نسبت به میزانی که ورشکسته از جهت ولایت و یا

قیمومیت مدیون شده است. این نوع طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که توقف در دورهٔ قیمومت یا ولایت و یا در ظرف یکسال پس از انقضای آن اعلام شده باشد.

طبقه سوم:
طلب پزشک و دارو فروش و مطالباتی که به مصرف مداوای مدیون و خانواده‌اش در ظرف سال قبل از توقف رسیده است.

طبقه چهارم:
الف) نفقهٔ زن مطابق مادهٔ ۱۲۰۶ قانون مدنی.
ب) مهریهٔ زن تا میزان ده هزار ریال به شرط آنکه ازدواج اقلاً پنج سال قبل از توقف واقع شده باشد و نسبت به مازاد جزء سایر دیون محسوب می‌شود.

طبقه پنجم:
سایر بستانکاران

ماده ۵۹ـ رئیس و کارمندان اداره تصفیه (اعم از مأمورین زیر پایه یا قراردادی یا دارای پایه) در صورتی که از مقررات این قانون تخلف کنند مطابق آیین‌نامه‌های وزارت دادگستری مورد تعقیب و مجازات انتظامی واقع خواهند شد.

ماده ۶۰ـ وزارت دادگستری آیین‌نامه‌های مربوط به این قانون را تهیه می‌نماید.

آیین‌نامه قانون ادارهٔ تصفیهٔ امور ورشکستگی

مصوب سال ۱۳۱۸

(مجموعه قوانین سال ۱۳۱۸ ص ۲۱۵، مجله رسمی شماره ۳۳۰۴)

فصل اول
صورت‌مجلس‌ها و حسابداری

مبحث اول
مقررات عمومی

ماده ۱ـ ادارهٔ تصفیه باید دارای دفاتر زیر باشد:

۱. دفتر فهرست ورشکستگان.
۲. دفتر فهرست مأموریت‌های ادارهٔ تصفیه.
۳. دفتر روزنامه.
۴. دفتر صندوق.
۵. دفتر کل.
۶. دفتر ترازنامهٔ آزمایش.
۷. دفتر نماینده که خلاصهٔ کلیه نامه‌های وارده و فرستاده در آن ثبت می‌گردد.

ماده ۲ـ ادارهٔ تصفیه باید دارای برگ‌های نمونه برای امور زیر باشد:

۱. برگ صورت مجلس.
۲. برگ صورت دارایی.
۳. برگ صورت ادعای بستانکاران.
۴. برگ دعوت بستانکاران.

۵. برگ طبقه‌بندی بستانکاران.
۶. برگ انتقال دعاوی مشکوک.
۷. برگ مزایده.
۸. برگ هزینه‌ها و تقسیم وجوه حاصله.
۹. برگ اعلام صورت تقسیم وجوه حاصله.
۱۰. سند عدم کفایت دارایی.
۱۱. آگهی‌های مربوط به شرح عمل ورشکستگی و طبقه‌بندی بستانکاران و خاتمهٔ ورشکستگی.

ماده ۳ـ ادارهٔ تصفیه باید کلیهٔ احکام ورشکستگی را برحسب تاریخ در دفتر فهرست ورشکستگان ثبت نماید، در اول هر سال شماره‌گذاری تجدید خواهد شد، ورشکستگی‌هایی که تا آخر هر سال خاتمه نیافته باید به طور اختصار در اول دفتر سال بعد نوشته شود، در مقدمهٔ این دفتر باید فهرست ورشکستگان بطور الفباء قید گردد.

ماده ۴ـ مأموریت‌هایی که از سایر ادارات تصفیه برای انجام امور ورشکستگی می‌رسد باید در دفتر فهرست مأموریت‌های ادارهٔ تصفیه ثبت گردد.

ماده ۵ـ ادارهٔ تصفیه باید پیش‌نویس نامه‌های فرستاده را که نامه روی برگ‌های نمونه نوشته نمی‌شود نگاهداری نماید پول و برگ‌های بهادار و نامه‌های سفارشی باید در قبال قبض رسید ادارهٔ پست فرستاده شود. هرگاه اقدام ادارهٔ تصفیه بوسیلهٔ آگهی رسمی بعمل آید باید یک نسخه از آگهی یا قسمتی از روزنامه که شامل آگهی با قید تاریخ انتشار باشد در پروندهٔ مربوطه بایگانی شود.

ماده ۶ـ در موقع تغییر رئیس تحویل اداره باید با حضور نماینده وزارت

دادگستری بعمل آید در این صورت تمام دفاتر تا آن تاریخ بسته شده و رئیس سابق زیر آن را امضاء می‌نماید. سپس به حساب‌های اداره رسیدگی بعمل آمده و موجودی صندوق باید با مندرجات دفاتر مربوطه وفق دهد. تاریخ شروع و خاتمه بکار رئیس سابق و همچنین تاریخ شروع بکار رئیس لاحق باید زیر کلیهٔ دفاتر نوشته شود و این تحویل باید در صورت مجلس اداری نوشته شده و کلیهٔ حاضرین آن را امضاء نمایند.

مبحث دوم
صورت مجلس‌ها

ماده ۷ـ ادارهٔ تصفیه باید برای هر ورشکستگی و یا مأموریت‌هایی که به اداره تصفیه مراجعه شود صورت مجلس تنظیم نماید برگ صورت مجلس به محض اعلام ورشکستگی یا وصول مأموریت‌های مرجوعه به اداره شروع شده و به ترتیب تاریخ خلاصه عملیات ورشکستگی و اموری که مؤثر در تصفیه بوده و دارای آثار حقوقی است در آن مندرج شده و هرگاه حکم یا قراری صادر شده باشد فقط قسمت مربوط به تصمیم دادگاه بطور خلاصه در آنجا نقل می‌شود. شماره برگ‌ها و احکام و قرارهای مورد اقدام در ستون مربوطه بطور ترتیب قید می‌گردد.

ماده ۸ـ صورت مجلس‌ها باید روی برگ‌های جداگانه که شماره‌گذاری شده به ترتیب تنظیم و در پوشه مخصوصی که به نام ورشکسته است مجلد شود. در موقع خاتمه عمل ورشکستگی، زیر آخرین اقدامی که در صورت مجلس ثبت گردیده باید با قید تاریخ به امضاء رئیس و مهر اداره تصفیه برسد پس از خاتمه عمل ورشکستگی برگ‌های صورت دارائی، صورت ادعای بستانکاری، طبقه‌بندی بستانکاران،

هزینه‌ها و تقسیم وجوه حاصله و گزارشی که کارمند مربوطه به رئیس اداره تصفیه می‌دهد باید به آن پیوست شده و بطور مجلد نگاهداری شود.

ماده ۹ــ برگ‌های اساسی را که به ترتیب بالا تنظیم گردیده فقط در صورتی می‌توان به دادگاه‌های مربوطه تسلیم نمود که به جهاتی نتوان به رونوشت گواهی شده آنها قناعت کرد.

مبحث سوم
نگاهداری اسناد ورشکستگی

ماده ۱۰ــ هر برگی که به اداره تصفیه واصل شود باید تاریخ ورود روی آن قید گردد کلیه برگ‌های مربوط به امور تصفیه باید بر حسب موضوع در پوشه‌های مخصوصی گذارده شده و در پرونده‌ای که به نام ورشکسته تهیه می‌شود بایگانی گردد اسنادی که از طرف بستانکاران ارائه می‌شود باید با قید شماره مندرجه در برگ صورت ادعای بستانکاری به ترتیب حروف الفبا در پوشه مخصوص بایگانی شود.

ماده ۱۱ــ پرونده غیر مجلدی که به دستور ماده بالا تنظیم گردیده ممکن است پس از ده سال اعلام خاتمه ورشکستگی نابود شود و این نکته در ملاحظات دفتر فهرست ورشکستگان قید خواهد شد پرونده‌ای که به دستور ماده ۸ تشکیل شده باید همیشه نگاهداری شود.

ماده ۱۲ــ اداره تصفیه باید مقررات زیر را نسبت به حفظ دفاتر حسابداری و اسناد ورشکسته رعایت نماید:

۱. هرگاه امور بازرگانی ورشکسته به شخص ثالثی واگذار شده باشد این شخص حق خواهد داشت دفاتر و اسناد مربوطه را تحویل بگیرد.

۲. هرگاه امور بازرگانی ورشکسته به شخص ثالثی واگذار نشده باشد نکات زیر باید رعایت گردد:

الف) هرگاه ورشکسته فرد تاجر باشد دفاتر حسابداری و اسناد ورشکسته پس از خاتمه ورشکستگی در مقابل رسید به او رد گردیده و این نکته در صورت مجلس ورشکستگی قید خواهد شد.

ب) هرگاه ورشکسته شرکت تضامنی یا مختلط باشد دفاتر و اسناد نامبرده به شریکی که از طرف سایر شرکاء معرفی گردیده تحویل داده می‌شود. در صورتی که شرکاء نسبت به شخص معین در این باب موافقت ننمایند دفاتر و اسناد نامبرده به شخصی که از طرف اداره تصفیه معین می‌شود سپرده خواهد شد.

ج) هرگاه ورشکسته شرکت سهامی یا تعاونی باشد دفاتر و اسناد باید در اداره تصفیه نگاهداری شود.

۳. در صورتی که اداره تصفیه محل مناسبی برای حفظ این قبیل دفاتر و اسناد نداشته باشد آنها را به دفتر راکد ارسال خواهد داشت.

مبحث چهارم
نگاهداری دفاتر حسابداری

ماده۱۳ـ اداره تصفیه باید بلافاصله با رعایت تاریخ کلیه وجوه دریافتی و پرداختی به حساب ورشکسته را در دفتر صندوق در مقابل قبض رسید ثبت نماید در هر مورد باید تاریخ پرداخت و مشخصات ورشکسته و نام و محل اقامت دهنده و گیرنده وجه با قید مبلغ و شماره دفتر روزنامه در آن نوشته شود.

ماده ۱۴ـ در دفتر کل باید به نام هر ورشکسته حساب جداگانه باز شده و تمام عملیاتی که در دفتر صندوق انجام می‌گیرد پس از ثبت در دفتر روزنامه به دفتر کل نقل گردد.

ماده ۱۵ـ اداره تصفیه باید حساب مخصوصی در دفتر کل برای دادوستدهای بانکی خود باز نماید. دریافت وجه باید به امضاء رئیس اداره تصفیه و کارمندی که امضاء او مجاز شناخته شده به عمل آید.

ماده ۱۶ـ در آخر هر ماه باید خلاصه حسابهای دفتر کل با قید شماره حساب مربوطه به دفتر آزمایش ماهیانه نقل گردیده و رئیس اداره و حسابدار وقت، زیر آنرا امضاء نمایند. دفتر آزمایش باید موافقت بین مندرجات دفتر صندوق و دفتر کل و موافقت بین موجودی نقدی صندوق و دفتر کل را نشان دهد.

ماده ۱۷ـ کلیه دفاتر باید با کمال دقت تنظیم گردیده و هیچ گونه قلمزدگی یا الحاق نداشته و بین السطورین نیز نباید چیزی نوشته شود. گذاردن جای خالی در قسمت مندرجات ممنوع بوده و تصحیح هر قلمی باید در ذیل همان موضوع قید گردد.

ماده ۱۸ـ قبض رسیدهای مذکور در ماده۱۳ باید در دو نسخه صادر و نسخه دوم به ترتیب تاریخ در پرونده جداگانه که به نام ورشکسته تنظیم می‌شود، بایگانی گردد. شماره‌گذاری قبوض همه ساله تجدید گردیده و ته چک‌های قبوض هر سال بطور مجزا نگاهداری می‌شود. هرگاه قسمتی از قبوض هر دسته قبض به مصرف رسیده باشد در آخر هر سال در مرکز با حضور نمایندهٔ حسابداری وزارت دادگستری و در شهرستان‌ها با حضور نماینده‌ای که از طرف وزارت دادگستری تعیین می‌شود بقیه قبض هر دسته چک را باطل نموده و این نکته را با قید شماره‌های هر دسته چک در صورت مجلس اداری ذکر می‌نماید.

ماده ۱۹ـ اداره تصفیه مکلف است بلافاصله بعد از وصول پول آن را به حساب جاری بانک بگذارد فقط ممکن است مبلغی که برای

هزینه‌های جزئی لازم بوده و بیش از سه هزار ریال نباشد در اداره نگاهداری گردد.

ماده ۲۰ـ برگ‌های بهادار و اشیاء قیمتی باید در محلی که برای این کار اختصاص داده می‌شود نگاهداری گردد.

ماده ۲۱ـ هرگاه وجه نقد یا برگ بهادار و اشیاء قیمتی بنا بر درخواست اداره تصفیه حوزه دیگری وصول یا تحصیل شده باشد باید به وسیله بانک یا نامه سفارشی به اداره مربوطه فرستاده شود.

ماده ۲۲ـ رئیس و کارمندان اداره تصفیه نمی‌توانند: ۱ـ دارایی خود را با دارایی اداره مخلوط نمایند. ۲ـ در دفاتر مخصوص ورشکستگی امور دیگری را درج کنند. ۳ـ وجوهی که مخصوص به یک ورشکسته است صرف امور ورشکسته دیگری ولو به طور موقت باشد بنمایند.

ماده ۲۳ـ اداره تصفیه باید از بدو شروع به عملیات، حساب تفصیلی برای هزینه‌های ورشکسته باز نماید.
اسناد مربوط به هزینه باید به ترتیب تاریخ تنظیم گردیده و بعد از خاتمه ورشکستگی مجلد شده با سایر اسناد مربوط به ورشکستگی نگاهداری شود.

فصل دوم
اجرای مقررات مربوط به مراحل مختلفه ورشکستگی

مبحث اول
تهیه صورت دارایی

ماده ۲۴ـ در فصول جداگانه برگ صورت دارایی باید هر یک از اموال منقول و غیر منقول و برگ‌های بهادار و بستانکاری و وجه نقد به ترتیب ذکر شود.
جمع ارزیابی که به عمل آمده در آخر برگ نوشته می‌شود هرگاه در فصل بخصوصی مالی موجود نباشد این نکته در خلاصه ذکر خواهد شد. در برگ صورت دارایی باید محل وقوع هر مال بخصوص نوشته شود.

ماده ۲۵ـ صورت دارایی غیر منقول باید با ذکر حقوق اشخاص ثالث و بر طبق نمونه تهیه شود. در صورتی که مال غیر منقول در اجاره باشد نام و مشخصات مستأجر و مدت اجاره و مال الاجاره با حق فسخ اجاره در برگ صورت دارایی قید گردد منافع غیر منقولی که در جریان ورشکستگی حاصل می‌شود به ترتیب باید در فصل جداگانه صورت دارایی نوشته شود.

ماده ۲۶ـ اموال ورشکسته که در خارجه واقع است در فهرست ذکر خواهد شد در مواردی که اشخاص ثالث نسبت به اموال نامبرده حقی دارند نوع حق باید در برگ صورت دارایی نوشته شود و در برگ صورت دارایی باید تاریخ شروع به تصفیه و مدتی که برای تشخیص دارایی طول کشیده و نام کلیه اشخاصی که در تنظیم برگ نامبرده شرکت

داشته‌اند ذکر شود.
رئیس اداره با کارمندان مربوطه و کارشناسان باید قسمت‌های مختلف برگ صورت دارایی را امضاء نمایند. پس از تهیه برگ صورت دارایی متصدی تنظیم باید ورشکسته را از کیفری که در ماده ۱۴ قانون تصفیه پیش‌بینی شده متذکر ساخته و به او اخطار نماید تا چنان که نکات مذکور در برگ صورت دارایی مورد قبول اوست مطابق دستور ماده ۲۰ قانون تصفیه عمل نماید.

ماده۲۷ـ در صورتی که ورشکسته فوت شده یا فراری باشد ورثه و شرکاء و خدمه و متصدیان امور و کلیه اشخاصی که به نحوی از انحاء در اموال ورشکسته تصرف و دخالت دارند مکلفند به جای او امضاء نموده و گواهی دهند. در مورد شرکت‌های تضامنی یا مختلط تکلیف مذکور در بالا به عهده هر یک از شرکاء مسئول حاضر که اختیار اداره کردن امور شرکت را داشته‌اند محول خواهد بود.
هرگاه ورشکسته شرکت سهامی یا شرکت تعاونی باشد مدیرانی که در حین اعلام ورشکستگی عهده‌دار امور شرکت بوده‌اند مسئول انجام تکلیف نامبرده شناخته خواهند شد. هرگاه تکلیف بالا انجام نگیرد علت آن باید در برگ صورت دارایی قید شود.

ماده ۲۸ـ اشیائی را که اداره تصفیه به عنوان مستثنیات دین برای ورشکسته باقی می‌گذارد باید با ذکر شماره‌های مندرجه در برگ صورت دارایی در آخر صورت نوشته شده و موضوع نیز به او اعلام گردد. هرگاه ورشکسته از حق خود صرف نظر کند این نکته در برگ صورت دارایی قید شده و به امضاء او می‌رسد.

ماده ۲۹ـ تصمیم راجع به مستثنیات دین در اولین جلسه بستانکاران اعلام گردیده و آنها حق دارند از تاریخ اعلام به مرجع صلاحیت‌دار

شکایت نمایند.

هرگاه شخص ثالثی نسبت به مالی، ادعایی داشته باشد نوع ادعا در برگ مخصوص به آن نوشته شده و در آن جا نام کسی که ادعا دارد و شماره ترتیب مال و اسنادی که ارائه شده ذکر می‌شود به علاوه در ستون ملاحظات برگ صورت دارایی این نکته نیز در مقابل شیئی مورد ادعا قید می‌شود اظهارات ورشکسته و تصمیمات اداره و دادگاه نیز به طور خلاصه و به ترتیب تاریخ در ستون ملاحظات این برگ نوشته خواهد شد.

ماده ۳۰ـ هرگاه اداره تصفیه ادامه دادن به تجارت یا صنعت ورشکسته را مقتضی بداند دفاتر ورشکسته را از روز اعلام ورشکستگی بسته و مجدداً حساب‌های جدیدی از آن تاریخ به بعد باز نموده و یا آن که دفاتر مخصوصی برای این امر در نظر خواهد گرفت.

ماده ۳۱ـ در موقع تهیه برگ صورت دارایی اداره تصفیه پرسش‌های زیرین را از ورشکسته می‌نماید:

۱. نام و محل بستانکارانی که دفاتر ورشکسته حکایت از مشخصات آنها نمی‌نماید.
۲. دعاوی که نسبت به دارایی ورشکسته در جریان است.
۳. بیمه نامه‌هایی که ورشکسته بابت بیمه اشخاص یا خسارات و حوادث غیر مترقبه به اموال دارد.
۴. حق ولایت یا قیمومتی که ورشکسته داشته و همچنین حقوق و دعاوی مربوط به آن.

مبحث دوم
دعوت بستانکاران

ماده ۳۲ـ آگهی مذکور در ماده ۲۴ قانون اداره تصفیه علاوه بر این که برای بستانکاران فرستاده می‌شود برای اشخاص زیر نیز فرستاده خواهد شد.

۱. قسمت‌های اجراء حوزه ورشکسته.
۲. دادگاه‌هایی که دعاوی مربوط به ورشکسته نزد آنها مطرح است.
۳. بنگاه‌های بیمه که ورشکسته قرارداد بیمه شخصی یا هر نوع بیمه دیگری که موثر در امر تجارتی ورشکسته باشد با آنها منعقد نموده است.
۴. دادسرای مربوطه اگر اعمال ولایت یا قیمومت می‌نماید.
۵. دفتر املاکی که ورشکسته در حوزه آن دارای اموال غیر منقول می‌باشد.

صورت بستانکارانی که برای آنها یک نسخه از آگهی بالا فرستاده شده باید در صورت مجلس ورشکستگی یا برگ جداگانه که به امضاء رئیس اداره تصفیه یا کارمند مربوطه رسیده و پیوست صورت مجلس می‌شود قید گردد.

ماده ۳۳ـ اصول اسنادی که از طرف بستانکاران ارائه گردیده در صورتی به آنها رد خواهد شد که رونوشت گواهی شدهٔ آن اسناد را به اداره تسلیم نمایند.

مبحث سوم
اداره اموال

ماده ۳۴ـ برای هر جلسه بستانکاران باید صورت مجلس تنظیم شود در این صورت مجلس نام تمام بستانکارانی که شخصاً حاضر شده‌اند یا نماینده فرستاده‌اند قید خواهد شد سپس گزارش مذکور در ماده ۲۶ قانون اداره تصفیه قرائت شده و در صورت مجلس قید می‌شود کلیهٔ پیشنهادها در صورت مجلس نوشته شده و تصمیم اداره نیز در آخر

آن ذکر خواهد شد.

ماده ۳۵ـ هرگاه اموال ورشکسته مورد مطالبهٔ اشخاص ثالثی باشد ادارهٔ تصفیه تصمیم مقتضی خواهد گرفت. فروش مال مورد ادعا مانع تصمیم اداره نخواهد بود مگر آن که حاصل فروش بین بستانکاران تقسیم شده باشد.

ماده ۳۶ـ همین که اداره تصفیه تصمیم مقتضی راجع به ادعای شخص ثالثی گرفت مدلول آن را به اشخاص ذی‌نفع اعلام کرده و مخصوصاً به کسانی که ادعا دارند باید تذکر داده شود که در صورت عدم مراجعه به دادگاه صلاحیت‌دار در موعد مقرر ادعای آنها مسموع نخواهد بود.

ماده ۳۷ـ هرگاه شخص نسبت به شیئی که داخل در مستثنیات دین است حق رهن یا رجحان داشته و حق او را نیز اداره تصفیه شناخته باشد قبلاً طلب صاحب حق رهن یا رجحان پرداخته شده و مازاد آن به ورشکسته تسلیم خواهد شد. هرگاه شیئی که داخل در مستثنیات دین است مورد ادعای دیگری قرار گیرد در این صورت مقررات بالا رعایت نشده و شخص ثالث می‌تواند بر علیه شخص ورشکسته اقامهٔ دعوی نماید.

مبحث چهارم
رسیدگی به مطالبات

ماده ۳۸ـ اطلاعاتی را که ورشکسته طبق مادهٔ ۳۰ قانون اداره تصفیه راجع به مطالبات می‌دهد در برگ صورت ادعای طلب یا برگ جداگانه وارد شده و به امضاء او می‌رسد مقررات مذکور در مادهٔ ۲۷ آیین‌نامه راجع به شرکت‌های تضامنی و سهامی و تعاونی در این‌جا نیز مراعات می‌شود.

ماده ۳۹ـ برگ طبقه‌بندی بستانکاران به ترتیب زیر تنظیم می‌گردد:

۱. ذکر بستانکارانی که دارای حق رهن هستند.

۲. ذکر بستانکاران مذکور در مادهٔ ۵۸ قانون ادارهٔ تصفیه

هرگاه در بند ۱ یا یکی از طبقات بند ۲ بستانکاری موجود نباشد باید در صورت طبقه‌بندی بستانکاران تذکر داده شود.

ماده ۴۰ـ هرگونه ادعای بستانکاری باید در طبقهٔ ستون مخصوص به خود نوشته شود تصمیم ادارهٔ تصفیه مبنی بر رد یا قبول آن نیز باید با ذکر خلاصهٔ علت در آن جا قید گردد.

هرگاه ادعای بستانکاری موجه شناخته نشود ادارهٔ تصفیه آن را رد خواهد کرد. رد یا قبول ادعایی به طور مشروط جایز نیست.

ماده ۴۱ـ مطالبات باید به ترتیب شماره گذارده شده و جهت بستانکاری در آن جا قید و به شمارهٔ برگ ادعای بستانکار نیز اشاره شود و در برگ طبقه‌بندی بستانکاران باید اموال مورد رهن قید شود. هرگاه منافع مالی مورد رهن باشد این موضوع نیز ذکر خواهد شد.

ماده ۴۲ـ هرگاه در قبال طلبی اموال شخص ثالثی در رهن بوده باشد این قسمت جزء بستانکاری‌های عادی ثبت خواهد شد. در صورتی که مال مورد رهن قبل از تقسیم وجوه حاصله به فروش رسیده و بستانکار به حق خود برسد صاحب مال جانشین بستانکار شناخته و در سهم‌بندی به همان نسبت شرکت خواهد کرد.

ماده ۴۳ـ هرگاه دعوی مربوط به طلبی در موقع اعلام ورشکستگی در جریان باشد این ادعا جزء صورت طبقه‌بندی بستانکاران ذکر شده ولی اداره تا تعیین تکلیف قطعی از طرف دادگاه تصمیمی در آن باب نخواهد گرفت. اداره تصفیه می‌تواند تصمیم خود را در ظرف مدت

اعتراض راجع به بستانکاری تغییر دهد. ولی این تغییر باید طبق مادهٔ ۳۵ قانون اداره تصفیه آگهی شده و به اشخاص ذی‌نفع نیز اعلام گردد.

ماده ۴۴ـ هرگاه در نتیجهٔ اعتراضی که طبق ماده ۳۶ اداره تصفیه به عمل آمده دادگاه تصمیمی اتخاذ نماید این تصمیم در صورت طبقه‌بندی بستانکاران قید می‌گردد.

ماده ۴۵ـ آگهی مذکور مادهٔ ۳۵ قانون اداره تصفیه باید در همان روزنامه که توقف اعلام شده است درج گردد در آگهی مندرج در قسمت ۲ ماده ۳۵ قانون اداره تصفیه باید اخطار شود که اگر اشخاص ذی‌نفع در ظرف مدت مقرر در مادهٔ ۳۶ قانون به دادگاه مراجعه ننمایند حق آنها از بین خواهد رفت.

ماده ۴۶ـ در مورد تصفیه اختصاری نیز صورت طبقه‌بندی بستانکاران تنظیم خواهد شد و مقررات فوق تا اندازه‌ای که قابل اعمال است در آنجا نیز رعایت خواهد گردید.

مبحث پنجم
تصفیه

ماده ۴۷ـ در مورد مادهٔ ۴۲ قانون ادارهٔ تصفیه برای هر مزایده باید صورت مجلس مخصوصی تنظیم شود در این صورت مجلس باید نام اشخاصی که مباشر مزایده بوده و همچنین تاریخ و محل و مدت مزایده و بالاترین بهای هر شیئی در آن قید شود صورت مجلس را رئیس یا کارمند ادارهٔ تصفیه امضاء می‌نماید.

ماده ۴۸ـ هرگاه موضوع مزایده مال غیر منقول باشد اداء این عبارت از

طرف رئیس یا کارمند ادارهٔ تصفیه (که فلان مال غیر منقول به بهای فلان مبلغ به آقای... واگذار می‌شود.) باید در صورت مجلس قید گردیده و برندهٔ مزایده نیز آن را امضاء نماید هرگاه به بهای ارزیابی شده خریداری پیدا نشود باید در صورت مجلس قید گردد که مال غیر منقول در مزایده به فروش نرسیده، هرگاه مزایده تحت شرایطی به عمل آید این نکته نیز در صورت مجلس باید قید گردد.

ماده ۴۹ـ کسانی که در مزایده مال غیر منقول شرکت می‌کنند باید صدی پنج بهای مال غیر منقول ارزیابی شده را به صندوق ادارهٔ تصفیه تا روزی که برای مزایده مقرر شده بسپارند هرگاه پرداخت بها در موعد مقرر انجام نگیرد یا آنکه پیشنهاد دهنده حاضر به اجرای تعهد خود نگردد خسارات وارده از مبلغ سپرده برداشت خواهد شد.

ماده ۵۰ـ هرگاه مال غیر منقول موضوع مزایده مورد حق رهن و غیره واقع شده باشد باید اخطاریه‌ای که متضمن تاریخ و ساعت و محل مزایده باشد برای صاحب حق فرستاده شود در صورتی که برندهٔ مزایده غیر از صاحب حق رهن باشد باید شخص برندهٔ مزایده و شخص صاحب حق و رئیس یا کارمند اداره تصفیه در یکی از دفتر خانه‌های اسناد رسمی حضور به هم رسانیده و ضمن انتقال ملک به خریدار حق صاحب رهن را پرداخته و مازاد آن را به حساب ورشکسته منظور دارند.

ماده ۵۱ـ هرگاه اشیاء مورد مزایده بیمه شده باشد این نکته باید در موقع مزایده اعلام گردد در صورتی که اشیاء مذکور یک جا به یک نفر واگذار شود این انتقال باید به بیمه کننده اعلام گردد.

ماده ۵۲ـ انتقال دعوی مشکوکی که طبق ماده ۴۵ قانون ادارهٔ تصفیه

پیش‌بینی شده باید به وسیله برگ نمونه و تحت شرایطی که در آن ذکر شده به عمل آمده و هزینه‌ای که به آن تعلق می‌گیرد به عهدهٔ انتقال گیرنده خواهد بود.

ماده ۵۳ـ همین که قرارداد ارفاقی بسته شد اقدام دیگری برای فروش اموال به عمل نیامده و ادارهٔ تصفیه منتظر گواهی دادگاه مربوطه خواهد بود.

مبحث ششم
تقسیم وجوه حاصله

ماده ۵۴ـ اداره تصفیه باید برای تقسیم موقت سهام بر طبق ماده ۴۸ قانون اداره تصفیه صورت تقسیم موقت تهیه نموده اعلام نماید که صورت تقسیم در ظرف مدت ۱۰ روز در دسترس بستانکاران گذارده خواهد شد هرگاه دعوی مربوطه به بستانکاری در موقع تقسیم موقت سهام به نتیجه نرسیده باشد سهمی که برای او منظور شده کنار گذارده می‌شود و همچنین بستانکارانی که طلب آنها مؤجل است قبل از رسیدن موعد به آنها پرداخته نخواهد شد مگر آن که برای برگشت فرع قانونی از طلب خود رضایت دهند.

ماده ۵۵ـ صورت تقسیم نهایی وقتی تنظیم می‌شود که کلیه دعاوی مربوط به دارایی و بدهی ورشکسته قطعی شده باشد برای تنظیم صورت قطعی لازم نیست منتظر مازاد مذکور در ماده ۴۵ قانون اداره تصفیه گردید.

ماده ۵۶ـ صورت تقسیم به ترتیب زیر تنظیم می‌شود:
قبل از هر چیز اموال مورد رهن یا وثیقه و وجهی که از حاصل فروش آن به دست می‌آید قید گردیده و هزینه‌ای که از بابت اداره کردن و

فروش آن به عمل آمده ذکر خواهد شد اینگونه هزینه‌ها از حاصل فروش کسر شده و پس از پرداخت طلب‌های وثیقه‌دار مازاد آن به حساب عمومی وجوه حاصله نقل خواهد شد.
هرگاه وجه حاصل فروش کافی برای تأدیه طلب بستانکار وثیقه‌دار نباشد نام او به نسبت بقیه طلب جزء طبقهٔ پنجم مذکور در ماده ۸ قانون ذکر خواهد شد از حاصل کل دارایی بدواً هزینه‌های ورشکستگی و هزینه امور ورشکستگی کسر گردیده و بقیه بین اشخاص مذکور در برگ صورت طبقه‌بندی بستانکاران تقسیم خواهد شد.

ماده ۵۷ـ هرگاه به موجب ماده ۴۵ قانون دعوایی به بستانکاران واگذار شده و این دعوی به نتیجهٔ مثبتی رسیده باشد ادارهٔ تصفیه ضمن صورت تقسیم یا به وسیلهٔ ضمیمهٔ جداگانه‌ای آن را بین بستانکار انتقال گیرنده و سایر بستانکاران تقسیم خواهد نمود.

ماده ۵۸ـ همین که صورت تقسیم تهیه شد باید به بستانکاران اعلام گردد که صورت نامبرده در ادارهٔ تصفیه در دسترس آنها گذارده خواهد شد هرگاه بعد از آگهی تغییری در صورت مزبور داده شود این نکته نیز به طریق فوق اعلام خواهد گردید.

ماده ۵۹ـ قبل از اقدام به تقسیم اداره باید مطمئن شود که هیچ‌گونه اعتراضی در ظرف مدت مقرر نسبت به صورت تقسیم به عمل نیامده در صورتی که نسبت به این صورت اعتراضی شده باشد اداره تصفیه برای تقسیم منتظر نتیجه رسیدگی به اعتراض خواهد بود.

مبحث هفتم
خاتمه ورشکستگی

ماده ۶۰ـ پس از خاتمه ورشکستگی کارمند مربوطه گزارشی مبنی بر خاتمه ورشکستگی به رئیس اداره خواهد داد در این گزارش خلاصه عملیات تصفیه و جهت ورشکستگی و مبلغ دارایی و بدهی و میزان زمینه خالی و سهمیه‌هاییکه به موجب فقره چهار ماده ۴۷ قانون اداره تصفیه در صندوق وزارت دادگستری سپرده شده ذکر خواهد شد سپس خاتمه ورشکستگی از طرف رئیس اداره اعلام و انتشار خواهد یافت.

ماده ۶۱ـ گزارش نهایی در مورد تصفیه اختصاری نیز باید تنظیم شده و خاتمه ورشکستگی هم به موجب آگهی اعلام گردد در مورد ماده ۲۲ قانون انتشار آگهی مبنی بر اعلام خاتمه ورشکستگی ضروری نیست.

ماده ۶۲ـ سند عدم کفایت دارایی باید بر طبق نمونه پیوست صادر شود.

مبحث هشتم
تصفیه اختصاری

ماده ۶۳ـ در مورد تصفیه اختصاری مذکور در فقره ۲ ماده ۲۳ قانون اداره تصفیه نکات زیر رعایت می‌شود.

۱. بستانکاران برای تشکیل جلسه دعوت نمی‌شوند. معذالک هرگاه اداره مقتضی بداند ممکن است به وسیله تشکیل جلسه جلب نظر آنها را بنماید ولی در صورتی که ورشکسته پیشنهاد قرارداد ارفاقی نموده باشد در این مورد باید جلسه بستانکاران دعوت شود.

۲. در هر موقع بدون هیچ‌گونه شرطی ممکن است خواه از طریق عادی یا به طور مزایده اقدام به فروش اموال ورشکسته به عمل آید مهلتی که برای

پرداخت بهای مال داده می‌شود نباید از سه ماه تجاوز کند در صورت نبودن خریدار به بهای ارزیابی شده اقدام به مزایده مجدد به عمل نیامده و اداره تصفیه به نحو مقتضی اقدام به فروش آن خواهد نمود.

۳. تقسیم وجوه حاصله طبق مدلول مواد ۴۶ و ۴۷ قانون به عمل آمده و سند عدم کفایت دارایی صادر می‌شود ولی صورت تقسیم برای مراجعه اشخاص ذی‌نفع در اداره تصفیه گذارده نشده و تقسیم موقت سهام نیز به عمل نخواهد آمد.

مبحث نهم
مقررات مخصوص

ماده ۶۴ـ در هر حوزه که تشکیل اداره تصفیه اعلام شود امور ورشکستگی که تا آن تاریخ خاتمه نیافته تحویل اداره تصفیه گردیده و مدیران تصفیه و کارمندان ناظر باید از هرگونه اقدام خودداری نمایند.

ماده ۶۵ـ عملیات ورشکستگی اموری که تصفیه آن در موقع اعلام تشکیل اداره تصفیه خاتمه هم نیافته طبق مقررات قانون اداره تصفیه و آیین‌نامه ادامه خواهد یافت.

ماده ۶۶ـ هرگاه اعمال ورشکستگی که قبل از اعلام تشکیل اداره تصفیه انجام شده ناقص تشخیص شود با رعایت مقررات این آیین‌نامه تکمیل خواهد گردید.

ماده ۶۷ـ در موارد مذکور در مواد بالا که قسمتی از اعمال تصفیه به وسیله مدیران تصفیه و قسمت دیگر به وسیله اداره تصفیه انجام می‌شود.

هزینه این امور تصفیه باید به تشخیص رئیس اداره بین مدیران و اداره تقسیم گردد.

تصویب‌نامه شماره ۱۷۰۳ مورخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۱۹
(مجموعه قوانین سال ۱۳۱۹ ص ۱۰۹ مجله رسمی شماره ۳۳۸۵)

ماده۱ـ پس از آن که حاصل دارایی ورشکسته اعم از آنچه که در موقع برداشتن صورت اموال موجود بوده یا آنچه که بعداً مشخص شده معلوم گردیده و قبل از تقسیم وجوه حاصله بین صاحبان سهام، اداره تصفیه مبلغی به عنوان هزینه امور ورشکستگی به شرح زیر احتساب و برداشت خواهد نمود:

تا صد هزار ریال صدی ۸ نسبت به مازاد از صد هزار ریال تا پانصد هزار ریال صدی ۷ نسبت به مازاد پانصد هزار ریال به بالا صدی۶.

تبصره (۳۰ آذرماه ۱۳۲۱)ـ در مورد انعقاد قرار داد ارفاقی و به طور کلی در هر مورد که ورشکستگی به جهتی قبل از تقسیم وجوه حاصل از دارایی خاتمه پیدا می‌کند، هزینه ورشکستگی از طرف رئیس تصفیه با در نظر گرفتن مقدار کاری که اداره انجام داده تشخیص و با تصویب وزارت دادگستری تعیین خواهد شد این هزینه در هر حال از نصف میزانی که به موجب ماده یک (مذکور) معین شده تجاوز نخواهد کرد.

ماده۲ـ هزینه امور ورشکستگی به حاصل ویژه دارایی ورشکسته تعلق گرفته و هزینه‌های مربوط به اقامه دعاوی و انعقاد معاملات و پرداخت مالیات‌ها و عوارض و اداره کردن اموال و مطبوعات و غیره مشمول هزینه امور ورشکستگی نبوده و قبل از تقسیم وجوه حاصله از دارایی ناویژه کسر خواهد شد.

ماده۳ـ اداره تصفیه حق ندارد به غیر از هزینه نامبرده در ماده یک وجه دیگری به عنوان هزینه امور ورشکستگی برداشت نماید.

تصویب نامه راجع به تمرکز درآمدهای صندوق (الف وب) ادارهٔ تصفیه امور ورشکستگی مرکز

مصوب ۱۷ تیرماه ۱۳۱۹

(مجموعهٔ قوانین سال ۱۳۱۹ ص ۱۰۹ مجله رسمی شماره ۳۴۴۳)

نظر به این‌که ضمن قانون تصفیه مقرراتی برای تمرکز درآمدهای دو صندوق (الف وب) پیش بینی نشده است مقرر می‌شود که درآمدهای نامبرده مربوط به کلیه شهرستان‌ها در اداره کل تصفیه متمرکز گردیده بودجه هزینه‌های مربوطه با پیشنهاد اداره نامبرده و تصویب دادگستری از مجموع درآمد بدون رعایت موازنه هزینه و درآمد شهرستان به خصوص پرداخت شود.

توضیح:

شایان ذکر است که اداره تصفیه سابقاً استقلال مالی داشت ولی به موجب ماده واحده لایحه قانونی راجع به درآمدهای اختصاصی مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۴ چون کلیه درآمدهای اختصاصی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی (به استثنای درآمدهای مستثنی شده در تبصره (۲۸) قانون بودجه سال ۱۳۵۸) باید به درآمد عمومی منتقل گردد. لذا بنا به تبصره ۴ ماده مذکور درآمدهای اداره تصفیه امور ورشکستگی نیز به درآمد عمومی انتقال یافته و در مقابل اعتبار مورد نیاز اداره مزبور ضمن بودجه وزارت دادگستری در ردیف خاصی منظور می‌گردد. برای برداشت از بودجه مزبور امضائات رئیس اداره کل تصفیه و ذی‌حساب وزارت دارایی ضروری می‌باشد. بودجه ادارات تصفیه شهرستان‌ها از طرف اداره تصفیه کل در تهران تعیین می‌گردد و مصرف بودجه باید با نظارت رئیس اداره مزبور و ذی‌حساب وزارت دارایی و رعایت مقررات صورت پذیرد. همچنین اسناد هزینه باید به امضای متفق اشخاص اخیرالذکر نیز برسد.

آیین‌نامه درآمد صندوق (الف) مصوب ۲۴ مردادماه۱۳۱۹

(مجموعه قوانین سال ۱۳۱۹ ص ۱۳۷ مجله رسمی شماره ۳۴۷۹)

آیین‌نامه درآمد صندوق الف

مصوب ۲۴ مردادماه ۱۳۱۹

(مجموعه قوانین سال ۱۳۱۹ ص ۱۳۷ مجله رسمی شماره ۳۴۷۹)

ماده۱ـ طبق ماده (۵۲) قانون تصفیه ۱۳۱۸/۴/۲۴ و تصویب نامه شماره ۱۷۰۳ مورخ ۱۳۱۹/۲/۱۴ هیأت وزیران درآمد صندوق (الف) عبارت از وجوهی است که به عنوان هزینه امور ورشکستگی از حاصل دارایی ورشکسته مطابق تصویب نامه نامبرده (۶ الی ۸ درصد) برداشت می‌شود.

ماده۲ـ اداره تصفیه هر حوزه حسابی در دفاتر خود به نام حساب درآمد صندوق(الف) باز و وجوهی را که از بابت حق مقرر در ماده (۱) تحصیل می‌شود با ذکر مبلغی که حق نامبرده به آن تعلق گرفته در آن حساب ثبت می‌نماید.

ماده۳ـ حسابداری اداره کل تصفیه نیز حسابی برای ثبت کلیه اقلام درآمد صندوق (الف) در دفاتر خود باز می‌نماید.

ماده۴ـ برای کلیه درآمدهای صندوق (الف) اداره کل تصفیه حسابی در بانک ملی به نام درآمد صندوق (الف) باز خواهد نمود.

ماده۵ـ ادارات تصفیه شهرستان‌ها وجوه حاصله از آن محل را پس از ثبت در دفاتر حسابداری خود منتهی در ظرف ۲۴ ساعت به بانک ملی بابت حساب درآمد صندوق(الف) اداره کل تصفیه در مقابل اخذ ۲ نسخه قبض رسید واریز نموده و یک نسخه در پرونده مربوطه بایگانی

و نسخه دیگر را به حسابداری اداره کل تصفیه ارسال می‌نماید.
حسابداری اداره کل تصفیه صورت بالا را رسیدگی نموده و نتیجه را به اداره فرستنده اعلام می‌نماید.

ماده۶ـ حق استفاده از حساب نامبرده با مدیر کل تصفیه یا معاون اداری و مالی و رئیس اداره حسابداری یا معاون اداره حسابداری که دو نفر با هم امضاء می‌نمایند خواهد بود.

ماده۷ـ وجه اعتبار اداره تصفیه هر حوزه طبق بودجه مصوبه همه ماهه از اداره کل تصفیه توسط بانک ملی شهرستان‌ها ارسال و تحت نظر رئیس اداره و رئیس حسابداری محل با رعایت مقررات به مصرف رسیده و در حساب‌های مربوطه ثبت و یک رو نوشت از صورت حقوق و هزینه‌های پرداختی که حاوی امضاء گیرندگان وجه باشد به مرکز ارسال خواهد شد.
اداره تصفیه شهرستان‌ها مبلغی را به عنوان اعتبار متحرک برای هزینه‌های امور متوقفین از اداره کل تصفیه دریافت داشته و در آخر هر ماه صورت جامعی از کلیه هزینه‌ها با ذکر نام متوقف و نوع هزینه تهیه و به مرکز ارسال می‌دارد.

ماده۸ـ طرز بازرسی صندوق الف به شرحی است که در ماده (۱۱) آیین‌نامه صندوق (ب) پیش بینی گردیده است.

توضیح:

درآمد و هزینه صندوق مزبور عبارت است از:

۱. درآمد صندوق (الف) – برابر ماده ۱و۲ تصویب نامه شماره ۱۷۰۳ـ ۱۳۱۹/۲/۱۴ وجوهی است که از حاصل ویژه دارایی ورشکسته به عنوان هزینه امور ورشکستگی احتساب و برداشت می‌شود و به موجب (بند ۲) ماده ۳ قانون

وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸، درآمد صندوق «الف» اداره کل امور ورشکستگی تا مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال ۹٪ و نسبت به مازاد آن تا ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال ۸٪ و مازاد آن‌ها۷٪ دریافت می‌شود.

هزینه‌های مربوط به اقامه دعوی و انعقاد معاملات و پرداخت مالیات‌ها و عوارض و اداره کردن اموال و آگهی در مطبوعات و غیره مشمول هزینه امور ورشکستگی نبوده و قبل از تقسیم وجوه حاصل از دارایی ناویژه ورشکسته کسر می‌گردد.

طبق تبصره الحاقی ۱۳۲۱/۹/۳۰ به ماده فوق، «در مورد انعقاد قرار داد ارفاقی و به طور کلی در هر مورد که ورشکستگی به جهتی قبل از تقسیم وجوه حاصل از دارایی، خاتمه پیدا می‌کند، هزینه ورشکستگی از طرف رئیس تصفیه با در نظر گرفتن مقدار کاری که اداره انجام داده تشخیص و با تصویب وزارت دادگستری تعیین خواهد شد. این هزینه در هر حال از نصف میزانی که به موجب ماده ۱ (مذکور) معین شده، تجاوز نخواهد کرد».

ضمناً آیین‌نامه درآمد صندوق (الف) مصوب ۱۳۱۹/۵/۲۴ نحوه وصول و ثبت درآمد مزبور را پیش‌بینی نموده است.

آیین‌نامه شماره ۱۳۰۴۹ درآمد صندوق (ب)

مصوب ۱۶ مردادماه ۱۳۱۹

(مجموعه قوانین سال ۱۳۱۹ ص ۱۳۹، مجله رسمی شماره ۳۴۸۷)

نظر به ماده ۵۷ قانون تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸ موارد زیر مقرر می‌دارد:

ماده ۱ـ طبق ماده ۵۴ قانون تصفیه امور ورشکستگی درآمد صندوق (ب) عبارت است از:

الف) از بیست و پنج درصد حقوقی که به موجب قانون ثبت

شرکت‌ها مصوب خردادماه ۱۳۱۰ و مادهٔ ۱۱ قانون تجارت برای امضاء دفاتر تجارتی تعلق می‌گیرد.

ب) از مبلغ موضوع اعتراض‌نامه که به موجب مادهٔ ۲۹۳ قانون تجارت تنظیم می‌شود از قرار هر ده ریال، ده دینار گرفته خواهد شد که نصف آن جزو درآمدهای عمومی کشور و نصف دیگر آن متعلق به صندوق (ب) خواهد بود.

ماده ۲ـ طرز وصول درآمدهای نامبرده به قرار زیر می‌باشد:

الف) متصدیان ثبت شرکت‌ها در ضمن وصول حقوق مندرجه در ماده ۱۰ قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰/۳/۱۱ باید صدی ۲۵ اضافی را با رعایت ماده ۳ این آیین‌نامه وصول نمایند.

ب) متصدیان مزبور در موقع وصول حقوق مذکور در ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد باید ۲۵٪ مجموع آن را با رعایت ماده ۳ این آیین‌نامه وصول نمایند.

توضیح:

برابر (بند هـ) تبصره ۷۷ قانون بودجه سال ۱۳۶۳ مصوب ۱۳۶۳/۱۲/۳۰ میزان حق‌الثبت پلمپ دفاتر تجارتی «موضوع ماده ۱۱ قانون تجارت» به استثنای بهای تقاضانامه و اظهارنامه پلمپ و نیز درآمد صندوق (ب) موضوع ماده ۵۴ (ق.ا.ت.ا.و) به ازاء هر یک صد صفحه دفتر تجارتی ۱۵۰۰ ریال و کسر صد صفحه اول و حداقل حق‌الثبت، یکصد صفحه محاسبه می‌شود.

طبق تبصرهٔ ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ راجع به ادارهٔ تصفیه امور ورشکستگی (روزنامه رسمی ۱۳۱۳۴ـ۱۳۶۹/۱/۱۹ ضمیمه شماره ۵۶۷ ص ۸۵۳ تا ۸۷۰) درآمد صندوق «ب» به دو برابر افزایش داده شده است.

ج) متصدیان دفتر دادگاه‌ها مکلفند در موقع دریافت اعتراض نامه مذکور در ماده ۲۹۳ قانون تجارت از قرار هر ده ریال ده دینار (یک درصد) دریافت نموده و در قبال نصف آن تمبر روی اعتراض نامه الصاق و باطل و برای نصف دیگر طبق دستور ماده ۳ این آیین‌نامه عمل نمایند.

ماده۳ـ متصدیان ثبت شرکت‌ها و دفاتر دادگاه‌ها باید در موقع وصول درآمدهای مقرر رسیدی مطابق نمونه پیوست در دو برگ صادر و برگ اول را به دهنده وجه تسلیم و برگ دوم را به صورت حساب‌های خود که به اداره تصفیه می‌فرستند پیوست نمایند.
قبوض نامبرده از طرف حسابداری اداره کل تصفیه شماره‌گذاری و مشخص خواهد شد.

ماده۴ـ متصدیان مذکور در بالا باید منتهی تا آخر وقت هر روز صورت حساب درآمد همان روز را طبق رونوشت قبوضی که در دست دارند روی نمونه پیوست ثبت و قبض نامبرده را به آن الصاق نمایند.

ماده۵ـ متصدیان دادگاه‌ها باید کلیه وجوه درآمد روزانه را صبح روز بعد در مرکز به صندوق اداره حسابداری کل تصفیه به انضمام صورت حساب‌های مذکور در ماده ۴ این آیین‌نامه تحویل نموده و قبض رسید دریافت دارند.
در شهرستان‌ها باید وجه را به حساب درآمد صندوق (ب) اداره کل تصفیه در مقابل رسیدی که در دو نسخه اخذ خواهند نمود مستقیماً به بانک ملی پرداخت نموده و صورت حساب‌های مذکور در ماده ۴ آیین‌نامه را به انضمام یک برگ رسید بانک ملی در اول و شانزدهم هر ماه به اداره تصفیه محل تسلیم نموده و اداره تصفیه نیز به فاصله سه روز رسیدگی کرده و صورت حساب‌ها را به مرکز ارسال خواهد داشت.

تبصره ـ در محل‌هایی که هنوز اداره تصفیه تشکیل نشده است هر دو نسخه صورت حساب با پیوست‌های آن باید هر پانزده روز یک مرتبه از طرف دادگاه‌ها و ثبت شرکت‌ها به اداره حسابداری کل تصفیه فرستاده شده و تصدیق صورت حساب‌ها نیز از طرف اداره نامبرده به عمل خواهد آمد.

ماده ۶ـ متصدیان ثبت شرکت‌ها باید درآمد صندوق (ب) را منتهی تا آخر هر ماه به طرزی که در بالا قید گردیده در مرکز به صندوق حسابداری اداره کل تصفیه و در شهرستان‌ها به بانک ملی تسلیم نمایند.

ماده ۷ـ حسابداری اداره کل تصفیه مکلف است منتهی در ظرف ۲ روز صورت حساب‌هایی را که از بابت درآمد نامبرده دریافت می‌دارد رسیدگی نموده و در صورت صحت یک نسخه آن را امضاء و به اداره مربوطه عودت دهد. در شهرستان‌ها وظیفه بالا را اداره تصفیه محل انجام خواهد داد.

ماده ۸ـ اداره کل تصفیه در بانک ملی شعبه مرکزی حسابی به نام حساب درآمد صندوق (ب) باز و کلیه وجوه حاصله از این محل را به حساب مزبور واریز خواهد نمود.

ماده ۹ـ ادارات تصفیه در موقع لزوم می‌توانند صورت درآمدهای صندوق (ب) را با سوش‌ها و سایر اسناد و مدارک متصدیان دفاتر مربوط تطبیق و بازرسی نمایند.

ماده ۱۰ـ در صورتی که بین اداره تصفیه و متصدیان دفاتر ثبت شرکت‌ها اختلافی حاصل شود رفع آن با نماینده‌ای که از طرف وزارت دادگستری تعیین می‌شود خواهد بود.

ماده ۱۱ـ رسیدگی به حساب‌های صندوق (ب) اداره کل تصفیه با بازرسی خواهد بود که از طرف وزارت دادگستری برای این کار تعیین می‌شود بازرس نامبرده در پانزدهم هر ماه کلیه عملیات محاسباتی ماه گذشته را مطابق مندرجات دفاتر رسیدگی نموده و نتیجه را در دفتر آزمایش قید و در صورت مشاهده خلاف آن را به وزارت دادگستری گزارش خواهد داد.

ماده ۱۲ـ آیین‌نامه شماره ۱۸۰۷۹ مصوب ۱۳۱۸/۷/۱۵ نسخ می‌شود.

قانون طرز استفاده از درآمد صندوق‌های (الف و ب) اداره کل تصفیه امور ورشکستگی[۱]

مصوب ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۴۴

(مجموعه قوانین سال ۱۳۴۴، روزنامه‌های رسمی شماره ۵۹۰۱ مورخه ۱۳۴۴/۳/۶)

ماده ۱ـ وجوه صندوق (ب) اداره کل تصفیه امور ورشکستگی پس از تأمین کسری اعتبارات صندوق (الف) اداره مزبور طبق بودجه‌ای که هر سال از طرف وزارت دادگستری تنظیم و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد به ترتیب به مصارف زیر خواهد رسید:

۱. پرداخت کسری هزینه‌های بیمارستان وزارت دادگستری.

۲. پرداخت حقوق و مزایای کارمندانی که حسب ضرورت از طرف اداره کل تصفیه استخدام شده و در وزارت دادگستری مشغول انجام وظیفه می‌باشند.

---

۱. (۱) لایحه قانونی راجع به درآمدهای اختصاصی مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۴
ماده واحده: کلیه درآمدهای اختصاصی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی به استثنای درآمدهای مستثنی شده در تبصره (۲۸) قانون بودجه سال ۵۸ باید به درآمد عمومی منتقل شود تبصره (۴)- اعتبار مورد نیاز اداره کل تصفیه امور ورشکستگی ضمن بودجه وزارت دادگستری منظور و درآمدهای اداره مزبور نیز مشمول این قانون می‌باشد.

۳. پرداخت فوق‌العاده سختی معیشت قضایی که در بخش‌های خارج از مرکز و نقاط دور دست و صعب‌المعیشه انجام وظیفه می‌نمایند.
۴. قسمتی از وجوه صندوق (ب) و وجوه حاصله از صرفه‌جویی‌های سالانه اداره کل تصفیه به حساب صندوق تعاونی که برای کارمندان قضایی و اداری و مأمورین و خدمتگزاران وزارت دادگستری تشکیل خواهد شد به عنوان وام منظور و به مصرف پرداخت وام به کارمندان مزبور خواهد رسید.
۵. تأمین هزینه‌های لازم برای اجراء قانون اطفال بزهکار و تاسیس دادگاه بخش در خارج از مقر دادگاه شهرستان.
۶. تامین هزینه‌های لازم برای اجرای قانون اقدامات تأمینی.

ماده۲ـ آیین‌نامه راجع به نحوه پرداخت فوق‌العاده سختی معیشت قضات و تشکیل صندوق تعاونی و شرایط وام از طرف وزارت دادگستری تنظیم و پس از تصویب هیئت وزیران قابل اجراء خواهد بود.

ماده ۳ـ وزارت دادگستری مأمور اجراء این قانون است.

توضیح:

برابر تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ راجع به ادارهٔ تصفیه امور ورشکستگی روزنامه رسمی ۱۳۱۳۴ـ۱۳۶۹/۱/۱۹ ضمیمه شماره ۵۶۷ ص ۸۵۳ تا ۸۷۰

ـ درآمدهای صندوق «الف» و صندوق «ب» اداره کل تصفیه امور ورشکستگی موضوع مادتین ۵۲ و ۵۴ قانون مذکور مصوب تیرماه ۱۳۱۸ به شرح ذیل افزایش داده می‌شود:

اول) حق صندوق «الف» که به موجب تصویب‌نامه شماره ۱۷۰۳ مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۹ از حاصل دارایی ورشکسته اخذ می‌شود تا مبلغ پنج میلیون ریال صدی ۹ و نسبت به مازاد آن تا ده میلیون ریال صدی ۸ و نسبت

به مازاد ده میلیون ریال صدی ۷ دریافت و به حساب خزانه واریز نمایند.
دوم) درآمد صندوق «ب» به دو برابر افزایش داده می‌شود.

دولت مکلف است معادل پنجاه درصد درآمد حاصل از اجرای این تبصره را که در هر سال وصول و به حساب درآمد عمومی کشور واریز می‌شود از محل اعتبار ردیف جداگانه که ضمن لایحه بودجه همان سال منظور خواهد نمود، در اختیار وزارت دادگستری قرار دهد تا منحصراً به منظور تأمین کسری هزینه‌های جاری و احداث و تجهیز مراکز پزشکی قانونی و ایجاد ساختمان‌های دادگستری در مرکز و شهرستان‌ها و ایجاد و توسعه تشکیلات قضایی براساس موافقت‌نامه‌هایی که با سازمان برنامه و بودجه مبادله خواهد نمود مورد استفاده قرار دهد.

برابر بخشنامه شماره ۱/۱۱۷۹ـ۱۳۶۹/۱/۲۹ دادگستری جمهوری اسلامی ایران کلیه درآمدهای حاصل از اجرای تبصرهٔ ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی بایستی به حساب غیر قابل برداشت شمارهٔ ۹۰۰۵۵ تحت عنوان درآمد حاصل از اجرای تبصرهٔ ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، در بانک ملی شعبه کاخ دادگستری واریز و اداره کل امور مالی مکلف است هر ده روز یکبار درآمد فوق را به حساب شمارهٔ ۳۵۰ خزانه (تمرکز وجوه درآمد ناشی از تبصره ۱۷) نزد بانک مرکزی منتقل نماید.

باب چهاردهم

نام تجارتی[1]

ماده ۵۷۶ـ ثبت اسم تجارتی اختیاری است مگر در مواردی که وزارت عدلیه ثبت آن را الزامی کند.

توضیح:

به موجب ماده ۵۷۶ (ق.ت) ثبت اسم تجارتی اختیاری است مگر در مواردی که ثبت آن الزامی شناخته شود. در ماده ۸ کنوانسیون پاریس اصلاحی ۱۹۷۹ نیز مقرر گردیده: «اسم تجارتی، اعم از اینکه جزئی از علامت تجارتی[2] یا علامت ساخت[3] باشد یا نباشد بدون داشتن الزام به تسلیم یا ثبت آن باید در کلیه کشورهای عضو اتحادیه مورد حمایت قرار گیرد.»

اعضای سازمان تجارت جهانی (WTO) طبق ماده ۸ مزبور ملزم به حمایت از اسامی اسم تجارتی می‌باشند ضمناً در موافقت‌نامه جنبه‌های تجارتی حقوق

---

۱. اسم تجارتی در مورد تاجر به فرانسه Nom commercial و به انگلیسی Trade name و در مورد شخص حقوقی به فرانسه Raison sociale و به انگلیسی Style of a firm و name می‌باشد.

2. Marque de commerce.

3. Marque de fabrique.

مالکیت فکری (TRIPS)[1] حمایتی از اسم تجارتی به عمل نیامده است.

بدین ترتیب، تاجر می‌تواند برای معرفی کالای خود از اسم تجارتی استفاده کرده و با این وسیله شهرت و معروفیت پیدا کند. گاهی نام تجارتی کالا با اسم تجارتی آن ادغام و یک شکل شده و برای شناساندن خود محصول به کار می‌رود، به عنوان مثال، محصول «آدامس. Adams» که در آن نام تاجر به عنوان اسم تجارتی استفاده شده و در عین حال محصول را نیز معرفی می‌کند و این نوع علامت را در انگلیسی Brand name – و در فرانسه marke de fabrique نامیده‌اند. به هر حال ممکن است اسم تجارتی غیر از نام تاجر باشد، مانند فروشگاه گل یاس.

ثبت تجارتی را نباید با ثبت اسم تجارتی اشتباه کرد، زیرا ثبت تجارتی، به منظور ثبت نام و سایر مشخصات و تابعیت خود تاجر و شناسایی وضعیت دارائی او بوده و با فوت و حجروی تغییر پیدا می‌کند در صورتی که اسم تجارتی برای شناسایی و اشتهار مؤسسه بازرگانی می‌باشد و با فوت تاجر به بقاء خود ادامه داده و جزو حق کسب و پیشه نیز محسوب می‌شود.

ماده ۵۷۷ـ صاحب تجارت‌خانه که شریک در تجارت خانه ندارد نمی‌تواند اسمی برای تجارت‌خانه خود انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد.

ماده ۵۷۸ـ اسم تجارتی ثبت شده را هیچ شخص دیگری در همان محل نمی‌تواند اسم تجارتی خود قرار دهد ولو اینکه اسم تجارتی ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد.

ماده ۵۷۹ـ اسم تجارتی قابل انتقال است.

ماده ۵۸۰ـ مدت اعتبار ثبت اسم تجارتی پنج سال است.

1. Agreement on Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights.

ماده ۵۸۱ـ در مواردی که ثبت اسم تجارتی الزامی شده و در موعد مقرر ثبت به عمل نیامده اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق‌الثبت مأخوذ خواهد داشت.

ماده ۵۸۲ـ وزارت عدلیه به موجب نظامنامه ترتیب ثبت اسم تجارتی و اعلان آن و اصول محاکمات در دعاوی مربوط به اسم تجارتی را معین خواهد کرد.

توضیح:

ماده ۵۷۷ با توجه به تفکیک شخصیت حقوقی شرکت از شرکاء آن مقرر داشته که اگر صاحب تجارتخانه شریکی داشته باشد نمی‌تواند اسمی برای تجارت‌خانه انتخاب کند که موهم شریک دیگر باشد.

انتخاب اسم تجارتخانه نباید به نحوی باشد که مشتریان را در تشخیص کالا گمراه کند. همچنین اسم تجارتی ثبت شده به نام دیگری را نمی‌تواند انتخاب و استفاده کرد حتی اگر با اسم خانوادگی استفاده کننده اخیر یکسان باشد (مستفاد از مواد ۵۷۷ و ۵۷۸ ق.ت). اسم تجارتی قابل انتقال بوده و مدت اعتبار آن پس از ثبت، ۵ سال می‌باشد (مستفاد از مواد ۵۷۹ و ۵۸۰ ق.ت) آنچه مسلم است ثبت اسم تجارتی مانند ثبت شرکت‌ها و دفاتر و علائم و اختراعات به صورت اعلامی است. به عبارتی دیگر، متقاضی ثبت با تنظیم اظهارنامه و طی تشریفات مربوط به ثبت و آگهی، ثبت علامت را به وسیله اداره ثبت اعلام می‌نماید تا بدین وسیله اشخاص ذی‌نفع با اطلاع از موضوع، عنداللزوم از طریق اعتراض به ثبت اسم تجارتی، مانع ثبت آن شده و حقوق خود را استیفاء نمایند.

ماده ۵۸۲ ترتیب ثبت اسم تجارتی، اعلان آن، اصول محاکمات و دعاوی مربوط را موکول به تصویب نظام‌نامه نموده است در این زمینه در اجرای مواد ۵۸۲ و ۵۸۵ (ق.ت) طرح اصلاحی آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۴۰ با

اصلاحات بعدی[۱] در (بند ۲) ماده اول خود اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی در تهران را مکلف نموده که نسبت به ثبت علائم تجارتی و اختراعات و نام تجارتی و اشکال و ترسیمات صنعتی اقدام نماید، ولی تا کنون آیین‌نامه اجرایی ماده ۵۸۲ (ق.ت) راجع به نحوه ثبت، مرجع ثبت، وحمایت قانونی از دارنده و یا تعقیب افراد سوء استفاده کننده از نام تجارتی تهیه و به تصویب نرسیده است. در حال حاضر ثبت اسم تجارتی بدون تصویب آیین‌نامه اجرایی ثبت و حمایت از اسم تجارتی امکان‌پذیر نمی‌باشد و معمولاً متقاضی اسم تجارتی را به عنوان علامت تجارتی به ثبت می‌رساند.

شایان ذکر است، به موجب ماده ۳ قانون سجل احوال مصوب ۱۳۰۷ کسی حق ندارد نام خانوادگی شخص دیگری را به عنوان اسم تجارتی یا عنوان تلگرافی خود قرار دهد.

---

۱. رجوع کنید به قانون طرح اصلاحی آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها و علایم و اختراعات.

باب پانزدهم

شخصیت حقوقی

فصل اول
اشخاص حقوقی

ماده ۵۸۳ـ کلیه شرکت‌های تجارتی مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

توضیح:

ایجاد شخصیت حقوقی در شرکت‌های تجارتی ایران به شرح زیر می‌باشد:

ـ شرکت سهامی عام و خاص طبق تبصره ۱۷ (ل.ا.ق.ت) زمانی تشکیل شده محسوب می‌شود که مدیران و بازرسان در مجمع عمومی مؤسس سمت خود را کتباً قبول نمایند.

با این ترتیب از تاریخ مزبور شرکت شخصیت حقوقی پیدا می‌کند.

ـ شرکت با مسئولیت محدود، تضامنی و نسبی وقتی تشکیل شده و دارای شخصیت حقوقی می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه

غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد (مستفاد از ماده ۹۶ـ۱۱۸ـ۱۸۵ ق.ت).
ـ شرکت مختلط سهامی وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه از طرف شرکا تعهد شده و حداقل $\frac{۱}{۳}$ آن نقداً پرداخت شده باشد. (ماده ۱۷۶ ناظر به ماده ۲۸ـ۲۹ـ۳۸و ۳۹ ق.ت منسوخه).
ـ شرکت مختلط غیر سهامی به نظر می‌رسد که نحوه تشکیل آن مانند شرکت مختلط سهامی باشد گرچه ماده‌ی صریحی در این زمینه پیش‌بینی نشده است.
ـ شرکت تعاونی هنگامی تشکیل می‌شود که شرکت با رعایت قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ تشکیل و به ثبت رسیده باشد. شخصیت حقوقی با انحلال شرکت از بین نمی‌رود و تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوطه باقی خواهد ماند. (مستفاد از ماده ۲۰۸ ل.ا.ق.ت)[۱]

ماده ۵۸۴ـ تشکیلات و مؤسساتی که برای مقصد غیر تجارتی تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند.

ماده ۵۸۵ـ شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.[۲]
حق‌الثبت مؤسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی به علاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد و املاک است.

ماده ۵۸۶ـ مؤسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است نمی‌توان ثبت کرد.

---

۱. دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد دوم، پیشین، ص ۱۴۹.
۲. آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجارتی در این کتاب درج شده است.

ماده ۵۸۷ـ مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.

توضیح:

منظور از مؤسسات غیر تجارتی به موجب ماده ۱ آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری مصوب ۱۳۳۷، کلیه تشکیلات و موسساتی است که برای مقاصد غیر تجارتی از قبیل امور علمی، فرهنگی، ادبی و هنری یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می‌شود اعم از آن که مؤسسین و تشکیل دهندگان قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند.

نحوه ثبت مؤسسه:

تشکیلات و مؤسسات فوق از تاریخ ثبت، شخصیت حقوقی پیدا می‌نمایند و می‌توانند عناوینی از قبیل انجمن، بنگاه، کانون و امثال آن را اتخاذ نمایند (مستنبط از ماده ۵۸۴ (ق.ت) ماده ۱ آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجارتی مصوب سال ۱۳۳۷).

به موجب ماده ۲ آیین‌نامه مذکور مؤسسات غیر تجارتی دو قسمت می‌شوند:

ـ مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن جلب منافع و تقسیم آن بین اعضاء خود نباشد.

ـ مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن ممکن است جلب منافع و تقسیم منافع مزبور بین اعضاء خود یا غیر باشد مانند کانون‌های فنی و حقوقی و غیره.

حداقل شرکاء در مؤسسات فوق به نظر می‌رسد با توجه به نحوه و تصمیم کار نباید از دو نفر کمتر باشد و قید سرمایه به هر میزان مجاز است. مؤسسات غیرتجاری مانند شرکت‌های تجاری باید در تهران در اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها در دایره ثبت شرکت‌های اداره ثبت مرکز اصلی مؤسسه به ثبت برسند و جهت ثبت آن کلیه اقدامات تأسیس شرکت‌ها به همراه رعایت مواد آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری که در سال ۱۳۳۷ به تصویب رسیده است ضروری می‌باشد.

جهت ثبت تشکیلات غیرتجاری تسلیم اظهارنامه (فرم چاپی تقاضانامه ثبت مؤسسه) به همراه ضمائم لازم در دو نسخه که دارای تاریخ و امضاء بوده و حاوی نکات ذیل می‌باشد، الزامی است:[1]

- اسم و اقامتگاه و تابعیت و موضوع مؤسسه و مراکز و شعب آن.
- اسم و اقامتگاه و شهرت اشخاصی که برای اداره کردن مؤسسات و تشکیلات معین شده‌اند.
- اسم و اقامتگاه و تابعیت وکیل در صورتی که اظهارنامه به وسیله وکیل تنظیم شده باشد.

تاریخ ثبت و محل و شماره ثبت و نام کشوری که مؤسسه در آن به ثبت رسیده در صورتی که مؤسسات یا تشکیلات مذکور در خارج از ایران به ثبت رسیده باشند.

- تعیین ضمائم اظهارنامه.

ضمائم اظهارنامه شامل: نسخه اصلی یا رونوشت وکالت‌نامه (در صورت تقاضا توسط وکیل)، رونوشت گواهی شده تصدیق کشوری که مؤسسه در آنجا به ثبت رسیده به همراه ترجمه مصدق فارسی آن، دو نسخه اساسنامه و امضاء تمام صفحات آن توسط شرکاء، صورت مجلس مجمع عمومی مؤسس مبنی بر انتخاب هیأت مدیره و معرفی صاحبان امضاء (دو نسخه) رسید پرداخت حق‌الثبت و فتوکپی شناسنامه شرکاء، می‌باشد.

لازم به تذکر است که چنانچه مؤسسه غیرتجاری در اداره ثبت شرکت‌ها توسط کارشناس مربوطه غیرانتفاعی تشخیص داده شود اجازه‌نامه نیروی انتظامی محل مؤسسه نیز جهت ثبت ضروری می‌باشد. (مستنبط از مواد ۵ و ۶ آیین‌نامه مذکور) و چنانچه مؤسسه غیر تجاری انتفاعی باشد موضوع مؤسسه با مدارک تحصیلی و تخصص مؤسسین تطبیق داده شده سپس دستور ثبت صادر می‌گردد.

اساسنامه مؤسسات غیر تجاری می‌تواند مانند اساسنامه شرکت با مسؤولیت

---

۱. *دوستی، نصرت الله، راهنمای ثبت تأسیس و تغییرات در مؤسسات غیر تجاری*، سال ۱۳۷۲.

محدود باشد و در آن مواردی مانند موضوع مؤسسه، ارگان اداره کننده (هیأت مدیره) و ارگان تصمیم گیرنده (مجامع عمومی) و اختیارات آنها، نحوه انتقال سهام، تغییرات در اساسنامه و انحلال و تصفیه مؤسسه آورده می‌شود.

به این ترتیب مؤسسه دارای مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق‌العاده خواهد بود که وظایف مجمع عمومی عادی به شرح زیر می‌باشد:

۱. استماع گزارش مدیران راجع به امور مالی و ترازنامه و حساب سود و زیان سالیانه مؤسسه و تصویب آن.
۲. انتخاب هیأت مدیره و عندالللزوم بازرس یا بازرسان.
۳. پیشنهاد سود قابل تقسیم از طرف هیأت مدیره و تصویب آن.
۴. تعیین خط مشی آینده مؤسسه و اخذ تصمیم درباره آن.

تصمیمات در مجمع عمومی عادی می‌تواند براساس ماده (۱۰۶ ق.ت) با اکثریت لااقل نصف سرمایه و در دعوت دوم با اکثریت عددی شرکاء اتخاذ شود.

مجمع عمومی فوق‌العاده دارای وظایفی به شرح ذیل است:

۱. افزایش سرمایه.
۲. کاهش سرمایه.
۳. تغییرات در اساسنامه (شامل حذف و اصلاح و نیز ورود شریک یا شرکاء جدید.)
۴. انحلال مؤسسه و تصفیه آن.

تصمیمات در مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند با رعایت ماده (۱۱۱ ق.ت) با اکثریت عددی شرکایی که لااقل سه چهارم سرمایه را داشته باشند اتخاذ گردد.

هیأت مدیره مؤسسه می‌تواند در مجمع عمومی عادی از بین شرکاء یا خارج از آن انتخاب گردد (مستفاد از ماده ۱۰۴ ق.ت) و مدیران می‌توانند برای مدت محدود یا نامحدود معین شوند و دارای اختیارات تام نیز می‌باشند مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری را مقرر داشته باشد.

در نهایت جلسات هیأت مدیره با حضور اکثریت اعضاء مؤسسه رسمیت پیدا نموده و تصمیمات هیأت مدیره با اکثریت آراء دارای مناط اعتبار خواهد بود.

در صورتی که تقاضای ثبت مورد قبول واقع شود مراتب در دفتر مخصوصی ثبت و ورقه‌ای حاکی از تصدیق ثبت به تقاضا کننده داده می‌شود؛ علاوه بر آن خلاصه مراتب در روزنامه رسمی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار با هزینه متقاضی منتشر می‌گردد (مستنبط از ماده ۸ آیین‌نامه).

تقاضای ثبت مؤسسات غیر تجاری به صورت فرم‌های چاپی در اداره ثبت شرکت‌ها موجود می‌باشد.

تغییرات در اساسنامه مؤسسه مطابق مقررات قید شده در اساسنامه و با تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده خواهد بود و باید کلیه تغییرات در آن و یا اشخاصی که حق امضاء دارند و یا اقامتگاه قانونی آنها ظرف یک ماه به اداره ثبت شرکت‌ها اطلاع داده شود و تا زمانی که اطلاع داده نشده استناد به تغییرات در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن می‌باشد.

انحلال و تصفیه مؤسسه:

انحلال مؤسسات غیرتجاری می‌تواند اختیاری و با تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده طبق مقررات اساسنامه و با استفاده از ماده (۱۱۴ ق.ت) و یا به موجب حکم دادگاه باشد.

چنانکه انحلال به موجب مقررات اساسنامه و اختیاری صورت گرفته باشد تصفیه آن نیز طبق مقررات مندرج در اساسنامه توسط مدیر یا مدیران آن انجام می‌گیرد و در صورتی که متصدی امر تصفیه و چگونگی انجام آن معین نشده باشد مجمع عمومی فوق‌العاده به هنگام انحلال یک نفر را به عنوان مدیر تصفیه با تعیین حدود اختیارات آن معرفی می‌نماید.

اگر انحلال به موجب حکم دادگاه باشد، امر تصفیه به عهده متصدی تصفیه مقرر در اساسنامه خواهد بود و چنانچه متصدی تصفیه مشخص نشده باشد دادگاه ضمن حکم انحلال، یک نفر را جهت تصفیه معین می‌نماید و مطابق قانون تجارت، امر تصفیه صورت خواهد گرفت (مستنبط از مواد ۱۰ و ۱۱ آیین‌نامه).

فصل دوم
حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی

ماده ۵۸۸ـ شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبیعه فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت، بنوت و امثال ذلک.

ماده ۵۸۹ـ تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود.

توضیح:

قلمرو اختیارات شخص حقوقی در قانون و اساسنامه تعیین می‌گردد در شرکت‌های هشت‌گانه تجارتی، مدیر نماینده شخص حقوقی می‌باشد.

حال این سوال مطرح می‌شود که آیا مدیر شرکت باید اختیارات تام برای انجام امور شرکت از طرف شخص حقوقی داشته باشد؟ آیا می‌تواند به وکالت از طرف شرکت در دادگاه طرح دعوی کرده و از او دفاع نماید؟ آیا شخص حقوقی مسئولیت جزائی دارد؟

در پاسخ می‌توان گفت که مدیر باید اختیارات تام برای اداره امور شرکت داشته باشد مگر این که قانون یا اساسنامه آن را محدود کرده باشد ولی این محدودیت نباید تا حدی باشد که از مدیر سلب مدیریت نماید زیرا **اختیارات لازمه مدیریت** می‌باشد.

در مورد سوال دوم به موجب نظریه مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۵ قضات دادگاه‌های حقوقی ۲ تهران:

«به طور کلی وکالت شخص حقوقی از شخص دیگر چنانچه در اساسنامه آنها تجویز شده باشد بلامانع است...؛ زیرا شخص حقوقی نیز مانند شخص حقیقی می‌تواند دارای اهلیت تمتع و استیفا باشد، النهایه چون به موجب قانون

وکالت جهت اقامه دعوی پروانه مخصوص وکالت لازم است. شخص حقوقی هم بدون پروانه حق طرح دعوی یا دفاع نخواهد داشت و از آنجا که در قانون وکالت صدور پروانه برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی نشده است، علی هذا شخص حقوقی نمی‌تواند به وکالت از دیگری در امر دادرسی مداخله نماید.

مسئولیت جزایی شخص حقوقی، جزای نقدی یا محرومیت از ادامه فعالیت و امثال آن می‌باشد. مجازات جزایی متوجه مدیران شرکت بوده و در بعضی از موارد مانند چک بدون محل مدیران از نظر حقوقی با شرکت به نحو تضامن مسئول پرداخت مبلغ چک و سایر خسارات در وجه دارنده می‌باشند (ماده ۱۹ ق.ص.چ) و قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۲۴ (بند هـ ماده ۱)[1] و همچنین تبصره ۲ و ۴ ماده ۱۹۹ قانون مالیات‌های مستقیم که مدیر یا مدیران مربوط علاوه بر مسئولیت تضامنی نسبت به پرداخت مالیات و جرایم متعلق، به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۲ سال محکوم خواهند شد و نیز ماده ۲۰۱ قانون مزبور اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مقرر می‌دارد:

«هرگاه مؤدی به قصد فرار از مالیات از روی علم و عمد به ترازنامه و حساب سود و زیان یا به دفاتر و اسناد و مدارکی که برای تشخیص مالیات ملاک عمل می‌باشد و برخلاف حقیقت تهیه و تنظیم شده است استناد نماید یا برای سه سال متوالی از تسلیم اظهارنامه مالیاتی و ترازنامه و سود و زیان خودداری کند. علاوه بر جریمه‌ها و مجازات‌های مقرر در این قانون از کلیهٔ معافیت‌ها و بخشودگی‌های قانونی در مدت مذکور محروم خواهد شد».

سؤال دیگر اینکه آیا دیه به عهده شخص حقوقی است یا مدیران؟

نظریه مشورتی شماره ۷/۸۳۵۸ـ۱۳۷۷/۱۱/۶ اداره حقوقی قوه قضاییه به شرح زیر می‌باشد:

دیه دین محض نیست. هم خسارت است و هم مجازات. پس جنبه کیفری

---

۱. بند (هـ) ماده ۱ این قانون مقرر می‌دارد: «وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آنکه موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی شود.»

دارد و یک دین یا بدهی محض نیست که بتوان شخصیت حقوقی را به پرداخت آن محکوم نمود و بایستی شخص حقیقی محاکمه گردد و نه شخص حقوقی و از طرفی اعمال تصدی هر شخصیت حقوقی را یک یا چند نفر شخص حقیقی به عهده دارند و در هر صورت مسئولی هست که اعمال مدیریت مربوط به یک اداره را به عهده دارد. مسئول فنی، مسئول اداری و هر که مسئولیتی را به عهده داشته باشد در صورت وقوع جرم مسئولیت کیفری بر عهده اوست که سبب واقعه شده و می‌باید محاکمه و محکوم مجازات گردد.

ماده ۵۹۰ـ اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.

ماده ۵۹۱ـ اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.

توضیح:

تعیین تابعیت شرکت یا شخص حقوقی از اهمیت خاصی برخوردار است حال باید دید که در قانون تجارت ایران مسأله تابعیت شرکت به چه نحو پیش‌بینی شده است؟ برابر ماده ۱ قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰، شرکت با توجه به دو شرط زیر ایرانی محسوب می‌شود:

ـ در ایران تشکیل شده باشد.

ـ مرکز اصلی آن در ایران باشد.

منظور از مرکز اصلی[1] برای شرکت مانند اقامتگاه برای شخص حقیقی است و در حقیقت به محلی اطلاق می‌شود که سازمان‌های اداری، ارکان مدیریت شرکت در آنجا واقع شده باشد. دو شرط مذکور برای تعیین تابعیت شرکت در اغلب کشورهای حقوق نوشته، پذیرفته شده اما در سیستم کامن‌لا معمولاً محل

---

1. Siège Social

ثبت شرکت[1] تابعیت آن را مشخص می‌نماید. اما مانع از آن نیست که دادگاه‌ها با توجه به واقعیت امر سیستم کنترل را اعمال نمایند و بدین ترتیب تابعیت شرکت را برمبنای تابعیت کسانی که آن را با داشتن اکثریت سهام تحت کنترل دارند تعیین نموده از حیله و تقلب نسبت به قانون جلوگیری کنند. در مورد مرکز اصلی شرکت نیز تعابیر مختلفی وجود دارد که آیا منظور از مرکز اصلی تأسیسات اصلی شرکت است و یا محل تنظیم اولین قراردادها و یا محلی که حساب‌های بانکی شرکت در آنجا افتتاح شده و بالاخره تأسیسات اداری و حسابداری شرکت در آنجا متمرکز گردیده است. مرکز اصلی شرکت معمولاً توسط مؤسسین شرکت تعیین و در اساسنامه قید می‌گردد ولی ممکن است در ایران مرکز اصلی را به طور صوری انتخاب نموده باشند. به نظر می‌رسد در چنین صورتی باید به اشخاص ثالث حق داده شود که از طریق دادگاه ذی‌صلاح تقاضای تعیین مرکز اصلی واقعی شرکت را بنمایند تا بتوانند دادخواست را عنداللزوم در محل مزبور تسلیم کنند.

مرکز اصلی شرکت به عنوان اقامتگاه در ماده ۵۹۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ پذیرفته شده است و اقامتگاه شخص حقوقی را محلی می‌دانند که اداره شخص حقوقی در آنجا واقع است.مسأله اقامتگاه از نقطه تابعیت شرکت حائز اهمیت می‌باشد زیرا ماده ۵۹۱ قانون مزبور اشخاص حقوقی را تابع مملکتی می‌داند که اقامتگاه آنها در آن مملکت واقع است. برخی از حقوق‌دانان ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۳) را که اقامتگاه اشخاص حقوقی را مرکز عملیات آنها می‌داند، ناسخ ضمنی ماده ۵۹۱ قانون تجارت (به علت تقدم و تأخر در تاریخ تصویب) تلقی می‌نمایند. گرچه انتخاب مرکز عملیات یا بهره‌برداری به عنوان ضابطه تعیین تابعیت به آسانی تعدد تابعیت را به شرکت فراهم می‌سازد، می‌توان گفت که چون قانون تجارت نسبت به قانون مدنی خاص بوده، در قانونیت خود اقوی و اولی است لذا قانون مدنی نمی‌تواند ناسخ آن باشد.

---

1. *Registered office*

ممکن است گفته شود که شرکت‌های بزرگ خارجی مانند ارفرانس که در ایران شعبه داشته ولی مرکز اصلی آن در فرانسه می‌باشد چگونه خواهان ایرانی در صورت بروز اختلاف به خارج عزیمت و دعوی خود را در محل اقامتگاه خوانده (مرکز اصلی شرکت) تسلیم نماید؟ در پاسخ می‌توان گفت که آیین دادرسی مدنی در دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارجی تعیین تکلیف نموده، مقرر می‌دارد: که اشخاص مزبور دعاوی خود را در محل انعقاد قرارداد یا محل تحویل کالا و یا جایی که پول باید پرداخت شود اقامه نمایند. اگر شرکت شعب متعددی در جاهای مختلف داشته باشد دعاوی ناشیه از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعب طرف معامله در آن واقع است اقامه شود مگر آنکه شعبه مزبور بر چیده شده باشد که در این صورت دعاوی مذکور در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود. (ماده ۲۳ آ.د.م)[1]

اما بعضی از دعاوی مربوط به شرکت باید در مرکز اصلی شرکت مطرح گردد. (ماده ۲۲ آ.د.م)[2] در مورد تشکیل بانک در ایران که فقط به صورت سهامی عام با سهام با نام امکان‌پذیر است قانون‌گذار در تابعیت، عنصر شخصی را در نظر گرفته و بانک زمانی تبعه خارجی محسوب می‌شود که واجد شرایط زیر باشد:

---

۱. ماده ۲۳ (آ.د.م) «دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت، در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود، اقامه می‌شود.
اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود، مگر آن‌که شعبه یاد شده برچیده شده باشد که در این صورت نیز دعاوی در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد.»

۲. ماده ۲۲ (آ.د.م.) «دعاوی راجع به ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی که مرکز اصلی آن‌ها در ایران است همچنین دعاوی مربوط به اصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و دعاوی اشخاص دیگر علیه شرکت، تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود.»

- بیش از ۴۰ درصد سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی باشد (منظور از شخص حقوقی خارجی شخصی است که ۷۵ درصد سرمایه آن متعلق به اتباع ایرانی اعم از حقوقی و حقیقی نباشد).
- هیچ بانکی با درنظر گرفتن شرایط فوق نمی‌تواند تبعه خارجی محسوب شود مگر به موجب قانون:

ملاحظه می‌شود که ضوابط مورد بحث تابعیت شرکت را تعیین می‌نماید. حال باید دید که آیا مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد علی الاصول اعطای تابعیت یا سلب آن از جمله اختیارات دولت می‌باشد اما اگر شرکتی مرکز اصلی خود را به کشور دیگری انتقال دهد در این صورت قهراً شرکت تابعیت آن کشور را کسب می‌نماید، امروزه دولت‌ها در نقل و انتقال بین‌المللی مرکز اصلی شرکت‌ها نرمش به خرج داده و با انعقاد قرارداد با کشورهای دیگر به شرکت‌ها اجازه می‌دهند که تحت شرایطی تابعیت کشور خارجی را با حفظ تابعیت کشور اصلی کسب نمایند.

با صراحت ماده ۹۴ (ل.ا.ق.ت) هیچ مجمعی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد، بدیهی است چنانچه برخلاف این ماده اتخاذ تصمیم بنماید ضمانت اجرایی آن بطلان تصمیم متخذه خواهد بود.

باب شانزدهم

مقررات نهایی

ماده ۵۹۲ـ در مورد معاملاتی که سابقاً تجار یا شرکت‌ها و مؤسسات تجارتی به اعتبار بیش از یک امضاء کرده‌اند خواه بعضی از امضاکنندگان به عنوان ضامن امضاء کرده باشند خواه به عنوان دیگر طلبکار می‌تواند به امضاکنندگان مجتمعاً یا منفرداً رجوع نماید.

ماده ۵۹۳ـ در مورد مادهٔ فوق مطالبه از هر یک از اشخاص که طلب کار حق رجوع به آنها دارد قاطع مرور زمان نسبت به دیگران نیز هست.

توضیح:

ماده ۵۹۲ (ق.ت) به تبعیت از قانون تجارت فرانسه اصل مسئولیت تضامنی را در معاملات تجار یا شرکت‌ها بیان نموده است. مسئولیت تضامنی برای تقویت حقوق طلبکار می‌باشد تا بتواند طلب خود را از امضاکنندگان قرارداد یا اسناد تجارتی منفرداً و یا مجتمعاً وصول نماید. طرح مسئولیت تضامنی در حقوق تجارت موجبات جلب اعتماد مردم به واحدهای تولیدی، صنعتی یا تجارتی را فراهم می‌سازد.

اصل قاعده تضامن در ماده ۱۲۴ (ق.ت) چنین پیش‌بینی شده است:

مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند، در هر حال هیچ یک از شرکاء نمی‌تواند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می‌نماید از تأدیه قروض شرکت امتناع ورزد. فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تأدیه قروض شرکت به نسبت سرمایه‌ای خواهد بود که در شرکت گذاشته است آن هم در صورتی که در شرکت نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

در مواد متعدد دیگر قانون تجارت نیز در همین زمینه مسئولیت تضامنی به نفع طلبکار آمده است.

مسأله مرور زمان به طوری که قبلاً به تفصیل اشاره شد در قانون تجارت نسخ نشده است زیرا این قانون خاص بوده و نسبت به نسخ مرور زمان در آیین دادرسی مدنی و غیره اقوی و اولی می‌باشد.

ماده ۵۹۴ـ به استثنای شرکت‌های سهامی و شرکت‌های مختلط سهامی به کلیه شرکت‌های ایرانی موجود که به امور تجارتی اشتغال دارند تا اول تیر ماه ۱۳۱۱ مهلت داده می‌شود که خود را با مقررات یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون وفق داده و تقاضای ثبت نمایند والا نسبت به شرکت متخلف مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ۱۳۱۰ رفتار خواهد شد.

ماده ۵۹۵ـ هرگاه مدت مذکور در ماده فوق برای تهیه مقدمات ثبت کافی نباشد ممکن است تا شش ماه دیگر از طرف محکمه صلاحیت‌دار مهلت اضافی داده شود مشروط بر این که در موقع تقاضای تمدید نصف حق‌الثبت شرکت پرداخته شود.

ماده ۵۹۶ـ تاریخ اجرای ماده ۱۵ این قانون در آن قسمتی که مربوط به

جزای نقدی است و تاریخ اجرای ماده ۲۰۱ و تبصره آن و قسمت اخیر ماده ۲۲۰ اول فروردین ۱۳۱۲ خواهد بود.

ماده ۵۹۷ـ شرکت‌های مختلط سهامی موجود مکلف هستند که در ظرف شش ماه از تاریخ اجرای این قانون هیئت نظاری مطابق مقررات این قانون تشکیل دهند والا هر صاحب سهمی حق دارد انحلال شرکت را تقاضا کند.

ماده ۵۹۸ـ طلبکاران تاجر متوقفی که قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه کرده‌اند مشمول مقررات ماده ۴۷۳ نبوده و از حقی که به موجب قانون سابق برای آنها مقرر بوده استفاده خواهند کرد.

ماده ۵۹۹ـ نسبت به طلبکارانی که در امور ورشکستگی‌های سابق قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه نکرده‌اند مدیر تصفیه هر ورشکسته اعلانی منتشر کرده و یک ماه به آنها مهلت خواهد داد که مطابق ماده ۴۶۲ این قانون رفتار کنند والا مشمول مقررات ماده ۴۷۳ خواهند شد.

ماده ۶۰۰ـ قوانین ذیل: قانون تجارت مصوبه بیست و پنجم دلو (بهمن) ۱۳۰۳ دوازدهم فروردین و دوازدهم خرداد ۱۳۰۴ قانون اصلاح ماده ۲۰۶ قانون تجارت راجع به اعتراض عدم تأدیه مصوب دوم تیرماه ۱۳۰۷ قانون اجازه عدم رعایت ماده ۲۷۰ قسمتی از ماده ۴۴ قانون تجارت نسبت به تشکیلات اساسنامه شرکت سهامی بانک ملی و شرکت سهامی بانک پهلوی مصوب ۳۰ تیرماه ۱۳۰۷ از تاریخ اول خرداد ۱۳۱۱ نسخ و این قانون از تاریخ مزبور به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

واژگان فرانسه و انگلیسی

Agreement on trade Related Aspects of Intellectual property Rights (TRIPS)	موافقت‌نامه جنبه‌های تجارتی حقوق مالکیت فکری
AVAL	ضمانت در اسناد تجارتی
Avarie	خسارت وارده به کالا در دریا
Banqueroute frauduleuse	ورشکستگی به تقلب
Bill of Exchange - Billet à order	برات صورت برات
Cessation of payment of sums dues	توقف از ادای دیون
Check-chèque	چک
Chèque certifié-certified check	چک تأیید شده
Coalition	سندیکا ـ اتحادیه ـ ائتلاف
Commission	کمیسیون
Consignee	گیرنده کالا
Consignor-sender-shipper	ارسال‌کننده کالا
Créanciers chirographaires	بستانکاران عادی
Créanciers nantis de gages	بستانکاران با حق وثیقه منقول
Créanciers privilégiés sur les immeubles (Hypothècaire)	بستانکاران با حق وثیقه غیرمنقول
Créanciers privilégiés	بستانکاران با حق رجحان
Cumulative voting	رأی ادغامی

Department of trade and Industry	اداره بازرگانی و صنعت
Disclosure	تئوری درهای باز
Endorsment by procuration	ظهرنویسی به‌عنوان وکالت
Enrichessement sans cause	دارا شدن بلاجهت
In order to	حواله کرد
Insolvability	توانایی عدم پرداخت
Joint Stock public and private companies	شرکت‌های سهامی عام و خاص
Juge-commissaire	عضو ناظر
La société à responsibilité proportionnelle	شرکت نسبی
La théorie de la risqué	نظریه خطر
La théorie objective	مفهوم موضوعی
La théorie subjective	مفهوم شخصی
Lettre à certain délai de date	برات به وعده از تاریخ برات
Lettre à certain délai de vue	برات به وعده از رویت
Lettre à jour fixe	برات به روز معین
Lettre à vue	برات به رویت
Limited liability company = LTD	شرکت با مسؤولیت محدود
Locataire-gérant	مستأجر مدیریت امور تجارتی
Locus contractus	قرارداد تابع قانون محل انعقاد
Locus Regit Actum	شکل اسناد تابع قانون محل تنظیم
Loss of profit - manque d' intérêt	تفویت منفعت (عدم‌النّفع)
Maison de verre	خانه بلورین
Marque de commerce	علامت تجارتی
Marque de fabrique	علامت ساخت
Nnégociant	کسبه
Not to order	غیرقابل انتقال
Partner	شریک

Partnership share	سهم‌الشرکه
Portefeuille	اوراق بهادار و اموال منقول
Proportional liability partnership	شرکت نسبی
Recto	روی سند
Registered office	اداره ثبت شرکت
Réhabilitation - Discharge of Bankruptcy	اعاده اعتبار و حیثیت
Responsabilité solidair-joint and several responsabilities	مسؤولیت تضامنی
Share	سهم
Shareholder	سهامدار
Siège social	مرکز اصلی
Société d''économie mixte	شرکت‌های مختلط اقتصادی
Société en commandite simple - limited partnership	شرکت مختلط غیرسهامی
Société en nom collectiff	شرکت تضامنی
Trade name - Nom commercial	نام تجارتی
United Nations Commission International Trade Law (UNCITRAL)	کنوانسیون برات و سفته بین‌المللی
Value in pledge	وثیقه
Value in security	ضمانت در برابر برات و سفته
Verso	پشت سند
World Trade Organization (WTO)	سازمان تجارت جهانی

فهرست منابع

الف) فارسی ـ عربی

دکتر آذری، کیوان، پلی‌کپی، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.

آیت‌الله شعرانی، حاج شیخ ابوالحسن، تبصرة‌المتحلمین، چاپ اسلامیه تهران، ۱۳۵۵.

دمیرچیلی، محمد ـ حاتمی، علی ـ قرائی، محسن، قانون تجارت در نظم حقوق کنونی، انتشارات خلیج فارس، ۱۳۸۱.

دکتر ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد اول، انتشارات دهخدا، ۱۳۴۷.

سجادی‌نژاد، حسن، اصول دفترداری، حسابداری بازرگانی، انتشارات دانشکده حسابداری، ۱۳۴۷.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی‌العاملی الجبعی، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، جلد اول، چاپ بصیرتی قم.

شیخ نجفی، محمدحسن، معروف به «صاحب جواهر» جواهرالکلام، فی شرح شرایع الاسلام، از انتشارات اسلامیه تهران، ۱۳۴۹.

حجتی اشرفی، غلامرضا، مجموعه کامل قوانین و مقررات محشای بازرگانی و تجارتی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۴.

دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد اول، نشر میزان، ۱۳۸۳.

دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد دوم، نشر میزان، ۱۳۸۲.

دکتر عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد سوم، نشر میزان، ۱۳۸۵.

دوم) آراء چک

۱. مسئولیت صادرکنندهٔ چک رأی شماره ۲۱۶ / ۱۳۳۵/۲/۲۵

۲. وعده‌دار بودن چک رأی شماره ۲۷۱۴ / ۱۳۳۶/۶/۲۰

۳. تعدد جرم (صدور چک‌های متعدد بابت یک دین) رأی شماره ۴۰۷۴ / ۱۳۳۶/۹/۳

۴. خسارت تأخیر تأدیه رأی شماره ۲۵۸۹ / ۱۳۳۸/۷/۱

۵. تحقق جرم با رفع مسئولیت مدنی صادرکننده رأی شماره ۴۳۹۱ / ۱۳۳۸/۹/۱۷

۶. استرداد وجه چک به‌وسیله صادرکننده رأی شماره ۲۷۸۷ / ۱۳۳۹/۹/۱۲

۷. مرور زمان ـ استفاده بلاجهت رأی شماره ۳۸۰۱ / ۱۳۳۹/۱۱/۱۷

۸. استرداد چک (دعوی غیرمالی) رأی شماره ۳۸۸۶ / ۱۳۴۰/۱۱/۱۰

۹. جنبه عمومی بودن چک بلامحل رأی شماره ۴۲۱۲ / ۱۳۴۱/۱۰/۲۷

۱۰. ابطال ظهرنویسی چک رأی شماره ۱۶۸۷ / ۱۳۴۴/۱۰/۹

۱۱. اعتراض (پروتست) مطالبه وجه چک از ظهرنویس
رأی شماره ۱۶۵۴ / ۱۳۴۵/۵/۱۰ و ۶۲۴ / ۱۳۴۵/۴/۱۰

۱۲. جعل چک‌های تضمین‌شده رأی شماره ۷۴ / ۱۳۴۶/۱۰/۲۷

۱۳. اصدار چک از حساب مسدود رأی شماره ۳۴/۱۳۵۳/۳/۲۹

۱۴. نمایندگی بانک‌ها در چک نیاز به تصریح ندارد. رأی شماره ۳۲/۱۳۶۱/۱۲/۱۶

۱۵. صدور حکم در غیاب متهم صدور چک بدون محل در صورت معد بودن پرونده رأی شماره ۵/۱۳۶۳/۲/۱۹

۱۶. فرجام‌خواهی از رأی دادگاه کیفری به تبع دعوی حقوقی چک بدون محل... رأی شماره ۳۲/۱۳۶۴/۱۱/۲۹

۱۷. گواهینامه عدم پرداخت به منزله واخواست است. رأی شماره ۵۳۶/۱۳۶۹/۱/۱۰

۱۸. بازداشت محکوم‌علیه برای وصول ضرر و زیان ناشی از جرم قبل از قطعیت حکم به استناد ماده ۱۳۹ قانون تعزیرات صحیح نیست. رأی شماره ۵۷۷/۱۳۷۱/۷/۲۱

۱۹. مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مستلزم تقدیم دادخواست حقوقی است. رأی شماره ۵۸۲/۱۳۷۱/۱۲/۲

سوم) آراء شرکت‌های تجارتی

- شرکت با مسئولیت محدود رأی اصراری شمارهٔ ۱۳۹۹ مورخ ۱۳۴۴/۸/۱۵ تأثیر انصراف از دعاوی افترا
- شرکت با مسئولیت محدود رأی اصراری شمارهٔ ۷۱ مورخ ۱۳۴۶/۹/۲۲ ضمانت‌نامه بانکی
- شرکت مختلط رأی وحدت رویه شمارهٔ ۴۲ مورخ ۱۳۵۱/۸/۲ شخصیت حقوقی شرکت تجارتی

چهارم) آراء ورشکستگی و تصفیه اموال

۱. تصفیه ترکه بازرگان متوفی مستلزم صدور حکم ورشکستگی او نیست.
۱۷۹۸
۱۳۳۱/۱۱/۱۶

۲. دارنده تأمین در تصفیه امور ورشکستگی حق تقدم ندارد.
۳۲۷۱
۱۳۳۹/۱۰/۱۹

۳. عدم پرداخت وجه سفته‌ها و انجام مزایده دلیل توافق از ادای دیون است.
۳۵۷۶
۱۳۴۲/۱۲/۲۶

۴. تأخیر در بیان ادعای طلب مانع از رسیدگی به اصل طلب نیست.
۶۲۸
۳۴۵۱/۴/۲۲

۵. طلبکاران ورشکسته حق مطالبه خسارات تأخیر تأدیه ایام بعد از توقف را ندارند.
۱۵۵
۱۳۴۷/۱۲/۱۴

۶. صدور حکم ورشکستگی از دادگاه حقوقی برای تعقیب جزای ورشکسته به تقلب ضروری نیست.
۲۰۵
۱۳۴۹/۲/۲۶

۷. وزارت دارایی در مورد وصول مالیات و جرائم متعلقه در عداد بستانکاران عادی است.
۲۱۲
۱۳۵۰/۸/۶

۸. منع بازداشت ورشکسته به‌علت عدم پرداخت ضرر و زیان به مدعی خصوصی.
۲۹۰
۱۳۵۰/۹/۱۷

oncise explanation of Iranian Commercial code

TABLE OF CONTENTS

Preface

Concise explanation Of Iranian Commercial code

Concise interpretation of articles of commercial code in French Law under title of "**code annoté**", has a long precedent that the lawyers have written their critical explanatory and proposal point of views.

Concise explanation of Iranian commercial code including all of articles of commercial code and relating regulations with the last amendments.

This book is written in simple language which is outcome thirty years of training experiences, and research at the university of Tehran. Also practical work in the Courts as an attorney at law in the national and international litigations.

I hope so this concise explanation be useful for dear students, honorable Judges and seeking lawyers for further legal information.

Dr. Mahmoud ERFANI
Professor of law at the University of Tehran
Tehran. August, 2007



Dr. Mahmoud ERFANI

(A) Curriculum vitae

Professor of Law the University of Tehran for 30 years and Attorney at Law, he was born in Ardebil, Iran, 1937. He completed elementary and high-school in Ardebil and Tehran. Bachelor of law (LL.B.) from Faculty of law, University of Tehran in 1969. Superior Study Diploma (Diplome d'Etudes Superieures D.E.S or LL.M.) in Paris 1973, and Doctor of Law (Docteur d'Etat en droit) in Private Law (LL.D.) from Paris University (Paris II) in 1976. He is specialized in Commercial Comparative Law. President of Hanri Capitant Association Iranian Group, member of International Academy of Comparative Law, member of International Institute of French Law Expression and Inspiration (IDEF, Paris), ATRIP (WIPO), Canadian Bar Association, and Forensic Expert in Registration of Companies, Trade Marks and Inventions.

B) Publications:

The most important works of Dr. ERFANI are as follows:
Commercial Law in 5 volumes, Comparative Law International Commercial Business Law in 2 Volumes, Commercial Law Made Simple and commercial codes, Introduction to Business law In Iran, company Law in Iran (both of them in English editions) and shareholders right of information, comparative study in French language (thesis, Paris University Paris II, 1976). Divorce in France and Italy and concise explanation of Iranian Commercial Code (Code annoté).
He has also published many articles in National and International Reviews.

C) Participation in the following congresses with presentation of articles:

Caracas(Venezuela)-(1982), Montreal (Canada)-(1990)-(1992), Beiging (China)-(1993), Cairo (Egypt) -(1994)-(1996), Rabat- (Marocco)-(1994),Athenes (Greece)-(1995), Damascus (Syria)-(1996), Luxembourg (Luxembourg)-(1997), Bristol (England)-(1998), Beyrouth (Lebanon)-(1999), Geneva (Switzerland)-(1999), Cairo (Egypt)-(2000), Brisban (Australia)-(2002), (Hanoy)(Vietnam)-(2003), Tokyo (Japan)-(2003),Utricht (Netherlands)- (2004), RiodeJaniro (Brasil)-(2005), Utricht (Netherlands)-(2006),Parma(Italy)-(2006), Bogota (Columbia)-(2007).

This Introduction to Business Law in Iran describes and summarizes the main aspects of doing business in the country. It Contains Overview, Iranian legal system, sources of law, Islamic Law judicial and legal systems, law of contracts, commercial and company laws, investment law, intellectual property law, employment and labor law, environmental law, maritime and shipping law, energy and oil law, private international law, arbitration, tax and customs. Arbitration, recognition and enforcement of foreign judgements and awards.